نشریه علمی

# فصلنامه راهبرد توسعه

سال بیستم و یکم ، شماره ۴ (پیاپی۸۴)، زمستان ۱۴۰۴

ISSN: ۱۷۳۵ – ۲۴۶۰

❖ نسبت بین توسعه اقتصادی و عدالت مهدوی ۸
حسن سبحانی/ علی ذوقی
❖ تحلیل راهبردهای رقابتیمکارانه در زنجیره تأمین سلامت: رویکرد آمیخته تحلیل مضمون و اولویت ترتیبی ۴۰
اسماعیل مزروعی نصرآبادی/ زهرا صادقی آرانی
❖ میزان اعتبار آرای قطعیت یافته حقوقی با نگرشی به ماده ی ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری۵۳
جعفر گلدار / علیرضا رجب زاده اصطهباناتی/ علیرضا مظلوم رهنی
❖ تحلیل تأثیر اقتصاد دانشبنیان بر نابرابری منطقهای در ایران۷۷
محمدغفاری فرد / بینظیر محمدی
❖ بررسی نقش گردشگری روستایی در خلق فرصتهای اقتصادی؛ مطالعه روستاهای منطقه ماسوله ۱۰۹
پرویز رفیعی شاد / ولی اله رستمعلی زاده/ خدیجه ذوالقدر
❖ بهینه سازی نوآورانه پرتفولیو سهام: یک رویکرد بهینه یکپارچه با استفاده از الگوریتم PSO و بدترین حالت CVaR_کاپولای پویا برای عملکرد پیشرفته. ۱۳۵
وحید ساعی/ یعقوب پور کریم/ سید علی پایتختی اسکوئی/ رسول برادران حسن زاده/ مهدی زینالی
❖ تدوین مدل بومی روزنامه نگاری بحران در رسانه ها برای مواجهه با بحران آب ۱۷۴
نرگس حسینی/ باقر ساروخانی / امیدعلی مسعودی
❖ تأثیر عوامل نهادی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران ۲۲۳
نهضت حسینی صدر/ محمدرضا ناهیدی امیر خیز/ رویا آل عمران
❖ مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیستهٔ کلیشههای جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی۲۵۱
صادق زحمت زاد خوری/ علیرضا خدایی/ کرامت اله رامش
❖ ارائه مدل توسعه رفتار سبز کارکنان با رویکرد ساختاری-تفسیری (مطالعه موردی:اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان ۲۷۲
سمیه آبرودی/ روح اله سمیعی/ راضیه نادرخانی
❖ راهکارهای توسعه مدیریت چالش های کارکنان دارای تنوع عصبی در سازمان آموزش و پرورش استان گیلان با تمرکز بر افراد نارسایی توجه/بیش فعال ۲۹۱
کبری شیخی/ سعید باقرسلیمی/ مراد رضایی دیزگاه
❖ تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه هایاول و دوم عمرانی ایران ۳۲۰
نبی امیدی/ ایوب منتی
❖ ارائه مدل مطلوب برای استقلال باطنی حسابرس ۳۴۷
ساناز عسگری اردکلو/ رسول برادران حسنزاده/ حیدر محمدزاده سالطه/ اکبر کنعانی
❖ توسعه کسب و کارهای خانگی در بازارچه های مرزی منطقه مکران ۳۶۹
خان محمد آسکانی/ مصطفی ژکیا/ میثم موسایی/ ولی اله رستمعلی زاده
❖ ارائه الگوی تدوین خط‌مشی پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت ۳۸۹
فائزه رضائی/ روح اله سمیعی/ راضیه نادرخانی
❖ نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه تطبیقی ج.ا.ایران و فرانسه) ۴۱۴
مصطفی کواکبیان/ عظیم متین
❖ بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت مصرف آب با استفاده از روش دلفی در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان ۴۴۴
هادی یاسر/ مظفر الدین شهبازی/ میثم موسایی
❖ تحلیل پهزیستی سازمانی مبتنی بر رهبری تیک-خواه با نقش میانجی تاب آوری در سازمان پهزیستی و ارائه مدل ۴۶۱
فاطمه یخشایشی/ زرین دانشورهریس/ جهانگیر یاری حاج عطالو
❖ اعتباریابی مدل مدرسه امن برای مدارس ابتدایی ۴۹۰
منیره مقدم / جعفر قهرمانی / محمد حسنی
❖ تاثیر مدیریت دانش و سرمایه فکری بر نوآوری و مزیت رقابتی با نقش یادگیری سازمانی و استراتژی تمایز: استفاده از دیدگاه هماهنگ سازی منابع (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور بندرعباس) ۵۲۱
امیرعباس نصیری / عماد کمالی

راهبرد توسعه

سال بیستم و یکم ، شماره ٤ (پیاپی ٨٤)، زمستان ١٤٠٤

Quarterly Journal of

# Development Strategy

Vol.21 , No.4 (84) , winter , 2026

**The Relationship between Economic Development and Mahdavi Justice**
*Hasan Sobhani / Ali Zoghi
**Analysis of Coopetition Strategies in Healthcare Supply Chain: A Mixed Approach of Thematic Analysis and Ordinal Priority**
*Esmaeil Mazroui Nasrabadi/ Zahra Sadeqi-Arani
**The validity of legally determined opinions with an attitude to Article 477 of the Criminal Procedure Code**
*Jafar Goldar /Alireza Rajabzadeh Estahbanati /Alireza Mazloum Rahni
**Analysis of the effect of knowledge-based economy on regional inequality in Iran**
*Mohammad Ghaffary Fard/ benazir mohammadi
**Investigating the Role of Rural Tourism in Creating Economic Opportunities: A Study of Villages in the Masuleh Region**
*Parviz Rafiei Shad/ Valiollah Rostamalizadeh/ Khadijeh Zolghadr
**Innovative Stock Portfolio Optimization: An Integrated Approach Using PSO Algorithm and Worst-Case CVaR with Dynamic Copula for Enhanced Performance**
*Vahid saee/ Yaghoub Pourkarim/ Seyedali Paytakhti oskoii/ Rasoul Baradaran Hassanzadeh/ Mehdi Zeynali
**Thesis title: Developing a local model of crisis journalism in the media to deal with the water crisis**
*Narges Hosseini/ Bagher Sarukhani/ Omid Ali Masoudi
**The effect of government institutions factors on Islamic banking system operation in IRAN**
*Nehzat Hosseini Sadr/ Mohammad Reza Nahidi Amir Khiz/ Roya Aleemran
**Phenomenological Study of the Lived Experience of Gender Stereotypes in the Family by Women and Girls in Bandar Lengeh Using Colaizzi's Model**
*Sadegh Zahmatzad Khori/ Alireza Khoddamy/ Keramatollah Rasekh
**Presenting a model for developing green employee behavior with a structural-interpretive approach**
*Somayeh Abrodi / Roohalla Samiee / Raziyeh Naderkhani
**Development strategies for managing the challenges of employees with neurodiversity in the Education Organization of Guilan Province with a focus on individuals with attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD)**
*Kobra Shiikhei/ Saeid BagherSalimi/ Morad Rezaei Dizgah
**The Impact of Truman's Point Four Program on Iran's First and Second Development Plans**
*Nabi Omidi / Ayoub Menati
**Providing the ideal model for the internal independence of the auditor**
*Sanaz Asgari ordaklu/ Rasul Baradaran hassanzadeh/ Heydar Mohammadzadeh salateh/ Akbar Kanani
**Development of Home-Based Businesses in the Border Markets of the Mokran Region**
*Khan mohammad askani/ Mostafa Azkia/ Meysam Moussaei/ Valiollah Rostamalizadeh
**Developing a Policy Model for Preventing Elite Migration in the Health Sector**
*Faezeh Rezaei/ Roohalla Samiee/ Raziyeh Naderkhani
**The Role of Parties in Political Development (A Comparative Study of Iran and France)**
*Moustafaa Kavakebyan/ Azim Matin
**Investigating Factors Affecting Water Consumption Management Using the Delphi Method in the Central Catchment Area of Zanjan Province**
*Hadi Yasser / Mozafaraddin Shahbazi /Meisham Moussai
**The Analysis of Organizational Well-being based on Benevolent Leadership with Mediating Role of Resilience in the Well-Being Organization and Providing a Model**
*Fatemeh Bakhshayeshi/ Zarrin Daneshvar Heris/ Jahangir Yari Hajatalo
**Validation of the safe school model for primary schools**
*Monireh Moghaddam/ Jafar Ghahremani/ Mohammad Hassani
**The Effect of Knowledge Management and Intellectual Capital on Innovation and Competitive Advantage with the Role of Organizational Learning and Differentiation Strategy: Using the Resource Coordination Perspective**
*Amir Abbas Nasir/ Emad Kamal

ISSN1735-2460

بسم الله الرحمن الرحیم




# راهبرد توسعه

**راهبرد توسعه (راهبرد یاس سابق)/ رتبه علمی: ب**

**سال بیستم و یکم ، شماره ۴ (پیاپی۸۴)، زمستان ۱۴۰۴**

**ISSN: ۱۷۳۵ - ۲۴۶۰**

- **صاحب امتیاز:** موسسه مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه
- **مدیر مسئول:** دکتر سید مرتضی نبوی
- **سردبیر:** دکتر میثم موسایی
- **مدیر داخلی:** علیرضا تاجریان

- **امتیاز:** رتبه علمی **ب** در سامانه رتبه بندی نشریات علمی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
- **ناشر:** مرکز پژوهشی مطالعات راهبردی توسعه و پژوهشکده تحقیقات راهبردی

- **نشانی:** تهران ـ خیابان فلسطین شمالی ـ پایین‌تر از زرتشت ـ پلاک ۵۵۴ ـ طبقه ۳
کدپستی: ۱۴۱۵۷۵۴۳۹۴– تلفن: ۸۸۹۹۱۱۷۷ – نمابر و سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱۸۸۹۹۱۸۰۲

**آدرس اینترنتی موسسه:** **www.tsrc.ir**
**پست الکترونیک:** **rahbord.tousee@gmail.com**
**سامانه ارسال و پی‌گیری مقالات:** **www.rahbord-mag.ir**

**این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:**

| | |
|---|---|
| پایگاه استنادی علوم جهان اسلام | www.isc.gov.ir |
| بانک اطلاعات نشریات کشور | www.magiran.com |
| سامانه یکپارچه مدیریت نشریات ایران | www.saminatech.ir |

- **چاپ:** انتشارات پژوهشکده تحقیقات راهبردی
- **قیمت:** ۳۶۰۰۰۰۰ تومان

**سردبیر:**

دکتر میثم موسایی: استاد دانشگاه تهران

**اعضای گروه دبیران :**

- دکتر حسن سبحانی: استاد دانشگاه تهران
- دکتر سید سعید زاهد زاهدانی: دانشیار دانشگاه شیراز
- دکتر حسین عیوضلو: دانشیار دانشگاه امام صادق(ع)
- دکتر محمدرحیم عیوضی: استاد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)
- دکتر منوچهر محمدی: استاد دانشگاه تهران
- دکتر عباس ملکی: دانشیار دانشگاه صنعتی شریف

**فصلنامه علمی راهبرد توسعه، مجله‌ای است نظری و تجربی که به مسایل مختلف توسعه در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و هدف از انتشار آن، زمینه‌سازی برای پیشرفت ایران و دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست ساله است.**

**راهبرد توسعه مفتخر است که آوردگاه اندیشه‌ها باشد. به همین منظور هیأت تحریریه فصلنامه راهبرد توسعه، از کلیه استادان، صاحب‌نظران و پژوهشگران برای ارسال مقالات علمی و پژوهشی خود جهت چاپ در این فصلنامه، دعوت به عمل می‌آورد.**

# راهنمای تهیه و ارسال مقالات

خواهشمند است برای ارسال مقاله، به این موارد توجه بفرمایید:

۱- نام و نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی، شغل، نشانی، کدپستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود را در برگه‌ای جداگانه قید و ضمیمه مقاله نماید.۷

۲- حجم مقاله بیش از ۲۰ صفحه و کمتر از ۱۰ صفحه (صفحه ۳۵۰ واژه‌ای) نباشد.

۳- در صورت ارسال مقالات ترجمه شده، تصویر متن اصلی مقاله و فهرست کامل منابع آن (با مشخصات دقیق کتاب‌شناسی) را به همراه ترجمه مقاله ارسال فرمایید.

۴- برای سهولت در ارزیابی و ویرایش، مقاله بر روی کاغذ A۴ و با رعایت فضای مناسب در حاشیه‌ها و میان سطرها، حروف‌چینی شده و یک نسخه پرینت به همراه فایل مربوطه ارسال گردد.

۵- مقاله‌های ارسالی از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:

الف- **چکیده:** چکیده‌ای ۲۰۰ تا ۳۰۰ کلمه‌ای به همراه واژگان کلیدی تهیه شود و ترجمه انگلیسی آن نیز ارائه گردد.

ب- **پاورقی‌ها:** توضیحات بیشتر در مورد موضوع، معادل‌های خارجی اسامی و اصطلاحات مبهم و مهجور با عنوان «پاورقی‌ها» در پایین صفحه مربوطه آورده شود.

ج- **منابع:** فهرست منابع فارسی و غیرفارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه (در ادامه همدیگر؛ ابتدا منابع فارسی و در ادامه منابع غیر فارسی) به ترتیب حروف الفباء آورده شود:

- *کتاب*: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، ***نام کتاب***، نام مترجم، شماره جلد، محل انتشار: نام ناشر، نوبت چاپ.
- *مقاله*: نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، ***نام نشریه***، شماره نشریه.

د- **ارجاعات:** ارجاعات به صورت درون‌متنی پس از نقل مطلب به صورت زیر آورده می‌شود:

- *منابع فارسی*: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)
- *منابع انگلیسی*: (نام خانوادگی، سال نشر: شماره صفحه)، با این توضیح که در اولین مورد به کاربردن نام خانوادگی، عبارت فارسی نام نویسنده در داخل متن به صورت فوق ذکر شده و به صورت لاتین در پاورقی ذکر می‌گردد.
- در صورت تکرار استفاده، ارجاع به صورت کامل، همانند بار اول، نوشته می‌شود و از کاربرد واژه‌های همان، پیشین و مانند آن خودداری شود.
- چنانچه از نویسنده‌ای در یک سال بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، این دو اثر با ذکر حروف الفبایی پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.

۶- راهبرد توسعه در پذیرش یا رد، اصلاح و ویرایش مطالب و نیز نحوه چینش مقالات آزاد است.

۷- ارسال مقاله برای فصلنامه راهبرد توسعه به منزله تعهد نویسنده مبنی بر جدید بودن مطلب و عدم انتشار آن در نشریه دیگری است.

۸- مقالات ارسال شده بازگردانده نمی‌شود.

۹- هرگونه استفاده از مطالب مندرج در این فصنامه با ذکر کامل نام منبع بلامانع است.

## فهرست مطالب


- **نسبت بین توسعه اقتصادی و عدالت مهدوی**..... ۸
حسن سبحانی/ علی ذوقی

- **تحلیل راهبردهای رقابتِ همکارانه در زنجیره تأمین سلامت: رویکرد آمیخته تحلیل مضمون و اولویت ترتیبی**.... ۴۰
اسماعیل مزروعی نصرآبادی/ زهرا صادقی آرانی

- **میزان اعتبار آرای قطعیت یافته حقوقی با نگرشی به ماده ی ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری**.....۵۳
جعفر گلدار / علیرضا رجب زاده اصطهباناتی/ علیرضا مظلوم رهنی

- **تحلیل تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در ایران**.....۷۷
محمدغفاری فرد / بینظیر محمدی

- **بررسی نقش گردشگری روستایی در خلق فرصت‌های اقتصادی؛ مطالعه روستاهای منطقه ماسوله**..... ۱۰۹
پرویز رفیعی شاد / ولی اله رستمعلی زاده/ خدیجه ذوالقدر

- **بهینه سازی نوآورانه پرتفولیو سهام: یک رویکرد بهینه یکپارچه با استفاده از الگوریتم PSO و بدترین حالت CVaR ـ کاپولای پویا برای عملکرد پیشرفته**..... ۱۳۵
وحید ساعی/ یعقوب پور کریم/ سید علی پایتختی اسکوئی/ رسول برادران حسن زاده/ مهدی زینالی

- **تدوین مدل بومی روزنامه نگاری بحران در رسانه ها برای مواجهه با بحران آب**..... ۱۷۴
نرگس حسینی/ باقر ساروخانی / امیدعلی مسعودی

- **تأثیر عوامل نهادی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران**..... ۲۲۳
نهضت حسینی صدر/ محمدرضا ناهیدی امیر خیز/ رویا آل عمران

- **مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیستهٔ کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی**..... ۲۵۱
صادق زحمت زاد خوری/ علیرضا خدامی/ کرامت اله راسخ

- **ارائه مدل توسعه رفتار سبز کارکنان با رویکرد ساختاری-تفسیری (مطالعه موردی:اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان**..... ۲۷۲
سمیه آبرودی/ روح اله سمیعی/ راضیه نادرخانی

- **راهکارهای توسعه مدیریت چالش های کارکنان دارای تنوع عصبی در سازمان آموزش و پرورش استان گیلان با تمرکز بر افراد نارسایی توجه/بیش فعال** ..... ۲۹۱
کبری شیخی/ سعید باقرسلیمی/ مراد رضایی دیزگاه

- **تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه های‌اول و دوم عمرانی ایران** ..... ۳۲۰
نبی امیدی/ ایوب منتی

- **ارائه مدل مطلوب برای استقلال باطنی حسابرس** ..... ۳۴۷
ساناز عسگری اردکلو/ رسول برادران حسن‌زاده/ حیدر محمدزاده سالطه/ اکبر کنعانی

- **توسعه کسب و کارهای خانگی در بازارچه های مرزی منطقه مکران** ..... ۳۶۹
خان محمد آسکانی/ مصطفی ازکیا/ میثم موسایی/ ولی اله رستمعلی زاده

- **ارائه الگوی تدوین خط‌مشی پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت** ..... ۳۸۹
فائزه رضائی/ روح اله سمیعی/ راضیه نادرخانی

- **نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه تطبیقی ج.ا.ایران و فرانسه)** ..... ۴۱۴
مصطفی کواکبیان/ عظیم متین

- **بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت مصرف آب با استفاده از روش دلفی در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان** ..... ۴۴۴
هادی یاسر/ مظفر الدین شهبازی/ میثم موسایی

- **تحلیل بهزیستی سازمانی مبتنی بر رهبری نیک-خواه با نقش میانجی تاب آوری در سازمان بهزیستی و ارائه مدل** ... ۴۶۱
فاطمه بخشایشی/ زرین دانشورهریس/ جهانگیر یاری حاج عطالو

- **اعتباریابی مدل مدرسه امن برای مدارس ابتدایی** ..... ۴۹۰
منیره مقدم / جعفر قهرمانی / محمد حسنی

- **تاثیر مدیریت دانش و سرمایه فکری بر نوآوری و مزیت رقابتی با نقش یادگیری سازمانی و استراتژی تمایز: استفاده از دیدگاه هماهنگ سازی منابع (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور بندرعباس)** ..... ۵۲۱
- امیرعباس نصیری / عماد کمالی

- **چکیده انگلیسی مقالات** ..... ۵۸۱

# سخن سردبیر

توسعه، به معنای فرایند شکوفا ساختن استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه یک جامعه در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تاریخی و محیطی از خواسته‌ها و آرمان‌های ملی ما در یکصد و پنجاه سال اخیر بوده و طی این مدت تلاش‌های بسیاری برای نیل به این هدف صورت پذیرفته است. نمونه عینی این تلاش‌ها، اجرای پنج برنامه توسعه قبل از انقلاب و شش برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی است.

علیرغم همه این تلاش‌ها و اجرای برنامه‌های مذکور، طبق شاخص‌های جهانی توسعه، کشور ما در جرگه کشورهای توسعه یافته قرار ندارد، با این وصف سؤالات متعددی برای هر پژوهشگری مطرح می‌شود، از جمله:

۱. چرا علیرغم اجرای برنامه‌های توسعه و علیرغم تلاشهای قابل توجه دولت و جامعه مدنی و ... هنوز جایگاه بایسته ای در توسعه نداریم؟
۲. موانع نیل به توسعه چیست؟
۳. عوامل مؤثر بر فرایند توسعه کدامند؟
۴. آیا عوامل خارجی در عقب ماندگی ما نقش اصلی را ایفا کرده یا عوامل خارجی؟
۵. نقش فرهنگ و باورهای جمعی در نیل به توسعه چه اندازه است؟
۶. آیا جغرافیای ایران می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در نیل به توسعه داشته باشد؟
۷. نقش شخصیت فرهنگی ایرانیان در این میان چه مقدار است؟
۸. آیا جامعه ما خصوصاً نخبگان در مسأله توسعه و مصادیق آن اجماع نظر دارند؟
۹. آیا تا کنون استراتژی مناسبی برای نیل به توسعه همه جانبه اتخاذ شده است؟
۱۰. چه رابطه‌ای بین توسعه و استقلال کشور وجود دارد؟
۱۱. آیا بدون آزادی‌های اجتماعی و سیاسی می‌توان به توسعه رسید؟
۱۲. آیا پتانسیل‌های طبیعی و انسانی در مناطق مختلف کشور به درستی شناسایی شده و مورد استفاده واقع شده است؟
۱۳. تنوع فرهنگی و تاریخی جامعه ما چه اندازه در تداوم وضعیت حاضر نقش داشته است؟
۱۴. و... صدها سؤال دیگر می‌توان بر این سیاهه افزود.

نکته قابل توجه این است که امروزه شرایط جهانی و حساسیت زمان به عنوان دو عامل مهم برای ضرورت حل و فصل مسائل توسعه به مجموعه عوامل جغرافیایی و تاریخی کشور افزوده شده است و این دو عنصر مسئولیت دولت و ملت را صد چندان می‌سازد. فصلنامه راهبرد توسعه، دریچه‌ای است برای نگاه علمی به ابعاد مختلف توسعه در ایران، موانع پیشرو و نقد برنامه‌ها و .... و استفاده از همه ظرفیت نخبگان کشور برای شناخت درست موضوع و ارائه راه حل‌های علمی برای نیل به توسعه همه جانبه.

بر این اساس همه محققان و علاقه‌مندان به توسعه کشور را دعوت میکنیم که نتایج تحقیقات و مطالعات خود را در قالب مقالات علمی برای این فصلنامه ارسال نمایند. انشاءالله جامعه ما از نتایج علمی و عملی آن ها بهره کافی و وافی برگیرد.

**دکتر میثم موسایی**

# مقالات

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٢٩-٨
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# نسبت بین توسعه اقتصادی و عدالت مهدوی

**حسن سبحانی**[١]
**علی ذوقی**[٢]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۱۶)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

در این مقاله دو مقوله توسعه اقتصادی و عدالت به طور جداگانه ارزیابی و به ارتباطات بین این دو در بستر جامعه مهدوی پرداخته شده است. فرضیه این تحقیق آن است که در حاکمیت حضرت مهدی(عج) ضمن اینکه با وفور عوامل تولید و کارایی نهادهای اقتصادی مواجه هستیم، حضور توسعه ای دولت متجلی است و از طریق تولید انبوه کالاها و خدمات که در پناه امنیت ناشی از عدالت گستری حاصل می شود، رفع فقر، افزایش رفاه، توسعه اقتصادی و مآلا" توزیع عادلانه ثروت و درآمد را شاهدیم. لذا نه از جنبه معرفتی و نه از جنبه اجرایی، بین تحقق توسعه اقتصادی و عدالت تفکیک و جدایی وجود ندارد. لذا مقاله به دنبال جست و جوی تناسب بین دو امر توسعه و عدالت در جامعه مهدوی می باشد و کم و کیف این تعامل را به شیوه و سبک پژوهش اسنادی یا همان روش تحلیلی توصیفی جستجو می کند. نتایج نشان می

---

١- استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).
sobhanihs@ut.ac.ir
٢- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تهران.

دهند که دو امر توسعه و عدالت قابل جمع، هم راستا و موید یکدیگر هستند. به عبارت دیگر توسعه یافتگی همان راهیابی معطوف به عدالت به منظور اجرای احکام دین در جامعه موحدان می باشد.

**کلمات کلیدی:**
توسعه، توسعه اقتصادی، عدالت، جامعه مهدوی.

**۱- مقدمه:**

تلاش انسانها برای فراهم آوردن شرایطی که به موجب آن توانایی تامین امکانات مورد نیاز زندگانی خود را داشته باشند پیشینه ای به درازای تاریخ دارد. این تلاش که طبعا" بر تمایل و همچنین مقتضیات حاکم بر انسان مبتنی بوده است، انسان را به دخل و تصرف در طبیعت وا داشته و به تبع آن امکانات لازم را برای تولید کالاها و خدمات در اختیار وی قرار داده است، به نحوی که انسان برخوردار از دانش و امکانات اولیه دیروز را به انسان مجهز به علم و فناوری امروز تبدیل کرده است.

بشر برای نائل آمدن به آرمانها و ایده آل های خود از طریق یافتن روشهایی که او را بر طبیعت سیطره بخشیده و با بهره مندی از نیروها و امکانات موجود در آن، زمینه بروز پدیده ای را در برخی جوامع فراهم کرده است که اصطلاحا" توسعه یافتگی نامیده می شود. جوامعی نیز در خارج از این دنیای توسعه یافته با الگو پذیری از آنان تلاش کرده اند تا خود را به مرز توسعه یافتگی برسانند.

در اینکه توسعه چیست، مباحث زیادی مطرح است تا جایی که جرالد ام میر می گوید: ساده تر است که بگوییم توسعه اقتصادی چه چیزی نیست اما اگر بخواهیم تا برخی شرایط و روشهای اتخاذ شده یا توصیه گردیده برای نیل به توسعه یافتگی را برشماریم و علل را تا حدودی تبیین کنیم، اجمالا" بر این تعریف اعتبار می کنیم که توسعه اقتصادی جریانی است که از طریق آن درآمد سرانه حقیقی یک کشور طی یک دوره زمانی طولانی افزایش می یابد مشروط بر اینکه تعداد افراد زیر خط فقر مطلق افزایش نیابد و توزیع درآمد هم نابرابرتر نشود (میر، ۱۹۸۹: ۵-۶). بر طبق این تعریف و تعاریف مشابه زمانی افزایش درآمد سرانه یک کشور به توسعه می انجامد که تعداد افراد زیر خط فقر مطلق افزایش نیابد و توزیع درآمد به سمت

برابری برود که این خود به معنای ارتباط فیما بین توسعه و توزیع درآمد و یا عدالت می باشد. از آنجا که اندیشمندانی بر این عقیده اند که باید میان دو مفهوم توسعه و عدالت گونه ای از ارتباط و تعامل متقابل وجود داشته باشد، محققان در این پژوهش به دنبال یافتن نسبت حقیقی بین این دو امر می باشند. بعبارتی دیگر این مقاله، دنبال می کند که چگونه می شود بین توسعه اقتصادی و عدالت نسبتی ایجاد کرد که جوامع ضمن حرکت به سمت توسعه یافتگی از مسیر عدالت جا نمانده و فواید توسعه نصیب همه اقشار جامعه گردد. چرا که در عمل چه در جوامع توسعه یافته و چه در جوامع در حال توسعه نسبت مستقیم و ملازمت کافی میان این دو امر دیده نمی شود. به عبارت دیگر، حتی در جوامعی که فقر و توسعه نیافتگی از ویژگی های غالب آنها نیست، کمبودهای عاطفی و روانی به مثابه واقعیتی انکارناپذیر خودنمایی می کند و این نکته را خاطر نشان می سازد که انسان مستظهر به دانش و فن و برنامه ریزی امروز برای ساماندهی بایسته امور اقتصادی و حیاتی خویش به شیوه ها و ابزارهای دیگری نیاز دارد که هنوز حتی در آستانه چشم انداز دستیابی به آنها نیز قرار نگرفته است. بنظر می رسد آنچه از دسترس انسان ساعی و جستجوگر و کنجکاو امروز خارج است، آینده سرشار از امکانات مورد نیاز انسان در کنار سعادت و معنویت است.

از طرف دیگر، جوامع مسلمان که عمدتا" توسعه نیافته اند یا حداکثر در حال توسعه اند در طبقه بندی های موجود توسعه یافتگی از شرایط قابل قبولی برخوردار نیستند و جای تاسف آنجاست که عده ای از حتی مسلمانان این محرومیت و فقر را به دین و اسلام نسبت می دهند و دلیل توسعه نیافتگی خود را در آن جستجو می کنند. این عده با کنار هم گذاشتن پدیده توسعه یافتگی در غرب و منزوی بودن دین در آن از سویی و توسعه نیافتگی جوامع اسلامی و فعال به نظر رسیدن اسلام در آنها از سوی دیگر، رابطه ای علت و معلولی بین دین و توسعه برقرار می سازند و نتیجه می گیرند که دین و از جمله اسلام عامل توسعه نیست و بلکه مانع آن هم شمرده می شود. اگر این سخنان تلخ و نادرست را در کنار ارکان مستحکم جامعه ای قرار دهیم که مستند به احادیث و روایات موجود ما در دوران حکومت امام مهدی(عج) برقرار است و ویژگی های کمال یافته ای را شامل می شود، آنگاه به عمق فاصله ای که در فهم ما از اسلام وجود دارد و فاصله وضع موجود ما با آموزه های دینی واقف می شویم (سبحانی، ۱۳۸۸: ۱۵-

.(۱۸

تبیین وجوه اقتصادی حکومت امام مهدی(عج) به نحوی که با ابزارهای استدلالی موجود هم سازگاری داشته باشد، این واقعیت را آشکار می سازد که به لحاظ منطقی اسلام عامل توسعه است و آنچه در جوامع امروزین اسلامی دیده می شود، اسلام نیست. احیاء اسلام واقعی و فراهم آوردن شرایط لازم و کافی برای نمایش ابعاد حیات بخش اسلام شرایطی را فراهم می سازد که توسعه مورد نظر اسلام را به ارمغان می آورد که رفاه، امنیت، فراوانی، کارایی و مهمتر از همه توزیع عادلانه را امکان پذیر می سازد به نحوی که بار سنگین بی عدالتی ناشی از توزیع ناعادلانه منابع و امکانات در اختیار بشر، جای خود را به عدالت موعود در حکومت آن حضرت(عج) خواهد داد. از اینرو می توان اینگونه تبیین کرد که توسعه و عدالت کامل، در سایه سار حکومتی آرمانی همچون حکومت حضرت مهدی(عج) است که شکل گرفته و با یکدیگر جمع می گردند و اهمیت این موضوع هم دقیقا" همینجاست که آنچه توسعه و عدالت را به معنای واقعی محقق می سازد، تناسب و تلازم بین این دو امر است.

## ۲- سوال تحقیق:

چه نسبتی بین توسعه اقتصادی و عدالت مهدوی وجود دارد؟ غرض آن است که با توجه به ویژگی های توسعه اقتصادی و مختصاتی که برای دوران عدالت گستر مهدوی گفته شده، بررسی شود که آیا رابطه ای بین این دو مهم وجود دارد؟ بعبارتی دیگر ماهیت رابطه میان توسعه اقتصادی و عدالت در حکومت مهدوی چگونه است؟

## ۳- روش تحقیق:

روش تحقیق این مقاله، کیفی و از نوع مطالعات اسنادی به نحو توصیفی - تحلیلی است. در تحقیقات توصیفی - تحلیلی محقق علاوه بر اینکه به دنبال چگونه بودن موضوع است، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مساله می پردازد (حافظ نیا، ۱۴۰۲). بدیهی است محققان صحت آیات و روایات وارده در این خصوص را مفروض گرفته و صرفا" به آنها استناد و به منابع موجود تا حد امکان مراجعه کرده اند. در واقع داده ای از آینده یک حکومت مبتنی بر آموزه های دینی در دسترس نیست که بتوان با استفاده از آنها روابطی

ریاضی گونه را مورد تحلیل مقداری قرار داد. محققان ناگزیر هستند استنتاجات خود را به روش قیاسی و در ذیل آیات و احادیث مستند و استخراج نمایند و قصد اجتهاد، ادعا و اظهارنظر دینی ندارند.

## ٤- پیشینه تحقیق:

ایزدی (۱۴۰۱) در مقاله ای با عنوان «عدالت و توسعه اجتماعی»، استدلال می کند که ادعای عدالت به مثابه و در حکم توسعه و یا برعکس توسعه عدالت گرا اثبات پذیر است. او با نفی دوگانه عدالت یا توسعه، نتیجه می گیرد که این دو ارزش و یا دو خواسته متعالی انسان کمال طلب نه تنها در تعارض نیستند، بلکه کاملاً هم‌راستا و مکمل یکدیگرند.

اله وردیها (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «چشم انداز حاکمیت مهدوی از منظر حقوق شهروندی و توسعه عدالت (در نهج البلاغه و روایات مهدوی)»، با تمرکز بر حکومت مهدوی عنوان می کند که در آن حاکمیت، به مؤلفه هایی چون توسعه عدالت و مساوات، آزادی های فردی و اجتماعی و به اصطلاح حقوق شهروندی توجهی ویژه می شود؛ در پرتو عقل وحیانی و بینش ربانی امام مهدی(عج)، همگان و به خصوص افراد بی پناه جامعه و یتیمان و طبقات ضعیف، از گستره عدالت و احسان نظام حق بنیانش بهره مند شده و این خود، بستری برای شکل گیری جامعه الهی و نیز توسعه وجودی و تعالی روحی انسان و رشد ذهنی جامعه بشری و برای پذیرش حاکمیت دینی و تحقق حاکمیت وارثان زمین می شود.

جعفری، مومنی و محمودی نیا (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی توسعه عادلانه در اقتصاد ایران با رویکرد شاخص های چند بعدی (فقر چندبعدی و شاخص ترکیبی عدالت)»، بیان می کنند که هفت دهه تاریخ پس از جنگ جهانی دوم، با تحول ادراک مفهوم توسعه همراه بوده است و شاید مهم ترین تحول در مفهوم توسعه، گذار از نگاه صرفاً کمی و مبتنی بر رشد اقتصادی به سوی یک تحول ساختاری و کیفی بوده است؛ این تحول کیفی باید ضمن بهبود ابعاد درآمدی و غیر درآمدی رفاه، از پایداری و مهم تر از آن، از توزیع عادلانه نیز برخوردار باشد.

پارسائیان (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی از منظر

قرآن»، بیان می کند که این دو مفهوم انطباق زیادی بر یکدیگر دارند و در واقع می توان گفت که توسعه یافتگی همان راهیابی به سوی عدالت اجتماعی است و هر دو در الگوی رفتاری خلیفه الهی به وحدت می رسند. عدالت و توسعه هر دو هدف نهایی اقتصاد اسلامی و زمینه ساز یکدیگر هستند و بدون هم کارایی ندارند.

عزتی، عزتی و مزینی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل مولفه های عدالت اقتصادی ایران»، تأکید می کنند که برای تحقق عدالت باید از مفهوم ساده انگارانه برابری فاصله گرفت و به مفهوم عدالت بر اساس رعایت استحقاق ها و بهره مندی از فرصت هایی که حق افراد است، نزدیک شد. آن ها این نگاه را از منظر قانونی، علمی و اسلامی، واقع گرایانه تر و پسندیده تر می دانند و استدلال می کنند که سیاست های معطوف به برابری مطلق در نتایج، می تواند انگیزه تلاش و نوآوری را از بین برده و در بلندمدت به ضرر کل جامعه و حتی فقرا تمام شود.

لاریجانی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «سنجش سازگاری عدالت اجتماعی و توسعه»، استدلال می کند که عدالت در اسلام، اولاً و بالذات همه جانبه بوده و ثانیاً و بالعرض نه تنها مانع رشد و توسعه نیست، بلکه به عنوان عامل محرک آن عمل می کند. او همچنین عدالت اجتماعی را به مثابه موتور محرک رقابت‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی و پیشران رشد و توسعه تبیین می کند و نظام عدالت در اسلام را یک سازه کارآمد و نه یک ناسازه می داند که این نظام مفاهیم درعین حال که واجد انسجام هستند با نظام بازار آزاد نیز سازگاری دارند. او جامعیت اسلام را مانع آن می داند که اسلام در برابر نظام بازار آزاد صامت و ساکت باشد.

خاندوزی، سرآبادانی و مصطفوی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص های عدالت در اقتصاد متعارف و ارزیابی آن ها از منظر اسلامی»، نشان داده اند محتوای ارزشی معیارهای عدالت، به وضوح خود را در شاخص های متفاوت نمایان می‌سازد. سپس با گردآوری تمامی شاخص های عدالت اقتصادی (غربی و اسلامی) به طبقه‌بندی شاخص های عدالت در اقتصاد پرداخته‌اند.

سیدنورانی و خاندوزی (۱۳۹۱) در مقاله ای تحت عنوان «مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام»، معتقد هستند که داشتن معیاری برای سنجش عدالت اقتصادی به ارزیابی واقع بینانه از نزدیکی یا دوری به وضعیت عادلانه کمک می کند و نیز به دست آوردن قضاوت صحیح از

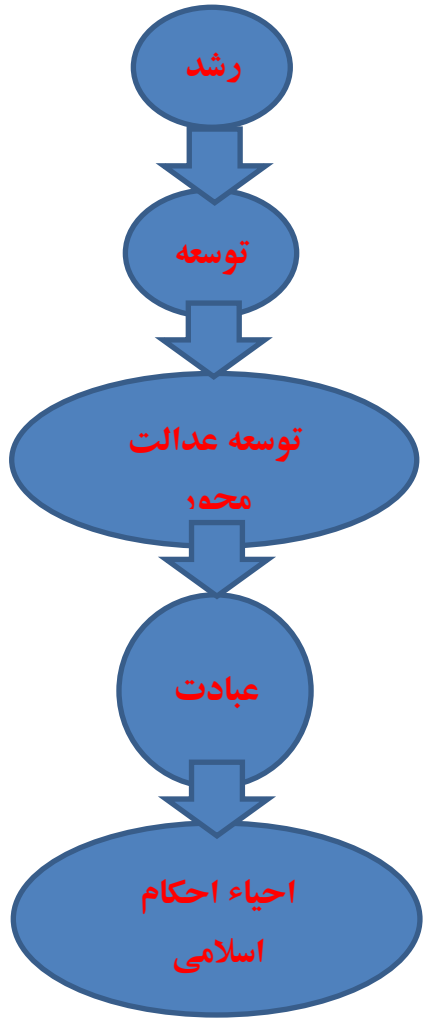
تاثیر سیاست ها بر بهبود یا وخامت عدالت اجتماعی کمک می کند؛ همچنین اقتصاددانان سنجه های متعددی را در حوزه فقر یا نابرابری معرفی نموده اند که هیچ کدام با محتوای عدالت اسلامی تطابق کامل ندارد.

زریباف (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «نظری بر اندیشه توسعه عدالت محور»، ضمن بیان دو رویکرد اساسی تقدم توسعه بر عدالت و توسعه توأم با عدالت، به تبیین اندیشه توسعه عدالت محور می پردازد. او توسعه اقتصادی را افزایش و گسترش کمی و کیفی توان اقتصادی به منظور تکامل مادی و معنوی انسان ها و جوامع، مبتنی بر اصل عدالت تعریف می کند که باید با اقتضا و مناسبات و تحولات عینی جامعه متناسب باشد.

بختیاری (۱۳۷۹) در تحقیقی با عنوان «عدالت و توسعه در اسلام»، ضمن رد شبهاتی که اسلام را مخالف مال و ثروت و اصولا" دنیا و توسعه مادی عنوان می کنند، با توجه به تاکیدات مکرر اسلام در زمینه عدالت، بسترها و زمینه هایی را مورد اشاره قرار داده که عدالت را در جامعه محقق می گرداند و بر این اساس عمران و آبادی و توسعه را بر مبنای عدالت استقرار می سازد. در پایان نتیجه می گیرد که اسلام نه تنها مخالف توسعه نیست بلکه توسعه در مفهوم خاص آن مطلوب، مورد نظر و توجه اسلام است.

## ۵- چارچوب نظری موضوع:

این تحقیق در قالب نظریه ای مبتنی بر روایات و آیات قرآن پیکر بندی می شود که به موجب آن رشد اقتصادی عامل توسعه اقتصادی است و چنانچه این فرآیند با توجه به آموزه های اسلامی صورت گیرد نتیجه آن تاسیس توسعه ای عدالت محور است. توسعه معطوف به عدالت زمینه ساز و تمهید شرایط کننده عبادت بایسته و تکاملی و مایه احیاء احکام اسلامی است. در این چارچوب بعد از بیان مفاهیم مهم و کلیدی درباره توسعه و عدالت، به تبیین روابط و نسبت بین این دو پرداخته و به سئوال تحقیق پاسخ داده می شود.




### ۱-۵) توسعه اقتصادی

مفاهیم مربوط به توسعه بسیار متنوع و گسترده است که به عنوان نمونه می توان گفت "توسعه همواره از اساسی ترین دغدغه های ذهنی اندیشمندان بوده است. برخی اندیشمندان توسعه را تغییرات کیفی در خواسته‌های اقتصادی، نوع تولید، انگیزه‌ها و سازمان تولید می دانند در حالی که برخی دیگر آن را نوعی تکامل فکری و فرهنگی جامعه ارزیابی می کنند. در مفهوم علمی،

توسعه مبین یک نوع بازسازی کامل جامعه و به عبارت دیگر تحول تمدنی به تمدن دیگر است (Todaro, ۱۹۷۷)".

در مورد تعریف توسعه، میردال می گوید: منظور از توسعه حرکت رو به بالای کل نظام اجتماعی است. این تعبیر از نظام اجتماعی در کنار عوامل اقتصادی همه عوامل غیر اقتصادی را هم لحاظ می کند. عواملی مانند همه نوع مصارف گروه های مختلف مردم، مصرف کل، سطوح و تسهیلات بهداشتی و آموزشی، توزیع قدرت در جامعه و تدابیر عمومی تر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و به بیان گسترده تر: نهادها و نگرش ها را (Myrdal, ۱۹۷۴).

استیگلیتز پارادایم جدیدی در توسعه را پیش می نهد که وی آن را توسعه به مثابه‌ی تحول می نامد. استیگلیتز یک راهبرد توسعه‌ای برای شکل دهی مجدد جهانی شدن پیشنهاد می کند که آن را انسانی‌تر، کاراتر و برابرتر سازد. توسعه به لحاظ توصیفی نشانگر تحول جامعه است. توسعه حرکتی از روابط سنتی، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی سنتی، شیوه‌های سنتی رفتار با ثروت و آموزش و پرورش و روش‌های سنتی تولید به سوی شیوه‌های مدرن است. چشم‌انداز مدرن، صرف نظر از آن که جهان را به همین صورتی که هست می پذیرد، همچنین قبول می کند که ما به عنوان افراد و جوامع، می توانیم اقداماتی را پیش بگیریم که فی‌المثل مرگ نوزدان را کاهش دهد، طول عمر را بیفزاید و بر قدرت تولید اضافه کند. به لحاظ تجویزی، توسعه‌ی اخلاق بنیاد، فرض را بر آن می گیرد که افراد باید در آن کنش‌های جمعی درگیر شوند که منجر به رشد پایدار، برابر و مردم‌سالارانه شود. توسعه به تحول اجتماعات، بهبود زندگی فقرا، تأمین شانس موفقیت برای همه و امکان دستیابی به بهداشت و آموزش و پرورش برای هر کس اشعار دارد (Stiglitz, ۱۹۹۸: ۷۷).

ابهامات در مورد این که چگونه توسعه حاصل و اندازه گیری می شود به طراحی شاخص توسعه انسانی از سوی برنامه توسعه ملل متحد در سال ۱۹۹۰ انجامید. شاخص توسعه انسانی تلاشی در جهت رسیدن به مفهوم عینی از توسعه از طریق ترکیب شاخص های رفاه اقتصادی و اجتماعی است. هسته اصلی این مفهوم آن است که انسان را محور قرار می دهد نه درآمدها را. این شاخص بر این فرض استوار است که مردم ثروت واقعی یک ملت هستند. هدف اساسی توسعه ایجاد محیط زیستی توانمند برای مردم به منظور زندگی طولانی با سلامت و خلاقانه

است. توسعه انسانی فرآیند افزایش انتخاب های مردم است. مفهوم توسعه انسانی را به طرق مختلف می توان درک کرد. توسعه انسانی از نظر سیاسی و اقتصادی در ارتباط با ثبات، امنیت و رفاه نسبی شهروندان است. از نظر اجتماعی به سواد، آموزش، روابط اجتماعی و تا حدودی به کیفیت زندگی مربوط می شود. از نظر اخلاقی مستلزم رشد و پیشرفت وجدان، آگاهی اخلاقی و اراده و توان جمعی است تا مطابق با دانش اجتماعی و فرهنگی که درست بنظر می رسد رفتار کند و در جهان در حال توسعه این موضوع غالبا" با مذهب و ابعاد روحانی زندگی همپوشانی دارد. نهایتا" از نظر روان شناختی توسعه انسانی با سلامت ذهنی، احترام به خود، موفقیت در امور با اهمیت و سعادت انسانی در ارتباط است (هینز، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۷).

توسعه آن هنگام محقق می شود که عوامل اساسی ضدآزادی همچون فقر و ظلم، فرصت های کم اقتصادی، محرومیت نظام مند اجتماعی، بی توجهی به تامین امکانات عمومی، عدم تسامح و یا دخالت بیش از حد دولت های سرکوب گر از بین برود. گاه نبود آزادی‌های اساسی با فقر اقتصادی رابطه مستقیم دارد. با وجود فقر اقتصادی افراد نمی توانند در رفع گرسنگی، تامین تغذیه کافی، معالجه و درمان بیماری های قابل علاج، تامین پوشاک مناسب، پناه گاهی برای زندگی، تامین آب سالم و امکانات بهداشتی آزادی عمل داشته باشند. در موارد دیگر نبود آزادی، ارتباط تنگاتنگ با کمبود امکانات و برنامه های عمومی و تأمین اجتماعی نظیر برنامه های واگیردار یا برنامه های منظم امکانات بهداشتی و آموزشی و یا انستیتوها و سازمان‌های مفید و کارای مورد نیاز برای حفظ نظم و ثبات و صلح منطقه‌ای دارد. موارد دیگری نیز وجود دارد که نقض آزادی به طور مستقیم ناشی از نفی آزادی های مدنی و سیاسی از سوی رژیم های اقتدارگرا و یا ایجاد محدودیت برای مشارکت آزاد مردم در فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است (سن، ۱۳۹۴: ۱۸). شاخص توسعه انسانی دارای سه جزء اصلی سلامتی و طول عمر که با شاخص نرخ امید به زندگی در بدو تولد اندازه گیری می شود، دسترسی به آموزش و تحصیلات که با شاخص های میانگین سالهای تحصیل و سال های مورد انتظار تحصیل محاسبه می شود، میزان سطح رفاه و بهره مندی از سطح زندگی مناسب که با شاخص درآمد سرانه واقعی اندازه گیری می شود، است (Sen & Anand, ۱۹۹۴: ۶-۱۱). از حرف های سن می توان نتیجه گرفت که اگر توسعه اتفاق بیفتد مواردی چون توزیع بهتر درآمد، برابری، آزادی، آرامش، افزایش رفاه و سواد و قدرت انتخاب، بالا رفتن سطح زندگی و فکر مردم

تحقق پیدا خواهند کرد.

کاهش شکاف های اجتماعی و اقتصادی، ایجاد امنیت، ایجاد خدمات عمومی، استقرار نهادهای اقتصادی، ایجاد فرصت های مناسب برای استفاده مطلوب از منابع، توزیع مطلوب تر درآمدها و ثروت ها، گسترش سطح آموزش، سرمایه گذاری های بالاسری و اجتماعی و ... از وظایف مهم و ضروری دولت ها برای نیل به اهداف توسعه اقتصادی شمرده شده است (قره باغیان، ۱۳۸۰: ۱۴۰).

بر اساس آنچه از نظر برخی از اندیشمندان در باره ویژگی ها و مختصات توسعه گفته شد اینطور بنظر می رسد که توسعه یک مفهوم به معنای تحول و از کالی به رسیدگی تبدیل شدن اوضاع و شرایط جامعه است، تحولات در راستایی که هر چیزی سر جای خود قرار بگیرد و هر انسانی متناسب با استعدادش به لیاقت خود برسد بدین معنا که توسعه با نجات دادن مردم از گرفتاری های مادی بدنبال بروز استعداد آدمها در زمینه های مختلف است. می توان گفت رشد مقدمتا" استعداد آدمی را رها و سپس شکوفا می کند. معمولا" استعداد یا امکانات مصروف اولویت ها می شود، حال اگر اولویت ها درست انتخاب شده باشند امکانات می تواند باعث توسعه شود. برعکس اگر انسانها در فقر و گرفتاری بمانند، احتمالا" استعدادشان صرف امور اولیه می شود. پس می توان نتیجه گرفت که اگر از اولویت های غلط یا اولیه بتوان درست عبور کرد آدمها متناسب با امیال خود به مسائل فکری، معنوی، علوم و فنون، جهان بینی و عدالت پرداخته، سطح سواد بالاتر رفته و درنهایت آرامش ایجاد می شود لذا کیفیت زندگی تغییر خواهد کرد؛ پدیده ای که همان تحقق توسعه است. این است که توسعه را می توان همان تغییرات معطوف به رشد اقتصادی نامید.

## ۵-۲) جایگاه برابری و عدالت در توسعه

در این مقاله بین عدالت و برابری تفاوت قائل شده است. اقتصاد بیشتر از تلاش برای بهبود درآمد صحبت می کند و به عدالت نفیا" و اثباتا" کاری ندارد. در مباحث توسعه هم بحث برابری مطرح می شود. سنجش از طریق شاخص هایی مثل ضریب جینی و یا نسبت درآمدهای دهک های مختلف به یکدیگر نمونه هایی از آن است.

نظریه عدالت به مثابه استحقاق رابرت نوزیک در مورد عدالت اقتصادی شامل سه رکن است.

رکن اول تحت عنوان «اصـل عدالت در تملک» راجع به تملک نخستین است که فرد چیزهایی را که مالکی ندارد، صـاحب می شود. وی بیان می دارد اگر شخصی دارایی بی صـاحبی را به دست آورد، مالک آن می شود. در این نگاه جهان طبیعت ابتدا بی صاحب و بی مالک است و از طریق تصاحب اولیه به ملک انسانها درمی آید. رکن دوم نظریه تحت عنوان «اصل عدالت در انتقال» به بحث انتقال مالکیت مربوط است. این بخش به نحوه انتقال مالکیت به وسیله مبادله، هبه یا هرگونه قرارداد یا عرفی که بین مردم مرسوم است، اختصاص دارد. تنها شرط عادلانه بودن مبادلات دوطرفه یا یکطرفه همچون هبه، آزادانه و اختیاری بودن آن است. بنابراین مبادله آزادانه، بدون زور، فریب، حمله، تهدید و مانند آن موجه و مشروع است. نظام توزیعی در نگاه نوزیک وقتی عادلانه است که بر این دو اصـل مبتنی باشد و هر کس طبق اصـل اول چیزی را مالک شد، استحقاق آن را خواهد داشت و استحقاق های بعدی طبق اصل دوم تعیین می گردد. نوزیک رکن سـوم را تحت عنوان «اصل اصلاح» مطرح می کند. اصل اصلاح بی عدالتی ها به این موضوع توجه دارد که تصاحب های اولیه اگر به طور ظالمانه صورت گرفته باشد، نظیر تصاحب ظالمانه اموال آفریقاییان توسط اروپاییان باید با اصلاح مواجه گردد. نوزیک خود معترف است که این اصل بسیار مبهم است و چه بسا عمل به آن ممکن نباشد. با این دیدگاه نوزیک با نظریاتی که دنبال الگوی خاصی در بازتوزیع اند، همچون توزیع بر اساس شایستگی، نیاز، تلاش یا .. . مخالفت می کند و تنها معیار توزیع را استحقاق و صحت تصاحب می داند بنابراین هر آنچه فرد از طریق تملک، اکتساب یا انتقال مشروع به دست می آورد ، موجه و مشروع است و برابری یا نابرابری اهمیتی ندارد. مبادلات اقتصـادی همواره متأثر از ویژگی های فردی نابرابر است و کسی نمی تواند فرصت های افراد را شناسایی و برابری ایجاد کند. برای نمونه نظریاتی که ملاک توزیع را بر محور شایستگی قرار می دهند، به اعتقاد نوزیک نادرست اند؛ زیرا اگر تملک از راه استحقاق صورت گرفته باشـد، مثلا" با ارث به فرد منتقل شده باشد، حتی اگر طبق الگوی شایستگی نباشد، مشروع است . اگر از راه های انتقال مشروع همچون مبادله، اهدا یا ارث نابرابری ایجاد شود، تغییر این نابرابری و بازتوزیع، ناموجه خواهد بود. چنانکه هواداران یک ورزشکار بخواهند، مبلغی را به او اعطا کنند و بـه همین مناسبت نـابرابری ایجـاد شود، این انتقال مشروع است و بازتوزیع شرایط را عادلانه تر نمی کند. الگوهای بازتوزیع، آزادی افراد را در هدیه دادن یا ارث

گذاشتن به دیگران محدود می کند و مداخله ای نامشروع و ناعادلانه است (Nozick, ۱۹۷۴: ۱۴۹-۲۳۶).

نظریه عدالت جان رالز دارای دو اصل می باشد. اصل اول: هر شخصی حقی برابر در برخورداری از گسترده ترین آزادی اساسی دارد که سازگار است با آزادی مشابه برای دیگران. اصل دوم: نابرابری های اجتماعی و اقتصادی باید به گونه ای طراحی داده شوند که هم (الف) بتواند به سود محروم ترین افراد باشد و هم (ب) منظم به مناصب و موقعیت‌هایی باشند که تحت شرایط برابری منصفانه‌ی فرصت، باب شان به روی همه گشوده است. اصل اول اصل آزادی اساسی برابر، اصل دوم (الف) اصل تفاوت و اصل دوم (ب) اصل برابری فرصت نامیده می شود. اصل آزادی اساسی برابر مهمترین اصل است. نمی توان به کاری دست زد که این اصل را نقض می کند، حتی اگر دو اصل دیگر را مراعات کند. اولویت بعدی اصل برابری فرصت و در نهایت اصل تفاوت است (Rawls, ۱۹۷۱: ۲۶۶).

سن در توضیح اندیشه خود درباره عدالت، از مفهوم قابلیت استفاده می کند و آن را مجموعه ای از عملکردهای مختلف می داند که برای فرد با ارزش هستند و فرد می تواند از میان آنها دست به انتخاب بزند. سن در مورد مفهوم قابلیت، دو مفهوم اساسی را به کار می برد که در ارتباط با هم اندیشه قابلیت را شکل می دهند. آزادی و عملکرد. زمانی که سن از آزادی به عنوان محور رهیافت قابلیت سخن می گوید، منظور او توانایی انتخاب عملکردهایی است که برای فرد با ارزش هستند و فرد برای داشتن آنها دلیل دارد. سن معتقد است آزادی دارای دو جنبه مهم است که تمایز میان آنها برای رهیافت قابلیت حائز اهمیت است. نخست جنبه فرصتی آزادی است که عبارت است از توانایی ما برای انتخاب و پیگیری ارزش هایی که برای ما مهم هستند و برای داشتن آنها دلیل داریم. دوم جنبه فرایندی آزادی است که به آزادی فعالیت ها و تصمیمات، خارج از هر نوع محدودیت بیرونی اشاره دارد. او معتقد است آزادی و توانمندی انتخاب آنچه برای فرد ارزشمند است و کیفیت زندگی او را می سازد، باید مبنای ارزیابی و قضاوت ما در مورد برابری و عدالت باشد (سن، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

از مفهوم توسعه اینگونه استنباط می شود که اگر جوامع از طریق تولید، کار و توزیع مناسب

درآمد توسعه پیدا کنند آنگاه عوامل انسانی متناسب با استعدادشان درآمد دریافت می کنند، شخصیتشان حفظ و نیازهایشان تامین می شود لذا ضرورت دارد در جریان توسعه به توزیع مناسب درآمد توجه شود.

### ۳-۵) عدالت مهدوی

معنای اصلی واژه عدل که میانداری بین افراط و تفریط یا همان حق محوری است در نظام معنایی قرآن، با برخی از مفاهیم دینی و اخلاقی از جمله قسط، حق، ایمان، علم، صدق و تقوی ارتباط عمیقی دارد. در حقیقت، مفاهیم به دست آمده، معانی نسبی واژه عدل بر اساس دستگاه معنا شناختی قرآن کریم است که در مجموع، حوزه معنایی این مفهوم را در نظام معنایی قرآن مشخص می کند. ارتباط برخی از این مفاهیم با عدل به قدری عمیق است که در پاره ای از موارد، تشخیص تمایز میان آنها دشوار است. بعضی دیگر از معانی یاد شده از لوازم و مقدمات عدالت به شمار می آیند، مانند علم که تحقق عدالت بدون آن ممکن نیست. می توان گفت از آنجا که قرآن، حق و برخاسته از حق است، معانی نسبی که این نظام معنایی برای هر کلمه ارائه می دهد، در حقیقت ابزارهایی است که به شناخت دقیق و عالمانهٔ آن واژه در واقعیت عالم کمک می کند (پورمولا و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۱). در بین تعاریف متعدد، مناسب ترین تعریف عدل، در بیان امیرالمؤمنین(ع) است که: «دادگری چیزها را بجای خود می نهد» (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۹). معنای اصلی عدالت، اقامه مساوات میانه امور است به اینکه به هر امری آنچه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود و هر یک در جای واقعی خود که مستحق آنست قرار گیرد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۵۰۵؛ طباطبایی، ۱۳۶۱: ۱۰۷). بر این اساس و با توجه به اینکه عدالت اقتصادی در حوزه منابع انسانی به دو عرصه توزیع (داد و ستد در بازار کار، محصولات، سرمایه) و بازتوزیع (ارث، یارانه، انفاق، زکات، خمس و ...) و در عرصه منابع غیرانسانی که شامل اموال و منابع است، به دو بخش تولید (بهره برداری) و مصرف (استفاده نهایی) قابل تقسیم است، عدالت اقتصادی وضع بایسته انواع حقوق اقتصادی در جامعه است که شامل دو دسته حقوق انسانی و غیرانسانی می شود. از این رو در عدالت اقتصادی اسلام، دغدغه اصلی شیوه مواجهه صحیح با منابع انسانی و غیرانسانی بر پایه مفهوم حق است (خاندوزی، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۵۲).

از سوی دیگر اصلی ترین مساله ای که در تلاش برای حاکمیت جهانی از ناحیه امام مهدی(عج) دنبال می شود برپایی عدالت و محو ظلم است و از آنجا که منطقا" آن حضرت(عج)، مساله اصلی مورد تعقیب خود را در وجوه مختلف مربوط به حکومت به نمایش می گذارد باید مساله اصلی در نظام اقتصادی حکومت آن حضرت نیز عدالت و برپایی آن از طریق محو زمینه ها و عوامل بازدارنده ای که ظلم و بی عدالتی را در جامعه رواج می دهد استنباط شود.

بر اساس روایات در دسترس در آن دوران انسانها از چنان رشد و کمالی به لحاظ تربیتی و اخلاقی برخوردارند که در مقام و موضع انسانهای مورد نظر اسلام قرار می گیرند و این بدان معنی است که آموزش معارف اسلامی برای آنان شرایطی را به وجود می آورد که به منزله ی ضوابط حاکم بر رفتارهای آنان تجلی می یابد و با مسلمانان مومنی مواجه هستیم که با پرهیز از دست یازیدن به هر امر بیهوده ای، مراتب و کمال تربیتی خود را به نمایش می گذارند تا آنجا که در مقام جامعه ای کاملا" اسلامی امکان اجرای احکام اسلامی را فراهم می سازند.

این به معنای آن است که با وجود تلاش های فراوانی که در طول تاریخ به صورت فردی و جمعی برای عملی شدن احکام اسلام به عمل آمده، هرچند کم و بیش قرین توفیقاتی بوده است لیکن موانع بر سر راه اسلام به حدی بوده است که گفته می شود یکی از اقدامات مهم امام زمان(عج) تصحیح انحراف هایی است که در تفسیر احکام و توجیه مبانی دین به مرور روی داده و قرن ها در ذهن جامعه اسلامی نفوذ و رسوخ یافته است (حکیمی، ۱۳۸۰: ۸۹). یعنی در حاکمیت امام مهدی(عج) بسیاری از تلقی های مردم از اسلام در معرض اصلاحات قرار گرفته و آموزه های اسلامی صحیح به آنان عرضه می گردد. بر این اساس امام مهدی(عج) بر مبنای ضرورت حاکم ساختن عدالت اقداماتی را در جهت احیای اسلام انجام می دهد و در این کار موفق می شود. در هر حال چون بنابر روایات، امام مهدی(عج) به اجرایی کردن اسلام در ابعاد مختلف توفیق می یابند، می توان گفت در حقیقت عوامل منجر به جریان توسعه یافتگی را به مثابه ی زمینه های اجرای اسلام در جامعه به وجود می آورند. بر این مبنا عدالت مهدوی تحقق عدالت در جامعه مهدوی و یا در حکومت امام زمان(عج) می باشد.

از امام علی(ع) در روایتی نقل شده است که «کفی بالعدل سائسا"» یعنی برای تدبیر امور مردم

اجرای عدالت کافی است. همچنین امام علی(ع) فرمودند: «العدل حیاه الاحکام» یعنی عدل مایه زنده ماندن احکام است. نوع این روایات بر آن است که احکام الهی در صورتی فهم و عملیاتی و احیا می شوند که عدل به عنوان عامل تحقق آنها حضور خود را تثبیت کرده باشد. بین تحقق کامل عدالت و فراهم شدن امکان احیای کامل احکام رابطه مستقیمی برقرار است و این یعنی سیستم اقتصادی اسلام با تمهید شرایط توسعه ای عدالت محور در عمل، بستر تحقق عملی احکام الهی را تمهید مقدمات می کند. این معنا را به گونه دیگری در روایت دیگری از آن امام(ع) می بینیم که اجرای عدالت را عامل اصلاح آفریدگان اعلام می کند یا می فرماید با اجرای عدالت مردمان اصلاح می شوند (سبحانی، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۷).

این مقاله بر آن هست که اسلام را می توان بعنوان یک سیستم معرفی کرد که برآیند کارکردش عدالت است، به همین دلیل جامعه امام زمان(عج) نیز یک جامعه عادلانه بوده و ویژگی های آن قابلیت شمول بر ویژگی ها و مختصات توسعه یافتگی را دارد. می توان گفت عدالت به قابلیت ها و ظرفیت ها مجال بروز و فرصت می دهد و مثل یک اتمسفر و فضا یا محیطی است که وقتی انسانها در آن قرار می گیرند استعدادشان شکوفا می شود، مانع همدیگر نیستند، رضایت دارند و احساس می کنند حقشان متناسب با زحمتشان به آنها داده شده است لذا وقتی توسعه یافتگی امور را سرجای خود قرار داد در حقیقت عدالت صورت گرفته است چرا که توسعه و عدالت دو روی یک سکه هستند، در نتیجه اگر توسعه یافتگی معطوف به عدالت اتفاق بیفتد از جمله قابلیت انسان برای عبادت خدا هم سرجای خودش قرار می گیرد، فلذا دین ورزی ممکن، شرایط برای تحقق اسلام آماده و اجرای احکام اسلام عملیاتی می شود و رفتارهایی از انسانها سر می زند که گویی همین ها را اسلام می گوید. بیان استاد مرتضی مطهری مبنی بر اینکه «نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می گوید (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰۳)» تایید کننده و مقوم این بحث است.

## ٦- نسبت بین توسعه اقتصادی و عدالت مهدوی:

در جریان توسعه با معیارهای دینی شرایطی تجربه می شود که به موجب آن همه موانع متصور از سر راه سرکوب شدن و تجلی نکردن قابلیت ها و توانمندی های انسان کنار می رود و تمامی حقوق انسانها محقق می شود. چنین شرایطی دارای آثار و پیامدهایی است که همان عدالت موردنظر در ادیان آسمانی است و احتمالا" تحقق همان خواسته قرآنی نیز باشد که: لقد ارسلنا

رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط ... (حدید: ۲۵) یعنی همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو[ی تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت برخیزند ... (ترجمه انصاریان). از سوی دیگر شاید بتوان گفت که اسلام از این روی عدالت را به عنوان هدف غایی خود برگزیده است که تحقق آن در واقع تحقق عبادتی است که به لحاظ کمی و کیفی با تلقی های ساده انگارانه از عبادت مقایسه شدنی نیست و سازگار با کلام قرآن است که فرمود: و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون (ذاریات: ۵۶) یعنی جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدم (ترجمه انصاریان).

در قرآن کریم تمام اصول، اهداف و آرمان ها بر محور عدالت استوار شده است. به عبارت دیگر عدالت مقوله ای مجرد از دیگر مقولات نیست، بلکه در مفهوم و مصداق و اجرا به مقولات دیگر پیوند دارد؛ پیوندی درهم تنیده که بدون لحاظ آنها، معنای درست عدالت درک نمی شود. از منظر قرآن توسعه اقتصادی در نگهداری و بهره برداری بهینه از تمامی امکانات و منابع انسانی و غیرانسانی در مسیر استخلاف الهی تعریف می شود. همانطور که مشاهده می شود مفهوم توسعه، انطباق شدیدی بر مضامین و مصادیق عدالت دارد و در واقع، می توان گفت که توسعه یافتگی همان راهیابی به سوی عدالت اقتصادی است و هر دو در الگوی رفتاری خلیفه الهی به هماهنگی و وحدت می رسند. عدالت و توسعه در محورهای مختلفی با یکدیگر اشتراک دارند؛ هر دو هدف نهایی اقتصاد اسلامی و زمینه ساز یکدیگر هستند و بدون هم کارایی ندارند. در واقع اقتضای عدالت اقتصادی، اتخاذ بهترین روش بهره برداری از منابع و فرصتهاست که پیامد قطعی آن، شکوفایی و توسعه اقتصادی است. همچنین عدالت اقتصادی و توسعه، در محورهای بهره وری از منابع و فرصتها، توسعه انسانی، جریان تولید و مصرف، عرصه معاملات و بازتوزیع دارای اشتراک هستند. به علاوه اجرای عدالت اقتصادی موجب افزایش امنیت و اعتماد اقتصادی، بازدهی مضاعف و در نتیجه توسعه اقتصادی می شود. البته رشد اقتصادی بدون معنویت از منظر قرآن اثر منفی بر تحقق عدالت در جامعه دارد (پارسائیان، ۱۴۰۰: ۱۱۷-۱۱۸).

ایجاد بی نیازی در قلوب امت اسلامی (علامه مجلسی، ۱۳۶۸: ۸۴) به معنای آن است که انسانها

آنقدر از تربیت و کمال لازم برخوردار شده اند که تجلی آن در بی نیازی آنان دیده می شود. مردم در دوران حاکمیت امام مهدی به تکامل اخلاقی می رسند (علامه مجلسی، ۱۳۶۸: ۳۳۶) تا آنجا که از جیب یکدیگر بدون ممانعت و به حد نیاز برداشت می کنند (شیخ مفید، ۱۳۸۷: ۲۴). مومنان در معاملات از یکدیگر سود نمی گیرند (شیخ حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۲). بدیهی می نماید منطقا" فراهم شدن چنین فضایی جز در سایه کمال خرد مردم و پیدایش فرزانگی در آنان (شیخ کلینی، ۱۳۷۰: ۲۱) ممکن نخواهد بود.

در روایات آمده است که مهدی علم و دانایی را فراگیر می سازد (شیخ صدوق، ۱۳۸۲: ۲۶) و خداوند برای او (مهدی) برکت را از آسمان فرو می فرستد (سید بن طاووس، ۱۳۸۱: ۷۱ و ۱۴۱). روی زمین هیچ ویرانی نمی ماند مگر آنکه آباد می شود (شیخ صدوق، ۱۳۸۲: ۳۳۱). همچنین روایاتی که ترس از هیچ کس جز خداوند را مطرح می کند (سید بن طاووس، ۱۳۸۱: ۶۹) شاید اشاره ظریفی به این معنا باشد که هر کس از خدا بترسد از هیچ کس نمی ترسد و می توان در این صورت به توحید رسید که یکی از مصادیق توحید آیه: الیس الله بکاف عبده ... (زمر: ۳۶) یعنی آیا خدا برای بنده اش (در همه امور) بس نیست؟ (ترجمه انصاریان)، می باشد. فلذا جامعه ای که خشیت الهی دارد از هیچ عامل دیگری هراس ندارد و زبونی نمی پذیرد و این معنای امنیت هم می تواند باشد. با عنایت به روایات فوق و روایات بی شمار دیگری در این حوزه می توان به این نتیجه رسید که در زمان دولت کریمه امام عصر از جهت های گوناگون مثل موجودی عوامل تولید، کارایی اقتصادی، انگیزه فعالیت های اقتصادی، دولت و اقتصاد، ویژگیهای اقتصادی، رشد اقتصادی، امنیت و تامین اجتماعی و در نهایت توسعه اقتصادی وضعیت بسیار مطلوب و ایده آلی رخ خواهد داد.

به نظر می رسد که در جریان توسعه با معیارهای دینی امور سر جای خود قرار گرفته، عدم تعادل ها به تعادل می گراید و تبعیض ها از بین می رود؛ مفاهیمی، که حاکی از عدالت است؛ بعبارتی دیگر با بررسی مقایسه شاخص های توسعه یافتگی و شاخص های عدالت مشاهده می شود که شاخص های این دو چقدر بهم نزدیک می باشند و با همدیگر مغایرت ندارند و در حقیقت در توصیف آن می توان گفت توسعه به مثابه عدالت. به نظر محققان چنین توسعه ای شرایط لازم و کافی برای عبادت را تدارک دیده است.

می توان گفت که در دولت امام زمان(عج) از آنجایی که در مسیر توسعه، دین رعایت می

شود بنابراین امور سرجای خود قرار می گیرد که این همان تعریف عدالت است پس در حکومت مهدوی بین توسعه اقتصادی و عدالت نسبت مستقیم برقرار است در واقع مشخصات توسعه یافتگی و عدالت در جامعه مهدوی با یکدیگر همسو و مکمل هستند.

در پایان این مبحث یادآوری این نکته هم خالی از مناسبت نیست که تاکید بسیار موکد اسلام بر رفع فقر نیز خود نشان بارزی از توسعه ای بودن اسلام است. این دین هیچ نسبتی با فقر نمی تواند داشته باشد. اسلام دین ضد فقر یا دین توسعه است. این است که جامعه امام زمان(عج) جامعه ای توسعه یافته و حکومت مهدوی مختوم به توسعه ای عدالت محور است.

## ۷- نتیجه گیری:

مهمترین و جامع ترین تعریف و بیانی که در هم راستایی بین عدالت و توسعه می توان اشاره کرد عبارت «توسعه به مثابه عدالت» می باشد؛ بعبارتی دیگر عدالت از طریق توسعه حاصل می شود؛ عدالت و توسعه دو مقصد نیستند بلکه با هم و یکی هستند. اگر در جامعه ای عدالت به معنای واقعی خود و بدون نقص اجرایی شود عملا" جامعه به سمت توسعه رفته است و بالعکس اگر در جامعه ای توسعه اقتصادی به معنای حقیقی خود اتفاق بیفتد نتیجه ای جز عدالت ندارد. می توان گفت در جریان توسعه با معیارهای دینی، عدالت ایجاد می شود؛ بعبارت دیگر متناسب با تعریف از توسعه اگر هر چیز سرجای خود قرار بگیرد، این توسعه، عدالت را ایجاد می کند.

ادیان توحیدی علی الخصوص اسلام نه تنها با توسعه اقتصادی منافاتی ندارند بلکه می توان گفت مشخصات توسعه یافتگی حقیقی و عدالت در جامعه مهدوی با یکدیگر همسو و قابل تحقق هستند؛ یعنی بین توسعه اقتصادی و عدالت مهدوی نسبت مستقیم برقرار است. این گزاره همان پاسخ شفاف به سئوال تحقیق است که در مقاله مذکور افتاده است. مبتنی بر مستندات روایی که ذکر شد بستر عینی مفهوم انتزاعی عدالت و همچنین توسعه حقیقی، جامعه مهدوی است. جامعه آرمانی به سرپرستی انسانی حقیقی بستری را فراهم می کند که توسعه اقتصادی و عدالت دوشادوش همدیگر در آن جاری می شوند. این مهم قطعی است زیرا در غیر اینصورت تاسیس جامعه ای موحد و عامل به احکام دین نمی تواند محقق شود.

**منابع:**

**قرآن کریم**.

**نهج‌البلاغه**، ترجمه فیض الاسلام، سیدعلینقی (۱۳۸۷)، ۶، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه، چهارم.

اله وردیها، محمدمهدی (۱۴۰۱)، چشم انداز حاکمیت مهدوی از منظر حقوق شهروندی و توسعه عدالت (در نهج البلاغه و روایات مهدوی)، **مشرق موعود**، ۶۳.

ایزدی، حسین (۱۴۰۱)، عدالت و توسعه اجتماعی، **توسعه اقتصادی**، ۱۶.

بختیاری، صادق (۱۳۷۹)، عدالت و توسعه در اسلام، **انقلاب اسلامی**، ۴.

پارسائیان، محمد (۱۴۰۰)، رابطه توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی از منظر قران، **پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم**، ۱.

پورمولا، سیدمحمدهاشم و غلامی، مرجان و بن زاده، راضیه (۱۳۹۴)، "معناشناسی واژه عدل در قرآن کریم بر مبنای روش ایزوتسو"، **پژوهشهای قرآن و حدیث**، ۱.

جعفری، سمیه و مومنی، فرشاد و محمودی نیا، داوود (۱۴۰۱)، ارزیابی توسعه عادلانه در اقتصاد ایران با رویکرد شاخص های چند بعدی، **راهبرد اقتصادی**، ۴۱.

حافظ نیا، محمدرضا (۱۴۰۲)، **مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**، تهران: سمت، ۳۲.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲)، **وسائل الشیعه**، مصحح و محقق محمد شیرازی، ۱۲، بیروت: دار احیاء تراث العربی، اول.

حکیمی، محمد (۱۳۸۰)، **عصر زندگی**، قم: بوستان کتاب، چهارم.

خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۰)، **مدینه عادله**، تهران: دانشگاه امام صادق، اول.

خاندوزی، سید احسان و سرآبادانی، حسین و مصطفوی، علی (۱۳۹۷)، بررسی شاخص های عدالت در اقتصاد متعارف و ارزیابی آنها از منظر اسلامی، **کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت**، ۷.

زریباف، سیدمهدی (۱۳۸۶)، نظری بر اندیشه توسعه عدالت محور، **پژوهشها و سیاستهای اقتصادی**، ۴۱ و ۴۲.

سبحانی، حسن (۱۳۸۸)، **اقتصاد عدالت محور**، تهران: انتشارات سروش، اول.

سبحانی، حسن (۱۳۹۷)، **اقتصاد اسلامی به مثابه یک سیستم**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، اول.

سن، آمارتیا (۱۳۹۴)، **توسعه به مثابه آزادی**، وحید محمودی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، اول.

سید بن طاووس، سید رضی الدین علی (۱۳۸۱)، **الملاحم و الفتن**، محمدجواد نجفی، تهران: اسلامیه،

اول.
سیدنورانی، سیدمحمدرضا و خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۱)، مبنای نظری سنجش عدالت اقتصادی در اسلام، **جستارهای اقتصادی ایران**، ۱۷.
صدوق، ابن بابویه (۱۳۸۲)، **کمال الدین و تمام النعمه**، منصور پهلوان، ۱، قم: مسجد مقدس جمکران، اول.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۱)، **فلسفه اقتصاد اسلام**، تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی، اول.
طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳)، **تفسیر المیزان**، سید محمدباقر موسوی همدانی، ۱۲، قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، اول.
عزتی محمدجواد و عزتی مرتضی و مزینی امیرحسین (۱۴۰۰)، تحلیل مولفه های عدالت اقتصادی ایران، **سیاست های راهبردی و کلان**، دوره ۹، ش ۳.
قره باغیان، مرتضی (۱۳۸۰)، دولت و توسعه اقتصادی، **فرهنگ اندیشه**، ش ۲.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۰)، **اصول کافی**، محمدباقر کمره ای، ۱، قم: اسوه، اول.
لاریجانی، علی (۱۳۹۹)، سنجش سازگاری عدالت اجتماعی و توسعه، **علوم سیاسی (باقر العلوم)**، ۹۰.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸)، **بحارالانوار**، ۵۱، تهران: اسلامیه، اول.
مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸)، **بحارالانوار**، ۵۲، تهران: اسلامیه، اول.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، **یادداشت های استاد مطهری**، ۶، تهران: صدرا، سوم.
مفید، محمد بن محمد (۱۳۹۰)، **الاختصاص**، حسین صابری، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، اول.
هینز، جفری (۱۳۹۳)، **مطالعات توسعه**، رضا شیرزادی و جواد قبادی، تهران: آگه، دوم

Anand, S & Sen, A (۱۹۹۴), Human Development Index: Methodology and Measurement, **Human Development Report Office Occasional Papers**, ۱۲.

Meier, G.M (۱۹۸۹), **Leading Issues in Economic development**, ۵th edition.

Myrdal, G (۱۹۷۴), What is development, **Economic Issues**.

Nozick, Robert (۱۹۷۴), **Anarchy, State and Utopia**, Oxford: Black well.

Rawls, J (۱۹۷۱), **A Theory of Justice**, Cambridge, Massachusetts: Belknap Press of Harvard University Press. Revised edition.

Stiglitz, J (۱۹۹۸), "Towards a New Paradigm for Development", **United Nations Conference on Trade and Development**, ۹.

Todaro, M (۱۹۷۷), **Economic Development in The Third World**, London, Langman.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٥٢-٣٠
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# تحلیل راهبردهای رقابتِ همکارانه در زنجیره تأمین سلامت: رویکرد آمیخته تحلیل مضمون و اولویت ترتیبی

**اسماعیل مزروعی نصرآبادی**[١]
**زهرا صادقی آرانی**[٢]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۴/۹ - تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۶/۳)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

راهبرد رقابتِ همکارانه یا همرقابتی، به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در مدیریت زنجیره تأمین، قادر است چالش‌های اساسی این بخش در حوزه سلامت از جمله کمبود تخصص، تجهیزات، مواد اولیه و خدمات مورد نیاز را به‌طور چشمگیری کاهش دهد. با وجود قابلیت‌های بالای این رویکرد، کاربرد آن در بخش سلامت همچنان محدود باقی مانده است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف تحلیل راهبردهای هم‌رقابتی در زنجیره تأمین سلامت به اجرا درآمده است. این مطالعه با رویکردی آمیخته و در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست، با

[١] – دانشیار گروه مدیریت کسب و کار، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول) drmazroui@kashanu.ac.ir
[٢] – دانشیار گروه مدیریت کسب و کار، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

بهره‌گیری از روش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون، راهبردهای هم‌رقابتی در زنجیره تأمین سلامت شناسایی شدند. در مرحله دوم، به‌منظور اولویت‌بندی راهبردهای شناسایی‌شده، از تکنیک‌های کمی نظیر روش اولویت ترتیبی استفاده گردید. نتایج حاصل از مرحله اول پژوهش به شناسایی ۵۵ راهبرد هم‌رقابتی انجامید که در قالب ۱۱ مقوله کلان دسته‌بندی شدند. این مقوله‌ها عبارت‌اند از: «نهادینه‌سازی اخلاقیات»، «راهبردهای دانش‌افزایی»، «راهبردهای نظارتی»، «راهبردهای بالادستی»، «راهبردهای مالی»، «فرهنگ‌سازی»، «راهبردهای تشکیلاتی»، «ویژگی‌های مدیر»، «راهبردهای منابع انسانی»، «راهبردهای قانون‌گذاری» و «راهبردهای مدیریتی». در مرحله دوم و بر اساس یافته‌های کمّی، راهبردهای مذکور اولویت‌بندی شدند که بر این اساس، «راهبردهای قانون‌گذاری»، «ویژگی‌های مدیر» و «راهبردهای تشکیلاتی» به‌ترتیب دارای بالاترین اولویت‌ها بودند. به‌منظور پیاده‌سازی مؤثر راهبردهای هم‌رقابتی در زنجیره تأمین سلامت، لازم است موانع قانونی موجود از سوی نهادهای بالادستی شناسایی و برطرف گردد. افزون بر این، انتصاب مدیران بر پایه شایستگی‌های مورد نیاز برای تعاملات هم‌رقابتی، و ارائه آموزش‌های هدفمند در زمینه‌هایی نظیر حل مسئله، تصمیم‌گیری، امنیت داده‌ها، فنون مذاکره و مدیریت تعارض، از الزامات اساسی به‌شمار می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** راهبردهای رقابتِ همکارانه، زنجیره تأمین سلامت، تحلیل مضمون، رویکرد اولویت ترتیبی.

## مقدمه

با تحولاتی که در عرصه جهانی رخ داده است الگوی رقابت تغییر یافته است. دنیای امروز نیازمند استفاده از استراتژی‌های رقابتی مختلف توسط سازمان‌ها و شرکت‌هاست (خانلارزاده و فاروقی[۱]، ۲۰۲۴: ۲) که یکی از آن‌ها رقابتِ همکارانه است. رقابتِ همکارانه به‌عنوان یک مدل همکاری بین سازمانی برای بهبود عملکرد پایدار شرکت‌ها توجه زیاد و روزافزونی را به خود

---

۱- Khanlarzade & Farughi

جلب کرده است (میرزابیگی۱ و همکاران، ۲۰۲۳: ۴۸۲۷). منظور از رقابتِ همکارانه این است که در تعاملات اقتصادی، رقابت و همکاری در یک زمان انجام شود (اوگولنیتسکی و کورولو۲، ۲۰۲۳: ۵۷۹)؛ به عبارت دیگر رقابتِ همکارانه به معنای همکاری با رقبا است و ترکیبی از عبارات همکاری و رقابت است (آدتایو۳، ۲۰۲۳: ۲۹).

رقابتِ همکارانه مزایای متعددی برای سازمان‌ها دارد که تعدادی از آن‌ها عبارت‌اند از افزایش عملکرد سازمانی (شویندینا و هییتس۴، ۲۰۲۳)، رفع محدودیت منابع و درک بهتر نیازهای بازار (راندولف۵ و همکاران، ۲۰۲۳)، صرفه‌جویی در مقیاس، دسترسی به منابع و دانش جدید (روی۶ و همکاران، ۲۰۲۴)، بهبود عملکرد مالی (کریک۷، ۲۰۲۳) و بهبود رقابت‌پذیری (شویندینا و هییتس، ۲۰۲۳، اسلاوچو۸، ۲۰۲۳). نکته مهم در دستیابی به این مزایا، پیچیدگی رقابتِ همکارانه است و در صورت عدم مدیریت مؤثر، می‌تواند منجر به یک وضعیت باخت-باخت شود (الکساندرویچ۹، ۲۰۲۳: ۸۸). مواردی مانند عوامل محیطی می‌توانند چنین مزیت‌هایی را از بین ببرند. به‌طور خاص، نیروهای خارجی ممکن است چالش‌هایی را پیرامون نحوه همکاری شرکت‌ها با رقبای صنعتی خود به این شرکت‌ها تحمیل کنند که منجر به تأثیرات منفی بر عملکرد آن‌ها می‌شود (کریک و همکاران، ۲۰۲۴: ۵۷) در نتیجه لازم است رقابتِ همکارانه به‌درستی بررسی و پیاده‌سازی شود.

اهمیت این موضوع در بخش بهداشت و درمان بیشتر است زیرا این حوزه با سلامت جامعه در

---

۱- Mirzabeiki

۲- Ougolnitsky & Korolev

۳- Adetayo

۴- Shvindina & Heiets

۵- Randolph

۶- Roy

۷- Crick

۸- Slavchev

۹- Aleksandrovic

ارتباط است و در صورتی که رقابتِ همکارانه موفقیت‌آمیز نباشد می‌تواند آسیب‌های جدی بر سلامت افراد داشته باشد. از آنجایی که رقابتِ همکارانه می‌تواند در رفع محدودیت‌هایی که سازمان‌ها با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند مؤثر باشد (راندولف و همکاران، ۲۰۲۳: ۲۷۴) بخش بهداشت و درمان نمی‌تواند این الگو و مدل را نادیده بگیرد در نتیجه لازم است راهبردهای پیاده‌سازی موفق آن در بخش سلامت ایران مورد واکاوی قرار بگیرد.

تحقیقات مختلفی در زمینه رقابتِ همکارانه در بخش سلامت انجام شده است. به‌عنوان مثال البرت-کروماریاس و داس سانتوس۱ (۲۰۲۰) با پژوهشی در یک واحد کنترل سرطان در کشور فرانسه به بررسی نتایج رقابتِ همکارانه پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد موقعیت‌های رقابتِ همکارانه مختلفی وجود دارند که می‌توان آن‌ها را بر اساس درجه خودانگیختگی، مکمل بودن و ایجاد ارزش از یکدیگر جدا کرد. وسترا۲ و همکاران (۲۰۱۷) تحقیقی در مورد عوامل تعیین‌کننده رقابتِ همکارانه در سطح فردی و سطح سازمانی در بخش سلامت هلند انجام دادند. نتایج نشان داد سازمان‌ها علاقه‌ای برای به اشتراک‌گذاری منابع انسانی متخصص خود ندارند اما همکاری‌هایی از طریق شرکت‌های زایشی و موارد دیگری انجام می‌شود. وندر بوک۳ و همکاران (۲۰۱۸) نیز به بررسی رقابتِ همکارانه در بخش سلامت کشور هلند پرداختند و بیان کردند درک بازیگران سازمانی در مورد رقابت مختلف است که می‌تواند مانع نوآوری از طریق رقابتِ همکارانه گردد.

در سایر صنایع نیز پژوهش‌هایی انجام شده است به‌عنوان مثال گائو۴ و همکاران (۲۰۲۱) به تحقیق در مورد عوامل کلیدی مؤثر بر رقابتِ همکارانه پیمانکاران در پروژه‌های ساختمانی بین‌المللی پرداختند یا کلیماس۵ و همکاران (۲۰۲۰) به تحقیق در مورد رانه‌های رقابتِ همکارانه در صنایع با فنّاوری بالا پرداختند. بررسی پیشینه نشان می‌دهد تاکنون تحقیقی که به بررسی راهبردهای رقابتِ همکارانه در بخش سلامت پرداخته باشد انجام نشده است در نتیجه سؤال اول

---

۱- Albert-Cromarias & Dos Santos

۲- Westra

۳- Van Den Broek

۴- Gao

۵- Klimas

تحقیق عبارت است از:

۱- راهبردهای رقابتِ همکارانه در زنجیره تأمین سلامت چیست؟

به‌منظور واکاوی دقیق‌تر راهبردها لازم است راهبردهای بنیادی‌تر شناسایی گردد در نتیجه سؤال دوم تحقیق عبارت است از:

۲- رتبه‌بندی راهبردهای رقابتِ همکارانه در زنجیره تأمین سلامت چیست؟

## مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

راهبرد رقابت همکارانه مفهومی است که در مطالعات مدیریت استراتژیک و بازاریابی مورد بررسی قرار گرفته است و به همکاری بین رقبا برای رسیدن به منافع مشترک اشاره دارد. رقابتِ همکارانه استراتژی است که در آن شرکت‌ها همزمان با رقابت، با یکدیگر همکاری می‌کنند تا بازار را توسعه داده و فرصت‌های مشترک ایجاد کنند (براندنبرگر و نالباف۱، ۱۹۹۶: ۴۵). لو۲ (۲۰۰۷) رقابتِ همکارانه به عنوان تعاملات استراتژیک بین رقبا تعریف می‌شود که در آن شرکت‌ها برای نوآوری، کاهش هزینه‌ها و بهبود عملکرد بازار با هم همکاری می‌کنند. از دیدگاه پگس، مینل و داونز۳ (۲۰۲۰) رقابتِ همکارانه فرآیندی است که در آن شرکت‌ها با ترکیب استراتژی‌های رقابتی و همکاری، به دنبال بهبود توانایی‌های خود و ایجاد مزیت رقابتی پایدار هستند. رقابتِ همکارانه یک تعامل اجتماعی است که مزیت‌های همکاری و رقابت را با هم ترکیب می‌کند (ژانگ۴، ۲۰۲۳ :۴۰۲) و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. بلاژوئیز-جیمنز و سانچیس۵ (۲۰۲۳) آن را به‌عنوان یک رابطه دوگانه بین شرکت‌ها می‌دانند که از طریق آن به‌طور هم‌زمان به رقابت و همکاری می‌پردازند یا گوکک۶ (۲۰۲۳) آن را پارادوکسی

---

۱- Brandenburger & Nalebuff

۲- Luo

۳- Pegas, Minel & Downs

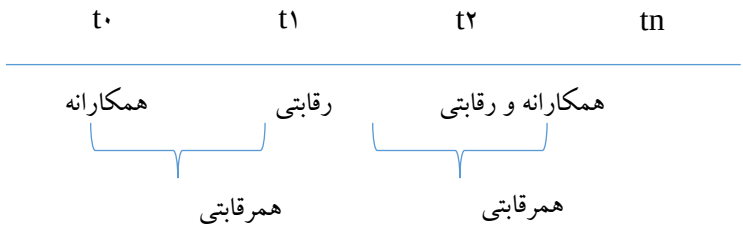
۴- Zhang

۵- Blázquez-Jiménez & Sanchis

۶- Gocek

می‌داند که با سازش بین همکاری و رقابت متفاوت است و می‌تواند دوگانگی متناقض همکاری و رقابت را در هم آمیزد. با توجه به مفاهیم و تعاریف می‌توان برای رقابتِ همکارانه ۲ عنصر مشخص کرد: (۱) معنی هم‌زمانی (۲) تعریف رقبا. ونگ، لی و چن[۱] (۲۰۲۳) رقابتِ همکارانه به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که در آن شرکت‌ها برای بهبود قابلیت‌های نوآوری و توسعه بازارهای جدید، به طور همزمان به رقابت و همکاری می‌پردازند.

با توجه به عنصر اول، رقابتِ همکارانه زمانی اتفاق می‌افتد که دو شرکت به‌طور هم‌زمان با هم رقابت و همکاری دارند. آنچه بسیار مهم است چشم‌انداز زمانی است. با دیدگاه بلندمدت، رفتارهای مشارکتی یا رقابتی در سطح t۰ می‌تواند بین بازه t۰ و tn به‌عنوان رفتارهای رقابتِ همکارانه نگریسته شود (در افق زمانی کوتاه‌مدت ممکن است یک رفتار رقابتی یا همکارانه باشد اما در یک بازه زمانی بلندمدت، رفتارها دیگر رقابتی یا مشارکتی نیستند بلکه رقابتِ همکارانه هستند). شکل شماره (۱) نشان‌دهنده این موضوع است (یامی[۲] و همکاران، ۲۰۱۰).




شکل شماره (۱): تأثیر افق زمانی بر تعریف رقابتِ همکارانه (یامی و همکاران، ۲۰۱۰)

عنصر مهم بعدی «رقیب» است. رقابتِ همکارانه ناشی از همکاری بین دو بنگاه رقیب به وجود ما آید. نکته مهم این است که آیا دو بنگاه را می‌توان رقیب مستقیم دانست یا خیر؟ به‌طورکلی، می‌توان دو دیدگاه را در تعریف رقیب اشاره کرد: دیدگاه افقی و دیدگاه عمودی. در دیدگاه افقی، یک شرکت را در صورت تأثیرگذاری بر درآمدهای بنگاه اقتصادی دیگر (به دلیل فعالیت در همان صنعت، در محصولات مشابه و هدف قرار دادن مشتریان مشابه) رقیب می‌داند. در دیدگاه عمودی یک شرکت را تحت تأثیر هزینه‌های شرکت دیگر می‌داند زیرا در همان زنجیره

---

۱- Wang & Chen

۲- Yami

تأمین یا شبکه به‌عنوان تأمین‌کننده، مشتری یا مکمل فعالیت می‌کند در نتیجه به‌عنوان رقیب معرفی می‌گردد. این موضوع نشان‌دهنده همکاری-رقابت افقی و همکاری-رقابت عمودی است (یامی و همکاران، ۲۰۱۰).

به‌طورکلی بر اساس ساختار روابط که دو بخش تعداد رقبا و نوع فعالیت آن‌ها در زنجیره تأمین یک صنعت، تعریف شد، انواع اصلی رقابتِ همکارانه در ۴ نوع رقابتِ همکارانه دوگانه ساده، رقابتِ همکارانه چندگانه ساده، رقابتِ همکارانه دوگانه پیچیده و رقابتِ همکارانه چندگانه پیچیده تقسیم‌بندی می‌شود (جدول شماره ۱).

**جدول شماره(۲): انواع رقابتِ همکارانه**

| انواع رقابتِ همکارانه | | تعداد رقبا | |
|---|---|---|---|
| | | دو | بیش از دو |
| نوع فعالیت‌ها | یک | همکاری-رقابت دوگانه ساده | همکاری-رقابت چندگانه ساده |
| | چند | همکاری-رقابت دوگانه پیچیده | همکاری-رقابت چندگانه پیچیده |

منبع: (داگنینو و پادولا[۱]، ۲۰۰۲)

انواع همرقابت به طور کلی بر اساس نحوه تعامل شرکت‌ها و اهداف استراتژیک آنها طبقه‌بندی می‌شوند. در اینجا چندین نوع اصلی رقابتِ همکارانه به همراه توضیحات و مراجع علمی معتبر ارائه شده است:

رقابتِ همکارانه افقی[۲]: در این نوع از رقابتِ همکارانه، شرکت‌هایی که در همان صنعت یا بخش فعالیت می‌کنند، با یکدیگر همکاری می‌کنند. هدف از این همکاری می‌تواند به اشتراک‌گذاری منابع، تحقیق و توسعه مشترک، یا ورود به بازارهای جدید باشد مانند همکاری بین دو شرکت

---

۱- Dagnino & Rocco

۲- Horizontal Co-Opetition

داروسازی برای ساخت یک واکسن جدید (گنیاوالی و پارک۱، ۲۰۱۱).

رقابتِ همکارانه عمودی۲: در این نوع از رقابتِ همکارانه، شرکت‌ها در زنجیره تأمین یا تولید، از جمله تأمین‌کنندگان و مشتریان، با یکدیگر همکاری می‌کنند. این همکاری می‌تواند به منظور بهبود کارایی زنجیره تأمین یا توسعه محصولات جدید باشد. مانند همکاری تولیدکننده قطعات پزشکی و یک سازنده تجهیزات اصلی برای توسعه یک محصول جدید (لچنر و لیروناس۳، ۲۰۰۹)

رقابتِ همکارانه موقت۴: این نوع از رقابتِ همکارانه به طور موقت برای یک پروژه خاص یا یک دوره زمانی محدود انجام می‌شود. پس از پایان پروژه، همکاری پایان می‌یابد و شرکت‌ها به رقابت خود ادامه می‌دهند همکاری بین دو شرکت فناوری برای توسعه یک محصول جدید و سپس پایان همکاری پس از عرضه محصول به بازار (بنگتسسون و کوک۵، ۲۰۱۴)

رقابتِ همکارانه استراتژیک۶: در این نوع از رقابتِ همکارانه، شرکت‌ها به منظور دستیابی به اهداف بلندمدت و استراتژیک همکاری می‌کنند. این همکاری‌ها معمولاً به صورت بلندمدت و با هدف ایجاد مزیت رقابتی پایدار انجام می‌شوند. همکاری بین دو شرکت داروسازی برای تحقیق و توسعه داروهای جدید (داگنینو و پادولا۷، ۲۰۰۲).

رقابتِ همکارانه شبکه‌ای۸: در این نوع از رقابتِ همکارانه، چندین شرکت در یک شبکه یا اکوسیستم با یکدیگر همکاری و رقابت می‌کنند. این نوع رقابتِ همکارانه معمولاً در صنایعی که دارای اکوسیستم‌های پیچیده هستند، دیده می‌شود. به عنوان مثال همکاری بین شرکت‌های فناوری، تأمین‌کنندگان، و استارتاپ‌ها در اکوسیستم نوآوری (ریتالا و هورملینا-لوکانن۹،

---

۱- Gnyawali & Park
۲- Vertical Co-Opetition
۳- Lechner & Leyronas
۴- Temporary Co-Opetition
۵- Bengtsson & Kock
۶- Strategic Co-Opetition
۷- Dagnino & Padula
۸- Network Co-Opetition
۹- Ritala & Hurmelinna-Laukkanen

۲۰۰۹).

تحقیقات مختلفی در زمینه رقابتِ همکارانه در سلامت انجام شده است. جدول شماره(۲) بیانگر خلاصه تحقیقات به‌منظور ترسیم خلأ تحقیقاتی است:

**جدول شماره (۳): پیشینه تحقیق**

| نویسنده (سال) | سلامت | زنجیره تأمین | حوزه تمرکز | شناسایی | مدل‌سازی |
|---|---|---|---|---|---|
| البرت-کروماریاس و دوس سانتوس (۲۰۲۰) | بله | خیر | نتایج رقابتِ همکارانه | خیر | خیر |
| وندن بروک و همکاران (۲۰۱۸) | بله | خیر | نوآوری مشارکتی | خیر | خیر |
| وسترا (۲۰۱۷) | بله | خیر | عوامل تعیین‌کننده رقابتِ همکارانه در سطح فردی و سازمانی | خیر | خیر |
| گافارو و سیرگار۱ (۲۰۲۲) | خیر | خیر | محرک‌های سطح شرکت، بین شرکتی و صنعت | خیر | خیر |
| سلطانی و همکاران (۱۴۰۰) | خیر | خیر | مدل زمینه‌ای رقابتِ همکارانه | خیر | خیر |
| میکی۲ و همکاران (۲۰۲۳) | خیر | خیر | محرک‌های رقابتِ همکارانه صنایع‌دستی | خیر | خیر |
| دورن۳ (۲۰۲۰) | خیر | خیر | محرک‌های رقابتِ همکارانه در فعالیت‌های نوآورانه | خیر | خیر |
| طالاری و کشاورزی (۱۴۰۲) | خیر | خیر | مدل زمینه‌ای رقابتِ همکارانه در استارتاپ‌ها | خیر | خیر |
| کلیماس و همکاران | خیر | خیر | محرک‌های رقابتِ همکارانه در | خیر | خیر |

۱- Garraffo & Siregar

۲- Miki

۳- Doren

| نویسنده (سال) | سلامت | زنجیره تأمین | حوزه تمرکز | شناسایی | مدل‌سازی |
|---|---|---|---|---|---|
| (۲۰۲۰) | | | صنایع هایتک | | |
| گائو و همکاران (۲۰۲۱) | خیر | خیر | عوامل کلیدی مؤثر بررقابتِ همکارانه پیمانکاران درپروژه‌های ساختمانی بین‌المللی | خیر | خیر |
| پژوهش حاضر | بله | بله | سلامت ایران | بله | بله |

پیشینه تحقیق بیانگر خلأ تحقیقاتی در زمینه راهبردهای پیاده‌سازی رقابتِ همکارانه در زنجیره تأمین سلامت است.

## روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش به روش آمیخته و در ۲ مرحله انجام شده است. مرحله اول برای منظور پاسخ به سؤال اول پژوهش انجام شده است. در این مرحله جامعه آماری پژوهش خبرگان زنجیره تأمین سلامت شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل می‌باشند که دارای ویژگی‌های حداقل پنج سال سابقه، تجربه رقابتِ همکارانه و تحصیلات حداقل کارشناسی باشند. مرحله اول به دنبال شناسایی راهبردهای رقابتِ همکارانه است. در این مرحله برای شناسایی راهبردها، داده‌ها به‌صورت میدان و ابزار مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته گردآوری گردید. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله از تحقیق، ۱۴ مصاحبه با مجموع زمانی ۱۲ ساعت انجام شد. از شیوه نمونه‌گیری قضاوتی استفاده شد. مصاحبه‌ها در نفر یازدهم به اشباع رسید ولی تا نفر چهاردهم ادامه یافت. یکی از اساسی‌ترین مسائل در تحقیقات کیفی ارزیابی استحکام یافته ها است. در این قسمت از توصیف ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان، بازبینی کدها توسط مصاحبه‌شوندگان، ارزیابی نتایج توسط دو عضو هیئت علمی دانشگاه و اخذ تائید از آن‌ها و کدگذار ثانویه (ضریب توافق) استفاده شد.

در پاسخ به پرسش دوم، از روش کمی استفاده گردید. جامعه آماری این مرحله مشابه مرحله قبلی است. شیوه نمونه‌گیری هدفمند است و حجم نمونه برابر با پانزده نفر است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته گرداوری شدند. این پرسشنامه بر اساس یافته‌های مرحله اول طراحی

شده است و دارای روایی است لیکن به تائید اساتید دانشگاهی هم رسید. به‌منظور تحلیل داده‌ها از روش OPA استفاده گردید. مجموعه‌ها، پارامترها و متغیرها در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

**جدول شماره (٤): مجموعه‌ها، پارامترها و متغیرها**

| مجموعه | توصیف |
|---|---|
| I | مجموعه خبرگان $\forall i \in I$ |
| J | مجموعه مشخصه‌ها $\forall j \in J$ |
| K | مجموعه گزینه‌ها $\forall k \in K$ |
| شاخص | |
| I | ایندکس خبرگان (۱...p) |
| J | ایندکس ارجحیت مشخصه‌ها (۱...n) |
| K | ایندکس گزینه‌ها (۱...m) |
| متغیرها | |
| Z | تابع هدف |
| $W_{ijk}^{r}$ | وزن گزینه k ام بر اساس مشخصه j ام به‌وسیله خبره i ام در رتبه r ام |
| $A_{ijk}^{r}$ | گزینه k ام بر اساس مشخصه j ام به‌وسیله خبره i ام در رتبه r |

گام‌های این روش بدین گونه است که در ابتدا باید معیارها مشخص بشود. اگر بیش از یک خبره وجود داشته باشد باید خبره‌ها رتبه‌بندی گردد (البته می‌توان به آن‌ها وزن مساوی داد). سپس معیارها رتبه‌بندی می‌گردد. گزینه‌ها بر اساس هر معیار ارزیابی و رتبه‌بندی می‌گردد. در پایان مدل ریاضی حل می‌شود تا وزن خبرگان، معیارها و گزینه‌ها مشخص بشود و گزینه برتر مشخص شود. مدل ریاضی مرتبط با حل مسئله به شرح زیر است (عطایی و همکاران[۱]، ۲۰۲۰):

Max Z

$$Z \leq i\left(j\left(r\left(W_{ijk}^{r} - W_{ijk}^{r+1}\right)\right)\right) \quad \forall\, i, j, k\, d\, r$$

---

۱- Ataei

$$Z \leq ijm\, w_{jk}^{m} \;\forall\, i\,, j \;and\; k$$
$$\sum_{i=۱}^{p}\sum_{j=۱}^{n}\sum_{k=۱}^{m} w_{ijk} = ۱$$
$$w_{ijk} \geq ۰ \quad \forall, j \;and\; k$$

## یافته ها و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

در گام اول برای شناسایی راهبردهای رقابتِ همکارانه، ۱۴ مصاحبه با خبرگان انجام شد. برای رتبه‌بندی راهبردها، پرسشنامه بین ۱۵ نفر از خبرگان توزیع گردید. جدول شماره (۵) بیانگر آمار توصیفی خبرگان هر دو مرحله پژوهش است:

**جدول شماره (۵): آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان مراحل ۱ و ۲**

| میزان تحصیلات | سمت | سابقه | مرحله همکاری |
|---|---|---|---|
| کارشناسی | کارشناس پرستاری | ۲۰ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی | کارشناس آزمایشگاه | ۲۰ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی | کارشناس بیمه تأمین اجتماعی | ۳۰ | ۱ و ۲ |
| پزشک | دندان‌پزشک | ۵ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی ارشد | مدیر مالی | ۱۵ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی | مسئول بهبودِ کیفیت اعتباربخشی | ۲۰ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی | مشاور رئیس بیمارستان | ۳۰ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی | مدیر دفتر پرستاری و مدیر داخلی مرکز جراحی | ۲۲ | ۱ و ۲ |
| دکتری | مسئول فنی آزمایشگاه بیمارستان | ۶ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی ارشد | مسئول کلینیک شخصی فیزیوتراپی | ۱۱ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی ارشد | مسئول بهبود کیفیت بیمارستان | ۱۱ | ۱ و ۲ |
| کارشناسی ارشد | مؤسس و مسئول کلینیک فیزیوتراپی | ۸ | ۱ و ۲ |
| کارشناس ارشد | کارشناس ایمنی و سوپروایزر آموزش بیمارستان | ۱۲ | ۱ و ۲ |
| دکتری | عضو هیئت‌علمی دانشگاه | ۸ | ۱ و ۲ |
| دکتری | عضو هیئت‌علمی دانشگاه | ۱۰ | ۲ |

بعد از انجام مصاحبه‌ها فرایند کدگذاری آغاز شد و از گزاره‌های کلامی کدها (راهبردها) استخراج گردید.

جدول شماره (٦) بیانگر نمونه‌ای از فرایند کدگذاری است:

**جدول شماره (٦): نمونه‌ای از فرایند کدگذاری**

| گزاره کلامی | کد |
|---|---|
| ما اول یاد بگیریم که هر کاری بخوایم بریم تفاهم کنیم تفاهم‌نامه بنویسیم در راستای اون تفاهم‌نامه بیایم قرارداد منعقد کنیم (p۵)<br>... تفاهم قبل از عقد قرارداد مهمه ... (p۱۲) | ابتدا تفاهم بعد قرارداد |
| انجام جلسات دوره‌ای بین واحدهای مربوطه در بیمارستان باعث درک متقابل میشه ... (p۹)<br>من خیلی وقت‌ها نمیدونم بیمارستان رقیب چه قابلیت‌هایی داره که به درد من میخوره پس قبلش باید جلساتی بزارن (p۱۲) | انجام جلسات دوره‌ای بین واحدهای مربوطه در بیمارستان |
| بازدیدهای دوره‌ای آزمایشگاه‌ها از همدیگر میتونه به شناخت قابلیت هامون کمک کنه (p۹)<br>... یک راه هم اینه که بازدیدهای دوره‌ای مثلاً از آزمایشگاه‌ها، امکانات و ... داشته باشن (p۱۳) | بازدیدهای دوره‌ای آزمایشگاه‌ها از همدیگر |
| ... برگزاری جلسات مداوم برای مدیران میتونه به ما کمک کنه (p۹) | برگزاری جلسات مداوم برای مدیران |
| مثلاً می‌تونیم جلساتی رو با همدیگه گروه‌های مثلاً هر قسمتی با همدیگه داشته باشه و کارای خودشون و کارهای مشترشو با همدیگه ردوبدل کنند (p۲)<br>مدیران واحدها خودشون باید با هم تعامل کنند و جلسه بزارن تا هماهنگی بیشتر بشه ... (p۱۳) | برگزاری جلسات مشترک |
| من بازم میگم همه‌ی اینا شامل این میشه که اون شناخته بیشتر باشه از همدیگه باید حتماً یه سامانه‌ای باشه که ما با همدیگه در ارتباط باشیم (p۱۰)<br>رقبا باید یه جوری باهم در ارتباط باشن مثلاً توی یه سامانه‌ای جایی ... (p۱۲) | سامانه ارتباطی با رقبا |
| قرار دادن فرصت تصمیم گیری در سطح مدیران و مسئولین واحدها را مدیر باید پیگیری کنه (p۹)<br>وقتی همه تصمیم‌گیری‌ها متمرکز باشه کاری از پیش نمی‌بریم باید درصدی تفویض اختیار صورت بگیره ... (p۱۳) | تفویض اختیار |
| تأمین به‌روز در وضعیت مالی واحدها باید انجام بشه (p۹) | تأمین به‌روز در وضعیت مالی واحدها |
| بروز رسانی فرایندها در بیمارستان مهمه (p۱۱)<br>معمولاً فرایندهای قدیمی باعث دردسر میشن و باید منطبق با تفکرات جدید فرایندها هم بازنگری بشن (p۱۵) | بروز رسانی فرایندها |
| یه مورد خیلی مهم اینه که ما بتونیم از رقیبمون الگوبرداری هم بکنیم ... (p۱۲) | توسعه ظرفیت الگوبرداری |

بعد از استخراج کدها (راهبردها) باید مقوله‌بندی آن‌ها انجام شود و راهبردهای مشابه در قالب یک مقوله قرار بگیرند. جدول شماره (۷) بیانگر مقوله‌های استخراجی است.

**جدول شماره (۷): مقوله‌بندی راهبردهای رقابتِ همکارانه**

| کد | مقوله | کد | مقوله |
|---|---|---|---|
| بالابردن ارزش جان انسان | نهادینه کردن اخلاقیات | انجام جلسات دوره‌ای بین واحدهای مربوطه در بیمارستان | راهبردهای تشکیلاتی |
| مسئولیت‌پذیری طرفین | | بازدیدهای دوره‌ای آزمایشگاه‌ها از همدیگر | |
| رقابت سازنده به‌جای حسادت | | برگزاری جلسات مداوم برای مدیران | |
| آگاهی از ریسک‌های رقابتِ همکارانه | | برگزاری جلسات مشترک | |
| آموزش | | سامانه ارتباطی با رقبا | |
| آموزش مستمر مدیران و برگزاری دوره‌های ضمن خدمت | راهبردهای دانش‌افزایی | استفاده از مدیران انعطاف پذیر | ویژگی‌های مدیر |
| برگزاری دوره آموزشی برای نیروی انسانی | | استفاده از مدیران با سابقه و آشنا به امور | |
| بهره‌گیری از تجربه‌های موفق | | به‌کارگیری مدیران کارآمد | |
| تبادل اطلاعات | | تناسب شایستگی مدیر و پست | |
| استفاده از تیم‌های نظارتی | راهبردهای نظارتی | ارتقاء انگیزه نیروی انسانی | راهبردهای منابع انسانی |
| ایجاد راهکارهای کنترل رقبا | | بها دادن به نیروی انسانی | |
| بازرسی مستمر | | تأمین مالی نیرو | |
| شفاف‌سازی | | تشویق افراد فعال در رقابتِ همکارانه | |
| نظارت و ارزیابی صحیح | | قدردانی از نیروی انسانی | |
| ترویج علوم انسانی در وزارت بهداشت | راهبردهای بالادستی | ابتدا تفاهم بعد قرارداد | راهبردهای قانون‌گذاری |
| تسهیل در قراردادهای بین | | افزایش طول قرارداد | |

| کد | مقوله | کد | مقوله |
|---|---|---|---|
| بیمارستانی | | | |
| تسهیل قوانین | | سختگیری در قوانین رقابتِ همکارانه با بخش خصوصی | |
| بخشنامه‌های بالادستی | | مشاوره با یک مشاوره مالی حاذق و توانا جهت ارزیابی | |
| تفکیک قانون‌گذار و مجری | | تفویض اختیار | راهبردهای مدیریتی |
| تکمیل زنجیره بر اساس سند آمایش سرزمین توسط وزارت بهداشت | | تأمین به‌روز در وضعیت مالی واحدها | |
| جلسات هماهنگی بالادستی | | بروز رسانی فرایندها | |
| سیاست‌گذاری از دانشگاه علوم پزشکی | | توسعه ظرفیت الگوبرداری | |
| ترویج فرهنگ مطالعه | فرهنگ‌سازی | حذف واسطه‌ها جهت تأمین ملزومات اولیه | |
| تزریق فرهنگ درمانی به‌جای رقابتی | | سبک رهبری حمایتی | |
| ترویج فرهنگ کار تیمی | | طراحی محیط کاری | |
| تأمین مالی از منابع در دسترس | راهبردهای مالی | رقابتِ همکارانه با بخش خصوصی | |
| مدیریت هزینه | | تیم سازی | |
| سرمایه‌گذاری مشترک | | | |

بعد از انجام مصاحبه‌ها، پرسشنامه محقق ساخته طراحی و در اختیار ۱۵ خبره قرار داده شد تا رتبه‌بندی راهبردها انجام شود. راهبردها بر مبنای ۳ معیار ارزیابی می‌شوند: اثرگذاری، هزینه و زمان‌بری. اثرگذاری به معنای آن است که پیاده‌سازی راهبرد موردنظر چقدر می‌تواند منجر به موفقیت رقابتِ همکارانه شود. هزینه اشاره به میزان هزینه‌ای دارد که برای اجرای آن راهبرد باید متحمل شد در نتیجه یک معیار منفی تلقی می‌شود. زمان‌بری هم به معنای زمان لازم برای پیاده‌سازی رقابتِ همکارانه است. این معیار نیز یک معیار منفی است. در جدول شماره (۸) ارزیابی خبرگان از اهمیت معیارهای ارزیابی راهبردها آورده شده است:

**جدول شماره (۸): ارزیابی اولویت معیارها بر اساس نظر خبرگان**

| نام معیار | خبره ۱ | خبره ۲ | خبره ۳ | خبره ۴ | خبره ۵ | خبره ۶ | خبره ۷ | خبره ۸ | خبره ۹ | خبره ۱۰ | خبره ۱۱ | خبره ۱۲ | خبره ۱۳ | خبره ۱۴ | خبره ۱۵ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| اثرگذاری | ۱ | ۱ | ۲ | ۱ | ۲ | ۲ | ۳ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| هزینه | ۲ | ۲ | ۳ | ۲ | ۳ | ۳ | ۱ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۳ | ۳ | ۳ | ۲ |
| زمان‌بری | ۳ | ۳ | ۱ | ۳ | ۱ | ۱ | ۲ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۲ | ۲ | ۲ | ۳ |

بعد از مشخص شدن اولویت معیارها باید راهبردها بر اساس این معیارها ارزیابی شوند. جدول شماره (۹) بیانگر ارزیابی خبرگان از هر راهبرد بر اساس معیارهای ۳ گانه است.

**جدول شماره (۹): نمونه‌ای از ارزیابی انجام شده از راهبردها بر اساس معیارهای ۳ گانه**

| شماره راهبرد | خبره ۱ | | | خبره ۲ | | | ۰۰۰ | خبره ۱۵ | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | اثرگذاری | هزینه | زمان‌بری | اثرگذاری | هزینه | زمان‌بری | ۰۰۰اثرگذاری | هزینه | زمان‌بری |
| ۱ | ۶ | ۱۰ | ۱۰ | ۷ | ۷ | ۴ | ۰۰۰ | ۱ | ۱۰ | ۵ |
| ۲ | ۵ | ۴ | ۶ | ۵ | ۱ | ۶ | ۰۰۰ | ۵ | ۸ | ۱۱ |
| ۳ | ۷ | ۱ | ۸ | ۶ | ۴ | ۸ | ۰۰۰ | ۲ | ۱ | ۳ |
| ۴ | ۲ | ۶ | ۱ | ۱۰ | ۶ | ۱ | ۰۰۰ | ۷ | ۲ | ۱ |
| ۵ | ۴ | ۵ | ۷ | ۴ | ۵ | ۷ | ۰۰۰ | ۴ | ۹ | ۲ |
| ۶ | ۸ | ۲ | ۴ | ۸ | ۲ | ۱۰ | ۰۰۰ | ۳ | ۶ | ۹ |
| ۷ | ۱ | ۳ | ۲ | ۱ | ۳ | ۲ | ۰۰۰ | ۶ | ۷ | ۷ |
| ۸ | ۹ | ۹ | ۳ | ۹ | ۹ | ۹ | ۰۰۰ | ۹ | ۵ | ۸ |
| ۹ | ۱۰ | ۸ | ۱۱ | ۲ | ۸ | ۱۱ | ۰۰۰ | ۱۰ | ۴ | ۶ |
| ۱۰ | ۱۱ | ۱۱ | ۹ | ۱۱ | ۱۱ | ۳ | ۰۰۰ | ۱۱ | ۱۱ | ۴ |
| ۱۱ | ۳ | ۷ | ۵ | ۳ | ۱۰ | ۵ | ۰۰۰ | ۸ | ۳ | ۱۰ |

بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها تحلیل داده‌ها با روش OPA انجام گردید. بر مبنای خروجی نرم‌افزار، اوزان معیارها عبارت‌اند از: اثرگذاری= ۰/۴۷ هزینه= ۰/۲۵ و زمان‌بری= ۰/۲۸ . بر این اساس کاملاً واضح است که به ترتیب اثرگذاری، زمان‌بری و هزینه اولویت بالاتری از منظر خبرگان دارند. رتبه‌بندی راهبردهای رقابتِ همکارانه به‌صورت زیر است:

**جدول شماره (۱۰): رتبه‌بندی راهبردهای رقابتِ همکارانه**

| راهبرد | وزن | رتبه | راهبرد | وزن | رتبه |
|---|---|---|---|---|---|
| نهادینه کردن اخلاق | ۰.۰۵۸۶۱۸ | ۹ | راهبردهای نظارتی | ۰.۰۸۷۳۰۶ | ۶ |
| راهبردهای دانش‌افزایی | ۰.۰۹۰۶۱۶ | ۵ | راهبردهای منابع انسانی | ۰.۰۹۸۴۸۵ | ۴ |
| راهبردهای تشکیلاتی | ۰.۱۰۹۵۲۵ | ۳ | راهبردهای قانون‌گذاری | ۰.۱۸۴۷۴۲ | ۱ |
| ویژگی‌های مدیر | ۰.۱۳۷۰۹۵ | ۲ | راهبردهای مالی | ۰.۰۷۱۱۲۱ | ۸ |
| راهبردهای بالادستی | ۰.۰۳۷۵۸۳ | ۱۱ | فرهنگ‌سازی | ۰.۰۳۸۲۷۰ | ۱۰ |
| راهبردهای مدیریتی | ۰.۰۸۶۶۴۰ | ۷ | | | |

بر اساس جدول شماره (۱۰) مشخص است به ترتیب «راهبردهای قانون‌گذاری»، «ویژگی‌های مدیر»، «راهبردهای تشکیلاتی» و «راهبردهای منابع انسانی» دارای رتبه‌های ۱ تا ۴ هستند و راهبردهای مهم‌تری برای رقابتِ همکارانه هستند.

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

رقابتِ همکارانه در زنجیره تأمین سلامت اهمیت زیادی دارد زیرا به جبران کمبودهای موجود در منابع و تخصص کمک شایانی می‌کند. با وجود اهمیت این موضوع، سطح رقابتِ همکارانه در این زنجیره تأمین محدود است که یکی از دلایل آن، عدم موفقیت‌ها و یا تعارضات قبلی است در نتیجه شناسایی راهبردهای رقابتِ همکارانه اهمیت بالایی دارد. در این تحقیق ۵۵ راهبرد شناسایی گردید که در قالب ۱۱ راهبرد کلان دسته‌بندی گردید که عبارتند از: «نهادینه کردن اخلاقیات»، «راهبردهای دانش‌افزایی»، «راهبردهای نظارتی»، «راهبردهای بالادستی»، «راهبردهای مالی»، «فرهنگ‌سازی»، «راهبردهای تشکیلاتی»، «ویژگی‌های مدیر»، «راهبردهای منابع انسانی»، «راهبردهای قانون‌گذاری» و «راهبردهای مدیریتی». نتایج نشان می‌دهد «راهبردهای قانون‌گذاری»، «ویژگی‌های مدیر» و «راهبردهای تشکیلاتی» به ترتیب اولویت‌های اول تا سوم را از منظر خبرگان دارند.

در مورد «راهبردهای دانش‌افزایی» یامی و نعمه۱ (۲۰۱۴) بیان کردند دانش و آگاهی بالا و تجربیات گذشته شرکا و همفکری میان آن‌ها باعث مقابله با مسائل موجود در مسیر شده و میزان خطرات احتمالی را کاهش می‌دهد. در مورد «راهبردهای نظارتی» دانا۲ و همکاران (۲۰۱۳) بیان می‌کند در این گونه روابط، وجود یک رهبر و مدیر مستقل در جهت نظارت بر همه اعضا و توجه به منافع آن‌ها به‌طور یکسان ضروری است. «راهبردهای مالی» را می‌توان در تحقیق وسترا و همکاران (۲۰۱۷) با عنوان همکاری در شرکت‌های زایشی در زنجیره سلامت مشاهده کرد. در مورد «راهبردهای بالادستی» وجود قوانین حمایتی در قادری عابد و همکاران (۱۳۹۷) اشاره شده است. در مورد «ویژگی‌های مدیر» گلایستر و هوسان۳ (۲۰۰۳) بیان کردند مدیریت عملیات رقابتِ همکارانه به نقش مدیران و مأموریت و وظایف هر یک از شرکا تأکید داشته و همچنین مدیریت ارتباطات بین شرکا نیز به چگونگی ارتباطات میان شرکا و توسعه روابط میان آن‌ها اشاره دارد. این موارد بیانگر اهمیت مدیر توانمند است. در مورد «راهبردهای منابع انسانی» و «راهبردهای مدیریتی» چین۴ و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که مدیران باید فضای یادگیری ایجاد کنند و تخصیص مناسبی از نیروی انسانی داشته باشند.

با توجه به راهبردهای شناسایی شده و اهمیت آن‌ها پیشنهاد می‌گردد وزارت بهداشت قوانین موجود که مانع رقابتِ همکارانه هستند را شناسایی و رفع کند. یکی از مواردی که وزارت بهداشت باید توجه کند ارائه خدمات باکیفیت در بخش خصوصی است که باعث می‌شود تعداد عمل‌های جراحی خاص در بیمارستان های دولتی کاهش یابد و رزیدنت‌هایی که برای آموزش باید آن عمل‌های جراحی را تجربه کنند نمی‌تواند آموزش مناسبی ببینند در نتیجه رقابتِ همکارانه در این زمینه‌ها اهمیت بسیار بالایی دارد و باید در قوانین و اسناد بالادستی دیده شود. با توجه به اهمیت و نقش مدیران لازم است شایستگی‌های مدیران به‌منظور رقابتِ همکارانه

---

۱- Yami & Nemeh

۲- Dana

۳- Glaister & Husan

۴- Chin

شناسایی و در بحث جذب مدیران یا انتصاب افراد در سمت‌های مدیریتی این شایستگی‌ها مدنظر قرار بگیرد. برگزاری جلسات مشترک بین رقبا و تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌ها می‌تواند در زمینه شناسایی رقبا از قابلیت‌های یکدیگر و تقویت فضای اعتماد مؤثر باشد. در زمینه آموزش نیز باید آموزش‌های ضمن خدمت به‌صورت هوشمندانه ارائه شود. آموزش‌هایی در زمینه امنیت داده‌ها، شیوه‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری، فن مذاکره و حل تعارض، کار گروهی و تیم سازی از جمله آموزش‌های مهم برای رقابتِ همکارانه مؤثر است. در زمینه نیروی انسانی نیز باید با سازوکارهای مناسب پاداش و تنبیه، احساس عدالت سازمانی را تقویت کرد تا انگیزه افراد برای مشارکت در این فعالیت‌ها افزایش یابد.

**منابع**

قادری عابد، امیرحسین.، نظری، محسن؛ و حیدری، علی. (۱۳۹۷). ارائه مدل مفهومی استراتژی رقابت همکارانه در صنعت فناوری اطلاعات و ارتباطات. پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۲۲ (۴): ۱۲۸-۱۰۲.

Adetayo, A. J. (۲۰۲۳). Harnessing Coopetition for the Survival of Nigerian Public Libraries: Role of Smart Technologies. International Information & Library Review, ۵۵(۱), ۲۹-۴۳.

Albert-Cromarias, A., & Dos Santos, C. (۲۰۲۰). Coopetition in healthcare: Heresy or reality? An exploration of felt outcomes at an intra-organizational level. Social science & medicine, ۲۵۲, ۱۱۲۹۳۸.

Aleksandrovic, V. I. (۲۰۲۳). Influence of Perceived Business Ecosystem Value on Intention to Use New E-Services: The Case of Yandex.

Ataei, Y., Mahmoudi, A., Feylizadeh, M. R., & Li, D. F. (۲۰۲۰). Ordinal priority approach (OPA) in multiple attribute decision-making. Applied Soft Computing, ۸۶, ۱۰۵۸۹۳.

Bengtsson, M., & Kock, S. (۲۰۱۴). Coopetition—Quo vadis? Past accomplishments and future challenges. Industrial Marketing Management, ۴۳(۲), ۱۸۰-۱۸۸.

Blázquez-Jiménez, C., & Sanchis, J. R. (۲۰۲۳). Inter-business coopetition. Theoretical description and application to technological sectors. RETOS. Revista de Ciencias de la Administración y Economía, ۱۳(۲۶), ۳۲۵-۳۴۰.

Brandenburger, A. M., & Nalebuff, B. J. (۱۹۹۶). Co-opetition. New York: Currency Doubleday.

Chen, M.-J. (۲۰۰۸). "Reconciling theoretical perspectives: Game theory and the resource-based view of the firm." Journal of Management, ۳۴(۵), ۹۲۱-۹۲۵.

Chin, K. S., Chan, B. L., & Lam, P. K. (۲۰۰۸). Identifying and prioritizing critical success factors for coopetition strategy. Industrial Management & Data Systems, ۱۰۸(۴), ۴۳۷-۴۵۴.

Crick, J. M., Crick, D., & Peixinho, J. M. (۲۰۲۳). Does industry experience positively moderate the quadratic relationship between coopetition and

financial performance? Evidence from the New Zealand wine sector. International Journal of Entrepreneurship and Small Business, ۴۹(۱), ۱-۳۱.

Crick, J. M., Friske, W., & Morgan, T. A. (۲۰۲۴). The relationship between coopetition strategies and company performance under different levels of competitive intensity, market dynamism, and technological turbulence. Industrial Marketing Management, ۱۱۸, ۵۶-۷۷.

Dagnino, G. B., & Padula, G. (۲۰۰۲). Coopetition strategy: A new kind of interfirm dynamics for value creation." Academy of Management Perspectives, ۱۶(۱), ۷-۱۰.

Dagnino, G. B., & Rocco, E. (Eds.). (۲۰۰۹). Coopetition strategy: theory, experiments and cases (Vol. ۴۷). Routledge.

Dana, L. P., Granata, J., Lascha, F., & Carnaby, A. (۲۰۱۳). The evolution of co-opetition in the Waipara wine cluster of New Zealand. Wine Economics and Policy, (۲), ۴۲–۴۹.

Doren, J. V. (۲۰۲۰). The influence of technology development stages on the drivers of coopetition in the Dutch Green Hydrogen sector (Master's thesis).

Gao, L., Deng, X., Yang, W., & Chang, T. (۲۰۲۱). Exploring Critical Factors Affecting Contractors' Coopetition Relationship in International Construction Projects. Advances in Civil Engineering, ۲۰۲۱, ۱-۱۶.

Garraffo, F. M., & Siregar, S. L. (۲۰۲۲). Coopetition among competitors in global industries: drivers that lead to coopetitive agreements. Competitiveness Review: An International Business Journal, ۳۲(۳), ۴۲۸-۴۵۴.

Glaister, K.W. & Husan, R.(۲۰۰۳). Learning to Manage International Joint ventures. Int. Business Review,۱۲, ۸۳-۱۰۸

Gnyawali, D. R., & Park, B. J. (۲۰۱۱). Co-opetition between giants: Collaboration with competitors for technological innovation. Research Policy, ۴۰(۵), ۶۵۰-۶۶۳.

Gocek, I. (۲۰۲۳). The theoretical study of collaboration and cooperation in the fashion industry. Higher Technical School of Industrial Engineering of

Barcelona. https://upcommons.upc.edu/server/api/core/bitstreams/f۴۳۵a۲۷c-cd۱b-۴۷۴b-b۳۲c-۰e۹۵۱۴۸۲۷abc/content

Khanlarzade, N., & Farughi, H. (۲۰۲۴). Modeling the Stackelberg game with a boundedly rational follower in deterioration supply chain-based interaction with the leader's hybrid pricing strategy. Expert Systems with Applications, ۲۳۷ (۱۰), ۱۲۱۳۰۲.

Klimas, P., Ahmadian, A. A., Soltani, M., Shahbazi, M., & Hamidizadeh, A. (۲۰۲۳). Coopetition, where do you come from? identification, categorization, and configuration of theoretical roots of Coopetition. SAGE Open, ۱۳(۱), ۲۱۵۸۲۴۴۰۲۲۱۰۸۵۰۰۳.

Lechner, C., & Leyronas, C. (۲۰۰۹). Small-business group formation as an entrepreneurial development model. Entrepreneurship Theory and Practice, ۳۳(۲), ۶۴۵-۶۶۷.

Miki, A. F. C., Monticelli, J. M., & Costa, R. A. D. (۲۰۲۳). Asymmetries in the Drivers of Tourism Coopetition in Craft Centres. Turismo: Visão e Ação, ۲۵, ۴۰۵-۴۲۴.

Mirzabeiki, V., He, Q., & Sarpong, D. (۲۰۲۳). Sustainability-driven co-opetition in supply chains as strategic capabilities: drivers, facilitators, and barriers. International Journal of Production Research, ۶۱(۱۴), ۴۸۲۶-۴۸۵۲.

Ougolnitsky, G., & Korolev, A. (۲۰۲۳). Game-Theoretic Models of Coopetition in Cournot Oligopoly. Stats, ۶(۲), ۵۷۶-۵۹۵.

Pegas, P., Minel, S., & Downs, D. (۲۰۲۰). Exploring the dynamics of coopetition: A case study in the aerospace industry. Journal of Business Research, ۱۱۳, ۱۲۳-۱۳۴.

Randolph, R. V., Fang, H., Memili, E., Ramadani, V., & Nayır, D. Z. (۲۰۲۳). The role of strategic motivations and mutual dependence on partner selection in SME coopetition. International Journal of Entrepreneurship and Small Business, ۴۸(۳), ۲۷۳-۲۹۵.

Ritala, P., & Hurmelinna-Laukkanen, P. (۲۰۰۹). "What's in it for me? Creating and appropriating value in innovation-related coopetition." Technovation, ۲۹(۱۲), ۸۱۹-۸۲۸.

Roy, P., & Pellegrin-Boucher, E. (۲۰۲۴). Building a Coopetitive Business Model: The Case of Montparnasse Tower in Paris. International Journal of Arts Management, ۲۶(۲).

Shvindina, H., & Heiets, I. (۲۰۲۳). A Comparative Performance Analysis of Airline Strategic Alliances: In a Search for Coopetition Drivers through DEA. IntechOpen, DOI: ۱۰.۵۷۷۲/intechopen.۱۱۳۳۵۰

Slavchev, I. (۲۰۲۳). Coopetition as a Strategy for Improvement the Competitiveness of the Commercial Company. In Conferences of the department Economics and Management of Trade" (pp. ۱۲۷-۱۳۲). Publishing house" Science and Economics" Varna.

Van den Broek, J., Boselie, P., & Paauwe, J. (۲۰۱۸). Cooperative innovation through a talent management pool: A qualitative study on coopetition in healthcare. European Management Journal, ۳۶(۱), ۱۳۵-۱۴۴.

Wang, Y., Li, H., & Chen, J. (۲۰۲۳). Coopetition and market expansion: A study on technology firms in emerging markets. International Journal of Technology Management, ۸۹(۱/۲), ۴۵-۶۷.

Westra, D., Angeli, F., Carree, M., & Ruwaard, D. (۲۰۱۷). Coopetition in health care: A multi-level analysis of its individual and organizational determinants. Social Science & Medicine, ۱۸۶, ۴۳-۵۱.

Yami, S., & Nemeh, A. (۲۰۱۴). Organizing coopetition for innovation: The case of wirelesstelecommunication sector in Europe. Industrial Marketing Management, (۴۳), ۲۵۰–۲۶۰.

Yami, S., Castaldo, S., Dagnino, B., & Le Roy, F. (Eds.). (۲۰۱۰). Coopetition: winning strategies for the ۲۱st century. Edward Elgar Publishing.

Zhang, J., Jiang, Q., Zhang, W., Kang, L., Lowry, P. B., & Zhang, X. (۲۰۲۳). Explaining the Outcomes of Social Gamification: A Longitudinal Field Experiment. Journal of Management Information Systems, ۴۰(۲), ۴۰۱-۴۳۹.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٧٦-٥٣
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# میزان اعتبار آرای قطعیت یافته حقوقی با نگرشی به ماده‌ی ٤٧٧ آیین دادرسی کیفری

**جعفر گلدار**[١]
**علیرضا رجب‌زاده اصطهباناتی**[٢]
**علیرضا مظلوم رهنی**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۳/۴/۱۵ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۵/۶)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
در عصر حاضر در نظام‌های حقوقی معاصر اصل اعتبار امر مختوم مورد پذیرش قرار گرفته است. اعاده دادرسی یکی از طرق اعتراض به اراء قطعی است که در قانون آیین دادرسی مدنی و بعضی از قوانین پیش بینی شده است. اعاده دادرسی یکی از طرق فوق العاده شکایت از آراء و طریقی جهت مراجعه به شعبه صادر کننده رای قطعی بوده و به منظور عدول از رأی و جبران خطا و اشتباهاتی است که ناشی از عمل قاضی یا هر یک از متداعیین می‌باشد. پذیرش در خواست اعاده دادرسی از احکام قطعی هر چند موجب تزلزل قاعده اعتبار قضیه مختوم می گردد، ولی از طرفی

١- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
٢- استادیار گروه حقوق، دانشگاه غیرانتفاعی رجا، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
Alirezarajabzadeh@gmail.com
٣- گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران

باعث جبران آثار احکامی می‌شود که ناشی از اشتباه می‌باشد. قانونگذار جهت احقاق حقوق حقه اشخاص که در اثر ارای قطعی که در اثر اشتباه یا خطا در پرونده‌های حقوقی وکیفری، متضرر می‌گردند، در پی تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲، در ماده ۴۷۷ یک تاسیس حقوقی جدید را نواوری نمود و راه دیگری در کنار اعاده دادرسی عام پیش بینی کرد و آن اعاده دادرسی خاص یا ویژه از مسیر رئیس قوه قضاییه می‌باشد که صراحتاً بیان شده کلیه آرای قطعی مراجع قضایی (اعم از حقوقی وکیفری) چنانچه توسط رئیس قوه قضاییه خلاف شرع بین تشخیص داده شود، خود تجویز اعاده دادرسی محسوب می‌گردد. اکنون با این پرسش اساسی مواجه می‌باشیم که در صورت تجویز اعاده دادرسی ویژه توسط رئیس قوه قضائیه، دیوان عالی کشور مکلف به تبعیت از آن است؟ که بررسی آرای مختلف مؤید این امر می‌باشد که شعب خاص دیوان عالی کشور مکلف به تبعیت از آن نمی‌باشند و می‌توانند برخلاف تشخیص و تجویز رئیس قوه قضاییه مبنی برخلاف شرع بین بودن رای قطعی صادره، آن را خلاف شرع بین تشخیص نداده وتایید نمایند. در این پژوهش که به روش توصیفی- تحلیلی انجام یافته سعی در بررسی میزان اعتبار آرای قطعیت یافته حقوقی با نگرشی به ماده۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری شده است. با توجه به نتایج می‌توان گفت که در صورت تجویز اعاده دادرسی ویژه توسط رئیس قوه قضائیه، دیوان عالی کشور مکلف به تبعیت از آن نیست و مهم‌ترین مبنای پذیرش اعاده‌ی دادرسی از طریق قوه‌ی قضاییه جلوگیری از اجرای آراء مخالف شرع است و البته این امر از این جهت که باعث تزلزل و بی‌ثباتی احکام دادگاه‌ها خواهد شد و امنیت قضایی را مخدوش می-سازد مورد ایراد و انتقاد است.

**واژگان کلیدی:** حکم قطعی، اعاده دادرسی، اعاده دادرسی ویژه، خلاف بین شرع، رئیس قوه قضاییه

**مقدمه**

صدور آراء اشتباه امری اجتناب ناپذیر در تمامی نظام‌های قضایی دنیاست. در چنین شرایطی رسالت عدالت کیفری ایجاب می‌کند تا به منظور جلوگیری از تضییع حقوق طرفین دعوا

سازوکاری کارآمد را تعبیه کند. در این راستا تجدیدنظرخوهی، واخواهی، فرجام خواهی و اعاده دادرسی مکانیزمی است که قانونگذار در مقام چاره‌جویی نسبت به اشتباهات قضایی یا احکام مخالف اصول و قوانین در نظر گرفته تا افراد بتوانند به آراء مذکور اعتراض کنند. یکی از طرق فوق العاده اعتراض به آراء اعاده دادرسی است که یک حق دفاعی شناخته شده برای محکوم علیه است تا بدین واسطه احقاق حق کند.

اعاده دادرسی در جهت تحقق اهداف یک جامعه عدالت محور امری پسندیده و موافق اصول حقوق بشری است و تاکید اسناد بین المللی‌ای نظیر بند ۶ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸۴ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، نشان از اهمیت این امر دارد. اعاده دادرسی عام که از رهگذر ماده ۴۷۴ و با وجود هفت جهت معینی که در ماده صراحتا ذکر شده امکان پذیر است، فقط نسبت به احکام آن هم در صورت قطعیت یافتن آن قابل اجراست. امری که از نظر عقلی نیز قابل توجیه است. از طرفی این اعاده فقط نسبت به حکم قطعی محکومیت قابلیت اعمال دارد؛ بنابراین این متهم است که می‌تواند در خواست این اعاده را بدهد.

قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با تصویب ماده ۴۷۷ اما شیوه‌ای نه چندان نا آشنا را برای اعتراض فوق العاده نسبت به آراء در نظر گرفت. این شیوه از اعاده دادرسی که اعاده دادرسی خاص یا به تعبیر دیگر اعاده دادر سی مقام مدار می‌نامیم پیش از این نیز عرصه قانونگذاری ما سابقه داشته است. سابقه‌ی این واقعیت کتمان ناپذیر که رئیس قوه قضاییه به عنوان مرجعی برای اعاده دادرسی محسوب می‌شود را می‌توان طی سالیان متمادی در عرصه قوانین مشاهده کرد. ماده ۲ قانون وظایف اختیارات رئیس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۸، ماده ۱۸ قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و در نهایت ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، خبر از ید طولای رئیس قوه قضاییه در این عرصه می‌دهد.

ماده ۴۷۷ بیانگر این مهم می‌باشد که رییس قوه می‌تواند در صورتی که آرا قطعی صادر از مراجع قضایی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، اعاده دادرسی را تجویز کند تا در شعب خاصی از دیوان عالی کشور رسیدگی شود. بدین ترتیب مطابق این نوآوری قانونگذار؛ یک نوع بازبینی مقام مدار نسبت به آراء قضایی به رسمیت شناخته شده است با این حال در این زمینه چالش‌هایی دیده می‌شود. برای نمونه، اولین مسئله که ماده مذکور حول محور همین امر در جریان است عبارت نامفهوم «خلاف شرع بین» می‌باشد. در حقیقت پیش بینی نشدن معیاری برای تشخیص

خلاف بین شرع همواره چالش برانگیز است. خلاف بین شرع در ماده ۱۸ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب تعریف شده بود که خالی از ایراد نبود. اما این نوآوری قانونگذار و تقدم واژه شرع بر بین که خود اختلافاتی را بین جامعه حقوقی ایجاد کرده است محل بحث می‌باشد. خلاف بین شرع آن است که احکام شرع در خصوص موضوع به قدری روشن باشد که حکم دادگاه آشکارا بر خلاف آن دیده شود که گویا مطابق ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری چنین حکمی خلاف مسلمات فقهی است، بدون آنکه عبارت «مسلمات فقهی» در ماده مذکور تعریف و یا مصادیق آن معین شود که این عبارت نیز می‌تواند بیانگر ابهامات بسیار باشد. حال که اگر حکمی آنقدر واضح خلاف شرع باشد با فرض سوء نیت قاضی، چگونه ممکن است که هیچ یک از طرفین به آن اعتراض نکرده‌باشند!!! از طرفی تقدم شرع به بین از چه باب رخ داده است؟ و اساساً مقصود قانگذار از این عبارت چه بوده است؟ این مهم از پرتو یافته‌های پیش گیرانه نیز قابل تحلیل است. پرواضح است که نبود تعریف مشخص از عبارت خلاف شرع بین و ابهام این عبارت فرصت را برای سوء استفاده و به چالش کشیده شدن حقوق شهروندان و اعمال سلیقه از سوی مقامات در جهت تفسیر این عبارت فراهم خواهد نمود.

هم چنین عدم ذکر مدت برای اعمال این حق توسط رییس قوه قضاییه موضوع «اعتبار امر مختوم» را که یک امری عقلایی است مخدوش نموده که در واقع می‌توان به هر بهانه‌ای به آرا صادره از مراجع صالح خدشه وارد کرد را زیر سوال برد. علاوه بر آن مطابق ماده مذکور اعاده دادرسی محدود به احکام قطعی نبوده و هر حکم یا قراری را اعم از آنکه دادگاه‌های حقوقی و کیفری یا دادسراها یا شوراهای حل اختلاف یا حتی دیوان عالی کشور صادر کرده باشد در برمی‌گیرد. اما نکته جالب توجّه آنکه اعمال این حق آنجا که شعب دیوان عالی کشور آرایی را در مقام تجویز اعاده دادرسی صادر می‌کنند نیز قابل اجراست. از طرفی تنزل مقام دیوان در جهت رسیدگی ماهوی آن هم به قرارها قابل تامّل وتوجّه است. عدم امکان اجرای آراء قطعی دادگاهها و ایجاد دور و تسلسل در آراء صادره و بروز اطاله دادرسی که درپرتو ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری به وقوع می‌پیوندد آحاد مردم و نظام قضایی کشور را دچار چالش می‌نماید.

همچنین این ماده با آموزه‌های نظام قضایی کشور که هدف آن اجرای قسط و عدالت و قاطعیت

است نیز در تعارض است. ودر ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری از رهگذر ایجاد شبهه در صحیح بودن تصمیم کارگزاران عدالت قضایی و عدم پذیرش تصمیم اتخاذی از سوی قاضی صالح، ساز و کارهای دادرسی را با خلاء جدی مواجه می‌کند. به علاوه از آنجا که اصل بر رسیدگی غیر ترافعی در دیوان است با توجه به عدم حضور طرفین در این رسیدگی ماهوی و شکلی شبهات بسیاری را مطرح خواهد کرد. ودر دادرسی‌های کیفری که بنابر اصل برائت که همواره در قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری مورد تاکید قرار گرفته است هیچ کس مجرم شناخته نمی‌شود مگر آنکه جرم او در دادگاه صالح اثبات شود. رعایت این اصل همواره تاثیر به سزایی در استقرار امنیت جانی و مالی و روحی و روانی در افراد و حفظ کرامت آنها دارد. با این حال؛ از رهگذر اعاده دادرسی مقام مدار ماده ۴۷۷ حتی شاکی نیز می‌تواند با استناد به خلاف شرع بین بودن رای صادره از حکم برائت فرد تبرئه شده به رییس قوه قضاییه درخواست اعاده دادرسی دهد. همانگونه که مسلم است در پرتو این نقص اصل برائت همواره در معرض نادیده انگاشته شدن می‌باشد. با توجه به چالش‌ها و تعرضات پیش آمده رئیس قوه‌ی قضاییه- حجت-الاسلام محسنی اژه‌ای- در سال ۱۴۰۰؛ پیرامون ماده‌ی ۴۷۷ دستورالعمل‌هایی را اعمال داشتند که به نظر می‌رسد راه را برای اصلاح ماده‌ی ۴۷۷ و تعارضات به وجود آمده هموار می‌کند. برای نمونه در این دستورالعمل آمده: «عدم پذیرش درخواست‌های اعمال ماده ۴۷۷ که متضمن و دربرگیرنده استدلال قاضی صادرکننده رأی نباشند..»، در واقع طبق این دستور این موضوع که تنها شخص رئیس دستگاه قضا صلاحیت نهایی احراز درخواست‌های اعمال ماده ۴۷۷ را داشته باشد نیازمند اصلاح است. همچنین در این دستور العمل بر ضرورت متنبه شدن قضاتی که حکم خلاف شرع بین می‌دهند تاکید شده است.

با توجه به آنچه بیان شد؛ بعضی از مهم‌ترین ایرادات وارده به ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری و ضرورت اصلاح آن ضرورت بررسی این مسأله را نمایان می‌کند بدین منظور در این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی سعی در بررسی و تحلیل میزان اعتبار آرای قطعیت یافته حقوقی با نگرشی بر ماده‌ی ۴۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری شد.

## ۱-پیشینه‌ی پژوهش

فیروز آبادی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان امکان بازبینی و تجدیدنظرپذیری آراء

داوری، ضمن بررسی و نقد ادله پشتیبان قاعده «حرمت نقض حکم قاضی مجتهد»، ضمن اثبات خصوصیت نداشتن اجتهاد در مقام اصدار رأی و عدم تفاوت میان رأی قاضی منصوب و رأی داور(قاضی تحکیم) بدلیل تنقیح مناط، نظریه تجدیدنظرپذیری و امکان بازنگری رأی صادره توسط داور(همانند رأی قاضی) بدلیل اطلاقات ادله نفوذ حکم قاضی و شمول این ادله بر قضاوت دوم، مورد پذیرش واقع شده اما امکان بازنگری و استیناف مقید به عدم بروز هرج و مرج و محدود به مواردی است که منجر به بی اعتباری یا کم اعتباری آراء قضایی و داوری و تضعیف دستگاه حاکمه نشود. دفعات امکان تجدیدنظر پذیری از شیوه‌های اجرایی فاقد حکم شرعی است که در زمان‌های مختلف با توجه به اقتضائات متفاوتی که وجود دارد، حاکمیت کشور اسلامی حد و قلمرو آن را تعیین می‌کند.

مهدوی راد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بررسی اعمال ماده ۴۷۷ (۴۷۸) ق.آ.د. کیفری در آرای داوری قضاوت شده با تأکید بر رویه قضایی نشان داد که در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری بالصراحه راجع به اعاده دادرسی فوق العاده در آرای قطعیت یافته داوری، مجوزی صادر نشده است. لیکن رویه قضایی دلالت بر آن دارد، چنانچه آرای داوری به واسطه اعتراض ذینفع، در محاکم تالی یا عالی مورد رسیدگی قرار گرفته و به قطعیت رسیده و تصمیم محاکم در تأیید یا نقض رأی داوری، تضییع کننده حقوق اشخاص باشد، ریاست قوه قضائیه نسبت به تجویز اعاده دادرسی فوق العاده اقدام و بالتبع شعب خاص دیوان عالی کشور در اجرای مفاد ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری به صورت شکلی و ماهوی مبادرت به صدور رأی مقتضی می‌نماید.

پورقربانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان واکاوی اعاده دادرسی و تحلیل ارتباط آن با طرق اعتراض به احکام بیان نمود اعاده دادرسی یا اعاده محاکمه یکی از طرق فوق‌العاده شکایت از احکام است که به موجب آن شخص یا اشخاص ذی‌نفع، در صورت وجود جهات موجه قانونی، از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر درخواست می‌کند که در حکم خود تجدیدنظر نموده و عندالاقتضا از تصمیم قبلی خویش عدول نماید. بنابراین، اعاده دادرسی (در صورت پذیرش استدعای متقاضی) از طرق عدولی محسوب می‌گردد و راهی است برای بازگشت نزد همان دادگاهی که حکومت کرده و به منظور عدول از حکمی که آن دادگاه سابقاً صادر نموده و مستدعی اعاده دادرسی مدعی صدور آن از روی سهو و خطا می‌باشد. اعاده دادرسی فقط نسبت

به احکام دادگاه‌ها امکان‌پذیر می‌باشد و در خصوص قرارهای صادره از ناحیه محاکم قضایی قابل تصور نخواهد بود؛ چراکه اصولاً قرارهای صادره من‌جمله قرار ابطال دادخواست، قرار رد درخواست و قرار رد دعوی، از اعتبار امر محکوم‌بها برخوردار نبوده و تجدید مطلع دعوی امکان‌پذیر می‌باشد.

## ۲-شرایط آرای مشمول اعاده دادرسی در چارچوب ماده‌ی ٤٧٧ قانون آیین دادرسی کیفری

شیوه رسیدگی در اعاده دادرسی ویژه از وضعیت و خصوصیات ویژه‌ای بهره مند است که گاهاً حتی برخلاف اعاده دادرسی عام هم می‌تواند باشد. اعاده دادرسی به وسیله رئیس قوه قضائیه منحصر به احکام نبوده و هر رأی اعم از حکم یا قراری (به شرط قطعی بودن)، اعم از اینکه از طرف محاکم یا دادسراهای عمومی و انقلاب یا نظامی صادر شده باشد و یا از طرف شورای حل اختلاف یا دیوان عالی کشور، می‌تواند موضوع رسیدگی و تجویز اعاده دادرسی قرار گیرد. تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری در این مورد بیان می‌نماید: (تبصره۱) آرای قطعی مراجع قضایی اعم از حقوقی و کیفری حاوی دستورات و قرارهای دیوان عالی کشور، مرجع قضایی نیروهای مسلح، محاکم تجدید نظر و بدوی، دادسراها و شوراهای حل اختلاف هستند. (تبصره ۲) آرای شعب دیوان عالی کشور در مورد تجویز اعاده دادرسی و همچنین دستورهای موقت محاکم، چنانچه به وسیله رئیس قوه قضائیه خلافشرع بینّ معین گردد شامل احکام این ماده خواهد بود. این گونه اعاده دادرسی همانند اعاده دادرسی عادی، در صورتی که حکم محکومیت خلاف شرع بینّ تشخیص داده شود، ضرورتاً دستور بر بی گناهی داده نخواهد شد، بلکه شعبه مورد نظر بررسی دوباره خواهد نمود، پس این نوع اعاده دادرسی محدود به حکم محکومیت نمی‌باشد، بلکه امکان دارد حکم برائت هم خلاف شرع بینّ شناسایی و متهم محکوم گردد. آرای مشمول اعاده دادرسی ویژه شامل چهار مورد احکام قطعی، قرار، آرای شورای حل اختلاف و آرای دیوان عالی کشور می‌باشد (جهان تیغ، ۱۴۰۰).

با بررسی صورت گرفته شده در مورد اعاده دادرسی ویژه یا اجرای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری معلوم شده است که در قوانین موضوعی ایران نهاد اعاده دادرسی به عنوان یک نهاد حقوقی در کلیه ادوار پیشین وجود داشته است. اما ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک تحولی ویژه و بنیادین در

تجدیدنظرخواهی از احکام قطعی محاکم ایجاد نموده است. اعاده دادرسی در قوانین آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری و دیوان عدالت اداری پیش بینی گردیده که جهات اعاده دادرسی در آن قوانین مشخص و محدود به موارد تصریح شده در مواد قانونی می‌باشد و به غیر آن جهات امکان درخواست اعاده دادرسی فراهم نمی‌باشد و همچنین در زمان مشخص می‌بایست نسبت به درخواست آن اقدام شود. ولی اعاده دادرسی ویژه محدود و محصور در جهت خاصی نیست همانگونه که در ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک آمده است در شرایطی قابل اعمال می‌باشد که رئیس قوه قضاییه آرای قطعی محاکم، اعم از حقوقی و کیفری را خلاف شرع بین تشخیص دهد و اینکه مصداق‌های شرع بین چه می‌باشد در هیچ قانون یا آیین‌نامه‌ای معین نشده است بنابراین درخواست کنندگان به هر چیزی به عنوان جهت خلاف شرع بین می‌توانند استناد نمایند و درخواست نقض حکم را بنمایند و از سویی برخلاف باقی موارد اعاده دادرسی که در قوانین پیش‌بینی گردید، در ماده ۴۷۷ ق.ا.د ک بعد از تجویز اعاده دادرسی ویژه بوسیله رئیس قوه قضاییه به دیوان عالی کشور ارسال می‌گردد و درشعب خاص دیوان عالی کشور رسیدگی شکلی و ماهوی انجام شده و مبادرت به صدور رای می‌نمایند که این خصوصیت اعمال ماده ۴۷۷ تاکنون در سایر قوانین سابقه نداشته، دیوان تنها صلاحیت بررسی آرا از نظر مغایرت با قوانین و شرع داشته و این تاسیس حقوقی فارغ از شان دیوان رسیدگی ماهوی را برای شعب دیوان قرار داده است. چه بسا قضات فرهیخته و با سابقه دیوان عالی کشور حتی در مواردی می‌بایست آرای صادره از شورای حل اختلاف را هم رسیدگی و اقدام به صدور رای کنند. اگرچه نهاد اعاده دادرسی ویژه به دلیل اجرای عدالت و پیشگیری از نارضایتی اشخاص درنتیجه رسیدگی قضایی که در اثر اشتباه و خطا صورت پذیرفته، ایجاد شده اما از آنجایی که اجرای این نهاد حقوقی مقید به هیچ نوع مهلتی نبوده و هر فردی که ادعای خلاف شرع بین بودن آرای قطعی محاکم را داشته باشد و در هر زمان می‌تواند نسبت به اعاده دادرسی ویژه اقدام کند. این امر با اعتبار امر مختوم آرای قطعی مغایرت دارد. چراکه فردی که در کلیه مراحل دادرسی و پس از مدتی طولانی موفق به اخذ رای به نفع خود شده در هر زمان می‌بایست منتظر اقدام طرف مقابل برای اعمال اعاده دادرسی ویژه و امکان نقض رای باشد، که این موضوع باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به دستگاه قضایی می‌شود (هاشمی باجگاهی، ۱۴۰۰).

## ۳-چالش‌ها و تعارضات موجود در مسیر اعتراض به آراء قطعیت یافته در چارچوب ماده‌ی ٤٧٧ قانون آیین دادرسی کیفری

علی رغم آنکه مقنن، هدف از تصویب اعاده دادرسی از رهگذر ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری را احقاق حقوق افرادی می‌داند که به نحوی حقوقشان در فرایند دادرسی خدشه دار گشته است اما با تعمقی در ماده‌ی ۴۷۷ مشخص و واضح می‌گردد وضع و تصویب این ماده در تعارض جدی با یافته‌ها و دستاوردهای حقوق کیفری همچون اصل برائت، اصل قطعیت آراء، اعتبار امر مختوم، استقلال قضایی، علنی بودن رسیدگی‌ها، اصل کمینه گرایی و.... می‌باشد. بنابراین نیاز و ضرورت وضع این ماده همواره مورد تردید جامعه‌ی حقوقی قرار گرفته چرا که بنظر می‌رسد با توجه به چالش‌های اساسی موجود در ماده ۴۷۷ برای حصول به یک دادرسی منصفانه، تضمینی برای دست‌یابی افراد به حقوق حقه‌شان وجود ندارد.

## ٤- چالش‌های اعاده دادرسی از منظر تضییع حقوق افراد جامعه

تعارض با اصل قانونی بودن حقوق کیفری شکلی و اصل قطعیت آراء: یکی از مصادیق مهم دادرسی عادلانه پذیرش اصل حکومت قانون بر فرایند کیفری می‌باشد، که از آن می‌توان تحت عنوان اصل قانونی بودن حقوق کیفری شکلی یاد نمود. با وجود آنکه قانونگذار هم در قانون اساسی و هم در قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری به مسئله قانونی بودن رسیدگی‌ها تاکید مؤکد کرده است اما این امر در ماده ۴۷۷ به راحتی این موضوع کنارگذاشته شده و اجرای آراء قطعی صادره در یک فرایند دادرسی طولانی متزلزل می‌سازد. مطابق مباحث مطرح شده روشن است که هدف این اصل آن است راه را بر سوء استفاده و هرج و مرج قضایی ببندد و تاکید می‌شود که فرایند رسیدگی باید شفاف باشد، علتی که فرد مورد مواخذه و تعقیب قرار می‌گیرد معلوم باشد، فرد بداند چرا باید وارد فرایند پرپیچ و خم رسیدگی‌های قضایی شود نه آنکه قانونگذار با عبارت پردازی‌های گنگ و مبهم تمام اصول قانونمند بودن را در هم شکند و با اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، امری که اعاده دادرسی توسط رییس قوه قضاییه تجویز شود آنرا بطور کلی نقض کند (حبیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹).

**نقض اصل استقلال قضایی و بی طرفی دادگاه‌ها:** یکی از مهمترین تضمینات حقوق بشر تضمین استقلال دستگاه قضایی و به تبع آن استقلال و بی‌طرفی قضات و دادگاه‌ها است (سلمانی، ۱۳۹۲). ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری قابل ایراد بسیار است چراکه مطابق آنچه

ما، در این ماده می‌بینیم علناً قضات ما دارای اراده‌ای مستقل از رییس قوه نیستند. از طرفی یکی از معیارهای محاکمه‌ی منصفانه، بی طرفی دادگاه است که از معیارهای اساسی برای ارزیابی میزان انطباق قوانین یک کشور با موازین حقوق بشری محسوب می‌شود. نقض بی طرفی در دادرسی از طریق ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری شبهه‌ای است که باتوجه به مقام درخواست کننده این نقض قابل دفاع می‌باشد. این نقض، علاوه بر اینکه برای طرفین دعوا امنیت قضایی ایجاد نمی‌کند، برای افراد جامعه نیز که تاکنون وارد فرایند دادگستری نشده‌اند، ولی شاهد این وصف هستند، اطمینان خاطر ایجاد می‌کند که در صورت مراجعه‌ی به دادگستری برای احقاق حق، ظلم مضاعف بر آنان وارد می‌شود، آن‌ها می‌دانند در صورت ورود به سامانه عدالت کیفری با قوانینی غیرشفاف برخورد خواهند کرد که راه را بر هرگونه یکجانبه گرایی گشوده و فرصت اینکه محاکمه به نفع یک طرف خاص انجام شود را ایجاد می‌کند (جهان تیغ، ۱۴۰۰).

**تعارض با اصل کمینه گرایی در حقوق کیفری:** اصل کاربرد کمینه‌ی حقوق کیفری بر این مهم تاکید می‌ورزد که اصل بر آزادی است و از آن جایی که هر جرم انگاری‌ای آزادی شهروندان را محدود می‌کند پس وضع هر محدودیتی باید توجیه عقلانی داشته باشد. اگرچه اعاده دادرسی همواره در تمام نظام‌های حقوقی دنیا امری شناخته شده می‌باشد و چه بسا در مواردی برای تأمین عدالت لازم و در جهت تأمین حقوق و آزادی‌های شهروندان مفید به فایده است و بنابراین حتی اگر مداخله‌ی دولت از رهگذر قانون گذاری در این حوزه قابل توجیه باشد، اما مداخله کیفری که باز هم محدودیت بیشتری برای آزادی و حقوق شهروندان ایجاد می‌کند باید به صورت حداقلی مورد استفاده قرار گیرد، نه آنکه با وضع موادی همچون ماده ۴۷۷ که مصادیق روشنی برای تجویز این اعاده دادرسی در نظر ندارد دست حکومت را برای سوء استفاده از حقوق افراد بازگذاشته و آزادی‌ها را پایمال کنیم (موسوی، ۱۳۹۵).

**اطاله دادرسی:** بدون تردید، مساله‌ی رعایت مدت معقول دادرسی یکی از مباحث بسیار مهم و از مؤلفه‌های اساسی حق دادرسی عادلانه به شمار می‌آید؛ البته گرچه در مقدمه دستورالعمل اجرایی ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۸ توسط رییس قوه قضاییه به مؤلفه پرهیز از اطاله دادرسی اشاره شده است و این نشان از آن دارد که رییس قوه قضاییه نیز بر اهمیت رعایت این موضوع توجه دارند و سعی در تلطیف آثار مخرب ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی

کیفری دارند اما بنظر می‌رسد این توجه کار به جایی نبرده است و نتوانسته گره گشای این امر باشد، چراکه راهکاری که بتواند گره از کار باز کند ارائه نشده است و تنها به ذکر یک مهلت دو ماهه جهت ارائه‌ی گزارش خلاف شـرع بین بودن پرونده توسط رییس کل دادگستری استان به رییس قوه قضاییه اشاره شده است که کارگشای مشکل اصلی به درازا کشیده شدن رسیدگی‌ها نخواهد بود (مهدوی راد، ۱۴۰۰).

**نقض اصل مرور زمان و تعیین مهلت:** در ماده ۴ دستورالعمل اجرایی ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری به رعایت یک مهلت دو ماهه جهت ارائه‌ی گزارش خلاف شرع بیّن بودن پرونده توسط رییس کل دادگستری استان به رییس قوه قضاییه اشاره شده است و بیانگر این مسئله است که تعیین مهلت همواره به نظر مقنن مهم است و مقنن توجه به سازوکارهای یک دادر سی عادلانه و من جمله رعایت مهلت‌های زمانی دارد اما تعیین این مهلت در ماده ۴ دستورالعمل مشکل اصلی ماده ۴۷۷ و بی مهلت بودن امکان در خواست این اعاده دادرسی را حل نکرده است. آنچه معین است آن است که شورای نگهبان و مجلس مقننه وفق ماده ۴۷۷ رییس قوه قضاییه و مقامات مذکور در تبصره سوم این ماده را از رعایت مهلت زمانی خاص بی نیاز دانسته و تمامی مهلت‌های مذکور در سایر قوانین جهت اعاده دادرسی در اینجا بی معنا می‌نماید (مفاخری، ۱۳۸۱).

**تزاحم با قوانین و مقررات دیوان عالی کشور:** براساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، شعبه خاص دیوان مکلف شده رسیدگی را اعم از شکلی و ماهوی طبق نظر رییس قوه قضاییه انجام دهد، درصورتی که موجبات رسیدگی ماهوی، یعنی احضار اصحاب دعوی و استماع مدافعات آنها و احیاناً استماع شهادت شهود و جلب نظر کارشناس و... از چارچوب و وظایف دیوان عالی کشور خارج است. تکالیف تعیین شده برای شعبه مرجوع الیه که ظاهراً شعبه‌هایی از دیوان عالی کشور است، با اصل قانون اساسی و نقش و وظایفی که در قانون اساسی برای دیوان عالی کشور مقرر شده، مغایرت دارد و قانون مغایر با قانون اساسی، فاقداعتباراست (آخوندی، ۱۳۸۹).

**آراء قابل اعاده اعاده دادرسی عام:** اعاده دادرسی از رهگذر ماده ۴۷۷ تنها محدود به محکومیت‌ها نبوده و شامل حکم برائت نیز می‌شود و علی الاصول شاکی نیز می‌تواند تقاضای این اعاده دادرسی را داشته باشد. که در هر حالت باوجود آنکه می‌دانیم اعاده دادرسی همواره

یک راه اعتراض به آراء و محکومیت‌های غیرقانونی و اشتباه بوده است اما از رهگذر ماده ۴۷۷ و امکان اعتراض حتی به آراء برائت این تصور در ذهن متهم شکل خواهد گرفت که دستگاه حکومتی با دلیل تراشی سعی در تعقیب و محکومیت مجدد وی دارد. ضمن اینکه در امور حقوقی نیز این امر مستثنی نشده و همین نگرانی نسبت به اشخاصی که بنفع آنها حکم به برائت ذمه آنها صادر شده ویا به عبارتی حکم به بی حقی و بطلان دعوی خواهان صادر شده است نیز تسری دارد وحتی ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری قرارهای صادره از دادگاه‌های حقوقی را نیز از این اعاده خارج و مستثنی نکرده و با این توصیف هر آینه ممکن است با اعمال ماده ۴۷۷ قانون یادشده قرارها و احکام قطعیت یافته حقوقی که به نفع خوانده بدوی نیز صادر گردیده است در معرض تخدیش و نقض قرار گیرد. مضافا اینکه ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک اساساً اعتباری برای رأی قضایی و اعتباری برای قاطعیت برخورد قضایی قائل نشده، واقعاً چند در صد از شهروندان بعد از صدور رأی در مرحله‌ی تجدیدنظر و فرجام خواهی صدور آن را می‌پذیرند؟ خرده فرهنگی که امروز وجود دارد اینست که شهروندان می‌گویند راه دیگری نیز هست و دستاویزی همچون ماده ۴۷۷ همواره وجود دارد (نیازپور، ۱۳۹۶)، و این امر در واقع موجب تزلزل آراء قطعیت یافته حقوقی و کیفری شده و نتیجه یک حکم قطعی که در اجرای آن حکم متبلور می‌شود را لااقل کم اثر می‌نماید (آخوندی، ۱۳۹۴).

**هزینه‌های دادرسی:** در ماده ۴۷۷ در باب پرداخت هزینه دادرسی تصریحی وجود ندارد و از آنجا که مقام درخواست کننده رییس قوه قضاییه می‌باشد و او راسا می‌تواند از این حق و تکلیف قانونی استفاده کند؛ بنابراین پرداخت هزینه دادرسی از جانب وی منتفی خواهد بود. اما باید دانست که برقراری هزینه دادرسی می‌تواند از عوامل مؤثر در جلوگیری از تسلیم درخواست‌های بی‌مورد و در نتیجه جلوگیری از کثرت پرونده‌ها در مراجع قضایی باشد و آنکه صرف سکوت قانونگذار در این امر را نباید حمل بر عدم پرداخت هزینه‌ها نمود، خصوصاً وقتی متقاضی یکی از طرفین دعواست چرا که اعاده دادرسی از طریق ماده ۴۷۷ ق.آ.د ک یکی از جهات اعاده دادر سی است و بنابراین باید احکام اعاده دادرسی عادی بر آن قابل اجرا باشد و به تبع آن هزینه دادرسی مرحله اعاده دادرسی نیز بر آن حاکم باشد. همانا فقدان هزینه دادرسی به متقاضی آن این امکان را می‌دهد حتی در صورت ضعیف بودن دلایل خود بدون پرداخت هیچ

هزینه‌ای از رهگذر ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک به آزمون و خطا شانس خود بپردازد و نتیجه آن رشد فزاینده آمارهای قضایی و ازدیاد پرونده‌های موضوع ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک خواهد بود که نتیجتا" تورم این نوع پرونده‌ها و عدم امکان رسیدگی سریع به درخواست‌های افراد خواهد بود (نیازپور، ۱۳۹۶).

## ۵-چالش‌های عدم تبیین مفهوم خلاف شرع بیّن در چارچوب ماده ٤٧٧ قانون آیین دادرسی کیفری

در ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ صراحتاً عنوان گردیده که تشخیص خلاف بیّن شرع بودن حکم قطعی خود تجویز اعاده دادرسی محسوب می‌شود. درحالی که قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، در خصوص این موضوع پس از قانون استفساریه ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۷ بیان شد. بنابراین قانون سابق و استفساریه آن در ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جمع شده‌اند (نجفی توانا، ۱۳۹۴).

تفاوت اساسی بین قانون قدیم و جدید در ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در این است که ماده ۱۸ در قانون اولیه (مصوب ۱۳۷۳) موارد نقض رأی را پیش‌بینی می‌کرد، اما پس از تصویب «قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب» در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۸۵، این ماده کاملاً بازتعریف شد و تنها به **آراء غیرقطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام** اشاره کرد و از مقررات آیین دادرسی تبعیت پذیرفت (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵). این تغییر سبب شد ماده ۱۸ دیگر هیچ ارتباطی با مفهوم «خلاف بین شرع» نداشته باشد. در مقابل، مفهوم «خلاف شرع بین» در **ماده ٤٧٧ قانون آیین دادرسی کیفری** )مصوب ۱۳۹۱) مطرح است که به رئیس قوه قضائیه اختیار می‌دهد در صورت تشخیص خلاف شرع بودن رأی قطعی، اعاده دادرسی را تجویز نماید. لازم به ذکر است که در پیش‌نویس‌های اولیه این ماده، تبصره‌ای وجود داشت که «مراد از خلاف بین شرع، مغایرت رأی صادره با مسلمات فقه و در موارد اختلاف نظر بین فقها، ملاک عمل نظر ولی فقیه یا نظر مشهور فقها» را تعریف می‌کرد؛ اما این تبصره در متن نهایی قانون **حذف گردید** و هم‌اکنون قانونگذار تعریف دقیقی از «خلاف شرع بین» ارائه نکرده است (کاظم‌زاده، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

تشخیص اینکه آیا رأی قضایی خلاف شرع بین محسوب می‌شود یا خیر، مستلزم تسلط تخصصی به منابع فقهی و ادله اربعه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) است و این امر ذاتاً نیازمند صلاحیت

فقهی بالا می‌باشد (رضایی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۱۲). در این راستا، دستورالعمل اجرایی ماده ۴۷۷ که در سال ۱۴۰۲ تدوین شد، بر ضرورت استناد به «دلالت قطعی شرع» در تشخیص خلاف شرع بودن رأی تأکید کرده است (قوه قضائیه، ۱۴۰۲).

موضوع قابل بحث دیگر این است که آیا رییس قوه قضاییه از لحاظ عملی توانایی لازم برای بررسی پرونده‌ها و استخراج آرا خلاف شرع با توجه شمول گسترده ماده ۴۷۷ق.آ.د. ک نسبت به تمام آراء صادره از مراجع قضایی را دارد، فرض کنیم از هر شهرستانی ده پرونده مربوط به آرای قطعی شده خلاف شرع به مرکز بیاید و ریاست قوه‌ی قضاییه به ناچار نسبت به آن‌ها اعلام نظر کند و چون مرجع یک نفر بیشتر نیست هزاران پرونده در مرکز جمع شده و منتظر نظر ایشان می‌شوند (مهدوی راد، ۱۴۰۰). قطعاً انجام چنین امری و ر سیدگی به حجم بالای درخواست‌ها جهت اعمال ماده ۴۷۷ مباشرتاً و تنها توسط شخص رییس قوه قضاییه میسر نیست (جهان تیغ، ۱۴۰۰). به طور کلی ماده ۴۷۷ با تعیین یک جهت مبهم و نامعین در جهت اعمال اعاده دادرسی و عدم تعیین مصادیق آن راه را بر هرگونه تفسیر و سوء استفاده گشوده است. امری که نتیجه‌ای جز بی اعتمادی به دستگاه قضا و باز شدن مسیری برای سوء استفاده از مردم از طریق کارچاق‌کنی نخواهد داشت. نکته‌ی دیگر آنکه در حالی ماده ۴۷۷ غرق در عبارت پردازی‌های مبهم می‌باشد که ماده ۵ سند امنیت قضایی که در ۳۷ ماده توسط رییس قوه قضاییه ابلاغ شده است به اصل شفافیت تاکید مؤکد می‌کند. این عدم انسجام در تعریف خلاف شرع بین نتیجه‌ای جز هرج و مرج و بی‌نظمی قضایی در پی نخواهد داشت. همچنین به نظر می‌رسد این دستورالعمل نتوانسته به خوبی نواقص ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک را مرتفع کند (مهدوی راد، ۱۴۰۰). اصل برائت یکی از اصول اساسی حقوق جزاست. چه اینکه دولت بار اثبات هریک از عناصر جرم را به دور از هرگونه شک معقولی به عهده دارد و اینکه مدعی علیه ملزم به اثبات بی گناهی خود نیست. اصل برائت بهترین سنگر و ضامن امنیت حقوق و آزادی‌های افراد از درازدستی‌های ماموران نظام کیفری است. البته از یک منظر دیگر باید اذعان داشت که هرچند فکر اعاده دادرسی از رهگذر ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک و به ضرر متهم بوده ولی ظاهری آراسته دارد و در بادی امر شاید بنظر برسد که برای کشف حقیقت لازم است، همان طور که عدم پذیرش اعاده دادرسی نسبت به حکم برائت و قطعیت این آراء در طول تاریخ همواره مورد انتقاد جرم شناسان بوده است. به ویژه طرفداران

مکتب تحققی این مسئله را معقول ندانسته و بیان می‌کنند که با این تفاسیر اگر متهم بتواند زمانی ادله جرم خود را پنهان کند بعد از صدور برائت برای همیشه از مجازات معاف می‌شود. می‌دانیم اصل برائت درتمام مراحل نظام عدالت کیفری از ابتدا تا پایان باید رعایت شود و اختصاص به یک مرحله ندارد. تمام حقوق متهم همچون زنجیره‌ای به هم متصل هستند و در رأس آن اصل برائت قرار دارد اگر رایی صادر شد مبنی بر برائت فرد دیگر نباید به بهانه یک عبارت پردازی مبهم و بی قید وشرط برخاسته از ماده ۴۷۷ق.آ.د. ک او را دوباره وارد فرایند عدالت کیفری و دادرسی مجدد کرد چراکه اصل بر برائت او بوده است (دراج، ۱۳۷۹). در نهایت آن که بایستی خاطر نشان کرد با نگاهی به نظام‌های معتبر دادرسی در دنیا ملاحظه می‌کنیم در هیچ یک از آنها اعاده دادرسی به ضرر متهم پذیرفته نشده و علت آن را هم اساتید و نظریه پردازان این مهم ذکر می‌کنند که اگر روش مذکور مورد پذیرش قانونگذار قرار بگیرد متهمینی که با آراء برائت مواجه گردیده‌اند باید همیشه نگران محکومیت خویش با شند که می‌تواند آثار روحی و روانی نامطلوبی دا شته با شد. از طرف دیگر علت وضع اعاده دادرسی در نظام‌های دادرسی به عنوان طریقه فوق العاده اعتراض به احکام قطعی جلوگیری از محکومیت‌های غیر قانونی و اشتباه است که به علت عدم امکان تجدید نظر خواهی عادی در معرض اجرا هستند ولی هیچگاه در مورد احکام برائت اشتباه و غیرقانونی اعاده دادرسی تجویز نشده است.

## ٦-نقض اصل دادرسی عادلانه در چارچوب ماده ٤٧٧ قانون آیین دادرسی کیفری

بررسی آیین دادرسی‌ها بیانگر این است که دادرسان و دادرسی شوندگان در دادرسی‌ها بیش از همه چیز به دنبال رسیدن به نتایج منصفانه و عادلانه بوده‌اند. درواقع در این صورت محتوا بیشتر از شکل، ذهن دادرسان را به خود مشغول داشته است. دقیقاً به این علت است که ذهن قاضی سنتی فقط به نتایج حاصل از دادرسی توجه داشت و نه به فرایند اجرای آن دادرسی. هم اینک حتی در کلیدی‌ترین موضوعات نیز استفاده از این شیوه تقبیح می‌شود چه شاید بتوان این دوره را دوره‌ای دانست که شکل بر محتوا غالب شده است. اما آنچه قانونگذار ما در سال ۱۳۹۲ و با تصویب ماده ۴۷۷ بر آن صحه گذاشت این بود که ما در حال برگشتن به عقب هستیم و نتیجه دادرسی همواره مهم‌تر از فرایند دادرسی و رعایت اصول منصفانه در اجرای دادرسی‌هاست.

بدین ترتیب منظور از اصول دادرسی منصفانه مجموعه قواعد و اصولی است که رعایت آنها

در هر دادرسی منصفانه‌ای از اهم موضوعات بوده و عدم رعایت آنها صرف نظر از نتیجه درست یا نادرست دادرسی، آن را به یک دادرسی غیر منصفانه تبدیل می‌کند. هدف از رعایت اصول دادرسی منصفانه این است که شکل دادرسی را فارغ از محتوا یا نتیجه آن به گونه‌ای انتظام بخشد که بیش از پیش بتواند پیام آور نظم حقوقی باشد و شهروندان را به نظام مند بودن دادرسی‌ها امیدوار کند. اماقانونگذار ایران، درقانون آیین دادرسی کیفری، این موضوع که از اصول و قواعد دادرسی عادلانه هست را نقض نموده است که ماده مورد بحث از همین نمونه‌ها است.

مگر نه آنکه وجود شفافیت از دستاوردهای دادرسی منصفانه است و برای نیل به این هدف ارائه استدلالات برای تصمیمات اتخاذی و امکان دسترسی به اسناد و مدارکی که دادگاه در اختیار دارد و همچنین امکان دسترسی به آراء دادگاه از مهمترین گام‌هاست پس جای بسی تأمل دارد که مطابق سازوکارهای پیش بینی شده در این ماده راه بسیار طولانی تا دادرسی عادلانه باقی است.

دادرسی عادلانه چنانکه می‌دانیم به معنای ارفاق بی‌جهت به طرفین دعوی نیست. بلکه دادرسی عادلانه در صدد ایجاد توازن بین حقوق طرفین پرونده در برابر عدالت قضایی قرار گرفته می‌باشد، پس در این راستا حمایت بی دلیل از هر یک ازطرفین دعوی ظلمی آشکار به طرف مقابل است که زدودن آثار آن به آسانی ممکن نخواهد بود. چه ماده ۴۷۷ از این رهگذر همواره نقض آشکار حقوق اولیه طرفین دعوی را نشان می‌دهد و او را بی توجه به اصول دادرسی عادلانه به آمد و شد مکرر در دستگاه قضا وادار می‌کند. چنین رسیدگی‌ای بدون حضور افراد و صرفاً با تشخیص یک مقام عالی تمامی اصول دادرسی منصفانه و مبنی برعدالت را که همواره مورد تاکید دین مبین اسلام نیز بوده است را با چالش اساسی مواجه کرده است. باید تاکید کرد که حکومت به هیچ وجه حق ندارد، با دستاویز قراردادن بهانه‌هایی از جمله: خلاف شرع بودن یک حکم، از اصول و مقررات دادرسی عادلانه عدول نماید، زیرا که اصول و قواعد حاکم بر دادرسی عادلانه از جمله قواعد آمرانه‌ای است که عدول از آن به هیچ وجه جایز نیست؛ این امر که یک حکم بایستی عادلانه و درست صادر شود قابل اغماض نیست اما در این راستا نباید تمامی اصول منصفانه دادرسی را که بر فرایند دادرسی‌ها حاکم است را طبق نظر یک فرد ذی قدرت قربانی کرد و زیر پا گذاشت، امری که تنها سبب بی‌اعتمادی عمومی و بی کفایتی دستگاه

رسیدگی کننده خواهد بود.

برخورداری رییس قوه قضـاییه از قدرت و امکان استفاده از قوای عمومی و دیگر تضـمینات ویژه در راسـتای ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک افراد جامعه را به دلیل عدم برخورداری از این امکانات در موضـع نابرابر و ناعادلانه قرار می‌دهد. در چنین شـرایطی، تنها راه تأمین اجرای عدالت و انصاف در دادرسی قضایی آن است که مواد قانونی در قالب موازین و اصولی روشن و شفاف متبلور شده و بطور ضابطه مند اجرا گردند تا با قرار دادن اصحاب دعوی در چتر حمایتی قانون گذار و جلوگیری از تفسیر برداری‌های سلیقه‌ای از عبارت پردازی‌های مقنن، نتیجه‌ای عادلانه نیز به بار آورد و دادرسی عادلانه را با تمام جوانب به اجرا درآورد. پس از تصویب ماده‌ی ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری چالش‌هایی در این زمینه مشاهده گردید که با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان بیان نمود، نفس تصویب چنین ماده‌ای که امکان بررسی مجدد رأی نهایی و قطعیت یافته را که پس از طی مراحل بسیار در دادگاه بدوی، تجدیدنظر وبعضا" دیوان عالی کشور به این مرحله رسیده است، فراهم می‌کند، نشان از عدم اطمینان دستگاه قضا به قضات انتصابی و آراء صادره از سوی آنان است.

نکته‌ای دیگر آنکه حتی در صورت تجویز این اعاده دادرسی توسط رییس قوه قضاییه، هیچ تضمینی وجود ندارد که رأی صادره موافق موازین شرعی با شد چه اینکه باتوجه به حجم بالای درخواست‌ها برای اعمال این ماده و حجم بالای مسئولیت‌های رییس قوه قضاییه پرواضح است که وی نمی‌تواند به تنهایی به این در خواست‌ها رسیدگی کند بلکه تشخیص این امر به هیئتی متشکل از قضاتی که مورد وثوق رییس قوه قضاییه باشند سپرده شده است که این نقض غرض مقنن است چرا که مطابق نص صریح ماده ۴۷۷ تشخیص خلاف شرع بیّن بودن بر عهده‌ی رییس قوه قضاییه گذاشته شده و قائل تفویض به غیر نیست.

تسلسل بوجود آمده ناشی ازاعمال ماده‌ی مورد بحث جای بسی تأمل دارد چرا که تبصره سوم ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک مقرر داشته: که در صورت تشخیص خلاف شرع از جهت دیگر در پرونده امر، مجدداً امکان چنین درخواستی وجود دارد. تا کی و تا کجا رسیدگی به یک پرونده باید ادامه پیدا کند تا مقنن احساس کند کافی است و به مقصود نظرش رسیده است از نظر قانونگذار مغفول مانده است، مقصودی که با توجه به متن بسیار پر ابهام قانون موجود، چیزی جز فردگرایی و قدرت محوری نمی‌تواند باشد.

ابهام در معنا و مفهوم خلاف شرع و عدم ارائه تعریف مناسب از این واژه حتی در متن آیین نامه‌ی ماده ۴۷۷ اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به طور کلی زیر سؤال برده و در نتیجه حقوق و آزادی شهروندان به طور کلی پایمال شده است.

زیر سؤال رفتن استقلال قضات که تحت تأثیر نظر رییس قوه مبنیا بر اساس خلاف شرع بین اعلام شده رسیدگی می‌کنند و عدم توجه به اصل مهم قضازدایی و کاهش حداکثری رسیدگی‌های قضایی در پرتوی آموزه‌های عدالت ترمیمی، همگی از بی توجهی قانون گذار به یافته‌های علم حقوق خبر می‌دهند.

## ۷-نتیجه‌گیری و پیشنهادات

باتوجه به آن که رشد و پیشرفت در زمینه‌های اجتماعی مرهون وجود قانونی به دور از ابهام می‌باشد تا در سایه آن حقوق شهروندان تضمین شود؛ سیاست گذاران تقنینی در تمام دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که ضروری است تا قوانینی وضع شود که راه را بر هرگونه سلیقه گرایی و بستر سازی سد کند. آیین دادرسی کیفری نیز به عنوان یکی از قوانین پر کاربرد باید بستری مناسب جهت رسیدگی به بزهکار، حمایت از بزهدیده و توجه به کرامات و حقوق طرفین باشد، ضمن اینکه ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر تسری بر دادرسی‌های کیفری نسبت به پرونده‌ها و دادرسی‌های حقوقی نیز تسری دارد. بنابراین در این پژوهش به بررسی ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری و نقد آن و ارائه راهکارهایی جهت کاهش ابهامات آن پرداخته شد. از آنچه در خصوص بررسی اصل قطعیت آراء اشاره شد، می‌توان موارد ذیل را به عنوان نتیجه بیان کرد.

۱- مفهوم قطعیت رای آن است که امکان اعتراض به آن از طرق عادی- که قانون گذار پیش بینی کرده است- وجود ندارد و به دلیل ایجاد امنیت قضایی، طرح مجدد دعوایی -که خاتمه یافته است- ممکن نیست. قطعیت رای محدود به احکام صادره از سوی دادگاه‌ها نبوده و در برخی موارد قرارهای صادره از آن مراجع را نیز شامل می‌شود. لذا قطعیت آراء در احکام و نیز قرارهای نهایی صادره مطرح است.

۲- مسئله قطعیت آراء از بدو قانون گذاری در حقوق ایران مورد توجه بوده و هرچند در

برهه‌هایی این حکم مورد تشکیک واقع شد، لکن مجددا اصل مزبور هویت خویش را یافته و در حال حاضر نیز حاکم بر قواعد دادرسی است. از جمله دلایلی که موجب قوت گرفتن و به رسمیت شناختن این اصل شده است دلایل معتبر فقهی درخصوص قطعی بودن آراء و احکام می‌باشد که در روایات متعددی قابل مشاهده است. لذا ریشه این اصل را می‌توان در متون معتبر فقهی جست و جو کرد.

۳- قطعیت آراء بر اساس مرجع صادرکننده رای، نوع دعوی و حاضر یا غایب بودن طرفین دعوی تعیین می‌گردد. بدین نحو که آراء صادره در برخی مراجع همچون مراجع بدوی به غیر از موارد استثنایی، از قطعیت برخوردار نیستند و امکان تجدیدنظر نسبت بدان‌ها وجود دارد، درحالی که رای صادره از مراجع تجدیدنظر قطعی محسوب می‌شود. یا اینکه دعاوی غیر مالی در همه موارد قابل تجدیدنظر است، در حالی که حکم صادره در برخی دعاوی مالی که کمتر از حد نصاب مقرر در قانون هستند، قطعی به شمار می‌آید. همچنین حکم غیابی به هیچ وجه قطعی نیست و امکان اعتراض وجود دارد.

۴- قطعی شدن یک رای مجوز اجرای آن است و بعبارتی قطعیت آراء ملازمه با لازم الاجراء بودن آن دارد البته ناگفته نماند مواردی نیز وجود دارد که قبل از قطعیت، رأی قابلیت اجراء دارد که از موضوع بحث ما خارج است، اما این مسئله همیشگی نیست و در برخی موارد آراء قطعی نشده نیز به مورد اجرا درمی آیند. من جمله دعاوی سه گانه تصرف یا ورشکستگی و یا دعاوی مربوط به تخلیه عین مستاجره و دستور موقت که علی رغم قطعی نشدن رای امکان اجرای آنها وجود دارد.

۵- قطعیت یک رای موجب طرح بحث دیگری تحت عنوان اعتبار امر مختومه می‌شود. برابر این قاعده دادگاه فقط یک بار در خصوص ماهیت یک دعوا حق اظهارنظر دارد و بعد از اظهارنظر ماهوی، دادگاه صادرکننده رای و سایر محاکم از ورود در ماهیت دعوا ممنوع می‌باشند. با این حال حتی در این موارد نیز قانون گذار طرقی چون اعاده دادرسی، اعتراض ثالث، اعاده دادرسی موضوع ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری و فرجام خواهی را پیش بینی کرده است. در این موارد ورود مجدد به ماهیت یک دعوایی که در خصوص آن اظهارنظر قطعی شده است، مجاز می‌باشد.

۶- طرق فوق‌العاده شکایت از آرا دارای اثرات تعلیقی و انتقالی می‌باشند که منظور از اثر تعلیقی

این است که اجرای حکم تا مشخص شدن نتیجه دادخواست پذیرفته شده و معلق می‌ماند و اجرا نمی‌شود و منظور از اثر انتقالی این است که دعوا با تمامی جهات موضوعی و حکمی به مرحله بعد انتقال می‌شود. جهات موضوعی همان موضوع خواسته خواهان و ادله اثبات اوست. جهات حکمی به معنای انطباق موضوع خواسته خواهان با مواد قانونی توسط قاضی است.

باید گفت، فرجام خواهی به عنوان طرق فوق العاده شکایت علی القاعده نباید اثر تعلیقی بر اجرای حکم داشته باشد مگر اینکه محکوم به غیر مالی باشد که در این صورت اگر محکوم علیه تأمین مناسب بدهد اجرای حکم تا صدور رأی فرجامی به تاخیر می‌افتد. در اعتراض ثالث صرف اعتراض اثر تعلیقی ندارد، در مواردی که جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد دادگاه رسیدگی کننده به اعتراض به درخواست معترض ثالث پس از اخذ تامین مناسب قرار تأخیر اجرای حکم برای مدت معین صادر می‌کند. در اعاده دادرسی صرف درخواست اعاده دادرسی موجب تاخیر اجرای حکم نمی‌شود ولی پس از صدور قرار قبولی اعاده دادرسی چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم متوقف می‌شود و اگر مالی باشد و امکان اخذ تامین و جبران خسارات احتمالی باشد از محکوم علیه تامین مناسب اخذ و اجرای حکم ادامه می‌یابد. در مورد اثر انتقالی باید گفت، فرجام خواهی به عنوان طرق فوق‌العاده شکایت اثر انتقالی ندارد چون فرجام مرحله سوم رسیدگی شمرده نمی‌شود تا امر بار دیگر مورد قضاوت قرار گیرد. در اعتراض ثالث تنها در جهت مورد ادعای ثالث (جهتی که ثالث معتقد است حق او تضییع شده) دارای اثر انتقالی می‌باشد. در اعاده دادرسی نیز در محدوده جهت ادعا شده دارای اثر انتقالی می‌باشد بدین معنا که دادگاه در صورت فسخ حکم مورد شکایت باید دوباره نسبت به امور موضوعی و حکمی رسیدگی و تصمیم گیری نماید.

با توجه به نتایج پیشنهادات زیر قابل ذکر است:

۱- با وضعیت کنونی قوانین هیچ رایی در هیچ زمانی از خطر نقض رهایی نمی‌یابد. اختیار عام رییس قوه قضاییه در نقض تمامی آرای محاکم (آن هم بدون محدودیت زمانی) امنیت قضایی را به مخاطره می‌اندازد. کما اینکه در عمل دیده می‌شود برخی آرا قطعی و به موقع اجرا گذاشته می‌شود و پس از چند سال به یک باره با استفاده از اختیار مقرر در ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری بیان می‌دارد (در صورتی که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع

قضائی را خلاف شرع بیّن تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد رسیدگی و رأی قطعی صادر نماید. شعب خاص مذکور مبنیّا بر خلاف شرع بین اعلام شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به‌عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌نمایند.

تبصره ۱- آراء قطعی مراجع قضائی (اعم از حقوقی و کیفری) شامل احکام و قرارهای دیوان عالی کشور، سازمان قضائی نیروهای مسلح، دادگاههای تجدیدنظر و بدوی، دادسراها و شوراهای حل اختلاف می‌باشند.

تبصره ۲- آراء شعب دیوان عالی کشور در باب تجویز اعاده دادرسی و نیز دستورهای موقت دادگاهها، اگر توسط رئیس قوه قضائیه خلاف شرع بی ن تشخیص داده شود، مشمول احکام این ماده خواهد بود.

تبصره ۳- درصورتی که رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح و یا رئیس کل دادگستری استان در انجام وظایف قانونی خود، رأی قطعی اعم از حقوقی یا کیفری را خلاف شرع بیّن تشخیص دهند، می‌توانند با ذکر مستندات از رئیس قوه قضائیه درخواست تجویز اعاده دادرسی نمایند. مفاد این تبصره فقط برای یک‌بار قابل اعمال است؛ مگر اینکه خلاف شرع بی ن آن به جهت دیگری باشد)، نقض می‌شود. در این خصوص پیشنهاد می‌شود بنحو مقتضی اولاً: این اختیار رییس قوه حذف شود یا لااقل محدودیتهایی در این خصوص وضع گردد. ثانیا: اختیار اعمال این اختیار محدود به فرجه قانونی و یا بازه زمانی خاص شود. جالب اینجاست مشابه چنین مقرره‌ای در ماده ۷۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیز دیده می‌شود.

۲- وضع یک حکم به این مهمّی مربوط به دعاوی مدنی در آیین دادرسی کیفری چندان مورد قبول نیست. آن هم حکمی با این درجه از اهمیت(ماده ۴۷۷ق.آ.د. ک) که اساس کلیه آراء قطعیت یافته حقوقی را متزلزل می‌سازد، بنابراین بهتر است احکام ناظر به دعاوی مدنی در آیین دادرسی مدنی بیاید.

۳- یکی از ایرادات بزرگ قانون آیین دادرسی مدنی حذف دیوان عالی کشور از چرخه رسیدگی به دعاوی حقوقی است. ورود دیوان عالی کشور به دعاوی حقوقی موجب افزایش

کیفیت رسیدگی‌ها و دقت آرا خواهد شد به نظر باید دامنه دعاوی قابل فرجام گسترش یابد و در مقابل دایره دعاوی مشمول ماده ۴۷۷ ق.آ.د. ک کاهش یا. بدین منظور می‌توان دعاوی با ارزش مالی نسبتا زیاد را قابل فرجام اعلام کرد.

**منابع**


۱. آخوندی، محمود (۱۳۸۹)، ***آیین دادرسی کیفری،*** ج ۱، چ ۱۵، تهران، سازمان چاپ و انتشارات

۲. آخوندی، محمود (۱۳۹۴)؛ ***شناسای آیین دادرسی کیفری***، جلد چهارم، تهران: انتشارات دوراندیشان

۳. پورقربانی، م. ر.، و پورابراهیم، ا. (۱۳۹۸). واکاوی اعاده دادرسی و تحلیل ارتباط آن با طرق اعتراض به احکام. ***فصلنامه قضاوت،*** ۱۹(۱۰۰)، ۱۱۱–۱۳۰. *https://www.ghazavat.org/article_۲۳۹۵۲۷.html*

۴. پورمحمدی، منصور. (۱۳۹۲)، ***اعاده دادرسی از آراء خلاف بین شرع***، تهران: انتشارات بهنامی

۵. جهان تیغ، محمد. (۱۴۰۰)، ***اعاده‌ی دادرسی کیفری، شرحی بر ماده ی ٤٧٧ ق.آ.ک ۱۳۹۹***، تهران: نشر دادبخش

۶. حاجی زاده، نازنین. (۱۳۹۵)، هزینه‌های دادرسی در امور کیفری و دادرسی منصفانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی حقوق شهید بهشتی

۷. حبیب‌زاده، م. ج.، کرامت، ق.، و شهبازی‌نیا، م. (۱۳۸۹). استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با مطالعه تطبیقی. ***مدرس علوم انسانی-پژوهش‌های حقوق تطبیقی***، ۱۴(۴)، ۲۳–۵۳.

۸. دراج، بهزاد. (۱۳۷۹)، اصل برائت، مبانی و آثار آن در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی شهید بهشتی

۹. رضایی، س.، محمدی، م.، و حسینی، ع. (۱۴۰۰). بررسی اصول حاکم بر اعاده دادرسی ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری. ***فصلنامه علمی-پژوهشی حقوق و قضایی***، ۸(۲)، ۱۰۵–۱۲۴.

۱۰. سلمانی، مرضیه. (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی استقلال قضایی در ایران و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

۱۱. مفاخری، فاضل. (۱۳۸۱)؛ اعاده دادرسی کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرمشناسی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

۱۲. کاظم‌زاده، ع. (۱۳۸۶). نگاهی به ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب. ***مجله حقوقی دادگستری***، ۷۱(۶۰)، ۷۹–۸۷

۱۳. مهدوی راد، م. ص.، و دادرس، پ. (۱۴۰۰). بررسی اعمال ماده ۴۷۷ (۴۷۸) ق.آ.د. کیفری در آرای داوری قضاوت شده با تأکید بر رویه قضایی. ***فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و***

***کیفری،*** ۱۷(۴۷)، ۱۱۱–۱۳۳.

۱۴. موسوی، سیدپوریا. (۱۳۹۵)، مبانی و آثار حقوقی –جرم‌شناختی اصل قانونی بودن دادرسی کیفری موضوع ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی دانشکده حقوق دانشگاه مفید

۱۵. مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۵). قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۲۴ دی ۱۳۸۵.

۱۶. قوه قضائیه. (۱۴۰۲). ***دستورالعمل اجرایی ماده ٤٧٧ قانون آیین دادرسی کیفری.*** تهران: مرکز تحقیقات قوه قضائیه.

۱۷. ناجی زواره، مرتضی (۱۳۹۵)، ***آشنایی با آیین دادرسی کیفری،*** ج ۲، چ ۲، تهران، نشرخرسندی

۱۸. نجفی توانا، علی. (۱۳۹۴)، بررسی قانون اصلاح ماده‌ی ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ***روزنامه مأوی***

۱۹. نهرینی، فریدون (۱۳۹۴)، ***اعاده دادرسی به تشخیص رییس قوه قضاییه، تهران***: انتشارات گنج دانش

۲۰. نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۶)، تحلیل جرم شناسانه، بازبینی نظام محورآراء قضایی، ***سمینار مبانی فقهی، حقوقی و جرم شناختی موضوع خلاف شرع بین***، کانون وکلای دادگستری کرمان

۲۱. هاشمی باجگاهی، سیّد جعفر. (۱۴۰۰)، آثار و شرایط اعاده دادرسی در حقوق ایران و فرانسه، ***فصلنامه‌ی تمدن حقوقی،*** ۴(۹): ۱۲۴-۱۰۹.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ١٠٨-٧٧
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# تحلیل تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در ایران

**محمدغفاری فرد**[1]
**بینظیر محمدی**[2]

(تاریخ دریافت۱۴۰۳/۱۲/۱۵ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۲/۲۲)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

**چکیده**
کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای از موضوعات مهم در ادبیات توسعه منطقه‌ای محسوب می‌شود. تحلیل تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران، موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان یک رویکرد نوین در اقتصاد، مبتنی بر نوآوری، آموزش، اطلاعات و فناوری و توسعه مشوق‌های اقتصادی جهت تولید و ارائه خدمات در بستر دانش بناشده است. این تحقیق به بررسی چگونگی تأثیر این مؤلفه‌ها بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران با استفاده از داده‌های پانلی و روش‌های حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده توسط نرم افزار ای ویوز ۱۲می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که نوآوری، آموزش، فناوری و اطلاعات، بر کاهش نابرابری منطقه‌ای اثر دارند.

۱-دانشیار گروه علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین المللی اهل بیت، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mghaffaryfard@abu.ac.ir
۲-کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه بین المللی اهلبیت(ع)، تهران، ایران.

همچنین شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان همراه با رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری منطقه‌ای را کاهش می‌دهد هرچند افزایش نرخ تورم نابرابری را تشدید می‌کند بنابراین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی در طراحی و اجرای سیاست‌های مؤثر برای کاهش نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران می‌بایست توسعه مهارت‌های نیروی انسانی، ارتقای مهارت‌های آموزش در سطوح تحصیلات تکمیلی، توسعه پارک‌ها و مراکز رشد و فناوری، ایجاد زیرساخت‌های فناورانه و حمایت از کسب‌وکارهای نوپا و ارتباط جامعه دانشگاهی با صنعت و انضباط پولی و مالی را در دستور کار خود قرار دهند.

**کلمات کلیدی:** اقتصاد دانش بنیان، تولید ناخالص داخلی، نابرابری منطقه‌ای، تورم، استان، حداقل مربعات کاملا اصلاح شده

**۱- مقدمه**

در عصر حاضر، اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و رشد اقتصادی است. این نوع اقتصاد بر پایه نوآوری، فناوری و دانش استوار است و می‌تواند به‌عنوان یک محرک قوی برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف عمل کند. نابرابری منطقه‌ای به‌عنوان یک معضل قرن حاضر که در میان کشورهای درحال‌توسعه بهترین نگاه‌ها را معطوف خودساخته است. مسبب گسترش محرومیت، مهاجرت. حاشیه‌نشینی، افزایش جرم و مانند آن‌ها می‌گردد. همگی ناشی از فقر و نابرابری است و این موارد خود ادله محکم در باب ضرورت به پرداختن این مهم هستند نابرابری‌های منطقه‌ای به معنای عدم تعادل در ساختار فضایی مناطق است که خود را در شرایط متفاوت زندگی، نابرابری‌های اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی را نشان می‌دهد. (Kutscher Auer et al, ۲۰۱۰: ۱۰). باید بگویم عدم توازن در توزیع امکانات و خدمات باعث زیادشدن فاصله طبقاتی، اخلال در بخش‌های مانند صنعت، کشاورزی در مناطق روستایی و سبب مهاجرت مردم از روستاها به شهرها می‌شود که این خود باعث افزایش هزینه‌های زندگی مردم در شهرها گردیده است.(Etzioni, ۲۰۰۲: ۹۱). افزایش عمده نابرابری منطقه‌ای بین مناطق مختلف جوامع بشری بیان‌کننده عدم بهره‌مندی آن‌ها از آثار رشد

اقتصادی و رفاه اجتماعی شده است و ازلحاظ دیگر رشد اقتصادی بالا ممکن است با زیادشدن فقر و نابرابری منطقه‌ای در میان جوامع به همراه داشته باشد. (کریمی و براتی، ۱۳۹۶: ۵). همچنین نابرابری‌های منطقه‌ای می‌توانند ناشی از عوامل متعددی ازجمله توزیع ناعادلانه منابع، عدم دسترسی به فناوری‌های نوین و ضعف در زیرساخت‌های اقتصادی باشند. در این راستا، اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند به‌عنوان یک‌راه حل برای کاهش این نابرابری‌ها مطرح شود. یکی از علل اهمیت و تأکید سیاست‌گذاران بر نابرابری‌های منطقه‌ای این است که نابرابری منطقه‌ای معمولاً با نابرابری‌های بین فردی همراه می‌شود. علت دوم این است که نابرابری منطقه‌ای معمولاً سبب، ایجاد درگیری‌ها و اختلافات اجتماعی و اقتصادی در سطح گسترده می‌شود (کابنور و نبلر،۲۰۰۵۱)

اقتصاد دانش‌بنیان بر مبنای تولید، توزیع و کاربرد دانش تشکیل شده است. سرمایه‌گذاری بر مبنای اقتصاد دانش‌بنیان از اهمیت کلیدی برخوردار است. برای رسیدن به این نوع اقتصاد باید سرمایه‌گذار درزمینهٔ آموزش نیروی انسانی و تدوین راه‌کارهای برای تحقیق نوآوری صورت گیرد. از طریق سرمایه‌گذاری در جهت کارآفرینی و ایجاد صنایع کوچک و بزرگ به اهداف کلان اقتصادی و اجتماعی در منطقه دست یافت. (غفاری فرد و همکاران ۱۳۹۸). در ایران چندین بار برنامه‌های مختلف توسعه‌ای تدوین و به اجرا گذاشته است اما نتایج حاکی از آن است که هنوز نابرابری را چه در سطح زندگی خانوارها و چه در سطح استان‌های مختلف وجود دارد. انگیزه اصلی تحقیق حاضر اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق است. استفاده از نتایج این تحقیق برای دولت‌مردان و برنامه‌ریزان بااهمیت و ارزشمند است. سؤال اصلی تحقیق انست که اقتصاد دانش‌بنیان چه تأثیر بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران دارد؟ هدف اصلی تحقیق تأثیرات اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای جهت کاهش نابرابری و دسترسی عموم به فرصت‌ها، امکانات و خدمات است. بعد از مقدمه در بخش دوم مبانی نظری، بیان می‌شود. سپس مروری بر تحقیقات انجام‌شده صورت گرفته است. در بخش یافته‌های تحقیق الگوی تحقیق و برآورد مدل ارائه‌شده است. سپس نتایج و پیشنهادت در بخش آخر مقاله آمده است.

## ۲- مبانی نظری

اقتصاد که در آن دانش، محور اصلی تسریع‌کننده رشد و توسعه اقتصادی باشد، اقتصاد دانش‌بنیان را توصیف می‌کند. در اقتصاد دانش‌بنیان، دانش کسب، تولید و انتشار به‌صورت کارا و مؤثر درزمینه توسعه و رونق اقتصادی مورداستفاده قرار می‌گیرد. آنچه امروز موردتوجه قرارگرفته است، افزایش قابل‌توجه مشارکت اطلاعات و دانش در فرایندهای اقتصادی است که این مهم‌ترین تغییرات ساختاری را در مسیر اقتصاد و سازمان‌دهی آن به وجود آورده است. با ایجاد قوانین و دستورات جدید، مؤسسات سبب پایدار شدن ساختار اقتصادی جدید با عنوان اقتصاد دانش یاد می‌شود (ارونتیدیس و پتراکوس، ۲۰۱۱). اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان در دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات اقتصاد امریکا شد، اما رکورد اقتصادی دهه ۱۹۸۰ تحولات دهه ۱۹۹۰ این اصطلاح را تجدید و احیا کرد. تلاش‌های زیادی برای شاخص سازی آن ایجاد شد اما به جمع‌بندی کاملی نرسید تا اینکه در اواخر همان سال اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان در سازمان همکاری توسعه اقتصادی در کمیته علم و فناوری کانادا منتشر شد. از دیدگاه سازمان همکاری‌های اقتصاد و توسعه (OECD) اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات مبتنی بر ان تنظیم شده باشد. (OECD,۱۹۹۶) که چارچوب جامع برای مطالعه، اندازه‌گیری و تحلیل اقتصاد دانش‌بنیان ارائه‌شده است.

مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان مبنی بردانش سبب پیشرفت اقتصاد کشور و مناطق مختلف می‌گردد که این مؤلفه میزان استفاده از فناوری‌ها و توسعه دانش در حوزه اقتصاد را ارائه می‌دهد که ازنظر سازمان‌های جهانی مانند سازمان همکاری اقتصادی و اقیانوس آرام (اوپک)، دانشگاه هاروارد، بانک جهانی، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، برنامه توسعه سازمان ملل، کمیسیون اروپا و ... دسته‌بندی‌شده شده است: (انوری، ۱۳۸۲).

**جدول شمار (۱)- مقایسه چارچوب‌های ارائه‌شده برای سنجش اقتصاد دانش‌بنیان ازجمله یکی از آن چارچوب‌ها توسط بانک جهانی (۱۹۹۸) مطرح شد.**

| چارچوب‌ها | مؤلفه اول | مؤلفه دوم | مؤلفه سوم | مؤلفه چهارم |
|---|---|---|---|---|
| OECD | سرمایه انسانی | نوآوری و کارآفرینی | فناوری و اطلاعات | شرایط اقتصادی |
| New Economy Index | مشاغل دانشی | ظرفیت نوآوری فناورانه | جامعه دیجیتال | جهانی شدند و پویایی اقتصادی |
| Harvard | یادگیری شبکه‌ای | اقتصاد شبکه‌ای | دسترسی شبکه‌ای | جامعه شبکه‌ای |
| APEC | توسعه منابع انسانی | سیستم نوآوری | زیرساخت اطلاعاتی | محیط کسب‌وکار |
| ABS | سرمایه انسانی | نوآوری کارآفرینی | فناوری اطلاعاتی | اثرات اقتصادی و اجتماعی |
| World Bank | آموزش و نیروی انسانی | سیستم نوآوری | زیرساخت اطلاعاتی | نظام اقتصادی و نهادی |
| UNECE | منابع انسانی | سیستم نوآوری | سیستم اطلاعات | رژیم نهادی |

در آن اقتصاد دانش‌بنیان شامل چهار رکن اصلی مانند آموزش و نیروی انسانی، سیستم نوآوری، زیرساخت اطلاعاتی و نظام اقتصادی و نهادی است. همچنین مسئله این تحقیق نابرابری منطقه‌ای است نابرابری منطقه‌ای به‌عنوان یک چالش اصلی به تفاوت‌ها و عدم توازن‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میان مناطق مختلف یک کشور یا منطقه جغرافیایی اشاره دارد. این نابرابری می‌تواند درزمینه هایی مانند درآمد، دسترسی به خدمات عمومی (مانند آموزش و بهداشت)، زیرساخت‌ها و کیفیت زندگی بروز می‌کند. تعریف نابرابری منطقه‌ای به معنای عدم تعادل در ساختار فضایی مناطق است که خود در شرایط متفاوت زندگی، نابرابری‌های اقتصادی و سطح توسعه‌یافتگی نشان می‌دهد. نابرابری منطقه‌ای می‌تواند یک چالش برای توسعه پایدار و

رفاه اجتماعی باشد. به‌عنوان‌مثال، مناطق با نابرابری بالا ممکن است با مشکلاتی مانند بیکاری، فقر و نارضایتی اجتماعی منجر شوند. این نابرابری ها همچنین می‌توانند به مهاجرت‌های داخلی و کاهش سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته گسترش پیدا کند.

نظریه ویلیامسون یا U وارونه که در مورد تحلیل پدیده نابرابری منطقه‌ای پرداخته است ازجمله نظریه‌های اصلی و پایه‌ای محسوب می‌شود. وی معتقد بود که اختلافات سرزمینی تا حد معینی از توسعه، رشد می‌کند، به‌نحوی‌که پس از سپری کردن مراحلِ از توسعه این اختلافات رو به کاهش است که اساس این فرضیه که در سال ۱۳۶۵ منتشرشده است، رشد اقتصادی در مرحله اول به واگرایی منطقه‌ای و در مرحله بعدی به همگرایی منطقه‌ای منجر می‌شود. (ویلیام سون، ۱۹۶۵). نظریه دالتون در نابرابری منطقه‌ای به بررسی درآمد و ثروت در مناطق مختلف می‌پردازد. این نظریه به‌طور خاص بر این نکته مهم است که نابرابری در سطح منطقه‌ای می‌تواند ناشی از عوامل مانند جغرافیا، دسترسی به منابع، تصمیم‌ها و سیاست‌های اقتصادی باشد. دالتون معتقد است که نابرابری منطقه‌ای می‌تواند تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی داشته باشد و به همین دلیل، توجه به این نابرابری‌ها و تلاش برای کاهش آن‌ها از مهم‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌ها است. (کفائی و نصری، ۱۳۸۷: ۱۰۷). نابرابری به‌عنوان یک معضل قرن حاضر که در میان کشورهای درحال‌توسعه بیشترین نگاه‌ها را معطوف خودساخته است، مسبب گسترش محرومیت، مهاجرت. حاشیه‌نشینی، افزایش جرم و مانند آن‌ها همگی ناشی از فقر و نابرابری است و این موارد خود ادله محکم در باب ضرورت به پرداختن این مهم هستند (مرتضی توکلی و همکاران، ۱۳۹۰) یکی از علل اهمیت و تأکید سیاست‌گذاران بر نابرابری‌های منطقه‌ای این است که نابرابری منطقه‌ای معمولاً با نابرابری‌های بین فردی همراه می‌شود. علت دوم این است که نابرابری منطقه‌ای معمولاً سبب، ایجاد درگیری‌های و اختلافات اجتماعی و اقتصادی در سطح گسترده می‌شود. (کابنور و نبلر،۲۰۰۵۱).

نابرابری منطقه‌ای به تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میان مناطق مختلف یک کشور

اشاره دارد. این نابرابری‌ها می‌تواند ناشی از عواملی ازجمله دسترسی به منابع، زیرساخت‌ها، آموزش‌وپرورش و فرصت‌های شغلی باشد. در این راستا، اقتصاد دانش‌بنیان هم می‌تواند به کاهش نابرابری‌ها کمک کند و هم در مواردی، آن‌ها را تشدید کند. اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند به توسعه مناطق کمک کند. با ایجاد مراکز تحقیق و توسعه، شرکت‌های نوآور و استارتاپ ها در این مناطق، می‌توانند فرصت‌های شغلی ایجاد کنند و جذب سرمایه‌های خارجی کمک کنند. این امر می‌تواند به بهبود زیرساخت‌ها و افزایش سطح آموزش و مهارت‌های نیروی کار در این موارد منجر شود. به‌عنوان‌مثال، ایجاد پارک‌های و مراکز نوآوری در مناطق کمتر توسعه‌یافته می‌تواند به جذب نخبگان کمک کند و درنتیجه باعث کاهش نابرابری‌های اقتصادی شود که برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای بسترهای مناسب اقتصاد دانش‌بنیان، نیاز به سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و جامع وجود دارد. دولت‌ها با ایجاد زیرساخت‌های لازم، حمایت از آموزش‌وپرورش، دسترسی به فناوری و منابع، توازن در استفاده از فرصت‌ها کمک کنند. (زهرا دهقانی و همکاران، ۱۳۹۸ ص ۱۳).

اقتصاد مبتنی بر دانش به تولید، انتشار و کاربرد دانش برای تحریک رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و پیشرفت اجتماعی وابسته است. در حالی که اغلب با افزایش نابرابری منطقه‌ای مرتبط است، همان مکانیزم‌ها و مؤلفه‌هایی که به نابرابری دامن می‌زنند، می‌توانند در صورت استفاده صحیح، نقش مهمی در کاهش آن داشته باشند. از طریق انتشار دانش، بهبود زیرساخت‌ها، سیاست‌های فراگیر و توانمندسازی سرمایه انسانی، اقتصاد مبتنی بر دانش می‌تواند به همگرایی بین مناطق توسعه‌یافته و عقب‌مانده کمک کند.تشویق نوآوری و تحقیق و توسعه در مناطق کم‌توسعه می‌تواند با ایجاد صنایع و مشاغل ارزشمند، اقتصاد محلی را تحریک کند( شاه آبادی و دیگران ۱۳۹۹:۷۸).سرریزهای دانش از مراکز نوآوری به مناطق پیرامونی می‌تواند منافع اقتصادی را گسترش دهد.طرح‌های غیرمتمرکز تحقیق و توسعه، مانند خوشه‌های نوآوری دولتی در مناطق کمتر توسعه‌یافته، رشد منطقه‌ای را تقویت می‌کنند.پژوهش‌هایی مانند مطالعه‌های کرسینزی و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه در مناطق پیرامونی، در صورت حمایت از چارچوب‌های نهادی مناسب، می‌تواند به کاهش نابرابری‌های فضایی کمک کند. توسعه فناوری و بهره‌گیری از آن در صنایع مختلف، افزایش بهره‌وری و راندمان تولید را ممکن می‌سازد. این امر موجب افزایش ارزش افزوده و تسریع رشد اقتصادی می‌شود. همچنین،

توسعه فناوری نه تنها فرصت‌های شغلی پایدار را ایجاد می‌کند، بلکه شرایط لازم برای ارزش‌آفرینی اقتصادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته را نیز فراهم می‌آورد. در نتیجه، این عامل به کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تقویت بنیان‌های رشد پایدار کمک می‌کند.

سرمایه‌گذاری در آموزش، افراد مناطق کمتر توسعه‌یافته را با مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت در اقتصاد دانش‌بنیان مجهز می‌کند.دسترسی به آموزش با کیفیت، فرصت‌های رشد فردی را افزایش داده و به تنوع‌بخشی اقتصادی در مناطق عقب‌مانده کمک می‌کند.سیاست‌هایی که آموزش مادام‌العمر و مهارت‌آموزی را ترویج می‌کنند، به مناطق کم ترتوسعه یافته در جبران فاصله با مناطق پیشرفته کمک می‌کنند.نظریه سرمایه انسانی لوکاس (۱۹۸۸) نشان می‌دهد که آموزش علاوه بر افزایش بهره‌وری فردی، اثرات مثبت خارجی بر رشد منطقه‌ای دارد، به‌ویژه در مناطق کم‌توسعه. یکی از ارکان اساسی اقتصاد دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش و پژوهش است که منجر به افزایش سطح دانش و توانمندی‌های جامعه می‌شود. ارتقای مهارت‌ها و قابلیت‌های نیروی کار، بهبود کیفیت فرآیندهای تولید، و استفاده از فناوری‌های نوین در بخش‌های مختلف اقتصادی را تسهیل می‌کند. نیروی کار توانمندتر، رقابت‌پذیری اقتصادی را افزایش داده و زمینه را برای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و متنوع فراهم می‌آورد (غفاری‌فرد و مصدق، ۱۴۰۱: ۳۱) یکی دیگر از عوامل کلیدی در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، طراحی و اجرای نظام انگیزشی کارآمد و عادلانه است. نظام انگیزشی با ارائه مشوق‌ها و پاداش‌های مناسب، رفتار اقتصادی افراد و سازمان‌ها را هدایت کرده و بر عملکرد اقتصادی تأثیر قابل‌توجهی دارد. ایجاد سازوکاری که منابع و فرصت‌های شغلی را به سمت فعالیت‌های پربازده هدایت کند، نه تنها به بهبود بهره‌وری کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز ظهور فرصت‌های جدید برای رشد و توسعه اقتصادی است. این نوع تحرک اقتصادی می‌تواند در نهایت منجر به ارتقای سطح رفاه عمومی شود (محمدی‌نشلی، ۱۳۹۴: ۳۴)

گسترش زیرساخت‌های ICT در مناطق روستایی و دورافتاده، شکاف دیجیتال را کاهش داده و مشارکت گسترده‌تر در اقتصاد دانش‌بنیان را ممکن می‌سازد.ابزارهای دیجیتال به کسب‌وکارهای کوچک و افراد در مناطق کم‌توسعه امکان دسترسی به بازارها، خدمات و دانش جهانی را می‌دهند.فرصت‌های کار از راه دور مبتنی بر ICT باعث بازتوزیع فعالیت‌های اقتصادی از مراکز

شهری می‌شود( Pohjola,۲۰۰۱) مطالعاتی مانند گزارش‌های ( OECD ۲۰۱۶) نشان می‌دهند که زیرساخت‌های ICT در مناطق روستایی، یکپارچگی اقتصادی را افزایش داده و موانع دسترسی به دانش و منابع را کاهش می‌دهند.

اشتراک‌گذاری دانش از طریق همکاری‌های منطقه‌ای، سرریزهای فناوری و اقتصادی را به مناطق کمتر توسعه‌یافته منتقل می‌کند.همکاری‌های دولتی و خصوصی شکاف بین مراکز نوآوری و مناطق پیرامونی را با تسهیل انتقال دانش پر می‌کنند.شبکه‌های توزیع‌شده وابستگی به نزدیکی جغرافیایی برای بهره‌مندی از نوآوری را کاهش می‌دهند( Aghion,۲۰۱۹ ).مدل‌های انتشار دانش (مانند جافه و همکاران، ۱۹۹۳) تأکید می‌کنند که مداخلات سیاستی و یکپارچه‌سازی شبکه‌ها برای گسترش مزایای دانش ضروری است.

طراحی سیستم‌های نوآوری منطقه‌ای که مناطق کمتر توسعه‌یافته را نیز شامل شوند، نابرابری‌های ساختاری را کاهش می‌دهد.سیاست‌هایی که تحقیق و توسعه را در مناطق روستایی تأمین مالی می‌کنند یا همکاری دانشگاه‌ها و صنایع را در مناطق کمتر توسعه‌یافته ترویج می‌دهند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات دسترسی به دانش و فرصت‌های اقتصادی را دموکراتیک کرده و محدودیت‌های جغرافیایی را حذف می‌کند. پلتفرم‌های آموزش آنلاین و خدمات سلامت از راه دور، آموزش و خدمات درمانی را به مناطق دورافتاده آورده و بهره‌وری و کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهند.(Choi & Ningsih,۲۰۱۸) .

ادغام در زنجیره‌های ارزش جهانی به مناطق کمتر توسعه‌یافته اجازه می‌دهد در فرایندهای تولید با ارزش بالا مشارکت کنند. بسیاری از مناطق در حال توسعه از صنایع برون‌سپاری مبتنی بر ICT مانند مراکز تماس یا توسعه نرم‌افزار برای رشد اقتصادی استفاده کرده‌اند.آموزش و توسعه مهارت‌ها چرخه‌ای از توانمندسازی اقتصادی ایجاد کرده و سرمایه‌گذاری و رشد عادلانه‌تر را جذب می‌کند.اقتصاد مبتنی بر دانش می‌تواند به عنوان یک عامل قوی برای کاهش نابرابری عمل کند، با این شرط که مناطق عقب‌مانده بتوانند از مزایای نوآوری، آموزش، فناوری اطلاعات و ارتباطات و انتشار دانش بهره‌مند شوند. شواهد تجربی و چارچوب‌های نظری نشان می‌دهند که با سرمایه‌گذاری‌های هدفمند و سیاست‌های فراگیر، می‌توان مزایای اقتصاد دانش‌بنیان را به‌طور عادلانه‌تری توزیع کرد و نابرابری‌های منطقه‌ای را کاهش داد

اقتصاد دانش‌بنیان به معنای اقتصادی است که در آن تولید و رشد اقتصادی به شدت وابسته به

تولید و استفاده از دانش و اطلاعات و مشوق‌های اقتصادی است. این نوع اقتصاد به‌ویژه در دنیای امروز که فناوری و اطلاعات به‌سرعت در حال پیشرفت هستند. بانک جهانی به‌عنوان یکی از نهادهای معتبر بین‌المللی، برای اقتصاد دانش‌بنیان و چهار مؤلفه اصلی آن را به‌طور خاص به آن‌ها پرداخته آند. هرکدام آن‌ها در زیر ذکرشده اند. (بانک جهانی، ۲۰۱۲).

**۱- آموزش** (HC)**:** آموزش به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد دانش‌بنیان است. سرمایه‌گذاری در آموزش‌وپرورش، به‌ویژه در سطح عالی و فنی، به ایجاد نیروی کار ماهر و توانمند کمک می‌کند. ازنظر بانک جهانی نظام‌های آموزشی باید طراحی شوند که مهارت‌های لازم را برای مقابله با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی به دانش آموزان آموزش دهند. این امر شامل آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش‌های مرتبط با فناوری‌های نوین و همچنین پرورش تفکر انتقادی و خلاقیت است. در محور آموزش که متغیرهای این بخش کمیت و کفیت دسترسی و استفاده از دانش را نشان می‌دهند. آموزش نیروی انسانی می‌تواند به افزایش مهارت‌ها و توانمندی‌های افراد کمک کند و فرصت‌های شغلی را افزایش دهد. این امر می‌تواند باعث کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مختلف شود .(World Bank, ۲۰۱۲)

**۲- نوآوری** (R&D)**:** نوآوری عبارت است از فرایند اجرای خلاقیت یا به عبارتی تحقق بخشیدن و عملیاتی کردن ایده‌های نو و به‌طورکلی تبدیل خلاقیت به نتیجه‌ای عینی است. (رنجبریان،۱۳۹۲). نوآوری به‌عنوان موتور محرک اقتصاد دانش‌بنیان است. این مؤلفه شامل توسعه محصولات و خدمات جدید، بهبود روندها و ایجاد مدل‌های کسب‌وکار نوین است. نوآوری در تمام سطح اقتصادی، از شرکت‌های کوچک و متوسط تا شرکت‌های بزرگ تحقق یابد. مؤسسه‌ها و شبکه‌هایی که اطلاعات را تولید و پردازش می‌کنند، مؤلفه‌های اساسی برای گسترش اقتصاد مبتنی بر دانش آند. نوآوری می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی بر نابرابری منطقه‌ای داشته باشد. از یک‌سو، نوآوری می‌تواند به رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در مناطق کمتر توسعه‌یافته کمک کند. این امر باعث کاهش نابرابری و بهبود شرایط زندگی در این مناطق می‌شود. (World Bank, ۲۰۱۲) نوآوری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد دانش‌بنیان، نقشی مستقیم و مؤثر در افزایش رفاه اقتصادی ایفا می‌کند. این عامل می‌تواند با تسریع چرخه‌های رشد اقتصادی، بهبود بهره‌وری و افزایش رقابت‌پذیری، بر کیفیت زندگی و

رفاه اقتصادی تأثیرگذار باشد. سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی که نوآوری را تشویق می‌کنند، می‌توانند با ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رشد اقتصادی پایدار، رفاه عمومی را به شکل قابل‌توجهی تقویت کنند (ملکی، ۱۳۹۹: ۵۷) نوآوری و ابداعات، محیطی مناسب برای بهبود تولید ایجاد کرده و با افزایش سطح تولید، نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهند. علاوه بر این، نظام انگیزشی نیز که شامل عناصری مانند قانون‌مداری، کارآمدی دولت و مبارزه با فساد است، رقابت بین بنگاه‌ها را تشویق کرده و تولید بیشتر را تسهیل می‌کند. جانیکا بر این نکته تأکید دارد که با ورود دانش و فناوری به عرصه اقتصاد، تقاضا برای نیروی کار ماهر افزایش یافته و در نتیجه، دستمزد این افراد نسبت به نیروی کار غیرماهر رشد می‌کند. در کوتاه‌مدت، این مسئله می‌تواند نابرابری درآمدی را افزایش دهد، اما در بلندمدت، بهبود شرایط اقتصادی و افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه، کاهش نابرابری و فقر را به دنبال خواهد داشت.

**۳- فناوری و اطلاعات** (ICT)**:** فناوری و اطلاعات به‌عنوان ابزارهای کلیدی در اقتصاد دانش‌بنیان عمل می‌کنند. دسترسی به فناوری‌های نوین و اطلاعات به کسب‌وکارها این امکان را می‌دهد که بهره‌مندی خود را افزایش دهد و به بازارهای جدید دسترسی پیدا کند. از دیدگاه بانک جهانی سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) و فناوری می‌تواند این سرمایه‌گذاری‌ها را به نوآوری و رشد اقتصادی تبدیل کند. طوریکه برحسب توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات پایه‌ای برای ساخت اقتصادی مدرن الزامی است. فناوری اطلاعات می‌تواند به بهبود دسترسی به آموزش، خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی در مناطق کمتر توسعه‌یافته کمک کند. این امر اقتصادی به کاهش نابرابری‌ها و افزایش توسعه در این زمینه منجر می‌شود. به‌عنوان‌مثال، کسب‌وکارهای کوچک می‌توانند با استفاده از اینترنت و فناوری‌های دیجیتال به بازارهای جدید دسترسی پیدا کنند (World Bank ۲۰۱۲) زیرساخت‌های اطلاعاتی به‌عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد دانش‌بنیان، نقش مؤثری در بهبود کیفیت نیروی کار و بهره‌وری تولید ایفا می‌کنند. پژوهش گانا نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات از طریق تقویت اتوماسیون، توسعه تولید محصولات و خدمات جدید، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، و بهبود کارایی مدیریت، منجر به افزایش تولید و کاهش نابرابری درآمدی می‌شود. فناوری، نه‌تنها بهره‌وری نیروی کار را افزایش می‌دهد، بلکه با گشایش بازارهای جدید از نظر جغرافیایی و

تمایز محصولات، فرصت‌های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی را گسترش می‌دهد. در نهایت، این تغییرات بهبود سطح رفاه اجتماعی و توزیع عادلانه‌تر درآمد را تسهیل می‌کنند.

**٤- مشوق‌های اقتصادی** (OPEN): مشوق‌های اقتصادی شامل سیاست‌ها و برنامه‌هایی هستند که در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد دانش‌بنیان کمک می‌کنند. این مشوق‌ها می‌توانند مالیات‌های مالی، معافیت‌های معتبر، حمایت‌های دولتی از تحقیق و توسعه باشند. بانک جهانی بر این باور است که یک محیط اقتصادی پایدار و جذاب برای سرمایه‌گذاران، می‌تواند به رشد و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کمک کند. برای تقویت اقتصاد دانش‌بنیان موردنیاز است. از طریق قوانین و فرایندهای مناسب، رژیم قانون‌گذاری مطلوب، کارآفرینی باثبات و سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات تشویق و بنگاه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌طور کارا مدیریت می‌شود. شواهد همبستگی توسعه به این فرایند منتج می‌شود که دولت بهتر، جامعه شکوفاتری پایه‌گذاری می‌کند؛ که بر اساس نظریه بانک جهانی برای ایجاد یک اقتصاد دانش‌بنیان موفق، لازم است که چهار مؤلفه اصلی را به‌طور هم‌زمان و هماهنگ توسعه یابند. این امر، همکاری میان دولت‌ها، بخش خصوصی و نهادهای آموزشی است که نیازمند بحران‌های اقتصادی و اجتماعی هستند و به پایداری دست یابند.

اگر مشوق‌های اقتصادی به‌طور نابرابر تقسیم شوند یا به مناطقی خاص اختصاص یابند، ممکن است نابرابری منطقه‌ای را تشدید کنند. به‌عنوان‌مثال، اگر مشوق‌ها بیشتر به مناطقی که باید موردتوجه قرار گیرند، این امر می‌تواند باعث افزایش شکاف اقتصادی بین مناطق مختلف شود. همچنین، درصورتی‌که مشوق‌ها به‌صورت غیرمستقیم و بدون برنامه‌ریزی بلندمدت ارائه شوند، ممکن است تأثیرات مثبت آن‌ها پایدار نباشد و درنهایت به نابرابری منطقه‌ای بیشتر شود. (World Bank, ۲۰۱۲)

علاوه بر متغیرهای اصلی (مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان) و متغیر وابسته (نابرابری منطقه‌ای) متغیرهای کمکی دیگری را نیز مانند: تورم، تولید ناخالص داخلی سرانه، بهره‌وری نیروی کار را در این تحقیق گنجانیده شده که به ترتیب تعریف‌شده است:

### ۱- تورم

تورم بر نابرابری منطقه‌ای می‌تواند به‌طورکلی تأثیر منفی داشته باشد. زمانی که تورم ایجاد می‌شود، قدرت خرید افراد کاهش می‌یابد و این موضوع بر اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. در مناطق کمتر توسعه‌یافته که معمولاً منابع کمتری برای مقابله با افزایش قیمت‌ها دارند، این تأثیر می‌تواند شدیدتر باشد.

### ۲-تولید ناخالص داخلی سرانه

تأثیر سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP per capita) در نابرابری منطقه‌ای موضوعی پیچیده و چندوجهی است که به عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط می‌شود. به‌طورکلی، افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر نابرابری داشته باشد. افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی در مناطق مختلف منجر شود و فرصت‌های شغلی بیشتر را ایجاد کند. این امر می‌تواند به کاهش نابرابری منطقه کمک کند، زیرا افراد بیشتر از مزایای اقتصادی بهره‌مند می‌شوند و باعث بهبود زندگی می‌شوند. در این حالت، رشد اقتصادی می‌تواند با استفاده از منابع بهتر و ثروت در جامعه ایجاد شود.

### ۳- بهره‌وری نیروی کار

بهره‌وری نیروی کار به‌عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی، تأثیرات ذهنی بر نابرابری منطقه‌ای دارد. به‌طورکلی، افزایش بهره‌وری نیروی کار می‌تواند به کاهش نابرابری منطقه‌ای منجر شود. زمانی که نیروی کار با کارایی بیشتر فعالیت می‌کند، تولید و خدمات بیشتری ایجاد می‌کند که این امر می‌تواند به افزایش درآمد و بهبود شرایط زندگی در آن منطقه کمک کند. در صورت بهره‌برداری از نیروی کار به‌طور نابرابر در مناطق مختلف، ممکن است باعث افزایش نابرابری منطقه‌ای شود. مناطقی که از کار با بهره‌وری پایین‌تری آند، ممکن است با چالش‌های اقتصادی بیشتر و درنتیجه، شکاف‌های اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مختلف افزایش یابد. این نابرابری می‌تواند به نارضایتی اجتماعی و عدم ثبات اقتصادی منجر شود.

نابرابری‌های مناطق به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و اقتصادی، همیشه موردبحث و بررسی قرارگرفته است و دو دیدگاه عمده در این زمینه وجود دارد. دیدگاه اولی نابرابری‌های منطقه‌ای می‌توانند به بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی جدید تبدیل شوند. این نابرابری‌ها معمولاً به عدم دسترسی به منابع، خدمات و فرصت‌ها منجر می‌شوند. به‌عنوان‌مثال، مناطق کمتر توسعه‌یافته

ممکن است ازنظر زیرساخت‌ها، آموزش و بهداشت در وضعیت نامناسبی قرار داشته باشند. این موضوع باعث افزایش فقر، بیکاری و نارضایتی اجتماعی می‌شود. دیدگاه دومی برخی از تحلیل‌گران بر این باورند که نابرابری‌های منطقه‌ای می‌توانند به‌عنوان یک پدیده مثبت نیز تلقی شوند. این دیدگاه بر این اساس استوار است که نابرابری‌ها می‌توانند به ایجاد رقابت و نوآوری در مناطق مختلف بپردازند. به‌عنوان‌مثال، مناطق پیشرفته می‌توانند به‌عنوان مراکز نوآوری و توسعه عملیات اقتصادی و جذب سرمایه‌های بیشتر، به رشد اقتصادی کمک کنند. این نوع نابرابری به‌طورکلی از دو زمینه اصلی نشست می‌گیرد: ۱- نخست شرایط طبیعی هر منطقه ۲- تصمیم‌های مدیران و برنامه‌ریزان (Pacione, ۲۰۰۹:۲۹۱).

نابرابری منطقه‌ای به تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در میان مناطق مختلف یک کشور یا منطقه یک جغرافیایی اشاره دارد. این نابرابری‌ها می‌تواند منجر به عوامل متعددی ازجمله توزیع نابرابری منابع طبیعی، زیرساخت‌های اقتصادی، دسترسی به خدمات عمومی و فرصت‌های شغلی شود. نابرابری منطقه‌ای می‌توانند ناشی از عوامل متعددی ازجمله توزیع منابع ناعادلانه، عدم دسترسی به خدمات عمومی و ضعف زیرساخت‌ها باشند. (زبردست و حق روستا، ۱۳۹۴: ۱۱۸). نابرابری منطقه می‌تواند یک چالش برای توسعه پایدار و رفا اجتماعی باشد. به‌عنوان‌مثال، مناطق با نابرابری بالا ممکن است با مشکلاتی مانند بیکاری، فقر و نارضایتی اجتماعی می‌شوند. این نابرابرها همچنین می‌توانند به مهاجرت‌های داخلی و کاهش سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته گسترش پیدا کند.

نظریه ویلیام سون یا U وارونه که در مورد تحلیل پدیده نابرابری منطقه‌ای پرداخته است ازجمله نظریه‌های اصلی و پایه‌ای محسوب می‌شود، و همچنان نظریه دالتون در نابرابری منطقه‌ای به بررسی درآمد و ثروت در مناطق مختلف می‌پردازد. دالتون معتقد است که نابرابری منطقه‌ای می‌تواند تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی داشته باشد و به همین دلیل، توجه به این نابرابری‌ها و تلاش برای کاهش آن‌ها از مهم‌ترین برنامه‌ها و سیاست‌ها است. که به آن اشاره‌شده است.

### ۳-۱-پیشینه تحقیقات داخلی

عباسی تقی دیزج و پاشا زاده (۱۴۰۰) به شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری منطقه‌ای در ایران را موردبررسی قراردادند نتایج تحقیق نشان داده از بین ۴۷ عامل شنایی شده اولیه و ۱۴ عامل ازجمله عوامل ضعف برنامه‌ریزی درست و تصمیم‌گیری‌های مدیران و ضعف دسترسی به امکانات و خدمات و تجهیزات در محاسبه روایی محتوایی ضریب بالای ۰.۷۵ را کسب کردند به‌عنوان عوامل نهایی نابرابری منطقه‌ای شناخته‌شده است.

پیفه و شیخ اویسی(۱۴۰۰) به تحلیل ناهم‌ترازی توزیع مکانی واحدهای فناور و شرکت‌های دانش‌بنیان در سطح استان‌های ایران می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که استان اصفهان با تمرکز بالایی از این واحدها در پارک علم و فناوری شیخ‌بهایی در صدر قرار دارد. از سوی دیگر، پارک علم و فناوری پردیس در استان تهران بالاترین حجم فروش را در میان واحدهای فناور به خود اختصاص داده است.برای ترسیم دقیق‌تر این نابرابری‌های فضایی، از مجموعه‌ای از شاخص‌های کمّی شامل ضریب جینی، شاخص تایل، اتکینسون، دالتون و هرفیندال استفاده شده است. این معیارها به‌صورت نظام‌مند، درجه تمرکز جغرافیایی فناوری و اختلافات بین‌استانی را ارزیابی می‌کنند.

برای ترسیم دقیق‌تر این نابرابری‌های فضایی، از مجموعه‌ای از شاخص‌های کمّی شامل ضریب جینی، شاخص تایل، اتکینسون، دالتون و هرفیندال استفاده شده است. این معیارها به‌صورت نظام‌مند، درجه تمرکز جغرافیایی فناوری و اختلافات بین‌استانی را ارزیابی می‌کنند. نتایج، تصویری روشن از الگوی نامتوازن توزیع منابع فناورانه در کشور ارائه می‌دهد که می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آینده باشد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی پویای انتقال نابرابری منطقه‌ای در ایران بامطالعه مورد طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که بالاترین سطح توسعه‌یافتگی در استان‌های تهران و پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی در استان بلوچستان است.

آل عمران و سرکش(۱۳۹۹) در مقاله ای با روش خودرگرسیون برداری در ایران به اثر بخشی مولفه های دانش بنیان بر نابرابری در ایران پرداخته اند نتایج نشان می دهد که در بلند مدت هزینه های آموزشی دولت، فناوری اطلاعات و ارتباطات تاثیر معنادار و منفی بر نابرابری درآمد در

کشور ایران دارد

دهقان شبانی و همکاران (۱۳۹۸) به تحلیل رابطه نابرابری منطقه‌ای و توسعه اقتصادی در ایران با رویکرد داده‌های تابلویی فضایی پرداختند که نتایج نشایم می‌دهد که ارتباط نابرابری منطقه‌ای و توسعه اقتصادی به شکل U معکوس است که باعث افزایش نابرابری در مرحله اولیه توسعه مناطق را نشان می‌دهد بعداً با افزایش روند توسعه در این مناطق نابرابری کاهش‌یافته است.

اسکندری عطا و مهرگان (۱۳۹۷) ارزیابی اثرات تمرکززدایی مالی بر نابرابری منطقه‌ای در ایران با رویکرد داده‌های ترکیبی فضایی بررسی نموده که نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگویی‌های رگرسیون خودهمبستگی و جزء خطای فضایی که وابستگی فضایی شدید در میان استان‌های ایران را نشان می‌دهد. طوریکه شاخص نابرابری هر استان با ضریب تقریبی ۳۷ درصد تحت تأثیر نابرابری اقتصادی استان‌های مجاور قرار دارد؛ و متغیرهای تمرکززدایی هزینه‌ای، عمرانی و درآمدی بر نابرابری منطقه‌ای مثبت و معنی‌دار برآورد شده است.

ایران‌دوست و سلیمانی (۱۳۹۷) به تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های آموزشی در استان‌های ایران و شناسایی عوامل کلیدی مرتبط با آن با رویکرد توسعه پایدار با روش توصیفی و تحلیلی و همبستگی پرداخته که نتایج نشان می‌دهد تمرکز جمعیت شهرنشین در استان‌های تهران، قم، البرز و اصفهان روند فزایند مهاجرت موجب کاهش سرانه زیرساخت‌ها و آموزش و نتیجه کاهش سرانه شده آند.

خانزادی و همکاران (۱۳۹۶) توزیع برابر فرصت‌ها و کاهش نابرابری در ایران با ارائه یک تحلیل تطبیقی در مناطق نه‌گانه کشور پرداختند که نتایج نشان می‌دهد که نابرابری میان مناطق نه‌گانه در بین سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۲ رو به کاهش است همچنان نابرابری فرصت‌ها باقی‌مانده است.

کریمی موغاری و براتی (۱۳۹۵) به تعین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران با تحلیل شاخص ترکیبی چندبعدی پرداخته که نتایج نشان می‌دهد که نابرابری طی مدت‌زمان موردبررسی رو به کاهش هستند استان‌های تهران، یزد و سمنان به ترتیب در بالاترین سطح توسعه‌یافتگی قرار دارد؛ و استان سیستان، بلوچستان در رتبه انتهایی توسعه‌یافتگی قرار دارد.

ازوجی (۱۳۹۰) به سنجش و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای بازار کار در برنامه چهارم توسعه پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داده فاصله‌ای بالاترین و پایین‌ترین نرخ بیکاری و نرخ مشارکت

نیروی کار میان استان‌ها به ترتیب در سطح ۱۲.۶ و ۱۶.۲ در صد در پایان‌بر نامه باقی‌مانده است به لحاظ شاخص نابرابری به‌طور نسبی نابرابری‌های نرخ بیکاری مناطق کاهش‌یافته ولی شاخص‌های نابرابری نرخ مشارکت نیروی کاربر خلاف انتظار افزایش‌یافته آند. روند نابرابری بازار کار به لحاظ منطقه‌ای با روند نابرابری‌های آن در سطح ملی معکوس بوده است.

ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیق با موضوع تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران، با استفاده از ضریب پراکندگی به این نتیجه دست‌یافته است که نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی موردبررسی قرار گرفتند که میزان نابرابری و عدم تجانس بین مناطق مرزی و مرکزی بسیار بالا بوده که میزان آن ۱/۶ است. با توجه به این میانگین توسعه در مناطق مرزی ۰/۰۵۷ و مناطق مرکزی ۰/۱۶۹ است. چنین بیان کرد که مناطق مرکزی در ایران حدود ۳ برابر بیشتر از مناطق مرزی توسعه‌یافته است.

### ۳-۲-پیشینه تحقیقات خارجی

گینگریچ(۲۰۲۵) به بررسی توصیفی روندهای نابرابری فضایی در ایالات متحده، کانادا، بریتانیا و دوازده کشور اروپایی می‌پردازد. ابتدا، با استناد به ادبیات جدید در اقتصاد سیاسی آمریکا، این مقاله بیان می‌کند که انتقال به اقتصاد دانش، سه شکل از افزایش نابرابری فضایی را تقویت کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نابرابری منطقه‌ای در اقتصادهای انگلیسی‌زبان، چه از نظر ظرفیت تولید و چه از نظر درآمد، کمتر کاهش یافته یا بیشتر افزایش یافته است، اما مناطق شهری در مناطق با دانش بالا در اروپا و آمریکای شمالی متمایزتر می‌شوند.

حنفی و دیگران(۲۰۲۴) در مقاله ای با روش تحلیل کیفی به بررسی و تعیین مدل اثر بخشی عوامل موثر بر اقتصاد دانش بنیان می پردازند نتایج نشان می دهد اقتصاد دانش‌بنیان می‌تواند بهره‌وری را افزایش دهد، رفاه اقتصادی را تقویت کند و ایجاد و رشد شرکت‌های مبتنی بر دانش را تسهیل کند. چنین تأکیدی همچنین می‌تواند رقابت‌پذیری، نوآوری و موفقیت در بازارهای جهانی را افزایش دهد که در نهایت منجر به بهبود استانداردهای زندگی و توسعه پایدار می‌شود.

فرنتان و مسکویتا(۲۰۲۴) در مقاله با استفاده از نظریه پایگاه دانش، که دانش را به انواع تحلیلی، ترکیبی و نمادین طبقه‌بندی می‌کند، الگوی فضایی توزیع دانش برزیل را در دو دوره، مربوط به مرحله رشد و رکود، تجزیه و تحلیل میکند. نتایج نشان می‌دهد که منطقه مرکزی هنوز محیطی مساعد برای انواع دانش نمادین، ترکیبی و تحلیلی ایجاد می‌کند، اگرچه شکاف منطقه‌ای در

حال کاهش است. چنین الگوی فضایی را تنها می‌توان به عنوان نتیجه ذاتی ارتباطات بین فرآیند شکل‌گیری منطقه‌ای برزیل و جایگاه آن در اقتصاد جهانی درک کرد.

فلاحی(۲۰۲۱) در تحقیقی به بررسی سهم زنان در منطقه خلیج فارس در حوزه علم، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان با استفاده از روش تحقیق اسنادی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که در حوزه مذکور، فرصت گسترده‌ای برای کاهش شکاف جنسیتی اقتصادی وجود دارد. مقایسه روند مشارکت زنان در این حوزه نشان می‌دهد که پیشرفت زنان در برخی کشورها روان بوده است، در حالی که در برخی دیگر، توسعه بیشتری مورد نیاز است.

لسمن (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان نابرابری فضایی و توسعه –با رابطه یوی معکوس بین این دو وجود دارد؟ فرضیه وجود رابطه یوی معکوس بین نابرابری فضایی و توسعه اقتصادی را بررسی کرده است. برای آزمون این فرضیه. داده‌های نابرابری‌های فضایی ۵۶ کشور در مراحل مختلف توسعه اقتصادی در دوره ۲۰۰۹ – ۱۹۸۰ مورداستفاده قرارگرفته است. روش‌های به‌کاررفته در این پژوهش، روش رگرسیون پارامتریک و شبه پارامتریک است. نتایج به‌دست‌آمده، تأییدی بر وجود رابطه یوی معکوس است و شواهدی مبنی بر اینکه نابرابری فضایی در مراحل بالای توسعه اقتصادی، دوباره افزایش می‌یابد، فراهم می‌کند.

باریوس و استرایل (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای با عنوان پویایی نابرابری‌های منطقه‌ای، به بررسی و تحلیل متغیرهایی کامل نابرابری‌های منطقه‌ای، سطح توسعه اقتصاد ملی و سرانه ناخالص داخلی، در ۱۲ کشور اتحادیه اروپا برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۷۵ پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده بیانگر وجود رابطه به شکل یوی معکوس است.

ازکور و راپون (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای با عنوان بازبینی نابرابری‌های منطقه‌ای و توسعه ملی به بررسی این موضوع برای ۱۴ کشور اروپای غربی در دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۸۰ با استفاده از روش‌های شبه پارامتری پرداخته آند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که ارتباط به شکل یو معکوس بین توسعه و نابرابری منطقه‌ای یافت نشده است.

ویلیام سون (۱۹۶۵) اولین مطالعه‌ای است که ارتباط یوی معکوس بین نابرابری منطقه‌ای و توسعه را بررسی کرده است. ویلیام سون از داده‌های ۲۴ کشور که شامل کشورهای درحال‌توسعه‌ای نظیر اندونزی، هند و چندین کشور آمریکای جنوبی است، استفاده کرده و به این نتیجه رسیده

است که رابطه U معکوس بین توسعه اقتصادی و نابرابری منطقه‌ای وجود دارد. محاسبه اقتصاد دانش‌بنیان در سطح استان‌های ایران و اثر بلند مدت ان بر نابرابری منطقه‌ای از نوآوری این مقاله محسوب می‌شود.

## ٤- روش تحقیق

تحقیق حاضر بر پایه روش تحلیل- توصیفی استوار است که ابتدا بر اساس اسناد و مدارک کتابخانه‌ای، مقالات معبر علمی و پژوهشی بررسی و سپس مدل مفهومی تحقیق استخراج‌شده است. در مراحل بعدی با توجه به موضوع تحقیق تحلیل تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در ایران برآورد می‌شود. داده‌ها و اطلاعات متغیرهای تحقیق از سایت‌های معتبر مانند مرکز ملی آمار ایران، آمارنامه کشور و استان ها، مرکز مدیریت داده ها و اطلاعات استانی وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور حاصل گردید که تمام متغیرهای تحقیق حاضر به دو مدل طی دوره زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ با تفکیک ۳۱ استان ایران با تکنیک پانلی به روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده (FMOLS) با استفاده از نسخه نرم‌افزار ۱۲ Eviews انجام‌شده است. برای اطمینان از سطح دقت نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های مانند؛ بررسی مانایی، هم انباشتگی کائو، اف لیمر، هاسمن در مدل اولی دوم استفاده‌شده است.

برای تحلیل تأثیر اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در ایران از دو مدل استفاده‌شده است.در مدل اول ابتدا از طریق ترکیب مولفه های اقتصاد دانش بنیان با استفاده از روش موریس، شاخص ترکیبی اقتصاد دانش بنیان به عنوان متغیر مستقل در مدل وارد شده است. در مدل دوم خود مولفه های اقتصاد دانش بنیان( چهار مولفه) به عنوان متغیر مستقل وارد مدل دوم شده اند:

**مدل اول: (۱).....PW-CV = α + β۱ LGDPP + β۲INF+ $\beta_{۳}$ LEFF+β٦LTIKBE + U**

در مدل اول، مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان TIKBE(مشوق‌های اقتصادی و رژیم‌های نهادی، زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری، سیستم نوآوری و آموزش) که با روش موریس مولفه ها ترکیب و محاسبه شده و شاخص‌های کمکی دیگر مانند تولید ناخالص داخلی GDPP، تورم INF و بهروزی نیروی کار EFF در نظر گرفته‌شده است. طبق مبانی نظری موجود، علاوه بر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان که متغیر مستقل، بهره‌وری نیروی کار، تورم و تولید ناخالص داخلی نیز به‌عنوان متغیرهای کمکی اثرگذار بر ضریب تغییرات وزنی ـ جمعیتی

به‌عنوان متغیر بیان‌کننده نابرابری منطقه‌ای لحاظ شده است. ضریب تغییرات وزنی ـ جمعیتی شاخص اقتصادی برای محاسبه توزیع نابرابری منطقه‌ای (RI) استان‌های ایران که به‌عنوان متغیر وابسته است استفاده‌شده است.

در مدل دومی چهار مؤلفه اصلی اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان متغیر اصلی اثرگذار بر ضریب تغییرات وزنی–جمعیتی بیان‌کننده توزیع نابرابری منطقه‌ای، در استان‌های مورد تحلیل قرارگرفته است که قرار ذیل است.

**مدل دوم (۲)... PW-CV۲ = α+ β۱ LR&D+ β۲CH+ β۳LICT+ β٤QLTR+ U**

در مدل دوم: چهار شاخص اصلی مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان که مانند سیستم ابداعات و نوآوری (R&D)، آموزش و توسعه منابع انسانی (CH) فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، مشوق‌های اقتصادی و نهادی (QLIR) که متغیرهای اصلی را تشکیل داده است؛ و نیز بر ضریب تغییرات وزنی ـ جمعیتی به‌عنوان متغیر بیان‌کننده نابرابری منطقه‌ای (RI) در نظر گرفته‌شده است. در این مطالعه برای نشان دادن مولفه آموزش از متغیرهای (سهم مخارج آموزش از تولید ناخالص)، سرانه دانشجویان و سرانه دانش آموزان) استفاده شده است. مولفه سیستم ابداعات و نوآوری که معمولاً شامل متغیرهایی چون (سرانه محققان در فعالیت‌های، سرانه مراکز تحقیقاتی، سرانه هزینه‌های تحقیق و توسعه و امتیازنامه‌های حق اختراعات است. مولفه زیرساخت‌های اطلاعاتی از معیارهایی نظیر (سرانه خانواری‌های دارای دسترسی اینترنت، سرانه خانوارهای دارای رایانه، تعداد خانوارهای داری دسترسی به تلفن همراه) است؛ و برای نشان دادن مولفه مشوق‌های اقتصادی در این زمینه می‌توان به کیفیت قانون‌گذاری و نقش قانون و جرائم اشاره کرد. در حوزه اقتصادی بسیاری از شاخص‌ها به‌صورت ترکیبی محاسبه می‌شوند و اثربخشی آن‌ها بر سایر متغیرهای وابسته تجزیه‌وتحلیل می‌شود. از آنجایکه در مدل اول شاخص اقتصاد دانش‌بنیان شامل چند جزء مختلف است و برای محاسبه شاخص ترکیبی باید با استفاده از روش موریس این متغیرها طبق فرمول زیر بی مقیاس شوند:.

$$Yit = \left(\frac{Xij - XI\,min}{Xi\,\max - Xi\,min}\right) * ۱۰۰$$

1. Yij: شاخص نهایی i آم در استان j آم؛
2. Xij: متغیر i آم در استان j آم است

هدف از $X_{i\ min}$ حد کمترین مقدار متغیر i ام و هدف از $X_{i\ max}$ بیشترین مقدار متغیر i آم میان استان‌ها است.

به دلیل اینکه واحد شاخص های مولفه های اقتصاد دانش بنیان متفاوت هستند باید بر اساس روش موریس تمام شاخص های ذیل هر مولفه بی مقیاس شوند و سپس بر اساس میانگین ساده مقادیر هر مولفه برای هر استان و در هر سال محاسبه می شود سپس از چهار مقادیر مولفه برای هر استان میانگین ساده گرفته می شوند و شاخص ترکیبی نهایی اقتصاد دانش بنیان محاسبه می شود.

همچنان برای اندازه‌گیری توزیع نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران که متغیر وابسته است از شاخص ضریب تغییرات وزنی –جمعیتی (PW-CV) طی دوره (۱۳۹۰ - ۱۳۹۸) استفاده‌شده است. شاخص (PW-CV) در مطالعات درون کشوری بسیاری مورداستفاده قرارگرفته است. بر اساس رابطه زیر برای هر استان در سال مدنظر محاسبه می‌شود: Barro, Sala-i-Martin, (۱۹۹۲).

$$PW\text{-}CV_{it} = [\sum_{i=1}^{n} Pit\ (Ln\bar{y} - Lny_{it})^2\ ]^{1/2}\ ]\quad ]\qquad (1)$$

رابطه (۱) $\bar{y}$ متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه کشور،

$y_{it}$ سرانه تولید ناخالص داخلی در منطقه i از کل کشور در زمان t هستند

$p_{it}$ سهم جمعیت منطقه i از کل جمعیت کشور در زمان t هستند

n تعداد مناطق می‌باشند.

اهمیت و برتری این شاخص این است که تحت تأثیر مقایسه‌های اندازه و تعداد واحدهای فضایی قرار نمی‌گیرد بنابراین در پژوهش حاضر به‌منظور توضیح نابرابری بین استان‌های کشور از شاخص PW-CV استفاده‌شده است.

## ۵- تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

در این قسمت با استفاده از روش‌شناسی تحقیق ابتدا به آزمون مانایی متغیرهای تحقیق، آزمون هم انباشتگی و آزمون کائو استفاده‌شده است و در آخر جهت تفکیک داده‌های تلفیقی و پانلی از آزمون F لیمر و سپس جهت بررسی اثرات ثابت و تصادفی آن از آزمون هاسمن و درنهایت داده‌ها به روش پانلی FMOLS (حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده)، مورد تجزیه‌وتحلیل

قرارگرفته است. باید گفت که تحلیل داده‌ها پانلی‌های طی دو مدل با روش FMOLS (حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده) شده انجام‌شده که در زیر به شرح هرکدام آن‌ها می‌پردازیم:

**الف- تحلیل تحقیق مدل اول**

در مدل اول، مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان TIKBE (مشوق‌های اقتصادی و رژیم‌های نهادی، زیرساخت‌های اطلاعاتی و فناوری، سیستم نوآوری آموزش) بوده و شاخص‌های کمکی دیگر مانند سرانه تولید ناخالص داخلی GDPP، تورم INF و بهره‌وری نیروی کار EFF در نظر گرفته‌شده است. طبق مبانی نظری موجود، علاوه بر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان که متغیرهای کمکی دیگر مانند، سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ بهره‌وری نیروی کار و تورم به‌عنوان متغیرهای اثرگذار بر ضریب تغییرات وزنی ـ جمعیتی به‌عنوان بیان‌کننده متغیر نابرابری منطقه‌ای لحاظ شده آند. ضریب تغییرات وزنی ـ جمعیتی شاخص اقتصادی برای محاسبه توزیع نابرابری منطقه‌ای (RI) استان‌های ایران که به‌عنوان متغیر وابسته است استفاده‌شده است.

مدل اول: (۱). $PW\text{-}CV = \alpha + \beta_1 LGDPP + \beta_2 INF + B_3 LEFF + \beta_4 LQLIR + U$

**جدول شماره (۲)- نتایج آزمون‌های مانایی، هم جمعی کائو، (اف لیمر) و هاسمن در مدل اول**

| متغیر | سطح | | پویایی |
|---|---|---|---|
| | مقدار آماره Statistic | سطح احتمال (Probe) | |
| PW-CV | -۸.۱۵۷۹۷ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| LTIKBE | -۲۳.۹۰۱۷ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| LGDPP | -۶.۲۵۸۴۵ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| LEFF | -۱۰.۹۶۵۸ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| INF | ۴.۰۱۷۱۶ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| **نتایج آزمون هم انباشتگی کائو مدل اول** | | | |
| Prob. | Statistic | آماره | |
| ۰.۰۰۰۰ | **-٦.٨٢٧٢٦٨** | ADF | |
| **نتایج آزمون چاو (اف لیمر) مدل اول** | | | |
| Prob. | D.F | Statistic | Effects Test |
| **۰.۰۰۰۰** | **۲۷.۲٤٦** | **۲.۷۹۵۰۲۱** | Cross-Section f |
| **۰.۰۰۰۰** | **۲۷** | **۷٤.٦٤٨٩٤١** | Cross-Section chi-squar |
| **نیاج آزمون هاسمن مدل اول** | | | |
| Prob. | Chi- Sq.d.f | Chi-Sq. Statistic | Test Summary |
| **۰.۰۲۰۳** | **۵** | **۱۳.۳۵۳۱۰۰** | Cross-Section Random |

منبع: نتایج تحقیق حاضر با استفاده از Eviws۱۲

نتایج آزمون‌های مانایی مدل اول: با توجه به جدول فوق و متغیرهای ذکرشده در مرحله اول مطابق به معیار تعین شده کمتر از ۵ درصد است که این نشان‌دهنده‌ای مانایی این آزمون است. مقدار آماره احتمالی متغیرهای مدل مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان (TIKBE) سرانه تولید ناخالص داخلی (GDPP) بهره‌وری نیروی کار (EFF) و تورم (IN) که کمتر از ۵ درصد است و در مرحله اول مانا می‌باشند.

نتایج آزمون هم انباشتگی کائو مدل اول: با توجه به جدول فوق نتیجه آزمون ADF **(**Augmented Dickey-Fuller**)** در مدل پانلی الف نشان می‌دهد که مقدار آماره احتمالی (۰.۰۰۰۰) به‌دست‌آمده کمتر از ٪۵ درصد برآورد شده است بنابراین فرضیه H۰ نشان‌دهنده عدم رابطه و همبستگی میان مغیرها است رد شده و رابطه هم انباشتگی، همبستگی بلندمدت میان متغیرهای مدل تحقیق وجود دارد.

نتایج آزمون چاو (اف لیمر) مدل اول: نتایج به‌دست‌آمده از آزمون اف لیمر در جدول فوق مقدار سطح احتمال (prob) کمتر از سطح انتخابی (۰.۰۵) درصد است بنا فرضیه H۰ رد شده و تخمین مدل به اساس رگرسیون پانلی ممکن است و نیز نتایج نشان می‌دهد رگرسیون اثرات ثابت در مقابل روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده است به نحوی که داده‌های ترکیبی پانل در برابر داده‌های تلفیقی (پول) تائید می‌شود. ضرورت به آزمون هاسمن است.

**نیاج** آزمون هاسمن مدل اول: نتایج آماره آزمون هاسمن نشان می‌دهد که مقدار آماره (۰.۰۲۰۳) که به‌دست‌آمده است کوچکتر از آماره جدول است؛ بنابراین فرضیه H۰ که عدم رابطه میان متغیرها است رد می‌شود، برآورد مدل باید بر اساس روش رگرسیون با اثرات ثابت صورت گیرد.

**جدول (۳)- تأثیر مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان و متغیرهای کمکی بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران** FMLOS

| متغیرها | متغیر وابسته: نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران (WE-CV) | | | |
|---|---|---|---|---|
| | Co efficient | Std. Error | T-Statistic | Prob. |
| LTIKBE | -۰.۲۳٤۱۰۹ | ۰.۰٦۱۳۱۷ | -۳.۸۱۷۹۸۹ | ۰.۰۰۰۲ |
| LGDP | -۱.۰۰٤٥۷۸ | ۰.۱٤٦۷۹٤ | -٦.۸٤۳٤۲۸ | ۰.۰۰۰۰ |
| LEFF | ۰.۳۹۲۷۸۷ | ۰.۱۳۸۸۱٤ | ۲.۸۲۹٥۹۷ | ۰.۰۰٥۳ |
| INF | -۰.۰۰٦٦٤۱ | ۰.۰۰۰۸۹٤ | -۷.٤۳۲۳۱٤ | ۰.۰۰۰۰ |
| $R^2$ | ۰.۹٦ | | | |

منبع: نتایج تحقیق حاضر با استفاده از Eviws۱۲

نظر به نتایج حاصل‌شده از مدل الف مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان و شاخص‌های کمکی که به‌عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته‌شده است که توانسته ۹۶ درصد از متغیر وابسته (نابرابری منطقه‌ای) در استان‌های ایران را توضیح دهند که نشان می‌دهد مدل از قدرت توضیح دهندگی بالای برخوردار است. مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان که متشکل از شاخص‌های (نوآوری، آموزش، اطلاعات و فناوری و مشوق‌های اقتصادی) می‌باشد که این شاخص ترکیبی با نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران رابطه منفی و معکوس دارد. پس می‌توان گفت که با افزایش مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان، نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران کاهش می‌کند. یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی، به مقدار ۱.۰۰۴۵۷۸- درصد کاهش نابرابری منطقه‌ای را نشان می‌دهد و افزایش تورم نیز نابرابری را تشدید می‌کند.

## ب- تحلیل مدل دوم

در مدل دوم چهار مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان متغیر اصلی اثرگذار بر ضریب تغییرات وزنی-جمعیتی بیان‌کننده توزیع نابرابری منطقه‌ای، در استان‌های مورد تحلیل قرارگرفته است که قرار ذیل است.

مدل دوم (۲)... $PW\text{-}CV_2 = \alpha + \beta_1 LR\&D + \beta_2 LHC + \beta_3 LICT + \beta_4 LQLIR + U$

در مدل دوم چهار شاخص اصلی مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان که مانند سیستم ابداعات و نوآوری (R&D)، آموزش (CH)، اطلاعات و فناوری (ICT)، مشوق‌های اقتصادی (QLIR) که متغیرهای اصلی را تشکیل داده است و نیز بر ضریب تغییرات وزنی ـ جمعیتی به‌عنوان متغیر بیان‌کننده نابرابری منطقه‌ای (RI) که متأثر از مؤلفه‌ای اقتصاد دانش‌بنیان در نظر گرفته‌شده است.

**جدول شماره (٤)- نتایج آزمون‌های مانایی، هم جمعی کائو، جاو (اف لیمر) و هاسمن در مدل دوم**

| متغیر | سطح | | پویایی |
|---|---|---|---|
| | مقدار آماره Statistic | احتمال (Probe) | |
| PW-CV | ۸.۱۴۱۵۰ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| R&D | -۱۹.۶۸۰۶ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| HC | -۱۱.۴۴۳۸ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| ICT | -۱۹.۶۸۰۶ | ۰.۰۰۰۰ | مانا |
| QLIR | -۲.۰۶۲۹۵ | ۰.۰۱۹۶ | مانا |
| **نتایج آزمون هم جمعی یا هم انباشتگی کائو مدل دوم** | | | |
| **Prob.** | **Statistic** | آماره | |
| ۰.۰۲۷۶ | ۰.۷۴۵۹۸۹ | ADF | |
| **نتایج آزمون چاو (اف لمیر) مدل دوم** | | | |
| Prob. | D.F | Statistic | Effects Test |
| ۰.۰۰۰۰ | **۳۰.۲٤۳** | **-۳.۳۳۳۹٤٤** | Cross-Section f |
| ۰.۰۰۰۰ | **۳۰** | **-۹۵.۸۳۲۸۲٤** | Cross-Section chi-squar |
| **نتایج آزمون هاسمن مدل دوم** | | | |
| Prob. | Chi- Sq.d.f | Chi-Sq. Statistic | Test Summary |
| ۰.۰۰۰٤ | **٤** | **۲۰.۳۳۵٦٦۵** | Cross-Section Random |

منبع: نتایج تحقیق حاضر با استفاده از Eviws۱۲

نتایج آزمون‌های مانایی مدل دوم: نظر به آزمون مانایی در مدل (ب) که در جدول بالا نشان داده شده است تمام متغیرهای مدل تحقیق و تفاضل‌گیری در مرحله اول مقدار آماره احتمالی آن‌ها کمتر از سطح انتخابی (۰.۰۵) درصد است که خود بیان‌کننده این است که تمام متغیرهای مدل تحقیق مرحله اول معنادار و مانا هستند.

نتایج آزمون هم جمعی یا هم انباشتگی کائو مدل دوم: نتایج به‌دست‌آمده از آزمون کائو در مدل دوم (ب) مقدار آماره سطح احتمالی ۰.۰۲۷۶ درصد است که بااین‌حال نیز مقدار آماره احتمالی کمتر از سطح انتخابی ۰.۰۵ درصد است. بنا فرضیه H۰ که نشان‌دهنده عدم رابطه همبستگی میان متغیرها است رد شده که نشان می‌دهد رابطه پایدار و بلندمدت میان متغیرهای مدل تحقیق که نمایانگر همبستگی و هم جمعی وجود دارد.

نتایج آزمون چاو (اف لمیر) مدل دوم: نظر به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون اف لیمر در جدول فوق در مدل دوم ب مقدار آماره احتمالی (۰.۰۰۰۰) کمتر از سطح انتخابی ۰.۰۵ درصد است. بنا فرضیه صفر رد شد و تخمین مدل بر اساس رگرسیون با پانل دیتا امکان‌پذیر است همچنان نتایج نشان‌دهنده تائید اثرات ثابت در برابر روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده است؛ و ضرورت به انجام هاسمن است.

نتایج آزمون هاسمن مدل دوم: با توجه نتایج آزمون هاسمن در مدل ب، مقدار آماره احتمالی حاصل‌شده ۰.۰۰۴ درصد یعنی کمتر از سطح معناداری انتخابی ۰.۰۵ درصد است، پس با تخمین مدل بر اساس رگرسیون با اثرات ثابت صورت می‌گیرد؛ یعنی وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای مدل تحقیق تائید می‌شود.

**جدول (۵)- تأثیر مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران** FMOLS

| متغیرها | متغیر وابسته: نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران (WE-CV) | | | |
|---|---|---|---|---|
| | Co efficient | Std. Error | T-Statistic | Prob. |
| R&D | -۰.۲۱۷۰۸۱ | ۰.۱۵۲۹۱۳ | -۱.٤۱۹٦۳۹ | ۰.۰۰۷٦ |
| CH | -۰.۰۲۸۰٤۷ | ۰.۲۰۹۱۳٦ | -٤.۹۱٥٦۸٥ | ۰.۰۰۰۰ |
| ICT | -۰.۲۱۸۱۲۲ | ۰.۰۸۹۰۱۲ | -۲.٤٥۰٤۸۸ | ۰.۰۱٥۳ |
| QLIR | ۰.۲۳۹۰٦۱ | ۰.۱۳۱٦۱۸ | ۱.۸۱٦۳۳۱ | ۰.۰۰۷٦ |
| $R^2$ | ۰.۷۳ | | | |

منبع: نتایج تحقیق حاضر با استفاده از Eviws۱۲

با در نظر داشت نتایج به‌دست‌آمده از مدل جدول فوق می‌توان گفت که چهار مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان نوآوری آموزش فناوری و اطلاعات و مشوق‌های اقتصادی توانسته ۷۳ درصد متغیر وابسته نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران را توضیح داده آند. مؤلفه نوآوری نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران اثر معکوس دارد که با یک درصد درصد افزایش نوآوری، نابرابری منطقه‌ای به‌اندازه ۰.۲۱۷۰ درصد کاهش خواهد داشت. شاخص آموزش با نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران رابطه معکوس دارد که با یک درصد افزایش آموزش، نابرابری منطقه‌ای به‌اندازه ۰.۰۲۸۰۴۷ درصد کاهش می‌یابد. - فناوری و اطلاعات با نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران رابطه منفی دارد به‌نحوی‌که با یک درصد افزایش شاخص فناوری و اطلاعات، ۰.۲۱۸۱ درصد کاهش در نابرابری منطقه‌ای رخ می‌دهد.

## ٦- نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی تأثیر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران است که طی دور زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۸ به تفکیک ۳۱ استان با رویکرد ترکیبی پانلی **fmols** با استفاده از نرم‌افزار Eviews۱۲صورت گرفته است. با استفاده از داده‌های آماری مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان با روش موریس ترکیب و محاسبه شده است و شاخص نابرابری منطقه‌ای با استفاده از روش ضریب تغییرات وزنی – جمعیتی ویلیامسون دست‌آمده است.

پیش از برآورد و انجام آزمون‌های دیگر آزمون ریشه واحد، هر دو مدل انجام‌شده است که با

انجام آزمون مانایی تمام متغیرهای هر دو مدل مانا هستند، تمام آزمون‌های مانایی مانند ریشه واحد جمعی لوین، لین چو و آزمون‌های ریشه واحد انفرادی موردقبول و تائید است. سپس آزمون‌های هم انباشتگی انجام شد که میان متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل رابطه بلندمدت وجود دارد و با انجام آزمون جاوه و هاسمن برای بیان اثرات ثابت و تصادفی و هر دو مدل مورداستفاده قرارگرفته است که خود بیان کنند تائید در مدل دارای اثرات ثابت است و مورداستفاده قرار می‌گردد.

در مدل اول شاخص ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان که متشکل از شاخص‌های (نوآوری، آموزش، اطلاعات و فناوری و مشوق‌های اقتصادی) است با نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران رابطه منفی و معکوس دارد. پس می‌توان گفت که با یک درصد افزایش در مؤلفه‌های ترکیبی اقتصاد دانش‌بنیان، نابرابری منطقه‌ای را به‌اندازه ۰.۲۳۴۱۰۹- درصد کاهش می‌دهد، سرانه تولد ناخالص داخلی و تورم دارای تأثیرات منفی و معکوس بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های است اما بهره‌وری نیروی کار تأثیر مثبت و معنادار بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران دارد.

با توجه به برآورد مدل دوم تحقیق رابطه مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران با استفاده از روش FMLOS محاسبه شده است. ضرایب نشان می‌دهد که چهار مؤلفه اقتصاد دانش‌بنیان نوآوری، آموزش، فناوری و اطلاعات و مشوق‌های اقتصادی ۷۳ درصد متغیر وابسته نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران را توضیح داده آند که نوآوری، آموزش، فناوری و اطلاعات تأثیرات منفی و معکوس بر نابرابری منطقه‌ای دارد اما مشوق‌های اقتصادی و نهادی دارای تأثیر مثبت و معنادار بر نابرابری منطقه‌ای است. مقدار آماره F نشان‌دهنده معناداری معادله رگرسیون است.

با توجه به نتایج تحقیق سیاست‌گذاران به‌طور هم‌زمان به تقویت مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و مدیریت متغیرهای کلان اقتصادی جهت کنترل و کاهش نابرابری منطقه‌ای توجه کنند. این امر نیازمند یک رویکرد جامع و هماهنگ در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی است که می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور کمک کند. به‌طورکلی، این تحقیق بر اهمیت توجه به مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان و متغیرهای کلان اقتصادی در راستای کاهش نابرابری منطقه‌ای تأکید می‌کند و پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاران با اتخاذ تدابیر

مناسب، زمینه‌های لازم برای توسعه پایدار و عادلانه را فراهم آورند.

**راهکارهای سیاستی**

پیشنهادهای زیر بر اساس نتایج اثر مؤلفه‌های اقتصاد دانش‌بنیان بر نابرابری منطقه‌ای در استان‌های ایران ارائه می‌شود:

۱-تقویت نوآوری: به‌منظور کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، لازم است که برنامه‌های نوآوری در استان‌های کمتر توسعه‌یافته تقویت شود. این برنامه‌ها می‌توانند شامل حمایت از استارتاپ‌ها و کسب‌وکارهای کوچک باشند که به ایجاد شغل و افزایش درآمد در این مناطق کمک می‌کنند

۲-توسعه آموزش: آموزش به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد دانش‌بنیان، باید در اولویت قرار گیرد. ایجاد مراکز آموزشی و پژوهشی در استان‌های مختلف، توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی و دانشکده‌های مهارتی و آموزشی به‌ویژه در مناطق محروم، می‌تواند به افزایش مهارت‌های نیروی کار کاهش نابرابری کمک کند.

۳-افزایش دسترسی به اطلاعات و فناوری: فراهم کردن دسترسی به فناوری‌های نوین و اطلاعات برای تمامی استان‌ها، به‌ویژه مناطق کمتر توسعه‌یافته، می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی این مناطق کمک کند. این امر می‌تواند شامل ایجاد زیرساخت‌های اینترنتی و فناوری اطلاعات و دسترسی آزاد به اطلاعات و ایجاد بانک‌های اطلاعاتی و آماری باشد.

۴-تشویق مشوق‌های اقتصادی: دولت باید مشوق‌های اقتصادی مناسبی برای سرمایه‌گذاری در استان‌های کمتر توسعه‌یافته ارائه دهد. این مشوق‌ها می‌توانند شامل معافیت‌های مالیاتی، تسهیلات بانکی و حمایت‌های مالی برای پروژه‌های توسعه‌ای باشند.

۵- با توجه به تأثیر تولید ناخالص داخلی بر نابرابری منطقه‌ای، توجه به ساختار اقتصادی هر استان و کمک به رونق اقتصادی دران ها، افزایش کمک‌های فنی و اعتباری از بخش‌های تولیدی می‌تواند با کاهش نابرابری بین استان‌ها کمک کند

۶- کنترل تورم یکی از عوامل کلیدی در کاهش نابرابری است. سیاست‌های اقتصادی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که از افزایش ناگهانی قیمت‌ها جلوگیری کنند و ثبات اقتصادی را حفظ نمایند. انضباط پولی و مالی در کشور کاهش نا ترازی‌ها و مدیریت نقدینگی در کشور می‌توان تورم را در سطح استان‌ها کنترل کرد.

## منابع و مأخذ


۱- احمدی،مرضیه، فلاحتی، علی و دل انگیزان، سهراب (۱۳۹۸)، بررسی پویای انتقال نابرابری منطقه‌ای در ایران، **فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصاد سابق)** دوره‌ی ۱. بهار سال ۱۳۹۰ ص ۱۹۹- ۸۵

۲- اسکندری عطا،محمد رضا، مهرگان،نادر، پور فرج،علیرضا ، کریمی پتانلار، سعید (۱۳۹۸) تحلیل فضایی نابرابری منطقه‌ای با تأکید بر عوامل محیطی و سیاسی، **پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای** سال بیست و ششم، دوره جدید شماره ۱۱۸ پاییز- زمستان ۱۳۹۸

۳- آل عمران،رویا و سرکش،عاطفه (۱۴۰۰). بررسی تاثیرپذیری نابرابری درآمد از مولفه های اقتصاد دانش بنیان در کشور ایران از منظر عدالت اسلامی، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، ۲۰(۸۰)، ۱۳۲-۱۰۷.

۴- ازوجی، علاءالدین (۱۳۹۰) سنجش و تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای بازار کار در برنامه چهارم توسعه، **فصلنامه علمی –پژوهشی برنامه و بودجه** سال شانزدهم –تابستان ۱۳۹۰، شاپا (چاپی) ۹۰۹۲-۲۲۵۱

۵- ابراهیم‌زاده،عیسی، موسوی،میر نجف، کاظمی زاد، شمس الله (۱۳۹۰) تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران، **فصلنامه ژئوپلیتیک**–سال ششم شماره اول، بهار ۱۳۹۱ ص ۲۳۵-۲۱۴

۶- عباسی دیزج، تقی و پاشا زاده، اصغر (۱۴۰۰) شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری منطقه‌ای در ایران، **فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای**، سال یازدهم، شماره ۴۱ زمستان ۱۴۰۰

۷- توکلی،مرتضی، فاضل نیا،عرب، زارعی،یعقوب، نیک آریا، مهران (۱۳۹۰) ارزیابی برخی شاخص‌های ابعاد نابرابری منطقه‌ای در ایران، **فصلنامه روستا و توسعه**، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صفحات ۱۰۱-۱۱۷.

۸- پیفه،احمد و شیخ اویسی،مهرداد (۱۴۰۰). نابرابری توزیع فضایی واحدهای فناور و شرکت‌های دانش بنیان و ضریب تمرکز فناوری در پارک های علم و فناوری ایران، **نشریه مطالعات زیست بوم اقتصاد نوآوری**، ۱(۲)، ۲۳-۴۵

۹- خانزادی،آزاد، قادری سیاه بیدی، الهام، نجفی، محمد باقر (۱۳۹۶) توزیع برابر فرصت‌ها و کاهش نابرابری در ایران (ارائه یک تحلیل تطبیقی در مناطق ۹ گانه کشور) **اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای رویکردها وکابرد** (۱۳ و

.(۱۳/۲/۱۳۹۸

۱۰- خانعلی زاده، بهمن (۲۰۱۹) **کاربرد و تخمین داده‌های ترکیبی (پانل دیتا) با استفاده از نرم‌افزار ایوز**، تهران: راز نهان ۱۳۹۷

۱۱- شبانی، زهرا، هادیان،ابراهیم، نگهداری، جمال (۱۳۹۷) تحلیل رابطه نابرابری منطقه‌ای و توسعه اقتصادی در ایران رویکرد داده‌های تابلویی فضایی، **تحقیقات اقتصادی**/ دوره ۵۲، شماره ۴، زمستان ۹۸/ ص ۸۹۰- ۸۷۵.

۱۲- غفاری فرد، محمد ، ملکی نصر، هاشم (۱۳۹۸) سنجش فضایی اقتصاد دانش‌بنیان در استان‌های مختلف ایران (رویکرد شاخص ترکیبی) **رهیافت** شماره پاییز ۱۳۹۸

۱۳- غفاری فرد، محمد ، مصدق، علی داد (۱۴۰۱) برسی آثار توزیعی اقتصاد دانش‌بنیان در کشورهای منتخب اسلامی (رویکرد حداقل مربعات کاملاً اصلاح‌شده) **رهیافت** ۳۲ (۱)، ص.۵۸-۴۳.

۱۴- کریمی موغاری، زهرا، براتی، جواد (۱۳۹۶) تعین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص ترکیبی چندبعدی، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصاد** سال هفتم، شماره بیست وششم بهار ۱۳۹۶ (۷۰-۴۹).

۱۵- Barrios, S.& Strobl, E. (۲۰۰۹). The dynamics of regional inequalities. **Regional Science and Urban Economics,** ۳۹ (۵), ۵۷۵-۵۹۱.

۱۶- Ezcurra, R. & Rapún, M. (۲۰۰۶). Regional Disparities and National Development Revisited: The Case of Western Europe. **European Urban and Regional Studies**, ۱۳ (۴), ۳۵۵-۳۶۹.

۱۷- Lessmann, C. (۲۰۱۴). Spatial inequality and Development–Is there an Inverted-U relationship? **Journal of Development Economics**, ۳۵-۵۱.

۱۸- Kutscherauer, A. (۲۰۱۰). **Regional Disparities in Regional Development of the Czech Republic Ostrava**. University of Ostrava.

۱۹- Gingrich, J. (۲۰۲۵). Regional Inequality and the Knowledge Economy: North America and Europe. **Journal of European Social Policy,** ۰(۰). https://doi.org/۱۰.۱۱۷۷/۰۹۵۸۹۲۸۷۲۴۱۳۱۲۱۱۰

۲۰- Hanafi Niri, Karim; Pourjabali, Robabeh; Babaei, Mahboube (۲۰۲۴). Designing a Knowledgebased Economy Model to Achieve Knowledge-based Development. **Journal of Knowledge -Research**

**Studies**, ۲ (۴): ۱-۲۲.Doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/JKRS.۲۰۲۴.۵۹۲۴۶.۱۰۴۲

۲۱- FERNANDES, Ana Cristina; MESQUITA, Fernando.(۲۰۲۴) Regional inequalities, dependency, and knowledge base: notes on the enduring challenges to Brazilian development. **Revista Brasileira de Inovação, Campinas**, SP, v. ۲۳, n. ۰۰, p. ۱–۳۷, ۲۰۲۴. DOI: ۱۰.۲۰۳۹۶/rbi.v۲۳i۰۰۸۶۷۵۴۴۹.

۲۲- Falahati, Leila (۲۰۲۱). Knowledgebased Economy as an Opportunity to Closing the Gender Gap, **TheInternational Journal ofHumanities** (۲۰۲۱) Vol. ۲۸ (۲):(۵۸-۶۸)

۲۳- Williamson, J. G. (۱۹۶۵). Regional Inequality and the Process of National Development: A Description of the Patterns**. Economic Development and Cultural Change**, ۱۳ (۴), ۳-۴۵.

۲۴- Lessmann, C. (۲۰۱۴). Spatial inequality and Development–Is there an Inverted-U relationship? **Journal of Development Economics**, ۳۵-۵۱.

۲۵- Kanbur, R. Venables, A. j. (۲۰۰۵). **Spatial Inequality and Development.**
Oxford: Oxford University Press.

۲۶- Barro, R.J. Sala-i-Martin, X. (۱۹۹۲). Convergence**. J. Polit. Econ**. ۱۰۰ (۲): ۲۲۳–۲۵۱

۲۷- P.Kyriacou, A., Roca-Sagales, O. (۲۰۱۴). Regional disparities and government quality: Redistributive conflict crowds out good government. **Spatial Economic Analysis**, ۹(۲): ۱۸۳-۲۰۱..

۲۸- Etzioni, A (۲۰۰۲), The Good Society, Seattle **Journal for Social Justic**, ۱(۱): ۸۳-۹۶

۲۹- Pacione, M. (۲۰۰۹), **Urban Geography: A Global Perspective**.Londan: Routledge

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ١٣٤-١٠٩
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# بررسی نقش گردشگری روستایی در خلق فرصت‌های اقتصادی؛ مطالعه روستاهای منطقه ماسوله

**پرویز رفیعی شاد**[١]
**ولی اله رستمعلی زاده**[٢]
**خدیجه ذوالقدر**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۷/۱ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۰/۱۰)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
این پژوهش با هدف تحلیل نقش گردشگری روستایی در ایجاد فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در منطقه تاریخی ماسوله انجام شد. گردشگری، به‌عنوان یکی از صنایع راهبردی و چندبعدی، تأثیرات قابل‌توجهی بر توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع محلی دارد. ماسوله با معماری پلکانی منحصربه‌فرد، بافت سنتی و جاذبه‌های فرهنگی، طی دهه‌های اخیر به مقصدی

١- دانشجوی دکتری جامعه شناسی گرایش توسعه اجتماعی- روستایی، گروه علوم اجتماعی و جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
٢- دانشیار، گروه مهاجرت و شهرنشینی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
v.rostamalizadeh@nipr.ac.ir
٣- استادیار، گروه علوم اجتماعی و جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

محبوب برای گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شده و زمینه‌های اشتغال و فعالیت‌های اقتصادی جدیدی برای ساکنان محلی فراهم آورده است. در این پژوهش، داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های فردی و گروهی با ۱۵ نفر از فعالان محلی، مسئولان و کارآفرینان حوزه گردشگری گردآوری شد و با استفاده از روش تحلیل مضمون بررسی گردید. نتایج نشان داد که گردشگری در ماسوله فراتر از یک منبع درآمدی مقطعی عمل می‌کند و موجب تقویت معیشت ساکنان، کاهش مهاجرت، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای سرمایه اجتماعی شده است. به‌ویژه توانمندسازی زنان و جوانان، مشارکت فعال در کسب‌وکارهای گردشگری و تقویت اعتماد و همکاری جمعی، از جمله پیامدهای شاخص توسعه گردشگری در این منطقه است. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که گردشگری توانسته الگوی اشتغال ارگانیک و مبتنی بر ظرفیت‌های بومی ایجاد کند و ساختار معیشتی سنتی مبتنی بر کشاورزی و خدمات محدود را به سمت اقتصاد خدماتی و پایدار سوق دهد. تحلیل نظری پژوهش بر اساس چارچوب‌های نوسازی، توسعه پایدار، نظریه وابستگی، سرمایه اجتماعی، توانمندسازی، توسعه درون‌زا و مشارکت محلی انجام شد و نشان داد که موفقیت گردشگری مستلزم مدیریت بومی، حفاظت از منابع فرهنگی و طبیعی و برنامه‌ریزی مشارکتی است. این مطالعه تأکید می‌کند که توسعه گردشگری باید با رعایت ظرفیت محیطی، حفظ هویت فرهنگی و تقویت ساختار نهادی محلی هدایت شود تا از پیامدهای منفی مانند استحاله فرهنگی، نابرابری و آسیب‌های اجتماعی جلوگیری گردد. در نهایت، پژوهش بر ضرورت تدوین راهبردهای هوشمند، سیاست‌گذاری مشارکتی و سنجش مستمر پایداری در مدیریت گردشگری ماسوله تأکید دارد.

**واژگان کلیدی:** گردشگری روستایی، اشتغال‌زایی، توسعه پایدار، ماسوله، توانمندسازی، مشارکت محلی.

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

گردشگری در دهه‌های اخیر به یکی از بزرگ‌ترین و پویاترین صنایع جهان تبدیل شده است و نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ملی کشورها ایفا می‌کند.

طبق گزارش‌های بین‌المللی، این صنعت سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص داده و میلیون‌ها فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کرده است. پویایی و گستردگی گردشگری موجب شده است که این بخش به یکی از ارکان اصلی اقتصاد جهانی تبدیل شود (شورای جهانی سفر و گردشگری[۱]، ۲۰۲۵)

ماهیت چندبعدی گردشگری باعث شده است که این صنعت به عوامل متعددی همچون حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها، خدمات، روابط اجتماعی و محیط‌زیست وابسته باشد. همین ویژگی میان‌رشته‌ای، گردشگری را به پدیده‌ای پیچیده تبدیل کرده که تحلیل آن نیازمند رویکردهای تلفیقی در حوزه‌های جغرافیا، اقتصاد، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی فضایی است (بانک جهانی[۲]، ۲۰۲۵)

از دیدگاه جغرافی‌دانان، گردشگری صرفاً یک فعالیت اقتصادی یا تفریحی نیست، بلکه پدیده‌ای فضایی، اجتماعی و فرهنگی است که با مکان، محیط‌زیست و الگوهای تعامل انسانی پیوندی عمیق دارد. تمایز میان گردشگری مبتنی بر فراغت و گردشگری کاری نشان می‌دهد که شناخت انگیزه‌های سفر و مفهوم فراغت نقش اساسی در تحلیل صحیح تحولات گردشگری دارد (هال و پیج[۳]، ۲۰۱۴).

در سطح جوامع محلی، گردشگری می‌تواند نقشی دوگانه ایفا کند؛ از یک سو عاملی برای توسعه اقتصادی، بهبود معیشت و تقویت سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و از سوی دیگر ممکن است موجب تغییرات فرهنگی، فشار بر منابع طبیعی و دگرگونی ساختارهای اجتماعی شود. ازاین‌رو، مدیریت آگاهانه و مشارکتی گردشگری در مقیاس محلی اهمیت ویژه‌ای دارد (سازمان بین‌المللی کار[۴]، ۲۰۱۶).

شهر ماسوله در استان گیلان نمونه‌ای موفق از بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری برای توسعه محلی به شمار می‌رود. معماری پلکانی، بافت تاریخی و جاذبه‌های فرهنگی و طبیعی این شهر موجب جذب گردشگران داخلی و خارجی شده است. توسعه گردشگری در ماسوله نه‌تنها به

---

۱ - World Travel & Tourism Council

۲ - World Bank

۳ - Hall & Page

۴ - International Labour Organization

ایجاد اشتغال و رونق صنایع‌دستی محلی کمک کرده، بلکه مشارکت اجتماعی ساکنان، به‌ویژه زنان و جوانان، را در فرآیندهای توسعه‌ای افزایش داده است.

ناکامی بسیاری از راهبردهای کلاسیک توسعه روستایی سبب شد تا برنامه‌ریزان به دنبال الگوهای جدید و پایدار توسعه باشند. با طرح مفهوم توسعه پایدار از دهه ۱۹۷۰ به بعد، گردشگری به‌عنوان یکی از راهبردهای قابل دوام برای توسعه مناطق روستایی و کمترتوسعه‌یافته مطرح شد؛ راهبردی که می‌تواند همزمان به رشد اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و تقویت ساختارهای اجتماعی کمک کند (کمیسیون برانتلند[۱]، ۱۹۸۷).

گسترش گردشگری انبوه و پیامدهای منفی آن بر محیط‌زیست و جوامع انسانی موجب شد تا در دهه ۱۹۹۰، موضوع پایداری گردشگری در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ و سایر نشست‌های بین‌المللی بر ضرورت ادغام اصول پایداری در برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری تأکید کردند (سازمان ملل متحد، ۱۹۹۲).

در نتیجه این تحولات، استفاده از روش‌های علمی برای سنجش، ارزیابی و پایش میزان تحقق توسعه پایدار در گردشگری گسترش یافت. شاخص‌ها و مدل‌های ارزیابی پایداری گردشگری به سیاست‌گذاران این امکان را داد تا تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری را به‌صورت نظام‌مند بررسی و مدیریت کنند.

امروزه گردشگری به‌ویژه در مناطق روستایی و بکر، به بستری مهم برای تحقق اهداف توسعه پایدار تبدیل شده است .این صنعت می‌تواند همزمان موجب توسعه اقتصادی و اجتماعی و حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی شود؛ با این شرط که مدیریت هوشمندانه و مشارکت فعال جوامع محلی در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و اجرا لحاظ گردد، زیرا بدون مشارکت ساکنان محلی، توسعه گردشگری دیر یا زود به ناپایداری خواهد انجامید.

بر این اساس، مسئله اصلی در حوزه گردشگری نه صرفاً گسترش کمی آن، بلکه چگونگی هدایت این گسترش به سوی الگوهای پایدار، مسئولانه و مبتنی بر ظرفیت‌های بومی است.

---

[۱] - Brundtland Commission

تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که توسعه گردشگری انبوه، اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند موجب افزایش درآمد و رونق اقتصادی شود، اما در بلندمدت پیامدهای نامطلوبی همچون تخریب و فرسایش محیط‌زیست، تجاری‌سازی افراطی فرهنگ محلی، تضعیف هویت بومی و شکل‌گیری شکاف‌های اجتماعی را به دنبال دارد. ازاین‌رو، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و پژوهشگران ناگزیرند با تدوین سیاست‌های هوشمندانه، طراحی ابزارهای ارزیابی و به‌کارگیری الگوهای عملیاتی مناسب، مسیر توسعه گردشگری را به‌گونه‌ای هدایت کنند که منافع اقتصادی آن با حفاظت از محیط‌زیست، صیانت از فرهنگ محلی و ارتقای سرمایه اجتماعی در تعادل باشد. این رویکرد به‌ویژه در مناطقی چون ماسوله اهمیت دوچندان دارد؛ چراکه این شهر، افزون بر آنکه یک مقصد گردشگری شاخص با معماری پلکانی و فرهنگ منحصربه‌فرد است، نمونه‌ای زنده از ظرفیت‌های گردشگری پایدار در تقویت هویت محلی، ایجاد فرصت‌های اقتصادی بومی و برقراری توازن میان توسعه و حفاظت به شمار می‌آید.

بر این مبنا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که گردشگری چگونه بر خلق فرصت‌های اقتصادی و اشتغال ارگانیک و گسترش بازارهای محلی در منطقه ماسوله تأثیر گذاشته است؟ در راستای تبیین دقیق‌تر این مسئله، سؤالات فرعی پژوهش عبارت‌اند از: نخست، توسعه گردشگری چه نقشی در ارتقای رفاه اقتصادی و اجتماعی ساکنان ماسوله و روستاهای پیرامونی ایفا کرده است؟ دوم، گردشگری چگونه موجب گسترش بازارهای محلی، افزایش درآمد و تنوع‌بخشی به مشاغل در ماسوله شده است؟ سوم، توسعه گردشگری چه تأثیری بر ایجاد و تقویت فرصت‌های اشتغال ارگانیک برای بانوان روستایی در ماسوله داشته است؟ و در نهایت، چه چالش‌ها و فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی در فرآیند توسعه گردشگری ماسوله پدید آمده و این عوامل چگونه بر پایداری توسعه روستایی اثر گذاشته‌اند؟

## ۲- ادبیات تحقیق

گردشگری روستایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال گردشگری جایگزین، در دهه‌های اخیر توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران توسعه را به خود جلب کرده است. این نوع گردشگری به دلیل اتکا بر منابع محلی، مقیاس کوچک فعالیت‌ها و پیوند نزدیک با معیشت روستایی، ظرفیت بالایی برای کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، به‌ویژه در کشورهای

درحال‌توسعه دارد. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که گردشگری روستایی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای کاهش فقر، جلوگیری از مهاجرت روستاییان و ایجاد اشتغال محلی عمل کند، زیرا فرصت‌های شغلی آن اغلب نیازمند مهارت‌های پیچیده و سرمایه‌گذاری کلان نیست و با توانمندی‌های بومی سازگار است (شارپلی[۱]، ۲۰۰۲؛ لان[۲]، ۱۹۹۴).

یکی از مهم‌ترین کارکردهای گردشگری روستایی، ایجاد اشتغال برای گروه‌های کم‌مهارت و بومی است. فعالیت‌هایی مانند ارائه خدمات اقامتی، تهیه و فروش غذاهای محلی، صنایع‌دستی، راهنمایی گردشگران و خرده‌فروشی محصولات روستایی، امکان مشارکت مستقیم روستاییان را در فرآیندهای اقتصادی فراهم می‌کند. این ویژگی باعث می‌شود گردشگری روستایی به‌ویژه در کشورهای کمترتوسعه‌یافته که با محدودیت فرصت‌های شغلی مواجه‌اند، به منبعی قابل اتکا برای ایجاد درآمد جانبی و تکمیل معیشت کشاورزی تبدیل شود (سازمان جهانی گردشگری[۳]، ۲۰۲۳).

از منظر اقتصادی، گردشگری روستایی به‌عنوان بخشی رو به رشد، دارای ریسک کمتر و انعطاف‌پذیری بیشتر نسبت به بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی دیگر است. کوچک بودن مقیاس طرح‌ها، استفاده از منابع محلی و هزینه‌های پایین سرمایه‌گذاری اولیه موجب می‌شود که این نوع گردشگری در مقایسه با گردشگری انبوه یا صنعتی، پایداری بیشتری داشته باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که گردشگری روستایی می‌تواند موجب رشد اقتصادی، تنوع‌بخشی به ساختار اشتغال، پویایی تجارت محلی و تقویت اقتصاد منطقه‌ای شود (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی[۴]، ۲۰۲۰).

گردشگری روستایی همچنین نقشی اساسی در تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی ایفا می‌کند. وابستگی صرف به کشاورزی، روستاها را در برابر نوسانات اقلیمی، بازار و سیاست‌های اقتصادی

---

۱ - Sharpley
۲ - Lane
۳ - UNWTO
۴ - OECD

آسیب‌پذیر می‌سازد. در این شرایط، گردشگری روستایی با ایجاد منابع درآمدی مکمل، ثبات اقتصادی بیشتری برای خانوارهای روستایی فراهم می‌آورد و امکان استفاده چندمنظوره از زمین، فرهنگ و میراث محلی را مهیا می‌کند (اسکونز[۱]، ۱۹۹۸).

در بسیاری از کشورها، گردشگری روستایی ارتباط نزدیکی با سیاست‌های توسعه کشاورزی و حفاظت محیط‌زیست دارد .این نوع گردشگری اغلب به حفظ چشم‌اندازهای کشاورزی، شیوه‌های سنتی تولید و فرهنگ روستایی کمک می‌کند و می‌تواند ابزاری برای صیانت از میراث طبیعی و فرهنگی باشد .در این چارچوب، گردشگری روستایی نه‌تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه سازوکاری برای توسعه متوازن و حفاظت از هویت روستایی تلقی می‌شود.

سازمان جهانی گردشگری[۲] (۲۰۲۳) گردشگری روستایی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، خدمات و اشکال میهمان‌نوازی می‌داند که توسط ساکنان روستاها، به‌ویژه کشاورزان، با هدف جذب گردشگر و ایجاد درآمد جانبی انجام می‌شود. از دید این سازمان، اهداف کلان توسعه گردشگری روستایی شامل افزایش اشتغال، به‌ویژه برای جوانان و زنان، افزایش درآمدهای محلی و ارزی، تقویت همبستگی اجتماعی، حفاظت از منابع فرهنگی و زیست‌محیطی و تحقق توسعه پایدار در نواحی روستایی است.

گردشگری روستایی مبتنی بر مشارکت اجتماعی، با تعریفی خاص از توسعه همراه است .در این رویکرد، توسعه صرفاً به اجرای یک پروژه یا افزایش شاخص‌های اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه فرآیندی اجتماعی تلقی می‌گردد که در آن ظرفیت‌های انسانی و نهادی جامعه محلی تقویت می‌شود. ایجاد رهبری محلی، تقویت روحیه کارآفرینی، افزایش توان عمل جمعی و ارتقای سرمایه اجتماعی از جمله دستاوردهای این نوع توسعه است (توسان[۳]، ۲۰۰۰).

در چارچوب **نظریه نوسازی**، توسعه به‌عنوان فرآیندی خطی و مرحله‌ای در نظر گرفته می‌شود که طی آن جوامع سنتی با گذار به سمت صنعتی‌شدن، آموزش و خدمات نوین به توسعه دست می‌یابند .بر اساس این دیدگاه، ورود سرمایه، فناوری و تغییر در ارزش‌ها و سبک زندگی،

---

۱ - Scoones
۲ - UNWTO
۳ - Tosun

پیش‌شرط توسعه است (روستو[۱]، ۲۰۱۲). گسترش گردشگری در برخی مناطق روستایی، از جمله ماسوله، با تغییر الگوی معیشت از فعالیت‌های سنتی به خدمات گردشگری، با این منطق نظری همخوانی دارد.

در مقابل، **نظریه توسعه پایدار** بر ضرورت ایجاد توازن میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه تأکید می‌کند. این نظریه که در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح شد، توسعه‌ای را مطلوب می‌داند که نیازهای نسل کنونی را بدون به خطر انداختن توان نسل‌های آینده برآورده سازد. در حوزه گردشگری روستایی، این دیدگاه بر حفاظت از منابع طبیعی، حفظ فرهنگ بومی و عدالت اجتماعی در کنار رشد اقتصادی تأکید دارد (کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه[۲]، ۱۹۸۷).

**نظریه توانمندسازی** یکی دیگر از چارچوب‌های مهم در تحلیل آثار گردشگری روستایی است .توانمندسازی به معنای افزایش کنترل افراد و گروه‌ها بر تصمیمات و منابع مؤثر بر زندگی‌شان است. اشتغال در بخش گردشگری می‌تواند از طریق افزایش مهارت‌ها، اعتمادبه‌نفس، درآمد و مشارکت اجتماعی، به توانمندسازی فردی و جمعی روستاییان، به‌ویژه زنان و جوانان، منجر شود (زیمرمن[۳]، ۲۰۰۰).

نظریه **گردشگری پایدار روستایی** ترکیبی از اصول توسعه پایدار، مشارکت محلی و بهره‌برداری متعادل از منابع است .این نظریه بر آن است که گردشگری باید در چارچوب ظرفیت‌های محیطی و اجتماعی توسعه یابد تا همزمان اشتغال‌زا، درآمدزا و حافظ میراث طبیعی و فرهنگی باشد (شارپلی، ۲۰۰۲).

در نهایت، رویکرد **توسعه درون‌زا** و **معیشت پایدار** بر استفاده از منابع، دانش و فرهنگ بومی به‌عنوان پایه‌های اصلی توسعه تأکید دارند .در این رویکردها، گردشگری روستایی به‌عنوان ابزاری برای تنوع‌بخشی معیشت، افزایش تاب‌آوری اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری روستاها در

---

۱ - Rostow

۲ - WCED

۳ - Zimmerman

برابر بحران‌های اقتصادی و محیطی تلقی می‌شود (ری[۱]، ۱۹۹۹؛ اسکونز، ۱۹۹۸).

## ۳- پیشینه تحقیق

گردشگری روستایی به‌عنوان یک عامل مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی در جوامع محلی مطرح است و می‌تواند موجب افزایش اشتغال، درآمد و حفظ فرهنگ محلی شود (امامی و همکاران، ۱۴۰۴). این نوع گردشگری، با بهره‌گیری از منابع طبیعی، فرهنگ محلی و صنایع دستی، فرصت‌های اقتصادی جدید برای ساکنان روستا ایجاد کرده و نقش مؤثری در توانمندسازی زنان و جوانان دارد (باقری و همکاران، ۱۴۰۴). علاوه بر این، گردشگری خلاق روستایی با تمرکز بر نوآوری و فعالیت‌های فرهنگی-اقتصادی، موجب تقویت ارتباط بین جامعه محلی و گردشگران شده و می‌تواند الگویی پایدار برای توسعه منطقه‌ای ارائه دهد (سلطانی و گودرزی، ۱۴۰۳).

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که ارزیابی ریسک و آسیب‌پذیری مقاصد گردشگری در برابر مخاطرات طبیعی، مانند سیل، برای مدیریت پایدار ضروری است (صادقی و حاصلی، ۱۴۰۴). از سوی دیگر، توسعه گردشگری مبتنی بر ارزش‌های محلی، به ویژه غذاهای محلی، باعث تقویت هویت فرهنگی و اشتغال‌زایی در روستاها شده است (جوان جمعه‌پور، ۱۴۰۴). همچنین، گردشگری روستایی با محوریت بازاریابی و مدیریت منابع فرهنگی و طبیعی، می‌تواند توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی را تحقق بخشد (جوان و جمینی، ۱۴۰۴).

کارآفرینی گردشگری در مناطق روستایی نیز به عنوان عامل اصلی اشتغالزایی شناخته شده و از طریق ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و صنایع دستی، موجب افزایش درآمد خانواده‌ها می‌شود (شاهی و همکاران، ۱۴۰۴). مطالعات تجربی نشان می‌دهند که سازگاری با تغییرات محیطی و اجتماعی، مانند بحران‌های بهداشتی، نیز از مؤلفه‌های کلیدی موفقیت گردشگری پایدار در روستاها است (شمس‌الدینی و صادقی، ۱۴۰۴).

در نتیجه، گردشگری روستایی نه تنها منبع درآمد و اشتغال است، بلکه بستر تقویت سرمایه اجتماعی، توانمندسازی جامعه محلی و حفظ هویت فرهنگی مناطق روستایی را فراهم می‌آورد (باقری و همکاران، ۱۴۰۴؛ امامی و همکاران، ۱۴۰۴). گردشگری روستایی به‌عنوان ابزاری

---

[۱] - Ray

کارآمد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی شناخته می‌شود. این پدیده با ایجاد فرصت‌های شغلی و کارآفرینی، ارتقای مهارت‌ها و توانمندسازی زنان و جوانان، موجب افزایش رفاه اقتصادی خانواده‌ها و حفظ هویت فرهنگی روستاها می‌شود (باقری و همکاران، ۱۴۰۴؛ امامی و همکاران، ۱۴۰۴). همچنین، بهره‌گیری از نوآوری، گردشگری خلاق و بازاریابی مؤثر، باعث تعامل مثبت بین جامعه محلی و گردشگران شده و پایه‌ای برای توسعه پایدار فراهم می‌آورد (سلطانی و گودرزی، ۱۴۰۳؛ جوان داوود جمینی، ۱۴۰۴).

مطالعات نشان می‌دهند که مدیریت ریسک و سازگاری با بحران‌های طبیعی و اجتماعی، مانند سیل و بیماری‌ها، از مؤلفه‌های کلیدی موفقیت گردشگری پایدار در مناطق روستایی است (صادقی و حاصلی، ۱۴۰۴؛ شمس‌الدینی و صادقی، ۱۴۰۴). به طور کلی، گردشگری روستایی با تقویت سرمایه اجتماعی، توسعه فرهنگی و اقتصادی و ایجاد همبستگی بین ساکنان، توانسته است الگوی مناسبی برای توسعه پایدار جوامع روستایی در ایران ارائه دهد (امامی و همکاران، ۱۴۰۴).

پراینتو و همکاران[۱] (۲۰۲۴). نقش سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد را در توسعه گردشگری پایدار اندونزی بررسی کردند و نشان دادند که این سرمایه اجتماعی محرک مهمی برای توسعه گردشگری پایدار است. پریاتموکو[۲] و همکاران (۲۰۲۳) پیچیدگی کسب‌وکارهای گردشگری روستایی را تحلیل کردند و اهمیت ابعاد پایداری، مشارکت و کاهش بحران را برجسته کردند. اوتامی[۳] و همکاران (۲۰۲۳) عوامل موفقیت کارآفرینی گردشگری روستایی را شناسایی کردند و ده عامل مؤثر در موفقیت دهکده گردشگری پایدار را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ارائه دادند. وانگ و لو[۴] (۲۰۲۵). نیز تأثیرات فرهنگی و اجتماعی توسعه گردشگری روستایی در روستای تانجونگ را بررسی کردند و نشان

---

۱ - Prayitno
۲ - Priatmoko
۳ - Utami
۴ - Wang & Lu

دادند که گردشگری باعث توانمندسازی جامعه، احیای فرهنگ و هنرهای محلی و افزایش مشارکت زنان می‌شود، هرچند چالش‌هایی در مدیریت و توزیع سود اقتصادی وجود دارد.
در یک نگاه کلی، این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی، کارآفرینی و شناخت نیروهای محرکه (بازار، پایداری، بحران و مشارکت) از عوامل بنیادین در موفقیت گردشگری روستایی پایدار هستند.

## ٤- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های فردی و گروهی جمع‌آوری شده است. جامعه آماری مطالعه شامل خانوارهای روستایی ماسوله و همچنین کارشناسان و مسئولان محلی حوزه گردشگری و امور روستایی است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و در نهایت ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان شامل کارآفرینان، فعالان و صاحبان کسب‌وکارهای محلی ماسوله و نیز مسئولان و کارشناسان بخش گردشگری و امور روستایی مورد مصاحبه قرار گرفتند.
روستای ماسوله در بخش سردار جنگل شهرستان فومن، استان گیلان واقع شده و با ارتفاع تقریبی ۱۰۵۰ متر از سطح دریا و قرارگیری در دامنه رشته‌کوه‌های البرز، و با فاصله حدود ۶۰ کیلومتری جنوب‌غربی رشت، یکی از مقاصد جذاب گردشگری منطقه محسوب می‌شود. این ویژگی‌ها، زمینه‌ساز فعالیت‌های اقتصادی و گردشگری متنوع برای ساکنان محلی است..
برای تحلیل داده‌های کیفی، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون یک رویکرد سیستماتیک در روش‌های پژوهش کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی داده‌ها تمرکز دارد. در این روش، مضمون به‌عنوان واحد کلیدی تحلیل در نظر گرفته می‌شود و معنای خاصی را از کلمات، جملات یا پاراگراف‌ها استخراج می‌کند. هر جمله ممکن است چند مضمون داشته باشد و یا چند پاراگراف تنها یک مضمون را بیان کنند. تحلیل مضمون به پژوهشگران امکان می‌دهد تا الگوهای تکرارشونده و معنادار در داده‌های کیفی را شناسایی و تفسیر کنند و برخلاف تحلیل محتوا، تمرکز آن بر کیفیت و معنا است، نه صرفاً شمارش کمی عناصر متنی.
این روش یکی از ابزارهای پایه و انعطاف‌پذیر تحلیل‌های کیفی به شمار می‌رود و یادگیری آن، مهارت‌های اساسی لازم برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. کدگذاری در تحلیل

مضمون نیز به عنوان فرآیند پیش‌نیاز تحلیل‌های پیچیده‌تر در پژوهش‌های کیفی شناخته می‌شود و به محقق امکان می‌دهد ساختار مفهومی داده‌ها را به شکل منسجم استخراج نماید (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

## ۵- یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش حاصل تحلیل کیفی داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های عمیق با ساکنان محلی، فعالان اقتصادی، زنان شاغل در صنایع‌دستی و خدمات گردشگری، و مطلعان کلیدی منطقه ماسوله و روستاهای پیرامونی است. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل مضمون انجام شد و در فرآیندی نظام‌مند، مفاهیم اولیه، تم‌های فرعی و در نهایت تم اصلی استخراج گردید. نتایج نشان می‌دهد که گردشگری در ماسوله پدیده‌ای چندبعدی است که هم‌زمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی توسعه روستایی را تحت تأثیر قرار داده است. بر اساس تحلیل داده‌ها، سه مقوله اصلی شامل «رفاه، توسعه گردشگری و خلق فرصت‌های اقتصادی»، «بازار و گسترش درآمد» و «خلق فرصت‌های اشتغال ارگانیک بانوان» شناسایی شد که همگی ذیل محور کلان «بازار و خلق فرصت‌های ارگانیک» قابل تبیین هستند.

### ۱-۵- رفاه، توسعه گردشگری و خلق فرصت‌های اقتصادی(پاسخ به سؤال فرعی اول)

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در ماسوله نقش بنیادینی در ارتقای رفاه اقتصادی و اجتماعی ساکنان محلی و روستاهای پیرامونی ایفا کرده است. از منظر مشارکت‌کنندگان، گردشگری به مهم‌ترین منبع درآمد و عامل پایداری معیشت خانوارها تبدیل شده است. ورود گردشگران داخلی و خارجی موجب افزایش تقاضا برای خدمات مختلفی همچون قهوه‌خانه‌ها، رستوران‌ها، اقامتگاه‌ها و فروشگاه‌های صنایع‌دستی شده و این امر به رونق فعالیت‌های اقتصادی محلی انجامیده است. افزایش تقاضا به‌طور مستقیم نیاز به نیروی کار را افزایش داده و فرصت‌های شغلی جدیدی برای ساکنان محلی فراهم کرده است.

در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۱ بیان می‌کند:

«توسعه گردشگری در اشتغال و کارآفرینی روستاهای ماسوله خیلی مؤثر است، چون وقتی گردشگر می‌آید مشتری زیاد می‌شود. مثلاً برای رفع خستگی به قهوه‌خانه می‌آیند و با خوردن چای و غذا کار ما رونق می‌گیرد. هرچه گردشگر بیشتر شود، ما هم نیاز به کارگر بیشتری داریم و این خودش اشتغال ایجاد می‌کند.»

بسیاری از مشارکت‌کنندگان بر این باورند که اگر گردشگری در ماسوله وجود نداشت، بسیاری از صنوف و مشاغل فعلی اساساً شکل نمی‌گرفت. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ در این باره می‌گوید:

«اگر گردشگر به ماسوله نیاید، دلیلی برای این همه مغازه صنایع‌دستی، شیرینی‌فروشی، رستوران و اقامتگاه وجود ندارد. ورود گردشگر باعث شده این صنوف ایجاد شود و ماسوله زنده بماند.»

یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که گردشگری نقش مهمی در جلوگیری از مهاجرت و حفظ جمعیت ساکن در منطقه داشته است. درآمد حاصل از فعالیت‌های گردشگری، امکان ادامه زندگی در ماسوله را برای خانوارها فراهم کرده و از خالی شدن روستاها جلوگیری نموده است. در این خصوص، مصاحبه‌شونده شماره ۴ اظهار می‌کند:

«اگر گردشگر نبود، ماسوله خالی می‌شد. درآمدی که از گردشگر به دست می‌آید باعث می‌شود مردم بمانند و برای کار به شهرهای اطراف نروند.»

از سوی دیگر، توسعه گردشگری موجب گسترش امکانات و خدمات رفاهی در روستاها شده است. با افزایش حضور گردشگران، ایجاد مغازه‌ها، امکانات خدماتی و زیرساخت‌های رفاهی در روستاهای اطراف نیز ضروری شده و این امر به توسعه فضایی و اقتصادی منطقه کمک کرده است. مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این زمینه بیان می‌کند:

«گردشگران فقط در خود ماسوله نمی‌مانند، به روستاهای اطراف هم می‌روند. به همین دلیل در روستاها هم مغازه و امکانات رفاهی ایجاد شده و این باعث توسعه روستایی شده است.»

در کنار این پیامدهای مثبت، برخی مصاحبه‌شوندگان به مشکلات زیرساختی مانند قطعی برق، کمبود سوخت و نبود گازرسانی اشاره کرده‌اند که نشان می‌دهد توسعه گردشگری نیازمند تقویت زیرساخت‌های اساسی است. مصاحبه‌شونده شماره ۳ در این باره می‌گوید:

«یکی از مشکلات ما قطعی برق و کمبود نفت و گاز است. هزینه تهیه گاز خیلی بالاست و این برای کسب‌وکارها مشکل ایجاد می‌کند.»

### ۲-۵- بازار و گسترش درآمد (پاسخ به سؤال فرعی دوم)

دومین تم فرعی استخراج‌شده، به نقش گردشگری در گسترش بازارهای محلی، افزایش درآمد و تنوع‌بخشی به مشاغل اختصاص دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که گردشگری ساختار بازار محلی ماسوله را متحول کرده و باعث رونق بازارهای سنتی و شکل‌گیری کسب‌وکارهای جدید شده است. ورود گردشگران، تقاضا برای محصولات بومی، صنایع‌دستی و خدمات محلی را افزایش داده و این امر به رشد درآمد خانوارها انجامیده است.

مصاحبه‌شونده شماره ۸ در این زمینه اظهار می‌کند:

«اگر گردشگری نباشد، فقط چند مغازه مواد غذایی کافی است، اما با ورود گردشگر مشاغل مختلف مثل اقامتگاه‌ها، رستوران‌ها و مغازه‌های صنایع‌دستی ایجاد شده و مردم اشتغال پیدا کرده‌اند.»

یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه گردشگری باعث افزایش اشتغال و کارآفرینی، به‌ویژه در میان جوانان، شده است. بسیاری از جوانان محلی در هتل‌ها، مهمان‌سراها، رستوران‌ها و فروشگاه‌ها مشغول به کار شده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۲ در این باره می‌گوید:

«توسعه گردشگری باعث شد جوانان در هتل‌ها و مهمان‌سراها کار پیدا کنند و بانوان هم در صنایع‌دستی فعالیت کنند.»

از منظر مشارکت‌کنندگان، گردشگری منبع اصلی درآمد منطقه محسوب می‌شود و نبود آن به رکود اقتصادی و تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها منجر خواهد شد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ بیان می‌کند:

«اگر گردشگر وارد ماسوله نشود، بیشتر این کسب‌وکارها تعطیل می‌شود و معیشت خانوارها مختل خواهد شد.»

همچنین گردشگری موجب گسترش بازارهای محلی در روستاهای اطراف ماسوله شده است. گردشگران با خرید از این مناطق، به رونق اقتصادی آن‌ها کمک کرده‌اند. مصاحبه‌شونده شماره ۵ در این زمینه اظهار می‌کند:

«گردشگر فقط در ماسوله خرج نمی‌کند، به روستاها هم می‌رود و خرید آن‌ها باعث رفاه مردم آن مناطق می‌شود.»

### ۳-۵- خلق فرصت‌های اشتغال ارگانیک بانوان (پاسخ به سؤال فرعی سوم)

یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نقش برجسته گردشگری در ایجاد و تقویت فرصت‌های اشتغال ارگانیک برای بانوان روستایی ماسوله است. ورود گردشگران به این منطقه، تقاضا برای محصولات صنایع‌دستی و خوراکی‌های محلی را افزایش داده است. زنان با بهره‌گیری از مهارت‌های خود در زمینه‌هایی مانند حصیربافی، جوراب‌بافی، شال‌بافی و تهیه شیرینی‌های سنتی، به تولید و عرضه این محصولات می‌پردازند و از این طریق به بهبود معیشت خانواده‌های خود کمک می‌کنند. علاوه بر تولید صنایع‌دستی، زنان در ماسوله در بخش‌های خدماتی مرتبط با گردشگری نیز مشغول به کار هستند. آن‌ها در رستوران‌ها، اقامتگاه‌ها و فروشگاه‌های محلی فعالیت می‌کنند و با ارائه خدمات به گردشگران، به افزایش درآمد خانوار و جامعه محلی کمک می‌نمایند. این اشتغال‌زایی نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی زنان منجر شده، بلکه به توانمندسازی اجتماعی آن‌ها نیز کمک کرده است. داده‌های میدانی نشان می‌دهد که زنان محلی سهم قابل‌توجهی در اقتصاد گردشگری دارند و از طریق تولید صنایع‌دستی، خوراکی‌های محلی و فعالیت در بخش خدمات، به معیشت خانوار کمک می‌کنند.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ به تفصیل به نقش زنان اشاره می‌کند:

«زنان ماسوله در چموش‌دوزی، چارق‌دوزی، بافت گلیم و شال، جوراب‌بافی و تهیه شیرینی‌های محلی مهارت دارند و محصولات خود را در مغازه‌های صنایع‌دستی می‌فروشند. این کارها کاملاً به خاطر وجود گردشگر ایجاد شده و موجب اشتغال زنان شده است».

علاوه بر تولید، زنان در رستوران‌ها، اقامتگاه‌ها و فروشگاه‌ها نیز مشغول به کار هستند. این مشارکت اقتصادی موجب افزایش استقلال مالی و ارتقای جایگاه اجتماعی زنان شده است.

مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این زمینه می‌گوید:

«بیشتر کارهای صنایع‌دستی و تهیه غذاهای محلی را زنان انجام می‌دهند و همین باعث شده فرصت درآمدزایی برای آن‌ها فراهم شود».

یافته‌ها نشان می‌دهد که اشتغال زنان در گردشگری نه‌تنها به بهبود وضعیت اقتصادی آن‌ها کمک کرده، بلکه به حفظ و انتقال فرهنگ و مهارت‌های بومی نیز انجامیده است. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ بیان می‌کند:

«توسعه گردشگری باعث شده زنان به صنایع‌دستی و تولید شیرینی‌های محلی بپردازند و این محصولات را به گردشگران بفروشند.»

همچنین، مشارکت اقتصادی زنان موجب بهبود معیشت خانوارها و افزایش رفاه اجتماعی شده است. مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این خصوص اظهار می‌کند:

«جذب گردشگر باعث بهبود معیشت خانوارها شده، چون زنان و جوانان شاغل می‌شوند و درآمد خانواده بالا می‌رود.»

## ٤-٥- چالش‌ها و فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی گردشگری (پاسخ به سؤال فرعی چهارم)

در کنار آثار مثبت اقتصادی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در ماسوله با مجموعه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز همراه بوده است. از یک‌سو، افزایش تعامل با گردشگران موجب گسترش تبادلات فرهنگی، افزایش آگاهی‌های اجتماعی و تقویت حس تعلق به مکان در میان ساکنان شده است. مشارکت در فعالیت‌های جمعی، همکاری خانوادگی در کسب‌وکارهای گردشگری و تقویت شبکه‌های اجتماعی از جمله پیامدهای مثبت این فرآیند است.

از سوی دیگر، برخی مشارکت‌کنندگان به چالش‌هایی مانند فشار بر زیرساخت‌ها، تغییر الگوهای فرهنگی، بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و خطر تجاری‌سازی افراطی فرهنگ محلی اشاره کرده‌اند. این چالش‌ها نشان می‌دهد که توسعه گردشگری بدون برنامه‌ریزی و مدیریت پایدار می‌تواند پیامدهای منفی نیز به همراه داشته باشد. با این حال، اغلب مصاحبه‌شوندگان بر این باورند که مزایای گردشگری، به‌ویژه در حوزه اشتغال و رفاه، بر معایب آن غلبه دارد، مشروط بر آنکه سیاست‌های کنترلی و حمایتی مناسبی اعمال شود.

**جدول شماره (۱)- مفاهیم، تم‌های فرعی و تم اصلی تحقیق**

| تم اصلی | تم فرعی | مفاهیم استخراج‌شده |
|---|---|---|
| **بازار و خلق فرصت‌های ارگانیک** | رفاه اجتماعی– اقتصادی و توسعه گردشگری | توسعه گردشگری و جذب گردشگر، ضرورت صنعت گردشگری در معیشت محلی، گسترش خدمات و امکانات رفاهی گردشگران، بهبود زیرساخت‌های گردشگری و خدماتی، ارتقای رفاه اقتصادی و اجتماعی ساکنان بومی، توسعه فرهنگی و اجتماعی، تقویت همبستگی و پیوندهای اجتماعی، توسعه فراگیر مناطق همجوار، توسعه گردشگری مذهبی، بهبود امکانات و خدمات در روستاها |
| | بازار محلی و گسترش درآمد | افزایش درآمد خانوارها، ایجاد و تنوع‌بخشی به فرصت‌های درآمدی، توسعه و رونق کسب‌وکارهای محلی و سنتی، رشد صنایع‌دستی و فروش محصولات بومی، افزایش اشتغال و کارآفرینی، جذب و استخدام نیروی کار محلی به‌ویژه جوانان، گسترش بازارهای محلی، رونق بازارهای سنتی و شکل‌گیری مشاغل جدید |
| | خلق فرصت‌های اشتغال ارگانیک بانوان | خلق فرصت‌های اقتصادی پایدار، ایجاد مشاغل جدید خدماتی و خانگی، توسعه صنایع‌دستی و فعالیت‌های بومی زنان، مشارکت اقتصادی بانوان در گردشگری، افزایش وابستگی معیشت خانوارها به گردشگری، توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی، اشتغال ارگانیک و مبتنی بر مهارت‌های محلی |

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گردشگری در ماسوله به‌عنوان یک نیروی پیشران توسعه روستایی عمل کرده و از طریق ارتقای رفاه اقتصادی، گسترش بازارهای محلی و خلق فرصت‌های اشتغال ارگانیک، به‌ویژه برای بانوان، به پویایی اقتصادی و اجتماعی منطقه کمک کرده است. تم اصلی «بازار و خلق فرصت‌های ارگانیک» بیانگر آن است که توسعه گردشگری در ماسوله زمانی بیشترین اثرگذاری را داشته که بر ظرفیت‌های بومی، مشارکت مردمی و اقتصاد محلی استوار بوده است.

این یافته‌ها حاکی از آن است که گردشگری می‌تواند در صورت مدیریت هوشمندانه، نه‌تنها ابزاری برای رشد اقتصادی، بلکه عاملی برای حفظ هویت فرهنگی، تقویت سرمایه اجتماعی و تحقق توسعه پایدار روستایی باشد. ماسوله در این معنا نمونه‌ای قابل‌تأمل از پیوند میان گردشگری، بازار محلی و اشتغال ارگانیک است که می‌تواند الگوی الهام‌بخشی برای سایر

مناطق روستایی دارای ظرفیت گردشگری در کشور محسوب شود.

## ٦- جمع‌بندی و نتیجه گیری

پژوهش پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش گردشگری در خلق فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و اشتغال ارگانیک در منطقه ماسوله انجام شد و تلاش کرد با رویکرد کیفی و تحلیل مضمون، تأثیرات چندبعدی گردشگری در توسعه روستایی را مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان داد که گردشگری در ماسوله تنها یک فعالیت اقتصادی مقطعی یا منبع درآمدی نیست، بلکه پدیده‌ای ساختاری و تحول‌آفرین است که در پیوندی پیچیده با ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی، به بازتعریف معیشت محلی، الگوهای اشتغال و سرمایه اجتماعی انجامیده است.

در سطح نخست تحلیل، یافته‌ها نشان داد که گردشگری نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی ساکنان ماسوله دارد. ورود گردشگران به این منطقه موجب تقاضای بیشتر برای خدماتی مانند اقامتگاه‌ها، رستوران‌ها، قهوه‌خانه‌ها، حمل‌ونقل، راهنمای گردشگری و فروش صنایع‌دستی شد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم فرصت‌های شغلی جدیدی به‌ویژه برای جوانان و زنان فراهم کرده است. این نتایج با مطالعات پیشین در حوزه گردشگری روستایی همخوانی دارد؛ به‌ویژه پژوهش‌هایی که نشان داده‌اند گردشگری روستایی به دلیل نیاز کمتر به مهارت‌های پیشرفته و سرمایه‌گذاری کلان، می‌تواند بستر مناسبی برای اشتغال‌زایی در مناطق کمترتوسعه‌یافته باشد و نقش مؤثری در کاهش فقر و بیکاری ایفا کند (شارپلی، ۲۰۰۲؛ لان، ۱۹۹۴؛ سازمان جهانی گردشگری، ۲۰۲۳).

در سطح دوم تحلیل، توسعه گردشگری در ماسوله نقش مهمی در جلوگیری از مهاجرت، حفظ جمعیت ساکن و تقویت حیات اجتماعی و اقتصادی منطقه ایفا کرده است. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند که بدون گردشگری ادامه زندگی در ماسوله از لحاظ اقتصادی دشوار بود و مهاجرت به شهرهای اطراف به‌عنوان گزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر مطرح می‌شد. این یافته با ادبیات توسعه روستایی و رویکرد معیشت پایدار همخوانی دارد، که تنوع‌بخشی به منابع درآمدی را به‌عنوان یکی از راهبردهای افزایش تاب‌آوری جوامع روستایی در برابر بحران‌های

اقتصادی و زیست‌محیطی معرفی می‌کند (اسکونز، ۱۹۹۸).گردشگری با ایجاد منابع درآمدی جدید، وابستگی صرف به کشاورزی را کاهش داده و امکان ماندگاری جمعیت در منطقه را فراهم کرده است.

از منظر نظریه نوسازی (روستو، ۱۹۶۰)،گردشگری در ماسوله به‌عنوان عاملی برون‌زا، فرآیند گذار جامعه سنتی به مرحله‌ای نوین از توسعه را تسهیل کرده است. شکل‌گیری مشاغل جدید، گسترش مهارت‌های خدماتی، افزایش تعاملات اجتماعی و تغییر در سبک معیشت، نشانه‌هایی از «جهش به‌سوی رشد» هستند که با این نظریه قابل تبیین‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این گذار نه به‌صورت یک‌سویه و تحمیلی، بلکه در تعامل با ظرفیت‌های بومی و فرهنگ محلی صورت گرفته است؛ امری که ماسوله را از تجربه‌های ناموفق نوسازی تقلیدی متمایز می‌کند.

در سطح سوم تحلیل، پژوهش نشان داد که گردشگری نقش برجسته‌ای در خلق فرصت‌های اشتغال ارگانیک برای زنان روستایی ماسوله دارد. داده‌های میدانی نشان داد زنان محلی از طریق تولید و فروش صنایع‌دستی، خوراکی‌های سنتی و مشارکت در خدمات گردشگری، سهم قابل توجهی در اقتصاد محلی دارند. این نوع اشتغال، مبتنی بر مهارت‌های بومی، منابع محلی و ساختارهای خانوادگی، مصداق توسعه درون‌زا و توانمندسازی اقتصادی زنان است (ری، ۱۹۹۹؛ زیمرمن، ۲۰۰۰). اشتغال زنان در گردشگری نه‌تنها به افزایش درآمد خانوارها کمک کرده، بلکه موجب ارتقای اعتمادبه‌نفس، افزایش مشارکت اجتماعی و بهبود جایگاه آنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی و محلی شده است. یافته‌های اوتامی و همکاران (۲۰۲۳) و پریاتموکو و همکاران (۲۰۲۳) نیز نشان می‌دهد که کارآفرینی گردشگری روستایی، به‌ویژه زمانی که بر نوآوری، همکاری متقابل و مدیریت محلی استوار باشد، می‌تواند به توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی گروه‌های محلی، از جمله زنان، منجر شود.

در سطح چهارم تحلیل، توسعه گردشگری در ماسوله با تقویت سرمایه اجتماعی، همبستگی محلی و فرهنگ مشارکت همراه بوده است. همکاری خانوادگی در اداره اقامتگاه‌ها، مشارکت جمعی در ارائه خدمات و تعامل مثبت میان ساکنان، نشان‌دهنده تقویت شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است. این یافته با نظریه سرمایه اجتماعی و نظریه مشارکت گردشگری همخوانی دارد که مشارکت فعال جوامع محلی را شرط اساسی پایداری گردشگری می‌دانند. نتایج پژوهش پراینتو و همکاران (۲۰۲۴) نیز سرمایه اجتماعی را محرک مهم توسعه گردشگری پایدار در

جوامع روستایی معرفی می‌کند.

با این حال، توسعه گردشگری در ماسوله با چالش‌هایی همراه است. فشار بر زیرساخت‌ها، خطر تجاری‌سازی افراطی فرهنگ محلی، افزایش هزینه‌های زندگی و احتمال وابستگی اقتصادی به گردشگری از جمله نگرانی‌هاست که توسط برخی مشارکت‌کنندگان مطرح شده است. این مسائل را می‌توان در چارچوب نظریه وابستگی تحلیل کرد که هشدار می‌دهد توسعه مبتنی بر سرمایه و تقاضای بیرونی، در صورت فقدان کنترل و مالکیت محلی، می‌تواند منافع اقتصادی را از منطقه خارج کرده و استقلال جوامع محلی را تضعیف کند. بنابراین، مدیریت مسئولانه گردشگری، تقویت نهادهای محلی و نظارت بر سرمایه‌گذاری‌های غیربومی ضروری است.

در چارچوب نظریه توسعه پایدارو گردشگری پایدار روستایی، موفقیت گردشگری در ماسوله وابسته به توازن میان منافع اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست و صیانت از فرهنگ و معماری بومی است. گردشگری زمانی می‌تواند به اشتغال پایدار و رفاه اجتماعی منجر شود که ظرفیت برد محیطی رعایت شود، آموزش‌های زیست‌محیطی گسترش یابد و مشارکت جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها تضمین گردد.

در جمع‌بندی نهایی، یافته‌ها نشان می‌دهد که گردشگری در ماسوله، در صورت مدیریت هوشمندانه و مشارکت‌محور، می‌تواند الگویی موفق از توسعه روستایی پایدار ارائه دهد؛ الگویی که در آن بازارهای محلی، اشتغال ارگانیک، توانمندسازی زنان و تقویت سرمایه اجتماعی در پیوندی متوازن قرار دارند. تجربه ماسوله نشان می‌دهد گردشگری نه‌تنها ابزاری برای رشد اقتصادی، بلکه فرآیندی اجتماعی–فرهنگی است که می‌تواند بازتولید هویت محلی، افزایش تاب‌آوری جوامع روستایی و تحقق توسعه انسانی و پایدار را امکان‌پذیر سازد. این الگو، در صورت انطباق با شرایط بومی، می‌تواند برای سایر مناطق روستایی دارای ظرفیت گردشگری در ایران و کشورهای در حال توسعه نیز الهام‌بخش باشد.

پژوهش حاضر با استناد به پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که گردشگری روستایی با بهره‌گیری از منابع طبیعی، فرهنگ محلی و صنایع دستی، فرصت‌های اقتصادی جدید ایجاد کرده و نقش مؤثری در توانمندسازی زنان و جوانان ایفا می‌کند (امامی و همکاران، ۱۴۰۴؛ باقری و همکاران، ۱۴۰۴). گردشگری خلاق و مبتنی بر نوآوری نیز موجب تقویت تعامل بین جامعه محلی و

گردشگران و فراهم‌آوری پایه‌ای برای توسعه پایدار می‌شود (سلطانی و گودرزی، ۱۴۰۳؛ جوان و جمینی، ۱۴۰۴). مطالعات جهانی نیز بر اهمیت سرمایه اجتماعی، کارآفرینی و مدیریت ریسک در موفقیت گردشگری روستایی تأکید دارند (پراینتو و همکاران، ۲۰۲۴؛ اوتامی و همکاران، ۲۰۲۳؛ وانگ و لو، ۲۰۲۵).

در مجموع، گردشگری روستایی در ماسوله نمونه‌ای عملی از توسعه درون‌زا و پایدار است که با ایجاد اشتغال، توانمندسازی زنان، تقویت سرمایه اجتماعی و حفاظت از فرهنگ و محیط‌زیست، الگوی موفقی برای توسعه روستایی در ایران ارائه می‌دهد.

با توجه به یافته‌ها و چارچوب نظری پژوهش درباره گردشگری روستایی ماسوله، می‌توان پنج پیشنهاد سیاست‌گذاری را به‌صورت علمی و کاربردی برای بخش نتیجه‌گیری ارائه کرد:

- توسعه گردشگری مبتنی بر مدیریت بومی: تقویت نقش جوامع محلی در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری گردشگری، از طریق ایجاد شوراهای محلی و تشویق مشارکت فعال ساکنان در مدیریت فعالیت‌های گردشگری، تا بهره‌برداری از منابع فرهنگی و طبیعی همسو با نیازها و ظرفیت‌های محلی باشد.
- حفظ و صیانت از منابع فرهنگی و طبیعی: تدوین سیاست‌هایی برای حفاظت از معماری سنتی، بافت تاریخی و میراث فرهنگی ماسوله و همچنین مدیریت ظرفیت محیطی، به‌گونه‌ای که توسعه گردشگری با تخریب زیست‌محیطی و استحاله فرهنگی همراه نشود.
- توانمندسازی زنان و جوانان: ایجاد برنامه‌های آموزشی و کارآفرینی برای زنان و جوانان محلی با هدف ارتقای مهارت‌های خدماتی، تولید صنایع‌دستی و فعالیت‌های گردشگری خلاق، به منظور افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی و ارتقای اعتمادبه‌نفس گروه‌های هدف.
- توسعه اشتغال ارگانیک و متنوع: تشویق فعالیت‌های اقتصادی متنوع مبتنی بر گردشگری، از جمله کسب‌وکارهای خرد محلی، صنایع دستی و خدمات اقامتی، تا وابستگی صرف به گردشگری کاهش یافته و اشتغال پایدار و درون‌زا تقویت شود.
- نظارت و ارزیابی مستمر پایداری گردشگری: طراحی نظام سنجش و ارزیابی مداوم اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گردشگری و به‌کارگیری شاخص‌های

پایداری، به منظور شناسایی چالش‌ها و اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ها در راستای توسعه پایدار روستایی.

**منابع**


امامی، سیده فاطمه، دربان آستانه، علیرضا، رضوانی، محمد رضا و قدیری، مجتبی. (۱۴۰۴). بررسی وضعیت گردشگری روستایی با رویکرد اجتماع محور در استان گیلان. **مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی**، ۶(۱)، ۱-۱۹. https://doi.org/۱۰.۲۲۱۲۴/gscaj.۲۰۲۲.۲۰۴۷۱.۱۰۹۵

باقری، حدیثه، کاوسی کلاشمی، محمد و معتمد، محمد کریم. (۱۴۰۴). تأثیر احیای صنایع‌دستی بر توانمندسازی زنان روستایی (مطالعهٔ موردی: روستاهای هدف گردشگری منطقهٔ الموت). **زن در توسعه و سیاست**، ۲۳(۲)، ۲۶۷-۲۸۸. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jwdp.۲۰۲۵.۳۸۹۴۸۵.۱۰۰۸۵۱۳

سلطانی زهرا، گودرزی مجید، فیاضی محمد رئوف. (۱۴۰۳) بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری خلاق روستایی (مطالعه موردی؛ دهستان میان آب جنوبی شهرستان شوشتر). **اقتصاد فضا و توسعه روستایی**، ۱۳ (۴۸) :۳۹-۶۴. http://serd.khu.ac.ir/article-۱-۳۹۸۲-fa.html

صادقی، حجت و حاصلی، محمد. (۱۴۰۴). ارزیابی آسیب پذیری مقاصد گردشگری روستایی در برابر مخاطره سیل در قلمروهای کوهستانی (مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری). **پژوهش های محیطی در قلمروهای کوهستانی**، ۱(۱)، ۱-۱۴. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۳۴/ermr.۲۰۲۵.۶۳۲۹۴

جوان، فرهاد و جمعه پور،محمود. (۱۴۰۴). تحلیل میزان پایدارسازی جوامع روستایی با تأکید بر توسعه گردشگری مبتنی بر ارزش مصرف غذاهای محلی (مورد مطالعه: روستاهای هدف گردشگری استان گیلان). **پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی**، ۶(۱۹)، ۳۶-۵۳. https://doi.org/۱۰.۳۰۴۷۰/jegr.۲۰۲۵.۲۰۵۴۵۴۳.۱۲۷۷

شاهی قره قاسملو،سیما، سوختانلو، مجتبی و کیوان بهجو، فرشاد. (۱۴۰۴). پتانسیل‌های اشتغال‌زا در کارآفرینی گردشگری: مطالعه‌ای در نواحی روستایی شهرستان سرعین. **مجله پژوهش‌های کارآفرینی**، ۴(۲)، ۹۵-۱۰۸. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۳۴/jer.۲۰۲۵.۲۰۴۵۰۸۸.۱۲۱۳

جوان، فرهاد، و جمینی، داود. (۱۴۰۴). ارزیابی اثر بازاریابی گردشگری بر توسعه پایدار روستایی در منظر فرهنگی هورامان. **پژوهش های بازاریابی گردشگری و میهمان نوازی**، ۳(۱)، ۶۳-۸۰. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۸۰/tmhr.۲۰۲۵.۲۸۹۰۱.۱۰۴۴

شمس الدینی، علی و صادقی، حجت. (۱۴۰۴). تحلیل و ارزیابی اثرات بیماری کووید- ۱۹ بر گردشگری روستایی و نوع سازگاری با آن (مورد مطالعه: روستای شیوند، شهرستان دزپارت). **مهندسی جغرافیایی سرزمین**، ۹(۱)، ۳۳-۴۶. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۳۴/jget.۲۰۲۳.۳۹۳۵۷۹.۱۴۸۹

Brundtland Commission. (۱۹۸۷). **Our common future**. Oxford University Press. https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/۵۹۸۷our-common-future.pdf

Braun, V., & Clarke, V. (۲۰۰۶). Using thematic analysis in psychology. **Qualitative Research in Psychology**, ۳(۲), ۷۷–۱۰۱. https://www.tandfonline.com/doi/abs/۱۰.۱۱۹۱/۱۴۷۸۰۸۸۷۰۶qp۰۶۳oa

S. J. (۲۰۱۴). **The geography of tourism and** ، & Page، C. M.،Hall **place and space** (۴th ed.). Routledge. ،**recreation: Environment** https://www.routledge.com/The-Geography-of-Tourism-and-Recreation-Environment-Place-and-Space/Hall-Page/p/book/۹۷۸۰۴۱۵۸۳۳۹۹۸

International Labour Organization. (۲۰۱۶). **Sustainable tourism: A catalyst for inclusive socio-economic development**. ILO. https://www.ilo.org/publications/sustainable-tourism-%E۲٪۸۰٪۹۳-catalyst-inclusive-socio-economic-development-and

Lane, B. (۱۹۹۴). What is rural tourism? **Journal of Sustainable Tourism**, ۲(۱–۲, ۷–۲۱. http://dx.doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۰۹۶۶۹۵۸۹۴۰۹۵۱۰۶۸۰

Prayitn, G., Auliah, A., Ari, I. R. D., Effendi, A., Hayat, A., Delisa, A., … Hiddlestone-Mumford, J. (۲۰۲۴). Social capital for sustainable tourism development in Indonesia. **Cogent Social Sciences**, ۱۰(۱). https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۲۳۳۱۱۸۸۶.۲۰۲۳.۲۲۹۳۳۱۰

Z., Gyuricza, C., & Dávid, L. ،Priatmoko, S., Kabil, M., Akaak, A., Lakner D. (۲۰۲۳). Understanding the Complexity of Rural Tourism Business: Scholarly Perspective. **Sustainability**, ۱۵(۲), ۱۱۹۳.

Christopher (۲۰۰۱). **Culture, economy and rural development: The** ،Ray **European perspective**. Centre for Rural Economy. https://books.google.com/books/about/Culture_Economies.html?id=JgvDAAAIAAJ

W. W. (۲۰۱۲). **The stages of economic growth: A non-**،Rostow **communist manifesto**. Cambridge University Press. https://doi.org/۱۰.۱۰۱۷/CBO۹۷۸۰۵۱۱۶۲۵۸۲۴

I. (۱۹۹۸). **Sustainable rural livelihoods: A framework for** ،Scoones **analysis**. IDS Working Paper ۷۲. Institute of Development Studies. https://hdl.handle.net/۲۰.۵۰۰.۱۲۴۱۳/۳۳۹۰

Sharpley, R. (۲۰۰۲). Rural tourism and the challenge of tourism diversification: The case of Cyprus. **Tourism Management**, ۲۳(۳), ۲۳۳–۲۴۴. https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/S۰۲۶۱-۵۱۷۷(۰۱)۰۰۰۷۸-۴

C. (۲۰۰۰). Limits to community participation in the tourism ،Tosun development process. Tourism Management, ۲۱(۶), ۶۱۳–۶۳۳. https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/S۰۲۶۱-۵۱۷۷(۰۰)۰۰۰۰۹-۱

United Nations. (۱۹۹۲). **Report of the United Nations Conference on Environment and Development (Rio Declaration)**. UN. https://www.un.org/esa/dsd/agenda۲۱/Agenda۲۱.pdf

Y. D. (۲۰۲۳). Rural tourism ، D. D., Dhewanto, W., & Lestari،Utami entrepreneurship success factors for sustainable tourism village: Evidence from Indonesia. **Cogent Business & amp; Management**, ۱۰(۱). https://doi.org/۱۰.۱۰۸۰/۲۳۳۱۱۹۷۵.۲۰۲۳.۲۱۸۰۸۴۵

H., & Lu, X. (۲۰۲۵). A Comparative Study on the Promoting Effects ،Wang of Different Tourism Development Models on Rural Revitalization: Case Studies from Two Typical Villages in China. **Sustainability**, ۱۷(۲), ۷۱۴. https://doi.org/۱۰.۳۳۹۰/su۱۷۰۲۰۷۱۴

WCED. (۱۹۸۷). **Our common future**. United Nations. https://gat۰۴-live-۱۵۱۷c۸a۴۴۸۶c۴۱۶۰۹۳۶۹c۶۸f۳۰c۸-aa۸۱۰۷۴.divio-media.org/filer_public/۶f/۸۵/۶f۸۵۴۲۳۶-۵۶ab-۴b۴۲-۸۱۰f-۶۰۶d۲۱۵c۰۴۹۹/cd_۹۱۲۷_extract_from_our_common_future_brundtland_report_۱۹۸۷_foreword_chpt_۲.pdf

World Bank. (۲۰۲۵). **Tourism and competitiveness**. World Bank. https://www.worldbank.org/en/topic/competitiveness/brief/tourism-and-competitiveness

World Tourism Organization (۲۰۲۳), **Tourism and Rural Development: A Policy Perspective**, UNWTO, Madrid, DOI: https://doi.org/۱۰.۱۸۱۱۱/۹۷۸۹۲۸۴۴۲۴۳۰۶

World Travel & Tourism Council. (۲۰۲۵). **Travel & tourism economic impact**. WTTC. https://wttc.org/research/economic-impact

Zimmerman, M. A. (۲۰۰۰). **Empowerment theory**. In J. Rappaport & E. Seidman (Eds.), Handbook of community psychology (pp. ۴۳–۶۳). Springer. https://link.springer.com/chapter/۱۰.۱۰۰۷/۹۷۸-۱-۴۶۱۵-۴۱۹۳-۶_۲

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ١٧٣-١٣٥
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# بهینه سازی نوآورانه پرتفولیو سهام: یک رویکرد بهینه یکپارچه با استفاده از الگوریتم PSO و بدترین حالت CVaR ـ کاپولای پویا برای عملکرد پیشرفته

**وحید ساعی**[١]
**یعقوب پور کریم**[٢]
**سید علی پایتختی اسکوئی**[٣]
**رسول برادران حسن زاده**[٤]
**مهدی زینالی**[٥]

(تاریخ دریافت۱۴۰۳/۱۲/۲۸ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱/۲۷)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
بهینه‌سازی سبد سهام مفهومی کلیدی در مدیریت سرمایه‌گذاری است که ترکیب بهینه‌ای از بازده و ریسک را در تخصیص دارایی‌ها ایجاد می‌کند. نظریه مدرن سبد سهام (MPT) که همبستگی‌های بین دارایی‌ها را در نظر گرفته و از تحلیل میانگین ـ واریانس استفاده می‌کند،

[١] - گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
[٢]-گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.(نویسنده مسئول) pour Karim @ iaut.ac.ir
[٣]- گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
[٤]- گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
[٥]- گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

گامی اساسی در ساخت سبد محسوب می‌شود. با این حال، واقعیت‌های بازارهای مالی که تمایل به نشان دادن پیچیدگی‌ها و نیاز به مدیریت ریسک‌های دنباله سنگین و وابستگی‌های گذرا دارند، ضرورت توسعه تکنیک‌های غنی‌تری مانند چارچوب‌های بهینه‌سازی ارزش در معرض خطر شرطی (CVaR) و فرآیندهای چندهدفه را تقویت کرده است. در این پژوهش، یک مدل چندهدفه نوین برای انتخاب پرتفوی بهینه ارائه می‌شود که از تکنیک کاپولای پویا به‌منظور ارزیابی دقیق وابستگی‌های غیرخطی و غیرپارامتریک بین دارایی‌ها و از الگوریتم PSO برای بهینه‌سازی استفاده می‌کند. مدل پیشنهادی، با تلفیق معیارهای پیشرفته مدیریت ریسک، شامل بدترین حالت CvaR (WCVaR) و بازده مورد انتظار، چارچوبی جامع برای بهینه سازی پرتفوی تحت شرایط بازارهای پویا فراهم میسازد. یافته‌ها حاکی از آن است که مدل پیشنهادی، در مقایسه با روش‌های کلاسیک نظیر مدل میانگین ـ واریانس مارکویتز و پرتفوی با وزن‌های برابر، از برتری معناداری در شاخص‌های عملکردی شامل نسبت شارپ تعدیل‌شده با ریسک و پایداری در شرایط آشفتگی بازار برخوردار است. این مدل با امکان مدیریت پویای توزیع دارایی‌ها و حفظ توازن بین اهداف رقابتی (مانند حداکثرسازی بازده و حداقل‌سازی ریسک)، گزینه‌ای کارآمد برای سرمایه‌گذاران نهادی و حرفه‌ای محسوب می‌شود.

**واژه‌های کلیدی**: بهینه‌سازی پرتفولیو، مدل میانگین ـ واریانس، کاپولای پویا، بهینه‌سازی، الگوریتم فرا ابتکاری

**طبقه‌بندی JEL**: C۰۲-C۳۸-C۶۱-G۱۱

**مقدمه**

در دنیای پیچیده و پویای مدیریت مالی، بهینه‌سازی پرتفوی به‌عنوان فرآیندی بنیادی و چندبعدی مطرح است که هدف اصلی آن ایجاد تعادلی دقیق بین بازدهی و ریسک، پاسخگویی به نیازهای

سرمایه‌گذاران و تطبیق با نوسانات متغیر بازار می‌باشد. از زمان معرفی نظریه پرتفوی مدرن[۱] (MPT) توسط مارکویتز[۲] (۱۹۵۲) که بر پایه تحلیل میانگین ـ واریانس، چارچوبی ریاضی برای ساخت سبدهای کارا ارائه داد، این حوزه دستخوش تحولات چشمگیری شده است. با این حال، با ظهور نوسانات شدید و متغیر در بازارهای مالی، به‌ویژه در بازارهای نوظهور مانند بورس اوراق بهادار تهران، مشخص شد که مدل‌های کلاسیک قادر به پوشش کامل جنبه‌های واقعی و پیچیده رفتار دارایی‌ها نیستند (چن[۳] و همکاران، ۲۰۲۱؛ آلوتایبی[۴] و همکاران، ۲۰۲۲؛ رضاشاطری و همکاران، ۱۴۰۳). به عنوان مثال، وابستگی‌های غیرخطی بین دارایی‌ها که در شرایط بحران مالی تشدید می‌شوند، در مدل‌های سنتی با فرض ثبات پارامترها نادیده گرفته می‌شوند. این محدودیت‌ها موجب شده است پژوهشگران به سمت توسعه معیارهای ریسک پیشرفته و رویکردهای ترکیبی حرکت کنند، که در آن‌ها همبستگی پویا و ناهمسانی واریانس به‌صورت همزمان مدل‌سازی می‌شوند (بولرسلف[۵]، ۱۹۸۶, پتون[۶]، ۲۰۱۲). یکی از چالش‌های اساسی در این مسیر، مدل‌سازی دقیق وابستگی‌های بین دارایی‌ها است. در این زمینه، توابع کاپولا[۷] به عنوان ابزاری انقلابی مطرح شده‌اند که امکان جداسازی مدل‌سازی توزیع حاشیه‌ای هر دارایی از ساختار وابستگی بین آن‌ها را فراهم می‌کنند (اسکلار[۸]، ۱۹۵۹). برای نمونه، در بازارهایی مانند بورس تهران که تحت تأثیر نوسانات سیاسی و اقتصادی قرار دارد، کاپولاهای پویا با به‌کارگیری تکنیک پنجره لغزشی این قابلیت را دارند که تغییرات ساختاری در وابستگی‌ها را در طول زمان بازتاب دهند (پتون، ۲۰۱۲). این رویکرد نه تنها دقت پیش‌بینی ریسک را افزایش می‌دهد، بلکه از ارزیابی‌های نادرست ناشی از فرض ایستایی پارامترها جلوگیری می‌کند.

---

۱- Modern Portfolio Theory

۲ -Marquitz

۳- Chen

۴- Alotaibi

۵ -Bollerslev

۶- Patton

۷- Copula

۸ -Sklar

افزون بر این، ادغام کاپولاها با مدل‌های GARCH که ناهمسانی واریانس را در سری‌های زمانی مالی مدل می‌کنند، امکان ثبت نوسانات پویای بازار را فراهم می‌آورد (انجل[۱]، ۱۹۸۹). این ترکیب، چارچوبی جامع ایجاد می‌کند که هم نوسانات فردی دارایی‌ها و هم ساختار وابستگی بین آن‌ها را به‌صورت همزمان پوشش می‌دهد.

در کنار این پیشرفت‌ها، انتخاب معیار ریسک مناسب نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اگرچه ارزش در معرض ریسک (VaR) به‌طور گسترده در صنعت مالی استفاده می‌شود، ناتوانی آن در ارزیابی ریسک‌های دم توزیع بازدهی‌ها که در بحران‌های مالی به شدت نمایان می‌شوند، موجب شده است ارزش در معرض ریسک شرطی (CVaR) به عنوان جایگزینی دقیق‌تر مورد توجه قرار گیرد (روکافلر و اوریاسف[۲]، ۲۰۰۰).

در این پژوهش، با تمرکز بر بدترین حالت CVaR (WCVaR) که ریسک را در شرایط بحرانی بازار، مانند شوک‌های اقتصادی ناگهانی، ارزیابی می‌کند، مدلی واقع‌گراتر برای بازارهای پرنوسان طراحی شده است. این معیار، همراه با نسبت شارپ که توازن بین بازدهی و ریسک را اندازه‌گیری می‌کند، پایه‌ای برای بهینه‌سازی چندهدفه تشکیل می‌دهد که امکان انعطاف‌پذیری در انتخاب پرتفوی را بر اساس ترجیحات سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند. با این حال، پیچیدگی محاسباتی ناشی از ادغام این مفاهیم پیشرفته، استفاده از الگوریتم‌های فراابتکاری را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. الگوریتم ازدحام ذرات[۳] (PSO) که اولین بار توسط کندی و ابرهارت[۴] (۱۹۹۵) معرفی شد، به دلیل توانایی جستجوی کارآمد در فضای پارامتری پیچیده و جلوگیری از به دام افتادن در بهینه‌های موضعی، به عنوان روشی مؤثر برای تخمین پارامترهای توابع کاپولا و وزن‌های اهداف چندگانه در این پژوهش انتخاب شده است. این الگوریتم با شبیه‌سازی رفتار جمعی پرندگان، راه‌حل‌ها را در فضای جستجو به‌صورت پویا

---

[۱] -Engle

[۲]- Rockafellar & Uryasev

[۳] -Particle Swarm Optimization

[۴] -Kennedy & Eberhart

به‌روزرسانی می‌کند و همگرایی سریع به سمت جواب‌های بهینه را تضمین می‌نماید.
بنابراین، در این پژوهش سه هدف عمده مدنظر محققین می‌باشد:

۱. مدل‌سازی ناهمسانی واریانس با استفاده از GARCH برای هر دارایی، که نوسانات پویا و وابسته به زمان را ثبت می‌کند.
۲. مدل‌سازی وابستگی پویا با به‌کارگیری توابع کاپولای متغیر زمانی، نرمال، استیودنت ـ تی، گامبل[۱]، فرانک[۲] و کلایتون[۳] که با تکنیک پنجره لغزشی به‌روزرسانی می‌شوند.
۳. بهینه‌سازی چندهدفه یکپارچه که همزمان به حداقل رساندن WCVaR و حداکثرسازی نسبت شارپ را دنبال می‌کند.

مدل GARCH-dCopula[۴] بهینه شده با PSO نشان می‌دهند که چگونه تغییرات در وزن‌های اهداف می‌تواند توازن بین بازدهی و ریسک را به‌طور چشمگیری تحت تأثیر قرار دهد، و به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد تا استراتژی‌های خود را با توجه به تحمل ریسک شخصی تنظیم نمایند. در نهایت، این پژوهش با ارائه مدلی یکپارچه که هم به پویایی بازار پاسخ می‌دهد و هم ترجیحات چندگانه سرمایه‌گذاران را در نظر می‌گیرد، گامی نوآورانه در حوزه بهینه‌سازی پرتفوی برداشته است. نتایج حاصل از کاربرد این مدل در داده‌های واقعی بورس تهران نشان می‌دهد که رویکرد پیشنهادی نه تنها دقت پیش‌بینی ریسک را بهبود می‌بخشد، بلکه انعطاف‌پذیری لازم برای تطابق با تغییرات ساختاری بازار را نیز فراهم می‌کند. این مدل می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای توسعه ابزارهای مدیریت ریسک در مؤسسات مالی و طراحی سیاست‌های تخصیص دارایی در بازارهای نوظهور مورد استفاده قرار گیرد.

## ۱. پیشینه تحقیق

بهینه‌سازی سبد سرمایه‌گذاری از زمان معرفی مدل میانگین ـ واریانس مارکوویتز (۱۹۵۲) به عنوان سنگ بنای نظریه مدرن پرتفوی شناخته شده است. این مدل با تعریف ریسک به عنوان

---

[۱] -Gumbel

[۲] -Frank

[۳] -Clyton

[۴]- Dynamic Copula

واریانس بازدهی و هدف قرار دادن بیشینه‌سازی بازده در سطح مشخصی از ریسک، چارچوبی ریاضی برای ساخت سبدهای کارا ارائه کرد. با این حال، انتقادات گسترده‌ای به محدودیت‌های این مدل وارد شد، از جمله فرض توزیع نرمال بازدهی‌ها و ناتوانی در مدل‌سازی ریسک نامتقارن. در پاسخ به این محدودیت‌ها، پژوهشگران معیارهای ریسک جایگزینی مانند نیمه واریانس را معرفی کردند که تنها انحرافات منفی از بازده مورد انتظار را در نظر می‌گیرد (سیلوا[۱] و همکاران، ۲۰۱۹). مطالعاتی مانند تحقیق ایازی و ابطحی (۱۳۹۹) نشان دادند که مدل میانگین ـ نیمه واریانس در مقایسه با مدل کلاسیک مارکوویتز، عملکرد بهتری در بازارهای با توزیع نامتقارن بازدهی دارد، به ویژه در بورس تهران که نوسانات سیاسی و اقتصادی تأثیر قابل توجهی بر رفتار دارایی‌ها می‌گذارد.

با افزایش پیچیدگی مسائل واقعی (مانند محدودیت‌های وزنی، تعداد بالای دارایی‌ها، و قیود عملیاتی)، استفاده از روش‌های تحلیلی کلاسیک با چالش مواجه شد. این امر منجر به ظهور الگوریتم‌های فراابتکاری شد که توانایی حل مسائل بهینه‌سازی غیرخطی و گسسته را دارند. برای مثال، داودی‌فر (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای بین‌المللی، کارایی الگوریتم‌های ژنتیک (GA)، ازدحام ذرات (PSO)، و بهینه‌سازی کلونی مورچگان (ACO) را در بهینه‌سازی سبد مبتنی بر نیمه واریانس مقایسه کرد و نشان داد که GA با ارائه کمترین ریسک و بیشترین بازدهی، برتری قابل توجهی دارد. این یافته‌ها با نتایج راعی و همکاران (۱۳۹۸) در بورس تهران همسوست که استفاده از PSO را در ترکیب با مدل‌های ARIMA-GARCH برای پیش‌بینی ریسک و بازده، مؤثرتر از روش‌های کلاسیک ارزیابی کردند. همزمان، ادغام رویکردهای چندهدفه به عنوان راهکاری برای تعادل بخشی بین معیارهای متناقضی مانند بازدهی، ریسک، و تنوع سبد مورد توجه قرار گرفت. پژوهش سیلوا و همکاران (۲۰۱۹) با استفاده از الگوریتم PSO و رتبه‌بندی تطبیقی، نشان داد که مدل‌های چندهدفه نه تنها انعطاف‌پذیری بیشتری در انتخاب سبد ارائه می‌دهند، بلکه از نظر پایداری در شرایط نوسانات بازار نیز برتری دارند. این موضوع در مطالعه

---

[۱] -Silva

واعظی و همکاران (۱۴۰۰) نیز تأیید شد که با توسعه مدل کوله‌پشتی و اعمال قیود کلاسبندی سهام، بهینه‌سازی سبد را با در نظر گرفتن ریسک پذیری سرمایه‌گذاران بهبود بخشیدند.

در سال‌های اخیر، ادغام روش‌های یادگیری ماشین و یادگیری عمیق با تئوری پرتفوی، افق‌های جدیدی را گشوده است. چن و همکاران (۲۰۲۱) با ترکیب مدل XGBoost برای پیش‌بینی قیمت سهام و بهینه‌سازی پس از آن با مدل میانگین ـ واریانس، نشان دادند که این رویکرد هیبریدی نسبت به روش‌های سنتی، بازدهی بالاتر و ریسک کمتری ایجاد می‌کند. این روند در مطالعه ما[۱] و همکاران (۲۰۲۳) با استفاده از شبکه‌های رمزنگار خودکار[۲] و LSTM برای پیش‌بینی و بهینه‌سازی سبد، به اوج خود رسید و نشان داد که مدل‌های مبتنی بر یادگیری عمیق حتی پس از کسر هزینه‌های معاملاتی، عملکرد مالی برتری دارند. از سوی دیگر، مدل‌سازی ریسک‌های بازار با معیارهایی مانند CVaR و WCVaR توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. آلوتایبی و همکاران (۲۰۲۲) با معرفی رویکرد GARCH-Copula-WCVaR، نشان دادند که ادغام مدل‌های ناهمسانی واریانس (GARCH) و توابع کاپولا می‌تواند ارزیابی دقیق‌تری از ریسک‌های دم توزیع در بازارهای مالی نوظهور ارائه دهد. این یافته‌ها با نتایج تقی‌خواه خمامی و صلاحی (۱۳۹۸) همخوانی دارد که با استفاده از مدل‌های استوار تحت عدم قطعیت، از نوسانات شدید بازدهی در شاخص EuroStoxx ۵۰ جلوگیری کردند.

شبکه‌های عصبی پیشرفته نیز به عنوان ابزاری تحول‌آفرین در این حوزه مطرح شده‌اند. اشرف‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) با ترکیب شبکه‌های عصبی پیچشی[۳] (CNN) و الگوریتم PSO، چارچوبی برای پیش‌انتخاب سهام و بهینه‌سازی سبد ارائه دادند که عملکرد مالی آن در مقایسه با روش‌های کلاسیک برتری قابل توجهی نشان می‌دهد. این رویکردها در مطالعه اروین و انگلبرشت[۴] (۲۰۲۳) با معرفی SBPSO (بهینه‌سازی ازدحام ذرات مبتنی بر مجموعه راهنما) برای مسائل چندهدفه، تکامل یافت و نشان داد که تنوع راه‌حل‌های بهینه می‌تواند انعطاف‌پذیری

---

[۱] -Ma

[۲] -Autoencoder

[۳]- Convolutional Neural Network

[۴] -Erwin & Engelbrecht

استراتژی‌های سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

با وجود پیشرفت‌های چشمگیر، چالش‌های عمده‌ای همچون مدل‌سازی پویای وابستگی‌های بین‌المللی دارایی‌ها تحت تأثیر تحریم‌ها و شوک‌های ژئوپلیتیک، ادغام داده‌های غیرساختاریافته (مانند اخبار و شبکه‌های اجتماعی) در فرآیند بهینه‌سازی، و بهبود تفسیرپذیری مدل‌های مبتنی بر یادگیری عمیق هنوز پابرجاست. پژوهش حاضر با تلفیق مدل‌های پویای GARCH-Copula، معیار WCVaR، و الگوریتم‌های فراابتکاری پیشرفته، درصدد است تا این شکاف‌ها را پر کند و چارچوبی جامع برای بازارهای نوظهور نظیر بورس تهران ارائه دهد.

## ۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جز تحقیقات توصیفی است. داده‌های مورد استفاده در تحقیق نیز داده‌های قیمتی سهام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. به منظور پیاده‌سازی مدل نیز از نرم‌افزار Python استفاده می‌شود.

### ۱.۳. داده‌ها

نمونه‌های آماری تحقیق حاضر شرکت‌های فعال بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲ است که با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب می‌شوند. بنابراین به دنبال شرکت‌هایی هستیم که:

۱- اطلاعات آن از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲ در دسترس باشد.

۲- از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲، بیش از ۶ ماه بصورت مداوم بسته نبوده باشند.

۳- از سال ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲، در هر سال حداقل ۱۴۰ روز معاملاتی داشته باشند.

بر اساس آمار سایت tse.ir تا انتهای سال ۱۴۰۲ تعداد ۳۸۸ شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند. با در نظر گرفتن محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۱۷ شرکت از ۲۴ صنعت مختلف انتخاب شدند. نحوه غربالگری شرکت‌ها در جدول ۱ نشان داده شده است. داده‌های قیمت تعدیل شده (افزایش سرمایه + تقسیم سود) این شرکت‌ها از سایت بورس اوراق بهادار به نشان

tsetmc.com جمع‌آوری می‌شود.

**جدول ۱. روند غربالگری شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران**

| ردیف | نوع غربالگری | تعداد شرکت |
|---|---|---|
| ۱ | دارای سابقه معاملاتی از فروردین سال ۱۳۹۱ تا انتهای سال ۱۴۰۲ نیستند | ۱۶۵ |
| ۲ | بیش از ۶ ماه بسته به‌صورت مداوم بودند | ۴۱ |
| ۳ | کمتر از ۱۴۰ روز معاملاتی در سال دارند | ۶۵ |
| | تعداد کل | ۲۷۱ |

منبع: نتایج تحقیق

## ۲.۳. روش پیشنهادی

در این تحقیق به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل GARCH-dCopula بهینه‌شده با استفاده از الگوریتم فرا ابتکاری PSO استفاده شده است. از الگوریتم PSO به منظور بهینه‌سازی هایپرپارامترهای الگوریتم بهره گرفته می‌شود. همچنین از مدل GARCH-dCopula و بدترین حالت ارزش در معرض ریسک شرطی (WCVaR) به منظور انتخاب پرتفولیو استفاده می‌شود. فرایند بهینه‌سازی نیز بصورت یکپارچه و چندهدفه (با دو تابع هدف WCVaR و Sharp Ratio) خواهد بود.

شماتیک روش پیشنهادی بصورت شکل ۱ است. همانطور که از شکل مشخص است، بهینه‌سازی بصورت یکپارچه هست و همزمان تخمین بهینه وابستگی متغیر با زمان و وزن پرتفولیو از این طریق بدست می‌آید.

۱- محاسبه ترم پسماند سهام

۲- محاسبه وابستگی متغیر با زمان

۳- محاسبه WCVaR و Sharp Ratio

۴- بهینه‌سازی چندهدفه

در ادامه به تشریح هر یک از مراحل پرداخته می شود.

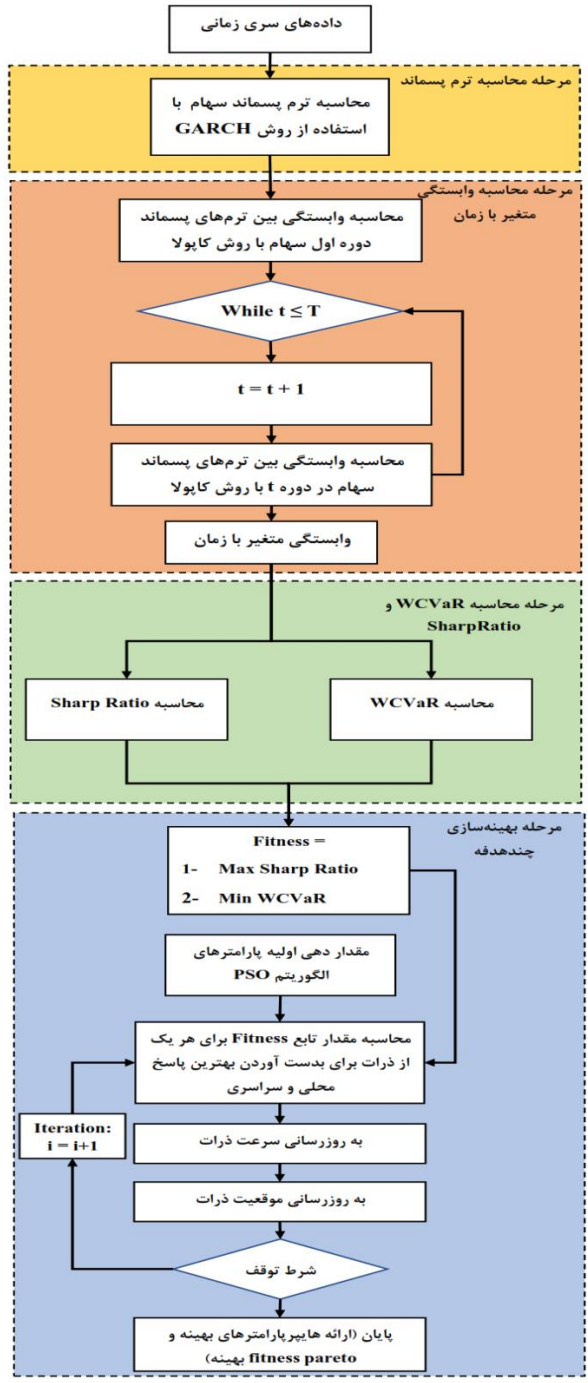
### ۱.۲.۳. مرحله اول: محاسبه ترم پسماند سهام

در این مرحله با استفاده از مدل GARCH و با ورود دیتای سری زمانی قیمت بسته شدن سهام به این مدل ابتدا به محاسبه بازدهی لگاریتمی آنها پرداخته و سپس ترم پسماند آنها محاسبه می‌شود. مدل GARCH یک مدل اقتصادی است که برای مدلسازی و پیش‌بینی واریانس نوسانات قیمت در بازارهای مالی استفاده می‌شود. این مدل معمولاً برای تحلیل داده‌های زمانی به کار می‌رود و به خصوص برای مدلسازی داده‌های با ویژگی‌های متغیر واریانس[۱] استفاده می‌شود. از مزایای این مدل می‌توان به توانایی مدلسازی تغییرات نوسانات قیمت در طول زمان و ارائه پیش‌بینی‌های دقیق‌تر برای واریانس نوسانات اشاره کرد (لامبرت و تراسویرتا[۲]، ۲۰۰۲). مدل GARCH بصورت زیر بیان می‌شود:

---

[۱]- heteroskedasticity

[۲] -Lundbergh & Teräsvirta




**شکل ۱. شماتیک روش پیشنهادی**

$$\varepsilon_t = W_t\sqrt{h_t} \quad (۱)$$
$$h_t = \alpha_۰ + \sum_{i=۱}^{p} \alpha_i \varepsilon_{t-i}^۲ + \sum_{j=۱}^{q} \beta_j h_{t-i}$$

که درآن، بازدهی لگاریتمی قیمت سهام ( $p_t$ ) است که از فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$r_t = ln\left(\frac{p_t}{p_{t-۱}}\right) \quad (۲)$$

و $h_t$ واریانس نوسانات، $\varepsilon$ ترم پسماند و $\alpha_0, \alpha_1, \beta > 0$ پارامترهای مدل هستند. همچنین $p$ و $q$ به ترتیب مرتبه فرایندهای ARCH و GARCH می‌باشند و در نتیجه آنرا بصورت GARCH($p$,$q$) نمایش می‌دهند. از آنجایی‌که در اکثر داده‌های مالی با در نظر گرفتن مدل GARCH(۱,۱) مشکل ناهمسانی واریانس سری زمانی رفع می‌شود، در نتیجه در این پژوهش سری پسماندها با مدل GARCH(۱,۱) بدست می‌آیند. بنابراین داریم:

$$\varepsilon_t = W_t\sqrt{h_t} \quad (۳)$$
$$h_t = \alpha_۰ + \alpha_۱\varepsilon_{t-۱}^۲ + \beta_۱ h_{t-۱}$$

### ۲.۲.۳. مرحله دوم: محاسبه وابستگی متغیر با زمان

در این مرحله، با استفاده از ترم‌های پسماند هر یک از سهام، وابستگی حاشیه‌ای آنها با استفاده از مدل‌های کاپولای جدول ۲ محاسبه می‌شود. از تکنیک پنجره لغزشی برای محاسبه وابستگی پویا استفاده می‌شود. مدل پیشنهادی برای توابع مختلف کاپولا پیاده‌سازی می‌شود و در نهایت بهترین مدل کاپولا برای محاسبه وابستگی متغیر با زمان انتخاب می‌شود. در این پژوهش، برای استفاده از مدل کاپولای متغیر با زمان، از مفهوم پنجره لغزشی با اندازه ۲۵۲ نمونه (یک ساله) برای داده‌های روزانه استفاده می‌شود. با در نظر گرفتن این مفهوم، مدل کاپولای متغیر با زمان به شکل زیر است:

$$F(\varepsilon_{۱t}, \varepsilon_{۲t}, \dots, \varepsilon_{nt}) = C_t(F_{۱t}(\varepsilon_{۱t}), F_{۲t}(\varepsilon_{۲t}), \dots, F_{nt}(\varepsilon_{nt}); \theta_t) \quad (٤)$$

که در آن $\theta_t$ پارامتر همبستگی در پنجره $t$ ام و $\varepsilon_{it}$ ترم پسماند مدل GARCH است. با استفاده از پنجره لغزشی با ۲۵۲ نمونه به تخمین مقدار همبستگی در اولین پنجره با استفاده از

تخمین‌گر حداکثر درست‌نمایی[۱] (CML) پرداخته می‌شود. این تابع به صورت زیر قابل تعریف است (گروسمس و پون[۲]، ۲۰۱۵):

$$\hat{\theta}_{1} = argmax \frac{1}{K} \sum_{i=1}^{K} log\left(c\left(\hat{F}_{1}(\eta_{1,i}), \ldots, \hat{F}_{1}(\eta_{n,i})\right); \theta\right) \quad (۵)$$

که در آن $K$ اندازه پنجره (در اینجا ۲۵۲) است. معادله فوق از نوع حداکثرسازی است و برای حل آن از الگوریتم فرابتکاری PSO استفاده خواهد شد. این روش به تعداد n-۲۵۱ مرتبه تکرار شده (n: تعداد مشاهدات) و به همین تعداد $\theta_i$ بدست می‌آید.

**جدول ۲. اطلاعات مدل‌های مختلف کاپولا**

| تابع کاپولا | پارامتر | دامنه پارامتر | تابع مولد | وابستگی دم پایین | وابستگی دم _ بالا |
|---|---|---|---|---|---|
| نرمال | $\rho$ | $(-1,1)$ | --- | ۰ | ۰ |
| تی- استیودنت | $\rho$ | $\rho \in (-1,1)$ | $\rho$ ---- | $2t_{v+1}\left(-\sqrt{\frac{(v+1)(1-\rho)}{1+\rho}}\right)$ | $2t_{v+1}\left(-\sqrt{\frac{(v+1)(1-\rho)}{1+\rho}}\right)$ |
| کلایتون | $\theta$ | $(0,\infty)$ | $\frac{t^{-\theta}-1}{\theta}$ | $2^{-\frac{1}{\theta}}$ | ۰ |
| گامبل | $\theta$ | $(1,\infty)$ | $(-\ln t)^{\theta}$ | ۰ | $2-2^{\frac{1}{\theta}}$ |
| فرانک | $\theta$ | $\theta \in R-\{0\}$ | $-\ln\left(\frac{e^{-\theta t}-1}{e^{-\theta}-1}\right)$ | ۰ | ۰ |

منبع: نتایج تحقیق

---

[۱]- Canonical Maximum Likelihood

[۲]- Grossmass & Poon

۱. کاپولای نرمال

تابع کاپولای گوسی[۱] یا نرمال توسط ما[۲] و همکاران(۲۰۱۳) به‌صورت زیر تعریف شده است:

$$C^{\mathrm{Ga}}(u,v;\rho)=\phi_\rho(\phi^{-1}(u),\phi^{-1}(v)) \quad (۶)$$

که $\phi_\rho$ تابع توزیع استاندارد نرمال دو متغیره با ضریب همبستگی $\rho\in(0,1)$ است. برای این خانواده کاپولا، تابع توزیع توأم و چگالی توأم ار معادله زیر حاصل می‌شود:

$$\begin{cases} C^{Ga}(u,v;\rho)=\int_{-\infty}^{\phi^{-1}(u)}\int_{-\infty}^{\phi^{-1}(v)}\frac{1}{2\pi\sqrt{1-\rho^2}}exp\left(\frac{2uv-u^2-v^2}{2(1-\rho^2)}\right) \\ c^{Ga}(u,v;\rho)=\frac{1}{2\pi\sqrt{1-\rho^2}}\left(\frac{u^2+v^2}{2}+\frac{2uv-u^2-v^2}{1-\rho^2}\right) \end{cases} \quad (۷)$$

ضریب همبستگی رتبه‌ای کاپولای نرمال از رابطه زیر بدست می‌آید: (نلسن[۳]، ۲۰۰۶):

$$\tau=\frac{2}{\pi}arcsin\,\rho \quad (۸)$$

برای این کاپولا، وابستگی دم ـ پایین و بالا برابر صفر ($\lambda_L=0$، $\lambda_U=0$) است.

۲. کاپولای استیودنت ـ تی

کاپولای تی ـ استیودنت با درجه آزادی $v$ به‌صورت زیر قابل تعریف است:

$$t_v(x)=\int_{-\infty}^{x}\frac{\Gamma\left((v+1)/2\right)}{\sqrt{\pi}\Gamma(v/2)}\left(1+\frac{s^2}{v}\right)^{-\frac{v+1}{2}}dsv \quad (۹)$$

تابع توزیع توأم دو متغیره این تابع کاپولا با ضریب همبستگی $\rho$ نیز از رابطه زیر بدست می‌آید:

---

۱- Gaussian

۲ -Ma

۳ -Nelsen

$$T_{v,\rho}(x,y)=\int_{-\infty}^{x}\int_{-\infty}^{y}\frac{1}{2\pi\sqrt{1-\rho^2}}\left(1+\frac{s^2+t^2-st\rho}{v(1-\rho^2)}\right)^{-\frac{v+2}{2}}dsdt \quad (10)$$

علاوه بر این، تابع توزیع کاپولای تی ـ استیودنت نیز بصورت زیر قابل محاسبه است (دوئارت و اوزاکی[1]، ۲۰۲۳):

$$C(u,v)=T_{v,\rho}\left(t_v^{-1}(u),t_v^{-1}(v)\right) \quad (11)$$

که $T_{v,\rho}$ توزیع دو متغیر، $\rho$ ضریب همبستگی، $v$ درجه آزادی و $t_v^{-1}$ معکوس توزیع تک متغیره تی-استیودنت است. تابع ضریب همبستگی رتبه‌ای این کاپولا بصورت زیر قابل تعریف است: (نلسن، ۲۰۰۶):

$$\tau=\frac{2}{\pi}arcsin\,\rho \quad (12)$$

کاپولای تی ـ استیودنت بطور همزمان دارای وابستگی دنباله‌ای دم ـ بالا و دم ـ پایین است که از رابطه زیر بدست می‌آید (دوئارت و اوزاکی، ۲۰۲۳):

$$\lambda_U=\lambda_L=2t_{v+1}\left(\sqrt{\frac{(v+1)(1-\rho)}{1+\rho}}\right) \quad (13)$$

۳. کاپولای کلایتون

کاپولای کلایتون توسط کلایتون[2](۱۹۸۷) ارائه شد و تابع توزیع و تابع چگالی آن بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\begin{cases}C(u,v)=max\left((u^{-\theta}+v^{-\theta}-1)^{\frac{-1}{\theta}},0\right)\\ c(u,v)=(\theta+1)\left(u^{-\theta}+v^{-\theta}-1\right)^{\left(-2-\frac{-1}{\theta}\right)}(uv)^{(-\theta-1)},\qquad \theta\geq\end{cases} \quad (14)$$

سه ویژگی اصلی تابع کاپولای کلایتون عبارت است از (کلایتون، ۱۹۸۷):

- اگر $\theta\to 0$، در حالت توزیع‌های حاشیه‌ای مستقل از هم هستند.

---

۱- Ozaki & Duarte

۲ -Clayton

- اگر $\theta \to \infty$ ، در حالت تابع کاپولای کلایتون به کران بالایی فرشه ـ هافدینگ سوق پیدا می‌کند.
- تابع کاپولای کلایتون دارای وابستگی دم ـ پایین است.

تابع مولد کاپولای کلایتون به‌صورت زیر بیان شده است:

$$\varphi(t) = \frac{t^{-\theta} - ۱}{\theta} \quad (۱۴)$$

ضریب همبستگی رتبه‌ای کاپولای کلایتون برابر است با (نلسن، ۲۰۰۶):

$$\tau = \frac{\theta}{\theta + ۲} \quad (۱۵)$$

وابستگی دم ـ بالای تابع کلایتون برابر صفر ($\lambda_U = ۰$) و وابستگی دم ـ پایین آن برابر است با (کایلئوت و گوئنگان[۱]، ۲۰۰۵):

$$\lambda_L = ۲^{-\frac{۱}{\theta}} \quad (۱۶)$$

۴. تابع کاپولای گامبل

کاپولای گامبل در سال ۱۹۶۰ توسط گامبل ارائه شد و توابع توزیع و چگالی آن به‌صورت زیر تعریف شد:

$$\begin{cases} C(u,v) = exp\left(-\left((-\log u)^{\theta} + (\log v)^{\theta}\right)^{\frac{۱}{\theta}}\right), & \theta \geq ۱ \\ c(u,v) = \frac{\left([(-\log u)(-\log v)]^{\theta-۱}\right)}{uv}\left\{(\theta - ۱)\left[\left((-\log u)^{\theta} + (\right.\right.\right. \end{cases} \quad (۱۷$$

این کاپولا دارای ویژگی‌های زیر است (گامبل، ۱۹۶۰):

- اگر $\theta = ۱$، در حالت توزیع‌های حاشیه‌ای مستقل از هم می‌شوند.
- اگر $\theta \to \infty$، در حالت تابع کاپولای گامبل به کران بالایی فرشه ـ هافدینگ سوق پیدا می‌کند.
- تابع کاپولای گامبل تنها دارای وابستگی دم ـ بالا است.

---

۱- Guegan & Caillault

تابع مولد کاپولای گامبل نیز بصورت قابل تعریف است:

$$\varphi(t) = (-\ln t)^{\theta} \quad (۱۸)$$

ضریب همبستگی رتبه‌ای کاپولای گامبل برابر است با (نلسن، ۲۰۰۶):

$$\tau = \frac{\theta - ۱}{\theta} \quad (۱۹)$$

وابستگی دم ـ پایین تابع گامبل برابر صفر ($\lambda_L = ۰$) و وابستگی دم ـ بالای آن از رابطه زیر بدست می‌آید (کایلئوت و گوئگان، ۲۰۰۵):

$$\lambda_U = ۲ - ۲^{\frac{۱}{\theta}} \quad (۲۰)$$

۵. تابع کاپولای فرانک

تابع کاپولای فرانک، توسط فرانک[۱](۱۹۷۹) معرفی شد و دارای توابع توزیع و چگالی زیر است:

$$\begin{cases} C(u,v) = -\frac{۱}{\theta} ln\left(۱ + \frac{\left(e^{-\theta u} - ۱\right)\left(e^{-\theta v} - ۱\right)}{e^{-\theta} - ۱}\right), & \theta \in R - \{۰\} \\ c(u,v) = \frac{\theta e^{\theta(u+v)}\left(e^{\theta} - ۱\right)}{\left[e^{\theta(u+v)} - e^{\theta u} - e^{\theta v} + e^{\theta}\right]^{۲}} \end{cases} \quad (۲۱)$$

ویژگی‌های این تابع کاپولا بصورت زیر است:

- اگر $\theta > ۱$، در این حالت، وابستگی مثبت است.
- اگر $\theta \to \infty$، در این حالت تابع کاپولای فرانک به سمت کران بالایی فرشه ـ هافدینگ سوق پیدا می‌کند.
- اگر $\theta \to -\infty$، در این حالت تابع کاپولای فرانک به سمت کران پایینی فرشه ـ هافدینگ سوق پیدا می‌کند.
- اگر $\theta \to ۰$، در این حالت بیانگر استقلال بین توزیع‌های حاشیه‌ای است.
- اگر $\theta < ۰$، در این حالت وابستگی منفی است.

تابع مولد کاپولای فرانک نیز عبارت است از:

$$\varphi(t) = -\ln\left(\frac{e^{-\theta t} - ۱}{e^{-\theta} - ۱}\right) \quad (۲۲)$$

---

[۱] -Frank

ضریب همبستگی رتبه‌ای کاپولای نیز برابر است با (نلسن، ۲۰۰۶):

$$\tau = ۱ - \frac{۴}{\theta}[۱ - D_۱(\theta)] \quad (۲۳)$$

که در آن $D_k$ بیانگر تابع دبای[۱] است:

$$D_k(x) = \frac{k}{x}\int_{.}^{x} \frac{t^k}{(e^t - ۱)}dt \quad (۲٤)$$

تابع کاپولای گامبل دارای وابستگی دم ـ پایین و بالای برابر صفر ($\lambda_L = ۰$، $\lambda_U = ۰$) است (کایلئوت و گوئگان، ۲۰۰۵).

به منظور انتخاب مناسب‌ترین مدل کاپولای متغیر با زمان، از دو معیار اطلاعاتی آکائیک (AIC)و بیزین (BIC) استفاده می‌شود که به‌صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$\mathrm{AIC} = -۲\mathrm{CML} + ۲k \quad (۲۵)$$
$$\mathrm{BIC} = -۲\mathrm{CML} + log(n) \times k$$

که در آن، $k$ نشان‌دهنده تعداد پارامترهای هر یک از مدل‌های کاپولا است. مدلی که دارای کمترین مقدار AIC و BIC باشد، به عنوان بهترین مدل در نظر گرفته می‌شود.

### ۳.۲.۳. مرحله سوم: محاسبه WCVaR و Sharp Ratio پرتفولیو

پایه‌های نظری مدل میانگین ـ واریانس (MV) که انقلابی در مدیریت نوین پرتفوی محسوب می‌شود، نخستین بار توسط مارکوویتز (۱۹۵۲) در قالب مقاله بنیادین «انتخاب پرتفوی» ارائه شد. این مدل با معرفی رویکردی کمّی، تحولی اساسی در تحلیل تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری ایجاد نمود. سرمایه‌گذاران منطقی همواره به دنبال دستیابی به حداقل ریسک برای سطح مشخصی از بازدهی یا حداکثر بازدهی برای یک سطح مشخص از ریسک هستند تا از طریق تشکیل یک پرتفولیوی بهینه، انتظارات خود را به حداکثر برسانند. هدف اصلی مدل MV، ایجاد توازن بین حداکثرسازی بازدهی و حداقل‌سازی ریسک است که به‌عنوان یک مسئله بهینه‌سازی چندهدفه فرمول‌بندی می‌شود:

---

[۱] -Debye function

$$min \sum_{i=۱}^{n} \sum_{j=۱}^{n} x_i x_j \sigma_{ij} \quad (۲۶)$$

$$max \sum_{i}^{n} x_i \mu_i$$

$$\text{s.t.} \quad \begin{cases} \sum_{i=۱}^{n} x_i = ۱ \\ ۰ \leq x_i \leq ۱, \forall i = ۱, \ldots, n \end{cases}$$

که در آن $\sigma_{ij}$ کواریانس بین سهم $i$ و سهم $j$ است، $x_i$ و $x_j$ بیانگر نسبت مقدار اولیه، و $\mu_i$ بیانگر بازدهی مورد انتظار سهم $i$ است.

برای تبدیل این مسئله چندهدفه به یک مسئله تک‌هدفه، چن و همکاران (۲۰۲۱) از ضریب گریز از ریسک $\lambda$ استفاده کردند. این ضریب، ترجیحات سرمایه‌گذاران را در قبال ریسک و بازدهی منعکس می‌کند و مسئله بهینه‌سازی به شکل زیر بیان می‌شود:

$$min \lambda \left[ \sum_{i=۱}^{n} \sum_{j=۱}^{n} x_i x_j \sigma_{ij} \right] - (۱ - \lambda) \sum_{i}^{n} x_i \mu_i \quad (۲۷)$$

$$\text{s.t.} \quad \begin{cases} \sum_{i=۱}^{n} x_i = ۱ \\ ۰ \leq x_i \leq ۱, \forall i = ۱, \ldots, n \end{cases}$$

که در آن ضریب گریز از ریسک $\lambda$ بین صفر و ۱ است. $\lambda = 0$ بیانگر اینست که سرمایه گذار خیلی ریسک پذیر بوده و به دنبال بازدهی بیشینه بدون در نظر گرفتن ریسک است. در عوض، $\lambda = 1$ به معنای این است که سرمایه‌گذار خیلی ریسک گریز است و به دنبال حداقل کردن ریسک بدون در نظر گرفتن بازدهی است (لین[۱] و همکاران، ۲۰۲۱).

معیارهای متعددی برای سنجش ریسک وجود دارد. یکی از معیارهای متداول، ارزش در معرض ریسک (VaR) است؛ با این حال، این معیار با انتقادات متعددی مواجه شده است، زیرا یک معیار منسجم از ریسک محسوب نمی‌شود و تنها یک صدک از توزیع زیان را نشان می‌دهد،

---

[۱] -Lin

بدون اینکه به زیان‌های بالقوه در نواحی دم توزیع (شرایط بحرانی) توجه داشته باشد. به همین دلیل، ارزش در معرض ریسک شرطی (CVaR) توسط زگو[۱](۲۰۰۵) بهعنوان جایگزینی برای VaR پیشنهاد شد. CVaR به عنوان یک معیار ریسک منسجم، قابلیت ارزیابی دقیقتری از زیان‌های انتهایی توزیع نسبت به VaR دارد. در ادامه این روند، رستم و کاکوریس[۲](۲۰۱۴) مفهوم کاپولا-CVaR را معرفی کردند و در نهایت، این مفهوم را به کاپولا-بدترین حالت CVaR (WCVaR) توسعه دادند که در سناریوهای بحرانی، ارزیابی دقیق‌تری از ریسک ارائه می‌دهد.

**تعریف VaR**. بردار $\mathbf{w} \in \mathrm{W} \subset \mathbb{R}^m$ به عنوان بردار متغیرها، و $\mathbf{u} \in \mathrm{I}^m$ به عنوان یک بردار تصادفی، $\tilde{g}(\mathbf{w},\mathbf{u})$ را تابع هزینه و $\mathbf{F}(\mathbf{x}) = (F_1(x_1), \cdots, F_n(x_n))^T$ مجموعه توزیع‌های حاشیه که در آن $\mathbf{u} = \mathbf{F}(\mathbf{x})$ در نظر بگیریم. علاوه بر این، فرض کنیم که $\mathbf{u}$ دارای توزیع پیوسته با تابع کاپولای $C(.)$ باشد. در اینصورت برای سطح اطمینان $\beta$ خواهیم داشت:

$$VaR_\beta(\boldsymbol{w}) = min\{\alpha \in \mathbb{R}: C(\boldsymbol{u}|\tilde{g}(\boldsymbol{w},\boldsymbol{u}) \leq \alpha) \geq \beta\} \qquad (۲۸)$$

**تعریف CVaR**. با داشتن $\mathbf{w}$، $\mathbf{u}$، $\mathbf{F}(\mathbf{x})$ و $\tilde{g}(\mathbf{w},\mathbf{u})$ در تعریف VaR، در سطح اطمینان $\beta$ داریم:

$$CVaR_\beta(\boldsymbol{w}) = \frac{۱}{۱-\beta}\int_{\tilde{g}(\boldsymbol{w},\boldsymbol{u}) \geq VaR_\beta(w)} \tilde{g}(\boldsymbol{w},\boldsymbol{u})c(\boldsymbol{u})d\boldsymbol{u} \qquad (۲۹)$$

**تعریف WCVaR**. WCVaR برای یک $\mathbf{w} \in \mathrm{W} \subset \mathbb{R}^m$ ثابت در سطح اطمینان $\beta$ برحسب $C(.)$ بصورت زیر تعریف می‌شود:

$$WCVaR_\beta(\boldsymbol{w}) = sup_{c(.)\in C}\, C\,VaR_\beta(\boldsymbol{w}) \qquad (۳۰)$$

ضریب شارپ یا Sharpe ratio معیاری است که برای ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاری استفاده

---

[۱] -Szegö

[۲] -Rustem & Kakouris

می‌شود. این معیار نسبت بین بازده سرمایه‌گذاری به ریسک آن را نشان می‌دهد. برای محاسبه ضریب شارپ، ابتدا بازده پرتفولیو منهای ریسک بازدهی بدون رسسک (نرخ بهره بانکی) به دست می‌آید. سپس این مقدار تقسیم بر انحراف معیار آن می‌شود. مقدار حاصله نشان دهنده بازدهی اضافی سرمایه گذاری نسبت به ریسک متوسط آن است. ضریب شارپ بالا نشان دهنده این است که سرمایه گذاری با بازدهی بیشتر در مقایسه با ریسک متوسط خود دارد (خورشید[۱] و همکاران، ۲۰۲۵). فرمول محاسبه این نسبت به صورت زیر است:

$$\text{SharpRatio} = \frac{R_p - R_f}{\sigma(R_p - R_f)} \quad (۳۱)$$

که در آن $R_p$ بازدهی پرتفولیو، $R_f$ بازدهی بدون ریسک و $\sigma$ انحراف استاندارد است.

### ٤.۲.۳. مرحله چهارم: بهینه‌سازی چندهدفه

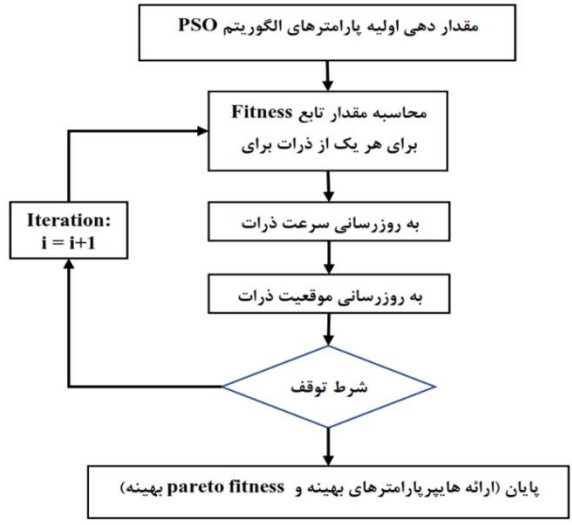
بهینه‌سازی پرتفولیو در این تحقیق بصورت همزمان و یکپارچه با تخمین پارامتر وابستگی متغیر با زمان مدل کاپولا و وزن پرتفولیو با استفاده از الگوریتم MOPSO، با در نظر گرفتن تابع دو هدفه زیر انجام می‌شود:

$$\text{Fitenss} = \begin{cases} \min WCVaR \\ \max SharpRatio \end{cases} \quad (۳۲)$$

شماتیک روش بهینه‌سازی PSO در شکل ۲ نشان داده شده است. در الگوریتم PSO ابتدا پارامترها بصورت تصادفی (در فضای جستجو) مقداردهی اولیه می‌شوند، سپس به ازای این مقادیر ایجاد شده تابع برازندگی محاسبه می‌شود. سپس سرعت ذرات و موقعیت آنها به روز رسانی شده و مجدد تابع برازندگی محاسبه می‌شود. تا زمانی که شرط خاتمه (رسیدن به تعداد تکرار مشخص یا تلورانس مشخص) برقرار شود مراحل تکرار می‌شود تا الگوریتم به همگرایی برسید.

---

[۱]- Khurshid




**شکل ۲. شماتیک الگوریتم PSO(نتایج تحقیق)**

### ۵.۲.۳. متغیرهای پژوهشی

متغیرهای پژوهش حاضر در جدول ۳ نشان داده شده است. متغیرهای اصلی شامل قیمت بسته شدن، وابستگی حاشیه‌ای، WCVaR، و نسبت شارپ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. قیمت بسته شدن به‌عنوان متغیر مستقل و کمی، از داده‌های روزانه بازار بورس استخراج شده و پایه‌ای برای تحلیل‌های بعدی فراهم می‌کند. وابستگی حاشیه‌ای، که به‌عنوان متغیر وابسته میانی و کمی در نظر گرفته شده است، با استفاده از مدل کاپولا محاسبه می‌شود و ساختار وابستگی بین بازدهی سهام را مدل‌سازی می‌کند. WCVaR، به‌عنوان متغیر وابسته و کمی، ریسک‌های افراطی را در شرایط بحرانی بازار ارزیابی می‌کند و با استفاده از مدل ارزش در معرض ریسک شرطی در بدترین حالت محاسبه می‌شود. نسبت شارپ نیز به‌عنوان متغیر وابسته و کمی، عملکرد پرتفوی را از طریق نسبت بازدهی مورد انتظار به انحراف استاندارد بازدهی مورد انتظار اندازه‌گیری می‌کند و نشان‌دهنده بازدهی اضافی به ازای هر واحد ریسک است. این متغیرها در کنار یکدیگر، چارچوبی جامع برای تحلیل ریسک و بازدهی پرتفوی ایجاد می‌کنند و به سرمایه‌گذاران کمک می‌کنند تا تصمیم‌گیری‌های بهینه‌تری در مواجهه با نوسانات بازار داشته باشند.

**جدول ۳. متغیرهای پژوهش**

| عنوان متغیر | نقش متغیر | نوع متغیر | نحوه اندازه‌گیری | مقیاس |
|---|---|---|---|---|
| قیمت بسته شدن | مستقل | کمی پیوسته | -- | -- |
| وابستگی حاشیه‌ای | وابسته (میانی) | کمی پیوسته | مدل کاپولا | -- |
| *WCVaR* | وابسته | کمی پیوسته | مدل ارزش در معرض ریسک شرطی | ۰ تا ۱ |
| *Sharp Ratio* | وابسته | کمی پیوسته | نسبت بازدهی مورد انتظار بر انحراف استاندارد بازدهی مودر انتظار | ۰ تا ۱ |

منبع: نتایج تحقیق

## ۳. یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، داده‌های قیمت پایانی ۱۱۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) تا ۲۰۲۴ (۱۴۰۲) مورد تحلیل قرار گرفته است. در مجموع، ۲۸۹۸ مشاهده از قیمت پایانی شرکت‌ها جمع‌آوری شد که میانگین قیمت پایانی برابر با ۳۵۹۲.۹۳ ریال و انحراف معیار آن ۴۳۶۷.۹۴ ریال محاسبه گردید. انحراف معیار بالا نشان‌دهنده پراکندگی قابل توجه قیمت‌ها در بین شرکت‌هاست، به طوری که کمینه قیمت پایانی ۱۹۶.۷۱ ریال و بیشینه آن به ۱۵۷۲۵.۳۳ ریال رسیده است. این اختلاف چشمگیر بین کمترین و بیشترین قیمت، حاکی از تنوع گسترده ارزش بازار شرکت‌های حاضر در نمونه است.

توزیع قیمت‌های پایانی از طریق هیستوگرام (شکل ۳) بررسی شد. این نمودار نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی قیمت‌ها در محدوده پایینتر (زیر ۴۰۰۰ ریال) متمرکز است، در حالی که تعداد محدودی از شرکت‌ها به سطوح قیمتی بسیار بالاتر (بالای ۱۰۰۰۰ ریال) دست یافته‌اند. این الگو با مقادیر چارک‌ها نیز تأیید می‌شود (جدول ۴):

- ۲۵٪ از داده‌ها زیر ۴۱۵.۱۱ ریال (چارک اول)،
- ۵۰٪ زیر ۵۹۸.۱۶ ریال (میانه)،
- و ۷۵٪ زیر ۷۲۰۶.۷۱ ریال (چارک سوم) قرار دارند.

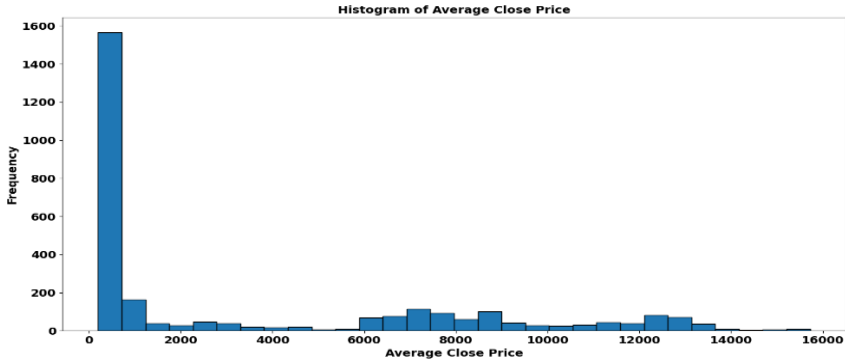
اختلاف فاحش بین میانه (۵۹۸.۱۶) و میانگین (۳۵۹۲.۹۳) و همچنین چارک سوم (۷۲۰۶.۷۱) و

بیشینه (۱۵۷۲۵.۳۳)، گویای چولگی شدید به سمت راست در توزیع داده‌هاست. این امر ناشی از وجود تعداد محدودی شرکت با قیمت‌های بسیار بالا است که میانگین را به شکل معناداری تحت تأثیر قرار داده‌اند. چنین توزیعی لزوم استفاده از روش‌های آماری مقاوم به ناهنجاری‌ها (مانند مدل‌های مبتنی رویارویی با ریسک در بدترین حالت) را در تحلیل پرتفولیو توجیه می‌کند. از سوی دیگر، نمودار سری زمانی شکل ۴ روند تغییرات میانگین قیمت پایانی را از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۴ نشان می‌دهد. این نمودار بیانگر نوسانات قابل توجه در بازه‌های مختلف است:

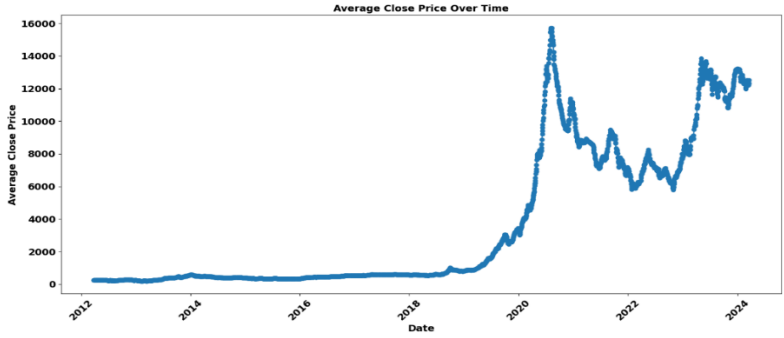
- افزایش تدریجی قیمت‌ها از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶،
- رشد شتابان از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲ (با اوجگیری در ۲۰۲۲)،
- و کاهش نسبی در سال‌های اخیر (۲۰۲۳-۲۰۲۴).

این نوسانات می‌تواند تحت تأثیر عوامل کلان اقتصادی، تحولات بازار سرمایه ایران، یا تغییرات در ارزش ذاتی شرکت‌ها باشد.

پراکندگی بالا و چولگی داده‌ها ضرورت استفاده از مدل‌های ریسک پویا (مانند GARCH-dCopula) را تقویت می‌کند، چرا که مدل‌های ایستا قادر به انعکاس تغییرپذیری شدید و وابستگی‌های غیرخطی بین دارایی‌ها نیستند. از سوی دیگر، وجود داده‌های پرت در سطوح قیمتی بالا، لزوم به‌کارگیری معیارهای ریسک محافظه‌کارانه مانند WCVaR را برجسته می‌سازد تا اثرات سناریوهای بحرانی در بهینه‌سازی پرتفولیو در نظر گرفته شود. هچنین نوسانات زمانی قیمت‌ها اهمیت به‌روزرسانی پویای پارامترهای مدل (با تکنیک پنجره لغزشی) و ادغام معیارهای چندهدفه (نظیر نسبت شارپ) را برای دستیابی به توازن بین بازده و ریسک در شرایط واقعی بازار تأیید می‌کند.



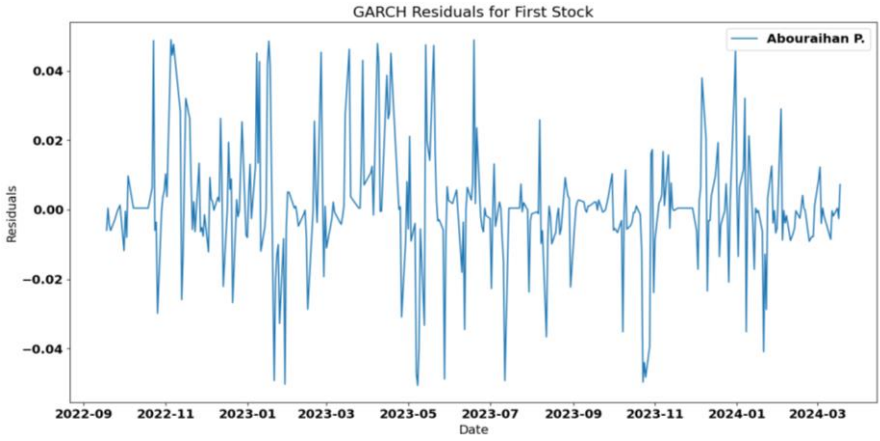

**شکل ۳. نمودار هیستوگرام قیمت شرکت‌های مورد مطالعه(خروجی نرم افزار)**




**شکل ٤. میانگین قیمتی شرکت‌های مورد مطالعه.**

**جدول ٤. آمار توصیفی میانگین سری زمانی قیمت بسته شدن سهام**

| پارامتر | مقدار (ریال) |
|---|---|
| میانگین | ۳۵۹۲.۹۲۶ |
| انحراف استاندارد | ۴۳۶۷.۹۳۵ |
| کمینه | ۱۹۶.۷۱۴۳ |
| چارک اول | ۴۱۵.۱۰۹۸ |
| چارک دوم | ۵۹۸.۱۶۳۷ |
| چارک سوم | ۷۲۰۶.۷۰۶ |
| بیشینه | ۱۵۷۲۵.۳۳ |



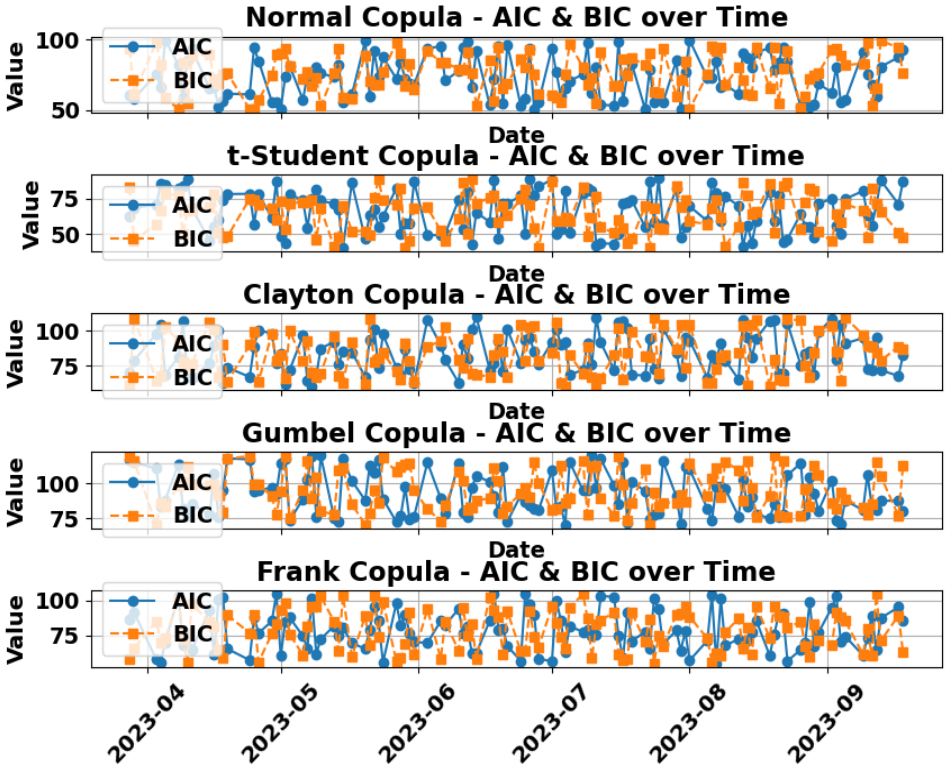

**شکل ۵. سری زمانی ترم پسماند مدل GARCH برای شرکت دارویی ابوریحان.**

فرآیند مدل‌سازی ریسک پرتفولیو با محاسبه بازدهی لگاریتمی سهام آغاز شد. این معیار به دلیل ویژگی‌های مطلوبی مانند تقارن و حذف اثر مقیاس، به عنوان پایه‌ای برای تحلیل نوسانات انتخاب گردید. در گام بعدی، مدل GARCH برای توصیف نوسانات شرطی بازدهی هر سهم برازش داده شد. مدل GARCH(۱,۱) به دلیل سادگی و توانایی در اثرات پایدار نوسانات، به عنوان چارچوب پایه انتخاب گردید. پس از برازش مدل، سری زمانی پسماندهای استانداردشده برای هر دارایی استخراج شد. این پسماندها، نوسانات باقیمانده پس از حذف اثرات خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس را نشان می‌دهند و به عنوان ورودی اصلی برای مدل‌سازی وابستگی بین دارایی‌ها در مرحله بعد استفاده شدند. نمودار پسماندهای GARCH برای دارویی ابوریحان که در شکل ۵ ترسیم شده است، به عنوان نمونه‌ای نمایانگر از خروجی این مرحله ارائه شده است. این نمودار نشان می‌دهد که پسماندها حول میانگین صفر نوسان می‌کنند و هیچ الگوی باقیمانده‌ای (مانند خوشه‌بندی نوسانات یا روند) در آنها مشاهده نمی‌شود. این نتیجه، نشان‌دهنده کفایت مدل GARCH در توصیف نوسانات شرطی بازدهی این سهم است.

هر یک از کاپولاها ویژگی‌های منحصر به فردی در توصیف ساختار وابستگی بین متغیرها ارائه می‌دهند که انتخاب بهینه آن‌ها را به شرایط بازار وابسته می‌سازد. کاپولای نرمال: وابستگی متقارن و خطی را مدل می‌کند. این کاپولا فاقد توانایی در وابستگی‌های دم‌سنگین است و برای

بازارهای با نوسانات ملایم مناسب است. کاپولای تی ـ استیودنت وابستگی متقارن اما با ضخامت دم‌های مشترک (دم‌سنگین) را توصیف می‌کند. این مدل برای دوره‌هایی که احتمال رخداد شوک‌های همزمان در بازدهی دارایی‌ها بالا است، کاربرد دارد. کاپولای کلایتون وابستگی نامتقارن با تمرکز بر دم پایینی را مدل می‌کند. این کاپولا برای شرایطی که همبستگی بین دارایی‌ها در زمان کاهش شدید قیمت‌ها افزایش می‌یابد، مناسب است. کاپولای گامبل وابستگی نامتقارن با تمرکز بر دم بالایی را توصیف می‌کند. این مدل در بازارهای صعودی شدید یا هنگام افزایش همزمان قیمت‌ها کارایی بالایی دارد. کاپولای فرانک وابستگی متقارن را بدون وجود اثر دم‌سنگین مدل می‌کند. این کاپولا برای داده‌هایی با وابستگی ضعیف تا متوسط و توزیع‌های فاقد داده‌های پرت شدید مناسب است. با استفاده از تکنیک پنجره لغزشی (طول پنجره: ۲۵۲ روز)، پارامترهای هر کاپولا به صورت متغیر با زمان برآورد شدند و در هر بازه، مدلی که کمترین مقادیر AIC و BIC را داشت، به عنوان بهینه انتخاب گردید (شکل ۶). نمودار پسماندهای استانداردشده GARCH برای دارویی ابوریحان (شکل ۵) نشان می‌دهد که توزیع خطاها به نرمال نزدیک است. این نتیجه، فرضیات پایه کاپولاهای نرمال و فرانک را تقویت می‌کند. با این حال، در بازه‌هایی که چولگی یا کشیدگی در پسماندها مشاهده شد (مانند ۲۰۲۰-۲۰۲۱)، مدل‌های تی ـ استیودنت و کلایتون به دلیل انعطاف در مدل‌سازی دم‌ها، برتری واضحی یافتند. مقدار میانگین معیارهای AIC و BIC کاپولاها نیز در جدول ۶ نشان داده شده است. بر اساس این جدول، کاپولای تی ـ استیودنت به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود، زیرا کمترین مقادیر AIC و BIC را دارد. با این حال، تفاوت بین کاپولای نرمال، فرانک، و گامبل کم است، که نشان می‌دهد این سه مدل عملکرد مشابهی در این داده‌ها دارند. در صورت نیاز به مدل‌سازی وابستگی‌های پیچیده‌تر (مانند دم‌سنگین یا نامتقارن)، کاپولای گامبل یا فرانک نیز می‌توانند گزینه‌های مناسبی باشند.

بنابراین، انتخاب پویا نشان داد که هیچ مدل کاپولایی به تنهایی برای تمام شرایط بازار مناسب نیست. ترکیب پنجره لغزشی با معیارهای AIC/BIC، انعطاف لازم برای تطبیق با ساختارهای وابستگی متغیر را فراهم می‌کند.




**شکل ٦. مقادیر معیارهای AIC و BIC مدل‌های کاپولای مورد مطالعه در طول زمان.(خروجی نرم افزار)**

**جدول ٦. مقادیر میانگین معیارهای AIC و BIC مدل‌های کاپولای مورد مطالعه**

| مدل کاپولا | میانگین AIC | میانگین BIC |
|---|---|---|
| نرمال | ۷۲.۲۹ | ۷۶.۷۸ |
| گامبل | ۹۵.۷۷ | ۹۴.۹۴ |
| فرانک | ۷۸.۱۴ | ۸۰.۲۱ |
| کلایتون | ۸۶.۲۱ | ۸۵.۶۶ |
| تی ـ استیودنت | ۶۵.۷۹ | ۶۵.۸۸ |

منبع: نتایج تحقیق

پس از محاسبه وابستگی‌های پویا توسط مدل کاپولای پویا که توسط الگوریتم PSO بهینه می‌شود، نتایج حاصل از پیاده‌سازی الگوریتم PSO برای بهینه‌سازی همزمان دو معیار نسبت

شارپ و WCVaR ارائه می‌شود. این تحلیل بر اساس خروجی‌های نموداری و جدولی صورت گرفته است که شامل نمودار پرتو (Pareto Front)، جدول وزن‌های بهینه پرتفولیو، و نمودار همگرایی الگوریتم می‌باشد. در ادامه، هر یک از این اجزا به تفصیل بررسی شده و پیامدهای کاربردی آن‌ها در مدیریت پرتفولیو تشریح می‌گردد.

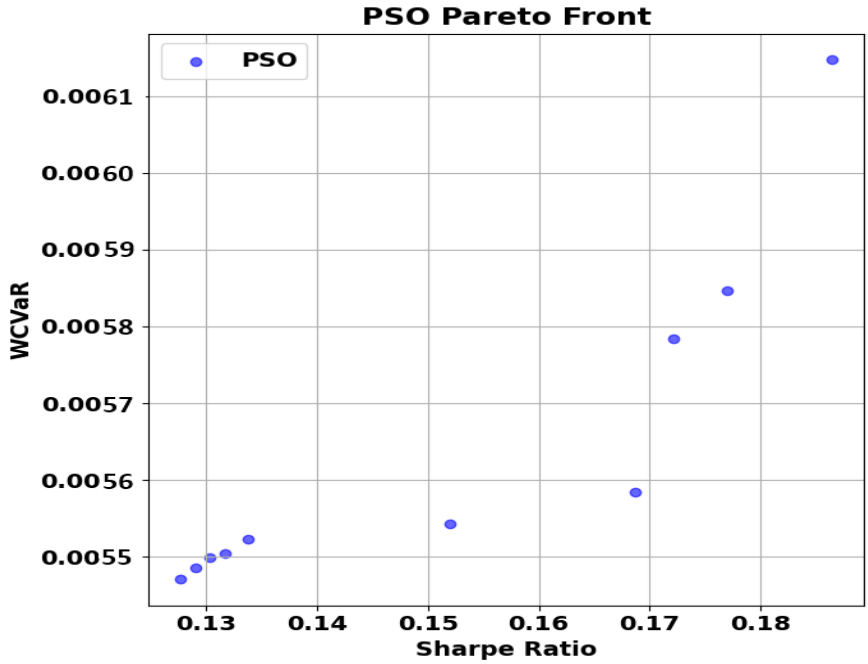
نمودار پرتو که در شکل ۷ نمایش داده شده است، مجموعه‌ای از پرتفولیوهای بهینه را نشان می‌دهد که در آن هیچ یک از راه‌حل‌ها بر دیگری برتری کامل ندارد. به عبارت دیگر، بهبود یک معیار (مثلاً کاهش ریسک) تنها با کاهش در معیار دیگر (مثلاً بازده) امکان‌پذیر است. این نمودار به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد تا بر اساس سطح ریسک‌پذیری و انتظارات بازدهی، بهترین ترکیب دارایی را انتخاب کنند.

- منطقه کم‌ریسک (سمت چپ نمودار): پرتفولیوهای این ناحیه دارای WCVaR پایین و نسبت شارپ کم هستند. این ترکیبات عموماً شامل سهام شرکت‌های با نوسانات کم، نظیر صنایع دارویی و مصرفی می‌شوند که در دوره‌های بحرانی ثبات بیشتری نشان می‌دهند.
- مطنقه متوازن (مرکز نمودار): پرتفولیوهای این بخش، توازنی بین ریسک و بازده ایجاد می‌کنند. WCVaR در این ناحیه بین ۳.۴٪ تا ۳.۶٪ و نسبت شارپ بین ۱.۱ تا ۱.۲ است. وزن دارایی‌ها در این حالت به صورت ترکیبی از سهام با نوسانات متوسط (مانند بانک‌ها و خودروسازان) و درصد کمتری از سهام پرنوسان (مانند فناوری) اختصاص می‌یابد.
- منطقه پرریسک (سمت راست نمودار): این پرتفولیوها با WCVaR بالا (بالای ۳.۶٪) و نسبت شارپ قابل توجه (۱.۴ تا ۱.۳۵) مشخص می‌شوند. سهام حاضر در این ترکیبات عمدتاً متعلق به صنایع پرنوسان است که پتانسیل بازدهی کوتاه‌مدت بالایی دارند.

سرمایه‌گذاران محافظه‌کار می‌توانند پرتفولیوهای سمت چپ را انتخاب کنند، در حالی که سرمایه‌گذاران تهاجمی با تحمل ریسک بالا، گزینه‌های سمت راست را ترجیح می‌دهند. این انعطاف‌پذیری، نشان‌دهنده قدرت رویکرد چندهدفه در پاسخگویی به نیازهای متنوع بازار است.

جدول وزن‌های بهینه که ترکیب دارایی‌های برتر را نشان می‌دهد در (جدول ۷) نشان داده شده

است. این جدول، توزیع وزن سه پرتفولیوی شاخص (کم‌ریسک، متوازن، و پرریسک) را نشان می‌دهد. پرتفولیو متوازن، به دلیل توزیع وزن هوشمندانه، بیشترین تقاضا را در بین سرمایه‌گذاران نهادی دارد. در مقابل، پرتفولیو پرریسک، جذابیت بالایی برای معامله‌گران کوتاه‌مدت دارد که به دنبال سودهای سریع هستند.




**شکل ۷. نمودار پرتو الگوریتم PSO(خروجی نرم افزار)**

**جدول ۷. وزن بهینه پرتفولیوی سهام مورد مطالعه با الگوریتم PSO**

| نام سهم | وزن | نام سهم | وزن | نام سهم | وزن | نام سهم | وزن |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| Abouraihan P. | ۰.۰۰۶ | I. Pegah Dairy | ۰.۰۱۵ | Magsal Agri. | ۰.۰۰۷ | Shahroud Cement | ۰.۰۰۰ |
| Absal | ۰.۰۰۹ | I. T. Foundry | ۰.۰۰۲ | Melli Ind. Grp. | ۰.۰۰۱ | Shazand Petr. | ۰.۰۰۶ |
| Alborz Darou | ۰.۰۱۷ | Ind. & M. L. | ۰.۰۱۰ | Motorsazan | ۰.۰۱۰ | Shiraz Petr. | ۰.۰۰۹ |
| Aluminum R. | ۰.۰۰۵ | Ind. & Mine Inv | ۰.۰۰۳ | N. I. L. Z. | ۰.۰۰۰ | Sina Darou Lab. | ۰.۰۱۰ |
| Alvand Tile | ۰.۰۰۲ | Inf. Services | ۰.۰۰۲ | Nirou Moharreke | ۰.۰۰۵ | Sina Fin. Ins. | ۰.۰۱۰ |
| Ama | ۰.۰۱۷ | Insurance Inv. | ۰.۰۰۶ | Nirou Trans | ۰.۰۰۹ | Sina Tile | ۰.۰۰۴ |
| Amin Pharm. | ۰.۰۰۱ | Iran Amlah | ۰.۰۱۷ | Omid Inv. Mng. | ۰.۰۱۳ | Takceram | ۰.۰۰۰ |
| Atye Damavand | ۰.۰۱۷ | Iran Board | ۰.۰۰۳ | Oroumiyeh Cem. | ۰.۰۱۴ | Tehran Cement | ۰.۰۰۰ |
| Bahman Inv. | ۰.۰۰۶ | Iran Carbon | ۰.۰۱۶ | Pak Dairy | ۰.۰۰۶ | Tuka Trans. | ۰.۰۱۱ |
| Bahonar Copper | ۰.۰۰۴ | Iran Carton | ۰.۰۰۵ | Pars Darou | ۰.۰۱۶ | VAMCO | ۰.۰۰۸ |
| Bama | ۰.۰۱۰ | Iran China Clay | ۰.۰۱۰ | Pars Khazar | ۰.۰۱۷ | Zamyad | ۰.۰۰۷ |
| Behnoush Iran | ۰.۰۱۱ | Iran Combine | ۰.۰۱۵ | Pars Oil | ۰.۰۱۶ | | |
| Behran Oil | ۰.۰۱۷ | Iran Ferr. | ۰.۰۰۴ | Pars Shahab | ۰.۰۰۱ | | |
| Buali Inv. | ۰.۰۱۵ | Iran Glass Wool | ۰.۰۱۵ | Pars Switch | ۰.۰۱۰ | | |
| Butane Group | ۰.۰۰۴ | Iran Khodro | ۰.۰۱۷ | Pars Tile | ۰.۰۰۶ | | |
| Calcimine | ۰.۰۰۳ | Iran M. & P. M. | ۰.۰۱۶ | Parsian Bank | ۰.۰۰۴ | | |
| Chadormalu | ۰.۰۰۷ | Iran Mineral P. | ۰.۰۰۴ | Pension Fund | ۰.۰۰۹ | | |
| Chimidarou | ۰.۰۰۴ | Iran Mn. Mines | ۰.۰۱۴ | Petr. Tran. | ۰.۰۰۹ | | |
| Darab Cement | ۰.۰۰۳ | Iran Motorcycle | ۰.۰۰۶ | Razak Lab. | ۰.۰۰۶ | | |
| Daroupakhash I. | ۰.۰۱۶ | Iran Refract. | ۰.۰۱۶ | Razi P. Glasses | ۰.۰۱۱ | | |
| Daroupakhsh P. | ۰.۰۰۷ | Iran Tire | ۰.۰۰۷ | S EN Bank | ۰.۰۰۷ | | |
| Derakhshan Teh. | ۰.۰۰۸ | Iran Tractor | ۰.۰۰۳ | S I. N. C. Ind. | ۰.۰۱۶ | | |
| Doroud Cement | ۰.۰۰۵ | Iran Yasa Tire | ۰.۰۱۴ | S Iran Transfo | ۰.۰۰۸ | | |
| DPI | ۰.۰۱۵ | Isfahan Sugar | ۰.۰۱۲ | S Mellat Bank | ۰.۰۱۰ | | |
| E. Kh. Shargh | ۰.۰۰۵ | Jaam Darou | ۰.۰۱۲ | S Mobarakeh Steel | ۰.۰۰۶ | | |
| Exir Pharm. | ۰.۰۱۶ | Jaber Hayan P. | ۰.۰۰۶ | S North Drilling | ۰.۰۰۹ | | |
| Fanavaran Petr. | ۰.۰۰۹ | Kalber Dairy | ۰.۰۱۷ | S Rayan Saipa | ۰.۰۰۷ | | |

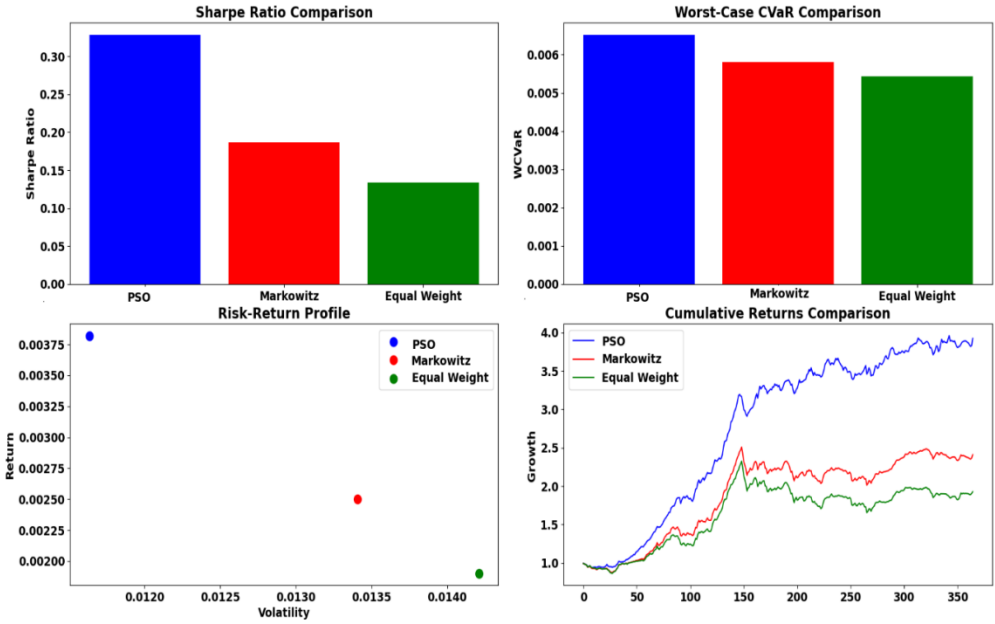
| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | ۰.۰۱۰ | S Saipa Inv. | ۰.۰۰۷ | Karafarin Bank | ۰.۰۰۶ | Fars Chem. Ind. |
| | | ۰.۰۰۷ | S Saipa | ۰.۰۱۶ | Kaveh Paper | ۰.۰۰۶ | Ghadir Inv. |
| | | ۰.۰۱۴ | S Tejarat Bank | ۰.۰۱۶ | Kerman Tire | ۰.۰۰۰ | Ghadir Kh. L. |
| | | ۰.۰۰۵ | Saadi Tile | ۰.۰۰۲ | Kh. Pegah Dairy | ۰.۰۱۰ | Ghandi Cables. |
| | | ۰.۰۱۷ | Saderat Bank | ۰.۰۰۴ | Khark Petr. | ۰.۰۰۲ | Gharb Cement. |
| | | ۰.۰۰۲ | Sahand Rubber | ۰.۰۱۶ | Khouz. Steel | ۰.۰۰۵ | Ghazvin Sugar |
| | | ۰.۰۱۷ | Sarma Afarin | ۰.۰۰۹ | Leasing Iran | ۰.۰۰۰ | Gol-E-Gohar. |
| | | ۰.۰۱۷ | Sepah Inv. | ۰.۰۰۵ | Loghman Pharm. | ۰.۰۰۲ | Gorji Biscuit |

منبع: نتایج تحقیق

به منظور اعتبارسنجی نتایج حاصل از روش پیشنهادی، نتایج حاصل از آن با رویکرد مارکویتز و پرتفوی با وزن مقایسه شد و در شکل ۸ ترسیم شد. در نمودار بالا ـ چپ که نسبت شارپ را نشان می‌دهد، مشخص است که پرتفوی PSO بالاترین مقدار شارپ را دارد و پس از آن، مدل مارکوئیتز قرار می‌گیرد. وزن مساوی کمترین نسبت شارپ را نشان می‌دهد. این امر بیانگر آن است که روش PSO، به ازای هر واحد ریسک، بازدهی بیشتری را کسب کرده و در این مقیاس کاراتر عمل کرده است. بااین‌حال، در نمودار بالا ـ راست که بدترین سناریوی CVaR را نشان می‌دهد (عدد پایین‌تر به معنای ریسک کمتری در شرایط بحرانی است)، پرتفوی وزن مساوی کمترین مقدار CVaR را دارد، سپس مارکویتز و در نهایت PSO در جایگاه سوم قرار می‌گیرد. بنابراین اگر اولویت اصلی سرمایه‌گذار، مصون ماندن از زیان‌های شدید در بدترین شرایط بازار باشد، پرتفوی وزن مساوی به نظر محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کند. در بخش پایین ـ چپ، «پروفایل ریسک ـ بازده» هر یک از پرتفوی‌ها نمایش داده شده است. نقطه متناظر با PSO، بالاترین بازده را نسبت به دو روش دیگر دارد و در عین حال، سطح ریسک آن نیز در مقایسه با مارکوئیتز اندکی متفاوت اما نزدیک است. مدل مارکویتز به لحاظ بازدهی کمی پایین‌تر از PSO قرار گرفته و پرتفوی وزن مساوی هم در بخش بازده پایین‌تر و هم با نوسان بالاتر قابل مشاهده است. این توزیع نقاط نشان می‌دهد که مدل PSO در مجموع توازن مناسبی بین ریسک و بازده ایجاد کرده و مارکویتز نیز با فاصله‌ای نه‌چندان زیاد، عملکرد قابل قبولی دارد. اما وزن مساوی با وجود ریسک نسبتاً بالاتر، بازده کمتری را نصیب سرمایه‌گذار می‌کند.

در نهایت، نمودار پایین ـ راست روند «بازده تجمعی» را در طول دوره مورد بررسی نشان می‌دهد. در این بخش، منحنی مربوط به PSO بالاترین بازده نهایی را به خود اختصاص داده است و پس از آن، مارکویتز در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. منحنی وزن مساوی نیز کمترین بازده تجمعی را دارد. بنابراین می‌توان گفت در انتهای دوره، پرتفوی حاصل از PSO با بهره‌گیری از جست‌وجوی فراابتکاری چندهدفه توانسته است بازده نهایی بیشتری را ایجاد کند. به بیان دیگر، PSO در این بازه زمانی، رشد سرمایه بالاتری را در بلندمدت ارائه داده است؛ هرچند با توجه به معیار CVaR، ریسک زیان سنگین در شرایط بحرانی در این روش بالاتر گزارش شده است.

به طور خلاصه، هیچ‌یک از سه رویکرد، در تمامی معیارها بر دیگری به طور مطلق برتری ندارد و انتخاب بهترین روش تا حد زیادی وابسته به اولویت‌ها و سطح ریسک‌پذیری سرمایه‌گذار است. اگر معیار اصلی، کسب بالاترین نسبت شارپ باشد، PSO پیشتاز است. اگر سرمایه‌گذار بیش از هر چیز، نگران زیان‌های شدید باشد، پرتفوی وزن مساوی در سناریوهای بحرانی بهتر عمل می‌کند. در عین حال، اگر بازده تجمعی نهایی و رشد سرمایه در طول زمان برای سرمایه‌گذار اهمیت ویژه داشته باشد، PSO توانسته است بالاترین بازده را محقق سازد و نشان می‌دهد رویکرد چندهدفه آن در بهره‌گیری از هر دو معیار شارپ و WCVaR، ظرفیت مناسبی برای تولید پرتفوی‌های سودآورتر در شرایط معمول بازار فراهم کرده است؛ هرچند نیازمند تحمل ریسک بالاتر در بدترین سناریوها خواهد بود.




**شکل ۸. مقایسه عملکرد روش پیشنهادی با مدل مارکوئیتز و پرتفوی با وزن یکسان(خروجی نرم افزار)**

## ٤. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش گامی بنیادین در مسیر تحول روش‌های بهینه‌سازی سبد سهام و مدیریت ریسک در بازارهای پویای مالی به شمار می‌رود. ما در این مطالعه با تلفیق دو روش پیشرفته مدل‌سازی GARCH-dCopula و تکنیک پنجره‌های متحرک، موفق به ارائه چارچوبی جامع برای شناسایی دقیق روابط پویا و نوسانات پیچیده بین دارایی‌های مالی شدیم. نوآوری کلیدی این تحقیق در طراحی سیستم یکپارچه‌ای است که از الگوریتم فراابتکاری PSO در چارچوب بهینه‌سازی چندهدفه استفاده می‌کند و به طور همزمان معیارهای اساسی عملکرد از جمله نسبت شارپ و WCVaR را در فرآیند تصمیم‌گیری دخیل می‌سازد. نتایج تجربی به دست آمده از آزمون‌های گسترده نشان می‌دهد که این رویکرد پیشرفته نه تنها در شرایط عادی بازار، بلکه در مواجهه با نوسانات شدید و بحران‌های مالی نیز عملکردی برتر از مدل کلاسیک مارکویتز از خود نشان می‌دهد. در واقع، قدرت اصلی این روش در توانایی آن برای انطباق پویا با تغییرات

بازار و ارائه راهکارهای بهینه در شرایط مختلف نهفته است. از منظر کاربردی، این سیستم قادر است با در نظر گرفتن ترجیحات فردی سرمایه‌گذاران از نظر سطح ریسک‌پذیری، ترکیب‌های دارایی‌ای ارائه دهد که از یک سو حداکثر بازدهی ممکن و از سوی دیگر حداقل ریسک قابل قبول را تضمین می‌کند. مزیت متمایز این پژوهش در ارائه راهکاری عملیاتی است که می‌تواند به صورت بلادرنگ به تغییرات بازار واکنش نشان داده و پرتفوی‌های بهینه‌شده را در اختیار سرمایه‌گذاران نهادی و حرفه‌ای قرار دهد. یافته‌های این مطالعه نه تنها مرزهای دانش در حوزه مالی کمّی را گسترش می‌دهد، بلکه ابزار قدرتمندی در اختیار مدیران سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد تا در محیط‌های پرنوسان امروزی، تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تری داشته باشند. این سیستم با ترکیب هوشمندانه آخرین پیشرفت‌های حوزه یادگیری ماشین و مالی کمّی، الگویی جدید را در مدیریت سبد سهام معرفی می‌کند که می‌تواند تحولی اساسی در صنعت سرمایه‌گذاری ایجاد کند.

در همین راستا، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های حمایتی برای فناوری‌های مالی با ایجاد صندوق‌های نوآوری و برپایی آزمایشگاه‌های مشترک میان دانشگاه‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری پیاده‌سازی شود تا زمینه بهره‌برداری از مدل‌های پیشرفته مدیریت پرتفوی فراهم گردد. همچنین، از دیدگاه عملی توصیه می‌شود سرمایه‌گذاران از چارچوب‌های مدل‌سازی پویای ریسک همراه با الگوریتم PSO بهره ببرند تا بتوانند در مواجهه با نوسانات بازار و تغییرات ناگهانی شرایط اقتصادی، به انتخاب پرتفوی‌های بهینه دست یابند. برای گسترش کاربرد و بهبود عملکرد این مدل‌ها، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی به ادغام الگوریتم‌های بهینه‌سازی با مدل‌های یادگیری عمیق پرداخته شود و اثر داده‌های غیرساختاری مانند اخبار و شبکه‌های اجتماعی بر پیش‌بینی ریسک به تفصیل بررسی گردد. علاوه بر این، توسعه نسخه‌های هیبریدی از الگوریتم PSO استفاده از روش‌های یادگیری تقویتی می‌تواند زمان محاسبات را کاهش داده و دقت در تعیین وزن‌های بهینه توابع هدف را افزایش دهد. با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد بازار سرمایه ایران، نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به عنوان الگویی عملی در سایر بازارهای مشابه مورد استفاده قرار گیرد و مسیر تحقیقات آینده در زمینه مدیریت ریسک و بهینه‌سازی پرتفوی را هموار سازد. در نهایت، این مطالعه نشان می‌دهد که ترکیب مدل‌سازی پویای ریسک با الگوریتم‌های فراابتکاری می‌تواند شکاف میان نظریه و عمل را کاهش داده و افق‌های نوینی را

برای مدیریت سرمایه در محیط‌های پیچیده و نامتوازن ارائه دهد؛ رویکردی که هم پژوهشگران و هم فعالان بازار می‌توانند از آن در تدوین استراتژی‌های موثر و راهبردی بهره‌مند شوند.

**منابع**


۱. ایازی، مهدی و ابطحی، سبدمهدی(۱۳۹۹)، ***بهینه‌سازی پرتفوی سهام با استفاده از رویکرد میانگین و نیم واریانس***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزا د اسلامی، واحد مرودشت.

۲. تقی‌خواه‌خمامی، نسرین، صلاحی، مازیار(۱۳۹۸)، مدل استوار میانگین ـ واریانس مارکویتز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

۳. داودی‌فر، نسیم(۱۳۹۹)، بهینه سازی مدل میانگین نیم واریانس در بازار مالی بین الملل توسط الگوریتم های PSO و GA و FA، *فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۴(۴۸): (۱۳۹۹) , ۱۴-۱.

۴. رضاشاطری، مریم؛ نصری، محمد؛ زینالی، مهدی. (۱۴۰۳). ارائه الگوی بهینه سبد سهام از طریق محدودیت تسلط تصادفی و کاهش ریسک گریزی مطلق، ***فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی***، شماره ۴۶، ۲۲۷-۲۵۲.

۵. واعظی، فرشته و همکاران(۱۴۰۰)، ***بهینه‌سازی سبد سرمایه‌گذاری بر مبنای توسعه مدل کوله پشتی***، رساله دکتری، رشته مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران.

۶. Alotaibi, T. S., Dalla Valle, L., & Craven, M. J. (۲۰۲۲). The Worst Case GARCH-Copula CVaR Approach for Portfolio Optimisation: Evidence from Financial Markets. ***Journal of Risk and Financial Management***, ۱۵(۱۰), ۴۸۲.

۷. Bollerslev, T. (۱۹۸۶). Generalized autoregressive conditional heteroskedasticity. ***Journal of econometrics,*** ۳۱(۳), ۳۰۷-۳۲۷.

۸. Caillault, C., & Guegan, D. (۲۰۰۵). Empirical estimation of tail dependence using copulas: application to Asian markets. Quantitative Finance, ۵(۵), ۴۸۹-۵۰۱.

۹. Chen, W., Zhang, H., Mehlawat, M. K., & Jia, L. (۲۰۲۱). Mean–variance portfolio optimization using machine learning-based stock price prediction. ***Applied Soft Computing***, ۱۰۰, ۱۰۶۹۴۳.

۱۰. Clayton, D. G. (۱۹۷۸). A model for association in bivariate life tables and its application in epidemiological studies of familial tendency in chronic disease incidence. ***Biometrika***, ۶۵(۱), ۱۴۱-۱۵۱.

۱۱. Duarte, G. V., & Ozaki, V. A. (۲۰۲۳). Modeling multivariate time series with copulas: Implications for pricing revenue

insurance. ***Revista Brasileira de Economia***, *۷۷*, e۱۰۲۰۲۳.

۱۲. Engle, R. F. (۱۹۸۲). Autoregressive conditional heteroscedasticity with estimates of the variance of United Kingdom inflation. *Econometrica: **Journal of the econometric society***, ۹۸۷-۱۰۰۷.

۱۳. Frank, M. J. (۱۹۷۹). On the simultaneous associativity ofF (x, y) andx+y− F (x, y). ***Aequationes mathematicae,*** *۱۹*(۱), ۱۹۴-۲۲۶.

۱۴. Grossmass, L., & Poon, S. H. (۲۰۱۵). Estimating dynamic copula dependence using intraday data. ***Studies in Nonlinear Dynamics & Econometrics***, *۱۹*(۴), ۵۰۱-۵۲۹.

۱۵. Kennedy, J., & Eberhart, R. (۱۹۹۵, November). Particle swarm optimization. **In *Proceedings of ICNN'۹۵-international conference on neural networks*** (Vol. ۴, pp. ۱۹۴۲-۱۹۴۸). ieee.

۱۶. Khurshid, S., Abdulla, M. S., & Ghatak, G. (۲۰۲۵). Optimizing sharpe ratio: risk-adjusted decision-making in multi-armed bandits. ***Machine Learning***, *۱۱۴*(۲), ۳۲.

۱۷. Lin, C. C., Tseng, C. H., & Ho, S. L. (۲۰۲۳, October). Applying Random Forest Algorithm and Mean-Variance Model in Portfolio Optimization in the China Stock Market. **In *۲۰۲۳ IEEE ۵th Eurasia Conference on IOT, Communication and Engineering (ECICE)*** (pp. ۳۶۱-۳۶۴).

۱۸. , S., & Teräsvirta, T. (۲۰۰۲). Evaluating GARCH models. ***Journal of Econometrics***, *۱۱۰*(۲), ۴۱۷-۴۳۵.

۱۹. Ma, M., Song, S., Ren, L., Jiang, S., & Song, J. (۲۰۱۳). Multivariate drought characteristics using trivariate Gaussian and Student t copulas. ***Hydrological processes***, *۲۷*(۸), ۱۱۷۵-۱۱۹۰.

۲۰. Markowitz, H. (۱۹۵۲). Portfolio Selection. *Journal of Finance*.

۲۱. Nelsen, R. B. (۲۰۰۶). An introduction to copulas. Springer Science & Business Media.

۲۲. Patton, A. (۲۰۱۳). Copula methods for forecasting multivariate time series. ***Handbook of economic forecasting,*** ۲, ۸۹۹-۹۶۰.

۲۳. Rockafellar, R. T., & Uryasev, S. (۲۰۰۰). Optimization of conditional value-at-risk. ***Journal of risk,*** ۲, ۲۱-۴۲.

۲۴. Sklar, M. (۱۹۵۹). Fonctions de répartition à n dimensions et leurs marges. **In** ***Annales de l'ISUP*** (Vol. ۸, No. ۳, pp. ۲۲۹-۲۳۱).

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٢٢٢-١٧٤
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# تدوین مدل بومی روزنامه نگاری بحران در رسانه ها برای مواجهه با بحران آب

**نرگس حسینی**[١]
**باقر ساروخانی**[٢]
**امیدعلی مسعودی**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۷/۲۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۹/۲۹)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

بحران آب در ایران ناشی از برداشت بیش از ظرفیت منابع تجدیدپذیر و کاهش محسوس منابع سطحی و زیرزمینی است که علی‌رغم پیامدهای گسترده، درک جامعی از آن در جامعه وجود ندارد. رسانه‌ها به عنوان نهادی تأثیرگذار، نقش کلیدی در آگاهی‌بخشی، مدیریت و پیشگیری از بحران آب دارند و توجه به روزنامه‌نگاری بحران در این حوزه ضروری است.

هدف این پژوهش، تدوین مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران برای مواجهه مؤثر رسانه‌ها با بحران آب در ایران است. روش تحقیق تلفیقی شامل بخش کیفی با به‌کارگیری روش دلفی (۵ راند،

١- دانشجو، گروه ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران
٢- استاد، گروه ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
saroukhani@soore.ac.ir
٣- استاد، گروه ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

۱۵ خبره شامل روزنامه‌نگاران، اساتید ارتباطات و کارشناسان آب) برای استخراج شاخص‌ها و ارائه الگوی مفهومی پژوهش، و بخش کمی با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و استفاده از تکنیک PLS-SEM بر مبنای داده‌های ۶۰ نفر از کارشناسان رسانه است.

یافته‌ها مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران را در پنج بعد مدیریت پایدار منابع آب، پیشگیری و آمادگی، فرهنگ‌سازی و فشار عمومی، چالش‌ها و موانع رسانه‌ای، و آگاهی‌بخشی و آموزش نشان می‌دهد. نتایج PLS-SEM، تأثیر مثبت این ابعاد بر مدیریت بحران آب را با ضریب تعیین R□= ۰.۶۲۲ و روابط معنادار (P<۰.۰۵ ) تأیید می‌کند. ابعاد "مدیریت پایدار منابع آب" و "پیشگیری و آمادگی" بیشترین اثرگذاری مثبت را داشته و نقش تقویت‌کننده در همسویی رسانه‌ها ایفا می‌کنند. در مقابل، بعد "چالش‌های مداخله رسانه‌ای" رابطه منفی با عملکرد کلی دارد که به‌عنوان عامل بازدارنده در انتقال پیام‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی رسانه‌ها عمل می‌کند. این مدل بومی می‌تواند به بهبود اطلاع‌رسانی، افزایش حساسیت عمومی، رفع موانع رسانه‌ای و سیاست‌گذاری مؤثر کمک کند و رسانه‌ها را از اطلاع‌رسان به کنشگر حکمرانی ارتقا می‌دهد.

**کلمات کلیدی:** روزنامه‌نگاری بحران، رسانه، بحران آب، مدیریت بحران، مدل بومی، ارتباطات بحران

## ۱- بیان مسئله

افزایش جمعیت، محدودیت منابع آب شیرین، آلودگی‌های فزاینده و هزینه‌های بالای تأمین آب سالم، بحران آب را به یکی از چالش‌های کلیدی جهانی تبدیل کرده است. تقریباً تمامی کشورها در سرتاسر جهان با مسائل مرتبط با کمیت و کیفیت منابع آب مواجه‌اند. عوامل متعددی نظیر رشد مصرف آب، سوء مدیریت منابع، توسعه شهرنشینی و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، بحران آب را به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدهای قرن بیست و یکم مطرح ساخته‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲؛ یونسکو، ۱۴۰۲).

در ایران، این بحران جدی‌تر بوده و علاوه بر مؤلفه‌های جهانی، چالش‌های خاصی در سطح ملی نیز وجود دارد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد سرانه مصرف آب کشور حدود ۲۳۳ لیتر در شبانه‌روز است که شامل مصارف خانگی، صنعتی و تجاری می‌باشد (شرکت آب و فاضلاب کشور، ۱۴۰۲). همچنین کاهش محسوس منابع سطحی و زیرزمینی آب و تشدید خشکسالی در مناطق شرقی کشور از عوامل اصلی بحران است .بر اساس معیارهای یونسکو، زمانی که سرانه

آب تجدیدپذیر به کمتر از هزار مترمکعب در سال برسد، کشور وارد بحران آب شده و کاهش به کمتر از ۵۰۰ مترمکعب تهدید جدی برای بقای مردم به شمار می‌رود (یونسکو، ۱۴۰۲).

با وجود وخامت وضعیت منابع آب در ایران، فهم جامع و مشترکی درباره بحران آب در جامعه وجود ندارد و این مسئله چالشی بزرگ برای سیاست‌گذاران و مدیران است. رسانه‌ها به عنوان یک نهاد تأثیرگذار اجتماعی می‌توانند نقش کلیدی در آگاه‌سازی عمومی و مدیریت بحران آب ایفا کنند، اما تاکنون تصویرسازی مطلوب و نظام‌مند از این بحران به وسیله رسانه‌ها صورت نگرفته است (خانیکی و موسوی، ۱۳۹۸).

بحران آب نیازمند مدیریت همه‌جانبه و استفاده از سازوکارهای نوین اطلاع‌رسانی و ارتباطی است. روزنامه‌نگاری بحران به عنوان رویکردی تخصصی در رسانه‌ها، می‌تواند نقش راهبردی در پیشگیری، مدیریت و کاهش پیامدهای این بحران ایفا کند. کارکرد رسانه‌ها در شرایط بحران، با شرایط عادی تفاوت داشته و نیازمند ساختارها و رویکردهای خاصی است که انعطاف‌پذیری، آموزش و فرهنگ‌سازی را شامل می‌شود.

از این رو، تحلیل جامع و عمیق روش‌ها و کارکردهای روزنامه‌نگاری بحران در مواجهه با مسأله آب، با هدف تدوین مدل بومی، یک نیاز مبرم علمی، اجتماعی و مدیریتی محسوب می‌شود. این پژوهش با سؤال اصلی زیر به دنبال پاسخگویی به این نیاز است:

رسانه‌های کشور چگونه می‌توانند با بهره‌مندی از رویکرد روزنامه‌نگاری بحران، در پیشگیری و مدیریت بحران آب ایفای نقش کنند؟

با توجه به فعالیت رسانه ای در ایران، منظور از روزنامه نگاری بحران ، صرفا محدود به فعالیت روزنامه نگاری در مطبوعات نیست بلکه به حرفه روزنامه نگاری در تمام رسانه های کشور اختصاص دارد و شامل فعالیت تمام خبرنگاران و روزنامه نگارانی است که در رسانه های کشور، در تهیه و انعکاس اخبار، تهیه گزارش های خبری و تحلیلی و یادداشت در رسانه ها نقش دارند.

با بررسی پیشینه پژوهش‌های مربوط به روزنامه‌نگاری بحران در ایران، مشاهده می‌شود که تمرکز عمده بر تحلیل محتوای رسانه‌ها و فریم‌بندی بحران آب بوده است، در حالی که الگو یا مدل ساختاری بومی برای هدایت عملکرد رسانه‌ها در مواجهه با بحران‌های زیست‌محیطی وجود ندارد. ازاین‌رو، این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های کیفی و کمی (دلفی و مدل‌سازی

معادلات ساختاری PLS-SEM) درصدد است تا با شناسایی شاخص‌ها و اعتبارسنجی روابط میان عوامل مؤثر، مدلی بومی برای روزنامه‌نگاری بحران تدوین کند.

### ۱-۱- پرسش‌های پژوهش

برای پاسخ به اهداف مذکور، پژوهش به سوالات زیر می‌پردازد:

۱. مؤلفه‌های اصلی و کلیدی روزنامه‌نگاری بحران در مواجهه با بحران آب در رسانه‌های ایران چه هستند و چگونه بومی‌سازی شده‌اند؟
۲. آیا و چگونه روابط ساختاری میان مؤلفه‌های شناسایی‌شده موجب بهبود عملکرد رسانه‌ها در مدیریت بحران آب می‌شوند؟
۳. مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران در رسانه‌های ایرانی چه ساختار و اجزایی دارد و چه روابط علّی میان مؤلفه‌ها برقرار است؟
۴. چه پیشنهادات کاربردی و سیاست‌گذاری مبتنی بر این مدل می‌تواند به ارتقای اثربخشی رسانه‌ها در مواجهه با بحران آب کمک کند؟

## ۲- پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در حوزه روزنامه‌نگاری بحران و مدیریت بحران آب از جنبه‌های مختلف علمی و عملی مورد توجه بوده است. روزنامه‌نگاری بحران، شاخه‌ای تخصصی از ارتباطات رسانه‌ای است که با هدف اطلاع‌رسانی سریع، دقیق و مسئولانه در شرایط بحرانی، تلاش می‌کند تا نه تنها مخاطب را از وضعیت خطر آگاه سازد بلکه با ایجاد همبستگی اجتماعی و کاهش زایمان‌های روانی بحران، نقش مهمی در مدیریت بحران ایفا نماید (فرقانی، ۱۳۸۸).

بررسی مطالعات گذشته نشان می‌دهد که در ایران با توجه به وقوع بحران‌های متعدد طبیعی، اجتماعی و اقتصادی، روزنامه‌نگاری بحران به صورت شرایطی و موردی رشد یافته ولی هنوز فاقد چارچوب‌های نظری و عملی جامع و بومی برای پوشش مستمر بحران‌هایی مانند بحران آب است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۹). در این میان توجه خاص به بحران آب به دلیل نقش حیاتی آن در توسعه پایدار، سلامت و امنیت اجتماعی کشور اهمیت فراوان دارد.

مطالعات داخلی و خارجی صادراتی و بومی‌شده در این زمینه، ضمن ارائه دیدگاه‌های متفاوت و مدل‌های مفهومی گوناگون، بر ضرورت تقویت ظرفیت‌های رسانه‌ای و همگرایی رسانه‌های

سنتی و نوین برای مقابله کارآمد با بحران‌ها به ویژه بحران‌های زیست‌محیطی تاکید دارند (قاسمی، ۱۴۰۲؛ Brevini, ۲۰۲۲) .همچنین، پژوهش‌ها بر اهمیت سیاستگذاری رسانه‌ای هوشمندانه، مدیریت اطلاعات و آموزش تخصصی خبرنگاران بحران برای ارتقای کیفیت پوشش خبری تاکید کرده‌اند (رحیمی، ۱۴۰۲).

- هرچند پژوهش‌های داخلی به جنبه‌های مختلف بحران آب در رسانه‌ها پرداخته‌اند، اما غالباً به مرورهای موردی و تحلیلی اکتفا کرده و به مدل‌های نظام‌مند و بومی روزنامه‌نگاری بحران توجه کمتری شده است.
- چالش‌هایی مانند ضعف در آموزش خبرنگاران بحران، کمبود همگرایی میان رسانه‌های سنتی و نوین، و نیاز به کاربرد رسانه‌های نوین در فرهنگ‌سازی پیامدهای بحران آب به وضوح در پژوهش‌ها دیده می‌شود.
- اهمیت حیطه پیشگیری و آگاهی‌بخشی که در مدل مفهومی این پژوهش نقش مرکزی دارد، در متون داخلی کمتر مورد تاکید قرار گرفته که این پژوهش در تلاش است این خلأ اساسی را پر کند.

مطالعات بین‌المللی در زمینه روزنامه‌نگاری بحران آب و مدیریت منابع آبی به شکل گسترده و متنوع با رویکردهای علمی، تجربی و تحلیلی انجام شده است؛ این پژوهش‌ها چارچوب‌های نظری، مدل‌های کاربردی، و تجارب سازنده‌ای را عرضه کرده‌اند که الگویی ارزشمند برای پژوهش حاضر محسوب می‌گردند. این تحقیقات بر پوشش رسانه‌ای بحران آب، تعامل میان رسانه‌های نوین و سنتی، اثرگذاری بر افکار عمومی، و تحلیل چالش‌های مرتبط با اخبار و داده‌های عمومی تأکید دارند.

مطالعات خارجی بازتاب‌دهنده یک نگرش جامع به بحران آب و نقش رسانه‌ها در سطح جهانی هستند. این پژوهش‌ها:

- اهمیت نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی ادراک عمومی و آموزش درباره بحران آب را برجسته کرده‌اند؛
- به بررسی چالش‌های ساختاری، سیاست‌گذاری رسانه‌ای و فشارهای اقتصادی – سیاسی بر روزنامه‌نگاری بحران پرداخته‌اند؛

- بر لزوم همگرایی رسانه‌های سنتی و نوین و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی تاکید دارند؛
- مدل‌ها و چارچوب‌های نظری متنوعی معرفی شده است که می‌تواند به بومی‌سازی مدل پژوهش حاضر کمک کند.

## ۲-۱- مطالعات جدید در نقش رسانه‌ها در بحران آب ایران

در سال‌های اخیر، بحران آب در ایران به شکل بی‌سابقه‌ای تشدید شده و رسانه‌ها نقش حیاتی و تاثیرگذاری در پوشش، اطلاع‌رسانی و مدیریت این بحران ایفا کرده‌اند. گزارش الجزیره در سال ۲۰۲۵ درباره قطعی‌های مکرر و گسترده آب در تابستان ۱۴۰۴، نشان‌دهنده تأثیر بالای پوشش رسانه‌ای در ایجاد آگاهی عمومی و فشار اجتماعی بر نهادهای تصمیم‌گیر است تا تدابیر مؤثرتری در مدیریت بحران اتخاذ کنند .[۱]این گزارش بحران آب در کلان‌شهرهایی مانند تهران را به‌عنوان چالشی امنیتی و اقتصادی معرفی کرده که پیامدهای آن بر زندگی روزمره مردم و تولیدات کشاورزی برق‌آسا است.

مطالعه NPR خاطرنشان می‌کند که ضعف مدیریت سدها و منابع آب به‌همراه ناهماهنگی‌های میان دستگاه‌های اجرایی، موجب افزایش آسیب‌پذیری کشور شده است. در این راستا، این رسانه بر ضرورت تاکید بر هشدارهای زودهنگام و اطلاع‌رسانی شفاف و علمی توسط رسانه‌ها پای فشرده است که با مولفه‌های آموزش و فرهنگ‌سازی در مدل‌های روزنامه‌نگاری بحران همخوانی دارد.[۲]

مطالعات پژوهشی علمی مانند «دیپلمات آب» نیز تعداد زیادی از استان‌های کشور را در وضعیت خشکسالی شدید معرفی می‌کند و بر اهمیت استفاده از رسانه‌های جدید، به ویژه رسانه‌های اجتماعی، در آموزش و افزایش سواد آبی و ایجاد فشارهای مدنی و اجتماعی جهت بهبود سیاستگذاری‌ها تأکید می‌ورزد. این مطالعات نشان می‌دهد که رسانه‌ها با بهره‌گیری از مدل‌های سازگاری می‌توانند نقش مدرسه عمومی برای جامعه ایفا کنند و از گسترش بحران‌های احتمالی

---

[۱] - Al Jazeera, ۲۰۲۵

[۲] - NPR, ۲۰۲۵

جلوگیری نمایند[۱].

این روند افزایشی حضور رسانه‌های نوین، به ویژه شبکه‌های اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌دهی گفتمان عمومی بحران آب داشته و فرصت‌های تازه‌ای برای پیوند میان رسانه، جامعه و سیاست‌گذار ایجاد کرده است.

بر اساس این یافته‌ها، تقویت همکاری بین رسانه‌های سنتی و نوین، ارتقای آموزش تخصصی خبرنگاران بحران و به‌روزرسانی مدل مفهومی روزنامه‌نگاری بحران آب در ایران، از مهم‌ترین الزامات پژوهش و عمل در سال‌های آتی است که به توسعه پوشش رسانه‌ای منسجم، علمی و فراگیر کمک می‌کند.

## ۲-۲- زمینه زیست‌محیطی بحران آب

ایران کشوری با اقلیم خشک تا نیمه‌خشک است که تحت تاثیر نوسانات آب و هوایی و تغییرات اقلیمی گسترده قرار دارد. مطالعات هواشناسی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، میزان بارش‌ها به طور میانگین تا ۴۰ درصد نسبت به دوره‌های پیشین کاهش یافته است. بیش از ۹۰ درصد کشور نیز با پدیده خشکسالی مواجه است که موجب کاهش منابع آبی سطحی و زیرسطحی و خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها از جمله دریاچه ارومیه شده است (سازمان هواشناسی ایران، ۱۴۰۴؛ Al Jazeera, ۲۰۲۵).

عوامل تغییر اقلیم موثر بر تشدید بحران شامل افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو، نوسانات خورشیدی، و دیگر تغییرات طبیعی آب و هوایی است که متاثر از فعالیت‌های انسانی با سرعتی بی‌سابقه در حال گسترش است.[۲] این تغییرات موجب اختلال در الگوهای بارش منطقه‌ای و افزایش دما شده که پیامدهای شدید زیست‌محیطی نظیر بیابان‌زایی، فرسایش خاک و کاهش تنوع زیستی به دنبال دارد.

شواهد علمی از طریق تحلیل گرده‌افشانی و مطالعات زمین‌شناسی همچون دوره‌های یخبندان

---

[۱] - Water Diplomat,۲۰۲۵

[۲] - IPCC, ۲۰۲۳

نشان می‌دهند که تغییرات اقلیمی پیشین نیز بر وضعیت آب ایران تأثیر داشته‌اند، اما نرخ و شدت تغییرات کنونی بواسطه عوامل انسانی بسیار بالاتر است. [۱] این اطلاعات فنی ضمن ارائه بنیان علمی، اهمیت نقش رسانه‌ها در بازنمایی دقیق و مستند بحران آب را پررنگ می‌سازد.

به‌علاوه، سوءمدیریت منابع آب، برداشت‌های بی‌رویه، و کم‌توجهی به سیاست‌های پایدار از عوامل غیر اقلیمی کلیدی تشدید کننده بحران به شمار می‌روند که ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بحران آب ایران را شکل می‌دهند (فاضلی، ۱۴۰۳).

بر این اساس، رسانه‌ها با ایجاد گفتمان مناسب و آگاهی‌بخشی هدفمند می‌توانند در تغییر رفتار مصرفی و ایجاد فشار بر سیاستگذاران نقش اساسی ایفا کنند.

## ۳- چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری در این پژوهش برای هدایت فرآیند شناسایی مؤلفه‌های مفهومی و تدوین ابزار دلفی به‌کار رفته است و برای آزمون فرضیه‌ها نیست.

چارچوب نظری این تحقیق بر مبنای نظریه‌های ارتباطات انتخاب شده است که نقش محوری رسانه‌ها را در شکل‌دهی نگرش عمومی و مدیریت بحران آب تبیین می‌کند. از میان نظریه‌های متنوع، نظریه برجسته سازی به عنوان نظریه اصلی چارچوب نظری در این پژوهش برگزیده شده است، چرا که این نظریه به خوبی نشان می‌دهد رسانه‌ها چگونه می‌توانند با اولویت‌دهی به موضوع بحران آب، توجه عمومی و سیاستگذاران را به آن جلب کنند.

نظریه برجسته سازی، چارچوب اصلی بعد پیشگیری و آگاهی‌بخشی در مدل پنج‌بعدی پایان‌نامه است. رسانه‌ها با تعیین اولویت‌هایی مانند بحران آب و آموزش مدیریت مصرف، این بعد مدل را تقویت می‌کنند. نظریه چارچوب‌بندی نیز با ارائه قالب‌های متفاوت مشکلات بحران، ابعاد فرهنگ‌سازی و فشار عمومی را شکل می‌دهد و در نهایت موجب همگرایی و بسیج عمومی برای فشار بر نهادهای مسئول می‌شود. این دو نظریه به طور موثری پایه‌های نظری مدل را می‌سازند و رسانه‌ها را از مرحله گزارش صرف به بازیگر فعال تبدیل می‌کنند.

### نظریه برجسته سازی

نظریه برجسته سازی بیان می‌کند که رسانه‌ها با تعیین اولویت‌های خبری، موضوعات مشخصی را

---

[۱] - Amiraslani & Dragovich, ۲۰۲۱

برجسته می‌کنند و این امر باعث می‌شود که مخاطبان این موضوعات را مهم‌تر و دارای اولویت بدانند. در زمینه بحران آب، رسانه‌ها می‌توانند با متمرکز ساختن توجه رسانه‌ای روی مسائل بحران آب، انگیزه‌های لازم برای فرهنگ‌سازی، تغییر رفتار و سیاستگذاری توسعه پایدار را فراهم آورند.

این نظریه در بسیاری از پژوهش‌های بحران محیط زیستی به اثربخشی خود رسیده است و نشان داده که رسانه‌ها ضمن انتخاب و برجسته‌سازی اخبار خاص، قادر به تغییر نگرش و رفتار عمومی در مسیر مقابله با بحران هستند.

**تلفیق با نظریه‌های دیگر**

- چارچوب‌بندی (Framing): رسانه‌ها نه تنها موضوعات را انتخاب می‌کنند بلکه از طریق قاب‌بندی خبری، نوع برداشت و تفسیر مخاطب نسبت به بحران را شکل می دهند. این موضوع در بحران آب اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که نحوه بیان مشکل و راهکارها می‌تواند تأثیرگذار بر ارزیابی عمومی و سیاستگذاری باشد.
- **نظریه روزنامه‌نگاری بحران (SCCT و اقتضایی):** این نظریه‌ها پیامدهای پاسخگویی متناسب، حفظ اعتماد عمومی و مدیریت پیام‌های رسانه‌ای در بحران را بررسی کرده و برای پوشش بحران آب کمک‌کننده‌اند.
- **نظریه همگرایی رسانه‌ای :**همگرایی فرهنگ و تکنولوژی رسانه‌ای را تشریح می‌کند و در شرایط کنونی ایران که رسانه‌های سنتی و نوین در کنار هم برای پوشش بحران آب فعالیت می‌کنند، می‌تواند چارچوب مناسبی برای تحلیل تعامل این رسانه‌ها و اثربخشی آن‌ها باشد.

**تطبیق چارچوب نظری با مدل مفهومی پژوهش**

۱. **رسانه‌ها به‌عنوان راس مثلث مدل مفهومی و نظریه برجسته سازی[۱]:**

نظریه برجسته سازی به نقش رسانه‌ها در اولویت‌بندی موضوعات و جلب توجه افکار عمومی و

---

[۱] - Agenda-Setting

سیاستگذاران تأکید دارد. این نظریه کاملاً با جایگاه رسانه‌ها در مدل مفهومی که در رأس مثلث قرار دارند و نقش واسطه‌ای، آموزشی و هدایت‌گر افکار عمومی را ایفا می‌کنند، همخوانی دارد. رسانه‌ها از طریق پیام‌ها و اولویت‌دهی به بحران آب، زمینه اطلاع‌رسانی و پیشگیری را فراهم می‌کنند که مدل مفهومی آن را به‌صورت یکی از ابعاد راهبردی (پیشگیری و آگاهی‌بخشی) نشان می‌دهد.

### ۲. افکار عمومی و نظریه چارچوب‌بندی[۱]:

در مدل مفهومی، افکار عمومی نقشی مهم و فعال به عنوان بازتاب‌دهنده و فشار به مدیران بحران دارد. نظریه چارچوب‌بندی که نحوه ارائه و تعبیر اخبار توسط رسانه‌ها را بررسی می‌کند، به تحلیل شکل‌گیری این نگرش‌ها می‌پردازد .رسانه‌ها با قاب‌بندی موضوع بحران آب، برداشت‌های جامعه را شکل داده و گفتمان بحران را ایجاد می‌کنند. این همگرایی به‌ویژه در بعد فرهنگ‌سازی و فشار عمومی مدل مفهومی نمود دارد.

### ۳. نظریه‌های روزنامه‌نگاری بحران و مدیریت پایدار منابع در مدل[۲]:

مدیریت پایدار منابع آب که در مدل مفهومی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابعاد شناخته می‌شود، نیازمند واکنش‌های استراتژیک، پاسخگو و هماهنگ رسانه‌هاست .نظریه‌های روزنامه‌نگاری بحران بر انطباق پیام‌ها به موقع و حفظ اعتماد عمومی تأکید دارند که در مدل به نقش رسانه‌ها در تنظیم پیام‌ها و هدایت افکار عمومی در بحران اشاره شده است. این موضوع به بعد چالش‌ها و مداخلات رسانه‌ای نیز مرتبط است که محدودیت‌ها و موانع را در پوشش بحران بیان می‌کند.

### ۴. نظریه همگرایی رسانه‌ای و تعامل رسانه‌های سنتی و نوین در مدل مثلثی:

مدل مفهومی با نمایش تعامل و ارتباط دوسویه بین رسانه‌های سنتی و نوین و افکار عمومی و همچنین بحران آب، نشان‌دهنده اهمیت همگرایی رسانه‌هاست .نظریه فرهنگ همگرایی می‌تواند فرآیند تلفیق رسانه‌های سنتی و دیجیتال را در این مدل تبیین کرده و بر اهمیت مشارکت عمومی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای پوشش مؤثر بحران تأکید نماید. این همگرایی در ابعاد

---

[۱] - Framing

[۲] - Contingency Theory, SCCT

آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی و مدیریت پایدار در مدل مشهود است.

### ۵. ابعاد راهبردی مدل و تلفیق نظریه‌ها:

ابعاد پنج‌گانه مدل مفهومی نظیر پیشگیری و آمادگی، آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی و مدیریت پایدار در سطوح مختلف توسط نظریه‌های ارتباطات و روزنامه‌نگاری بحران مدون شده‌اند و به صورت عملی و نظری به هم پیوسته‌اند. این ترکیب چارچوب منسجم نظری-عملی را برای پژوهش فراهم می‌کند.

بنابراین چارچوب نظری «نظریه برجسته سازی» به عنوان محور اصلی، در ترکیب با نظریه‌های چارچوب‌بندی، روزنامه‌نگاری بحران و همگرایی رسانه‌ای، بسیار مناسب و متناسب با مدل مفهومی پنج‌بعدی این پژوهش است. این چارچوب از سویی نقش رسانه‌ها را در مدیریت و پیشگیری بحران به صورت کامل پوشش می‌دهد و از سوی دیگر، تعامل پیچیده رسانه‌ها، افکار عمومی و بحران آب ایران را در سیستم مدل مفهومی روشن کرده است.

## ۳-۱- مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی این پژوهش چارچوبی نظری و عملی برای طراحی مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران در رسانه‌های ایران است که تمرکز آن بر مدیریت و پیشگیری از بحران آب قرار دارد. این مدل، بر اساس ادبیات نظری روزنامه‌نگاری بحران، نظریه‌های ارتباطات، یافته‌های تحلیل محتوا، روش دلفی با مشارکت ۱۵ خبره و مدل‌سازی معادلات ساختاری ۶۰ نفر جامعه آماری، تهیه شده است. هدف از این مدل، ارائه راهکاری کاربردی، متناسب با شرایط زیست‌محیطی، جامعه‌شناسی و فرهنگی ایران جهت ایفای نقش مؤثر رسانه‌ها در بحران آب است.

### ساختار مدل

مدل به صورت مثلث متساوی‌الاضلاع طراحی شده که سه ضلع آن نمایانگر اجزای اصلی تعامل در بحران آب هستند:

- **رسانه‌ها :**رسانه‌های سنتی و نوین که نقش اطلاع‌رسانی دقیق، آگاهی‌بخشی و هدایت افکار عمومی را دارند. رسانه‌ها با استفاده از رویکرد روزنامه‌نگاری بحران، بحران‌های پنهان را تبدیل به بحران‌های آشکار می‌کنند.

- **افکار عمومی :**نماینده جامعه و بازتاب‌دهنده واکنش‌های مشارکتی، فشار و نقد در برابر مدیریت بحران است که نقش اساسی در شکل‌دهی گفتمان بحران و فشار به سیاستگذاران دارد.
- **موضوع بحران آب :**محرک اصلی تعامل در مدل است؛ بحران آب ایران با کاهش منابع و بارش، خشکسالی و سوءمدیریت گسترده شکل گرفته و اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی گسترده‌ای دارد.

فلش‌های دوطرفه، تعامل فعال، اطلاع‌رسانی و بازخورد بین اضلاع را نمایش می‌دهد که متکی بر نقش کلیدی رسانه‌ها به عنوان میانجی و اهرم تغییر در مواجهه با بحران هستند.

**ابعاد پنج‌گانه راهبردی**

دور تا دور مثلث، پنج بعد راهبردی قرار گرفته است که از تحلیل محتوا و دلفی استخراج شده و نمایانگر راهکارهای عملی برای همسویی رسانه با بحران است:

- **پیشگیری و آمادگی :**اطلاع‌رسانی درباره وضعیت منابع و ترویج مصرف بهینه با ضریب مسیر ۰.۳۷۸ که اهمیت بالای پیشگیری را نشان می‌دهد.
- **آگاهی‌بخشی و آموزش :**انتشار داده‌های دقیق و آموزش عمومی، با ضریب ۰.۱۱۸ که نیاز به تقویت دارد.
- **فرهنگ‌سازی و فشار عمومی :**ایجاد گفتمان مشارکتی و ترویج مدیریت پایدار آب، ضریب ۰.۳۵۶.
- **مدیریت پایدار منابع آب :**اعمال فناوری‌های نوین و اصلاح الگوهای مصرف، با ضریب ۰.۴۰۶، اولویت اصلی مدل.
- **چالش‌ها و مداخله رسانه‌ای :**محدودیت‌ها، سانسور و ضعف‌های ساختاری، ضریب ۰.۲۶۶.

این ابعاد با استفاده از خطوط نقطه‌چین به مرکز مثلث وصل شده و نشان دهنده تأثیر آن‌ها بر تعامل سه‌گانه هستند.

**راهبردهای رسانه‌ای مدیریت بحران**

چهار سطح راهبردی رسانه‌ها در مواجهه با بحران عبارت‌اند از:

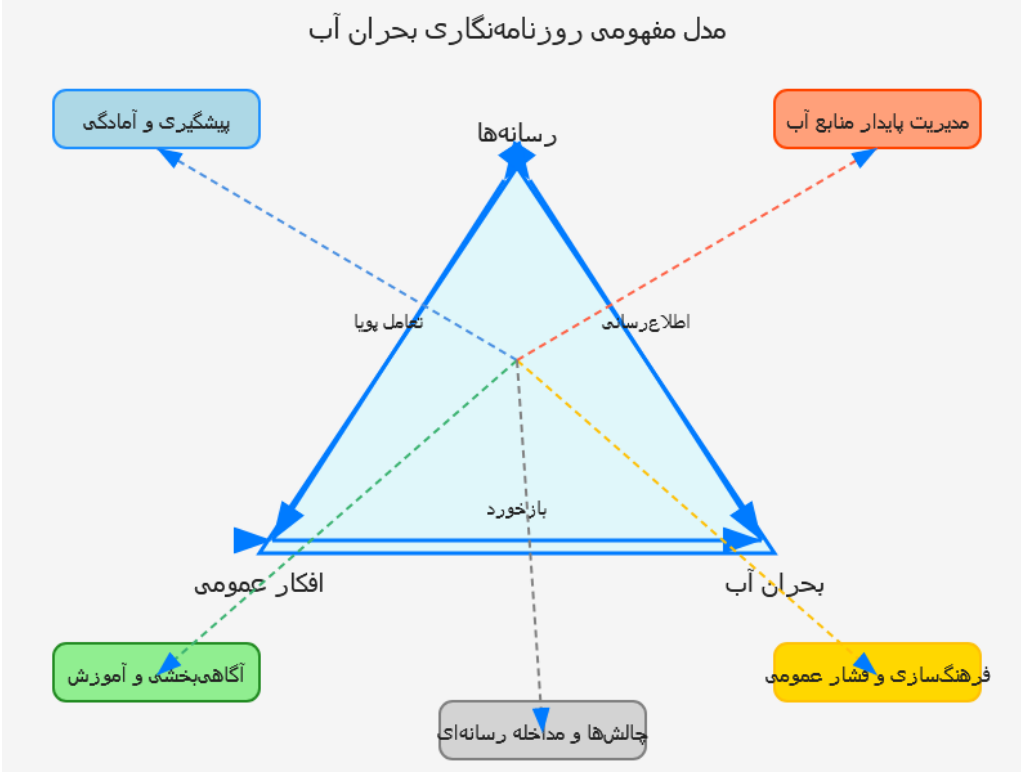
- **انفعالی :**نادیده‌گرفتن یا کم اهمیت جلوه دادن بحران.

- **واکنشی :**پاسخ‌های محدود به فشارها بدون نگاه بلندمدت.
- **فعال :**ورود فوری و استفاده مؤثر از رسانه برای کنترل بحران.
- **فوق فعال :**نگرش فرصت‌ساز، پیش‌بینی و بهره‌برداری از بحران.

این راهبردها در رابطه مستقیم با ابعاد مدل بوده و کارکرد استراتژیک رسانه‌ها را در سطح مدیریت بحران مشخص می‌کنند.

## بومی‌سازی و نمونه‌های ایرانی

مدل با مثال‌های بومی از قبیل بحران دریاچه ارومیه (نمونه فرهنگ‌سازی و فشار عمومی)، قنات‌ها (نماد پیشگیری و مدیریت پایدار) و اعتراضات قطعی آب تهران (نمونه مشارکت و فشار افکار عمومی) تقویت شده است.




**شکل ۱. مدل مفهومی روزنامه نگاری بحران آب (منبع: یافته های پژوهش)**

## ٤- روش پژوهش

با توجه به ماهیت چندبعدی موضوع نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران آب، پژوهش حاضر از **رویکرد تلفیقی یا آمیخته**(Mixed Methods Research) بهره گرفته است. این رویکرد به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا هم از داده‌های کیفی و هم داده‌های کمی به‌صورت مکمل استفاده کند؛ یعنی عمق و دقت را در کنار یکدیگر قرار دهد.

در بخش کیفی، از **روش دلفی** برای جمع‌آوری و تحلیل دیدگاه‌های خبرگان رسانه، مدیران و متخصصان حوزه آب بهره برده شده است تا مولفه های کلیدی عملکرد رسانه‌ها استخراج و اجماع شود. روش دلفی فرآیندی چندمرحله‌ای است که طی آن پرسشنامه محقق‌ساخته در چند راند متوالی میان متخصصان توزیع می‌شود تا به توافق و وفاق نظری قابل اتکایی برسد.

در مرحله کمی، مدل مفهومی حاصل از داده‌های کیفی، با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته در میان جامعه‌ای از کارشناسان رسانه‌ای سنجیده و اعتبارسنجی شده است. برای تحلیل داده‌های کمی از با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و استفاده از تکنیک PLS-SEM استفاده شده است. این روش امکان سنجش و اعتبارسنجی روابط میان ابعاد مدل مفهومی را در قالب ضرایب مسیر، شاخص‌های روایی، پایایی و برازش کلی مدل فراهم آورده است.

### ۴-۱- مراحل اجرایی روش دلفی

در پژوهش حاضر، روند اجرای روش دلفی به پنج راند متوالی تقسیم شده است، که هر راند با هدف خاصی انجام شده تا اعتبار و دقت شاخص‌ها افزایش یابد:

| راند | هدف و فعالیت اصلی |
|---|---|
| ۱ | شناسایی اولیه شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش از طریق پرسش‌نامه اولیه براساس تحلیل ادبیات و محتوای کیفی |
| ۲ | ارائه نتایج راند اول به خبرگان به صورت خلاصه، دریافت بازخورد و اصلاح پرسش‌نامه |
| ۳ | ارائه نسخه ویرایش شده پرسش‌نامه، جمع‌آوری نظرات و اعتبارسنجی بیشتر |
| ۴ | ارائه بازخورد به خبرگان، شفاف‌سازی اختلافات و حذف یا تعدیل شاخص‌های نامعتبر |
| ۵ | رسیدن به اجماع نهایی و تثبیت شاخص‌های نهایی برای تدوین مدل مفهومی |

**نمودار مراحل روش دلفی**




## کارشناسان دلفی ؛ اعضای پنل

در اجرای روش دلفی، یکی از مراحل کلیدی انتخاب و معرفی اعضای پنل خبره است که اعتبار و اعتمادپذیری نتایج را تضمین می‌کند. در این پژوهش، پنل دلفی شامل ۱۵ نفر از خبرگان حوزه روزنامه‌نگاری بحران، علوم ارتباطات، و مدیریت بحران است که بر اساس تجربه، تخصص و مرتبط بودن با موضوع تحقیق انتخاب شده‌اند.

به منظور حفظ محرمانگی و رعایت اصول اخلاقی در پژوهش، اسامی این خبرگان حذف شده و به جای آن‌ها کدگذاری شده است. جدول ۳-۱، مشخصات کلی کارشناسان را شامل حوزه تخصص، سابقه کاری و موقعیت سازمانی نمایش می‌دهد.

**جدول ۱- اعضای پنل دلفی**

| کد کارشناس | تخصص | سابقه کاری (سال) | موقعیت سازمانی |
|---|---|---|---|
| D۱ | روزنامه‌نگاری | ۱۲ | خبرنگار ارشد |
| D۲ | علوم ارتباطات | ۱۵ | استاد دانشگاه |
| D۳ | مدیریت بحران | ۱۰ | مدیر پروژه |
| ... | ... | ... | ... |

این پنل خبره طی ۵ راند پرسشنامه‌های ساختاریافته به منظور رسیدن به اجماع در خصوص شاخص‌های روزنامه‌نگاری بحران مشارکت داشت. انتخاب اعضا با توجه به معیارهای زیر صورت گرفته است:

- حداقل ۵ سال سابقه مرتبط در حوزه تخصصی
- داشتن تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر
- تجربه عملی و علمی در موضوع بحران آب و رسانه

پرسشنامه‌ها به صورت ناشناس ارسال و دریافت شد تا اعضا بتوانند آزادانه نظرات خود را ابراز

نمایند و اثر فشار اجتماعی کاهش یابد. در هر راند، نتایج تحلیل پاسخ‌ها و بازخوردها برای اعضا ارسال شد و آن‌ها فرصت بازنگری نظرات پیشین را داشتند تا در نهایت به توافق علمی برسند.

### ۴-۲- مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و استفاده از تکنیک PLS-SEM ؛ روش تحقیق در بخش کمی پژوهش

بخش کمی این پژوهش با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) انجام شده است که به دلیل توانایی کارآمدی در نمونه‌های کوچک و داده‌های غیرنرمال، برای تحلیل مدل پیشنهادی انتخاب گردید.

بخش کمی پژوهش با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)[۱] و بهره‌گیری از تکنیک حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM )[۲] انجام شده است.

روش SEM یکی از روش‌های قدرتمند در تحلیل داده‌های کمی است که قابلیت مدل‌سازی روابط میان متغیرهای پنهان و مشاهده‌شده را داراست .[۳] تکنیک PLS-SEM زیرمجموعه‌ای از SEM است که برای نمونه‌های کوچک، داده‌های غیرنرمال و مدل‌های اکتشافی مناسب‌تر می‌باشد [۴].

از این رو، PLS-SEM به دلیل ویژگی‌های کاربردی خود در حوزه علوم ارتباطات و میزبان نمونه نسبتاً کوچک (۶۰ نفر) انتخاب گردید.

از طریق این تکنیک، می‌توان به بررسی ساختار مفهومی مدل نهایی، تعیین ضرایب مسیر و برازش مدل پرداخت و قدرت پیش‌بینی مدل را ارزیابی کرد [۵].

---

[۱] - Structural Equation Modeling

[۲] - Partial Least Squares SEM

[۳] - Hair et al,۲۰۱۹

[۴] - Henseler et al,۲۰۱۵

[۵] - SmartPLS,۲۰۱۹ Chin,۲۰۱۰

**نمودار مراحل تکنیک PLS-SEM**




### ٤-۳- جامعه مورد مطالعه و روش نمونه گیری پژوهش

پژوهش حاضر به دلیل رویکرد تلفیقی خود، جامعه مورد مطالعه را به دو بخش عمده تقسیم کرده است:

**بخش کیفی :** جامعه مورد مطالعه شامل خبرگان حوزه (روزنامه‌نگاران، اساتید ارتباطات، کارشناسان آب) که آمار کل آن‌ها نامعلوم است. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل ۱۵ نفر خبرگان و متخصصانی است که دارای دانش و تجربه مرتبط با روزنامه‌نگاری بحران و

مدیریت منابع آب می‌باشند .این افراد بر اساس معیارهای تخصصی از جمله حداقل ۵ سال سابقه حرفه‌ای، تحصیلات کارشناسی ارشد یا بالاتر، و سابقه کار در زمینه بحران آب یا رسانه انتخاب شده‌اند. این گروه در طول ۵ راند روش دلفی، اجماع نظری برای شناسایی شاخص‌های مدل بومی را شکل دادند.

**نمونه‌گیری هدفمند (کیفی):** این روش پژوهشگر را قادر می‌سازد تا بر اساس دانش تخصصی، افرادی با بیشترین قابلیت و اطلاعات مرتبط را انتخاب کند. نمونه‌گیری هدفمند به دلیل توانایی جمع‌آوری داده‌های عمیق و دقیق، برای بخش کیفی و اجرای روش دلفی بسیار مناسب است.

نمونه‌گیری هدفمند یکی از روش‌های نمونه‌گیری غیرتصادفی است که پژوهشگر بر اساس قضاوت تخصصی و معیارهای مشخص، افرادی را انتخاب می‌کند که بیشترین توان و قابلیت را برای ارائه اطلاعات دقیق و مرتبط با موضوع پژوهش دارند[۱]. این روش به پژوهشگران امکان می‌دهد تا با صرفه‌جویی در زمان و منابع، نمونه‌ای از شرکت‌کنندگان با تجربه و دانش کافی در زمینه موضوع تحقیق فراهم کنند.

در این پژوهش، انتخاب ۱۵ نفر از خبرگان شامل روزنامه‌نگاران با سابقه، استادان ارتباطات، و مهندسان وزارت نیرو و جهاد کشاورزی که در مناطق بحران‌زده مانند دریاچه ارومیه فعالیت دارند، به عنوان نمونه هدفمند صورت گرفته است. این انتخاب با هدف بهره‌گیری از تخصص و آشنایی عمیق ایشان با مسئله بحران آب و فضای رسانه‌ای مرتبط انجام شده است.

## جامعه مورد مطالعه در بخش کمی :

جامعه مورد مطالعه بخش کمی پژوهش شامل کارشناسان، پژوهشگران و فعالان حوزه رسانه، روزنامه‌نگاری بحران و مدیریت منابع آب در ایران است. این جامعه به دلیل تخصصی بودن موضوع، محدود و متمرکز بر گروهی از افراد آگاه و ذی‌ربط است که به واسطه تجربه و دانش خود می‌توانند در اعتبارسنجی مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران، نقش حیاتی ایفا کنند.

در بخش کمی، جامعه مورد مطالعه شامل کارشناسان فعال در حوزه رسانه و روزنامه‌نگاری بحران است. با توجه به اینکه جامعه آماری دقیق و مشخصی در دست نبود، از روش

---

[۱] - Marshall & Rossman,۲۰۰۶

**نمونه‌گیری غیرتصادفی و در دسترس**[۱] استفاده شد. نمونه نهایی این بخش ۶۰ نفر بود که قادر به پاسخگویی به پرسشنامه مدل‌سازی معادلات ساختاری بودند و این تعداد با توجه به استانداردهای روش PLS-SEM و مقاله‌های مرجع کافی تلقی شده است. برای تعین حجم نمونه، از فرمول کوکران که برای نمونه‌گیری از جامعه‌های محدود طراحی شده استفاده گردید. سطح اطمینان ۹۵ درصد (با ضریب t برابر ۱.۹۶)، خطای نمونه‌گیری ۵ درصد و (حداکثر واریانس۰/۵=p=q ) در نظر گرفته شد که نتیجه آن حجم نمونه مطلوب ۸۰ نفر به دست آمد.

با این وجود، به دلیل محدودیت دسترسی و پاسخگویی، پاسخ‌های کامل ۶۰ پرسشنامه از این جامعه دریافت شده است که برای تحلیل‌های آماری به خصوص مدل‌سازی معادلات ساختاری (PLS-SEM)کفایت می‌کند. بر اساس استانداردهای روش‌شناسی، نمونه‌گیری غیرتصادفی و در دسترس با انتخاب افرادی که حداقل دارای ۵ سال سابقه فعالیت در رسانه‌های تخصصی بحران و حوزه منابع آب هستند، انجام شده است که تضمین کننده نمایندگی نمونه نسبت به جامعه هدف است.

این انتخاب نمونه مبتنی بر تخصص و تجربه است و از طریق مراجعه به انجمن‌های مرتبط، مراکز تحقیقاتی و رسانه‌های فعال در حوزه بحران آب انجام شد. این رویکرد، اعتبار داده‌ها و کاربردی بودن نتایج مدل را بهبود می‌بخشد.

## ۵- یافته های تحقیق (تجزیه و تحلیل داده‌ها)

**۵-۱-تحلیل داده‌های کیفی:** روش دلفی یک فرآیند ساخت‌یافته و تکرارشونده جمع‌آوری نظرات گروهی از خبرگان است که معمولاً برای تحلیل موضوعات پیچیده و ناشناخته کاربرد دارد. در این پژوهش، دلفی با مشارکت ۱۵ خبره طی ۵ راند انجام شد تا اجماع نظری در شناسایی و پالایش شاخص‌ها برای مدل مفهومی تحقیق حاصل شود.

---

[۱] - **convenience sampling**

**جدول ۲- جدول شاخص‌های اولیه دلفی (۵۰ شاخص اولیه)**

| ردیف | بعد | شاخص |
|---|---|---|
| ۱ | **پیشگیری و ایجاد آمادگی** | تشویق و هدایت شهروندان، کشاورزان، دانش‌آموزان به مصرف بهینه و درست |
| ۲ | | تشویق دستگاه‌های مرتبط با حوزه آب و کشاورزی به اصلاح الگوی کشت و روش‌های مکانیزه کشت |
| ۳ | | اطلاع‌رسانی دقیق درباره وضعیت موجود آب |
| ۴ | | تعمیق همبستگی اجتماعی با ایجاد آمادگی در شهروندان |
| ۵ | | فعالیت درباره مدیریت منابع آب |
| ۶ | | مشارکت خیرین در توجه به زیرساخت‌های آب |
| ۷ | | پرداختن به اهمیت منابع آب در اقتصاد مقاومتی |
| ۸ | | آگاه‌سازی درباره هزینه‌های گران استحصال |
| ۹ | | آموزش دیجیتال و محتوای تعاملی در زمینه مدیریت منابع آب |
| ۱۰ | | کاربرد فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیاء در کنترل مصرف آب |
| ۱۱ | | توسعه برنامه‌های مشارکتی با هدف تشویق تعامل عمومی و خصوصی در حفظ منابع آب |
| ۱۲ | **آگاهی‌بخشی و آموزش** | منتشر کردن مقالات و گزارش‌های آماری درباره روش‌های صرفه‌جویی در مصرف آب |
| ۱۳ | | معرفی فناوری‌ها و روش‌های نوین در زمینه آب |
| ۱۴ | | دوره‌های آموزشی برای کشاورزان، صنعتگران و جامعه محلی |
| ۱۵ | | تولید محتوا درباره روش‌های مدیریت آب در خانه و محل کار |
| ۱۶ | | ترویج عمومی روش‌های صرفه‌جویی در مصرف آب |

| | | |
|---|---|---|
| ۱۷ | | طراحی برنامه‌ها با همکاری متخصصین آب و رسانه‌ها |
| ۱۸ | | ارائه اطلاعات در مورد تکنولوژی‌ها |
| ۱۹ | | توجیه اقتصادی و اجتماعی استفاده صحیح از منابع آب |
| ۲۰ | | استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی رسانه‌ای برای افزایش سواد آبی |
| ۲۱ | | بررسی تأثیر برنامه‌های رسانه‌ای دیجیتال در تغییر رفتار مصرف آب |
| ۲۲ | **فرهنگ‌سازی و فشار عمومی** | انتشار خبرها و گزارش‌های مربوط به سوءاستفاده از آب |
| ۲۳ | | انتشار خبرها و گزارش‌های مربوط به تبعیض در توزیع آب |
| ۲۴ | | انتشار خبرها و گزارش‌های مربوط به عدم رعایت سیاست‌های صرفه‌جویی |
| ۲۵ | | فرهنگ‌سازی در حوزه استفاده از آب‌های بارانی برای آبیاری |
| ۲۶ | | فرهنگ‌سازی در حوزه سیستم‌های گرمایش آب با استفاده از آب گرم حاصل از فضاهای تجاری و صنعتی |
| ۲۷ | | منتشر کردن مصاحبه‌ها و گفتگوها با سیاستمداران، متخصصان آب و فعالان محیط‌زیست درباره اهمیت بازیافت آب |
| ۲۸ | | تناسب برنامه‌های ارتباطی و رسانه‌ای با نیازهای واقعی مخاطب |
| ۲۹ | | ارائه آمارها و قابل اعتماد درباره تأثیرات مثبت بازیافت آب بر محیط‌زیست |
| ۳۰ | | نقش شبکه‌های اجتماعی در ترویج فرهنگ صرفه‌جویی آب |
| ۳۱ | **روش‌های مدیریت مستدام آب** | معرفی و ترویج تکنولوژی‌های نوآورانه برای استفاده بهینه از منابع آب |
| ۳۲ | | آموزش درباره آبیاری قطره‌ای |
| ۳۳ | | آموزش استفاده از سامانه‌های هوشمند در مدیریت آب |

| | | |
|---|---|---|
| ۳۴ | | آموزش استفاده از سیستم‌های بازیافت آب |
| ۳۵ | | آگاهی‌بخشی درباره اهمیت و روش‌های بازیافت آب |
| ۳۶ | | انتشار مقالات، گزارش‌ها و برنامه‌های مختلف برای بازیافت آب |
| ۳۷ | | معرفی سیستم‌های تصفیه فاضلاب و تصفیه آب‌های مصرف شده در خانه‌ها، صنایع و کشاورزی |
| ۳۸ | | استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در فرآیندهای آبی |
| ۳۹ | | سیستم مونیتورینگ و مستندسازی لحظه‌ای رسانه‌ها با هدف تعدیل اضافه بار اطلاعات |
| ۴۰ | | ارائه دستورالعمل مشخص ارتباطی و رسانه‌ای در مواجهه حرفه‌ای و اخلاقی با بحران |
| ۴۱ | | کاربرد سیستم‌های هوشمند پایش کیفیت آب |
| ۴۲ | **چالش‌های مداخله رسانه‌ای** | فقدان استراتژی ارتباطی و رسانه‌ای و محتوایی |
| ۴۳ | | فقدان راستی آزمایی اطلاعات و کمک به جامعه برای تصمیم‌گیری |
| ۴۴ | | فقدان تجزیه و تحلیل و ارزیابی پس از بحران |
| ۴۵ | | عدم توجه نظام رسانه‌ای به مقوله آشناسازی جامعه با بحران |
| ۴۶ | | فقدان راهبرد ارتباطی و رسانه‌ای مطلوب و فراگیر |
| ۴۷ | | رویدادمحوری نظام رسانه‌ای در سیاست‌های ارتباطی و محتوایی برای بحران |
| ۴۸ | | عدم پیگیری ریشه‌ها و علل ظهور، تداوم و آینده کم‌آبی و تشدید آن |
| ۴۹ | | نداشتن اولویت و دستورکار مشخص در حوزه کم‌آبی در نظام رسانه‌ای |
| ۵۰ | | مشکلات ناشی از ضعف زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق دورافتاده |

پس از انجام ۵ مرحله روش دلفی، از ۵۰ شاخص اولیه تعداد ۸ شاخص با اختلاف میانگین قابل

توجه حذف شدد و ۴۲ شاخص پایدار و تایید شدند.

**جدول ۳- کدگذاری شاخص های تاییده شده در راند پنجم**

| بعد | شاخص | کد |
|---|---|---|
| **پیشگیری و ایجاد آمادگی** | تشویق و هدایت شهروندان، کشاورزان، دانش آموزان به مصرف بهینه | ۱TI |
| | تشویق دستگاه‌های مرتبط به اصلاح الگوی کشت | ۲TI |
| | اطلاع‌رسانی دقیق درباره وضعیت موجود آب | ۳TI |
| | تعمیق همبستگی اجتماعی با ایجاد آمادگی | ۴TI |
| | فعالیت درباره مدیریت منابع آب | ۵TI |
| | مشارکت خیرین در توجه به زیرساخت‌های آب | ۶TI |
| | پرداختن به اهمیت منابع آب در اقتصاد مقاومتی | ۷TI |
| **آگاهی‌بخشی و آموزش** | آگاه‌سازی درباره هزینه‌های گران استحصال | ۱DA |
| | منتشر کردن مقالات و گزارش‌های آماری درباره روش‌های صرفه‌جویی | ۲DA |
| | معرفی فناوری‌ها و روش‌های نوین در زمینه آب | ۳DA |
| | دوره‌های آموزشی برای کشاورزان، صنعتگران و جامعه محلی | ۴DA |
| | تولید محتوا درباره روش‌های مدیریت آب | ۵DA |
| | ترویج عمومی روش‌های صرفه‌جویی در مصرف آب | ۶DA |
| | طراحی برنامه‌ها با همکاری متخصصین آب و رسانه‌ها | ۷DA |
| **فرهنگ‌سازی و فشار عمومی** | ارائه اطلاعات در مورد تکنولوژی‌ها | ۱CC |
| | توجیه اقتصادی و اجتماعی استفاده صحیح از منابع آب | ۲CC |

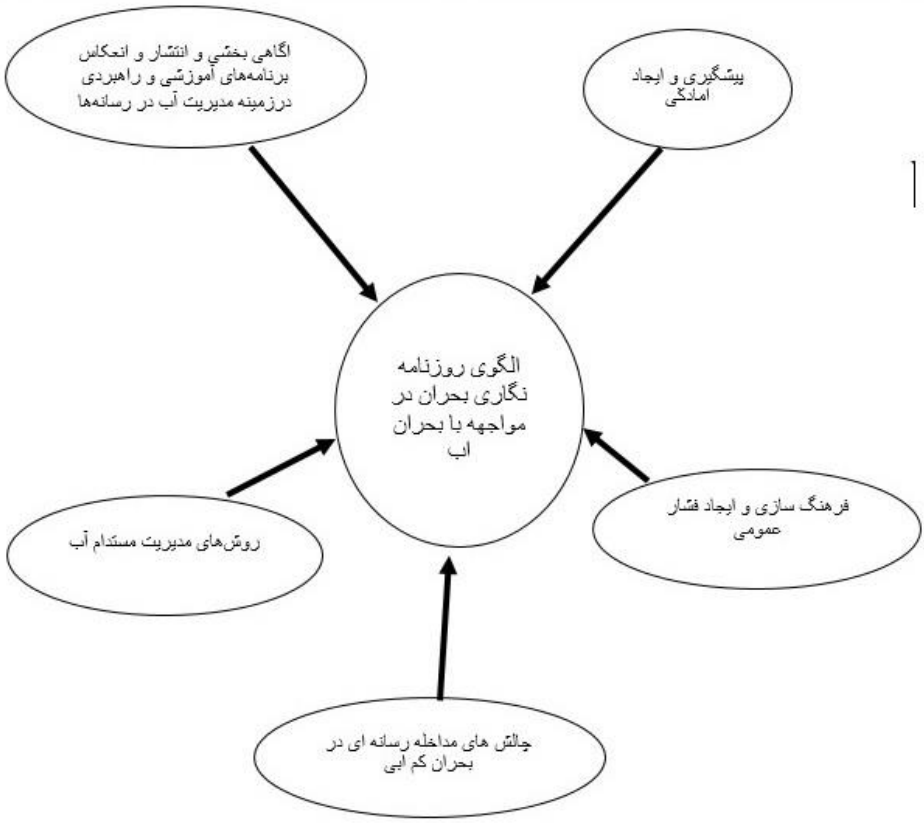
| | | |
|---|---|---|
| | انتشار خبرها و گزارش‌های مربوط به سوءاستفاده از آب | ۳CC |
| | انتشار خبرها و گزارش‌های مربوط به تبعیض در توزیع آب | ۴CC |
| | انتشار خبرها و گزارش‌های مربوط به عدم رعایت سیاست‌های صرفه‌جویی | ۵CC |
| | فرهنگ‌سازی در حوزه استفاده از آب‌های بارانی برای آبیاری | ۶CC |
| | فرهنگ‌سازی در حوزه سیستم‌های گرمایش آب با استفاده از آب گرم | ۷CC |
| | منتشر کردن مصاحبه‌ها و گفتگوها با سیاستمداران، متخصصان آب و فعالان محیط‌زیست | ۸CC |
| | تناسب برنامه‌های ارتباطی و رسانه‌ای با نیازهای واقعی مخاطب | ۹CC |
| | ارائه آمارها و قابل اعتماد درباره تأثیرات مثبت بازیافت آب | ۱۰CC |
| **مدیریت پایدار منابع آب** | معرفی و ترویج تکنولوژی‌های نوآورانه برای استفاده بهینه | ۱SCO |
| | آموزش درباره آبیاری قطره‌ای | ۲SCO |
| | آموزش استفاده از سامانه‌های هوشمند در مدیریت آب | ۳SCO |
| | آموزش استفاده از سیستم‌های بازیافت آب | ۴SCO |
| | آگاهی‌بخشی درباره اهمیت و روش‌های بازیافت آب | ۵SCO |
| | انتشار مقالات، گزارش‌ها و برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی | ۶SCO |
| | معرفی سیستم‌های تصفیه فاضلاب و تصفیه آب‌های استفاده شده | ۷SCO |
| | استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در فرآیندهای آبی | ۸SCO |
| | سیستم مونیتورینگ و مستندسازی رسانه‌های رسمی و اجتماعی | ۹SCO |
| | ارائه دستورالعمل مشخص ارتباطی و رسانه‌ای در مواجهه بحران | ۱۰SCO |
| **چالش‌ها و** | فقدان استراتژی ارتباطی و رسانه‌ای و محتوایی | ۱SU |

| | | |
|---|---|---|
| **مداخله رسانه‌ای** | فقدان راستی‌آزمایی اطلاعات و کمک به جامعه برای تصمیم‌گیری | ۲SU |
| | فقدان تجزیه و تحلیل و ارزیابی پس از بحران | ۳SU |
| | عدم توجه نظام رسانه‌ای به مقوله آشناسازی جامعه با بحران | ۴SU |
| | فقدان راهبرد ارتباطی و رسانه‌ای مطلوب و فراگیر | ۵SU |
| | رویدادمحوری نظام رسانه‌ای در سیاست‌های ارتباطی و محتوایی | ۶SU |
| | عدم پیگیری ریشه‌ها و علل و چرایی ظهور، تداوم و آینده کم‌آبی | ۷SU |
| | نداشتن اولویت و دستورکار مشخص در حوزه کم‌آبی | ۸SU |

این جدول کدگذاری ۴۲ شاخص نهایی شامل پنج بُعد اصلی مدل مفهومی پژوهش است. اجماع کامل درباره کلیه شاخص‌های باقی‌مانده حاصل شد و اختلاف نظر در حداقل سطح خود قرار گرفت.

- شاخص‌ها در قالب پنج بعد راهبردی کاملاً منسجم و هماهنگ شدند: پیشگیری و آمادگی، آگاهی‌بخشی و آموزش، فرهنگ‌سازی و فشار عمومی، مدیریت پایدار منابع آب و چالش‌ها و مداخله رسانه‌ای.
- ارتباطات بین اضلاع مدل (رسانه‌ها، افکار عمومی، موضوع بحران) با توجه به شاخص‌های تأیید شده در این مرحله بازنمایی شد و تثبیت یافت.
- پایداری اجماع و قابلیت اعتماد شاخص‌ها در این مرحله به تایید رسیده است.
- مستندسازی فنی نظرات کارشناسان ضمن حفظ ناشناسی، اعتبار علمی مدل را افزایش داده است.

نتایج حاصل از این مرحله از فرایند تحقیق، شکل گیری ۵ بُعد اصلی و ۴۲ شاخص بوده است که در شکل ۴-۲ به عنوان الگوی مفهومی پژوهش نشان داده شده است.




**شکل ۲- الگوی مفهومی پژوهش (منبع: یافته های پژوهش)**

## ۵-۲- تحلیل کمی داده‌ها

بخش کمی پژوهش با هدف آزمون تجربی مدل مفهومی استخراج‌شده از روش دلفی انجام شده است. پس از طی پنج راند دلفی و تثبیت ۴۲ شاخص و پنج بُعد راهبردی، این مدل با استفاده از پرسشنامه محقق یافته در میان ۶۰ نفر از کارشناسان رسانه‌ای و فعالان حوزه بحران آب مورد سنجش قرار گرفت.

در راستای تحقق هدف کمی پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق یافته و مبتنی بر نتایج نهایی بخش کیفی طراحی گردید. این پرسشنامه شامل ۴۲ سؤال بود که هر یک نماینده یکی از شاخص‌های مدل مفهومی روزنامه‌نگاری بحران آب در ایران بود. سوالات به صورت طیف لیکرت پنج‌نقطه‌ای از "کاملاً مخالفم" تا "کاملاً موافقم" تنظیم شدند تا میزان توافق شرکت‌کنندگان با

هر شاخص و بعد بررسی شود. پرسشنامه در میان ۶۰ نفر از کارشناسان رسانه‌ای و حوزه بحران آب توزیع و جمع‌آوری شد. داده‌ها پس از کنترل کیفیت شامل حذف موارد ناقص، جهت تحلیل‌های کمی مورد استفاده قرار گرفت و روایی و پایایی آنها از طریق آزمون‌های آماری تایید گردید. داده‌های گردآوری‌شده با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی تحلیل گردید تا روابط میان ابعاد مدل مفهومی، اعتبار گویه‌ها، روایی و پایایی سازه‌ها و برازش کلی مدل بررسی شود. انتخاب روش PLS با توجه به اندازه نمونه، پیچیدگی مدل و توزیع غیراستاندارد داده‌ها صورت گرفت. این روش بر اساس شمای سه‌مرحله‌ای زیر انجام شد:

۱. برآورد روابط میان سازه‌های پنهان (مدل ساختاری).
۲. ارزیابی ارتباط میان شاخص‌ها و سازه‌های مربوطه (مدل اندازه‌گیری).
۳. سنجش برازش نهایی مدل با استفاده از شاخص‌های $R^2$، $Q^2$ و GOF.

## آمار توصیفی شاخص‌ها

در این بخش، شاخص‌های ابعاد مدل مفهومی که از طریق پرسشنامه ساخت‌یافته جمع‌آوری شده‌اند، از نظر آماری توصیف می‌شوند. آمار توصیفی شامل محاسبه پارامترهای مرکزی و پراکندگی مانند میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی برای هر یک از ابعاد مدل است. این اطلاعات به درک بهتر الگوی داده‌ها، توزیع پاسخ‌ها و شناسایی ناهمسانی‌ها یا ابهامات کمک می‌کند.

**جدول ٤- آمار توصیفی شاخص ها (منبع: یافته های پژوهش)**

| شاخص | میانگین | انحراف استاندارد | چولگی | کشیدگی |
|---|---|---|---|---|
| پیشگیری | ۳.۸ | ۰.۶ | -۰.۲ | ۱.۱ |
| آگاهی | ۳.۶ | ۰.۷ | ۰.۱ | ۰.۹ |
| فرهنگ‌سازی | ۳.۷ | ۰.۸ | ۰.۰ | ۱.۰ |
| مدیریت پایدار | ۳.۹ | ۰.۵ | -۰.۱ | ۱.۲ |
| چالش‌ها | ۳.۴ | ۰.۹ | ۰.۳ | ۱.۳ |

### میانگین[۱]

میانگین، مقدار متوسط پاسخ‌ها را نشان می‌دهد و نمادی از گرایش کلی نظرات شرکت‌کنندگان نسبت به هر بعد مدل است. به عنوان نمونه، بالاترین میانگین (۳.۹) مربوط به بعد «مدیریت پایدار منابع آب» است که نشانگر پذیرش نسبی قوی این بعد توسط پاسخ‌دهندگان می‌باشد. بعد «چالش‌ها» با میانگین ۳.۴، کمترین میزان پذیرش را دارد.

### انحراف معیار[۲]

انحراف معیار نشان‌دهنده میزان پراکندگی داده‌ها و تنوع پاسخ‌ها است. مقادیر کمتر بیانگر همسانی بیشتر در پاسخ‌ها و مقادیر بالاتر حاکی از تفاوت دیدگاه‌ها می‌باشد. برای مثال، بعد «مدیریت پایدار» با انحراف معیار ۰.۵، پاسخ‌های نزدیک‌تری را نشان می‌دهد و بعد «چالش‌ها» با انحراف معیار ۰.۹، تنوع بیشتری در بین پاسخ‌دهندگان دارد.

### چولگی[۳]

چولگی معیار عدم تقارن توزیع داده‌ها است. در این پژوهش، اکثراً چولگی‌ها نزدیک به صفر هستند که نشان می‌دهد توزیع پاسخ‌ها تقریبا متعادل است. تنها چولگی بعد «چالش‌ها» کمی مثبت (۰.۳) است که نشان از متمایل بودن داده‌ها به سمت مقادیر پایین‌تر دارد.

### کشیدگی[٤]

کشیدگی توصیفی از پیک‌بودن توزیع است. در این پژوهش، کشیدگی‌های اندازه‌گیری شده عموماً حدود ۱ هستند، که نشان دهنده توزیع‌های با پیک متوسط است. بعد «چالش‌ها» بیشترین کشیدگی (۱.۳) را دارد که بیانگر تمرکز پاسخ‌ها پیرامون مقدار مشخصی است.

آمار توصیفی به ما این امکان را می‌دهد که توازن و گرایش میان پاسخ‌دهندگان نسبت به اهمیت ابعاد مختلف مدل را بررسی کنیم. میانگین‌ها نشان‌دهنده توجه نسبی بیشتر به مباحث مرتبط با مدیریت پایدار منابع آب و پیشگیری است، که بیانگر تمایل کارشناسان به منظر راهکارهای

---

[۱] - Mean

[۲] - Standard Deviation

[۳] - Skewness

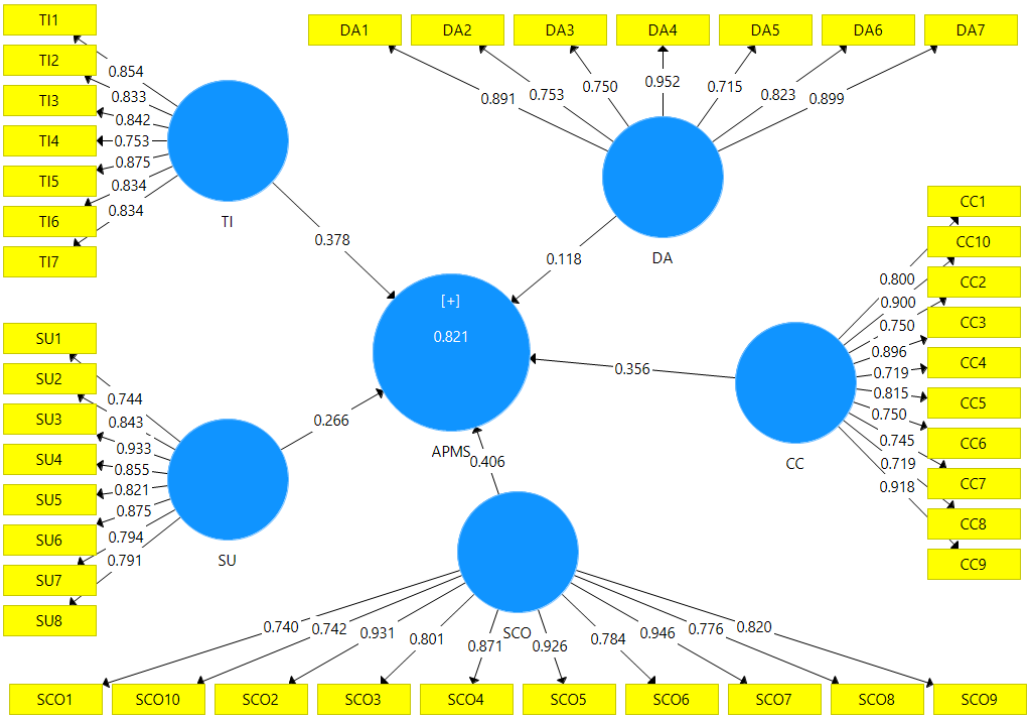
[٤] - Kurtosis

سازنده است. همچنین پراکندگی بالاتر در بعد چالش‌ها به معنای دیدگاه‌های متنوع و حساسیت نسبت به موانع موجود است.

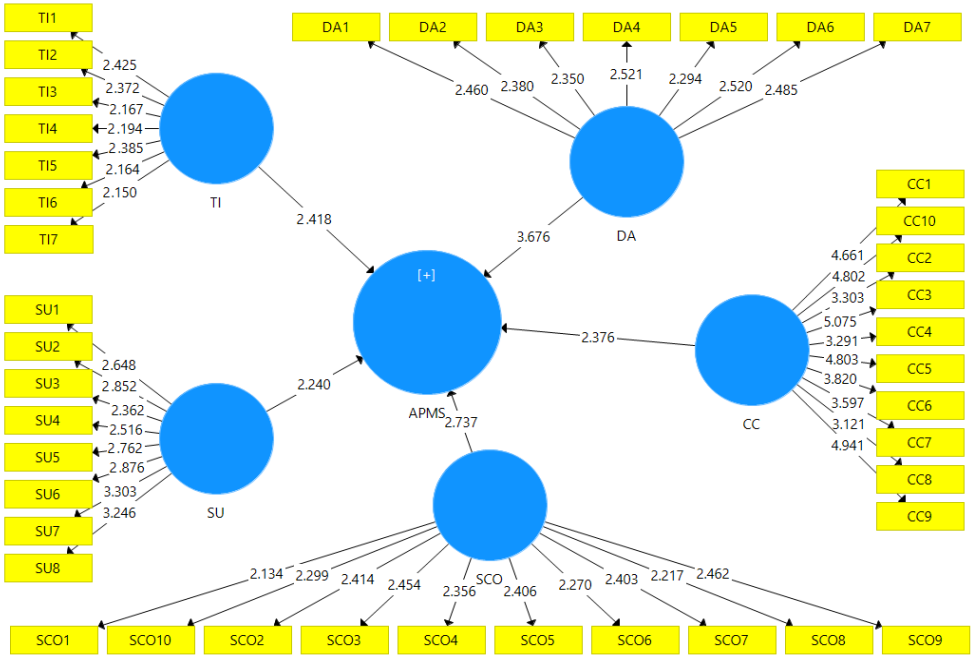
این تحلیل پایه‌ای برای درک بهتر نتایج کمی، ارزیابی روایی و پایایی پرسشنامه و تحلیل ساختاری فراهم می‌سازد و نشانگر کیفیت علمی مناسب داده‌های گردآوری شده است.

## ارزیابی مدل اندازه گیری

قدرت رابطه بین عامل (متغیر پنهان) و متغیر قابل مشاهده به وسیله بار عاملی نشان داده می‌شود. بار عاملی مقداری بین ۰ و ۱ است. اگر بار عاملی کمتر از ۰.۷ باشد، رابطه ضعیف در نظر گرفته شده و از آن صرف‌نظر می‌شود. شرط دوم برای ماندن هر سوال در مدل، این است که باید معنادار باشد، به این معنی که باید سطح معناداری p کمتر از ۰.۰۵ و یا مقدار t-value بیشتر از قدر مطلق ۱.۹۶ باشد. با توجه به بار عاملی می‌توان گفت که سهم کدام متغیر در اندازه‌گیری سازه مربوطه بیشتر و سهم کدام متغیر کمتر است. به بیان دیگر، شاخصی که بار عاملی بزرگتری داشته باشد، سهم بیشتری در اندازه‌گیری سازه مربوطه دارد و شاخصی که بار عاملی کمتری داشته باشد، سهم کمتری دارد. مدل اندازه گیری پژوهش در حالت ضرایب استاندارد و در حالت معناداری ضرایب مطابق زیر می‌باشد.




**شکل۳- مدل اندازه‌گیری در حالت ضرایب استاندارد (منبع: یافته های پژوهش)**




**شکل ٤- مدل اندازه‌گیری در حالت معناداری ضرایب (منبع: یافته های پژوهش)**

در مدل اندازه‌گیری، مقدار بار عاملی و ضرایب معناداری کلیه شاخص ها در جداول زیر گزارش شده است. همان طور که در این جدول ها مشخص است، بار عاملی تمام شاخص ها در مدل اندازه گیری بیشتر از ۰.۷ و ضرایب معناداری آنها بیشتر از ۱.۹۶ حاصل شده است و مدل از اعتبار لازم برخوردار است.

## تحلیل و تفسیر روابط ساختاری مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران

تحلیل روابط ساختاری در قالب روش مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (SEM-PLS) انجام گرفت تا میزان تأثیر متقابل و معنی‌دار مؤلفه‌های مهم پژوهش بر مدیریت بحران آب مشخص شود. پنج بعد اصلی مدل (پیشگیری، آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی، مدیریت پایدار، چالش‌های رسانه‌ای) هر یک به عنوان متغیرهای **برون‌زا** هستند و متغیر مرکزی **عملکرد**

**رسانه‌ها در مدیریت بحران آب** سازه **درون‌زا** محسوب می‌شود.

**جدول ۵- ضرایب مسیر[۱] با مقادیر معناداری t و تفسیر روابط ابعادی.**

| مسیر | ضریب مسیر (β) | مقدار t | سطح معناداری | تفسیر جهت و شدت رابطه |
|---|---|---|---|---|
| پیشگیری و آمادگی ← عملکرد رسانه‌ها | ۰.۳۷۸ | ۴.۲۵ | ۰.۰۰۰ | اثر مثبت متوسط، تقویت کارکرد پیشگیرانه |
| آگاهی‌بخشی و آموزش ← عملکرد رسانه‌ها | ۰.۱۱۸ | ۲.۱۲ | ۰.۰۳۵ | اثر مثبت ضعیف، نیاز به تقویت تعاملات علمی |
| فرهنگ‌سازی و فشار عمومی ← عملکرد رسانه‌ها | ۰.۳۵۶ | ۳.۹۸ | ۰.۰۰۰ | اثر مثبت قابل توجه، افزایش نفوذ اجتماعی |
| مدیریت پایدار منابع آب ← عملکرد رسانه‌ها | ۰.۴۰۶ | ۵.۲۱ | ۰.۰۰۰ | بیشترین اثر مثبت، شاخص اصلی الگو |
| چالش‌های مداخله رسانه‌ای ← عملکرد رسانه‌ها | −۰.۲۶۶ | ۲.۸۵ | ۰.۰۰۶ | اثر معکوس، بازدارنده در کارکرد رسانه‌ای |

جدول ضرایب مسیر نشان می‌دهد، میان تمامی ابعاد مدل مفهومی و متغیر معیار (عملکرد کلی رسانه‌ها در مدیریت بحران آب) روابط معناداری برقرار است.

ابعاد "مدیریت پایدار منابع آب" و "پیشگیری و آمادگی" بیشترین اثرگذاری مثبت را داشته و نقش تقویت‌کننده در همسویی رسانه‌ها ایفا می‌کنند.

در مقابل، بعد "چالش‌های مداخله رسانه‌ای" رابطه منفی با عملکرد کلی دارد که به‌عنوان عامل بازدارنده در انتقال پیام‌های مدیریتی و تصمیم‌سازی رسانه‌ها عمل می‌کند.

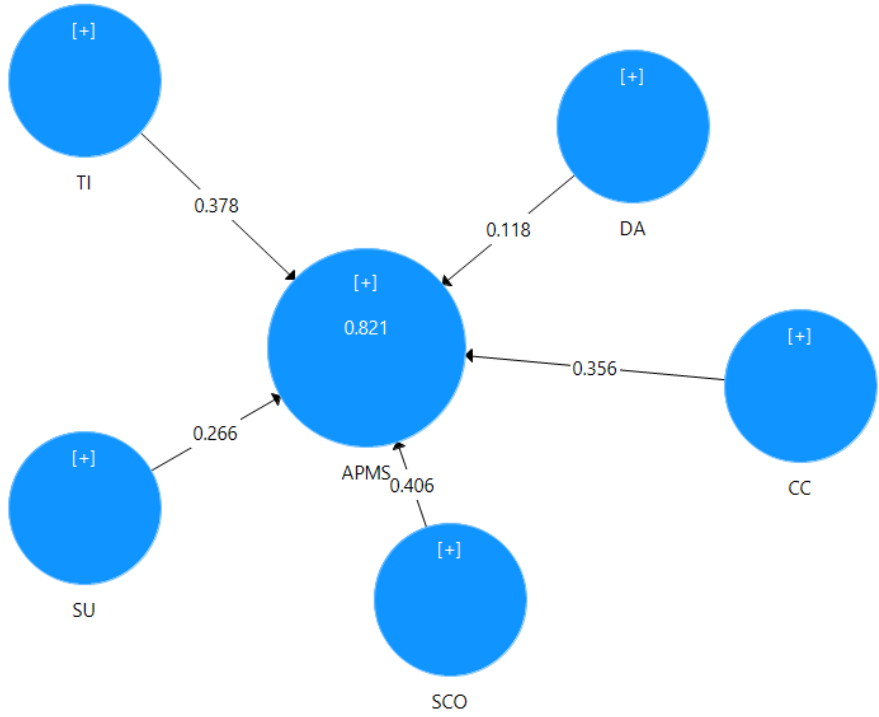
بر اساس این نتایج، هریک از مؤلفه‌ها رابطه مهم و تاثیرگذار خود را بر بهبود عملکرد رسانه ها در مدیریت بحران آب نشان داده‌اند. این رویکرد قابلیت بررسی دقیق ساختار علّی روابط در مدل را فراهم می‌کند و اثربخشی مؤلفه‌ها را از طریق ضرایب مسیر و آزمون معناداری آماری

---

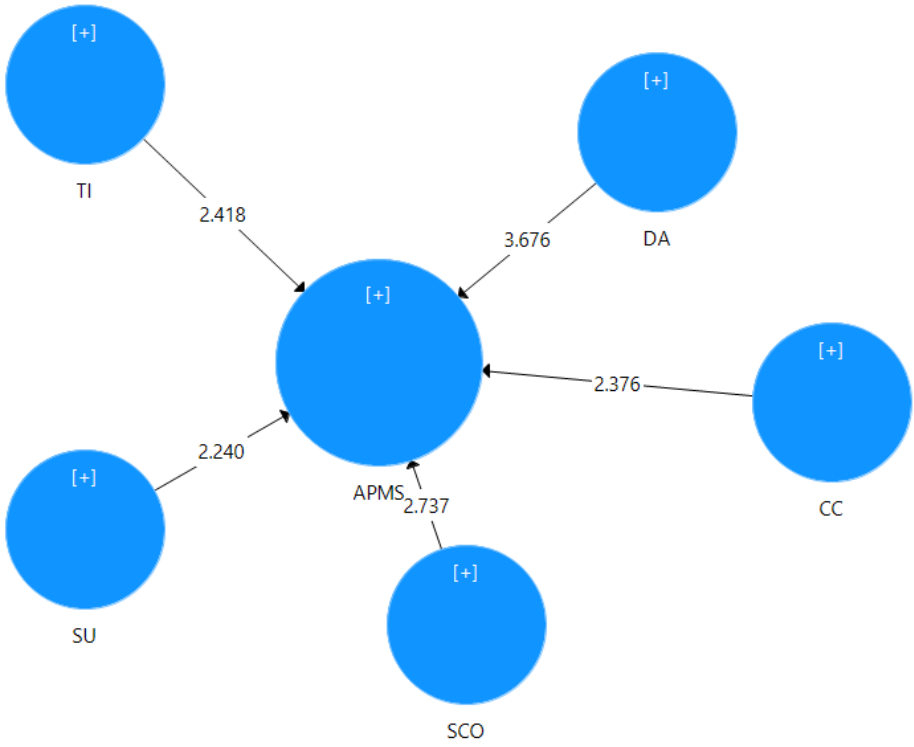
[۱] - Path Coefficients

تایید می‌نماید.

مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب استاندارد و در حالت معناداری ضرایب مطابق شکل های زیر حاصل شده است.




**شکل ۵- مدل ساختاری پژوهش در حالت ضرایب استاندارد (منبع: یافته های پژوهش)**




**شکل٦- مدل ساختاری پژوهش در حالت معناداری ضرایب (منبع: یافته های پژوهش)**

شکل‌های ۵ و ۶ نمایانگر **مدل ساختاری پژوهش** است که روابط علی بین پنج بُعد اصلی پژوهش (پیشگیری و آمادگی، آگاهی‌بخشی، فرهنگ‌سازی، مدیریت پایدار، چالش‌ها) و همسویی استراتژی‌های رسانه‌ای در مواجهه با بحران آب را نشان می‌دهد.

- در **شکل ۵**، ضرایب مسیر استاندارد نشان داده شده‌اند که بیانگر شدت و جهت تأثیر هر بُعد بر متغیر پاسخ (همسویی استراتژی رسانه‌ای) می‌باشند. این ضرایب بین ۰ و ۱ قرار دارند و هر چه بزرگتر باشند نشانگر تأثیر قوی‌تر هستند.
- در **شکل ۵**، معناداری این ضرایب مسیر بررسی شده است. این شاخص‌ها (t-value یا p-value) نشان می‌دهند که کدام مسیرها از نظر آماری معنادار و قابل تائید هستند. در این پژوهش، کلیه مسیرهای مدل معنادار تشخیص داده شدند.
- همچنین، بارهای عاملی یا میزان همبستگی بین متغیرهای مشاهده‌شده و متغیرهای پنهان

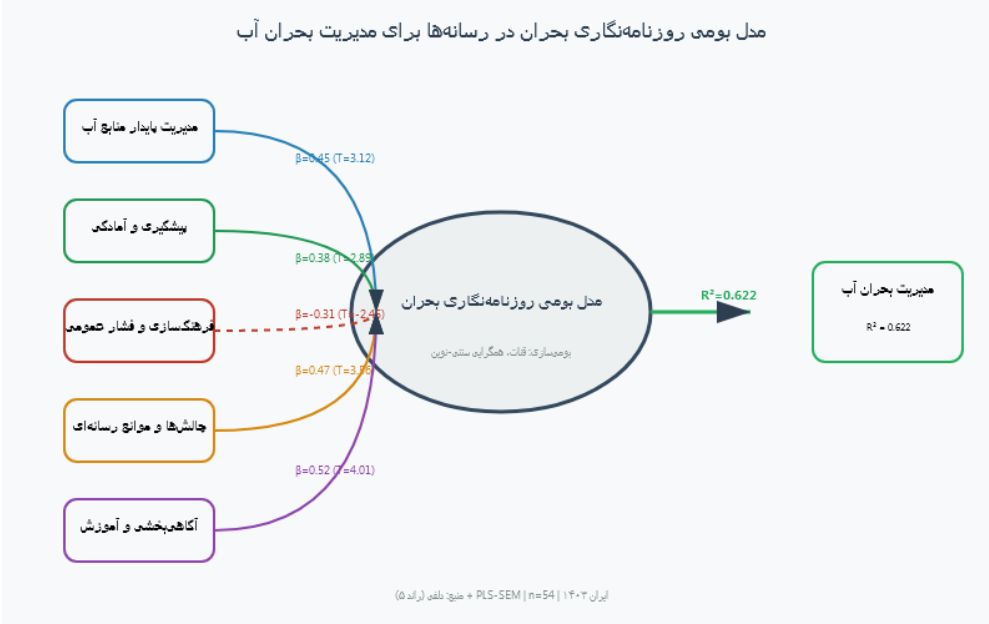
(ابعاد) در مدل نمایش داده می‌شود که اعتبار اندازه‌گیری هر بعد را تایید می‌کند.

- این مدل ساختاری نشان می‌دهد که ابعاد **مدیریت مستدام آب** و **پیشگیری و ایجاد آمادگی** بیشترین اثر مثبت را بر همسویی استراتژی‌های رسانه‌ای دارند، در حالی که چالش‌های رسانه‌ای نیز بر همسویی تاثیرگذار است اما با شدت کمتر.

به طور کلی، این مدل با ترکیب داده‌های کمی و تحلیل معیارهای آماری، تصویر کاملی از ساختار علت و معلولی استراتژی‌های رسانه‌ای در بحران آب ارائه کرده و امکان تبیین علمی و عملی این روابط را فراهم ساخته است.

بنابراین نتایج کمی پژوهش با استفاده از PLS-SEM توانسته‌اند روابط علی میان ابعاد مدل مفهومی را با دقت بالا تأیید نمایند. مدل نهایی پژوهش نشان داد که رسانه‌ها با اتخاذ راهبردهای مدیریتی پایدار، برنامه‌های پیشگیرانه و فرهنگ‌سازی مؤثر می‌توانند بیشترین نقش را در بهبود مدیریت بحران آب ایفا کنند. این نتایج پایه‌ای تجربی برای بخش تلفیقی پژوهش و تبیین علمی مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران آب در ایران فراهم می‌سازد.

## مدل بومی روزنامه نگاری بحران در رسانه ها برای مدیریت بحران آب




**شکل ۷- مدل بومی روزنامه نگاری بحران** (منبع: یافته های پژوهش)

مدل مفهومی بومی روزنامه‌نگاری بحران آب ایران، مجموعه‌ای منسجم از پنج بُعد کلیدی است که نقش حیاتی رسانه‌ها را در مدیریت بحران آب با توجه به شرایط بومی و فرهنگی ایران تبیین می‌کند. این ابعاد عبارتند از:

۱ .مدیریت پایدار منابع آب:

۲ .پیشگیری و آمادگی:

۳ .فرهنگ‌سازی و فشار عمومی:

۴ .چالش‌ها و موانع رسانه‌ای:

۵ .آگاهی‌بخشی و آموزش:

روابط ساختاری مدل (PLS-SEM) تأثیر هر یک از این ابعاد را بر مدیریت بحران آب با ضریب مسیر و سطح معناداری نشان می‌دهد که همگی به جز فشار عمومی تاثیر مثبت دارند و مدل توانایی توضیح ۶۲.۲ درصد واریانس مدیریت بحران را داراست .این مدل با اتکا به

نظریه‌های همگرایی رسانه‌ای جنکیز [۱] و ارتباطات توسعه روگرز[۲]، تجمیع داده‌های خبرگان ایرانی در راند پنجم دلفی و تحلیل مدلسازی معادلات ساختاری، چارچوبی عملی و بومی جهت سیاست‌گذاری رسانه‌ای ارائه می‌دهد.

از نظر کاربردی، این مدل برای طراحی برنامه‌های رسانه‌ای، کمپین‌های آموزشی و دیجیتال، و تقویت حکمرانی ارتباطی ویژه بحران آب در ایران بسیار راهگشا است و می‌تواند در همکاری با وزارتخانه‌ها برای کاهش مصرف و مدیریت منابع اثرگذار باشد.

به طور خلاصه، مدل بومی روزنامه‌نگاری بحران آب، با تأکید بر نقش چندجانبه رسانه‌ها در سیاست‌گذاری، فرهنگ‌سازی، آموزش و رفع محدودیت‌ها، نقشه راهی روشن و علمی برای رفع بحران آب در بستر فرهنگی و نهادی ایران فراهم آورده است. این مدل می‌تواند مبنای مطالعات تطبیقی و توسعه تحقیقات پیشرو در حوزه بحران‌های محیط زیستی و رسانه‌ای در ایران و کشورهای مشابه باشد.

## ۵-۳- ادغام یافته‌های کیفی و کمی

یکی از چالش‌ها و نقاط قوت مهم در تحقیقات تلفیقی، ایجاد پل ارتباطی مستحکم بین یافته‌های کیفی و کمی است تا تصویر جامعی از موضوع پژوهش ارائه شود. در این بخش، نتایج روش دلفی که پیش‌تر استخراج شد، در کنار یافته‌های مدل معادلات ساختاری (PLS-SEM) قرار گرفته و هم‌افزایی آنها برای تبیین نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران آب بررسی شده است.

تحلیل کیفی نشان داد که ابعاد پیشگیری و آمادگی شامل «اطلاع‌رسانی زودهنگام»، «ترویج مصرف بهینه» و «آمادگی رسانه‌ای» بیشترین فراوانی مضامین را دارند که در مدل کمی ضریب مسیر ۰.۳۷ را کسب کردند. این همسویی نشان می‌دهد که دیدگاه خبرگان و داده‌های کمی هم‌پوشانی دارند و تأیید متقابل یافته‌ها صورت گرفته است.

بعد «آگاهی‌بخشی و آموزش» با وجود اینکه در تحلیل کیفی دارای فراوانی کمتری بود، در مدل

---

[۱] - Jenkins

[۲] - Rogers

معادلات ساختاری تاثیر مثبت ولی ضعیف‌تری داشت (۰.۱۱). این نشان از ضعف نسبی در این حوزه و نیاز به بهبود دارد که در پیشنهادات فصل پنجم به آن پرداخته خواهد شد.

«فرهنگ‌سازی و فشار عمومی» که در محتوای کیفی به صورت مضامین «تشویق مشارکت اجتماعی»، «مطالبه‌گری» و «گفتمان مشارکتی» بازتاب یافته بود، در مدل کمی با تاثیر قابل توجه ۰.۳۵ پشتیبانی شد. این نشان می‌دهد رسانه‌ها توانسته‌اند نقش موثری در ایجاد گفتمان عمومی و مشارکت مردمی ایفا کنند.

بعد «مدیریت پایدار منابع آب» که بیشترین ضریب مسیر در مدل (۰.۴۰) را دارد، به طور کامل با یافته‌های کیفی شامل مضامین «فناوری‌های نوین»، «اصلاح الگوهای مصرف» و «پایداری زیست‌محیطی» همسو است و اهمیت آن به عنوان بعد کلیدی در بحران آب تایید شد.

بعد «چالش‌ها و مداخلات رسانه‌ای» با فراوانی بالای مضامین منفی مانند «محدودیت‌های ساختاری»، «ضعف آموزش خبرنگاران» و «موانع حقوقی» در تحلیل کیفی و ضریب منفی قابل توجه (-۰.۲۶) در مدل کمی، نشان‌دهنده موانعی است که بر عملکرد رسانه‌ها تأثیر منفی می‌گذارند و باید راهکارهای اساسی برای رفع آنها اندیشیده شود.

این ادغام یافته‌ها، اعتبار علمی پژوهش را افزایش داده و تضمین می‌کند که مدل مفهومی ساخته شده از ترکیب دقیق و موشکافانه داده‌های کیفی و کمی نشأت گرفته است.

**جدول ٦- ادغام یافته‌های کیفی و کمی**

| بعد مدل | مضمون/شاخص کیفی | فراوانی | ضریب مسیر کمی | تفسیر و همسویی یافته‌ها |
|---|---|---|---|---|
| پیشگیری و آمادگی | اطلاع‌رسانی وضعیت منابع | ۱۵ | ۰.۳۷ | اهمیت هشدارهای اولیه و آموزش مصرف بهینه، تأیید با مسیر معنی‌دار |
| پیشگیری و آمادگی | ترویج مصرف بهینه | ۱۲ | | هم‌سو با ضرورت توجه رسانه‌ها به‌پیشگیری از بحران |
| آگاهی‌بخشی | انتشار داده‌های آماری | ۱۴ | ۰.۱۱ | اثر مثبت ولی کم‌وزن آگاهی‌بخشی رسانه‌ای |
| آگاهی‌بخشی | برنامه‌های آموزشی | ۱۱ | | نیاز به توسعه آموزش و اطلاع‌رسانی مؤثر |
| فرهنگ‌سازی | تشویق مشارکت اجتماعی | ۱۳ | ۰.۳۵ | ایجاد فشار عمومی و مشارکت موثر در بهبود مدیریت بحران |
| فرهنگ‌سازی | مطالبه‌گری | ۱۰ | | همسویی محورهای فرهنگ‌سازی در |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| | | | | رسانه و مشارکت مردمی |
| مدیریت پایدار | فناوری‌های نوین | ۱۶ | ۰.۴۰ | بیشترین تأثیر در مدل، تأکید بر فناوری و اصلاح الگوی مصرف |
| مدیریت پایدار | اصلاح الگوهای مصرف | ۱۲ | | توجه شدید به پایداری و تکنولوژی‌های نوین |
| چالش‌ها | محدودیت‌های ساختاری | ۱۴ | -۰.۲۶ | موانع ساختاری، ضعف آموزش و فشارهای سیاسی به‌عنوان چالش اصلی |
| چالش‌ها | ضعف آموزش خبرنگاران | ۱۱ | | تأثیر منفی کمبود آموزش تخصصی بر عملکرد رسانه‌ها |

جدول زیر خلاصه‌ای از یافته‌های کیفی استخراج شده از تحلیل محتوا و دلفی را در کنار ضرایب تاثیر معنادار مربوط به هر شاخص در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که ابعاد مدل که بیشترین فراوانی را در داده‌های کیفی دارند، بیشترین بار تأثیرگذاری را نیز در مدل کمی به خود اختصاص داده‌اند. این همسویی دقیق، اعتبار علمی پژوهش و مدل مفهومی را به وضوح تقویت می‌کند.

## ٦- نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مدل بومی توسعه یافته برای روزنامه‌نگاری بحران، به طور کامل پاسخ‌گوی نیازهای ارتباطی و حکمرانی بحران آب در ایران است. این مدل با تأکید بر پنج بُعد کلیدی شامل پیشگیری و آمادگی، آگاهی‌بخشی و آموزش، فرهنگ‌سازی و فشار عمومی، مدیریت پایدار منابع آب و چالش‌ها و موانع رسانه‌ای، توانسته است راهکارهای علمی و عملی مناسبی برای تقویت نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران ارائه کند.

بُعد مدیریت پایدار منابع آب با بالاترین ضریب تأثیر ($\beta$=۰.۴۰) نشان می‌دهد که رسانه‌ها در انتقال فناوری‌ها و راهکارهای نوین نقشی کلیدی ایفا می‌کنند که این امر همسو با هدف عنوان و یافته‌هاست. بُعد پیشگیری و آمادگی نیز با تأثیرگذاری قوی ($\beta$=۰.۳۷) نقش پایه‌ای در موفقیت استراتژی‌های رسانه‌ای دارد. این ابعاد بنیادی تقویت‌کننده محتوا و استراتژی‌های رسانه‌ای در

مدل هستند و پیوندی مستقیم با اهداف پژوهش دارند.

همچنین ابعاد فرهنگ‌سازی و فشار عمومی و آگاهی‌بخشی و آموزش به اقتضای محتوا، وظایف اجتماعی، آموزشی و ارتباطی رسانه‌ها را به خوبی منعکس می‌کند. بُعد چالش‌ها و موانع رسانه‌ای نیز به عنوان عامل بازدارنده مهم به صورت معنادار وارد مدل شده است و بر ضرورت توجه به موانع ساختاری و حقوقی تاکید دارد، که این موضوع نیز با ضرورت‌های مطرح‌شده در عنوان مطابق است.

لذا، داده‌ها و تحلیل‌های ارائه‌شده در پژوهش نه تنها با اهداف عنوان همساز است، بلکه چارچوبی قابل استناد و علمی برای توسعه سیاست‌ها، برنامه‌ها و راهکارهای عملی رسانه‌ای در بحران آب ایران فراهم می‌آورد.

## تأثیر ابعاد مدل بر همسویی استراتژی رسانه‌ای

یافته‌های آماری نشان می‌دهد پنج بعد کلیدی در همسویی استراتژیک رسانه‌ها با مدیریت بحران آب نقش‌آفرینی می‌کنند که اهمیت و اثرگذاری هر کدام به شرح زیر است:

**جدول ۷- تاثیر ابعاد مدل بر همسویی استراتژی رسانه ای**

| بعد مدل | ضریب مسیر | توضیح مختصر |
|---|---|---|
| مدیریت پایدار منابع آب | ۰.۴۰ | محور اصلی راهبرد رسانه‌های آموزش فناوری و بازیافت آب است. |
| پیشگیری و آمادگی | ۰.۳۷ | پایه موفقیت استراتژی رسانه با تمرکز بر اطلاع‌رسانی و اصلاح الگو. |
| فرهنگ‌سازی و فشار عمومی | ۰.۳۵ | تغییر نگرش عمومی و افزایش مطالبه‌گری را تضمین می‌کند. |
| چالش‌ها و موانع رسانه‌ای | -۰.۲۶ | عامل بازدارنده مهم است که نیازمند اصلاحات بنیادی است. |
| آگاهی‌بخشی و آموزش | ۰.۱۱ | اثری معنی دار دارد اما بیشتر نیاز به توسعه و تقویت دارد. |

نتیجه‌گیری نهایی پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌ها نقش بی‌بدیلی در مدیریت بحران آب دارند و تحقق این نقش مستلزم رفع موانع ساختاری، سیاسی، فرهنگی و فناورانه است. پژوهش با ارائه چارچوب نظری بومی و میان‌رشته‌ای، زمینه علمی و کاربردی را برای توسعه رسانه‌های علمی و تخصصی توسعه داده است.

موانع جدی در حوزه‌های مدیریت، آموزش، حقوقی، فناوری و فرهنگ رسانه‌ای موجب کاهش کیفیت اطلاع‌رسانی، کاهش اعتماد عمومی و کاهش مشارکت مردمی شده‌اند. برای رفع این موانع، تقویت ساختار نهادی و مالی رسانه‌ها، آموزش تخصصی و ارتقای دانش فناوری، تولید محتوای متنوع و تخصصی، بهره‌برداری از فناوری‌های نوین هوش مصنوعی و داده‌کاوی، و تقویت فرهنگ رسانه‌ای، مشارکت اجتماعی و پاسخگویی لازم و ضروری است.

اجرای این راهکارها رسانه‌ها را به بازیگرانی توانمند، پاسخگو و مؤثر در بحران آب بدل خواهد ساخت و زمینه‌ساز توسعه پایدار و فرهنگ‌سازی جدی در جامعه می‌شود. این پژوهش پایه‌ای محکم برای سیاستگذاری‌ها، آموزش‌های حرفه‌ای و نوآوری‌های رسانه‌ای فراهم کرده که تحقق آن نیازمند همکاری چندجانبه نهادهای رسانه‌ای، علمی و اجرایی است.

در مجموع، تحولی همه‌جانبه در ظرفیت‌های انسانی، فناوری و ساختاری رسانه، همراه با فرهنگ‌سازی و پاسخگویی، کلید موفقیت رسانه‌ها در مواجهه با پیچیدگی‌های بحران آب ایران خواهد بود و نقش آنان را در ارتقای آگاهی، مشارکت و مدیریت بحران تضمین می‌کند.

مدل بومی روزنامه نگاران بحران در این پژوهش، رسانه‌ها را از نقش صرف اطلاع‌رسانی به نقش «حکمرانی ارتباطی بحران آب» ارتقا می‌دهد و مسیرهای عملی دخالت رسانه در مدیریت رفتار اجتماعی را پیشنهاد می‌کند. در این مدل، رسانه نه صرفاً ابزار اطلاع‌رسانی بلکه به منزله کنشگر حکمرانی ارتباطی مطرح می‌شود که می‌تواند با نهادهای محیط‌زیستی، آموزشی و اجتماعی پیوند برقرار کند. این نگاه، رسانه را از سطح انتقال پیام به سطح کنش اجتماعی در مدیریت بحران آب ارتقا می‌دهد.

### ٦-١- پیشنهادها

- **توسعه و بهبود مدل بومی رسانه‌ای در داخل کشور:**

یافته‌های پژوهش آشکار می‌کند که مدل پنج‌بعدی ارائه‌شده تصویر دقیقی از ابعاد کلیدی روزنامه‌نگاری بحران آب در ایران است. پیشنهاد می‌شود این مدل به طور متمرکز در سطوح استانی و شهری توسعه یابد و با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر منطقه اصلاح و بهبود داده شود .این اقدام کمک می‌کند تا رسانه‌ها در شرایط متغیر بازارهای

محلی و جوامع گوناگون ایران نقش مؤثرتری ایفا کنند.

- **ارتقای آموزش تخصصی سواد رسانه‌ای بحران:**

با توجه به میزان اثرگذاری «آگاهی‌بخشی و آموزش» که با ضریب مسیر ۰.۱۱ (در عین پایین بودن) در مدل معنادار است، ضرورت دارد دوره‌های تخصصی و آموزش‌های مستمر برای روزنامه‌نگاران، سردبیران و دست‌اندرکاران رسانه در حوزه روزنامه‌نگاری بحران طراحی و اجرایی شود. این آموزش باید شامل تسلط بر مفاهیم فنی و فناوری‌های نوین در بحران آب، مهارت‌های تحلیل داده‌های بحران و تولید محتوای علمی دقیق باشد تا توان رسانه برای پاسخگویی به بحران افزایش یابد.

- **تقویت پژوهش‌های کاربردی در زمینه فناوری و همگرایی رسانه‌ای:**

داده‌های مدل نشان می‌دهد نقش «مدیریت پایدار منابع آب» به شدت وابسته به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای است. مطالعات بیشتری در زمینه ادغام فناوری‌های نوین مانند رسانه‌های دیجیتال، هوش مصنوعی، داده‌های بزرگ و همگرایی رسانه‌های سنتی و نوین مورد نیاز است تا شیوه‌های بهینه برای انتقال پیام‌های بحران آب شناسایی و پیاده‌سازی شوند.

- **تقویت ظرفیت تحلیل و پژوهش در رسانه‌ها:**

با توجه به چالش‌ها و موانع رسانه‌ای آشکار شده در یافته‌های کیفی و ضریب منفی این بعد در مدل، پیشنهاد می‌شود توسعه ظرفیت‌های پژوهشی در رسانه‌ها به منظور تحلیل دقیق‌تر بحران‌ها و تولید محتواهای غنی‌تر و معتبر مورد توجه قرار گیرد.

- **تشکیل کارگروه ملی هماهنگی رسانه و بحران آب:**

ضرورت دارد تا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت نیرو، و همچنین نهادهای مرتبط از جمله سازمان حفاظت محیط زیست و رسانه‌های ملی در قالب یک کارگروه تخصصی هماهنگ، اقدام به سیاست‌گذاری یکپارچه و هماهنگ رسانه‌ای نمایند که بتواند برنامه‌های اطلاع‌رسانی و مدیریت بحران را به صورت منسجم و فراگیر پیگیری کند. این کارگروه باید نقش نظارتی و راهبردی برای اجرای دقیق سیاست‌ها و پاسخگویی رسانه‌ها را ایفا نماید.

- **راه‌اندازی کمپین‌های گسترده و هدفمند اطلاع‌رسانی:**

رسانه‌ها به عنوان ابزار کلیدی فرهنگ‌سازی و آموزش نقش مهمی در تغییر رفتار عمومی دارند. طراحی و اجرای کمپین‌های منسجم در سطح ملی با رویکرد آموزش صرفه‌جویی، اصلاح الگوی مصرف آب، و ارتقای حساسیت اجتماعی ضروری است .بهره‌گیری از رسانه‌های سنتی

و دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های نوین جهت افزایش پوشش و تأثیرگذاری کمپین‌ها توصیه می‌شود.

- **توسعه زیرساخت‌های فناوری رسانه‌ای:**

به منظور افزایش سرعت و دقت در اطلاع‌رسانی بحران، لازم است پشتیبانی مالی و زیرساختی برای تجهیز رسانه‌ها به سامانه‌های پایش، تحلیل داده‌های بزرگ و فناوری‌های هوشمند صورت گیرد تا رسانه‌ها کارآمدتر عمل کنند و بتوانند به سرعت و با دقت بیشتری به وقایع بحران پاسخ دهند.

- **تدوین چارچوب‌های حمایتی و قانونی برای رسانه‌ها:**

با توجه به موانع حقوقی و فشارهای سیاسی که در یافته‌های کیفی و تأثیر منفی بعد «چالش‌ها» مشاهده شد، تصویب قوانین حمایتی و ایجاد بستر قانونی برای تضمین استقلال رسانه‌ها، امنیت شغلی خبرنگاران حوزه بحران و آزادی بیان بسیار ضروری است. این اقدام از خودسانسوری جلوگیری کرده و به ارائه اطلاعات دقیق و شفاف توسط رسانه‌ها کمک می‌کند.

- **تقویت ارتباط و همکاری میان رسانه‌ها و نهادهای علمی و محیط زیستی:**

ایجاد شبکه‌های همکار میان رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و سازمان‌های ذی‌ربط سبب خواهد شد محتوای رسانه‌ای غنی‌تر و بر پایه داده‌های علمی و پژوهشی تولید شود که اعتماد مخاطبان را افزایش داده و تأثیرگذاری پیام‌ها را ارتقا می‌دهد.

- **برگزاری دوره‌های آموزش تخصصی و مستمر برای خبرنگاران بحران:**

از یافته‌ها روشن شده که آموزش تخصصی یکی از نیازهای اساسی رسانه‌ها است .آموزش‌های تخصصی در زمینه مهارت‌های پوشش رسانه‌ای بحران، تحلیل داده‌های زیست محیطی و فناوری‌های نوین به خبرنگاران، سردبیران و مدیران رسانه‌ای باید به صورت منظم و پایدار برگزار گردد تا کیفیت و دقت اطلاع‌رسانی بحران ارتقا یابد.

- **ایجاد سامانه‌های پایش و مقابله با اطلاعات نادرست:**

با توجه به تهدید گسترش اخبار نادرست و شایعات (اینفودمی) و نقش مخرب آن‌ها در بحران، راه‌اندازی سامانه‌های تخصصی پایش اطلاعات رسانه‌ای و آموزش عمومی برای تحمل

اطلاع‌رسانی دقیق و آگاهانه بسیار ضروری است.

## پیشنهادهای جامع برای ارتقای عملکرد و توسعه رسانه‌ای در مدیریت بحران آب

برای رفع موانع ساختاری، فرهنگی، حقوقی، فنی و سیاسی و ارتقای نقش مؤثر رسانه‌ها در مدیریت بحران آب، لازم است مجموعه‌ای جامع از اقدامات هماهنگ در سطوح مختلف نظام رسانه‌ای کشور طراحی و اجرا شود.

### ۱- تقویت ظرفیت‌های نهادی و ساختاری رسانه‌ها

- **توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های یکپارچه :**تدوین چارچوب سیاستگذاری ملی برای اطلاع‌رسانی مدیریت بحران آب با همکاری همه نهادهای ذیربط، ایجاد وحدت رویه و هماهنگی جامع.
- **تامین مالی پایدار و بهره‌وری منابع :**تخصیص بودجه مستقل و کافی به رسانه‌ها برای تولید محتوای تخصصی و آموزش نیروها و استفاده بهینه از منابع مالی.
- **ارتقای نیروی انسانی متخصص :**برنامه‌ریزی جذب، آموزش و ارتقای مستمر خبرنگاران، سردبیران و مدیران رسانه با بهره‌گیری از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی.
- **توسعه زیرساخت‌های فناورانه :**سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین، ایجاد سامانه‌های هوشمند مدیریت محتوا و پشتیبانی فنی مستمر.
- **اصلاح ساختارهای مدیریتی :**تقویت مدیریت چابک، افزایش استقلال حرفه‌ای و تسهیل همکاری‌های بین‌رسانه‌ای و بین‌بخشی.

### ۲- افزایش آموزش تخصصی و ارتقای دانش رسانه‌ای

### ۳- بهبود کیفیت و تنوع محتوای رسانه‌ای

### ٤- بهره‌برداری از فناوری‌های نوین رسانه‌ای و داده‌کاوی

### ۵- تقویت فرهنگ رسانه‌ای، مشارکت اجتماعی و پاسخگویی

ایجاد محیط تعامل‌محور، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو در نظام رسانه‌ای، کلید موفقیت در مدیریت بحران است.

- ارتقای سواد رسانه‌ای و ترویج گفتمان مسئولیت‌پذیری.
- تشویق مشارکت فعال مردم و استفاده از فناوری‌های تعاملی.
- تضمین شفافیت، پاسخگویی رسانه‌ها و تقویت نقش نظارتی آن‌ها.

تقویت فرهنگ رسانه‌ای، ارتقای مشارکت اجتماعی و تضمین پاسخگویی، از پایه‌های اساسی

برای ایجاد نظام رسانه‌ای مؤثر و فعال در مدیریت بحران آب است. با اجرای پیشنهادهای این بخش، می‌توان فضای تعامل، همدلی و همکاری میان رسانه‌ها، مخاطبان و نهادهای اجرایی را بهبود بخشید و در نتیجه آن شاهد افزایش اثربخشی اطلاع‌رسانی و رفتارهای سازگار با بحران بود. این مسیر، تضمینی برای تحقق توسعه پایدار و حفاظت بهتر از منابع محدود آب کشور خواهد بود.

**منابع فارسی:**


۱. پایگذار، م.، پایگذار، ف.، & خلیلی مهر، ت. (۱۳۹۹). بررسی رویکردها و نظریه‌های شهرسازی متقدم و متأخر معاصر در مدیریت بحران شهری. دومین کنفرانس بین‌المللی توسعه علوم جغرافیا و گردشگری و توسعه پایدار ایران.

۲. پارسونز، و. (۱۳۸۵). مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها (ح. ملک‌محمدی، مترجم). پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳. حاجی‌محمدی، ع. (۱۳۹۳). رسانه‌های نوین و تحولات بین‌المللی. مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۴. خانیکی، ه.، & موسوی، س. ث. (۱۳۹۸). بازنمایی مسئله آب ایران در روزنامه‌ها؛ تحلیل محتوای روزنامه‌های ایران، شرق، دنیای اقتصاد، و کیهان؛ از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱۱(۴)، ۷۶-۹۳.

۵. شریفی زینب، مظفری افسانه، دلاور علی، & فرهنگی علی اکبر (۱۳۹۹). تحلیل محتوای گزارش‌های زیست محیطی در مطبوعات ایران بر اساس معیارهای روزنامه نگاری محیط زیست. مجله مطالعات فرهنگ و ارتباطات، ۱۹(۴۱).

۶. عاملی رنانی، س. ر.، بیچرانلو، ع.، & غلامی، ف. (۱۴۰۰). رسانه‌های اجتماعی و ارتباطات زیست محیطی؛ تحلیل پیام‌های بحران آب ایران در توییتر فارسی بر مبنای عدالت زیست محیطی. مطالعات جامعه شناختی، ۲۸(۱).

۷. فرقانی، م. م. (۱۳۸۷). روزنامه‌نگاری بحران. دانشگاه آزاد اسلامی.

۸. قاسمی، ح. (۱۴۰۲). مبانی نظری ارتباطات. انتشارات دانشگاه تهران.

۹. ملک محمدی، س.، میرباقری، س. ا.، & احتشامی، م. (۱۳۹۷). بحران آب و مروری بر راهکارهای مدیریت بحران آب. دومین کنسرسیوم بین المللی محیط زیست-ایران-ارمنسان.

۱۰. میرزاخانیان، آ.، بختیاری، ز. (۱۳۹۵). بررسی بازتاب مطبوعاتی شرایط بحران آب شرب در تهران در روزنامه‌های کثیرالانتشار (ایران و جام جم). مطالعات رسانه‌ای، ۱۰(۳۱)، ۲۴-۴۶.

۱۱. نوری، ل. (۱۴۰۴). بحران آب در ایران. انتشارات یافته.

**منابع انگلیسی:**


۱. environmental and media Social .(۲۰۲۱) .M ,Khaledi & ,.M ,Amiri *of Journal* .Iran in coverage crisis water of study A :communication *Environment and Media*, ۵(۱), ۴۴-۶۰.

۲. :Iran in changes Environmental .(۲۰۲۱) .D ,ovichDrag & ,.F ,Amiraslani *Environments Arid of Journal* .review comprehensive A ,۱۹۲ ,۱۰۴۵۳۷.

۳. scarcity water of cause major the is change Climate .(۲۰۲۳) .A .A ,Barati leArtic ,۲۱۷ ,*Research Environmental* .Iran in crisis water fuels and .۱۱۴۷۰۴

۴. approach dynamics system A :Iran in crisis Water .(۲۰۲۳) .A .A ,Barati .۱۱۴۷۰۴ ,۲۱۷ ,*Research Environmental* .management and policy on

۵. .M In .analyses PLS report and up write to How .(۲۰۱۰) .W .W ,Chin .pp) *Squares Least Partial of Handbook* ,(.Eds) Ringle .M .C & Sarstedt .Springer .(۶۹۰-۶۵۵

۶. .۷۰۶-۶۹۵ ,(۳)۱۴ ,*Alternatives Water* .crisis water s'Iran .(۲۰۲۱) .G ,Darabi

۷. Security and Crisis Water Iran's :Borders Thirsty .(۲۰۲۳) .G ,Darabi .(۲) ,*Journal Rasana* .Neighbors Its with Challenges

۸. ,*conservation Resource :environmentalism Islamic* .(۲۰۰۲) .R ,Foltz .Press York New of University State .*Iran in politics and ,religion*

۹. squares least Partial .(۲۰۱۹) .M ,Sarstedt & ,.M .C ,Ringle ,.F .J ,Hair and results better ,applications Rigorous :modeling equation structural .۱۲-۱ ,(۲-۱)۴۶ ,*Planning Range Long* .acceptance higher

۱۰. for criterion new A .(۲۰۱۵) .M ,Sarstedt & ,.M .C ,Ringle ,.J ,Henseler equation structural based-variance in validity discriminant assessing .۱۱۵- ,(۱)۴۳ ,*Science Marketing of Academy the of Journal* .modeling .۱۳۵

۱۱. .*management resource water and change Climate* .(۲۰۲۳) .IPCC

.Change Climate on Panel Intergovernmental

۱۲. mass of Utilization .(۱۹۷۴) .M ,Gurevitch & ,.G .J ,Blumler ,.E ,Katz ,(.Eds) zKat .E & Blumler .G .J In .individual the by communication *on perspectives Current :communications mass of uses The* .Sage .(۳۲-۱۹ .pp) *research gratifications*

۱۳. groundwater of Analysis .(۲۰۲۲) .M ,Faramarzi & ,.Z ,Khazaei *Hydrogeology* .Iran in impacts economic-socio its and depletion .۱۷۶۳-۱۷۵۱ ,۳۰ ,*Journal*

۱۴. groundwater on assessment impact extraction-Over .(۲۰۱۴) .J ,Lehane ,(۳)۲ ,*Policy and Science Groundwater* .Iran from studies Case :systems .۵۸-۴۵

۱۵. .opportunities and challenges :crisis water s'Iran .(۲۰۱۴) .K ,Madani .۱۲-۱, (۱)۲۸ ,*Management Resources Water*

۱۶. the causing is What :Iran in management Water .(۲۰۱۴) .K ,Madani .۳۶-۲۵ ,(۲)۱۲ ,*Studies Environmental of Journal* ?crisis looming

۱۷. *of Journal* .Iran in management crisis Water .(۲۰۱۹) .K ,Madani .۶۷-۴۵ ,(۱)۱۰ ,*Studies Environmental*

۱۸. s'Iran .(۲۰۱۶) .A ,Mirchi & ,.A ,AghaKouchak ,.K ,Madani .nation bankrupt-water a of Challenges :drought socioeconomic .۱۰۱۶-۹۹۷ ,(۶)۴۹ ,*Studies Iranian*

۱۹. .(.ed th۶) *theory communication mass s'McQuail* .(۲۰۱۰) .D ,McQuail .Sage

۲۰. .NPR .crisis water Iran's .(۲۰۲۵) .NPR

۲۱. *and theory the to introduction An :policy Public* .(۲۰۰۶) .W ,Parsons .Publishing Ashgate .*analysis policy of practice*

۲۲. on based Iran in crisis water of studies Future .(۲۰۱۶) .A ,Rezayan .۲۶۰-۲۵۳ ,(۲)۷۴ ,*Technology and Science Water* .data big processing

۲۳. .Press Free .(.ed th۴) *innovations of Diffusion* .(۱۹۹۵) .M .E ,ersRog

۲۴. .Press Free .(.ed th۵) *innovations of Diffusion* .(۲۰۰۳) .M .E ,Rogers

۲۵. .Iran in legitimacy of decline and crisis water The .(۲۰۲۰) .M ,Salami .۵۲-۳۳ ,(۱)۱۳۵ ,*Quarterly Science Political*

۲۶. .(۲۰۲۰) .S ,Aghbash-Mollahasani & ,.F ,Givi-Ahmadi ,.M ,miSale .strategies mitigation and Causes :Iran in deterioration quality Water .۲۶۶ ,(۴)۱۹۲ ,*Assessment and Monitoring Environmental*

۲۷. Retrieved ?SEM-PLS is What .(۲۰۱۹) .Website Official SmartPLS /com.smartpls.www//:https from

۲۸. .consequences security its and Iran in crisis Water .(۲۰۲۳) .M ,Talebi .۱۳۰-۱۱۲ ,(۴)۱۵ ,*Studies Security of Journal*

۲۹. *No Leaving :Report Development Water World UN* .(۲۰۱۹) .UNESCO Cultural and Scientific ,Educational Nations United .*Behind One* .Organization

۳۰. Nations United .*management and scarcity Water* .(۲۰۲۳) .UNESCO .Organization Cultural and Scientific ,Educational

۳۱. ,crisis water acute facing Iran .(۱۴ tAugus ,۲۰۲۵) .Diplomat Water .*Diplomat Water The* .critical Teheran in situation

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٢٥٠-٢٢٣
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# تأثیر عوامل نهادی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران

**نهضت حسینی صدر** [١]
**محمدرضا ناهیدی امیر خیز** [٢]
**رویا آل عمران** [٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۱/۲۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۴/۸)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
هرگونه اصلاحات در زمینه عملکرد شاخص‌های سیاسی و نهادی همانند ارتقای کارایی‌های قوانین و مقررات، برقرار نمودن حاکمیت قانون، فراهم شدن امنیت لازم جهت فعالیت‌های کارآمد اقتصادی، ضمانت‌نمودن حقوق مالکیت، ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی و سیاسی، تسهیل مقررات در زمینه تولید و تجارت، توسعه نهادهای اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فضای سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد و امثال آن، می‌تواند اقداماتی موثر در زمینه فراهم‌نمودن بستر مناسب جهت سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی تلقی شود. در این مقاله

١- دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
٢- استادیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
nahidi@iau.ac.ir
٣- دانشیار، گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ پرداخته شده است. نتایج برآوردها حاکی از آن است که در بین شاخص‌های عوامل نهادی، در هر دو رژیم متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون خشونت، تأثیر مثبتی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در مقابل در هر دو رژیم، متغیرهای اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در نهایت، کیفیت مقررات در رژیم اول دارای تأثیر مثبت ولی در رژیم دوم، دارای تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی است.

**واژه‌های کلیدی:** دولت، عوامل نهادی، بانکداری اسلامی، مارکوف سوئیچینگ.
**طبقه بندی JEL:** P۴۸، O۱۶، C۲۴.

**مقدمه**

امروزه سهم عمده رشد و توسعه اقتصادی جوامع به بخش مالی ارتباط دارد. این بخش در تخصیص منابع به همه بخشهای اقتصادی، نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کند و از طریق کاهش هزینه تأمین مالی و نیز تشویق پس اندازها و استفاده بهینه از آنها منجر به رشد و توسعه بلندمدت اقتصادها می‌شود (خیاط رسولی و همکاران، ۱۳۹۹). توسعه بخشهای مالی به عنوان مکمل بخش واقعی اقتصاد از اهمیت وافری برخوردار می باشد. خدمتی که توسعه مالی برای بنگاه‌های اقتصادی انجام می‌دهد، سهولت دسترسی به منابع مالی است، بطوریکه سرمایه‌گذاران حداکثرکننده سود، در فضایی با فرصت‌های برابر، می توانند با کمترین هزینه، سرمایه‌های مدنظر خود را تامین مالی کنند و صرفا در این صورت است که سرمایه‌گذاری‌های بهینه در اقتصاد صورت می‌گیرد. در واقع می‌توان چنین اذعان داشت که به واسطه توسعه مالی، دسترسی عمیق و گسترده به سرمایه و خدمات مالی فراهم می‌شود. لذا توسعه مالی از یکسو می‌تواند منجر به تخصیص بهینه منابع گردد که در نتیجه آن، منابع موجود در حد اشتغال کامل مورد بهره برداری

قرار می‌گیرد و نهایتاً منجر به تولید و افزایش رفاه جامعه می‌شود و از سوی دیگر با افزایش سطح سرمایه‌گذاری در اقتصاد و استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود، منجر به افزایش تولید می‌شود (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۱).

هرگونه اصلاحات در زمینه عملکرد شاخص‌های سیاسی و نهادی نیز همانند ارتقای کارایی‌های قوانین و مقررات، برقرار نمودن حاکمیت قانون، فراهم شدن امنیت لازم جهت فعالیت‌های کارآمد اقتصادی، ضمانت‌نمودن حقوق مالکیت، ایجاد ثبات و پایداری اقتصادی و سیاسی، تسهیل مقررات در زمینه تولید و تجارت، توسعه نهادهای اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی، ایجاد فضای سالم، شفاف و رقابتی در اقتصاد و امثال آن، می‌تواند اقداماتی موثر در زمینه فراهم‌نمودن بستر مناسب جهت سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی تلقی شود. درواقع، عدم ثبات و ناامنی اقتصادی و اجتماعی، افزایش فساد در نظام اداری و اجرایی کشور، ناکارآمدبودن نظام قضایی (طولانی شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی، عدم عدالت و ...)، وجود تنش‌های داخلی و بین‌المللی، عدم کارآمدی قوانین و مقررات، باعث ارتقای هزینه‌های معاملاتی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری شده، که عواقب آن در نظام بانکداری اسلامی نیز جلوه‌گر خواهد شد، بطوریکه در بلندمدت رکود شدید و گسترده‌ای بر چنین بازار مالی سایه می‌افکند و مانع بزرگی را در جهت توسعه رضایت‌بخش و مطلوب این بازار ایجاد خواهد شد. تلاش پژوهش حاضر این است که به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ[۱] بپردازد. فرضیات پژوهش حاضر نیز به شرح زیر ارائه می‌شوند:

**فرضیات اصلی:**

۱- حق اعتراض و پاسخگویی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

۲- ثبات سیاسی بدون خشونت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

۳- اثربخشی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

---

[۱] .Markov Switching (MS)

۴- کیفیت مقررات بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
۵- حاکمیت قانون بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
۶- کنترل فساد بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

## فرضیات فرعی:

۱- تورم بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
۲- رشد اقتصادی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

## ۱- مبانی نظری

### ۱-۱- بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی بر مبنای اصل مشارکت در سود و زیان شکل گرفته و بر بخشهای حقیقی اقتصاد و سرمایه گذاری در این بخشها تأکید می نماید و همین أمر آن را از بانکداری سنتی متفاوت می سازد. مبنای بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی بوده و بر این اساس، در بانکداری اسلامی وجوه سپرده گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و در قالب عقود معین، سرمایه‌گذاری می شود. این ساز و کار بانکهای اسلامی در سالهای اخیر، به خصوص پس از بحران جهانی، مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان و بانکداران قرار گرفته و تقاضا برای خدمات بانکداری اسلامی، بیش از پیش، افزایش یافته است (شهبازخانی و صادقی، ۱۳۹۴). در واقع، گسترش و ثبات بانکداری اسلامی طی سالهای اخیر و بروز بحران های مالی و عدم توانایی نظام بانکداری متعارف در پیشگیری از بروز آنها، سبب شده تا توجه پژوهشگران و مقامات اقتصادی کشورها بیش از پیش نسبت به نقش و اهمیت بانکداری اسلامی معطوف شده و در راستای توسعه آن گام بردارند. به طور کلی بانک اسلامی، یک مؤسسه بانکی تعریف شده که بهره (ربا) دریافت یا پرداخت نمی نماید. بنابراین تعریف بانک اسلامی پول های مشتریان خود را بدون تعهد مستقیم یا غیر مستقیم به پرداخت پاداش ثابت به سپرده های آنها دریافت می کند اما باز پرداخت اصل سپرده ها را به هنگام درخواست مشتری تضمین می کند. بانک اسلامی، وجوه نزد خود را (بدون وام دادن با بهره) در فعالیت های

تجاری و سرمایه گذاری به کار می گیرد(یعنی بر اساس مشارکت در سود) و در صورتی که فعالیت مورد نظر زیان کند بانک نیز همانند سایر شرکاء در زیان سهیم خواهد شد (شاهین پور[۱]، ۲۰۰۹). در مقایسه تفاوت بانک اسلامی با سایر بانک ها از دیدگاه این تعریف فقط یک ویژگی وجود دارد و آن عدم استفاده از بهره در معاملات بانک است. البته این شرط برای وجود بانک اسلامی ضروری است اما کافی نیست زیرا در غیر بانک های اسلامی نیز مواردی از بانک ها در دنیا وجود دارد که از تأمین مالی مبتنی بر بهره استفاده نمی کنند. برای تکمیل تعریف بانک اسلامی لازم است شرط دیگری به شرط عدم معامله با بهره (ربا) اضافه نمود و آن التزام به اصول شریعت اسلامی در تمام فعالیت ها و معاملات(و به دنبال آن عدم به کار گیری منابع مالی در فعالیت های غیر مشروع) و التزام به مقاصد شریعت در تأمین منابع و مصالح جامعه اسلامی می‌باشد. بنابراین بانک اسلامی منابع مالی (در اختیار خود) را به بهترین فعالیت های ممکن تخصیص داده و علاوه بر آن بر مبنای ارزش های اخلاقی و اصول شرعی برای تأمین منافع فردی (در ضمن مصالح اجتماعی) به مشتریان خود مشاوره می دهد. ناگفته پیداست که این تعریف از بانک اسلامی (که در آن عدم کاربرد بهره شرط ضروری و عمل به شریعت شرط کافی است) مسئولیت سنگینی به دوش این مؤسسه می افکند. خصوصاً در شرایط امروزین کشورهای اسلامی که در تمام زمینه های تولیدی و تأمین مالی لازم است منابع خود را به طور کامل و با بیشرین کارآیی به کار گیرند. تا بتوانند در فرآیند توسعه و زدودن فقر به موفقیت دست یابند. در این مقاله تعریف کامل بانک اسلامی مدّ نظر قرار گرفته است. زیرا ما به فعالیت هایی که این مؤسسه باید انجام دهد توجه می کنیم نه به آنچه که مؤسسات بانکی اسلامی تجربه نموده اند. اگر چه تجربه‌ی بانک های اسلامی (با همه‌ی محدودیت ها و مشکلات) حاکی از آن است که بعضی از این بانک ها در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی از سایر بانک ها مؤثر تر بوده اند اما اقتضای وجودی بانک های اسلامی در زمینه توسعه، تلاش بیشتری را طلب می کند. این تلاش نه فقط برای برداشتن موا نع ، بلکه برای تحول و تکامل ابزار و وسایل مورد استفاده در بهره برداری از منابع مالی ضروری است (سرابی نوبخت و معدنچی، ۱۳۹۷). عمده عقود بانکداری اسلامی در ایران عبارت‌اند از:

---

[۱].Shahinpoor

۱) قرض الحسنه: قراردادی است که در آن یکی از طرفین قرارداد مقدار معینی از مال خود را در زمان حال به دیگری واگذار می‌کند. در مقابل، قرض گیرنده، متعهد می‌شود که عین مال یا قیمت آن را در زمان معین باز پس دهد. یک طرف قرارداد می‌تواند بانک و طرف دیگر مشتری بانک باشد.

۲) مضاربه: قراردادی است که به موجب آن بانک سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر با آن به تجارت می‌پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه بین بانک و طرف دیگر تقسیم می‌شود.

۳) مشارکت مدنی: قراردادی بازرگانی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می‌آمیزند.

۴) مشارکت حقوقی: قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید را تأمین و یا قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود را خریداری می‌کند و از این طریق در سود آن‌ها شریک می‌شود.

۵) فروش اقساطی: بانک‌ها بنا به تقاضای کتبی مشتریان خود، ماشین آلات و تأسیساتی را که عمر مفید آن‌ها بیش از یک سال است، خریداری می‌کنند و به صورت قسطی به مشتریان می‌فروشند.

۶) معاملات سلف: بانک محصولات تولیدی آینده بنگاه‌ها را پیش خرید می‌کند. این قرارداد ازناحیه فروشنده پیش فروش یا قرارداد سلف نامیده می شود.

۷) اجاره به شرط تملیک: طبق این قرارداد، بانک مورد اجاره را تهیه کرده و در اختیار مشتری قرار می‌دهد و در صورتی که مستأجر به تعهدات خود عمل کرده و اقساط را تأدیه نماید، در پایان مدّت اجاره، مالک عین مال مورد اجاره می‌شود.

۸) جعاله: طبق قرارداد، کارفرما تعهد می‌کند که در قبال عمل مشخص کارگزار یا عامل، اجرت معینی به او بپردازد (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۱).

۹) مرابحه: اوراق مرابحه اوراق بهاداری است که دارندگان آنها به صورت مشاع، مالک دارایی مالی (دینی) هستند که بر اساس قرارداد مرابحه حاصل شده است و دارنده ورق مالک و طلبکار آن دین است. این اوراق بازدهی ثابت داشته و قابل فروش در بازار ثانوی می‌باشند.

۱۰) استصناع: دولت، شهرداری ها، شرکت های دولتی و بخش خصوصی برای تأمین مالی طرح های عمرانی و توسعه ای می توانند از طریق استصناع اقدام کنند. این اوراق بهاداری است براساس قرارداد استصناع (سفارش ساخت) طراحی شده است.

۱۱) سرمایه گذاری مستقیم: عبارتست از تامین سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای تولیدی و طرحهای عمرانی انتفاعی توسط بانکها. نسبت سرمایه به کل منابع مالی لازم برای اجرای طرح، تا مرحله بهره‌برداری نباید از چهل درصد کمتر باشد.

۱۲) خرید دین: طبق این قرارداد، بانک‌ها می‌توانند اسناد و اوراق تجاری متعلق به واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی را تنزیل کنند (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۱).

## ۱-۲- عوامل نهادی

کافمن و همکارانش[۱] در بانک جهانی برای عوامل نهادی، شش شاخص حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثر بخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد را بیان کردند:

حق اعتراض و پاسخگویی: از منظر بانک جهانی، این شاخص نمایانگر مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات و ... است که عمدتا تحت عنوان شاخص دمکراسی مطرح می‌گردد. براساس این شاخص، هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیأت حاکم داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل‌ها و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد و رسانه‌های جمعی، استقلال بیشتری داشته باشند و افرادی که زمامدار امور جامعه می‌باشند و قدرت را در جامعه در دست دارند، پاسخگوی اعمال خود باشند و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را اعلام کنند، این أمر نشان‌دهنده وضعیت بهتر عملکرد عوامل نهادی است.

ثبات سیاسی بدون خشونت: ثبات سیاسی بدون خشونت مبین احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طریق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز می‌باشد. عمدتا بحث این شاخص روی

---

[۱].Kauffman et al

تروریسم و خشونت می‌باشد. براساس این شاخص، هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده عملکرد ضعیف عوامل نهادی است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه عوامل نهادی، امتیاز بالاتری را کسب می‌کند. از منظر بانک جهانی نیز، این شاخص گویای مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا می‌باشد.

اثربخشی دولت: از منظر بانک جهانی، کارایی یا اثربخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا توسط دولت برای حمایت سیستم بازار مورد توجه واقع گردیده است. همچنین این شاخص به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی همانند پاسخگویی و شفافیت اشاره دارد. این شاخص همچنین، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را نیز توضیح می‌دهد.

کیفیت مقررات: از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارها است که با نام کیفیت بوروکراسی نیز مطرح می‌گردد. به‌بیانی دیگر منظور از این شاخص، قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی می‌باشد که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌گردد. حضور هرچه بیشتر بخش خصوصی در اثر اجرای سیاست‌های تدوین‌شده از سوی دولت، نشانه‌ای از عملکرد بهتر عوامل نهادی در جامعه می‌باشد.

حاکمیت قانون: اینکه تا چه حد قوانین سیاسی در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آنها تکیه کرد، با این شاخص ارزیابی می‌گردد. از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت همانند مولفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون می‌باشد.

کنترل فساد: از منظر بانک جهانی، این شاخص مفاهیمی همانند فساد در میان مقامات رسمی یا همان سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر

جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را سنجش می‌کند. لازم بذکر است که این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را پوشش می‌دهد (بانک جهانی[۱]، ۲۰۲۴ و خانه آزادی[۲]، ۲۰۲۴).

## ۱-۳- مجاری تأثیرگذاری عوامل نهادی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی

جهت بررسی‌های دقیق‌تر نیز، در ذیل به نحوه تأثیرگذاری تک‌تک مولفه‌های عوامل نهادی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد)، بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی پرداخته می‌شود:

حق اعتراض و پاسخگویی: دولت دموکراتیک با حمایت از حقوق بشر از طریق افزایش حق اعتراض و پاسخگویی، اجازه مشارکت بیشتری را در توزیع مناسب‌تر امکانات مالی فراهم می‌سازد. چراکه با تشویق مباحثات آزاد در مورد سیاست‌مداران و سیاست‌ها، هم امکان تداوم نظام حاکم بر جامعه افزایش می‌یابد و از طرفی نیز این أمر، زمینه‌های فرار مغزها را کاهش داده و ضمن تقلیل مخارج ریسک سرمایه‌گذاری، زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر را در نظام بانکداری اسلامی فراهم می‌سازد و همین أمر نیز، بسترهای مولد را جهت ارائه خدمات بانکی بیشتر در جوامع اسلامی فراهم کرده و لذا زمینه‌های اعطای تسهیلات بیشتر و متنوع تر عقود بانکداری اسلامی را مهیا می‌کند. درواقع، حق اعتراض و پاسخگویی با حفظ حقوق مالکیت، مشوق سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی بوده و با اجازه ابراز نظرات و عقاید، سبب کارایی بیشتر در تخصیص منابع بانکهای اسلامی می‌شود (آهنگری و رضائی، ۱۳۹۰).

ثبات سیاسی بدون خشونت: ثبات سیاسی بدون خشونت از کانال سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی می‌تواند بر اعطای تسهیلات این بانکها اثرگذار باشد و مطابق پیش‌بینی، اثرش مثبت است. به‌طور مثال، اطمینان سیاسی با ثبات سیاسی همراه بوده و احتمالاً نرخ ترجیحات زمانی را به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز کاهش می‌دهد. در واکنش به این أمر، نرخ سرمایه‌گذاری‌ها در طرح‌های بلندمدت اسلامی و با بهره‌وری بالا افزایش می‌یابد. افزون بر این،

---

[۱].World Bank

[۲].Freedom House

کارائی مالی حاصله به‌واسطه ثبات سیاسی، مانند عملکرد بهتر جدول زمانی سرمایه‌گذاری، ارائه خدمات نهایی متناظر داده‌های سرمایه گذاری را در این بانکها افزایش خواهد داد. لذا نتیجه‌گیری می‌شود که ثبات سیاسی بدون خشونت، از طریق اثر مثبت خود روی بازدهی نهایی سرمایه گذاری در بانکداری اسلامی، تسهیلات اعطایی این بانکها را تحت تاثیر مثبتی قرار می‌دهد (چئونا و همکاران[۱]، ۲۰۱۰). ولی اگر در جامعه‌ای، زمینه‌های ایجاد ثبات اقتصادی با خشونت همراه باشد، طبیعی است که در چنین حالتی، امکان تنش‌های نژادی و قومی و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به میزان قابل توجهی محتمل است و همین أمر باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران در چنین کشوری، احساس امنیت نکنند و از عنوان‌کردن دارایی‌هایشان و سرمایه‌گذاری امتناع کنند. در چنین حالتی، سرمایه‌گذاران ممکن است سرمایه خود را به کشورهای دیگری منتقل کنند یا این که سرمایه خود را در پروژه‌های کوچک و کوتاه‌مدت غیر اسلامی به‌کار اندازند و لذا همین أمور می‌تواند موجبات کاهش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی و لذا ارائه تسهیلات کمتر عقود بانکداری اسلامی را به‌همراه داشته باشد (مسرون[۲]، ۲۰۱۳).

اثربخشی دولت: دولت اثربخش و کارا، پاسخگوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی به خدمات، کیفیت و سرمایه‌های مالی و ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری و بهره‌وری پایدار می‌باشد. دولت‌های اثربخش به‌واسطه حمایت‌های حسابگرانه، می‌توانند با تضمین حقوق مالکیت، از سرمایه گذاران داخلی حمایت کرده و انگیزه‌های افزایش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی را فراهم کنند و از این طریق، زمینه‌ساز افزایش اعطای تسهیلات بانکهای اسلامی گردند. درواقع واقعیت این است که دستیابی به بهره‌وری پایدار و باثبات در بانکهای اسلامی، زمانی محقق می‌شود که نظام اقتصادی از دخالت‌های غیرضروری دولت، محفوظ بماند. البته این به معنای حذف کامل دولت در عرصه اقتصاد نیست، بلکه هدف از اثربخشی دولت، سیاست‌گذاری صحیح دولت است که می‌تواند روند توزیع مجدد درآمد،

---

۱. Cheona et al

۲. Masron

ثبات اقتصادی و تخصیص منابع و مدیریت نظام تصمیم‌گیری عمومی را بهبود بخشد تا از این طریق، زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در بانکهای جوامع اسلامی گردد.

کیفیت مقررات: دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب نظام بانکداری در جوامع اسلامی داشته باشد. درواقع، جامعه‌ای توسعه‌یافته می‌باشد، که قانون و مقررات در آن، درحد بهینه باشد، نه چنان کم، که منجر به رفتارهای بدون قاعده و پرهزینه گردد و امور جامعه را مختل کند و نه چنان زیاد، که راه را برای انتخاب بهینه افراد ببندد (شریف آزاده و بحرینی، ۱۳۸۲). قوانین و مقررات اختلال‌زا از قبیل، مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بیش از حد بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و بار مالیاتی بالا، در مسیر راه‌اندازی فضاهای سرمایه‌گذاری محدودیت ایجاد می‌کند و منجر به افزایش هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری اسلامی می‌شود، که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، مانعی بر مسیر رشد سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی ایجاد می‌کند و این أمر نیز می‌تواند منجر به کاهش اعطای تسهیلات این بانکها گردد. براین اساس، جهت نیل به کارایی بیشتر بانکهای اسلامی، لحاظ کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری این جوامع، ضروری می‌باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶).

حاکمیت قانون: حاکمیت قانون به‌واسطه حمایت از حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها و مهم‌تر از همه، با ایجاد کارآفرینی، زمینه بهبود عملکرد نهاده‌های پولی_مالی را فراهم می‌کند. بارو[۱] معتقد است، ازآنجائیکه مردم به‌دنبال نفع شخصی هستند، فقط درصورتی به عهده‌گرفتن کار سخت و سرمایه‌گذاری اقدام می‌کنند که، احتمال منطقی از منتفع‌شدن از کوششان موجود باشد. بنابراین اگر به‌واسطه حاکمیت قانون، حقوق مالکیت در جامعه خوب تأمین شده باشد، مردم به افزایش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی اقدام می‌کنند و پرواضح است که در چنین حالتی از طریق افزایش میزان سپرده‌ها، زمینه برای اعطای تسهیلات هرچه بیشتر از طریق عقود بانکداری اسلامی می‌گردد (بالسرزاک و پیترزاک[۲]، ۲۰۱۶). ولی اگر در جامعه‌ای نظم و قانون حاکم نباشد، در چنین حالتی، عدم اعتنا به قراردادها به‌ویژه از جانب دولت‌ها می‌تواند رواج

---

۱. Barro

۲. Balcerzak & Pietrzak

داشته باشد و سرمایه‌گذاران (اعم از داخلی و خارجی)، می‌توانند با خطرات مصادره اموال خود از جانب دولت‌ها مواجه شوند. پرواضح است که در چنین وضعیتی، سرمایه‌گذاران از هزینه‌کردن بر روی پروژه‌های بانکهای اسلامی نیز، امتناع می‌کنند و از اینرو زمینه‌های لازم برای حمایت مالی از وام گیرندگان، محدود گشته و همین أمر می‌تواند منجر به کاهش اعطای تسهیلات بانکداری اسلامی گردد (مسرون[۱]، ۲۰۱۳).

کنترل فساد: با کنترل فساد، امکان تخصیص بهینه استعدادهای جامعه و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد، جامعه از پتانسیل‌های واقعی خود برخوردار شده و زمینه‌های گسترش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز فراهم می‌گردد. مورو[۲] نیز معتقد است که کنترل فساد، سبب حرکت سرمایه‌گذاری‌های عمومی به سمت پروژه‌هایی که امکان فساد در آنها کمتر است (با توجه به میزان ضرورت پروژه) می‌گردد، که این أمر سبب حرکت منابع به‌ویژه سرمایه‌های انسانی به سمت فعالیت‌های نوآورانه می‌شود. پرواضح است که در چنین حالتی، سود حاصل از پرژوه‌های سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز می‌تواند افزایش یابد، لذا انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در این بانکها مهیا می‌شود و همین أمر نیز منجر به افزایش روند اعطای تسهیلات بانکی در جوامع اسلامی می‌شود (فوستر و همکاران[۳]، ۲۰۱۲). ولی درصورت وجود فساد در ارگان‌های دولتی، نوعی بی‌اعتمادی از جانب بخش خصوصی نسبت به دولت ایجاد می‌شود و این بی‌اعتمادی نیز در قالب اشکال مختلف من‌الجمله خودداری از سرمایه‌گذاری‌های کارآمد و درپیش‌گرفتن سیاست‌های صبر و انتظار جلوه خواهد نمود. طبیعی هست که در چنین وضعیتی، روند سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز نمی‌تواند چشم‌گیر باشد (شریف آزاده و بحرینی، ۱۳۸۲).

## ۲- پیشینه پژوهش

مطالعه حاضر از جهت رویکرد تأثیری عوامل نهادی، صرفا روی نظام بانکداری اسلامی حائز

---

۱. Masron

۲. Mauro

۳. Foster et al

نوآوری است. چراکه در مطالعات مشابه در حیطه مطالعات محقق، این رویکرد از جهت سایر متغیرهای بانکی بوده که نگاهی به مولفه‌های بانکداری اسلامی نداشته‌اند. لذا در پژوهش حاضر با ارائه مدل جامع‌تری، تلاش بر این است که با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ، به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران پرداخته شود.

## ۲-۱- مطالعات خارجی

(آسوتای و مهدسایدک،۲۰۲۰)[۱]، در مطالعه‌ای تحت عنوان "اقتصاد سیاسی رشد بانکداری اسلامی: آیا رژیم و نهادهای سیاسی، حاکمیت و ریسک‌های سیاسی اهمیت دارند؟"، به بررسی تأثیر عوامل نهادی_سیاسی بر رشد بانکداری اسلامی پرداختند. این مطالعه برای ۱۶ کشور اسلامی طی بازه زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ انجام شد و جهت برآورد اثرات متغیرها نیز، از تکنیک داده‌های‌پانلی با رهیافت‌های گشتاورهای تعمیم یافته و حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شد. نتایج گویای این أمر بود که، تأثیرپذیری رشد وام‌های بانکهای اسلامی از عوامل نهادی_سیاسی مثبت می‌باشد، هرچند که این أمر بسته به نوع عوامل نهادی می‌تواند رشد کندتر یا سریع‌تری را به همراه داشته باشد.

(توی و ممو گلی،۲۰۲۰)[۲]، در مطالعه‌ای تحت عنوان "محیط نهادی و عوامل تعیین‌کننده سرعت تعدیل ساختار سرمایه در منطقه MENA."، به بررسی تاثیر عوامل موثر بر ساختار مالی شرکت‌های فهرست شده در منطقه MENA پرداختند. جهت نیل به این مقصود از اطلاعات ۵۰۶ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار در ۱۲ کشور منطقه MENA بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ استفاده شد. نتایج برآورد مدل به شیوه گشتاورهای تعمیم یافته حاکی از این أمر بود که، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی بدون خشونت (به عنوان شاخص‌های عوامل نهادی) در برخی موارد دارای تأثیر مثبت و در برخی موارد دارای تأثیر منفی بودند. هرچند که بدلیل شرایط

---

[۱] .Asutay & Mohd Sidek

[۲] .Touil & Mamoghli

کشورهای مورد بررسی، ضرایب مثبت تأثیرگذار چندان چشم‌گیر نبودند.

### ۲-۲- مطالعات داخلی

(عزتی و همکاران، ۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای اسلامی منتخب»، به ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب اسلامی پرداختند. مدل تجربی این بررسی، با داده‌های دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ و با استفاده از روش رگرسیونی EGLS براورد شده است. نتایج نشان داد که شاخص‌های نهادی مربوط به حکمرانی خوب بر شاخص ترکیبی توسعه مالی اثر مثبتی داشته‌اند. در برابر، شاخص دموکراسی اثر منفی بر توسعه مالی داشته است.

(عزیزی و همکاران، ۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منطقه اوراسیا)»، به بررسی شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی در ۲۷ کشور در حال توسعه منطقه اوراسیا طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۹ پرداختند. بر این اساس، یک الگوی اقتصادسنجی تصریح و به روش گشتاورهای تعمیم یافته در داده‌های پانل برآورد گردید. نتایج حاصل از این مطالعه دلالت بر این داشت که کیفیت بالای نهادها، دموکراسی بالاتر و حمایت حقوق مالکیت، اثر مثبت و معناداری بر توسعه مالی در کشورهای مورد بررسی داشته است.

## ۳- روش شناسی و معرفی مدل

در این پژوهش، تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای برآورد اثرات متغیرها نیز، از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ[۱] استفاده می‌شود. ازجمله ویژگی‌های روش مارکوف سوئیچینگ، می‌توان به موارد

---

[۱] .Markov Switching (MS)

اشاره نمود:

- منطق نهفته در مدلسازی مارکوف سوئیچینگ، داشتن یک ترکیب از توزیع‌هایی با ویژگی‌های مختلف می‌باشد. این توزیع‌ها، مقدار جاری متغیر را نشان می‌دهند.
- همه پارامترهای مدل در طول رژیم‌های مختلف، مطابق با یک فرآیند مارکوف، چرخش می‌یابند.
- مارکوف سوئیچینگ، امکان انتقال بین حداقل دو رژیم و بیشتر را بررسی می‌کند که مبین یک رنجیره مارکوف با N رژیم می‌باشد (صداقت و همکاران، ۱۳۹۸).
- در این روش برای هر وضعیت، معادله جداگانه‌ای برآورد می‌شود و رفتار متغیرها طی رژیم‌های رکود و رونق، مورد بررسی قرار می‌گیرد.
- در این روش، عاملی که باعث تغییر رژیم (تغییر وضعیت) می‌شود، متغیر وضعیت (متغیر پیشرو) می‌باشد که غیرقابل مشاهده است.
- تکنیک مارکوف سوئیچینگ، فروض کمتری را بر توزیع مولفه‌های مدل وارد می‌کند (هایات و کاهلیک[۱]، ۲۰۱۷).
- روش مارکوف سوئیچینگ از ماهیت خود داده‌ها استفاده می‌کند و آنها را تغییر نمی‌دهد. لذا در این روش، متغیرها در هر حالتی مانا شوند، به‌همان صورت در مدل وارد می‌شوند.
- تغییر رژیم در این روش به‌صورت درونزا تعیین می‌شود. به‌عبارتی، پیش‌فرض خاصی وجود ندارد و براساس فرآیند تولید داده‌ها، تصمیم‌گیری می‌شود.
- این روش، قابلیت عدم تقارنی رژیم‌ها را درنظر می‌گیرد. دربیانی، رفتار متغیرها را در دوره‌های رکود و رونق مورد ارزیابی قرار می‌دهد.
- در این روش، زمان‌های دقیق تغییرات و شکست‌های ساختاری، تعیین می‌شود.
- در این روش، قابلیت پیش‌بینی بین رژیم‌ها وجود دارد. به عبارتی، احتمال انتقالات بین رژیم‌های رکود و رونق، محاسبه می‌گردد (چنگ و همکاران[۲]، ۲۰۱۹).

مطالعه حاضر برمبنای مبانی نظری و مطالعات تجربی و علی الخصوص مطالعه آسوتای و

---

[۱] .Hayat & Cahlik

[۲] .Cheng et al

مهدسایدک[۱](۲۰۲۰)، می‌باشد که متغیرهای دیگری نیز، بر اساس هدف پژوهشگر به شکل تئوریک در مدل وارد شده است، که فرم تبعی آن بصورت زیر می‌باشد:

$$IBO_t = f(IF۱_t, IF۲_t, IF۳_t, IF۴_t, IF۵_t, IF۶_t, INF_t, Y_t)$$

که به شکل زیر تصریح شده است:

$$\varepsilon_{it}\ \alpha_۷ INF_t + \alpha_۸ Y_t + = \alpha_. + \alpha_۱\ IF۱_t + \alpha_۲\ IF۲_t + \alpha_۳\ IF۳_t + \alpha_۴\ IF۴_t + \alpha_۵\ IF۵_t + \alpha_۶\ IF۶_t + IBO_t$$

IBO: بیانگر شاخص عملکرد نظام بانکداری اسلامی می‌باشد که مبین تسهیلات اعطایی بانک‌ها بصورت عقود شامل تسهیلات قرض الحسنه، مضاربه، سلف، مشارکت مدنی، جعاله، فروش اقساطی، مرابحه، استصناع، اجاره به شرط تملیک، مشارکت حقوقی، سرمایه گذاری مستقیم و خرید دین، است.

شاخص‌های عوامل نهادی دولت عبارتند از:

IF۱: بیانگر حق اعتراض و پاسخگویی می‌باشد، که از منظر بانک جهانی این شاخص، مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی و فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات را دربر می‌گیرد؛

IF۲: گویای ثبات سیاسی بدون خشونت می‌باشد، که از نظر بانک جهانی این شاخص، از مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا ناشی می‌شود؛

IF۳: مبین اثربخشی دولت می‌باشد، که از منظر بانک جهانی این شاخص، عمدتا بیانگر توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران می‌باشد؛

---

[۱] .Asutay & Mohd Sidek

IF۴: بیانگر کیفیت مقررات می‌باشد، که از نظر بانک جهانی این شاخص، مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیر-تعرفه‌ای و دسترسی به بازارها را دربر می‌گیرد؛
IF۵: گویای حاکمیت قانون می‌باشد، که طبق استناد بانک جهانی، اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت ازجمله مولفه‌های اصلی سنجش شاخص حاکمیت قانون می‌باشند؛
IF۶: مبین کنترل فساد می‌باشد، که طبق استناد بانک جهانی این شاخص، از مفاهیمی چون فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی و پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی ناشی می‌شود.
INF: بیانگر نرخ تورم بر مبنای شاخص قیمتی مصرف‌کننده می‌باشد.
Y: بیانگر رشد اقتصادی می باشد، که از تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود.

لازم بذکر است که، اطلاعات مربوط به شاخص‌های عوامل نهادی از وب سایت بانک جهانی[۱]، گردآوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به بانکداری اسلامی و تورم، از وب سایت بانک مرکزی و اطلاعات رشد اقتصادی از وب سایت مرکز آمار ایران استخراج شده‌اند.
برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل نیز، از نرم افزارهای Eveiws و OxMetrics استفاده شده است.

## ٤- یافته‌های پژوهش

### ٤-١- آزمون مانایی

برای بررسی مانایی متغیرها از آزمون انجی پرون[۲] استفاده شده است. خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است:

---

۱. World Bank.
۲. Ng-Perron.

**جدول (۱): نتایج آزمون مانایی**

| متغیر | آماره |
|---|---|
| LnIBo | -۲/۳۲۷۵ |
| LnY | -۴/۹۵۷۵ |
| INF | -۷/۶۸۹۳ |
| LnIF۱ | -۳۰/۸۲۸۴ |
| LnIF۲ | -۴/۲۲۸۵ |
| LnIF۳ | -۵۲/۹۷۷۷ |
| LnIF۴ | -۱۲/۱۴۵۸ |
| LnIF۵ | -۱۵/۱۰۶۷ |
| LnIF۶ | -۶/۱۴۱۷ |

منبع: محاسبات تحقیق

همانطور که از جدول شماره (۱) قابل مشاهده است، تمامی متغیرها در سطح مانا می‌باشند، لذا نیازی به تفاضل‌گیری وجود ندارد ($I(۰)$).

## ٤-۲- آزمون غیرخطی

برای اینکه از غیرخطی بودن الگوی داده‌ها اطمینان حاصل کرد، از آزمون درست‌نمایی[۱] هانسن استفاده می‌شود. درصورتی که مقدار آماره از مقادیر بحرانی در سطح اطمینان مورد نظر بیشتر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مدل خطی در آن سطح، مدل مناسب نبوده و باید از مدل غیرخطی استفاده نمود. همانطور که از نتایج جدول فوق پیداست در مدل مورد بررسی، مقدار آماره LR از مقادیر بحرانی آن بزرگتر می‌باشد و لذا می‌توان نتیجه گرفت که بجای الگوی خطی، باید از روش غیرخطی استفاده نمود.

---

۱. Likelihood Ratio Test.

**جدول (۲): نتایج آزمون غیرخطی**

| احتمال | مقدار آماره |
|---|---|
| ۰/۰۰۰۱ | ۷۹/۳۲۹ |

منبع: محاسبات تحقیق

**٤-۳- تخمین مدل**

**جدول (۳): نتایج برآورد مدل**

| متغیر | ضریب | انحراف معیار | آماره t | احتمال |
|---|---|---|---|---|
| رژیم ۱ | | | | |
| C | ۴۹/۴۴۸۶ | ۰/۲۳۵۹ | ۲۰۹/۵۴۱۳ | ۰/۰۰۰۰ |
| IF۱ | ۰/۰۲۴۳ | ۰/۰۱۳۰ | ۱/۸۶۸۲ | ۰/۰۶۱۷ |
| IF۲ | ۲/۶۷۴۰ | ۰/۲۶۶۳ | ۱۰/۰۳۹۱ | ۰/۰۰۰۰ |
| IF۳ | -۲/۶۴۶۷ | ۰/۳۷۰۳ | -۷/۱۴۶۸ | ۰/۰۰۰۰ |
| IF۴ | ۱/۰۴۹۴ | ۰/۲۲۵۹ | ۴/۶۴۵۱ | ۰/۰۰۰۰ |
| IF۵ | -۲/۱۶۱۲ | ۰/۳۸۲۷ | -۵/۶۴۶۰ | ۰/۰۰۰۰ |
| IF۶ | -۳/۹۰۲۲ | ۰/۳۹۶۶ | -۹/۸۳۸۸ | ۰/۰۰۰۰ |
| LnY | ۰/۰۷۲۴ | ۰/۰۴۳۴ | ۱/۶۶۵۸ | ۰/۰۹۵۷ |
| INF | -۰/۰۱۳۳ | ۰/۰۰۳۸ | -۳/۴۲۷۶ | ۰/۰۰۰۶ |
| رژیم ۲ | | | | |
| C | ۴۷/۷۴۳۹ | ۰/۲۴۳۶ | ۱۹۵/۹۵۳۴ | ۰/۰۰۰۰ |
| IF۱ | ۰/۰۷۰۳ | ۰/۰۱۷۰ | ۴/۱۲۸۱ | ۰/۰۰۰۰ |
| IF۲ | ۰/۲۹۶۲ | ۰/۱۱۲۱ | ۲/۶۴۱۴ | ۰/۰۰۸۳ |
| IF۳ | -۰/۵۲۰۷ | ۰/۲۰۳۰ | -۲/۵۶۵۰ | ۰/۰۱۰۳ |
| IF۴ | -۰/۷۷۶۷ | ۰/۲۵۰۹ | -۳/۰۹۵۶ | ۰/۰۰۲۰ |
| IF۵ | -۰/۹۰۶۷ | ۰/۳۲۲۵ | -۳/۸۱۱۴ | ۰/۰۰۴۹ |
| IF۶ | -۱/۱۸۵۷ | ۰/۲۶۸۸ | -۴/۴۰۹۸ | ۰/۰۰۰۰ |
| LnY | ۰/۰۷۶۰ | ۰/۰۲۴۲ | ۳/۱۳۷۴ | ۰/۰۰۱۷ |
| INF | -۰/۰۰۶۲ | ۰/۰۰۲۵ | -۲/۴۱۳۷ | ۰/۰۱۵۸ |
| | | | | |

منبع: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل در رژیم اول (رونق) را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:

حق اعتراض و پاسخگویی بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح ده درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۱). ضریب این متغیر معادل ۰/۰۲ می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می‌یابد.

ثبات سیاسی بدون خشونت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۲). ضریب این متغیر معادل ۲/۶۷ می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می‌یابد.

اثربخشی دولت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۳). ضریب این متغیر معادل ۲/۶۴- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در اثربخشی دولت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.

کیفیت مقررات بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۴). ضریب این متغیر معادل ۱/۰۴ می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در کیفیت مقررات، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می‌یابد.

حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۵). ضریب این متغیر معادل ۲/۱۶- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در حاکمیت قانون، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.

کنترل فساد بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۶). ضریب این متغیر معادل ۳/۹۰- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در کنترل فساد، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.

تورم بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه فرعی ۱). ضریب نرخ تورم معادل ۰/۰۱- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در تورم، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.

رشد اقتصادی بر عقود نظام بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح ده درصد معنادار است (تایید فرضیه فرعی ۲). ضریب رشد اقتصادی معادل ۰/۰۷ می باشد که بیانگر این أمر است که

به ازای افزایش در رشد اقتصادی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می‌یابد.
نتایج حاصل از برآورد مدل در رژیم دوم (رکود) را می‌توان به شرح زیر ارائه نمود:
حق اعتراض و پاسخگویی بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۱). ضریب این متغیر معادل ۰/۰۷ می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در حق اعتراض و پاسخگویی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می‌یابد.
ثبات سیاسی بدون خشونت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۲). ضریب این متغیر معادل ۰/۲۹ می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در ثبات سیاسی بدون خشونت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می‌یابد.
اثربخشی دولت بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح پنج درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۳). ضریب این متغیر معادل ۰/۵۲- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در اثربخشی دولت، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.
کیفیت مقررات بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۴). ضریب این متغیر معادل ۰/۷۷- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در کیفیت مقررات، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.
حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۵). ضریب این متغیر معادل ۰/۹۰- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در حاکمیت قانون، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.
کنترل فساد بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح یک درصد معنادار است (تایید فرضیه اصلی ۶). ضریب این متغیر معادل ۱/۱۸- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در کنترل فساد، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.
تورم بر عقود بانکداری اسلامی تأثیر منفی دارد و در سطح پنج درصد معنادار است (تایید فرضیه فرعی ۱). ضریب نرخ تورم معادل ۰/۰۰۶- می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در تورم، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود کاهش می‌یابد.
رشد اقتصادی بر عقود نظام بانکداری اسلامی تأثیر مثبتی دارد و در سطح یک درصد معنادار

است (تایید فرضیه فرعی ۲). ضریب رشد اقتصادی معادل ۰/۰۷ می باشد که بیانگر این أمر است که به ازای افزایش در رشد اقتصادی، میزان تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود افزایش می‌یابد.

## ٤-٤- برآورد احتمال انتقال هریک از رژیم‌ها

**جدول (٤): احتمال انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر**

| رژیم ۲ | رژیم ۱ | |
|---|---|---|
| ۰/۱۰۴۳ | ۰/۸۹۵۶ | رژیم ۱ |
| ۰/۹۳۱۹ | ۰/۰۶۸۳ | رژیم ۲ |

منبع: محاسبات تحقیق

در مدل فوق، احتمال ماندن در رژیم اول (رونق) معادل ۰/۸۹ و احتمال ماندن در رژیم دوم (رکود) معادل ۰/۹۳، می‌باشد. این أمر نشان‌دهنده پایداری بیشتر رژیم دوم نسبت به رژیم اول می‌باشد. احتمال انتقال از رژیم اول به رژیم دوم نیز معادل ۰/۱۰ و احتمال انتقال از رژیم دوم به رژیم اول معادل ۰/۰۶ می‌باشد. این أمر نشانگر موقتی‌تربودن رژیم اول و انتقال سریع از رژیم اول به رژیم دوم می‌باشد.

## ٤-٥- برآورد ویژگی‌های هریک از رژیم‌ها

**جدول (٥): ویژگی‌های هریک از رژیم‌ها**

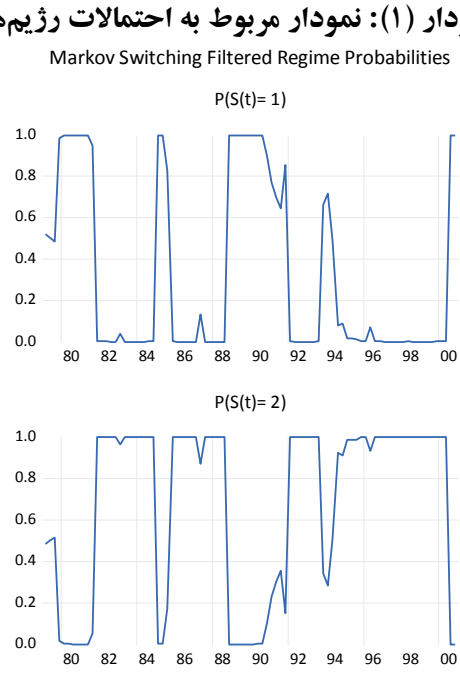
| | میانگین دوره قرارگرفتن در رژیم مورد نظر |
|---|---|
| رژیم ۱ | ۹/۵۸۳۴ |
| رژیم ۲ | ۱۴/۶۳۳۱ |

منبع: محاسبات تحقیق

این جدول میانگین طول کل دوره‌ها (فصل‌ها) را نشان می‌دهد که بیانگر این أمر است که، متوسط ماندن در رژیم اول، جمعا در حدود ۹/۵۸ دوره می‌باشد و متوسط ماندن در رژیم دوم

نیز، جمعا در حدود ۱۴/۶۳ دوره می‌باشد. نمودارهای زیر نیز، احتمال باقی ماندن در دو رژیم را به صورت فصلی نشان می‌دهند:

**نمودار (۱): نمودار مربوط به احتمالات رژیم‌ها**




منبع: محاسبات تحقیق

## ۵- بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی مارکوف سوئیچینگ پرداخته شده است. متغیرهای تورم و رشد اقتصادی نیز، به عنوان متغیرهای کنترل در مدل‌ها وارد شدند. نتایج برآوردها حاکی از آن است که در بین شاخص‌های عوامل نهادی، در هر دو رژیم متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون خشونت، تأثیر مثبتی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در مقابل در هر دو رژیم، متغیرهای اثربخشی دولت، حاکمیت قانون و کنترل فساد تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی دارند. در نهایت، کیفیت مقررات در رژیم اول دارای تأثیر مثبت ولی در رژیم

دوم، دارای تأثیر منفی بر عقود بانکداری اسلامی است. در توجیه تأثیرات مثبت چنین قابل اذعان است که نهادها با ایجاد یک ساختار باثبات در روابط انسانی، منجر به کاهش نااطمینانی، تشویق کارایی و بهبود عملکرد مالی در بخش بانکداری اسلامی می‌شوند، ولی چنانچه اگر به لحاظ شاخص‌های نهادی شاهد وضعیت مناسبی نباشیم، در چنین حالتی می‌توان شاهد رابطه منفی و حتی عدم رابطه نیز بود، چرا که این وضعیت منعکس‌کننده حکمرانی ضعیف می‌باشد و طبیعتا در چنین حالتی، حکمرانی ضعیف نمی‌تواند محرک مناسبی در جهت ارتقای مولفه‌های بانکداری اسلامی باشد، که آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی، منعکس‌کننده وضعیت نامساعد شاخص‌های نهادی در کشور می‌باشند. در هر دو رژیم نیز تأثیر تورم بر عقود بانکداری اسلامی، منفی و تأثیر رشد اقتصادی بر عقود بانکداری اسلامی، مثبت بود. نرخ تورم بالا منجر به افزایش عدم اطمینان و کاهش کارایی مکانیسم قیمت در تخصیص منابع می‌شود و لذا بی‌ثباتی بخش‌های مختلف اقتصادی من الجمله بازارهای مالی را به همراه داشته و در یک اقتصاد بی‌ثبات نیز، ارزش و بهره‌وری بازار پول کاهش می‌یابد و حجم تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکداری اسلامی در قالب عقود به علت ریسک ناشی از بازپرداخت بدهی و کاهش قدرت خرید، به طرز قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌یابد. از طرفی نیز، افزایش رشد اقتصادی به‌واسطه افزایش تولید، می‌تواند منجر به افزایش درآمد و ثروت شده و انگیزه پس‌انداز و درنهایت انگیزه سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی را افزایش داده و برای تسهیلات بانکداری اسلامی نیز تقاضا ایجاد کند. همچنین لازم بذکر است که نتیجه مطالعه حاضر، با نتایج مطالعات داخلی و خارجی، هم‌خوانی دارد. حال با توجه به نتایج حاصل از فرضیات، پیشنهادات کاربردی_سیاستی نیز به شرح ذیل ارائه می‌شوند:

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۱)، درجهت عملکرد هرچه بیشتر شاخص حق اعتراض و پاسخگویی، تقویت مردم‌سالاری و الویت‌بخشی به نظر اکثریت و توجه به خواسته‌های همگانی جامعه و تقویت نهادهای دموکراتیک، ضروری بنظر می‌رسد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۲)، جهت ایجاد زمینه‌های بیشتر برای شکل‌گیری ثبات سیاسی بدون خشونت، توجه بیشتر به آرا و نظریات اقلیت‌های سیاسی، قومی و مذهبی و پرهیز از هرگونه ایجاد تنش‌های سیاسی، می‌تواند ریسک سقوط و نابودی دولت را در جوامع فوق تاحد

قابل توجهی کاهش دهد و در جهت ایجاد و گسترش فضاهای سیاسی باثبات در جامعه مؤثر واقع گردد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۳)، جهت اثربخشی هرچه بیشتر دولت، حذف نقش تصدی‌گری دولت و محدودنمودن وظایف دولت به ایفای وظایف حاکمیتی با هدف حفظ و بهره‌برداری بهنیه از منابع جهت ارائه خدمات مولد و پایدار، می‌تواند با افزایش کارایی دولت و تقویت حقوق مالکیت، نقش قابل توجهی را در ارتقای عملکرد بانکداری اسلامی ایفا نماید.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۴)، تدوین قوانین و مقررات مناسب‌تر با ساختار کشور و حذف قوانین دست و پاگیر خصوصا درزمینه قوانین اجرایی، می‌تواند به عملکرد هرچه بیشتر مقررات (کیفیت مقررات) منجر گردد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۵)، در جهت ارتقای سطح شاخص حاکمیت قانون، لازم است سیاست‌هایی در جهت گسترش دستگاه‌های قضایی مستقل، قابل پیش‌بینی و کارآمد، برقراری ثبات بیشتر در برنامه‌ها و اهداف طراحی‌شده دولت، ایجاد ساز و کارهای نوآورانه مانند روش‌های نوین برای حل منازعات، حفاظت بیشتر از حقوق مالکیت و نظارت‌های کاراتر بر حسن اجرای قراردادها، صورت گیرد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۶)، در جهت کنترل هرچه بیشتر فساد نیز، سه راهکار عمده افزایش نظارت بر کارگزاران دولتی متصدی ارائه خدمات، شفاف‌سازی فرآیندهای اداری و کاهش شدت قوانین و مقررات به شکل جامع، پیشنهاد می‌شود.

## منابع

آهنگری، عبدالمجید و رضائی، روح‌الله. (۱۳۹۰). بررسی رابطه علی بین دموکراسی و رشد اقتصادی: با استفاده از داده‌های ترکیبی. مدلسازی اقتصادی، ۱، ۴۷-۶۵.

بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۳). قابل دسترسی در سایت http://tsd.cbi.ir/.

خداپرست مشهدی، مهدی، فلاحی، محمدعلی و رجب زاده مغانی، ناهید. (۱۳۹۵). بررسی نقش کیفیت نهادی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی. اقتصاد پولی و مالی، ۱۱، ۴۵-۲۶.

خیاط رسولی، مینا، آل عمران، رویا، مهرگان، نادر و محمدزاده، پرویز. (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت نهادی دولت و نوع سیستم‌های مالی روی رشد اقتصادی کشورهای منتخب اسلامی. اقتصاد و بانک‌داری اسلامی، ۳۳، ۱۱۹-۸۹.

سحابی، بهرام، اعتصامی، منصور و امین پور، خالد. (۱۳۹۲). پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی. بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب، ۱۲. ۱۱۸-۱۰۵.

سرابی نوبخت، سمیرا و معدنچی، مهدی. (۱۳۹۷). نقش و اهمیت بانکداری اسلامی در پیشگیری از بحران های مالی. کنفرانس بین المللی مدیریت حسابداری اقتصاد و بانکداری نوین.

سلیمانی، مرتضی، پایتختی اسکوئی، سید علی، دیزجی، منیره و اسکندری سبزی، سیما. (۱۴۰۱). تأثیرات غیرخطی جهانی‌شدن بر توسعه مالی در ایران: رهیافت مارکوف سوئیچینگ. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۳۸، ۳۰۹-۲۸۳.

شریف آزاده، محمدرضا و حسینی بحرینی، محمد. (۱۳۸۲). تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۵۸-۱۳۷۹). نامه مفید، ۳۸، ۱۵۹-۱۹۲.

شهبازخانی، ولی الله و صادقی، اسما. (۱۳۹۴). بررسی نقش بانکداری اسلامی در توسعه کشورهای اسلامی مطالعه موردی ربا در کشور ایران و اردن. اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم اجتماعی.

صداقت کالمرزی، هانیه، فتاحی، شهرام و سهیلی، کیومرث. (۱۳۹۸). شواهدی جدید از رابطه رانت نفت و رشد اقتصادی در کشورهای اوپک: کاربردی از مدل ترکیبی مارکوف سوئیچینگ آستانه‌ای. مدلسازی اقتصادسنجی، ۳، ۳۷-۵۸.

عزتی، مرتضی، عاقلی، لطفعلی و کرمی، وجیهه. (۱۳۹۸). ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه

مالی در کشورهای اسلامی منتخب. پژوهشهای برنامه و توسعه، ۲، ۶۰-۳۵.
عزیزی، زهرا، براری، آسیه و احمدپور کچو، علی. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منطقه اوراسیا). مطالعات و سیاست‌های اقتصادی، ۱، ۲۷۸-۲۵۱.
کریمی، محمدشریف، حیدریان، مریم و دورباش، معصومه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمران خوب بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد تصحیح خطای برداری. جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۳، ۱۲۷-۱۵۵.
مرکز آمار ایران. (۱۴۰۳). قابل دسترسی در سایت https://amar.org.ir/.
هدایتی، سیدعلی اصغر، سفری، علی اصغر، کلهر، حسن و بهمنی، محمود. (۱۳۹۱). عملیات بانکی داخلی (تخصیص منابع). بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: موسسه عالی بانکداری ایران.

Alraheb, T. H., Nicolas, Ch., & Tarazi, A. (۲۰۱۹). Institutional environment and bank capital ratios. Journal of Financial Stability, ۴۳, ۱-۲۴.

AsifKhan, M., AtifKhan, M., Elyas Abdulahiad, M., Liaqat, I., & HussainShaha, S. S. (۲۰۱۹). Institutional Quality and Financial Development: The United States Perspective. Journal of Multinational Financial Management, ۴۹, ۶۷-۸۰.

Asutay, M., & Mohd Sidek, N. Z. (۲۰۲۰). Political economy of Islamic banking growth: Does political regime and institutions, governance and political risks matter?, International Journal of Finance & Economics, ۱-۳۶.

Balcerzak, A. P., & Pietrzak, M. B. (۲۰۱۶). Quality of Institutions and Total Factor Productivity in the European Union. Statistics in Transition, ۳, ۴۹۷-۵۱۴.

Cheng, T., Gao, J., & Yan, Y. (۲۰۱۹). Regime switching panel data models with interactive fixed effects. Economics Letters, ۱۷۷, ۴۷-۵۱.

Cheona, S., Dowallb, D. E., & Songc, D. W. (۲۰۱۰). Evaluating Impacts of Institutional Reforms on Port Efficiency Changes: Ownership, Corporate Structure, and Total Factor Productivity Changes of World Container Ports.

Foster, N., Pöschl, J., & Stehrer, S. (۲۰۱۲). Manufacturing Productivity: Effects of Institutions and Service Sector Innovations. The Vienna Institute for International Economic Studies, ۳, ۱-۱۶.

Freedom House. (۲۰۲۴). Retrieved from https://freedomhouse.org/.

Hayat, A., & Cahlik, T. (۲۰۱۷). FDI and Economic Growth: A Changing Relationship Across Country and Overtime. MPRA Paper, ۷۸۲۴۰, ۱-۲۱.

Masron, T. A. (۲۰۱۳). Promoting Intra-ASEAN FDI: The Role of AFTA and AIA. Economic Modelling, ۳۱, ۴۳-۴۸.

Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (۲۰۱۰). The Worldwide Governance Indicators : A Summary of Methodology, Data and Analytical Issues. World Bank Policy Research Working Paper, ۵۴۳۰, ۱-۲۸.

Matemilola, B. T., Bany-Ariffin, A. N., Azman-Saini, W. N.W., & Annuar, M. N. (۲۰۱۹). Impact of institutional quality on the capital structure of firms in developing Countries. Emerging Markets Review, ۳۹, ۱۷۵-۲۰۹.

Muye, I. M., & Muye, I. Y. (۲۰۱۷). Testing for causality among globalization, institution and financial development: Further evidence from three economic blocs. Borsa Istanbul Review, ۲, ۱۱۷-۱۳۲.

Shahinpoor, N. (۲۰۰۹). The Link between Islamic Banking and Micro financing. International Journal of Social Economics, ۳۶, ۹۹۷-۱۰۰۷.

Touil, M., & Mamoghli, Ch. (۲۰۲۰). Institutional environment and determinants of adjustment speed to the target capital structure in the MENA region. Borsa Istanbul Review, ۱۶, ۱-۲۳.

World Bank. (۲۰۲۴). The Worldwide Governance Indicators (WGI) project reports. Accessed at https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٢٧١-٢٥١
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیستهٔ کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی

**صادق زحمت زاد خوری**[١]
**علیرضا خدامی**[٢]
**کرامت اله راسخ**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۳/۵/۲۹ - تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۸/۶)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیستهٔ کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی است. برای این کار از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. در مطالعه حاضر نیز محدودیتی در مورد محل جمع‌آوری اطلاعات وجود نداشت و شرکت‌کنندگان در پژوهش از افرادی که تجربه زیستی کلیشه جنسیتی داشتند انتخاب شدند. این افراد زنان و دختران ۱۵ تا ۲۴ساله شهر بندر لنگه

[١]- دانشجوی دکتری ،گروه علوم اجتماعی،واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.
[٢]- استادیار، گروه علوم اجتماعی،واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران. (نویسنده مسئول)
alirezakhoddamy@yahoo.com
[٣]- دانشیار ، گروه علوم اجتماعی،واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.

بودند که واجد معیارهای ورود به پژوهش بوده و تمایل به شرکت در این مطالعه داشتند. زمان دسترسی محقق به اشباع داده‌ها ادامه یافت. در نهایت تعداد ۱۲ نفر در این مطالعه شرکت نمودند. به‌این‌ترتیب بر اساس سه مرحله اول روش کلایزی، مفاهیم استنباط شده از مصاحبه با شرکت‌کنندگان در کدهای متفاوت قرار گرفت. در مرحله بعد سعی شد تا کدهای استخراج شده در دسته‌بندی‌های خاص موضوعی قرار داده شود. به این منظور، ابتدا زیر مجموعه‌هایی ایجاد شد که از ادغام آنها دسته‌های فرعی شکل گرفت و از ترکیب چند دسته فرعی نهایتاً مفاهیم اصلی پژوهش به وجود آمد. در نهایت کلیه مفاهیم استنباط شده در دو مفهوم‌محوری «نگرش جنسیتی» و «موقعیت نابرابر» جای گرفت. نتایج پژوهش نشان داد: باور افراد به تفاوت‌های جنسیتی در توانایی‌های مختلف و تقسیم کار اجتماعی به نابرابری جنسیتی تبدیل شده و آن همواره توسط کلیشه‌های جنسیتی موجبات طبقه‌بندی جنسی و برچسب‌زنی جنسیتی را فراهم کرده است. در جامعه در حال گذار ایران با اختلال در ساختارها و شالوده‌های سنتی حاکم بر جامعه، تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها و نقش‌های اجتماعی زنان و دختران به وجود آمده است. خانواده و نقش‌های درون آن دستخوش دگرگونی‌های معناداری شده است. پذیرش کلیشه‌های جنسیتی توسط افراد و شکل‌گیری نگرش جنسیتی در آنها می‌تواند موجب گردد تا آنها با اتخاذ نگرش و موضعی خاص، احساس، ادراک و ارزیابی متفاوتی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و بالطبع رفتارهای متفاوت و متمایزی در قبال آن انجام دهند.

**واژگان کلیدی:** کلیشهٔ جنسیتی، تجربه زیسته، پدیدارشناسی، مدل کلایزی، زنان و دختران.

## مقدمه و بیان مسأله

در تمامی جوامع بشری، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اجتماعی - فرهنگی برای دسته‌بندی افراد جامعه، جنسیت است. بین جنس و جنسیت تفاوت‌های معناداری وجود دارد که منشأ آن را باید در فرهنگ جست‌وجو کرد. جنس بر جنبه‌های بیولوژیکی و جسمانی مرد و زن اشاره دارد و مفهوم جنسیت بر ابعاد فرهنگی و اجتماعی مرتبط با تفاوت‌های بین مردان و زنان که جامعه آنها تعیین می‌کند دلالت دارد. امروزه نکته به‌مراتب مهم‌تر این است که اساساً چگونه چنین

تفاوت‌هایی در جامعه شکل می‌گیرند و سازمان‌دهی می‌شوند. جنسیت ویژگی مهمی است که به طور اساسی تعیین کننده ادراکات، نگرش‌ها، رفتارها و منزلت افراد در جامعه بوده و خود نیز به شدت تحت تأثیر یادگیری اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. جنسیت، حداقل دارای سه سطح متفاوت و مرتبط به هم است: سطح فردی (نقش‌ها و هویت‌های فردی)، سطح بین فردی و کنش متقابلی (شیوه‌های رفتار کردن با دیگران) و سطح کلان و اجتماعی (باورهای فرهنگی و توزیع منابع). چند سطحی بودن سیستم جنسیت، به فرآیندهایی که در نهایت به بازتولید نابرابری جنسیتی در سطوح کلان، خرد و کنش متقابلی به طور همزمان می‌انجامد، اجازه عمل می-دهد. (کورل، ۲۰۰۶). مفهومی که ارتباط نزدیکی با نابرابری جنسیتی دارد و می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد کلیشه جنسیتی است. کلیشه قالب ذهنی مفهومی است که از صنعت چاپ به عرصه علوم اجتماعی و به ویژه روانشناسی اجتماعی آمده است. قالب ذهنی مفهومی است برای نشان دادن تصورها، داوری‌ها و پیش داوری‌هایی درباره اشخاص، گروه‌ها، اشیا و وقایع است. قالب‌های ذهنی عمری نسبتاً طولانی دارد، با گذشت زمان تغییر چندانی نمی‌کند و با ارزش داوری منفی یا مثبت احساسی همراه است. از این رو یکی از بارزترین مصداق‌های تصورهای اجتماعی است. در جریان پیدایش قالب‌های ذهنی، تنها به ویژگی‌های آشکار و سطحی موضوع مورد نظر توجه می‌شود. این به معنای بهره گیری از ادراک گزینشی در ساختن قالب‌های ذهنی است. تصورهای ذهنی در پیوندی خاص درباره پدیده‌ای شکل می‌گیرد. اما از آن مورد خاص به موارد دیگر تعمیم داده می‌شود. ودر اموری دیگر از آن‌ها استفاده می‌شود . و قالب‌های ذهنی در کنش متقابل اجتماعی و جهت گیری به فردی می‌رساند. (راسخ،۱۳۹۱). براساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتار خاص و حالات روانی خاص هستند و در نهایت قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوتند. کلیشه سازی از طرفی خصوصیات و توانایی‌هایی را به زنان اختصاص می‌دهد که در مردان از آنها نشانه‌ای نیست و از طرف دیگر، توانایی‌ها و خصوصیاتی را به مردان نسبت می‌دهد که زنان از آن بی بهره‌اند . (اعزازی، ۱۳۸۹). کلیشه‌های جنسیتی به طور دائم در جامعه بازتولید می‌شوند. بر اساس نظریه جامعه پذیری، درونمایه های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای از طریق نهادهای مختلف مثل خانواده، مدرسه و نظام آموزش، رسانه‌های همگانی و گروه همسالان منتقل می‌شود. جامعه‌پذیری جنسیت یکی از ابعاد جامعه‌پذیری است، بنابراین

آموزه‌های مرتبط با جنسیت نیز از طریق همین نهادها انتقال پیدا می‌کند .کلیشه‌ها یا تصورات قالبی خبر از تفاوت‌های زیاد بین زن و مرد می‌دهند؛ ولی غالباً این کلیشه‌ها هیچ‌گونه اساسی در رفتار واقعی ندارند. باوجوداین، کلیشه‌های تعیین شده که فرهنگ القا می‌کند، خصوصیاتی هستند که از منظر اجتماعی برای مردان و زنان مطلوب به‌حساب می‌آیند. افرادی که از کلیشه‌ها یا تصورات قالبی انحراف زیادی دارند، به نظر منفی می‌آیند .در جامعه ما کلیشه‌های زنانه مانند سلطه‌پذیری، خرافات، عاطفی، مهربان بودن و دلسوز، کنجکاوی (فضولی)، انفعال، ترسویی، خیال‌بافی، رؤیایی، هیجانی، مضطرب (نگران)، جذاب و دلربا، پرحرف، حساس و نقش‌های وابسته به همسر و خانواده و برای کلیشه‌های مردانه: فعال، حادثه‌جو، سلطه‌گر (زورگو)، مستقل، نیرومند، شجاع، جسور، قوی، معقول، خودمحور، با اعتمادبه‌نفس، مغرور، پرخاشگر، عصبانی و خشن، غالب (فرادستی) و نقش‌های تکیه‌گاه و نان‌آور خانواده وجود دارد. کلیشه جنسیتی یکی از مفاهیم معرف تبعیض جنسیتی است که فرهنگ جوامع، آن را در افراد درونی می‌سازد. کلیشه‌ها یا تصورات قالبی، مجموعه سازمان‌یافته‌ای از باورها درباره خصوصیات تمامِ اعضای یک گروه خاص است. باتوجه‌به این تعریف می‌توان گفت: یک کلیشه یا تصور قالبی جنسیتی دربردارنده اطلاعاتی درباره ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علاقه‌ها، صفت‌های روانی، روابط اجتماعی و نوع شغل زنان و مردان است. (باستانی،۱۳۸۶). آنچه در بررسی کلیشه‌های جنسیتی در جامعه جلب‌توجه می‌نماید، رواج کلیشه‌های عمدتاً منفی در مورد زنان و شیوع و پذیرش کلیشه‌های عمدتاً مثبت راجع به مردان است. هرچند این کلیشه‌ها همیشه با واقعیت رابطه‌ای ندارد و فقط معرف باورهای مشترک درباره افراد خاص است؛ ولی این طرز تلقی، بی شک برای زندگی اجتماعی زن و مرد دارای تبعات خاصی است. به یقین پیامد منفیی کلیشه‌های جنسیتی برای زنان بسیار بیشتر خواهد بود زیرا یکی از نکته‌های قطعی درباره صفت‌ها یا خصیصه‌های مربوط به کلیشه‌های جنسیتی آن است که عمدتاً صفات مطلوب‌تر و مثبت‌تر از نظر اجتماع به مردان تعلق یافته است. با توجه به مطالب فوق در این پژوهش سعی بر آن است که به مطالعه پدیدار شناختی تجربه زیستهٔ کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی در سال ۱۴۰۱ پرداخته و در این میان نقش عوامل مهم در تولید و باز تولید کلیشه‌های جنسیتی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین توصیف، تشریح ومقایسه تجربه

زیسته‌ی دختران و زنان از کلیشه‌های جنسیتی در خانواده ازمباحث مورد بحث در این پژوهش خواهد بود .شناسایی و فهم تجربه زیسته و میزان شیوع کلیشه‌های جنسیتی در بین دختران و زنان شهر بندر لنگه می‌تواند گامی مهم در شناخت و پیشگیری از پیش داوری و تبعیض جنسیتی محسوب گردد و نقش آنها را در فرآیند توسعه برجسته نماید از این روز تحقیق حاضر با هدف مطالعه پدیدار شناختی تجربه زیستهٔ کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی صورت خواهدگرفت. به عبارت دقیق‌تر دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد، کلیشه‌های جنسیتی چگونه در در فرایند حیات روزمره دختران و زنانِ مورد مطالعه بروز و نمود می‌یابد و چه تفسیری از آنها دارند؟ کلیشه‌های جنسیتی چگونه توسط افراد مصاحبه شده روایت می‌شود و تا چه میزان در روال زندگی آنها محدودیت ایجاد می‌کند؟ واکنش افراد (پذیرش یا طرد) در قبال کلیشه جنسیتی در خانه چیست؟ کلیشه‌های جنسیتی به چه چیزهایی مربوط می‌باشد؟ (مانند ظاهر جسمانی، نگرش‌ها، علایق، صفات روانی، روابط اجتماعی، نقش‌های خانگی و نوع شغل و...). تفاوت‌های عمده تجارب زیسته زنان و دختران مورد مطالعه بر حسب سن، تحصیلات، وضعیت تاهل وشغل کدامند؟ از دید مصاحبه شوندگان، بیشترین ساحت زندگی که کلیشه جنسیتی تجربه می‌شود کدام است و چگونه تجربه می‌شود؟ ارتباط تجربه کلیشه‌های جنسیتی در عرضه‌های گوناگون اجتماعی و خصوصی خانه و مناسبات خویشاوندی، شبکه‌های دوستی و مدرسه و دانشگاه چگونه است؟ کلیشه‌های جنسیتی در کدامیک از ساحت‌های زندگی خانوادگی بیشتر رواج دارد و چگونه؟ استراتژی‌های پذیرش و یا احیاناً طرد کلیشه‌های جنسیتی در میان زنان و دختران مورد مطالعه چیست؟ آیا پیامد کلیشه‌های جنسیتی را در ساحت‌های گوناگون حیات اجتماعی می‌بینند؟

## پیشینه تحقیق

معقول (۱۴۰۰) پژوهش خود را با عنوان «بررسی رابطه ارتقای شغلی و تبعیض جنسیتی با تاکید بر نقش میانجی عدالت سازمانی و تعدیلگری اعتقادات ضد مردان، مطالعه موردی: سازمان تامین اجتماعی» نوشت. یافته‌های تحقیق نشان داد که جنسیت کارمند ارتقا یافته تاثیر مثبت و معناداری بر عدالت رویه‌ای و توزیعی دارد. از طرفی، نتایج نشان داد که رابطه مثبت و معناداری میان متغیرهای عدالت رویه‌ای، عدالت توزیعی و جنسیت کارمند ارتقا یافته با تبعیض جنسیتی علیه

زنان وجود دارد. بنابراین، مشخص گردید که متغیرهای عدالت رویه‌ای و توزیعی نقش میانجی جزئی در رابطه بین جنسیت کارمند ارتقا یافته و تبعیض جنسیتی علیه زنان دارند و این نتایج با ارقام به‌دست آمده با آزمون سوبل نیز مطابقت داشته است. در نهایت، نتایج مربوط به نقش متغیر تعدیلگر اعتقادات متعصبانه ضد مرد مدیران نشان داد که این متغیر نقش تعدیلگر در رابطه بین جنسیت کارمند ارتقا یافته با عدالت‌های رویه‌ای و توزیعی نداشته و هر دو فرضیه رد شده‌اند.

بشارده (۱۴۰۰) تحقیق خود را با موضوع «پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس تجربه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و هم‌نوایی با هنجارهای زنانه باواسطه گری خود خاموشی» انجام داد و نتایج تحلیل نشان داد که هم‌نوایی با هنجارهای زنانه و ادراک تبعیض‌های جنسیتی، علاوه بر تأثیر مستقیم، به طور غیرمستقیم و به واسطه مؤلفه‌های خود خاموشی نیز بر جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی زنان تأثیر گذاشته است. جزئیات مربوط به نحوه تأثیر هم‌نوایی با هنجارهای زنانه و ادراک تبعیض‌های جنسیتی بر مؤلفه‌های خود خاموشی و جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی مورد بحث قرار گرفته است.

شولتز لی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «جنسیت، کار مراقبتی در خانواده‌های ژاپنی» به بررسی مذاکره در مورد کارهای مراقبتی در خانواده پرداخته است. زنان براساس هنجارهای متضاد تعهدات فرزندی، ایدئولوژی جنسیتی و باورهای فرهنگی درباره‌ی پیوند والد فرزند، تجربه‌ای دوگانه دارند. تجزیه و تحلیل حاصل از مصاحبه‌های عمیق نشان داد که این دوگانگی براساس ۱- تضاد بین هنجارها و باورهای فرهنگی و ۲- تفاوت‌های بین نسلی در مواجهه با هنجارهای مراقبتی است. نه تنها هنجارهای مربوط به کارهای مراقبتی در ژاپن جنسیتی است، بلکه آنها تقاضایی که زنان برای مراقبت از والدین خود و هنجارهای جامعه ایجاد می‌کنند با تغییر انتظارات زنان در ژاپن معاصر در تضاد و تناقض قرار می‌گیرد، به طوری که در خانواده‌های مورد مطالعه، هنجارهای تفکیکی و سنتی مربوط به تعهدات زوجین به چالش کشیده شده اما مبنای جنسیتی از کارهای مراقبتی در خانواده به قوت خود باقی است. براساس این یافته‌ها، ترجیح داده شد که مراقبین بر اساس جنسیت و الزامات یا تعهدات فرزندی (دختران) تعیین می‌شوند.

یوستا، فاورِ و هامیه (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «اثر جامعه‌پذیری بر روی تبعیض جنسیتی و

خشونت علیه زنان در لبنان» به بررسی اثر جامعه‌پذیری بر نگرش مردان لبنانی نسبت به نابرابری جنسیتی برای درک خشونت علیه زنان در خاورمیانه، پرداخته‌اند. یافته‌های حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش شرکت‌کنندگان، انتظارات والدین برای رفتارهای نوعاً جنسیتی و قرارگرفتن در معرض خشونت‌های اجتماعی، نگرش مردان نسبت به نابرابری جنسیتی را پیش‌بینی کرده است. شرکت‌کنندگان در مصاحبه نیز بیان کردند که مردانگی به آنها نقش خراج دهندگی را تحمیل می‌کند که خودشان را به‌عنوان قربانی یک فرهنگ سنتی ادراک می‌کنند و از طرفی دیگر این هنجار کنترل و قدرت مردان بر زنان را به آنها واگذار می‌کند.

## روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع کیفی که به روش پدیدارشناسی توصیفی انجام‌گرفته و برای تجزیه‌وتحلیل آن از روش کلایزی (۱۹۷۸) استفاده شد. جامعه هدف شامل زنان و دختران ۱۵ تا ۲۴ سال بندر لنگه بود. در این پژوهش مشارکت‌کنندگان ۱۲ نفر از زنان و دختران بندر لنگه بودند. به‌منظور دسترسی بیشتر به تجربیات زیسته و منحصربه‌فرد زنان و دختران در مؤلفه ملاک‌های کلیشه جنسیتی، محقق در مرحله مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تصمیم گرفت مصاحبه‌ها را ادامه دهد باوجوداینکه در مؤلفه کلیشه جنسیتی با ۱۲ مصاحبه به اشباع رسیده بود و درنهایت از ۱۵ مصاحبه با زنان و دختران تعداد ۱۲ مصاحبه مورد بررسی و کدگذاری قرار گرفت و ۳ مصاحبه به دلیل همپوشانی بسیار بالا با سایر مصاحبه‌ها از روند بررسی خارج شد. آنالیز داده‌ها توسط دو نفر از اساتید متخصص این حوزه انجام شد و این امر به اعتبار داده‌ها کمک کرد و داده‌ها طبق رویکرد پدیدارشناسی توصیفی - کلایزی آنالیز شد.

## یافته‌های توصیفی

از میان ۱۲ شرکت کننده در پژوهش چهارنفر خانه دار، دو نفر کارمند و یک نفر شغل آزاد و ۴ نفر محصل و یک نفر بی سوادبودند. از نظر تحصیلات سه نفر تاپنجم ابتدایی، یک نفر سوم راهنمایی، ۴ نفردبیرستان در پایه‌های یازدهم و دوازدهم، ۱ نفر دیپلم و ۱ نفر لیسانس و۱ نفر فوق لیسانس بودند .محدوده سنی شرکت کنندگان خانم ۱۵ تا ۲۴ سال و میانگین سنی آنان ۲۰ سال بود. از نظر وضعیت اقتصادی ۵۰درصد پاسخگویان (ضعیف)،۳۵درصد وضعیت اقتصادی

خوب و ۱۵درصد وضعیت اقتصادی متوسط داشتند.

**جدول (۱)- مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان**

| ردیف | سن | وضعیت اقتصادی | تحصیلات | وضعیت تأهل | وضعیت شغلی |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ۲۴ | ضعیف | پنجم ابتدایی | متأهل | خانه‌دار |
| ۲ | ۲۴ | متوسط | پنجم ابتدایی | متأهل | خانه‌دار |
| ۳ | ۲۴ | ضعیف | پنجم ابتدایی | متأهل | خانه‌دار |
| ۴ | ۲۴ | ضعیف | سوم راهنمایی | متأهل | خانه‌دار |
| ۵ | ۲۴ | خوب | لیسانس | مجرد | کارمند |
| ۶ | ۲۳ | خوب | بی‌سواد | متأهل | شغل آزاد |
| ۷ | ۲۲ | ضعیف | دیپلم | مجرد | بیکار |
| ۸ | ۲۰ | خوب | فوق‌لیسانس | مجرد | کارمند |
| ۹ | ۱۷ | متوسط | دانش‌آموز یازدهم | مجرد | محصل |
| ۱۰ | ۱۷ | ضعیف | دانش‌آموز یازدهم | مجرد | محصل |
| ۱۱ | ۱۸ | ضعیف | دانش‌آموز دوازدهم | مجرد | محصل |
| ۱۲ | ۱۸ | خوب | دانش‌آموز دوازدهم | مجرد | محصل |

## یافته‌های پژوهش

پس از مصاحبه با مشارکت‌کننده زنان دارای تجربه زیستی کلیشه‌های جنسیتی اطلاعات صوتی ضبط شده به‌صورت متنی درآمد. سپس مکتوبات مربوط به مصاحبه چندین مرتبه خوانده شد تا محتوای کلی هر مصاحبه و معنای موردنظر دارای تجربه زیسته زنان درک شود. در این مرحله به استخراج جملات مهم هر مصاحبه پرداخته شد. بدین منظور عبارات مهمی که مستقیماً به تجربه زیستی کلیشه جنسیتی زنان و دختران مرتبط بود، با کشیده‌شدن خط زیر آنها از سایر قسمت‌های متن مصاحبه مشخص شدند. در مجموع ۲۷۵ جمله مهم از ۱۲ مصاحبه انجام شده زنان و دختران ۱۵ تا ۲۴ساله بندر لنگه استخراج شد.

**جدول (۲)- مضامین اصلی و مضمون‌های فرعی آشکار شده از تحلیل داده‌ها**

| مضمون | زیر مضمون |
|---|---|
| **نگرش جنسیتی** | ۱- باور به تفاوت‌های رفتاری<br>۲- باور به تفاوت‌های ذهنی<br>۳- باور به تفاوت‌های شغلی<br>۴- نگاه دختران جوان به ارزش‌های زنانه<br>۵- آموزش متناسب با جنس |
| **موقعیت‌های نابرابر جنسیتی** | ۶- فروتری زنان و الگوهای اجتماعی پست‌تری<br>۷- تفاوت سطوح قدرت میان زنان و مردان |

در پژوهش حاضر (۲) مضمون اصلی شامل نگرش جنسیتی موقعیت‌های نابرابر جنسیتی بدست آمد. در ادامه فصل حاضر زیر مضامین هر یک از مضامین اصلی مطرح شده است. در بحث پیرامون هر زیرمضمون نیز شواهد و جملات مهم استخراج شده از گفته‌های مشارکت کنندگان که منجر به شکل گیری زیرمضمون گشته است ارائه شده است.

## الف) نگرش زنان و دختران بندر لنگه نسبت به کلیشه جنسیتی

مشارکت‌کننده شماره ۱ درمورد نوع نگرش به کلیشه جنسیتی بیان می‌دارد که ویژگی‌های دختران را چنین بر شمرد که «آنان مهربان، دل نازک، در فکر کردن و صحبت کردن از پسرها بهترند و به طور کلی از نظر درسی هم دختران در درس‌های حفظ کردنی قوی ترند» و پسران را اینطور معرفی کرد که «بازیگوش اند و به همین خاطر درس آنها خوب نیست، ولی در دروس حل کردنی قوی اند» وی همچنین توانایی دختران «خیلی بالا» بیان کرد. یکی از نکات مهم در خانه این است که اغلب خانم‌ها مشغله کارهای خونه را هم دارن ولی مردان این طوری نیستن.

مشارکت‌کننده شماره ۲ معتقد بود آرزوی وی در زمان کودکی این بود که "خوشبخت شوم" و آرزویش این بود که"درسش را ادامه بدهد و به یه جایی برسد. در خصوص شغل‌های مناسب زنان و مردان وی شغل"معلمی" را برای خانم‌ها و شغل" کار آزاد مثل مغازه داری" را برای مردها مناسب دانست و وظیفه اصلی یک زن را"رسیدگی به خانه و زندگی" دانست و ریشه افکار و تصورات خویش را برگرفته از"دوستان و آشنایان" دانست. مسائل مالی در زندگی دخترها" برای حساب و کتاب کردن" اهمیت دارد ولی در مورد یادگیری بیان کرد"پسرها بهتر

یاد می‌گیرند". و ویژگی زنان رو اینگونه بیان کرد که: "خلاقیت بالا دارند، به درس خواندن اهمیت می‌دهند و زودتر از پسرا می تونن شعر را حفظ کنند" و ویژگی‌های پسران را نیز اینطور برشمرد که: "حواسشون را بیشتر جمع می کنن و مسئله‌های مهم را زودتر از دخترا حل می‌کنند".

مشارکت‌کننده شماره ۳ درمورد نگرش جنسیتی در رابطه با توانایی دختران اینطور بیان کرد که "میگن دخترا تو مسائل حل کردنی قوی نیستند، توانایی پسرا بهتره" و میزان توجه دختران به مسائل حل کردنی را"بیشتر" از پسران دانست ولی معتقد بود"پسرها زودتر مسائل مالی را یاد می‌گیرند"."زن‌ها بعد از ازدواج دیگه نمی تونن ادامه تحصیل بدن و به صورت ذاتی پسرا ادامه تحصیل را بیشتر دوست دارن". شغل مناسب برای خانم‌ها را"خیاطی" و شغل مناسب برای مردها را"کارمند دولتی" دانست. او وظیفه اصلی زن را "خانه داری" بیان کرد و ریشه افکار و تصوراتش از"خانواده" می‌داند.

مشارکت‌کننده شماره ۴ در بررسی کلیشه‌های جنسیتی در دیدگاه این مصاحبه شونده ویژگی‌های دختران را"خوش سلیقگی، با استعداد در کارهای هنری و با استعداد در حفظیات" و ویژگی‌های پسران را "دارای استعدادی بهتر در درس خواندن نسبت به کارهای هنری، و با استعداد خوبی در ریاضی و فیزیک" بیان کرد. همچنین بیان کرد که ریشه افکار و تصوراتش گرفته شده از"محیط‌ها و مردمی که با آنها سر و کار داریم" است. ". وی معتقد است شغل مناسب خانم‌ها"پزشکی" و شغل مناسب آقایان"مهندسی" است و وظیفه اصلی زن"خانه داری و شوهرداری" می‌باشد و ریشه افکار و تصوراتش برگرفته از"خانواده" است.

مشارکت‌کننده شماره ۵ ویژگی‌های دختران را با جملات"استعداد هنری خوب و ذهن خوبی دارن" و ویژگی‌های پسران را با جملات" در ساختن وسایل بهتر از دخترا هستند" توصیف کرد و توانایی دختران در درس و کتاب را "بهتر از پسرها" ومیزان توجه "دخترها را بیشتر" دانست.

مشارکت‌کننده شماره ۶ در پاسخ به سؤالاتی که کلیشه‌های جنسیتی را می‌سنجید، ویژگی‌های دختران را با"استعداد فوق العاده خوب در گل سازی، خیاطی دارن، تو حفظیات مثل تاریخ و جغرافی قوی هستند". و ویژگی‌های پسران را با "بازیگوش، باهوش، کنجکاو، ذهن خود را تقویت می‌کنند، در ریاضی قوی اند" بیان کرد. در ادامه نیز اضافه کرد که پسرا" سرکلاس یاد

می‌گیرند" ولی دخترا"حفظ می کنن" او در کودکی آرزو داشته شغل "معلمی" را در آینده داشته باشد و امیدواراست "درس بخواند و معلم شود" زیرا به عقیده او "معلمی" شغل مناسبی برای خانم‌ها و"مهندسی" شغل مناسبی برای آقایان است. او وظیفه اصلی زن را "خانه داری" و شکل دهنده افکار و تصوراتش را"خانواده و تلویزیون" دانست. همچنین در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد که وظیفه اصلی زن را "خانه داری" می داندو خانه داری را از وظایف اولیه و اصلی زن می‌داند که موجب می‌شود وقت کمتری نسبت به آقایان برای مطالعه داشته باشند.

مشارکت‌کننده شماره ۷ در پاسخ به سؤالات نگرش کلیشه‌های جنسیتی بیان کرد که دختران را "با سلیقه در تزئینات و قوی در درس‌های تاریخ و ادبیات" و پسران را "با استعداد در ریاضی و ضعیف در شعر حفظ کردن دانست". از نظر خانواده وی"دخترا باهوش ترند. او همچنین می‌گوید" در کودکی آرزو داشتم معلم شوم"و حال آرزو دارد "با نماز و با حجاب باشد و معلم شود". همچنین معتقد است بهترین شغل برای خانم‌ها"کار در محیط‌های زنانه مثل معلمی" و برای مردها"کارمندی ادارات دولتی" است در ضمن اینکه وظیفه اصلی زن را "خانه داری وآبروداری" می‌داند و ریشه افکار و تصوراتش را برگرفته از "همسایه‌ها و خانواده " می‌داند. همچنین معتقداست که پسران بازیگوش اند و درس نمی خوانن.

مشارکت‌کننده شماره ۸ بیان می‌کند که دختران "احساساتی، با سلیقه، در رشته علوم انسانی با استعداد ترند چون در حفظیات قوی اند" و پسران را "در رشته ریاضی و فیزیک بااستعدادترند. از نظر وی توانایی دختران، " اگه وقت بذارن، خوبه" ولی میزان توجه"پسرا به دروس حلیات بیشتر" و نیز یادگیری"پسرا" زودتر از دختران است. بهترین شغل برای خانم‌ها و وظیفه اصلی زن"خانه داری" و برای آقایان"کارمند دولتی" است. او شکل گرفتن افکار و تصورات را تحت تأثیر "مدرسه- دوستان" می‌داند.

در ادامه مصاحبه و بررسی کلیشه‌های جنسیتی مشارکت‌کننده ۹ بیان کرد که دختران ویژگی‌های همانند"دلسوزی، در کار خانه با استعداد و دردرسهای خواندنی ضعیف" و ویژگی‌های پسران را" قدرتمند و مثل دخترا از درس‌های خواندنی بدشان می‌آید". همچنین اضافه می‌نماید که دختران دارای ویژگی‌هایی چون"خلاقیت ذهنی بالا و مغز بازتری از آقایان و قوی بودن در حفظیات" هستند و پسران" استعداد بالاتری در ساخت و کشف چیزهایی جالب و کارهای برقی دارند و در ریاضیات قوی ترند". و بیان می‌کند که "خیاطی" شغل مناسب خانم‌ها

و "خانه سازی" شغل مناسب مردها است و وظیفه اصلی زن"تربیت فرزندان- شوهرداری" است. افکار و تصورات وی ریشه از "خانواده، مدرسه، تلویزیون" گرفته است. به نظر وی "معلمی" شغل مناسب خانم‌ها و "کارهای مدیریتی" شغل مناسب آقایان است و وظیفه اصلی زن "تربیت فرزندان و شوهرداری" می‌باشد.

مشارکت‌کننده ۱۰ دختران را با ویژگی‌های"سرسنگین و با ادب" و پسران را با ویژگی‌های"بازیگوش و درس نخوان" توصیف می کند. ". همچنین ادامه داد که دختران"مهربان، با احساس، دارای درک خوب و حفظیات قوی" هستند و پسران"خیلی مغرور و در حلیات و حفظیات خوبند". وی معتقد است"مهندسی" شغل مناسبی برای مردها و "خانه داری" شغل مناسب و وظیفه اصلی زن است. وی در شکل گیری افکار و تصوراتش به مؤثر بودن "همسایه‌ها و خانواده"اش و"خانواده، کتاب‌ها، مجلات و تلویزیون" اشاره کرد. او بهترین شغل مناسب آقایان را"مهندسی" و بهترین شغل مناسب خانم‌ها را "معلمی" و بهترین وظیفه اصلی زن را "تربیت و راهنمایی بچه‌ها و خانه داری" می‌داند.

پژوهشگر مصاحبه ۱۱ را با خانم ۲۴ساله انجام داده و او در کودکی آرزویش این بود که"خوشبخت شوم" و آرزویش این است که"درسش را ادامه دهد". در رابطه با ویژگی‌های دختران معتقد است که آنان"احساسی هستند و بیشتر از پسرها به فکر زندگی اند (تشکیل زندگی) و برای هر کاری فکر می‌کنند و در حفظیات قوی اند"، و پسران"بازیگوش اند و در مسائل مالی قوی ترن " در ضمن توانایی دختران در مسائل مالی را"متوسط" و میزان توجهشان به آن را "بیشتر از پسرها" دانست. و معتقد بود مردان " فکرشان آزاد تره و مسئولیت خانه ندارن و برای کارشون مجبور به یادگیری هستند و بیشتر به مغزشان فشارمی آورند". ولی خانم‌ها این طوری نیستن. معتقد است "معلمی شغل مناسب خانم‌ها و کار در"ادارات دولتی" مناسب مردها است ولی وظیفه اصلی زن"تربیت بچه‌ها و رسیدگی به خانواده" می‌باشد. به نظر او "مهندسی" شغل مناسب آقایان و"خانه داری" شغل و وظیفه اصلی زن است و افکار و تصورات وی ریشه در"خانواده و همسایه‌ها" دارد.

در کنکاش کلیشه‌های جنسیتی زنان و دختران مشارکت‌کننده ۱۲ دختران را"باهوش، در تزئینات عالی و در درس حرفه قوی" و پسران را "در کتاب‌های حسابداری قوی ترنسبت به

دخترا" توصیف می‌کند. و حال آرزو دارم "درس بخوانم و نمازخوان و با حجاب باشم". او شغل مناسب خانم‌ها را"معلمی" و شغل مناسب آقایان را"مهندسی" دانست و در رابطه با وظیفه اصلی زن به"تربیت فرزندان و رسیدگی به خانواده" اشاره کرد. او ریشه افکارش را برگرفته از "خانواده و تلویزیون" می‌داند.

## ب) موقعیت نابرابر زنان در موضوع تجربه زیستی کلیشه جنسیتی زنان و دختران بندر لنگه

در یکی از مصاحبه‌ها خانم لیسانس حقوق بود بیان کرد که زنان و مردان در تمامی زمینه‌ها، از جمله: علایق، استعدادها، مهارت‌ها و توانایی‌ها، نقش‌ها و مسئولیت‌ها، خود را کاملاً متفاوت از یکدیگر می‌شناسند و امور را به‌صورت زنانه و مردانه یعنی تفکیک شده، پذیرفته و باور می‌کنند. تکرار مداوم فعالیت‌های روزمره در قالب تفکیکی مردانه و زنانه، بر اساس باورهای جنسیتی، کلیشه‌هایی را شکل می‌دهد که این کلیشه‌ها در ادامه به باورهای جنسیتی تداوم می‌بخشد. خانواده به‌عنوان اولین نهاد آموزشی و تربیتی نقش مهم و تأثیرگذاری در نهادینه‌کردن باورها و کلیشه‌های جنسیتی از طریق جامعه‌پذیر کردن کودک دارد. در طی این فرایند، کودک خود را به‌عنوان یک دختر یا پسر شناخته و در ادامه نیز تحت‌تأثیر سایر گروه همسالان، نهادهای آموزشی چون مدارس، رسانه‌ها، هویت خود را به‌عنوان یک زن یا مرد تکمیل می‌کند. اصولاً والدین با به‌کارگیری الگوها و کلیشه‌های جنسیتی موجود و باور به آنها، توانایی پسران را در مستقل شدن و یادگیری مهارت‌های مختلف بیشتر از دختران دانسته و به همان صورت آنها را تربیت می‌کنند ."

همچنین، در برخی مصاحبه‌ها دختران نوجوان پایه یازدهم و دوازدهم در زمینهٔ تبعیض جنسی وجود برخی محدودیت‌ها (امکانات رفت‌وآمد، خواب و استراحت، لباس و اشتغال)، (برخورداری اندک از حمایت‌های مالی و... در خانواده و جامعه) تمایل جامعه به داشتن فرزند پسر، محبت بیشتر به پسران، توجه بیشتر به فرزند ذکور در میزان وجه روزانه، تغذیه و البسه و) (مورد بی‌احترامی واقع‌شدن) بی‌احترامی در خانه و جامعه و بی‌اعتمادی به آنان، سوءاستفاده (تنبیه بدنی، استثمار در منزل و محل کار)، نداشتن قدرت انتخاب (حاکمیت پسران در منزل، عدم نظرخواهی در ازدواج و تحمیل شرایط و...) مواجه می‌شوند. همچنین، این دختران نوجوان معتقد

بودند که عواملی نظیر؛ باورهای فرهنگی (اقامت موقت در منزل پدری و ازدواج، هزینهٔ تهیه جهیزیه برای دختران، سربلندی و حفظ نام خانوادگی توسط پسران) مشکلات اقتصادی و اجتماعی (بیکاری، تورم، فقر و بیماری روانی والدین)، اقتضای شرایط (آسیب‌پذیری دختران، سلطه‌پذیری آنان و جامعه ناسالم) و ویژگی‌های خانواده (سنتی، تحصیلات پایین) موجب تبعیض جنسی در خانواده و جامعه بوده‌اند. همچنین موقعیت نابرابر زنان و دختران در مقایسه با مردان و پسران در زمینه‌های مختلف خانوادگی نظیر الگوهای تعاملات با خویشاوندان و دوستان، تقسیم کار خانگی، خشونت خانگی و دسترسی به منابع ارزشمند در مشارکت‌کننده ۱۹ساله با مدرک دیپلم بود.

در یکی از مصاحبه‌ها سطح پایین تحصیلات زن و مرد، فاصلهٔ زیاد سنی بین آنها، نوع محل سکونت، تعداد اعضای خانواده، مردسالاری از مهم‌ترین شاخص موقعیت نابرابر زنان بود. زنان با سطح تحصیلات و آگاهی بالاتر، جایگاه بالاتر به لحاظ طبقهٔ اجتماعی خانواده خود از ادامه صحبت‌های خانم ۲۰ساله بود. نابرابری جنسیتی در سه حوزهٔ هنجاری، آموزشی و تحصیلی، اقتصادی است. همچنین زنان به‌عنوان مادر نقش مهمی در ایجاد نابرابری جنسیتی در خانواده بین دختر و پسر خود دارند.

در یک مصاحبه عوامل فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه که زنان را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته، عدم آگاهی اهمیت فراغت و تأثیر این امر بر سلامت افراد و کیفیت زندگی آنها، آسیب‌زا بودن محیط بیرون از خانه برای زنان و وجود هراس منتج از آن در ایشان، تسلط مردان بر وقت افراد خانواده از جمله زنان، تقسیم کار خانگی و ذات تمام‌نشدنی امور خانه و خانواده از مهم‌ترین موقعیت نابرابر زنان و دختران در جامعه است.

در یکی از مصاحبه‌ها که دانشجوی رشته مدیریت خانواده بود کلیشه‌های پسران بیشتر ناظر بر قدرت، عقلانیت، استقلال، خشونت و مشاغل ابزاری و مدیریتی است، درحالی‌که کلیشه‌های دختران اشاره به عطوفت، تأثیرپذیری، وابستگی و گرایش به مشاغل خدماتی در بین آنها دارد. نگرش این دانشجو حاکی از اظهار نوعی دوگانگی در باورهای جنسیتی و پذیرش تفاوت‌های بین دو جنس مشابه تصورات قالبی رایج در جامعه از جانب آنهاست.

در یکی از مصاحبه‌ها که هم‌زمان سه خانم با تحصیلات بی‌سواد و سیکل و دیپلم و یک دختر

۲۳ساله دانشجو که خیلی عمیق و از ته دل و یکی از آنان با گریه صحبت می‌کرد که مهم‌ترین مباحث از مصاحبه آنان با این شرح است: محدودیت از پرامکانات رفت‌وآمد، خواب و استراحت، لباس و اشتغال، (تفاوت چشمگیر در برخورداری از حمایت‌های مالی و... در خانواده و جامعه) تمایل جامعه به داشتن فرزند پسر، محبت بیشتر به پسران، توجه بیشتر به فرزند ذکور در میزان وجه روزانه، تغذیه و البسه و... مورد بی‌احترامی واقع‌شدن (بی‌احترامی در خانه و جامعه و بی‌اعتمادی به آنان) سوءاستفاده (تنبیه بدنی، استثمار در منزل و محل کار و نداشتن قدرت انتخاب) حاکمیت پسران در منزل، عدم نظرخواهی در ازدواج و تحمیل شرایط و... از مهم‌ترین مباحث بود مشارکت‌کنندگان همچنین اظهار داشتند که تبعیض جنسی در خانواده و جامعه می‌تواند به مشکلات روانی (آرزوی مرگ، اقدام به خودکشی، نگرش منفی به زن، احساس زیادی بودن، انزجار از جنس مذکر، پرخاشگری و افسردگی) و مشکلات اجتماعی (فرار از منزل، اعتیاد، فساد و فحشا، پناه‌بردن به دوستی با جنس مخالف، تن‌دادن به ازدواج اجباری و نامناسب، و عدم پیشرفت تحصیلی) منجر شود.

## نتیجه گیری

جنسیت قوی‌ترین و مهم‌ترین تقسیم‌بندی اجتماعی است. از نظر فمینیست‌ها، جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی همانند طبقه اجتماعی، نژاد و یا دین، یک طبقه‌بندی مهم اجتماعی است. در سطح کلان، از طریق نهادهای جامعه و روابط میان‌فردی، جنسیت پایه‌ای برای تقسیم کار، واگذاری نقش‌ها و اختصاص‌دادن پاداش‌های اجتماعی است. پذیرش کلیشه‌های جنسیتی توسط افراد و شکل‌گیری نگرش جنسیتی در آن‌ها می‌تواند موجب گردد تا آنها با اتخاذ نگرش و موضعی خاص، احساس، ادراک و ارزیابی متفاوتی از پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی داشته و بالطبع رفتارهای متفاوت و متمایزی در قبال آن انجام دهند. نابرابری جنسیتی به‌عنوان یکی از مسائل مهم اجتماعی محسوب می‌شود که در تمامی کشورها اعم از توسعه‌یافته یا توسعه‌نیافته وجود داشته و یکی از ریشه‌دارترین نابرابری‌های موجود در جوامع بشری است. در این نوع نابرابری که در واقع نابرابری جایگاهی و موقعیتی بین زنان و مردان به‌حساب می‌آید، مردان و هر آنچه که مردانه تلقی می‌گردد از زنان و هر چه که زنانه تلقی می‌گردد برتر و ارزشمندتر است. اما نابرابری جنسیتی همواره توسط باورها و کلیشه‌های جنسیتی موجود که موجبات طبقه‌بندی

جنسی و برچسب‌زنی جنسیتی را فراهم کرده است، تداوم‌یافته و حفظ شده است. همچنین قوانین موجود در بعضی از کشورها، بر حسب همین طبقه‌بندی و تمایزات جنسیتی، به بازتولید نابرابری‌های جنسیتی کمک می‌کنند. البته امروزه به پشتوانه فعالیت‌ها و جنبش‌های زنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی برای ایجاد تساوی و برابری زنان با مردان در طی دو قرن اخیر، در بعضی از کشورهای توسعه‌یافته قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی علیه زنان تا حدود قابل‌توجهی رفع شده است. هدف این پژوهش مطالعه پدیدارشناختی تجربه زیستهٔ کلیشه‌های جنسیتی در خانواده توسط زنان و دختران بندر لنگه با استفاده از مدل کلایزی بود. در این راستا بررسی کلیشه‌های جنسیتی دیدگاه زنان و دختران بندر لنگه ما را به این نتیجه رساند که: باور افراد به تفاوت‌های جنسیتی در توانایی‌های مختلف از جمله توانایی و نظایر آن موجب می‌شود که در تقسیم کار اجتماعی نیز نوعی نابرابری جنسیتی مشاهده شود. در جامعه در حال گذار ایران با برکنده شدن ساختارها و شالوده‌های سنتی حاکم بر جامعه، تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها و نقش‌های اجتماعی زنان و دختران به وجود آمده است. طبق دیدگاه آنتونی گیدنز معتقد است خانواده و نقش‌های درون آن دست خوش دگرگونی اساسی است. بنا به عقیده وی، یک نسل پیش پیوند میان زن و مرد عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت با حقوق ثابت بود. یک زن می‌دانست که چه سرنوشتی در انتظارش است؛ اما اکنون زنان بر اساس آنچه فرهنگ به آنها دیکته می‌کند، زندگی نمی‌کنند .همچنین استفاده از رسانه‌ها به‌عنوان یک متغیر تأثیرگذار بر نگرش نسبت به کلیشه‌های جنسیتی تشخیص داده شد. با استناد به نظریه کلیشه‌سازی در توضیح این نکته می‌توان گفت رسانه‌های گروهی در فرایند اجتماعی‌کردن نقش محافظه‌کارانه ویژه‌ای داشته و موجب تقویت ارزش‌ها و باورهای سنتی می‌گردد. زنان و مردان در رسانه در نقش‌های قالبی خود نشان داده می‌شوند و رسانه در واقع به صورتی بالقوه در تقابل با اصلاحات در تفکرات قالبی عمل می‌کند و عمدتاً تقویت‌کننده فرهنگ است نه تغییردهنده آن. در کشور ما با وجود اینکه استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی گسترش‌یافته اما فیلم‌سازان و نویسندگان نتوانسته‌اند عقاید جدیدی را بسط دهند؛ بلکه کلیشه‌های جنسیتی سنتی را در جامعه بازتولید می‌کنند. نشریاتی که مربوط به زنان است همچنان مطالبی چون آشپزی، خانه‌داری، خیاطی و فرزند داری را به چاپ می‌رساند. بدین ترتیب این وسایل با ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب افکار عمومی جامعه را مطابق با الگوهای

خود شکل می‌دهند و دگرگونی‌های عمده‌ای در نگرش‌های آنان ایجاد می‌کنند. متغیر دین‌داری بیشترین تأثیر را بر نگرش زنان نسبت به کلیشه‌های جنسیتی داشته است. این یافته بر نقش کلیدی دین در جامعه ایران و تأثیر آن بر شکل‌گیری نگرش‌ها و گرایش‌های افراد دلالت دارد. عدم پرداختن به سایر فعالیت‌ها توسط زنان بیشتر ریشه در عرف دینی و اجتماعی دارد و اکثر جریان‌های فکری طرف‌دار حقوق زنان چنانچه با آموزه‌های مذهبی ناسازگار یا متعارض باشد کمتر می‌تواند از مقبولیت اجتماعی برخوردار شود. چنین سیستم اعتقادی نقش تعیین‌کننده‌ای در الگوهای شغلی زنان ایفا می‌کند؛ به‌طوری که بخش قابل‌ملاحظه‌ای از زنان شاغل در مدارس و یا بیمارستان‌ها کار می‌کنند که معمولاً به شکل برجسته‌ای در متون درسی و آموزشی، برنامه‌های تلویزیونی و سایر وسایل ارتباط‌جمعی منعکس می‌شود. البته دیدگاه‌هایی وجود دارد که معتقد است جایگاه و وضعیت زنان در جوامع مسلمان را نباید ناشی از ماهیت دین دانست و باید در جستجوی عوامل دیگری غیر از دین بود. باید به اهمیت و ضرورت مقتضیات تاریخی و شرایط محیطی نیز توجه کرد. برای مثال می‌توان به موضوع اجازه چندهمسری برای مردان اشاره کرد. چنین اجازه‌ای در اسلام در واقع شیوهٔ قابل‌قبول را برای حمایت از زنان بیوه و دختران یتیم فراهم آورد؛ زیرا در آن شرایط زمانی نه‌تنها جنگ‌های پی‌درپی وجود داشت؛ بلکه ادامه زندگی زنان عمدتاً وابسته به مردان بود. سهم کمتر ارث یا ارزش شهادت‌دادن زن به‌اندازه نصف ارزش شهادت‌دادن مرد نیز ریشه در همان مقتضیات تاریخی و شرایط محیطی جوامع اعراب قبیله‌ای دارد که در آن مردان انسان‌های باتجربه‌تری در عرصه عمومی زندگی تلقی می‌شدند که مسئولیت اصلی مدیریت و تأمین معاش خانواده را برعهده داشتند. همچنین باید بین آموزه‌های دینی و سنت‌های اجتماعی و رسوم محلی تفکیک قائل شد. دین اسلام زنان را از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی منع نکرده است؛ زیرا آنان می‌توانند به اراده و انتخاب خود تصمیم بگیرند. زنان و دختران با تحصیل و مشارکت در نقش‌های اجتماعی غیرسنتی که درجامعه در حال گذار ما برای دختران شکل‌گرفته و یا در حال شکل‌گیری است در پی بازتعریفی از موقعیت‌های خود در کسب هویت اجتماعی مستقل و غیرسنتی هستند؛ بنابراین می‌توان گفت نسل‌های جدید زنان در مقایسه با نسل‌های قدیمی تمایل بیشتری به مخالفت با کلیشه‌های جنسیتی دارند. همچنین زنانی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند نسبت به زنانی که سطح تحصیلات پایین‌تری دارند، نگرش منفی‌تری نسبت به کلیشه‌های جنسیتی داشتند و از اعتقاد آنان به کلیشه‌های جنسیتی

کاسته می‌شود. این موضوع را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که با افزایش تحصیلات به‌خصوص تحصیلات دانشگاهی، زنان به حقوق و وظایف خود بیشتر آگاه شده و در نگرششان تغییر ایجاد می‌شود .بر مبنای نظریه نقش، تغییر در نقش افراد می‌تواند منجر به تغییر در نگرش‌ها و رفتارهای آنان گردد. ازاین‌رو افراد مجرد پس از ازدواج و ورود به زندگی زناشویی و به‌عهده‌گرفتن نقش همسری ممکن است نگرش‌های خود درباره صفات و ویژگی‌های مناسب مردانه و زنانه را تغییر داده و با کسب تجربیات واقعی و آگاهی بیشتر از نقش‌ها و ویژگی‌های جنس مخالف از شدت باورهایشان به کلیشه‌های جنسیتی کاسته شود. به‌علاوه زنان با ورود به زندگی زناشویی برای حفظ زندگی خود تا حدودی مجبور می‌شوند بسیاری از کلیشه‌های جنسیتی مردانه را بپذیرند و به آن عمل نمایند.

## پیشنهادها

۱. آگاه‌سازی خانواده‌ها خصوصاً والدین نسبت به حساسیت و تأثیرپذیری دوران کودکی و نقش حساس و مهم آنان در جامعه‌پذیری کودکان و تأکید بر تأثیر جامعه‌پذیری جنسیتی در شیوه نگرش و باورهای کودکان و نقش این جامعه‌پذیری در شیوه زندگی آینده کودکان نیز می‌تواند نگرش نسبت به کلیشه‌ها را تغییر دهد. آموزش‌های رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها و همچنین آموزش‌های غیررسمی از طریق رسانه‌های جمعی کوششی در جهت کم‌رنگ نمودن باورهای قالبی جنسیتی، ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های جنسیتی است.

۲.به منظور کاهش و کنترل آثار و پیامدهای کلیشه‌های جنسیتی (به ویژه نابرابری‌های جنسیتی نهادینه شده)، شناخت ابعاد و انواع کلیشه‌های جنسیتی و علل شیوع و پذیرش آنها، بسیار حائز اهمیت است. در صورت شناخت این فرایند که انتظارات و رفتارهای افراد را نیز به صورت کلیشه‌ای تولید و بازتولید می‌کند، می‌توان تا حدودی زیادی به رفع نابرابری‌های جنسیتی کمک کرد. اگر نهادهای فرهنگی شامل مدارس و کتب درسی و غیر درسی، رسانه‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌ها و... در جهت آموزش غیر جنسیتی یا فرا جنسیتی عمل کنند یعنی نقش‌ها، کارها، مشاغل، تفریحات و اوقات فراغت و یادگیری فنون مختلف را نه به صورت مطلقاً تفکیکی و چارچوبی، (پسرانه و دخترانه یا زنانه و مردانه)، بلکه فراتر چارچوب و الگوی

جنسیتی، ترویج دهند، به زنان و مردان این فرصت داده می‌شود تا آزادانه و بر حسب اختیار، عرصه‌ها و حوزه‌های مختلف اجتماعی را تجربه و خود، استعدادها و توانایی‌هایشان را کشف کنند و بر همین حسب مهارت‌های مختلف را بدون محدودیت یا ممنوعیت، آموزش دیده و یاد بگیرند.

## سپاسگزاری

در این پژوهش نویسنده از کلیه زنان و دختران بندر لنگه که در اتمام پژوهش مشارکت نمودند کمال تشکر و امتنان را دارد.

**منابع**


- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹)، **جامعه شناسی خانواده (با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)**، تهران، ناشر روشنگران و مطالعات زنان.
- بشارده، شیدا (۱۴۰۰)، **پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس تجربه رویدادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی و هم‌نوایی با هنجارهای زنانه باواسطه گری خود خاموشی**، کازرون، دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی.
- راسخ، کرامت اله (۱۳۹۱) **فرهنگ جامع جامعه شناسی و علوم انسانی**، جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم، چاپ اول، جلد دوم.
- عراقیان، سپیده (۱۳۹۸)، **بررسی رابطه بین کلیشه‌های جنسیتی و رضایت زناشویی: نقش میانجی سوگیری شناختی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خیام.
- عبدالله‌زاده، نسیم، بلند همتان، کیوان، زبردست، محمد امجد (۱۳۹۷) **تحلیل روایتِ زنان از نابرابری های جنسیتی در میدان آموزش مورد مطالعه: زنان مناطق حاشیه ای نایسر شهر سنندج**، برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، پاییز ، شماره ۳۶، ۱۷۵ -۲۰ .
- رضوانی، مهدیه و زنجانی زاده، هما (۱۳۹۴): **بررسی عوامل موثر بر تقسیم کار در خانواده؛ مطالعه موردی: زنان متاهل شاغل در آموزش و پرورش شهر مشهد**، مجله: مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان.
- سفیری خدیجه، زارع زهرا (۱۳۹۶)، **بررسی ارتباط کلیشه‌های جنسیتی و تضاد نقش‌های زناشویی در زوج‌های جوان**، پژوهشنامه علوم انسانی، بهار.
- فلیک، اووه (۱۴۰۰)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- گرت، استفانی (۱۳۹۶)، **جامعه شناسی جنسیت**، ترجمه کتایون بقایی، تهران، نشر دیگر.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۸)، روش شناسی پژوهش درروان شناسی و علوم تربیتی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- معقول، محمدرضا (۱۴۰۰)، **بررسی رابطه ارتقای شغلی و تبعیض جنسیتی با تاکید بر نقش میانجب عدالت سازمانی و تعدیلگری اعتقادات ضد مردان**، لنگرود، موسسه آموزش عالی قدیر.
- میر شمس شهشهانی، شهلا؛ طباطبایی، آسیه السادات؛ امینیان، احسان (۱۳۹۷)، **بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در موسیقی رپ فارسی مسائل اجتماعی ایران**، سال نهم، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱۴۶-۱۲۵.

- Bussy, Kay & Bandora, Albert(۲۰۰۴)**ThePsychologyofGender,Editors:Alice H. Eagly**, Ann E. Beall, Robert J. Sternberg; New York & London
- Casey, Neil [et.al] (۲۰۲۱) **Television Studies**: The Key Concepts, London & New York: Routledg.
- Correll, S.J. (۲۰۰۶) **Gender and the Career Choice Process: The Role of Biased Self Assessments**. American Journal of Sociology ۱۰۶, ۱۶۹۱– ۱۷۳۰.
- Hyde, Janet Shibley, and Marcia C. Linn (۱۹۸۸) **"Gender Differences in Verbal Ability: A Meta-Analysis.**" Psychological Bulletin ۱۰۴(۱):۵۳-۶۹.
- Meyers, Diana Tietjens (۲۰۲۰) **Gender in the Mirror: Cultural of Imagery and Womens Agency,** USA: New York: Oxford University Press.
- Stanley L. and Wise S.۲۰۲۱ **What's wrong with Socialization**? In: S. Jackson and S.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٢٩٠-٢٧٢
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# ارائه مدل توسعه رفتار سبز کارکنان با رویکرد ساختاری-تفسیری (مطالعه موردی:اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان)

**سمیه آبرودی**[١]
**روح اله سمیعی**[٢]
**راضیه نادرخانی**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۵/۲۹ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۲۰)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

هدف این پژوهش ارائه مدل توسعه رفتار سبز کارکنان با رویکرد ساختاری- تفسیری بود. تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس روش، کیفی می‌باشد. در گام اول عوامل مؤثر بر توسعه رفتار سبز کارکنان از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی، شناسایی شدند. سپس در گام دوم برای ارائه مدل از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری با نرم‌افزار اکسل استفاده شد. نتایج نشان داد مدل توسعه رفتار سبز کارکنان شامل ۱۵ مولفه در قالب ۲ بعد

[١] - گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.
[٢] - گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران. Roohalla.samiee@iau.ac.ir
[٣] - گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

(آموزش و مشارکت) و دارای ۹ سطح است که مدیریت پسماند در سطح اول، مصرف بهینه منابع در سطح دوم، عادات روزمره سبز در سطح سوم، تشویق و حمایت سبز در سطح چهارم، مشارکت جمعی سبز و برنامه‌ریزی در سطح پنجم، مسئولیت‌پذیری سبز در سطح ششم، آموزه‌های دینی سبز، فرهنگ‌سازی سبز، نگرش سبز مدیران، آگاهی زیست محیطی، سیاست‌گذاری سبز و هم‌افزایی زیست محیطی در سطح هفتم، مدیریت منابع انسانی سبز در سطح هشتم و مدیریت دانش در سطح نهم قرار دارند. همچنین نتایج تحلیل میک‌مک نشان داد آموزه‌های دینی سبز، فرهنگ‌سازی سبز، برنامه‌ریزی، نگرش سبز مدیران، آگاهی زیست محیطی، سیاست‌گذاری سبز، هم‌افزایی زیست محیطی در خوشه پیوندی، مدیریت دانش و مدیریت منابع انسانی سبز در خوشه مستقل و مصرف بهینه منابع، مدیریت پسماند، مسئولیت‌پذیری سبز، مشارکت جمعی سبز، تشویق و حمایت سبز و عادات روزمره سبز در خوشه وابسته قرار گرفتند.

**کلید واژه‌ها:** رفتار سبز ، تعاون، ساختاری تفسیری.

**مقدمه**

امروزه با تشدید مشکلات زیست محیطی، انتظار می‌رود سازمان‌ها مسئولیت بیشتری را بر عهده بگیرند و مدیریت سبز اثربخش را در فعالیت‌های سازمان پیاده‌سازی نمایند (ابراهیمی و نصیری،۱۴۰۳). البته برای سبز کردن یک سازمان تنها اقدامات مدیریت منابع انسانی سبز کفایت نمی‌کند و مستلزم ترویج رفتارهای سبز در بین کارکنان می‌باشد (شائو[۱] و همکاران،۲۰۲۳). بر این اساس آیین‌نامه اجرایی بند ز ماده ۳۹ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی غیردولتی را موظف به اقداماتی برای تحقق اهداف برنامه مدیریت سبز کرده است که یکی از این اقدامات، فرهنگ‌سازی، اطلاع‌رسانی و ارتقای آموزش مناسب و اثربخش به کارکنان در زمینه برنامه مدیریت سبز است که خود بیانگر اهمیت

---

[۱]- Shao

نقش کارکنان در پیاده‌سازی برنامه مدیریت سبز است (حسن پور و ابراهیمی،۱۳۹۹). با توجه به اینکه وزارت تعاون،کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان یکی از سازمان‌های دولتی با هدف نهادینه کردن فرهنگ زیست‌محیطی در بدنه خود، همکاری و اقدامات مقتضی در این زمینه مانند تفاهم‌نامه همکاری با سازمان حفاظت محیط‌زیست داشته است، اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان نیازمند جهشی عمده در افزایش کارآمدی در این حوزه می‌باشد و بایستی زمینه را به گونه‌ای فراهم سازد که کارکنان و مدیرانشان تمامی تجربیات، توانایی‌ها و ظرفیت‌های خود را در جهت اعتلای اهداف مدیریت سبز به کار گیرند. بنابراین سوال اصلی تحقیق حاضر عبارت است از: مدل توسعه رفتار سبز کارکنان در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان گلستان چگونه است؟

سبز بودن در حوزه رفتار سازمانی به چهار معنی حفاظت از محیط زیست؛ مراقبت از محیط زیست،؛ جلوگیری از آلودگی‌های محیط زیست و ایجاد فضای سبز طبیعی و مراقبت از آن بکار گرفته می‌شود (براتی،۱۴۰۱). در زمینه مدیریت منابع انسانی، سبز بودن شامل حفظ و حفاظت از محیط طبیعی، اجتناب یا به حداقل رساندن آلودگی محیطی است، بنابراین اگر کارمندی به این جنبه‌ها عمل کند، کارمند سبز محسوب می‌شود (فیصل[۱]،۲۰۲۳). رفتار سبز کارکنان به همه فعالیت‌های داوطلبانه یا اجباری کارکنان، برای محافظت از محیط طبیعی یا بهبود سازوکارهای محیطی سازمان گفته می‌شود. منظور از فعالیت‌های داوطلبانه، اقداماتی هستند که تحت کنترل هیچ گونه خط‌مشی مدیریت رسمی نیستند و فعالیت‌های اجباری، مجموعه رفتارهایی هستند که به صورت رسمی در سازمان تعریف شدند و جزء وظایف کارکنان در محیط کار به شمار می‌آیند (گچلو و وکیلی ،۱۴۰۲). با در نظر گرفتن اهمیت رفتارهای سبز کارکنان در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در این حوزه صورت گرفته است که در ادامه به طور خلاصه به تبیین نتایج برخی از آن‌ها پرداخته شده است: ابراهیمی و نصیری (۱۴۰۳) ؛ گچلو و وکیلی (۱۴۰۲) معتقدند عوامل موثر بر توسعه رفتار سبز شامل موارد مدیریتی، مشوق‌های مالی، حمایت مدیریت

---

[۱]- Faisal

از رفتارهای زیست محیطی و رفتارهای هنجاریافته نظیر قصد رفتار سبز، هنجاری‌های گروهی و راهبرد سبز سازمانی هستند. زارعی (۱۴۰۲)؛ مظاهری تهرانی و همکاران (۱۴۰۱) ؛ نصیرزاده و همکاران (۱۴۰۰) و حسن پور و ابراهیمی (۱۳۹۹) اعتقاد دارند پیشایندهای مدیریت سبز در سازمان‌های دولتی شامل آموزش سبز، جو سازمانی سبز، زیرساخت‌های تکنولوژیکی و زیست محیطی سازمان، قوانین و مقررات مربوطه، فرهنگ سازمانی سبز، حمایت از رفتارهای سبز، بازتعریف سیاست‌گذاری سبز، پایبندی به مسئولیت اجتماعی سازمان و توجه به بعد اجتماعی و ارزشی جامعه است. حاجی زاده فارسون و همکاران (۱۴۰۱) معتقدند عوامل رهبری، تکنولوژی، بودجه و فرهنگ به عنوان پیش‌نیازها، استخدام، آموزش، ارزیابی عملکرد و جبران خدمات سبز به عنوان فرایندهای اجرایی و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، سازمانی و زیست محیطی به عنوان پیامدهای استقرار مدیریت منابع انسانی سبز هستند. زاچر[۱] و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی بیان داشتند پایداری زیست‌محیطی یک ضرورت اخلاقی و استراتژیک برای سازمان‌ها است و روز به روز کارکنان بیشتری علاقه‌مند یا موظف به عمل در راه‌های زیست محیطی پایدار می‌شوند. ارکانتان[۲] و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی نشان دادند مدیریت منابع انسانی سبز تأثیر مستقیمی بر رفتارهای داوطلبانه سبز دارد. نیسار[۳] و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند شیوه‌های منابع انسانی سبز (آموزش و توسعه سبز و مدیریت انضباط سبز) پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی برای سرمایه فکری سبز هستند.

در خصوص رفتارهای سبز کارکنان، نتایج تحقیقات گذشته بیان‌گر این است که تاکنون تحقیقی با رویکرد ساختاری- تفسیری در این زمینه انجام نشده است.

## مواد و روش ها

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و بر اساس روش، کیفی می‌باشد. مشارکت کنندگان تحقیق را ۱۰ نفر از خبرگان دانشگاهی و اجرایی که دارای ویژگی‌هایی نظیر تجربه، تناسب رشته

---

۱- Zacher

۲- Ercantan

۳ -Nisar

تحصیلی، مدرک تحصیلی، تدریس در دانشگاه، سابقه پژوهشی و تألیفی در زمینه مدیریت بودند، تشکیل داده که به روش گلوله برفی انتخاب شدند (جدول ۱). این پژوهش در دو گام انجام شده است. در گام اول، از طریق مصاحبه با خبرگان عوامل مؤثر بر توسعه رفتار سبز کارکنان شناسایی شدند (جدول ۲). در گام دوم، به منظور ارائه مدل توسعه رفتار سبز کارکنان با رویکرد ساختاری- تفسیری تفسیری استفاده شده است که از نرم‌افزار اکسل برای تجزیه و تحلیل آن استفاده شده است. برای سنجش روایی و پایایی از معیارهای لینکولن و گوبا[۱] (۱۹۸۲) استفاده شد. در این تحقیق قابلیت اعتبار از طریق بررسی توسط خبرگان صورت گرفت. به این ترتیب که در چند مورد پس از انجام و پیاده‌سازی مصاحبه اولیه نیمه باز به همراه تحلیلی از مصاحبه در اختیار فرد مصاحبه شونده قرار گرفت تا از صحت اطلاعات به دست آمده در مصاحبه اطمینان حاصل شود. برای معیار قابلیت ثبات به این منظور سعی شد تا با تهیه شواهد و مدارک کافی در خصوص توسعه رفتار سبز کارکنان به گونه‌ای مشروح و دقیق، رویه‌های مورد مطالعه، زمینه و شرایط پژوهش توصیف گردد. در واقع سعی شد کلیه فعالیت‌های صورت گرفته شامل مراحل کار و چگونگی گردآوری و تحلیل داده‌ها به دقت ثبت شوند. در راستای قابلیت انتقال این معیار به کاربردهای نتایج حاصل از پژوهش اشاره دارد و در راستای اعتبار بیرونی عمل می‌کند و در خصوص قابلیت تایید بدین معناست که نتایج حاصل از پژوهش توسط استاد یا محقق که نقش راهنمای کار را بر عهده دارد مورد تأیید و صحت قرار بگیرد. این امر به این جهت انجام می‌شود که ممکن است فرآیند تحقیق توسط ادراکات شخصی پژوهشگر تحت تأثیر قرار گیرد.

## یافته‌های تحقیق

پیش از ورود به بخش تجزیه و تحلیل یافته‌ها، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

---

[۱] -Lincoln and Guba

در جدول ۱ توصیف می گردد.

**جدول (۱)- ویژگی جمعیت شناختی خبرگان**

| ردیف | تحصیلات | رشته تحصیلی | شغل |
|---|---|---|---|
| ۱ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |
| ۲ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |
| ۳ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |
| ۴ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |
| ۵ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |
| ۶ | دکتری | مدیریت حوزه | هیات علمی |
| ۷ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |
| ۸ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |
| ۹ | دکتری | مدیریت حوزه | هیات علمی |
| ۱۰ | دکتری | مدیریت دولتی | هیات علمی |

پس از بررسی پیشینه، مؤلفه‌های پژوهش استخراج گردیدند. سپس این مؤلفه‌ها جهت تأیید، در اختیار خبرگان قرار گرفتند ( جدول ۲).

**جدول (۲)-خلاصه‌سازی ابعاد و مؤلفه‌های استخراج شده از خبرگان**

| ابعاد | مولفه‌ها | مصاحبه شونده ۱ | مصاحبه شونده ۲ | مصاحبه شونده ۳ | مصاحبه شونده ۴ | مصاحبه شونده ۵ | مصاحبه شونده ۶ | مصاحبه شونده ۷ | مصاحبه شونده ۸ | مصاحبه شونده ۹ | مصاحبه شونده ۱۰ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| آموزش | آموزه‌های دینی سبز | + | + | + | + | | | | | + | + |
| | فرهنگ‌سازی سبز | + | + | + | + | | | + | + | + | |
| | برنامه‌ریزی | + | | | | + | + | | | + | |
| | نگرش سبز مدیران | | | + | + | | | | + | | |
| | آگاهی زیست محیطی | | | + | + | | | + | | | |
| | سیاست‌گذاری سبز | | | | | + | + | + | | | |

| | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | مدیریت دانش | + | + | + | | | + | + | + | |
| | مدیریت منابع انسانی سبز | | | | + | | + | + | + | + |
| مشارکت | هم‌افزایی زیست محیطی | + | + | + | | | + | | | + |
| | مصرف بهینه منابع | | + | + | | + | | + | | + |
| | مدیریت پسماند | | | + | + | + | + | + | | + |
| | مسئولیت‌پذیری سبز | | | | | | + | | + | + |
| | مشارکت جمعی سبز | + | + | + | | | | + | | + |
| | تشویق و حمایت سبز | + | + | | | | + | + | + | |
| | عادات روزمره سبز | + | | + | | + | | + | + | |

نتایج حاصل از جدول ۲ نشان داد که مؤلفه‌ها توسط خبرگان حداقل سه بار و حداکثر تا هفت بار مورد اشاره و تاکید قرار گرفتند. درمجموع مدل دارای ۱۵ مولفه در ۲ بعد (آموزش و مشارکت) است. در ادامه متغیرهای مساله به صورت زوجی با هم مقایسه می‌شوند و با استفاده از نمادهای V، X، O، A روابط بین متغیرها تعیین می‌شود و ماتریس خود تعاملی ساختاری به دست می‌آید (جدول ۴).

**جدول (۳)- علائم مورد استفاده در طراحی مدل ساختاری- تفسیری**

| V | A | X | O |
|---|---|---|---|
| متغیر i بر j تاثیر دارد | متغیر j بر i تاثیر دارد | رابطه دوسویه | عدم وجود رابطه |

**جدول (٤)- ماتریس خود تعاملی ساختاری**

| ردیف | مولفه ها | ۱ | ۲ | ۳ | ٤ | ٥ | ٦ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱٤ | ۱٥ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | آموزه‌های دینی سبز | ۱ | X | V | V | O | X | O | X | V | V | V | V | V | V | V |
| ۲ | فرهنگ‌سازی سبز | | ۱ | V | V | O | V | A | X | X | V | V | V | V | V | V |
| ۳ | برنامه‌ریزی | | | ۱ | A | A | X | A | A | X | V | V | O | X | V | O |
| ۴ | نگرش سبز مدیران | | | | ۱ | A | X | A | A | X | V | V | V | V | V | V |
| ۵ | آگاهی زیست محیطی | | | | | ۱ | V | O | A | X | V | V | V | V | V | V |
| ۶ | سیاست‌گذاری سبز | | | | | | ۱ | A | A | V | V | V | V | V | V | V |
| ۷ | مدیریت دانش | | | | | | | ۱ | V | V | V | V | V | V | V | O |
| ۸ | مدیریت منابع انسانی سبز | | | | | | | | ۱ | V | V | V | V | V | V | V |
| ۹ | هم‌افزایی زیست محیطی | | | | | | | | | ۱ | V | V | V | V | V | V |
| ۱۰ | مصرف بهینه منابع | | | | | | | | | | ۱ | V | A | A | A | A |
| ۱۱ | مدیریت پسماند | | | | | | | | | | | ۱ | A | A | A | A |
| ۱۲ | مسئولیت‌پذیری سبز | | | | | | | | | | | | ۱ | V | V | V |
| ۱۳ | مشارکت | | | | | | | | | | | | | ۱ | V | V |

| | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | جمعی سبز | | | | | | | | | | | | | | |
| ۱۴ | تشویق و حمایت سبز | | | | | | | | | | | | ۱ | V | |
| ۱۵ | عادات روزمره سبز | | | | | | | | | | | | | | ۱ |

در این مرحله، ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دودویی تبدیل می‌شود. از طریق تبدیل نمادهای V، X، O، A به صفر و یک برای هر متغیر ماتریس خود تعاملی ساختاری به یک ماتریس دودویی تبدیل شده که به اصطلاح ماتریس دسترسی اولیه خوانده می‌شود. بر این اساس در صورتی که ورودی (i,j) (محل تلاقی سطر i و ستون j ) در ماتریس خود تعاملی ساختاری V باشد، در ورودی (i,j) در ماتریس اولیه یک و در ورودی (j,i) صفر قرار داده می‌شود، در صورتی که ورودی (i,j) در ماتریس خود تعاملی ساختاری A باشد، در ورودی (i,j) در ماتریس اولیه صفر و در ورودی (j,i) یک قرار داده می‌شود، در صورتی که ورودی (i,j) در ماتریس خود تعاملی ساختاری X باشد در ورودی (i,j) در ماتریس اولیه یک و در ورودی (j,i) یک قرار داده می‌شود و در صورتی که ورودی (i,j) در ماتریس خود تعاملی ساختاری O باشد در ورودی (i,j) در ماتریس اولیه صفر و در ورودی (j,i) صفر قرار داده می‌شود (جدول ۵).

**جدول (۵)- ماتریس دسترسی اولیه**

| ردیف | مولفه ها | ۱ | ۲ | ۳ | ٤ | ٥ | ٦ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱٤ | ۱٥ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | آموزه‌های دینی سبز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۲ | فرهنگ‌سازی سبز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۳ | برنامه‌ریزی | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ |
| ۴ | نگرش سبز مدیران | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۵ | آگاهی زیست محیطی | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۶ | سیاست‌گذاری سبز | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۷ | مدیریت دانش | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ |
| ۸ | مدیریت منابع انسانی سبز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۹ | هم‌افزایی زیست محیطی | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ۱۰ | مصرف بهینه منابع | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ۱۱ | مدیریت پسماند | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ۱۲ | مسئولیت‌پذیری سبز | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۱۳ | مشارکت جمعی سبز | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۱۴ | تشویق و حمایت سبز | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ |
| ۱۵ | عادات روزمره سبز | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ |

پس از تشکیل ماتریس دسترسی اولیه با دخیل نمودن انتقال‌پذیری در روابط متغیرها، ماتریس دسترسی نهایی تشکیل می‌شود. بدین صورت که اگر متغیر A بر B و B بر C تأثیر داشته باشد،

در این صورت باید A نیز بر C تأثیرگذار باشد.

**جدول (٦)- ماتریس دسترسی نهایی**

| ردیف | مولفه ها | ۱ | ۲ | ۳ | ٤ | ٥ | ٦ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱٤ | ۱٥ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | آموزه‌های دینی سبز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۲ | فرهنگ‌سازی سبز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۳ | برنامه‌ریزی | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۴ | نگرش سبز مدیران | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۵ | آگاهی زیست محیطی | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۶ | سیاست‌گذاری سبز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۷ | مدیریت دانش | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۸ | مدیریت منابع انسانی سبز | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۹ | هم‌افزایی زیست محیطی | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۱۰ | مصرف بهینه منابع | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ۱۱ | مدیریت پسماند | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ |
| ۱۲ | مسئولیت‌پذیری سبز | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۱۳ | مشارکت جمعی سبز | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ | ۰ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۱۴ | تشویق و حمایت سبز | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ |
| ۱۵ | عادات روزمره سبز | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ | ۱ | ۰ | ۰ | ۰ | ۱ |

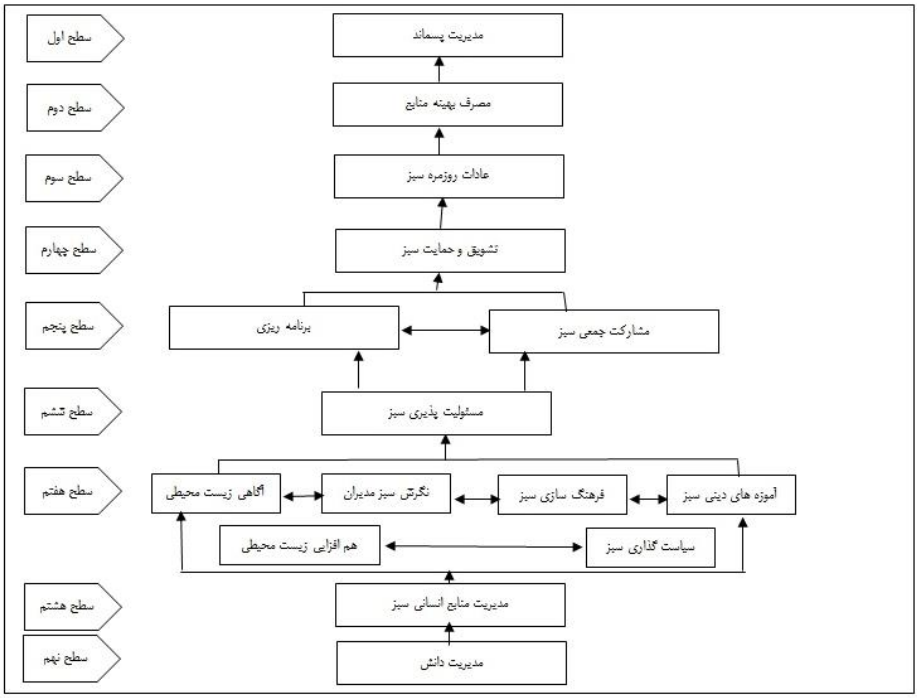
برای تعیین سطح‌بندی ابعاد باید مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها برای هر بعد از ماتریس دریافتی استخراج شود. مجموعه خروجی‌ها شامل خود بعد و ابعادی است که از آن تأثیر می‌پذیرد. مجموعه ورودی‌ها شامل خود بعد و ابعادی است که بر آن تأثیر می‌گذارند. در جدول ۷ پس از تعیین مجموعه‌های ورودی و خروجی، اشتراک این مجموعه‌ها برای هر یک از ابعاد تعیین می‌شود. ابعادی که مجموعه خروجی و اشتراک آن‌ها کاملاً مشابه باشند، در بالاترین سطح قرار می‌گیرند. به‌منظور یافتن اجزای تشکیل‌دهنده سطح بعدی سیستم، اجزای بالاترین سطح آن در محاسبات ریاضی جدول حذف می‌شود و عملیات مربوط به تعیین اجزای سطح بعدی مانند روش تعیین اجزای بالاترین سطح انجام می‌گردد. این عملیات تا آنجا تکرار می‌شود که اجزای تشکیل‌دهنده کلیه سطوح سیستم مشخص شوند.

**جدول (۷)- سطح بندی مولفه ها**

| ردیف | مولفه | سطرها مجموعه خروجی (اثرگذاری) | ستون ها مجموعه ورودی (اثرپذیری) | اشتراک | سطح |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | آموزه‌های دینی سبز | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | هفتم |
| ۲ | فرهنگ‌سازی سبز | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | هفتم |
| ۳ | برنامه‌ریزی | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۹-۱۲ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۲-۱۳ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۹-۱۲ | پنجم |
| ۴ | نگرش سبز مدیران | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۹ | هفتم |
| ۵ | آگاهی زیست محیطی | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۹ | هفتم |
| ۶ | سیاست‌گذاری سبز | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۳ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | هفتم |
| ۷ | مدیریت دانش | ۷ | ۷ | ۷ | نهم |
| ۸ | مدیریت منابع انسانی سبز | ۱-۲-۶-۸-۹ | ۱-۲-۶-۷-۸-۹ | ۱-۲-۶-۸-۹ | هشتم |
| ۹ | هم‌افزایی زیست محیطی | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۳ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۸-۹ | هفتم |
| ۱۰ | مصرف بهینه منابع | ۱۰ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ | ۱۰ | دوم |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱۱ | مدیریت پسماند | ۱۱ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ | ۱۱ | اول |
| ۱۲ | مسئولیت‌پذیری سبز | ۳-۱۲ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۲ | ۳-۱۲ | ششم |
| ۱۳ | مشارکت جمعی سبز | ۳-۶-۹ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۲ | ۳-۶-۹ | پنجم |
| ۱۴ | تشویق و حمایت سبز | ۱۴ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۲-۱۳-۱۴ | ۱۴ | چهارم |
| ۱۵ | عادات روزمره سبز | ۱۵ | ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ | ۱۵ | سوم |

پس از تعیین سطح مولفه ها می‌توان آن‌ها را به شکل مدلی ترسیم کرد. به همین منظور ابتدا متغیرها برحسب سطح آن‌ها از بالا به پایین تنظیم می‌شوند و با استفاده از سطح‌بندی انجام شده شکلی با عنوان مدل توسعه رفتار سبز کارکنان با رویکرد ساختاری- تفسیری ترسیم می‌شود (شکل ۱).توجه به مدل ارائه شده در شکل ۱ هرچه متغیر در سطوح پایین‌تر قرار داشته باشد، از تأثیرگذاری بیشتر و تأثیرپذیری کمتری برخوردار است.




**شکل (۱)- مدل توسعه رفتار سبز با رویکرد ساختاری تفسیری**

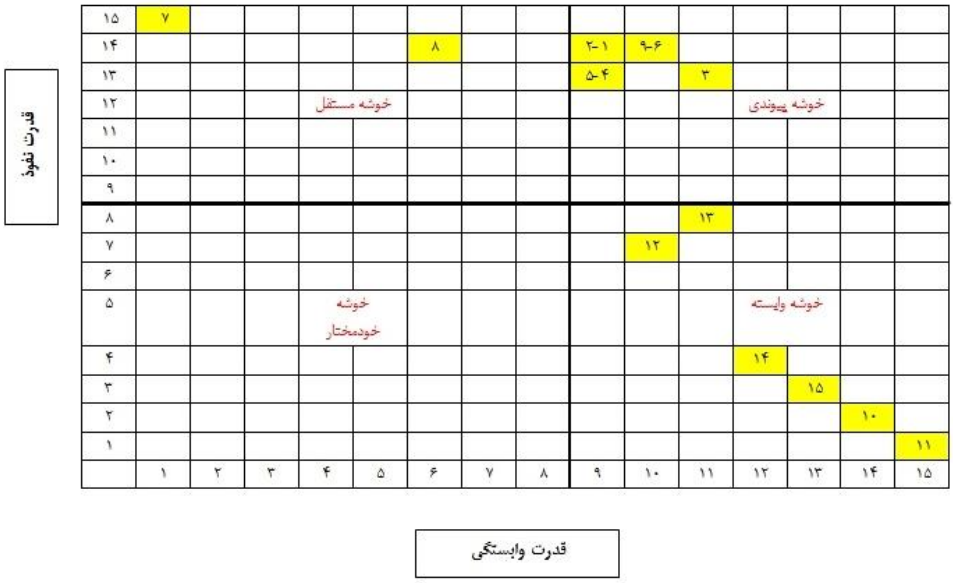
در ادامه تحلیل MicMac انجام می‌شود که هدف از آن، تجزیه‌وتحلیل قدرت نفوذ و وابستگی متغیرها است. بدین صورت که در جدول ۸، مجموع اعداد سطرها نشان‌دهنده قدرت نفوذ و مجموع اعداد ستون‌ها نشان‌دهنده قدرت وابستگی می‌باشند (جدول ۸).

**جدول (۸)- قدرت نفوذ – وابستگی**

| عامل | ۱ | ۲ | ۳ | ٤ | ٥ | ٦ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱٤ | ۱٥ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| قدرت نفوذ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۴ | ۱۴ | ۲ | ۱ | ۷ | ۸ | ۴ | ۳ |
| قدرت وابستگی | ۹ | ۹ | ۱۱ | ۹ | ۹ | ۱۰ | ۱ | ۶ | ۱۰ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ |

همان طور که در شکل ۲ مشاهده می‌شود ابعاد به چهار خوشه تقسیم شده‌اند. خوشه اول شامل معیارهایی است که دارای میزان نفوذ و وابستگی ضعیف هستند. متغیرهای وابسته در خوشه دوم قرار می‌گیرند که میزان نفوذ ضعیف اما میزان وابستگی بالایی دارند. این ابعاد به طور عمده نتیجه

مدل هستند و بدین معنی است که تغییر در سایر عناصر تشکیل دهنده مدل سبب تغییر در این متغیرها می‌گردد. خوشه سوم معیارهای پیوندی قرار دارند که میزان نفوذ و وابستگی قوی دارند. خوشه چهارم شامل معیارهای مستقل است که میزان نفوذ بالایی به همراه میزان وابستگی پایینی دارند (آذر و خسروانی، ۱۳۹۸).




**شکل (۲)- ماتریس قدرت نفوذ- وابستگی**

بر اساس شکل ۲، مولفه های (آموزه‌های دینی سبز، فرهنگ‌سازی سبز، برنامه‌ریزی، نگرش سبز مدیران، آگاهی زیست محیطی، سیاست‌گذاری سبز،هم‌افزایی زیست محیطی) در خوشه پیوندی، مولفه های (مدیریت دانش و مدیریت منابع انسانی سبز) در خوشه مستقل و مولفه های (مصرف بهینه منابع، مدیریت پسماند، مسئولیت‌پذیری سبز، مشارکت جمعی سبز، تشویق و حمایت سبز و عادات روزمره سبز) در خوشه وابسته قرار گرفته‌اند.

## بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل توسعه رفتار سبز کارکنان با رویکرد ساختاری -تفسیری بود. نتایج نشان داد ۱۵ مولفه در قالب ۲ بعد(آموزش و مشارکت) مدل توسعه رفتار سبز کارکنان را تشکیل می‌دهند و این مدل دارای ۹ سطح می‌باشد که مدیریت پسماند در سطح اول، مصرف بهینه منابع در سطح دوم، عادات روزمره سبز در سطح سوم، تشویق و حمایت سبز در سطح چهارم، مشارکت جمعی سبز و برنامه ریزی در سطح پنجم، مولفه مسئولیت پذیری سبز در سطح ششم، آموزه‌های دینی سبز، فرهنگ‌سازی سبز، نگرش سبز مدیران، آگاهی زیست محیطی، سیاست‌گذاری سبز و هم‌افزایی زیست محیطی در سطح هفتم، مدیریت منابع انسانی سبز در سطح هشتم، مدیریت دانش در سطح نهم قرار دارند و تحلیل میک‌مک نشان داد آموزه‌های دینی سبز، فرهنگ‌سازی سبز، برنامه‌ریزی، نگرش سبز مدیران، آگاهی زیست محیطی، سیاست‌گذاری سبز،هم‌افزایی زیست محیطی در خوشه پیوندی، مدیریت دانش و مدیریت منابع انسانی سبز در خوشه مستقل و مصرف بهینه منابع، مدیریت پسماند، مسئولیت‌پذیری سبز، مشارکت جمعی سبز، تشویق و حمایت سبز و عادات روزمره سبز در خوشه وابسته قرار دارند. در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

-برگزاری کارگاه‌ها و سمینارها برای ترویج همکاری بین کارکنان در پروژه‌های سبز.

-ایجاد سیستم‌های تشویقی برای کارکنانی که در مصرف بهینه انرژی و منابع موفق عمل می‌کنند.

-راه‌اندازی برنامه‌های آموزشی و عملی برای مدیریت بهتر پسماندها در محل کار.

-ایجاد سیاست‌های واضح و شفاف در مورد مسئولیت‌های زیست محیطی کارکنان.

-تشکیل گروه‌های داوطلبانه برای اجرای پروژه‌های زیست محیطی در سطح سازمان.

-ارائه جوایز و تقدیرنامه‌ها به کارکنانی که در زمینه رفتارهای سبز پیشگام هستند.

-طراحی دوره‌های آموزشی بر اساس آموزه‌های دینی که به اهمیت حفاظت از محیط زیست می‌پردازد.

-استفاده از رسانه‌های داخلی سازمان برای ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست.

-تدوین برنامه‌های استراتژیک برای پیاده‌سازی سیاست‌های سبز در سازمان.

-آموزش مدیران در مورد اهمیت نگرش سبز و تأثیر آن بر رفتار کارکنان.

-برگزاری جلسات آموزشی برای افزایش آگاهی کارکنان درباره چالش‌های زیست محیطی.
-ادغام معیارهای زیست محیطی در فرآیندهای جذب، آموزش و ارزیابی عملکرد کارکنان.

**منابع**


- آذر، عادل و خسروانی، فرزانه.(۱۳۹۸). *تحقیق در عملیات نرم (رویکردهای ساختاردهی مسئله)*. تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی،چاپ دوم.
- ابراهیمی، مهرانگیز و نصیری، محمد.(۱۴۰۳). بررسی عوامل و موانع مؤثر بر توسعه رفتار سبزکارکنان در سازمانهای ورزشی در ایران(یک مطالعه فراتحلیلی). *مدیریت توسعه سبز*،۳(۱).
- براتی، هادی.(۱۴۰۱). رفتار سبزکارکنان در سازمان: انواع، مؤلفه ها و مدلها. *مدیریت سبز و توسعه*، ۱(۲).
- حاجیزاده فارسون، مجتبی، جاجرمی زاده، محسن و محتشمی، علی. (۱۴۰۱). طراحی مدل استقرار مدیریت منابع انسانی سبز در سازمانهای دولتی کشور.*علوم و فنون مدیریت اطلاعات*،۸(۲).
- حسن پور، اکبر و ابراهیمی، ساره.(۱۳۹۹). شناسایی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر رفتار سبز کارکنان با تکنیک DANP. *مطالعات رفتار سازمانی*،۹(۱).
-داوری، علی و رضازاده، آرش.(۱۳۹۷). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دهقان، حبیب اله و همکاران.(۱۳۹۸). ارائه الگوی مدیریت سرمایه فکری در جمهوری اسلامی ایران. *مدیریت نظامی* ،۱۹(۲).
- دشت لعلی، زهرا.(۱۴۰۰). نقش قدرت اخلاقی بر رفتار سبز کارکنان. *اخلاق در علوم و فناوری*،۱۶(۳).
- زارعی، قاسم.(۱۴۰۲). ارائه مدلی برای تقویت تفکر سبز مدیران.*جغرافیا و روابط انسانی*،۶(۲).
- گچلو، میثم و وکیلی، یوسف.(۱۴۰۲). شناسایی و اولویت بندی عوامل مؤثر بر رفتار سبز کارکنان. *نگرش مدیریت راهبردی*،۳(۳).
- مظاهری تهرانی، مینا و همکاران.(۱۴۰۱). الگوی مدیریت سبز برای سازمان های دولتی ایران. *انجمن علوم مدیریت ایران*،۱۷(۶۸).
- نصیرزاده، مژده و همکاران.(۱۴۰۰). طراحی مدل مدیریت منابع انسانی سبز در سازمان‌های دولتی ایران (مورد مطالعه: ستاد وزارت نفت ایران).*مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی*،۱۳(۵۰).
- Ercantan, O., and Eyupoglu, S. (۲۰۲۲). How Do Green Human Resource Management Practices Encourage Employees to Engage in Green Behavior? Perceptions of University Students as Prospective Employees. *Sustainability*, ۱۴(۳).
- Faisal, S. (۲۰۲۳). Green Human Resource Management—A Synthesis. *Sustainability*, ۱۵(۳), ۲۲۵۹.

-Faisal, M. Banwet, D.K. and Shankar, R.(۲۰۰۶). Supply chain risk mitigation: modelling the enablers, *Business Process Management*, ۱۲(۴), ۵۳۵-۵۵۲.

-Lincoln, Y., and Guba ,E.(۱۹۸۲). Epistemological and methodological bases of naturalistic inquiry. Educational *Technology Research and Development* ,۳۰,۲۳۳-۲۵۲.

- Nisar, Q. A., Haider, S., Ali, F., Jamshed, S., Ryu, K., and Gill, S. S. (۲۰۲۱). Green human resource management practices and environmental performance in Malaysian green hotels: The role of green intellectual capital and pro-environmental behavior. *Journal of cleaner production*, ۳۱۱..

- Shao, X., Jiang, Y., Yang, L., and Zhang, L. (۲۰۲۳). Does gender matter? The trickle-down effect of voluntary green behavior in organizations. *Asia Pacific Journal of Human Resources*, ۶۱(۱).

-Zacher, H., Rudolph, C., & Katz, I. (۲۰۲۲). Employee Green Behavior as the Core of Environmentally Sustainable Organizations. *Annual Review of Organizational Psychology and Organizational Behavior*, ۱۰.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٣١٩-٢٩١
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# راهکارهای توسعه مدیریت چالش های کارکنان دارای تنوع عصبی در سازمان آموزش و پرورش استان گیلان با تمرکز بر افراد نارسایی توجه/بیش فعال

**کبری شیخی**[۱]
**سعید باقرسلیمی**[۲]
**مراد رضایی دیزگاه**[۳]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۴/۱۱ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۵/۲۷)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
این پژوهش به تحلیل چالش‌ها و مسائل مدیریتی کارکنان با ویژگی‌های تنوع عصبی، به‌ویژه اختلال نارسایی توجه و بیش‌فعالی(ADHD) ، در سازمان آموزش و پرورش استان گیلان پرداخته است. هدف اصلی تحقیق شناسایی مشکلات رفتاری کارکنان مبتلا به ADHD در

۱- گروه مدیریت دولتی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
۲- گروه مدیریت دولتی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی ، رشت ،ایران(نویسنده مسئول)s.b.salimi@iau.ac.ir
۳- گروه مدیریت دولتی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

محیط کار و ارائه راهکارهای مدیریتی مؤثر برای کاهش اثرات منفی این چالش‌ها می‌باشد. پژوهش از نظر رویکرد و روش، کیفی است. داده های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه ای و میدانی جمع آوری گردیده است. ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه می باشد. مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل استادان، مشاوران، مدیران، روسا و کارکنان می باشد که تعداد ۲۸ نفر به شیوه هدفمند انتخاب گردیده اند. داده ها با روش فراترکیب و و تحلیل محتوای متعارف بررسی شده اند. نتایج نشان داد که عوامل مختلف سازمانی، شغلی، فردی و خارجی بر چالش‌های رفتاری کارکنان دارای ADHD تأثیرگذار هستند. این عوامل شامل محیط کاری نامناسب، سبک‌های مدیریتی ناکافی، و کمبود حمایت سازمانی است. در این راستا، پژوهش بر لزوم ایجاد محیط‌های کاری حمایتی و انعطاف‌پذیر، تغییر نگرش‌ها و سیاست‌های استخدامی تأکید دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که استفاده از شیوه‌های مدیریتی مبتنی بر درک نیازهای خاص این گروه از کارکنان، می‌تواند به کاهش مشکلات و ارتقای عملکرد آنان کمک کند. این تحقیق در نهایت به تدوین مدل‌هایی برای مدیریت بهینه کارکنان دارای تنوع عصبی در محیط کاری، به‌ویژه در سازمان آموزش و پرورش در استان گیلان می‌پردازد.

**کلید واژگان:** تنوع عصبی، نارسایی توجه/بیش‌فعالی، مدیریت منابع انسانی، چالش‌های رفتاری، سیاست‌های سازمان

## ۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، درک و پذیرش **تنوع عصبی** به عنوان یکی از ابعاد کلیدی در مدیریت منابع انسانی و روان‌شناسی به طور فزاینده‌ای در حال گسترش است. این مفهوم به تفاوت‌های طبیعی در نحوه پردازش اطلاعات و پاسخ به محرک‌های محیطی در افراد اشاره دارد و شامل اختلالات عصبی-رشدی مانند نارسایی توجه/بیش‌فعالی (ADHD) می‌شود که تأثیرات فراوانی بر رفتار فرد در محیط‌های کاری و اجتماعی دارد .(Kofler et al., ۲۰۱۸)

نارسایی توجه و بیش فعالی به مجموعه ای ازمشکلات عصبی-رشدی اشاره دارد که در قالب الگویی پایدار از بی توجهی، پرتحرکی-تکانشگری مفهوم سازی می شود. این اختلال از جمله اختلالات لیست شده در راهنمای تشخیص و آماری اختلالات روانی نسخه چهارم و پنجم دی.اس. ام است که ابتدا در دوران کودکی و نوجوانی تشخیص داده می‌شود و در دوران بزرگسالی هم ادامه می‌یابداین افراد به دلیل ویژگی‌هایی چون نقص در تمرکز، عدم توانایی در سازماندهی وظایف و مدیریت زمان، با چالش‌های عمده‌ای در انجام کارهای روزمره مواجه می‌شوند که می‌تواند عملکرد آن‌ها را در محیط‌های کاری تحت تأثیر قرار دهد (Follmer & Jones, ۲۰۱۸).

در محیط کاری، **مدیریت منابع انسانی** یکی از مؤلفه‌های اساسی در موفقیت سازمان‌ها به شمار می‌رود. با توجه به پیچیدگی‌ها و تنوع موجود، یکی از چالش‌های اصلی ، مدیریت کارکنانی است که دارای ویژگی‌های **تنوع عصبی** هستند. این افراد، معمولاً با مشکلاتی همچون ناتمام ماندن کارها، مشکل در نگهداری تمرکز، و ضعف در برقراری ارتباطات اجتماعی روبه‌رو می‌شوند که می‌تواند عملکرد آن‌ها را ضعیف کند. این چالش‌ها نیازمند تعامل مستمر بین افراد و هماهنگی‌های گروهی هست و می‌تواند به کاهش بهره‌وری و افت کیفیت خدمات منجر شود (Amyx et al., ۲۰۱۵)

از سوی دیگر، **عدم آگاهی** از ویژگی‌ها و نیازهای خاص کارکنان در سازمان، باعث ایجاد شرایط نامساعد برای این افراد در محیط کاری می‌شود. این امر می‌تواند منجر به افزایش فشارهای روانی، کاهش رضایت شغلی، و در نهایت، کاهش کارایی سازمانی گردد (Visser et al., ۲۰۱۵).بنابراین، شناسایی این چالش‌ها و ارائه راهکارهای مدیریتی مؤثر برای حمایت از این کارکنان ضروری است.

هدف اصلی این پژوهش، **شناسایی چالش‌ها و مشکلات مدیریتی** کارکنان با ویژگی‌های **تنوع عصبی** به ویژه نارسایی توجه/بیش‌فعالی در **سازمان آموزش و پرورش استان گیلان** و **ارائه راهکارهای مدیریتی** مؤثر برای **کاهش پیامدهای منفی** این چالش‌ها است. این تحقیق به تحلیل عواملی چون **شرایط کاری**، **سبک‌های مدیریتی** و **حمایت**

**سازمانی** می‌پردازد که می‌تواند موجب **بهبود عملکرد** و **کاهش مشکلات رفتاری** این کارکنان در محیط کاری گردد.

در این زمینه، پژوهش ها عمدتاً بر روی کودکان و نوجوانان متمرکز بوده و در رابطه با این اختلالات در **بزرگسالان** و محیط کاری اندک است (Coetzer, ۲۰۱۶;Visser et al.,۲۰۱۵). این تحقیق با توجه به **کمبود مطالعات** در زمینه مدیریت کارکنان دارای اختلالات رفتاری عصبی ضروری می باشد.

## ۲- مرور ادبیات

مفهوم تنوع عصبی در حال تحول است و از مدل پزشکی-عیب‌نگر به مدل اجتماعی تغییر یافته است. این تغییر نگاه، اختلالاتی مانند نارسایی توجه و بیش فعالی (ADHD ) را به عنوان تفاوت‌های طبیعی شناختی در نظر می‌گیرد و به جای درمان، بر پذیرش و سازگاری با این تفاوت‌ها تأکید می‌کند. این با چالش‌هایی مانند مشکلات سازماندهی، مدیریت زمان، تمرکز و اتمام وظایف مواجه هستند. این مشکلات می‌تواند منجر به کاهش رضایت شغلی، کاهش بهره‌وری و افزایش استرس شود. سبک‌های مدیریت که برای کارکنان با ویژگی‌های عصبی «نرمال» طراحی شده‌اند، ممکن است برای کارکنان دارای تنوع عصبی مؤثر نباشند. پژوهش‌ها بر لزوم ایجاد محیط کاری فراگیر و انعطاف‌پذیر تأکید دارند که نیازهای خاص این افراد را در نظر بگیرند. این شامل تطبیق محیط فیزیکی، تنظیم ساعات کاری و ارائه حمایت‌های عاطفی می‌شود. علی‌رغم چالش‌ها، کارکنان دارای ADHD می‌توانند ویژگی‌هایی مانند خلاقیت، حل مسئله، ریسک‌پذیری و توانایی انجام چند وظیفه هم‌زمان را به محیط کار بیاورند. شناسایی و استفاده از این ویژگی‌ها می‌تواند عملکرد کاری آن‌ها را بهبود بخشد. از مسائل مهم در این بخش کمبود سیاست‌های خاص برای کارکنان با تنوع عصبی در سازمان‌هاست. پژوهش‌ها بر لزوم ایجاد سیاست‌های حمایتی و آموزشی برای آگاهی مدیران از نیازهای کارکنان با ویژگی‌های عصبی متفاوت تأکید دارند. این سیاست‌ها می‌تواند بهره‌وری و رضایت شغلی این افراد را افزایش دهد.

در این زمینه، پژوهش‌ها پیرامون افراد دارای تنوع عصبی، به ویژه اختلال نقص توجه و بیش‌فعالی(ADHD) ، بیشتر بر جنبه‌های درمانی تمرکز کرده‌اند. این تحقیقات عمدتاً در بستر کودکان و نوجوانان انجام شده‌اند و تأکید اصلی بر نحوه برخورد معلمان و والدین با این گروه از افراد بوده است. تحقیقات در ایران نیز بیشتر از دیدگاه روانشناسی و توانبخشی به موضوع پرداخته و کمتر به ابعاد سازمانی و کاری آن توجه شده است.

در رویکرد تنوع عصبی، ویژگی های شناختی افراد به ظاهر دارای اختلال، لزوما کمبود نیستند و می توان آن را به عنوان رفتارهای معمولی در نظر گرفت. اوتیسم، خوانش پریشی ، کنش پریشی و نارسایی توجه / بیش فعالی از جمله مهم ترین مقوله های تنوع عصبی محسوب می شوند. در این پژوهش بر نارسایی توجه/بیش فعالی به عنوان یکی از مقوله های مهم تنوع عصبی، تمرکز شده است.

نارسایی توجه /بیش فعالی زیر گروهی از اختلال عصبی –رشدی بوده که با سطوح بی توجهی و یا بیش فعالی و تکانش گری در دوران کودکی رخ می‌دهد و اغلب در طول نوجوانی و بزرگسالی ادامه می‌یابد (Bodrozic et al ., ۲۰۱۸).جورج استیل[1] نخستین بار ۱۹۲۰ م .، اختلال ADHD را توصیف کرد؛ و پس از ۱۹۹۶ م.،توجه به این اختلال افزایش یافت و به گونه قابل توجهی مورد مطالعه قرار گرفت. جزییات و دستورالعمل‌های مربوط به سلامت روان در راهنمایی تشخیص و آماری اختلالات روانی گنجانده شده که اکنون در نسخه پنجم، DSM-V ارائه شده است(۲۰۲۲) یکی از مهم‌ترین تغییرات در این افراد، افزایش چشم گیر نارسایی شناختی است که به عنوان نارسایی کارکردهای اجرایی توصیف می‌شوند. نشانه‌های ویژه نقص در کارکردهای اجرایی[2] عبارت اند از: تغییر پی در پی برنامه‌ها یا کارها؛ بی سازمانی؛ ضعف در برنامه ریزی برای آینده ، وابستگی به دیگران در حفظ نظم و ترتیب؛ ناتوانی در نگهداری ذهنی چندین چیز به طور هم زمان، کارها یا تکالیف نیمه تمام، نیاز به تعیین ضرب

---

۱- George Still

۲- Executive functions

الاجلی برای انجام کارها و تشخیص و درک نادرست زمان.

در کنار چالش ها و مشکلات، افراد دارای رفتار تنوع عصبی با اختلال ADHD، اتخاذ ریسک‌های محاسبه شده، عدم اطمینان و جا به جا کردن مرزها برایشان سخت نیست ؛ پس شیوع ویژه‌ای در میان کارآفرینان دارند. بصیرت،[1] تفکر خلاق و حل مساله نقاط قوتی است که اغلب به افراد ADHD در محل کار مرتبط است .توانایی انجام چند وظیفه‌ای و پاسخ به محیط‌ها و تقاضاهای کاری در حال تغییر نیز به طور فزاینده‌ای در جهان فعلی و محیط کاری "که دارای فزونی اطلاعات اند" [2]ارزشمند است (Archer, ۲۰۱۵) .این افراد همواره می‌توانند به طور قابل ملاحظه‌ای، موقعیت‌های پر فشاری را که افراد عادی احتمالا آن را طاقت فرسا می ببینند، مدیریت کنند(Boot& Bass,۲۰۱۷) .علاوه بر این، کاملا برخلاف کلیشه‌ها (تصورات نادرست) توانایی تمرکز بیش از حد، وقتی "غرق" در جریان یک وظیفه برانگیزاننده قرار می‌گیرند، یک ویژگی فراموش نشدنی افراد دارای رفتار تنوع عصبی با اختلال ADHD است.

با این وجود، تحقیقات پیرامون افراد ADHD بر روی کودکان و نوجوانان و شیوه تعامل والدین و معلمان با افراد تشخیص داده شده متمرکز شده است.رفتاری‌های توصیه شده برای نتایج موثر در یک محیط کار مورد مطالعه قرار نگرفته است. وقتی رفتار کارمند شامل افراد دارای رفتار تنوع عصبی باشد، دپارتمان‌های منابع انسانی نحوه رسیدگی به عملکرد ضعیف کارکنان را به درستی نمی‌دانند رویکردهای نادرست می‌تواند منجر به افزایش رفتار کاری مخرب و از دست دادن مشارکت فعال یک کارمند با رفتار تنوع عصبی در سازمان شود.اگر یک مدیر رفتارهایی مانند مدیریت خرد، انضباط یا حذف مسئولیت‌ها را برای نگه داشتن یک کارمند دارای رفتار تنوع عصبی در کار انتخاب کند، این رویکردها می‌تواند بیش از آنکه مفید باشد، مضر باشند ؛ رفتارهایی مانند استفاده از زمان/منابع/ اطلاعات، حضور ضعیف و کار با کیفیت پایین به روابط

---

۱- Insightfulness

۲- Information overload

کاری با همسالان و مدیران آسیب می‌رساند (Romsay,۲۰۱۶) چالش‌های متعددی در تدوین دستورالعمل‌ها برای مدیران وجود دارد، زیرا، نیازهای کارکنان دارای رفتار تنوع عصبی می‌تواند بر اساس شرایط عاطفی در محیط کار و به دلیل سطح بالای حساسیت آن‌ها، تغیر کند (Richard-Lepouriel,et al.,۲۰۱۶) در ادامه به برخی دیگر از پژوهش های صورت گرفته، پرداخته می شود.

نانسی دویل و آلموت مک داول (۲۰۲۰) در زمینه تنوع عصبی و مولفه های آن در یک چشم انداز کلی درباره افراد دارای ناتوانی مانند اوتیسم، خوانش پریشی، سندروم تورت، اختلال کم توجهی و بیش فعالی و اختلال هماهنگی حرکتی و رشدی، در پی ایجاد یک چارچوب معرفت شناختی برای در دستورکار قراردادن این افراد در آینده به بررسی پرداخته اند. این افراد درطول سال‌ها به دلیل برچسب، فقدان آگاهی و نبود زیرساخت‌های مناسب مانند مدرسه و جامعه و حتی راه اندازی دفتر و استخدام شغلی مورد طرد قرار گرفته اند. . در این مقاله محققان تلاش کرده‌اند تا تنوع عصبی را از دیدگاه‌های روانشناختی و پزشکی مورد بررسی قرار داده ؛ توانایی این افراد را در محیط کار بررسی کنند و راهکارهایی در جهت بهبود و تقویت موقیت های شغلی برای این افراد فراهم سازند. کوتزر و همکاران(۲۰۱۷) در بررسی تاثیر نارسایی توجه و بیش فعالی بزرگسالان بر اعضای تیم، روابط بین اعضای تیم، پویایی عملکرد کار در تیم‌ها با استفاده از روش آماری ویلیامز برای آزمایش به این نتیجه دست یافتند که بزرگسالان دچار نقص توجه و بیش فعالی در انجام وظایف ضروری ضعیف هستند و در کارهای تیمی به هم تیمی‌های خود اتکا می‌کنند و در نتیجه از استقلال محدود و پایینی برخوردار می‌باشند. یو و همکاران(۲۰۲۱) در تحقیقات خود نشان دادند که بیش فعالی و تکانش گری سوق دهنده افراد به سمت نوآوری، پیشتازی و ریسک پذیری و کارآفرینی است. این افراد در محیط های بی ثبات و نامطمئن می توانند به سرعت تصمیم گیری و اقدام نمایند. مورفی و همکاران(۲۰۲۱) در پژوهش خود استعداد کارآفرینی در بین افراد دارای نقص توجه و بیش فعالی را بررسی کردند و دریافتند این افراد سبک شناختی شهودی و آگاهی کارآفرینی دارند و می توانند در شرایط خاص زمان بین تصمیم گیری برای کار و انجام آن را به حداقل برسانند. این ویژگی در مشاغلی مانند کارآفرینی

بسیار مفید است. پتل و همکاران (۲۰۲۱) با بررسی افراد دارای تنوع عصبی با ویژگی نارسایی توجه و بیش فعالی به این نتیجه دست یافتند که این افراد در مشاغلی که دارای تنوع تکلیف، آزادی برای ساختاردادن به محتوای کاری و شرایط بر اساس ترجیحات و نیازها و نیز ساعات کاری منعطف می باشد، انطباق بیشتری می یابند .در همین زمینه، ویسمنس و همکاران(۲۰۲۰) به بررسی رابطه مثبت بین نارسایی توجه/بیش فعالی و ریسک پذیری پرداختند و نشان دادند ویژگی های شناختی، این افراد را به کارآفرینی و تصمیم گیری تحت عدم اطمینان سوق می دهد. استاپرز و همکاران (۲۰۲۱) نیز در بررسی علائم افراد دارای نارسایی توجه/بیش فعالی بر خودمختاری، محیط های کارآفرینانه، خلاقیت و ریسک پذیری این افراد تاکید دارند.در این موارد،پلاک و همکاران(۲۰۲۱) و سانگ و همکاران (۲۰۲۱) نیز در پژوهش های خود به ویژگی های مثبت بزرگسالان ADHD پرداختند و دریافتند که این افراد به سبب داشتن نقص در بازداری در اموری که نیاز به نوآوری و تفکرواگرا دارد، بهتر عمل می کنند و از این نظر می توانند فرصت های تازه را کشف نمایند.گذشته از پژوهش ویکلاند(۲۰۱۸) باید به مطالعه لرنر و همکاران(۲۰۱۹) اشاره کرد که در تحقیق خود با عنوان نارسایی توجه/بیش فعالی و کارآفرینی برمبنای جامعه ی پژوهشی ۹۸۶۹ نفری دریافتند ارتباط مثبتی بین نارسایی توجه/بیش فعالی و قصد و اقدام کارآفرینی وجود دارد و این کار یک گزینه شغلی جذاب برای آن ها محسوب می شود.مولینا و همکاران(۲۰۱۸) مشکلات افراد بزرگسال ADHD را مانند سومصرف مواد، اختلالات ذهنی و روانی، ضعف در موفقیت تحصیلی و کمبود درآمد را بررسی کردند. لاسکی و همکاران(۲۰۱۶) به رابطه تاثیر محیط کار بر علائم نارسایی توجه و بیش فعالی پرداختند. در این پژوهش با مصاحبه نیمه ساختار یافته با ۱۲۵ بزرگسال که در کودکی تشخیص ADHD گرفته بودند در پی یافتن این پرسش بودند که: آیا تغییر بافت می تواند در کاهش نشانه های نارسایی توجه و بیش فعالی نقش داشته باشد؟ و در این زمینه، آیا بافت شغلی خاصی می تواند از دیگر بافت ها بهتر باشد؟ بیشتر مشارکت کنندگان این باور را که علائم به بافت بستگی دارد، تایید کردند.این افراد در محیط های شغلی دارای محرکات گوناگون و متنوع بهتر عمل می

کنند. دیپلو(۲۰۱۵) به بررسی مشکلات شغلی مانند مدیریت زمان، جابجایی تمرکز پایدار، آغاز و اتمام به موقع وظایف و ناتوانی در برنامه ریزی و معرفی مداخلات موثر برای مشاوران شغلی در کار با افراد دارای نارسایی توجه و بیش فعالی پرداخت. این افراد در زمینه طرح ریزی، تصمیم گیری و حل مسایل شغلی نیاز به کمک دارند تا بتوانند در بزرگسالی موفق شوند.

درایران تحقیقات پیرامون شرایط شناختی عصبی-رشدی افراد صرفا از دیده روانشناسی و پزشکی مورد مطالعه قرار گرفته است و تحقیقات پیرامون کارمندان دارای تنوع عصبی انجام نشده و از دیدگاه مدل اجتماعی ناتوانی در جوامع سازمانی مورد غفلت واقع شده است. نوربالا و همکاران(۱۳۹۳) به بررسی روند گسترده اختلال‌های روانی در جامعه ایران پرداختند. هدف تدوین گزارشی از روند میزان شیوع اختلال‌های روان پزشکی در کشور براساس مطالعات گذشته است. محمدی و همکاران (۱۳۹۵) اطلاعات مربوط به اختلالات روانی را طبقه بندی و اقدام به طراحی و تهیه راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی نموده اند. نجاتی و همکاران (۱۳۹۱)، حاج کریمی و همکاران (۱۴۰۲) در بررسی های خود پیرامون تنوع عصبی بر افراد دارای رفتار اوتستیک بگونه ای کلی و بیرون از حوزه سازمانی تمرکز کردند و مطالعه آن ها در یک چشم انداز کلی و خارج از چالش ها و ظرفیت های این افراد در مشاغل و جوامع سازمانی بوده است. شاهواروقی و همکاران (۱۳۹۸)به بررسی سه نظام طبقه‌بندی اختلال‌های روانی پرداختند، که هدف هریک از آن‌ها، برای درک و طبقه‌بندی اختلال‌ها با یکدیگر متفاوت است .که برای مقایسه آن از چهار موضوع کلیدی بهره گرفته است : سبب شناسی، طبقه‌بندی یا ابعاد،آستانه‌ها، که مرز بین اختلال و عدم اختلال را تعیین می‌کند؛ و هم ابتلایی. پیرخائفی و همکاران(۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی اثربخشی الگوی بالینی خلاقیت درمانی بر توجه و حافظهٔ افراد دارای اختلال یادگیری ریاضی شهرستان شاهین شهر و حومه پرداختند.روش این پژوهش به روش شبه آزمایشی، از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه آزمایش و گروه کنترل -انجام شد .یافته‌ها نشان داد که الگوی بالینی خلاقیت درمانی منجر به بهبود معنادار حافظه و توجه این افراد شد.

برآیند حاصل از یافته‌های ادبیات پژوهش پیرامون تنوع عصبی **با تمرکز بر** ADHD گویای

آن است که بیشتر پژوهش ها کلی بوده و به طور مشخص به مشاغل و چالش های کارکنان دارای تنوع عصبی همراه با شناسایی آن ها و ارائه راهکار برای کاهش پیامدهای زیانبار تنوع عصبی درمحیط کاری نپرداخته اند. این موضوع در ایران نوظهور بوده و حوزه مطالعاتی به گونه موردی با توجه به ویژگی های شناختی کارکنان دارای تنوع عصبی با محوریت نارسایی توجه/بیش فعالی که از فرد به فرد دیگر و از سازمان به سازمانی دیگر متفاوت است، با توجه به عدم آگاهی و آموزش در محیط کار در خور پژوهش است. از این حیث، تحقیق حاضر گامی نوآورانه برای حفظ و نگهداشت کارکنان دارای تنوع عصبی با تمرکز بر **ADHD** در آموزش و پرورش استان گیلان می باشد.

## ۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر رویکرد و روش، پژوهشی کیفی می باشد. داده های مورد نیاز از طریق روش کتابخانه ای و میدانی، جمع آوری گردیده است. در گام نخست، محقق، با استفاده از روش فراترکیب به مطالعات پیشین پرداخت.در این روش فراترکیب، محقق از روش شناخته شده ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۶)در زمینه تحقیقات فراترکیب استفاده کرده است که الگوی هفت مرحله‌ای آن‌ها بیشترین کاربرد و نسبت به سایر روش‌های موجود، نتایج بهتری به دست می‌دهد: تنظیم پرسش‌های پژوهش، بررسی نظام مند ادبیات تحقیق، جستجو منابع متناسب با موضوع پژوهش، استخراج اطلاعات ، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی، کنترل کیفیت داده‌ها و ارائه یافته‌ها . ابزار گردآوری داده ها، مصاحبه می باشد که در پژوهش حاضر با توجه به اهداف تحقیق و ویژگی‌های مصاحبه شوندگان ، از مصاحبه با انعطاف پذیری متوسط استفاده شده است. پروتکل مصاحبه در دو بخش، به این ترتیب، بخش نخست مربوط به خصوصیات جمعیت شناختی و بخش دوم، در شش سطح و هریک از آن‌ها با پرسش‌های موضوعی مندرج در آن‌ها را شامل می شود. نمونه ای از پرسش ها بدین شرح اند: مدیران منابع انسانی با چه نوع مشکلات و چالش هایی در کار با کارکنان دارای نارسایی توجه و بیش فعالی

روبرو هستند؟ مدیریت منابع انسانی برای تطبیق با چالش های این افراد چه تدابیری باید در نظر بگیرد؟ سازمان چگونه می تواند از این کارکنان حمایت کند و موجب مشارکت و بهره وری آنان شود؟ مزایای جذب و حفظ کارکنان دارای تنوع عصبی با ویژگی های شناختی نارسایی توجه و بیش فعالی در محیط کار چیست؟ شرایط کاری مناسب برای این افراد از نظر فرهنگ سازمانی چگونه باید باشد؟

مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل : ا)ا‌ستادان دانشگاه‌ها، پژوهش گران کارآزموده و کارشناسان خبره در رشته روانشناسی، روان پزشکی و مدیریت؛ ۲) شاهدان عینی به لحاظ موقعیت شغلی با مسئولیت‌هایشان شناخت خوبی از مسائل داشتند و با افراد موضوع تحقیق مناسبات نزدیک دارند.با توجه به توضیحات مدیران ارشد، روسا، مشاوران و معاونین پرورشی و کارشنان حوزه سلامت که دست کم ۱۰ سال سابقه راهبری و مدیریت کارکنان را داشتند، و۳) گروهی که موضوع تحقیق مستقیما به آنان مربوط می‌شود یعنی کارکنان اداره کل، نواحی ۱ و ۲ رشت، انزلی و لاهیجان .

روش نمونه گیری از نوع نمونه گیری هدفمند بوده است. رسیدن به حالت اشباع نظری، ملاکی برای توقف نمونه برداری، در نظر گرفته شده است. این اتفاق در مورد هفدهم، صورت پذیرفته است. هم چنین، با توجه به محدودیت برقراری ارتباط یا پذیرش مصاحبه از روش گلوله برفی ( اسنوبال )استفاده شد. روش نمونه گیری برفی روشی هدفمند است که مستلزم استفاده از مطلعین یا مصاحبه شوندگان اولیه برای شناسایی افراد دیگر می‌باشد. به بیان دیگر، بعد از پرسش از هر نمونه، پژوهش گر با پرسش‌هایی مانند:«فرد دیگری که در این زمینه از اطلاعات خوبی برخوردار باشد، پیشنهاد یا معرفی می‌کنید؟». با این روش، بتدریج تعداد نمونه زیادتر شد و پژوهش گر داده‌های مورد نیاز را جمع آوری کرد. مشارکت کنندگان در این پژوهش از شهرهای رشت،لاهیجان، انزلی، تهران و اصفهان و شیراز انتخاب گردیده اند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از شیوه تحلیل محتوای متعارف استفاده گردیده است. در بررسی یافته ها، ضرایب پایایی باآزمون(۰/۰۷۱ ) و پایایی دو کدگذار( ۰/۰۷۳)، حاصل گردید. این مقادیر، نشان دهنده اعتبار یافته های پژوهش می باشند.

## ٤-یافته ها

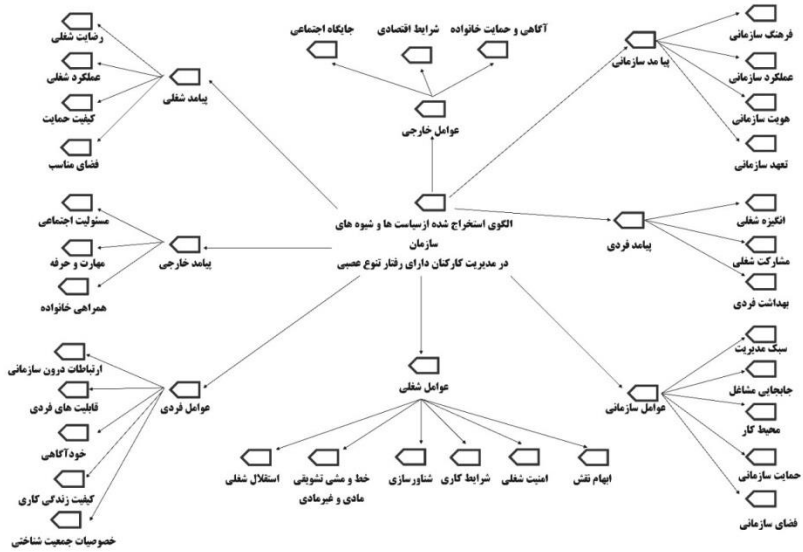
تجزیه و تحلیل داده ها فرایندی است که در آن، داده ها، خلاصه، کدگذاری، طبقه بندی و پردازش می شوند. در این فرایند، تحلیل داده های بدست آمده به گونه رفت و برگشتی بوده و از کدگذاری مستمر مقایسه ای و همزمان استفاده گردیده است. جمع آوری داده ها تا جایی پیش رفت که پژوهش گر به مرز اشباع رسید و مفاهیم پیرامون مدیریت چالش ها ی کارکنان دارای نارسایی توجه/بیش فعالی در قالب الگوهای تکرارپذیر مطرح گردید. بدین ترتیب، پس از انجام فرایندهای فراترکیب و تحلیل داده ها در امور مربوط به شناسایی، طبقه‌بندی مولفه هاو شاخص‌های کارکنان دارای تنوع عصبی، الگوی مدیریت چالش های کارکنان دارای تنوع عصبی در سه لایه شامل ابعاد، مولفه ها و شاخص‌های کلیدی درقالب جدول زیر آورده شده است:

**جدول (۱)-شناسایی و طبقه‌بندی مولفه و شاخص‌های مربوط به تنوع عصبی**

| ابعاد | مولفه ها | شاخص‌ها |
|---|---|---|
| **عوامل موثر بر چالش‌های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی** | سازمانی | محیط کار ازحیث فضا و عوامل زیستی فاقد حداقل نرم‌ها و استانداردهای لازم از حیث ترکیب تنوع نیروی منابع انسانی است.<br>رویکرد مدیریت مبتنی بر افراد دارای عصب شناختی نرمال و فاقد سیاست‌های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی است.<br>نوع ارتباطات و ارائه اطلاعات در قالب‌های مختلف، موجب افزایش تعامل و اعتماد کارکنان دارای تنوع عصبی می شود.<br>محیط کاری نامتناسب از حیث شرایط فیزیکی، ناامن، محرک و نداشتن دستورالعمل‌های کاری نامشخص باعث عدم سازگاری و تطبیق معقول کارکنان تنوع عصبی در سازمان می شود.<br>مدیریت کارکنان دارای تنوع عصبی توسط سازمان موجب بهره وری و مشارکت آنان در محیط کار می‌شود. |

| ابعاد | مولفه ها | شاخص‌ها |
|---|---|---|
| | شغلی | امنیت شغلی کارکنان دارای تنوع عصبی مشتمل بر آسیب‌های روحی و روانی است که این افراد در طی زمان انجام کارها با آن مواجه هستند.<br>نگرش غیر منعطف و همدلانه در زمینه زمان کار و عدم نقش کاری متناسب با شرایط افراد دارای تنوع عصبی باعث کاهش بهره وری آنان می‌گردد.<br>هنگامی که انتظارات کارکنان دارای تنوع عصبی از شرایط کاری برآورده نگردد، موجب کاهش رضایت شغلی می‌شود.<br>شیوع مشکلات و چالش‌های اجرایی کارکنان دارای تنوع عصبی در مقاطعی با علائمی چون غیبت، تاخیر و تعجیل نشان می‌دهد.<br>فقدان آگاهی در حمایت تنوع شناختی نیروی انسانی موجب کاهش بهره وری آنان می‌شود.<br>عدم باور به توانایی و به کارگیری کارکنان در راستای خصایص آنان در وظایف محوله ضعف و کاهش عملکرد مناسب را به دنبال دارد. |
| | فردی | ارتباط سازمانی میان کارکنان تنوع عصبی، مدیران و همکاران تاثیر بسزایی در شرایط روحی و ذهنی برای تحمل شرایط کاری دارد.<br>فقدان آموزش در حوزه‌های مورد علاقه و مبتنی بر ویژگی‌های کارکنان دارای تنوع عصبی منجر به عدم انطباق و سازگاری در محیط کاری می‌شود.<br>توجه به رفاه و وضع خط مشی‌های حمایتی و تشویقی کارکنان دارای تنوع عصبی در سازمان بسیار مهم است.<br>بروز مشکلات از جمله عدم تمرکز بر مشکلات محوله و مدیریت زمان در بین کارکنان دارای تنوع عصبی می‌تواند باعث فشارهای روحی و روانی زیادی برای آنان شود.<br>در صورت بروز مشکلات فوق در بین کارکنان مزبور، انگیزه و مشارکت آن‌ها برای مناسب وظایف محوله از دست می‌رود و این امر اعتماد به نفس آنان را به شدت کاهش می‌دهد. |
| | خارجی | عدم احترام و تصور یک چشم انداز روشن برای افراد دارای تنوع عصبی در جامعه موضوعی است که افراد مزبور را برای حل مسائل شغلی با مشکل مواجه می‌کند.<br>شرایط اقتصادی و مالی نامناسب باعث عدم تمرکز افراد در اجرای وظایف شغلی شان می‌شود. |

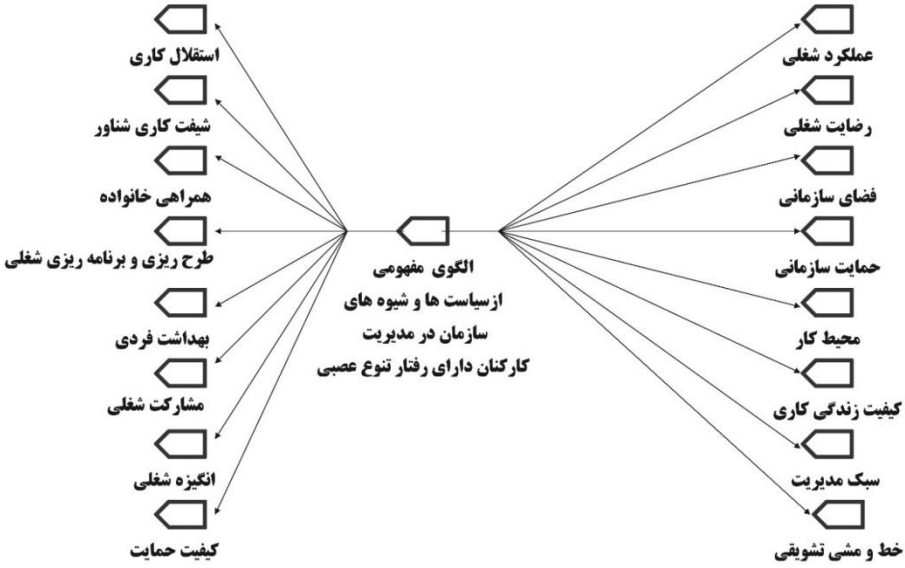
در گام نهایی فراترکیب، داده‌ها به منظور تجزیه و تحلیل در نرم افزار MAXQDA۲۰۲۰ رونویسی و وارد شدند که از طریق آن، کدها و زیر کدها طبقه‌بندی شده و دسته بندی‌های نهایی در الگوی استخراج شده از بررسی مطالعات پیشین ارائه گردید و در شکل‌های۱ و۲ نشان داده شده است.




**شکل(۱)-الگوی استخراج شده ازسیاست ها و شیوه‌های سازمان در مدیریت کارکنان دارای رفتار تنوع عصبی**

الگوی مفهومی سبک مدیریتی در ارتباط با کارکنان دارای رفتار تنوع عصبی از چهار منظر یعنی سازمانی، شغلی، خارجی و فردی مورد بررسی قرار گرفت. در این زمینه، ۸ کد هسته‌ای و **۳۳** شاخص مرتبط با سبک مدیریتی فوق از روش فراترکیب و با مرور مطالعات کیفی که در پایگاه داده‌های داخلی و خارجی در بازه ۱۴۰۲-۱۳۸۹ / ۲۰۲۲-۱۹۹۰ انتخاب شده است، استخراج گردید. هم چنین نظر به شناسایی شاخص‌های مرتبط با هریک از ابعاد سبک مدیریتی

پیرامون چالش های کارکنان دارای تنوع عصبی موجب داشتن دیدگاهی جامع در زمینه مزبور می‌شود، می‌توان اظهار داشت که ارائه الگویی مفهومی جامع به سازمان مورد مطالعه در بهینه سازی فرایندهای مدیریت منابع انسانی پیرامون مدیریت کارکنان دارای سبک شناختی متنوع، کمک قابل توجهی بکند. بر این اساس، شکل شماره(۲)-که توسط نرم افزار MAXQDA۲۰۲۰ طراحی شده است، الگوی مفهومی سبک مدیریتی کارکنان دارای تنوع عصبی را نشان می‌دهد:




**شکل(۲)-الگوی مفهومی ازسیاست ها و شیوه‌های سازمان در مدیریت کارکنان دارای رفتار تنوع عصبی**

## ۵-بحث

آموزش و پرورش در کنار انتقال ارزش‌ها، اصول اخلاقی، دانش و مهارت‌ها وظیفه رشد و تعالی نیروی انسانی را بر عهده دارد این سازمان قاعدتا برنامه ریزی مدیریت و آموزش را هم چون سایر جوامع سازمانی بر مبنای ویژگی‌های نیروی انسانی بهنجار تنظیم می‌کند و به گونه‌ای سازمان دهی می‌نماید که مناسب بیشتر کارکنان باشد .در این میان، برخی از کارمندان به دلایل

مختلف شناختی و رفتاری نمی‌توانند به طور شایسته از امکانات لازم نیروی انسانی بهنجار بهره ببرند. در نتیجه این افراد دچار چالش‌هایی در محیط کار و نیز پیامدهای اجتماعی و عاطفی گوناگون می شود.

علاوه بر این، رفتار تنوع عصبی در بزرگسالان کمتر تشخیص داده می‌شود و این مساله مدیران را با چالش‌هایی مواجه می‌کند. (Leithead and freeborn, ۲۰۱۳ , Asherson , ۲۰۱۶). پیشرفت دانش سایکولوژی و مدیریت در دهه‌های اخیر و آگاهی نسبت به تفاوت‌های فردی در سیستم عصبی نشان داده که بسیاری از چالش‌های افراد دارای رفتار تنوع عصبی که تاثیر زیادی بر سرنوشت سازمانی و اجتماعی کارمندان بر جای می‌گذارند، قابل مدیریت هستند .بر این اساس کارکنان دارای رفتار تنوع عصبی جهت دست یابی به قابلیت‌های پیشرفت سازمانی به تجارب مدیریت افراد دارای تنوع عصبی نیاز دارند. محیط اداری به دلیل فراهم ساختن همین تجارب، موجبات رشد و تعالی افراد را فراهم می‌کند. تنوع عصبی تفاوت‌های فردی کارمندان در بهره مندی از تجارب مدیریتی در جوامع سازمانی است. دریافت اطلاعات درست از محیط شرط لازم جهت توجه و رفتار مناسب در محیط سازمانی است. پیشرفت کارمندان وابسته به عملکرد مناسب سیستم عصبی است که به افراد امکان می‌دهد توجه کنند، اطلاعات را در مغز یکپارچه سازند و ضمن دوری از عوامل حواس پرت کننده، به رفتار مناسب دست پیدا کنند.

ممکن است برخی کارکنان نتوانند مانند دیگران رفتار نمایند و به دلیل رفتارهای تنوع عصبی دچار مشکل شوند؛ این در حالی است که این افراد قابلیت فراوان در حل مسائل سازمانی دارند، اما ویژگی‌های سیستم عصبی آن‌ها مانع تحقق قابلیت‌ها و حتی موجب اخراج آن‌ها می‌شود و این که این تفاوت‌ها چه هستند و چگونه باعث می‌شوند که برخی از کارمندان نتوانند هم چون دیگران از تجارب سازمانی بهره ببرند، دانشی است که همه مدیران، کارفرمایان و کارمندان به آن نیاز دارند و این که مدیران و سرپرستان منابع انسانی با آموزش دیدن به نقش رویکرد تنوع عصبی آگاهی یابند و شرایط محیط مناسب اداری را جهت کمک به این کارکنان فراهم سازد و با این کار محیط کاری مناسب برای مدیریت این کارمندان را فراهم می‌سازند و به جای زدن

برچسب‌هایی مثل دارای اختلال یا غیر نرمال به آنان، نیازهای متنوع این افراد را با بهر ه مندی از دانش سایکولوژی و مدیریتی، پیش بینی و متفاوت بودن آن‌ها را به عنوان یکی از ابعاد کاملا طبیعی آن‌ها در نظر بگیرند و با این رویکرد و اجرای آن در محیط کاری ضمن برخورداری از مزایای فراوان آن، عدالت سازمانی یعنی فراهم سازی محیط مناسب هر فرد برای پیشرفت و تعالی، به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا می‌کند .با توجه به این موارد، نظام آموزش و پرورش می‌تواند مدل و الگوی رفتاری در مدیریت این افراد، پیشرو جوامع سازمانی باشد، اما امروزه در صورت بروز رفتار افراد دارای رفتار تنوع عصبی نه تنها چالش‌های آن‌ها را مدیریت نمی‌کنند، بلکه اقدام به خروج آنان در سازمان می‌نمایند .با این کار نظام آموزش و پرورش و به طور کلی جامعه ما تنها برای یک شیوه وجودی یعنی نوع نرو تیپیکال یا بهنجار طراحی شده است . و بدین ترتیب هر شیوه وجودی دیگر بلافاصله در وضعیت نابرابر قرار گرفته و با انواع برچسب‌ها و انگ‌ها موجب طرد آنان می‌شود. در سیاست مدیریت معمول در نهاد مورد مطالعه، نقش یا وظایف کاری این افراد به قدر کافی برایشان برانگیزاننده نیست، آشفته، بی قرار و احتمالا خسته می باشند.. تعداد زیادی از این افراد، هم چنین نمی‌توانند مانع ورود داده‌های حسی شوند، به این معنا که نسبت به افراد عصب شناختی نرمال[1] به راحتی حواسشان در محیط کار پرت می‌شود. هم چنین، آن‌ها ممکن است چالش‌های بیشتری را در خصوص توجه داشته باشند، مانند حفظ تمرکز در طول جلسات طولانی، یا تغییر تمرکز وقتی غرق در جریان یک وظیفه هستند. تحقیقات و یافته های جدید نیز در خصوص این افراد و چالش های مزبور در جوامع سازمانی صحه گذاشته و سیاست های مدیریتی را در تقابل با ویژگی های شناختی افراد دارای تنوع عصبی را گوشزد کرده اند (Kofler et al.,۲۰۱۸;Joelsson et al.,۲۰۱۷; Gjervan et al.,۲۰۱۶)

با توجه به موارد فوق، عوامل موثر بر چالش‌های کارکنان دارای رفتار نارسایی توجه و بیش فعالی (ADHD) در محیط کار، می‌توانند شامل عوامل سازمانی، فردی، شغلی و اجتماعی

---

۱- Neurotypicals

باشند. این عوامل می‌توانند بر عملکرد شغلی، روابط کاری و سلامت روانی این افراد تاثیر بگذارند. در ادامه، به بررسی این عوامل و راهکارهای مدیریتی برای کاهش رفتارهای زیانبخش این کارکنان می پردازیم:

## ٦-عوامل موثر بر چالش‌های کارکنان دارای نارسایی توجه و بیش فعالی

### ٦-١-عوامل سازمانی

**عدم آگاهی و پذیرش تنوع شناختی** :سازمان‌ها اغلب به طور کامل با نیازهای ویژه کارکنان مبتلا به ADHD آشنا نیستند. این ناآگاهی می‌تواند منجر به تبعیض و عدم حمایت مناسب از این افراد شود.

**محیط کاری نامناسب** :محیط‌های پر سر و صدا، شلوغ و بی‌نظم می‌توانند بر تمرکز افراد مبتلا به ADHD تأثیر منفی بگذارند و باعث افزایش بی‌قراری و کاهش بهره‌وری شوند.

**عدم طراحی مناسب شغل** :وظایف شغلی که نیاز به تمرکز طولانی‌مدت یا انجام فعالیت‌های روتین دارند، ممکن است برای کارکنان با ADHD دشوار باشند.

### ٦-٢-عوامل فردی

**عدم توانایی در مدیریت زمان** :کارکنان مبتلا به ADHD اغلب مشکلاتی در مدیریت زمان دارند، مانند فراموش کردن مهلت‌ها یا عدم توانایی در سازماندهی وظایف.

**حواس‌پرتی و تکانش‌گری** :این افراد ممکن است به دلیل حواس‌پرتی یا تکانش‌گری مشکلاتی در انجام کارها و تعامل با همکاران داشته باشند.

**عدم ثبات عاطفی** :نوسانات خلقی و استرس می‌تواند به عنوان عاملی برای کاهش انگیزه و اضطراب شغلی در این افراد عمل کند.

### ٦-٣-عوامل شغلی

**عدم تناسب شغلی با ویژگی‌های فردی** :وظایفی که نیاز به دقت بالا، حفظ تمرکز

طولانی‌مدت یا برنامه‌ریزی دقیق دارند، ممکن است برای این افراد چالش‌برانگیز باشند.

**مدیریت متمرکز و نظارت سختگیرانه** :مدیرانی که نظارت شدید و متمرکز دارند، ممکن است فشار بیشتری بر کارکنان ADHD وارد کنند، که می‌تواند منجر به کاهش انگیزه و اضطراب آنان شود.

**٦-٤-عوامل اجتماعی**

**برچسب زدن به افراد مبتلا به ADHD**: افراد مبتلا به ADHD گاهی با برچسب‌های منفی و قضاوت‌های اجتماعی روبرو می‌شوند که این موضوع می‌تواند بر عزت نفس و تعاملات اجتماعی آن‌ها تاثیر منفی بگذارد.

**نبود حمایت اجتماعی و آگاهی جامعه** :عدم آگاهی از شرایط ADHD در جامعه می‌تواند باعث جداسازی این افراد از همکاران و کاهش روابط اجتماعی مثبت در محیط کاری شود

**۷-راهکارهای مدیریتی برای کاهش رفتارهای زیانبخش**

**۷-۱-ایجاد محیط کاری مناسب**

**محیط کاری آرام و منظم** :برای کاهش حواس‌پرتی، محیط کاری باید آرام و منظم باشد. حذف عوامل مزاحم مانند سر و صدا، نورهای شدید و محیط‌های شلوغ می‌تواند به افزایش تمرکز این افراد کمک کند.

**استفاده از فناوری‌های کمکی** :ابزارهای کمک‌فنی مانند نرم‌افزارهای مدیریت زمان، تقویم‌های دیجیتال و یادآوری‌های خودکار می‌توانند به کارکنان ADHD کمک کنند تا به موقع وظایف خود را انجام دهند.

**۷-۲-تناسب شغلی با ویژگی‌های فردی**

**تخصیص وظایف متنوع و پرتحرک** :کارکنان با ADHD در انجام وظایف متنوع و پرتحرک عملکرد بهتری دارند. بنابراین، می‌توان به آن‌ها وظایف چالش‌برانگیز و تغییرپذیر اختصاص داد که نیاز به تمرکز ثابت نداشته باشند.

**تقسیم وظایف به بخش‌های کوچک‌تر** :تقسیم وظایف بزرگ به قسمت‌های کوچک‌تر و

مشخص می‌تواند به این افراد کمک کند تا در انجام کارها بهتر عمل کنند و مضطرب نشوند.

**۷-۳-استفاده از شیوه‌های مدیریتی منعطف**

**سبک مدیریت انعطاف‌پذیر** :مدیران باید سبکی مدیریتی انعطاف‌پذیر و حمایتی داشته باشند. این می‌تواند شامل برنامه‌ریزی انعطاف‌پذیر، آزادی عمل در انجام کارها و پرهیز از نظارت شدید باشد.

**دریافت بازخورد ساختاریافته و مثبت** :ارائه بازخورد منظم و مثبت می‌تواند به این افراد کمک کند تا عملکرد خود را بهتر ارزیابی کنند و انگیزه بیشتری برای بهبود داشته باشند.

**تشویق به خلاقیت و نوآوری** :کارکنان مبتلا به ADHD اغلب دارای خلاقیت بالا هستند. مدیران می‌توانند از این ویژگی برای تحریک نوآوری در محیط کاری استفاده کنند.

**۷-٤-آموزش و آگاهی بخشی**

**آموزش مدیران** :مدیران باید آموزش‌های لازم را برای شناسایی و درک رفتارهای خاص کارکنان مبتلا به ADHD دریافت کنند. این آگاهی‌ها می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا شیوه‌های مدیریت مناسبی را اتخاذ کنند.

**آموزش همکاران** :آگاهی همکاران از شرایط ADHD و ویژگی‌های شناختی این افراد می‌تواند به کاهش استرس‌های اجتماعی و بهبود روابط کاری کمک کند.

**تسهیل جلسات آموزشی** :برگزاری کارگاه‌ها و جلسات آموزشی برای کارکنان و مدیران درباره مدیریت نارسایی توجه و بیش فعالی می‌تواند به بهبود شرایط کاری و کاهش رفتارهای منفی کمک کند.

**۷-۵-پشتیبانی اجتماعی و محیطی**

**ایجاد فضای حمایتی و بدون تهدید** :مدیران باید محیطی فراهم کنند که کارکنان احساس امنیت داشته باشند و از اشتباهات خود نترسند. این کار می‌تواند به کاهش ترس از اشتباه و افزایش مشارکت در کارها کمک کند.

**استفاده از مربیان یا همکاران حامی** :تعیین مربیان یا همکاران حامی می‌تواند به افراد

ADHDکمک کند تا بهتر در محیط کاری خود سازگار شوند و از نظر اجتماعی و حرفه‌ای حمایت شوند.

**۸-نتیجه**

با توجه به نتایج و یافته های تحقیق و مقایسه با تحقیقات پیشین پیرامون عوامل موثر بر چالش های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی با تمرکز بر نارسایی توجه/بیش فعالی و راهکار موثر بر کاهش پیامدهای زیانبار رفتار آنان در محیط کاری ، عوامل سازمانی، شغلی، فردی و خارجی هریک دارای شاخص هایی به شرح زیر می باشد که بترتیب بررسی شده اند:

مهم‌ترین شاخص‌های ارائه شده در زمینه عوامل سازمانی موثر بر چالش‌های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی، حمایت سازمانی، فضای سازمانی، سبک مدیریت و شیوهای استخدام مبتنی بر چارچوب‌های شایستگی بوده است. نتایج مطالعات پیشین نشان داده‌اند که فقدان سیاست تنوع پذیر و استاندارد و عدم انطباق قوانین کار با اسناد بین الملل منع تبعیض موجب محرومیت افراد دارای تنوع عصبی از فرصت‌های برابر و حقوق اجتماعی آنان می‌شود( فولمر و جونز، ۲۰۱۸).اریکسون و همکاران (۲۰۱۴) خاطر نشان کرده‌اند که اهمیت تناسب کارمند-سازمان در شیوه‌های استخدام، به شدت بکارگیری افراد دارای تنوع عصبی را دچار مشکل می‌کند. سبک ارتباطی خاص، مشکلات در تماس چشمی، زبان بدن همراه با شیوه‌های مصاحبهٔ مبتنی بر هوش هیجانی باعث می‌شود که افراد مزبور نامزدهای جذابی به نظر نرسند. طبق یافته‌های سولک و همکاران(۲۰۲۰) و هنسل(۲۰۱۷) انگ‌های مربوط به اختلالات عصبی و نگرش‌های کلیشه‌ای نیز باعث تبعیض در فرایند استخدام افراد دارای تنوع عصبی در سازمان می‌شود.هم چنین، حمایت ضعیف مدیر نیز می‌تواند کارکنان را با چالش‌های مضاعف رفتاری در محیط کار مواجه نماید(شین و همکاران، ۲۰۱۷ ). از نظر آستین و پیزانو(۲۰۱۸)، محیط کاری کارکنان دارای تنوع عصبی تاثیر زیادی بر روی رضایت و کاهش چالش‌های رفتاری آنان می‌گذارد. از طرفی، سبک مدیریت مانند سبک رهبری تعامل-عضو می‌تواند سبب ایجاد انگیزه و مشارکت در بین کارکنان شود(پار و هانتر، ۲۰۱۴). این سبک نشان دهنده افزایش بهره وری از طریق توجه به مسائل انسانی است و همراه با سبک رهبری اصیل در تعامل و رفتارهای موثر برای به حداکثر رساندن عملکرد

مثبت کارکنان دارای تنوع عصبی کمک می‌نماید (Gutemann et al., ۲۰۱۷;Lyubornikov et al.,۲۰۱۷) هم چنین در این دو سبک، به درک نیازها و حجم کار و در دسترس بودن امکانات و تجهیزات لازم توجه و بر واکنش کارکنان دارای تنوع عصبی تاثیر می‌گذارد (براون، ۲۰۱۷).

در زمینه عوامل شغلی و خارجی موثر بر چالش‌های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی، بیشترین میزان تاثیرگذاری از سوی شاخص‌ها استقلال شغلی، انعطاف پذیری، امنیت شغلی، پیشرفت شغلی و شرایط اقتصادی و آگاهی خانواده و همراهی آنان بوده است. استرس ناشی از عدم تناسب وظایف سازمانی در راستای ویژگی‌های شناختی کارکنان بر رضایت و کاهش عملکرد آنان می‌تواند تاثیر منفی بگذارد که همین مساله باعث ایجاد مشکلات رفتاری در درون سازمان و اختلال در محیط کاری با دیگر همکاران می‌شود. بر اساس یافته‌های پاستور و دیگران(۲۰۱۵) فضای کاری انعطاف پذیر و سیاست‌های تشویقی مادی و غیر مادی تاثیر بسزایی بر کاهش چالش‌های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی دارد. هم چنین مطالعات دیپلو و همکاران(۲۰۱۸) و نانسی و همکاران(۲۰۲۲) نشان داده‌اند که امنیت شغلی و شرایط کاری تعاملی با همراهی شرایط مالی مناسب خانواده آگاه بر عملکرد کارکنان بسیار تاثیر مثبت می‌گذارد.

پیرامون عوامل فردی موثر بر چالش‌های کارکنان دارای تنوع عصبی، شاخص‌هایی نظیر ارتباطات درون سازمانی، کیفیت مراقبت و آموزش بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در تبیین ارتباطات سازمانی می‌توان اظهار داشت که مدیران و همکاران با ارتباطات غیر تحمیلی و تعاملات دوستانه می‌توانند به ایجاد اعتماد در شکل گیری روابط موثر کمک کنند. کوفلر و همکاران(۲۰۱۸) نشان داده‌اند که آموزش ویژه به گونه متناسب و مداوم در حوزه‌های مورد علاقه و مبتنی بر ویژگی‌های شناختی کارکنان دارای تنوع عصبی منجر به انطباق و سازگاری آنان در محیط کاری می‌شود.

پیرامون پیامدهای ناشی از چالش‌های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی در بعد سازمانی، می‌توان به کاهش انگیزه و مشارکت و عملکرد و تعهد سازمانی و بروز فرهنگ سازمانی غیر

تعاملی و نا ایمن، عدم انطباق و سازگاری در محیط کاری اشاره کرد.به همین ترتیب در زمینه پیامدهای شغلی شاخص‌هایی مانند کاهش رضایت شغلی، عملکرد کارآمد و بهره وری بوده است. در بعد فردی کاهش انگیزه، مشارکت و بمخاطره افتادن بهداشت فردی این افراد می‌باشد.در زمینه پیامد خارجی، می‌توان به کاهش شادابی و امید و کارکرد آن‌ها در امور کاری و اجتماعی اشاره کرد.

مسائل مرتبط پیرامون عملکرد شغلی کارکنان دارای تنوع عصبی باید در دستور کار مدیران ارشد و دست اندرکاران عرصه سیاست گذاری در سازمان مورد مطالعه قرار گیرد؛ جمعیت رو به گسترش افراد دارای تنوع عصبی در سازمان و حفظ و نگهداشت آن‌ها اقتضای نظارت صحیح و بررسی و همراه با ارزیابی دقیق در راستای نقاط قوت و ضعفشان از سوی مدیران دارد. در غیر این صورت پیامدهای جبران ناپذیری در سطح سازمانی، شغلی، فردی و خارجی رخ می‌دهد که منجر به رفتار کاری مخرب و زیان بخش توسط آنان می‌شود و بطور خاص تاثیر شدیدی بر همکاران و سازمان می‌گذارد. برای جلوگیری از این مشکلات و کاهش پیامدهای زیانبار کارکنان دارای تنوع عصبی پیشنهاد می‌شود در سطح سازمانی و شغلی، بکارگیری راه کارهایی نظیر سیاست مبتنی بر پذیرش تنوع عصبی مبنی بر استاندارسازی شیوه‌های مصاحبه برای استخدام با توجه به استانداردهای مندرج در اسناد بین المللی مربوط به اصل منع تبعیض در حقوق کار، حمایت از کارکنان دارای تنوع عصبی همراه با امکانات رفاهی در راستای ویژگی‌های شناختی آنان در فضای کاری و هم چنین توجه به مسائلی مثل وضع قوانین حمایتی و خط و مشی‌های تشویقی مالی و معنوی با توجه به سطح تحصیلات و سابقه کاری و استقلال شغلی آن‌ها می‌تواند تاثیر چشمگیری بر کاهش پیامدهای زیانبار رفتار تنوع عصبی آن‌ها داشته باشد. استفاده از سبک‌های رهبری کارآمد و حمایتی مانند سبک رهبری تعامل رهبر-عضو و رهبری اصیل و ایجاد فضایی برای آموزش ویژه در حوزه‌های مورد علاقه و مبتنی بر ویژگی‌های شناختی کارکنان دارای تنوع عصبی با هدف بالا بردن سطح قابلیت‌ها آنان می‌تواند باعث ایجاد انگیزه و اشتیاق و افزایش مشارکت در آن‌ها گردیده و از انزوا، تاخیر و غیبت‌ها و عملکرد ضعیف آنان جلوگیری کند.

در سطح فردی و خارجی، با ایجاد ارتباطات نزدیک با کارکنان و آگاهی از شرایط روحی و شناختی آنان و برنامه ریزی کاری مرتبط با شرایط مزبور، باعث کاهش رفتارهای زیانبخش کاری و افزایش رضایت و انطباق و سازگاری این کارکنان می‌شوند. علاوه بر این، شرایط کاری از نظری عوامل زیستی و فضای فیزیکی در راستای نیازهای آنان بر کارایی، آرامش، شادابی و سطح بهره وری کارکنان تاثیر مثبت دارد. اختصاص یک دفتر کاری آرام با تجهیزات و فناوری‌های کمکی برای سازمان دهی و ایفای وظایف محوله کارکنان مزبور، موجب تعامل و افزایش انگیزه کاری، رضایت و افزایش بهره وری آنان می‌شود. هم چنین محیط کاری از نظر عوامل زیستی رابطه نزدیک و معناداری با سطح کارایی، بهره وری، آرامش و شادابی آنان دارد. عوامل محیطی و زیست شناختی در ایجاد افزایش چالش‌های رفتاری کارکنان دارای تنوع عصبی تاثیر متقابل دارند. کارمندی که به صورت ژنتیکی استعداد فعالیت زیادی را دارد، در صورتی که در یک محیط کاری پر از استرس قرار گیرد، احتمال افزایش چالش‌های رفتاری در او بیشتر است. در مقابل ممکن است انواع مختلفی از عوامل حمایتی از قبیل حمایت مالی خوب با وضع خط مشی‌های تشویقی، فراهم آوردن اقدامات تسهیلاتی و محیط کاری متناسب با حوزه تنوع عصبی با اختصاص دفتر کاری امن، آرام، منظم، نور مناسب، خلوت با تجهیزات و امکانات و وسایل ارتباطی برای ایفای وظایف محوله سازمانی موجب انگیزه، انطباق کاری، رضایت و بهبود عملکرد آنان می شود. شرایط محیط کاری از نظر روابط درون سازمانی و فراهم سازی زیرساخت‌ها در راستای خصائص و نیازهای کارکنان همراه با رفتارهای حمایتی و سبک رهبری منتج به پیامدهای مثبت سازمانی، شغلی و فردی کارکنان دارای تنوع عصبی می شود.

**منابع**


پیر خائفی، علیرضا و شکوه باجلان(۱۳۹۹)" اثربخشی الگوی بالینی، خلاقیت درمانی بر توجه و حافظه کودکان دارای اختلال یادگیری ریاضی،"***ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی***"، ۹۹، ( ۱۰)، ص۲۹-۶۲

حاج کریمی، فاطمه؛ الوانی، سیدمهدی (۱۴۰۲)"، حفظ و نگهداشت کارکنان تنوع عصبی در سازمان با تمرکز بر افراد اوتیسم"، ***پژوهش های مدیریت منابع انسانی***، ۱۱،ص۹۹- ۱۱۹.

شاهواروقی، ندا و همکاران(۱۳۹۸)" سه رویکرد برای درک و طبقه‌بندی اختلال‌های روانی، "***روانشناسی بالینی و شخصیت***"، ۱۷، (۱)، ص۲۵۷-۲۸۱

محمدی، رضا وعلی گراوند(۱۳۹۵)، "طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به اختلالات روانی و رفتاری با رویکرد طبقه بندی بین المللی بیماری‌ها"، ***مجله طب انتظامی*** ۵ ( ۴)، ص۳۰۷- ۳۱۴.

نجاتی، وحید و همکاران(۱۳۹۱)"، اختلال روانی کلامی و حافظه کاری بستگان درجه یک کودکان مبتلا به اوتیسم"، ***مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی***، ۱۳۹۱، ( ۱۴) ۳.

نوربالا، احمد علی و همکاران(۱۳۹۳)"، بررسی روند شیوع اختلال‌های روانی در ایران"، ***دانشور پزشکی***، دانشگاه شاهد، ، ۲۱، (۱۱۲)

American Psychiatric Association (۲۰۲۲***), Diagnostic and Statistical Manual, of Mental Disorders***, ۵th ed., American Psychiatric Association, .Washington, DC

Amyx.,M.L, Hastings, K.B, Reynolds, E.J, Weakley, J.A, Dinkel , S., & patzel, B.(۲۰۱۵ ). Management and treatment of Attention – Deficit / Hyperactivity Disorder on college campuses. ***Journal of psychosocial Nursing & mental Health services*** , ۵۳(۱۱), ۴۶-۵۱.doi: ۳۹۲۸/۰۲۷۹۳۶۹۵-۲۰۱۵۱۰۲۱-۰۳.

Archer, D. (۲۰۱۵). Technology Makes ADHD Better, Not Worse -part I. Forbes. Retrieved from Https***: www. Forbes.com***.

*lifespan**. Medicine***, Asherson , P . Psychiatric disorders: ADHD across the .۲۰۱۶ , ۴۴(Psychiatry part ۱ of ۲) , ۶۸۳-۶۸۶- ۱۰.۱۰۱۶/j.mpmed . ۲۰۱۶. ۰۸.۰۱۲

), “Neurodiversity as a competitive, ۸Austin, R.D. and pisano, FD. (۲۰۱

“***National Autistic society***, London.advantage”, Harvard Business Review

Vol .۹۵ no. ۳,pp۹۶-۱۰۳.

.Bodrozic , Z. , & Adler , P. S. , (۲۰۱۸), The Evolution of Management Models: A Neo Schumpeterian Theory**.** ***Administrative science Quarterly***۶۳ (۱), ۸۵-۱۲۹. Retrieved from http://journals. sagepub. .com/home/asq

Boot, N., Nevicka, B., & Baas, M.(۲۰۱۷).Subclinical symptoms of attention deficit/ hyperactivity disorder (ADHD) are associated with specific creative processes .***personality and individual Differences***. ۱۱,۴۷۳-۸۱.

Broer,C.,& Heerings ,M.(۲۰۱۳).Neurobiology in public private discours : the case of adults with ADHD. ***Sociology of Health & ILLness***,۳۵(۱).

Brown. Robyn Lewis, PEOPLE WITH PHYSICAL DISABILITIES, WORK, AND WELL-BEING: THE IMPORTANCE OF AUTONOMOUS AND CREATIVE WORK, Factors in Studying Employment for Persons with Disability: How the Picture can ChangeResearch in ***Social Science and Disability***, Volume ۱۰, ۲۰۵_۲۲۴,۲۰۱۷, :۱۰.۱۱۰۸/S۱۴۷۹-۳۵۴۷۲۰۱۷۰۰۰۰۰۱۰۰۰۹

Bruyere , SM, Erickson, W.A and Vanlooy, S(۲۰۰۴), "comparative study of workplace policy and practioes contributing to disability non-discrimination," ***Rehalbilition psychology*** , Vol ۴۹No.۱,pp.۲۸.۳۸.

Chien, W., Chung, c.lin,F,Yeh,C., Huang, S,LV, R,&..Tzeng,N(۲۰۱۷).Research paper : The Risk of injury in adult with attention- deficit hy peractivity disorder: A nationwide, matched- cohort, population- based study in Taiwan. ***Research in Developmental Disabilities***, ۶۵,۵۷-۷۳.

Coetzer, G.(۲۰۱۶).AN empirical examination of the mediating influence of time management on the relationship between adult attention deficit and role stress personnel Review, ۴۵(۴),pp۶۸۱-۷۰۶.

Dipeolu, A., Sniatecki, J. L., Storlie, C.A., & Hrgrave, S.(۲۰۱۳).

Dysfunctional career thoughts and attitudes as predictors of vocational identity among young adult with attention deficit hyperactivity disorder.

***Journal of Vocational Behavior***, ۸(۲),۷۹-۸۴.

Erickson , W.A, Von Schrader, S., Bruyere, S.M., vanlooy, S.A. and Matte son, D.S.(۲۰۱۴). "Disability -inclusive employer practices and hiring of individuals with disabilities", ***Rehabilitaion Research***, policy and Education, Vol.۲۸No.۴,pp.۳۰۹-۳۲۸.

Follmer, K.B.& Jones,K.S.(۲۰۱۸).Mentall illness in the workplace : AN Interdisciplinary Review and organizational Research Agendu. ***Journal of management*** , ۴۴(۱), ۳۲۵-۳۵۱.

Gjervan , B ., Hjemdal , O., & Nordahl,H,M , Functional impairment mediates the relationship between adult ADHD inattentiveness and occupational outcome. ***Journal of Attention Disorders***, ۲۰۱۶, ۲۰(۶), ۵۱۰-۵۱۸, doi:۱۰.۱۱۷۷/۱۰۸۷۰۵۴۷۱۲۴۷۴۶۸۹.

Gutermann , D., Lehmann-Willenbrock, N., Boer, D.,Born, M., & Voelpel , s. C. How Leaders affect followeres work engagement and performance: Untegrating leader-member exchange and crossover theory . ***British Journal of Management*** , ۲۰۱۷, ۲۸, ۲۹۹-۳۱۴ doi:۱۰.۱۱۱۱/۱۴۶۷-۸۵۵۱.۱۲۲۱۴.

Hensel, w.f.(۲۰۱۷), "people with Autism spectrum disorder in the workplace an expanding legal frontier***," Harward civil Rights – civil liberties law Review***, Vol. ۵۲No.۱,pp۷۳-۱۰۲.

Joelsson , P., Chudal , R, Uotila , Suominen , A., Sucksdorff, D., Gyllenberg, D., & Sourander, A. Parental psychopathology and offispring attention-deficit/hyperactivity disorder in a nationwide sample***. Journal of psychiatric Research***, ۲۰۱۷ , ۹۴ , ۱۲۴-۱۳۰.doi:۱۰.۱۰۱۶/jpsychires. ۲۰۱۷.۰۷.۰۰۴.

Kofler,.M.J.,Harmon, S.,Aducen , P.A.,Day,T.N., Austin, K.E., Spiegel, J.A..,&.Sarver,D.E. Neurognitive and behavioral predictors of social problems inADHD:A Bayesian framework. ***Neuropsychology***, ۲۰۱۸, ۳۳(۳),۳۴۴-۳۵۵.doi:۱۰.۱۰۳۷neu۰۰۰۰۴۱۶.

Lasky, A. Weisner,T. Jensen, P.(۲۰۱۶). ADHD in context: Young adults reports of the impact of occupational environment on the manifestation of ADHD. ***Social science & medicine*** ۱۶۱: ۱۶۰-۱۶۸.

Leithead, L,& Freeborn , D. (۲۰۱۳).Feature article :A practical guide for

diagnosing adult Attention Deficit Hyperactivity Disorder. ***The Journal for Nurse practitioners***, ۹(cardiovascular care).۶۸۸-۶۹۴.

Lyubovnikova,J., Legood, A., Turner, N., &Mamakouka,A.HOa authentic leadership influences team performance : The mediating role of team reflexivity. ***Journal of Business Ethics***, ۲۰۱۷, ۱۴(۱), ۵۹. doi:۱۰.۱۰۰۷/s۱۰۵۵۱-۰۱۵-۲۶۹۲-۳.

Marcus,B., Taylor, O.A., Hastings, S.E., Sturm ,A., & Weigelt, O. The sturcture of counterproductive work behavior**.** ***Journal of management*** ,۲۰۱۶, ۴۲(۱),۲۰۳. doi:۱۰.۱۱۷۷/۰۱۴۹۲۰۶۳۱۳۵۰۳۰۱۹.

Molina, B.S., Howard,A.L.,Swanson,J.M., tehli,A.,Mitchell,J.T., Kennedy,T.M. (۲۰۱۸) .Substance use through adolescence into early adulthood after childhood-diagnosed ADHD: findings the MTA longitudinal study**.** ***Journal of Child Psychology and Psychiatry***, ۵۹(۶),۶۹۲-۷۰۲.

Murphy, K. R.,& Barkley, R.A.(۲۰۰۷). Occupational Functioning in adults with ADHD. ***The ADHD Report***,۱۵(۱),۶-۱۰.

Nancy,& Almuth McDowall, Diamond in the rough? An “empty review” of research into “neurodiversity” and a road mapfor developing the inclusion agenda. Doyle Equality, ***Diversity and Inclusion:An International Journal***Vol. ۴۱ No. ۳, ۲۰۲۲pp. ۳۵۲-۳۸۲.

Parr, AD.and Hunter , S.T.(۲۰۱۴), “Enhancing work outcomes of employees with autism spectrum disorder through leadership,” ***autism***, Vol .۱۸NO.۵۴۵-۵۵۴.

Patel PC, Rietveld CA and Verheul I.(۲۰۲۱). ADHD and Earnings in Later-Life Self-Employment.***Entrepreneurship Theory and Practice*** ۴:۴۳-۶۳.

Pastor,P., Reuben, C., Duran, C., & Hawkins, L. Association between diagnosed ADHA and selected characteristics among childern aged ۴-۱۷ years: United States,۲۰۱۵, NCHS Data Brief , ۲۰۱, Retrieved from .

https://www.cdc.gov/nchs/products/databriefs.htm

Polak.Y, Poni B. Gershy N, et al.(۲۰۲۰) The Role of Parental Monitoring in Mediating the Link Between Adolescent ADHD Symptoms and Risk-Taking Behavior. ***Journal of Attention Disorders*** ۲۴:۱۱۴۱-۱۱۴۷.

Ramsay, J.R., Turning intentions into actions. ***Clinical Case Studies***, ۲۰۱۶,۱۷۹-۱۹۷.doi:۱۰.۱۱۷۷/ ۱۵۳۴۶۵۰۱۱۵۶۱۱۴۸۳.

Sonego, M, Meller M, Massuti R.(۲۰۲۱).Exploring the association between ADHD disorder and entrepreneurship. ***Journal of Attention Disorders*** ۴۳:۱۷۴-۱۸۰.

Stappers J & Andries P.(۲۰۲۱). The role of distinct ADHD Symptoms for pre-entry entrepreneurial behavior: when intentions do not translate into action***. Small Business Economics.***

Szulc ,Joanna ,& Davies, Julie and Tomczak, Michael and "AMO perspectives on the well-being of )۲۰۲۰(McGregor,Frances , neurodivergent human Capital" , ***Employee*** **Relation'** ۴۴۶.R.pp.۱-۱۲.

Visser, S. N., Danielson, M. L., Bitsko, R. H., Holbrook, J.R., Kogan, M. D., Ghandour, R.M., Blmnberg, S. J. (۲۰۱۵). Trends in the parent report of health care provider-diagnosed and medicated attention-deficit/hyperactivity disorder: United States, ۲۰۰۳-۲۰۱۱**.** ***Journal of the American Academy of child & Adolescent Psychiatry***, ۵۳(۱):pp.۳۴-۴۶ e۳۲.

Wiklund J, Hatak I, Patzelt H.(۲۰۱۸). Mental Disorders in the Entrepreneurship Context:When Being Different Can Be An Advantage. ***Acadeny of Management Perspectives*** ۳۲:۱۸۲-۲۰۶.

Wismans A, Thurik R, Verheul I, et al.(۲۰۲۰ ADHA Disorder Symptoms and Entrepreneurial Orientation: A Replication Note.***Applied Psychlogy*** ۶۹:۱۰۹۳-۱۱۱۲.

Yu W, Wiklund J & Perez-Luno A.(۲۰۲۱). ADHD Symptoms, Entrepreneurial Orientation and Firm Performance**.** ***Entrepreneurshipe Theory and Practice*** ۴۵:۹۲-۱۱۷.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٣٤٦-٣٢٠
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# تاثیر اقدامات اصل چهارم ترومن بر برنامه‌های‌اول و دوم عمرانی ایران

**نبی امیدی**[١]
**ایوب منتی**[٢]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۳/۱۰ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۷/۱۵)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

در بستر رقابت‌های دوران جنگ سرد و تلاش ایران برای نوسازی از طریق برنامه‌ریزی متمرکز، این پژوهش به تحلیل کیفی تأثیرات متقابل «برنامه اصل چهارم ترومن» بر «برنامه‌های اول و دوم عمرانی ایران» می‌پردازد. هدف اصلی، واکاوی عمق و ماهیت این تأثیرات با فراتر رفتن از گزارش‌های توصیفی و تمرکز بر سازوکارهای نهادی و فکری است. این تحقیق با اتکا به روش تاریخی-اسنادی و رویکردی هرمنوتیکی برای تفسیر اسناد آرشیوی و گزارش‌های سازمان برنامه، به این نتیجه دست می‌یابد که مداخلات اصل چهارم در دو سطح مجزا قابل تفکیک است: سطح «سخت‌افزاری» که شامل پروژه‌های ملموس اما محدود و سطح «نرم‌افزاری» که از

[١]- دانشیار مدیریت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور ، تهران ، ایران. (نویسنده مسئول).
nabiomidi@pnu.ac.ir
[٢]- استادیار مطالعات منطقه ای، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام ، ایران .

طریق اعزام مدیران به خارج و استقرار مشاوران غربی، به نهادینه‌سازی الگوهای مدیریتی و تکنوکراتیک غربی در ساختار برنامه‌ریزی کشور انجامید. اگرچه کمک‌های اصل چهارم از نظر حجم مالی محدود بود ، اما از طریق انتقال دانش فنی، آموزش نیروی انسانی و تقویت نهادهای برنامه‌ریزی، نقش تسهیل‌گری مهمی در اجرای برنامه اول و دوم عمرانی ایفا نمود. به‌ویژه، همکاری مشاوران آمریکایی در حوزه‌های کشاورزی، بهداشت و آموزش، برخی از پروژه‌های برنامه اول را عملیاتی ساخت. تحلیل نهایی بیانگر آن است که میراث پایدارتر و تعیین‌کننده‌تر اصل چهارم نه پروژه‌های زیرساختی آن، بلکه موفقیت در شکل‌دهی به یک ذهنیت مدیریتی و ساختار بوروکراتیک بود که مسیر توسعه ایران را در دهه‌های بعد عمیقاً تحت تأثیر قرار داد.

**واژگان کلیدی :** اصل‌چهار ترومن ، برنامه‌های توسعه عمرانی ایران، نظریه نوسازی، نظریه وابستگی.

### ۱. مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، جهان شاهد شکل‌گیری نظم جدیدی بود که در آن دو ابرقدرت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در رقابتی تنگاتنگ برای گسترش نفوذ خود در مناطق مختلف جهان قرار گرفتند. در این میان، کشورهای در حال توسعه به عرصه‌ای مهم برای این رقابت تبدیل شدند. هری ترومن، رئیس‌جمهور آمریکا، در سال ۱۹۴۹ با اعلام اصولی چهارگانه در سخنرانی افتتاحیه دوره دوم ریاست‌جمهوری خود، سیاست کمک‌های فنی و اقتصادی به کشورهای در حال توسعه را به عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ کمونیسم و ترویج الگوی توسعه غربی مطرح کرد. ایران به عنوان کشوری با موقعیت استراتژیک ، از جمله کشورهایی بود که مورد توجه این سیاست قرار گرفت و اولین کشور خاورمیانه بود که از کمک‌های اصل ۴۴ برخوردار شد . برنامه‌های توسعه عمرانی ایران به ویژه برنامه اول (۱۳۲۸-۱۳۳۴) و دوم (۱۳۳۵-۱۳۴۱)، در بستر این تحولات سیاسی و اقتصادی شکل گرفتند. بررسی‌های پیشین مطالعاتی از اصل چهارم در ایران، عمدتاً بر روایت‌های دوگانه متمرکز بوده‌اند: نخست، روایتی که آن را محرک نوسازی و انتقال دانش فنی می‌داند؛ و دوم، روایتی که آن را ابزاری برای نفوذ سیاسی و وابستگی اقتصادی معرفی می‌کند. با این حال تاکنون پژوهشی که به‌طور یکپارچه و انتقادی سازوکارهای اثرگذاری این برنامه بر دو برنامه عمرانی اول (۱۳۲۹–۱۳۳۴) و

دوم (۱۳۳۵–۱۳۴۱) بپردازد، انجام نگرفته است؛ به‌ویژه از منظر تلفیق اهداف توسعه‌ای با منافع راهبردی ایالات متحده. کمک‌های فنی اصل چهارم به ایجاد بستر نهادی و تربیت نخبگان تکنوکرات در سازمان برنامه منجر شد؛ و از سوی دیگر، این برنامه به شکل‌گیری تفکر خاص مدیریتی و برنامه‌ریزی توسعه انجامید. این ابهام در دوگانگی کارکرد، شکاف علمی مهمی را در مطالعات تاریخ توسعه و روابط بین‌الملل ایران ایجاد کرده است. این پژوهش در تلاش برای پر کردن این خلا پژوهشی می باشد. اهمیت بررسی این موضوع در سه سطح قابل تبیین است: در سطح تاریخی–ساختاری، اصل چهارم ترومن بخش مهمی از تجربه اولیه ایران در زمینه نهادینه‌سازی برنامه‌ریزی توسعه را شکل داد و بر نظام اداری و مدیریتی کشور اثر گذاشت. در سطح سیاسی–بین‌المللی، تحلیل اصل چهارم در بستر جنگ سرد فرصتی برای فهم بهتر پیوند میان سیاست‌های خارجی آمریکا و برنامه‌ریزی ملی ایران فراهم می‌کند و در سطح کاربردی–آینده‌نگر، نتایج این پژوهش می‌تواند معیارهای ارزیابی کارآمدی یا محدودیت کمک‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه را روشن سازد. تعامل میان برنامه‌های توسعه ملی یک کشور در حال توسعه و کمک‌های خارجی یک ابرقدرت، همواره موضوعی پیچیده و چندلایه بوده است. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل دقیق ماهیت، ابعاد و عمق تأثیرگذاری برنامه اصل چهارم ترومن بر دو برنامه عمرانی نخست ایران است. با وجود آنکه مطالعاتی به صورت مجزا به برنامه‌های عمرانی یا روابط ایران و آمریکا در آن دوره پرداخته‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها یا تأثیر اصل چهارم را در یک حوزه خاص (مانند کشاورزی یا آموزش عشایر) بررسی کرده‌اند، یا نگاهی کلی و بدون تفکیک به مجموعه کمک‌های آمریکا داشته‌اند. شکاف تحقیقاتی موجود، عدم وجود تحلیلی یکپارچه که به طور مشخص تعاملات و تقابل‌های بین اهداف، سازوکارها و نتایج برنامه اصل چهارم با اهداف و پروژه‌های تعریف‌شده در برنامه‌های عمرانی اول و دوم را کالبدشکافی کند، باعث انجام این پژوهش گردید. از این رو، این پژوهش در پی دستیابی به اهداف مشخصی است: ۱.تفکیک و دسته‌بندی فعالیت‌های اصل چهارم در ایران به دو حوزه سخت‌افزاری (پروژه‌های عمرانی ملموس) و نرم‌افزاری (مشاوره، آموزش و نفوذ در ساختار سازمان برنامه). ۲ .ارزیابی انتقادی تأثیرات دوگانه این فعالیت‌ها بر مسیر توسعه ایران و۳. ارائه یک چارچوب تحلیلی جامع که بتواند همزمان ابعاد فنی- توسعه‌ای و سیاسی- استراتژیک اصل

چهارم را تبیین کند.

## ۲. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

برای فهم ماهیت چندوجهی و ظاهراً متناقض اصل چهارم ترومن در ایران، این پژوهش یک چارچوب تحلیلی را صورت‌بندی می‌کند که برآمده از تلفیق انتقادی دو پارادایم نظری کلان در مطالعات توسعه است: نظریه نوسازی و نظریه‌های وابستگی/نظام جهانی. پارادایم نوسازی[۱]، که خود محصول فکری و ایدئولوژیک همان دوره‌ای است که اصل چهارم در آن متولد شد، گفتمان مسلط و توجیه‌گر چنین مداخلاتی بود. این پارادایم، توسعه را یک مسیر تکاملی، جهان‌شمول و خطی از جامعه سنتی به مدرن تعریف می‌کند که در آن، جوامع غربی الگوی غایی محسوب می‌شوند. از این منظر، موانع توسعه امری درونی است؛ یعنی کمبود سرمایه، فقدان تکنولوژی، ضعف نهادهای بوروکراتیک، و غلبه ارزش‌های فرهنگی سنتی. در این چارچوب، کمک‌های خارجی مانند اصل چهارم، نقش یک کاتالیزور بیرونی را ایفا می‌کنند که با تزریق دانش فنی، سرمایه و الگوهای مدیریتی مدرن (مانند عقلانیت ابزاری و تخصص‌گرایی)، فرآیند گذار را تسریع می‌بخشد. بنابراین، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اصل چهارم (از پروژه‌های بهداشتی و کشاورزی گرفته تا آموزش کارشناسان سازمان برنامه)در وهله اول از این منظر قابل فهم و تبیین است. در نقطه مقابل، پارادایم انتقادی وابستگی و نظام جهانی[۲]، این روایت خوش‌بینانه را به چالش می‌کشد. این دیدگاه، توسعه‌نیافتگی را نه یک وضعیت ابتدایی و درونی، بلکه محصول یک فرآیند تاریخی و بیرونی می‌داند که طی آن، ساختار نظام سرمایه‌داری جهانی، کشورهای مرکز (صنعتی) را به قیمت توسعه‌نیافتگی یا توسعه وابسته در کشورهای پیرامون (در حال توسعه) منتفع می‌سازد. از این منظر، کمک‌های خارجی ابزاری برای توسعه اصیل نیستند، بلکه مکانیسمی برای بازتولید ساختارهای وابستگی هستند. این کمک‌ها با همسوسازی نخبگان محلی، شکل‌دهی به نهادهای دولتی در راستای منافع مرکز، و ادغام اقتصاد پیرامون در نظام جهانی به شیوه‌ای نامتقارن، عملاً استقلال و توانایی توسعه درون‌زای آن کشورها

---

[۱] -Modernization Paradigm

[۲] -Critical Dependency/World-Systems Paradigm

را تضعیف می‌کنند.

پژوهش‌های جدیدتر با نگاهی انتقادی، این برنامه‌ها را در بستر گفتمان توسعه جنگ سرد تحلیل می‌کنند. برای نمونه، گود[۱] (۲۰۱۴)استدلال می‌کند که اصل چهارم ابزاری برای مهندسی اجتماعی و بازسازی ایران به عنوان یک متحد ضدکمونیست بود. صیقل[۲] (۲۰۱۶)این کمک‌ها را بخشی از استراتژی کلان مهار[۳] می‌داند که اهداف توسعه‌ای آن در خدمت اهداف ژئوپلیتیک قرار داشت. لئونز[۴] (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی نشان می‌دهد که چگونه پروژه‌های توسعه جامعه در روستاها به عنوان سلاحی برای مقابله با نفوذ حزب توده و ایجاد مشروعیت برای دولت مرکزی طراحی شده بودند. کشتی آرا و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود در مورد سیر تاریخی روند مبارزه با مالاریا در برنامه های توسعه، به بررسی اقدامات اصل چهار با همراهی دولت و سازمان برنامه برای مبارزه با این بیماری در حوزه بهداشت نیز پرداخته‌اند. حیدری و بینشی‌فر(۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش اصل ۴ ترومن در آموزش و پرورش عشایریِ فارس پرداخته و با بیان اینکه حاکمیت علاقه‌مند بوده است با باسوادکردن جامعه عشایری فارس، که به علت وسعت، موقعیت و سکونت‌گاه قبایل مختلف عشایری، به‌خصوص ایل قشقایی، از اهمیت بالایی برخوردار بوه، آنها را یکجانشین‌کند، بدون حضور کارمندان اصل۴ ترومن، عملیات باسواد کردن جامعه عشایری در آن دوره زمانب تحقق پیدا نمی‌کرد. رفیعی‌راد و محمدی(۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان مکتب نوسازی متقدم و ریشه های تاریخی بحران منابع آب های زیرزمینی در ایران: بررسی تأثیر و عملکرد اصل چهار ترومن، به بررسی ریشه‌های بحران آب و به عبارتی عوامل اصلی تغییر الگوی بهره‌برداری پرداخته و بیان کرده‌اند اصل چهار ترومن با استفاده از روش‌های مختلف آموزش و نهادسازی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در چهار مرحله(دوره‌های ترجیح رویکرد نوسازانه برای بهره‌برداری از منابع، عملیاتی نمودن برنامه‌ها،

---

[۱] -Goode

[۲] - Saikal

[۳] -Containment

[۴] - Lentz

تغییر اولویت از اجرا به نظارت و برنامه‌ریزی، دوره پس از اتمام قرارداد) بر تکوین و وضعیت بحرانی آب‌های زیرزمینی ایران موثر بوده است. مهام(۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان اصل چهار و تغییر اجتماعی در ایران به معرفی و نقد کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن» پرداخته و بیان داشته این کتاب تنها اثر انتشار یافته در این زمینه است که کالبدشکافی مناسبی از ماهیت و فرایند اصل چهار در ایران ارائه داده امّا به نتایج و تأثیرات پایدار این طراحیِ تغییر اجتماعی در ایران کمتر توجه داشته است. با این وجود م یتواند در طراحی الگوی تغییرات اجتماعی در ایران به کار آید. سالمی قمصری و همکاران(۱۳۹۹) در مطالعه خود با عنوان اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران، از منظر جامعه‌شناسی تاریخی به اصل چهار ترومن پرداخته و معتقدند هدف کوتاه‌مدت اصل چهار جلوگیری از نفوذ کمونیسم در اروپا و کشورهای حساس برای آمریکا بوده که توانست به آن دست یابد. مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اصل چهارم ترومن از زوایای متعددی مورد بررسی قرار گرفته است، اما هر یک از این مطالعات بر وجهی خاص از این پدیده متمرکز بوده و از ارائه یک تحلیل یکپارچه که مکانیسم تأثیرگذاری این برنامه بر نهاد برنامه‌ریزی ملی ایران را کالبدشکافی کند، باز مانده‌اند. محققان در مطالعات خود بصورت کلی و با در نظر گرفتن یک‌بعد از اثرات اصل۴ به بررسی میزان موفقیت این اصل در ایران پرداخته‌اند. شکاف اصلی که این پژوهش آن را هدف قرار داده، فقدان یک تحلیل منسجم از فعل و انفعال میان هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در مسئله اصل چهار ترومن و سازمان برنامه ایران ( در قالب برنامه اول و دوم عمرانی) است. در حالی که پژوهش‌های قبلی یا بر اهداف کلان آمریکا متمرکز بوده‌اند یا بر پیامدهای بخشی و موردی پروژه‌ها، این تحقیق بر فرآیندتأثیرگذاری و نهادینه‌سازی نفوذ در نظام برنامه‌ریزی کشور تمرکز دارد. در این پژوهش اما باتوجه به همزمانی اجرای برنامه اول عمرانی و امتداد حضور اصل ۴ در ایران تا برنامه دوم عمرانی به تاثیر اقدامات این اصل بر برنامه‌های عمرانی اول و دوم که نمایی کل‌نگر و جامعتری از تاثیرات را ارئه می‌دهد پرداخته است.

## ۳. روش شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف فهم عمیق و چندلایه از تأثیرات برنامه اصل چهارم ترومن بر برنامه‌های عمرانی ایران، از رویکردکیفی و استراتژی تحلیل اسنادی بهره برده است. این پژوهش در چارچوب پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد. برای عملیاتی‌سازی این پارادایم، از روش تحلیل

هرمنوتیک[۱] به عنوان ابزار اصلی تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. اسناد در مقوله پارادایم های متنی قرار دارند که بخش جدانشدنی از سیستم ها و ساختارهای دیگر در سازمان هستند. بدین طریق که فهم مسائل خاص را تعریف کرده و رفتارها و روش‌های گوناگون انجام امور را توصیف می‌کنند. از اینرو اطلاعاتی که این اسناد در اختیار پژوهشگران می‌گذارند، جامعتر از اطلاعاتی است که از طریق مصاحبه یا پرسشنامه به دست می‌آید. در این پژوهش برای تحلیل مستندات از روش هرمونتیک استفاده شده است که به بر اساس گام‌های این روش(دانایی فرد و همکاران، ۱۹۲: ۱۳۸۳)، پرداخته می‌شود:

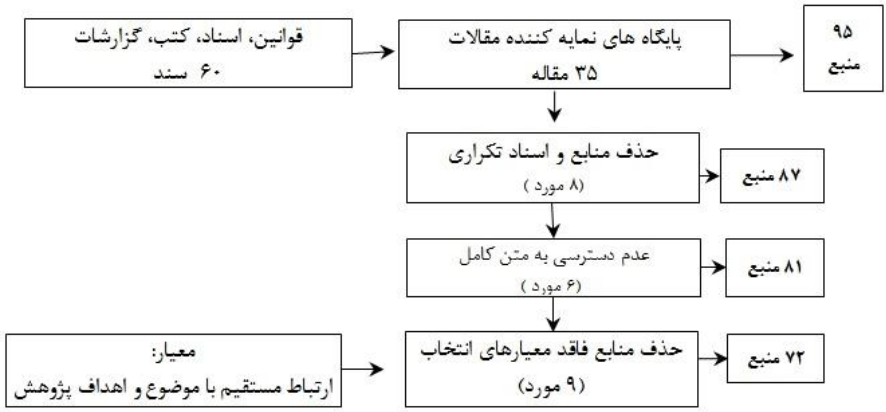
- **دسترسی به داده های اطلاعاتی:** برای دسترسی به داده‌های اطلاعاتی از منابع و گزارش‌های رسمی، قانون برنامه اول و دوم و نیز گزارش عملکرد برنامه‌ها که توسط سازمان برنامه تدوین شده است و همچنین متن اصلی نطق ترومن (مربوط به بخش اصل۴) استفاده گردید.

- **بازبینی اعتبار داده های اطلاعاتی:** به دلیل استفاده از منابع اصلی موضوع تحقیق (برنامه عمرانی اول و گزارش عملکرد آن) و از آنجا که سایر منابع استفاده شده از مقالات معتبر چاپ شده در نشریات دارای اعتبار وزارت علوم کشور و نیز مجلات و کتب مرجع و مستند بوده است، منابع داده های اطلاعاتی از اعتبار مناسبی برخوردار بوده اند.

---

[۱]- Hermeneutic Analysis

**شکل ۱**- بازبینی نظام‌مند اعتبار منابع اطلاعاتی




- **درک و فهم اسناد و تجزیه و تحلیل داده های اطلاعاتی:** به منظور تجزیه و تحلیل ابتدا به بررسی شروع برنامه‌های توسعه عمرانی، اصول ترومن و روند ورود آن و شرکت‌های بین‌المللی مشاور به ایران و در نهایت بررسی اقدامات اصل۴ پرداخته شده است.

## ٤. بررسی روند تدوین برنامه‌های اول و دوم عمرانی

اولین برنامه توسعه در ایران (برنامه عمرانی اول) در ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید و سپس در ۱۳ تیر ۱۳۲۸ قانون اجازه اجرای موقت برنامه عمرانی اول تصویب شد. برنام مدت اجرای این برنامه هفت سال (از مهر ۱۳۲۸ تا شهریور ۱۳۳۴) بود. در عصر پهلوی پنج برنامه عمرانی تدوین و اجرا گردید. از میان آنها ، برنامه پنجم عمرانی مدتی بعد از تصویب و اجرا ، مورد بازبینی و تجدیدنظر کلی قرار گرفت. در ابتدا هدف طراحی برنامه‌های مداوم نبود بلکه صرفا تدوین برنامه‌ای هفت‌ساله در حوزه کشاورزی بود، اما بعد از آن برنامه‌های دیگری تدوین شد و بعد از دومین برنامه عنوان عددی (برنامه عمرانی دوم و سوم و ...) برای قوانین مربوط به آنها قید شد. در سال ۱۳۱۰ مهندس علی زاهدی در کتابی با عنوان لزوم پروگرام صنعتی، تلاش‌های زیادی برای بیان اهمیت صنعتی شدن ایران به‌عمل آورد. در سال ۱۳۱۶ به پیشنهاد ابوالحسن ابتهاج (رئیس وقت اداره نظارت بر شرکت‌های دولتی)، حسین اعلا (رئیس اداره کل تجارت) موضوع لزوم برنامه‌ریزی در ایران را با رضاشاه مطرح کرد که مورد موافقت

قرار گرفت(نیلی و کریمی، ۱۳۹۶). به دنبال آن ، اساسنامه شورای اقتصاد با موافقت وزیر مالیه(علی اکبر داور) تهیه و برای تصویب به هیئت دولت ارائه شد. و در فروردین سال ۱۳۱۶ به تصویب هیئت دولت رسید. در آن زمان جم نخست وزیر بود و داور تازه خودکشی کرده بود و محمود بدر کفیل وزارت مالیه شده بود(ابتهاج، ۱۳۷۱). بعد از تشکیل شورای اقتصاد، ابتهاج بعنوان رئیس دبیرخانه شورای اقتصاد، مسئول تهیه مقدمات سندی به نام نقشه اقتصادی کشور می‌شود. اصطلاح نقشه اقتصادی کشور را ابتهاج خود مطرح کرده است. پس از آن شورای اقتصاد در سال ۱۳۱۶ یک کمیسیون دائمی به نام کمیسیون تهیه برنامه برای محصولات تشکیل داد. این کمیسیون پیشنهادهایی برای اصلاح وضع کشاورزی و اسکان عشایر تهیه کرد و برنامه‌ای به نام برنامه هفت ساله کشاورزی به نخست وزیر ارائه نمود(مک لئود،۱۳۸۰).آخرین تلاش‌ها برای تهیه یک برنامه اقتصادی قبل از جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به دست متفقین توسط ابتهاج صورت گرفت. در آبان ۱۳۱۸ احمد متین دفتری، که در کابینه محمد جم سمت وزیر دارایی بود، مامور تشکیل دولت شد. ابتهاج در آن زمان مدیرکل بانک ملی ایران بود. در نامه‌ای که ابتهاج در تاریخ۲ آذر۱۳۱۸ به متین دفتری ارسال می‌کند، آمده است: اگر بخواهیم علت مغشوش بودن وضع اقتصادی کشور را به‌طور اختصار بیان کنیم، به جرات می‌توان گفت که دلیل عمده، ۱) نداشتن برنامه اقتصادی و ۲) نبودن مرکزیت در کارهای اقتصادی است. در ادامه نامه با برشمردن مشکلات عدیده اقتصادی کشور، بهترین راه‌حل اصولی را برای کاهش این مشکلات، داشتن برنامه و یک سازمان هدایت‌کننده برنامه در هیئت دولت ایران معرفی می کند( بانک ملی،۱۳۲۷). این اولین پیشنهاد برای تهیه یک برنامه اقتصادی و ایجاد سازمان برنامه در ایران است. نامه از طریق دفتر مخصوص به اطلاع رضا شاه می‌رسد(ابتهاج،۱۳۷۱).

در فروردین۱۳۲۵ هیئت‌وزیران تشکیل هیئتی به نام هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور را با انتخاب و ریاست وزیر دارایی(مرتضی قلی بیات) تصویب کرد. سپس هیئت‌دولت در اولین جلسه خود در ۲۵ فروردین ۱۳۲۵ تصمیم گرفت با کمک سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها اقدام به تهیه برنامه مقدماتی کند. هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور توانست گزارش خود را در پایان خرداد ۱۳۲۵ با عنوان، برنامه هفت‌ساله عمرانی و اصلاحی کشور به هیئت دولت ارائه کند(نیلی و کریمی،۱۳۹۶) در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۵ هیئت‌دولت تشکیل هیئت‌عالی برنامه را تصویب کرد.

پس از مطالعاتی که توسط هیئت‌عالی برنامه به‌عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در برداشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز را از طریق گرفتن وام از خارج تأمین کند.

## ۵. نگاهی به اصول ٤گانه ترومن

ترومن در انتخابات ۱۹۴۸ برای دومین بار به ریاست جمهوری آمریکا رسید. ترومن نطق افتتاحیه دور دوم ریاست جمهوری خود را در ابتدای سال ۱۹۴۹ ایراد کرد (اصول چهارگانه ترومن در این نطق بیان گردید). در این سخنرانی ترومن به چشم‌اندازهای جهانی مدنظر آمریکا می‌پردازد و می‌گوید: " مردم آمریکا آرزوی جهانی را دارند و مصمم هستند که برای آن تلاش کنند، جهانی که در آن همه ملت‌ها و همه مردم آزاد باشند تا آنطور که مناسب می‌دانند بر خود حکومت کنند و به یک زندگی شایسته و رضایت‌بخش دست یابند. بالاتر از همه، مردم ما آرزوی صلح بر روی زمین - صلحی عادلانه و پایدار - مبتنی بر توافق واقعی و آزادانه حاصل شده توسط افراد برابر را دارند و مصمم هستند که برای آن تلاش کنند". او سپس به کمونیسم حمله می کند و بیان می‌کند " آن رژیم به فلسفه‌ای دروغین پایبند است که ادعا می‌کند آزادی، امنیت و فرصت‌های بیشتری را برای بشریت فراهم می‌کند. بسیاری از مردم که با این فلسفه گمراه شده‌اند، آزادی‌های خود را فدا کرده‌اند، اما با کمال تأسف دریافته‌اند که فریب و تمسخر، فقر و استبداد، پاداش آنهاست،آن فلسفه‌ی نادرست، کمونیسم است.کمونیسم بر این باور استوار است که انسان آنقدر ضعیف و ناکافی است که قادر به اداره خود نیست و بنابراین به حکومت اربابان قوی نیاز دارد" و سپس به مقایسه و برتری دموکراسی نسبت به کمونیست می‌پردازد و برنامه خود را برای صلح و آزادی بر چهار مسیر اصلی اقدام مورد تاکید قرار می‌دهد: **اول؛** ما به حمایت بی‌دریغ خود از سازمان ملل متحد و سازمان‌های مرتبط ادامه خواهیم داد و به جستجوی راه‌هایی برای تقویت اقتدار و افزایش اثربخشی آنها ادامه خواهیم داد. ما معتقدیم که سازمان ملل متحد توسط ملت‌های جدیدی که در سرزمین‌هایی که اکنون به سمت خودگردانی تحت اصول دموکراتیک پیش می‌روند، تشکیل می‌شوند، تقویت خواهد شد.**دوم؛** ما برنامه‌های خود را برای بهبود اقتصاد جهانی ادامه خواهیم داد. این بدان معناست که قبل از هر چیز، ما باید تمام توان خود را برای حمایت از برنامه بهبود اقتصادی اروپا به کار

گیریم. ما به موفقیت این اقدام بزرگ در بهبود اقتصادی جهان اطمینان داریم. ما معتقدیم که شرکای ما در این تلاش، بار دیگر به جایگاه کشورهای خودکفا دست خواهند یافت.علاوه بر این، ما باید برنامه‌های خود را برای کاهش موانع تجارت جهانی و افزایش حجم آن اجرا کنیم. بهبود اقتصادی و خود صلح به افزایش تجارت جهانی بستگی دارد. **سوم؛** ما ملت‌های آزادی‌خواه را در برابر خطرات تجاوز تقویت خواهیم کرد. ما اکنون با تعدادی از کشورها در حال تدوین یک توافق مشترک هستیم که برای تقویت امنیت منطقه آتلانتیک شمالی طراحی شده است. چنین توافقی به شکل یک ترتیبات دفاع جمعی در چارچوب منشور سازمان ملل متحد خواهد بود. **چهارم؛**ما باید یک برنامه جدید و جسورانه را برای استفاده از مزایای پیشرفت‌های علمی و صنعتی خود برای بهبود و رشد مناطق توسعه نیافته آغاز کنیم. بیش از نیمی از مردم جهان در شرایطی نزدیک به فلاکت زندگی می‌کنند. غذای آنها ناکافی است. آنها قربانی بیماری هستند. زندگی اقتصادی آنها ابتدایی و راکد است. فقر آنها یک مانع و تهدیدی هم برای خودشان و هم برای مناطق مرفه‌تر است.برای اولین بار در تاریخ، بشریت دانش و مهارت لازم برای تسکین رنج این مردم را دارد. من معتقدم که ما باید مزایای دانش فنی خود را در اختیار مردم صلح‌دوست قرار دهیم تا به آنها در تحقق آرزوهایشان برای زندگی بهتر کمک کنیم. و با همکاری سایر ملت‌ها، باید سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی که نیاز به توسعه دارند را تقویت کنیم.

آنچه از متن نطق ترومن در بیان اصول چهارگانه کاملا مشخص است؛ مقابله با کمونیست، رهبری جهانی آمریکا و حمایت از سازمان‌های بین‌المللی، صلح‌طلبی دموکراسی‌خواهی و کمک به کشورهای توسعه‌نیافته از راه انتقال دانش‌فنی و کمک‌های اقتصادی است. از منظر نظریه‌های توسعه، اصل چهارم ترومن را می‌توان در چارچوب نظریه نوسازی تحلیل کرد؛ نظریه‌ای که توسعه را به‌مثابه فرآیندی خطی و قابل انتقال از کشورهای توسعه‌یافته به توسعه‌نیافته تلقی می‌کند. برجسته‌ترین نکته‌های مورد نظر او صدورتکنولوژی و خدمات اقتصادی و فنی آمریکا، تامین بازار مناسب برای تولیدات عظیم‌آمریکا، گسترش تجارت آزاد جهانی، افزایش رفاه اجتماعی و افزایش طبیعی قدرت‌خرید در کشورهای جهان سوم و... است. علاوه بر اهداف خارجی، یکی از مهمترین اهداف از ارائه چنین طرح‌هایی را باید در مسائل داخل آمریکا

جستجو کرد. زیراترومن هنگامیکه اصل چهار را مطرح کرد از حمایت محافل تجاری داخل آمریکا برخوردار نبود، درحالی‌که پس از مدتی ثابت شد که طرح‌های ترومن تا چه اندازه برای تأمین منافع آمریکا مفید است(همراز،۱۳۸۱).

## ٦.گروه‌ها و شرکت‌های مشاور آمریکایی در ایران

یکی از اشتباهات رایج در اکثر مطالعات مربوط به برنامه‌های عمرانی پهلوی، عدم تفکیک فعالیت گروه‌ها و شرکت‌های مشاور آمریکایی در برنامه‌های عمرانی با فعالیت اصل ۴ در ایران از جمله مطالعات شرکت مهندسین مشاور موریس نودسن[۱] ، مطالعات شرکت مهندسین مشاور ماوراء بحار[۲] و تحقیقات ۲ گروه کارشناسی دانشگاه هاروارد در ایران است، این فعالیت‌ها گرچه در جهت اقدامات آمریکا بر ضد توسعه جغرافیایی کمونیست بود اما ارتباطی با اصل۴ نداشتند. چه آنکه فعالیت های دو شرکت مشاور ( موریس نودسن و ماورا بحار قبل از اعلام اصل ۴ و تحقیقات دو گروه کارشناسان دانشگاه هاروارد با هدف تدوین و اجرای برنامه اول و دوم عمرانی بوده است).

### ٦-۱. مطالعات شرکت مهندسین مشاور موریس نودسن و ماوراء بحار

در فروردین۱۳۲۵ هیئت‌وزیران تشکیل هیئتی به نام هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور را با انتخاب و ریاست وزیر دارایی(مرتضی قلی بیات) تصویب کرد. سپس هیئت‌دولت در اولین جلسه خود در ۲۵ فروردین ۱۳۲۵ تصمیم گرفت با کمک سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها اقدام به تهیه برنامه مقدماتی کند. هیئت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور توانست گزارش خود را در پایان خرداد ۱۳۲۵ با عنوان، برنامه هفت‌ساله عمرانی و اصلاحی کشور به هیئت دولت ارائه کند(نیلی و کریمی،۱۳۹۶) در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۵ هیئت‌دولت تشکیل هیئت‌عالی برنامه را تصویب کرد. پس از مطالعاتی که توسط هیئت‌عالی برنامه به‌عمل آمد، توانایی مالی کشور برای اجرای نقشه وسیعی که اصلاحات اجتماعی و اقتصادی را در برداشته باشد، ناکافی تشخیص داده شد و دولت به فکر افتاد که بخشی از اعتبارات مورد نیاز را از طریق گرفتن وام از خارج تأمین کنند.این هیئت، بانک ملی ایران (به سرپرستی ابوالحسن ابتهاج) را مامور مطالعه برای پیدا کردن

---

[۱] -Morrison Knudsen

[۲] -Overseas Consultants Incorporated

راهکارهای تامین اعتبارات برنامه کرد(ابتهاج،۱۳۷۱).هیئت دولت به پیشنهاد و تشویق ابوالحسن ابتهاج (که از سال ۱۳۲۱ رئیس بانک ملی ایران و در سال ۱۳۲۳ نماینده ایران در کنفرانس برتون وودز[۱] بعنوان پایه‌گذار بانک بین المللی ترمیم و توسعه که هم اکنون بانک جهانی نامیده می‌شود، بود) تقاضای وامی به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای برنامه هفت ساله، تنظیم و در۳ آبان ۱۳۲۵ از طریق سفارت ایران در آمریکا، تسلیم هیئت‌مدیره بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه کرد. بانک جهانی( ترمیم و توسعه) پرداخت وام را منوط به ارائه گزارش دقیق و اعلام نحوه مصرف و شیوه استرداد وام دریافتی می‌کند. برای تهیه برنامه مورد درخواست هیئت‌مدیربانک بین المللی ترمیم و توسعه، دولت ایران از طریق سفیر ایران در آمریکا با چند شرکت مشاوره مذاکراتی انجام داد. نهایتا حسن مشرف نفیسی بعنوان نماینده ایران در بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه با شرکت مهندسین مشاور موریس نودسن وارد مذاکره و عقد قرارداد شد که آنها در تهیه برنامه اصلاحی نهایی به هیئت‌عالی برنامه کمک کند. در آذر ۱۳۲۵ قراردادی میان دولت و شرکت مذکور بسته شد که به موجب آن هیئتی مرکب از ۱۰ نفر مهندس آمریکایی شرایط کشور را برای اجرای برنامه، مورد مطالعه قرار دهند و پیشنهادهای عملیاتی خود را ارائه کنند.گروه نخست کارشناسان اعزامی به سرپرستی جی.اف.دان نایب رئیس بخش عملیات خارجی شرکت موریس نودسن در دی ماه ۱۳۲۵ به ایران آمدند. اعضای این هیئت حدود چهار ماه در ایران بودند، و طی این مدت بانک ملی، محل استقرار و کار آنها بود.بنابراین درخواست وام ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای برنامه هفت ساله (برنامه عمرانی اول) و مطالعات شرکت موریس نودسن ربطی به کمک‌های اصل چهارم ندارد. از طرفی بنا به توصیه بانک جهانی (ترمیم و توسعه)، به ابوالحسن ابتهاج، نماینده ایران که در جلسه مجمع عمومی بانک جهانی در واشنگتن در سپتامبر ۱۹۴۸حضور داشت، ماموریت داده‌شد به همراه سفیر ایران در واشنگتن (علاء) بنا به توصیه بانک جهانی با شرکت مهندسین مشاور ماوراء بحار قراردادی را جهت استفاده از خدمات تخصصی آنها تنظیم و منعقد کند. قرارداد تنظیمی زیر عنوان «قرارداد خدمات

---

[۱]- Bretton Woods Conference

تخصصی» در ۲۵ مهرماه ۱۳۲۷ (۷ اکتبر ۱۹۴۸) بین طرفین امضا شد. شرکت مهندسین مشاوره ماوراء بحار یک گروه مهندس مشاور توانمند و با تجربه بود که از ۱۱ شرکت مهندسی در ژوئن ۱۹۴۷ بنا به درخواست دولت آمریکا برای مطالعه کامل صنایع ژاپن جهت بازسازی پس از خرابی‌های ناشی از جنگ دوم ایجاد شد.(بانک ملی، شماره ۹۶، صص ۵۰۷). اولین گروه اعزامی شرکت مشاور در ۲۴ آبان ۱۳۲۷ شامل ۵ نفر از مدیران و کارشناسان آن شرکت وارد ایران شدند و در ادامه تعداد آنها به۳۰ نفر افزایش یافت. فعالیت مهندسین مشاور شامل بازدید از بعضی نواحی، کارخانجات و مزارع کشاورزی، بررسی زندگی مردم و مطالعه اوضاع اقتصادی ایران تا ۱۱ آذر ۱۳۲۷ ادامه یافت و گزارش آنها در ۲۲دیماه ۱۳۲۷ تحویل دولت جدید (محمد ساعد مراغه‌ای) شد. مهم ترین نکات گزارش مشاور شامل این موارد است: وجود امکان بهبود درآمد کشور و کم اهمیت بودن قروض دولت، دور بودن اقتصاد ایران از اقتصاد آزاد (دولتی بودن قسمت‌های مهم اقتصاد ایران، تمرکز بیش ازحد امور سیاسی و اقتصادی در تهران)، عدم حس مسوولیت نزد طبقه حاکم، فساد اداری، بدوی بودن سیستم کشاورزی و دامپروری، کوچک و کم اهمیت بودن طبقه متوسط و بزرگ بودن طبقه فقیر، پایین بودن سطح بهداشت عمومی، پایین بودن سطح آموزش. همچنین در گزارش مشاور توصیه‌هایی در مورد اصلاحات عمیق در سیستم مالیاتی، انعطاف‌پذیر کردن برنامه جهت تغییرات احتمالی به دلیل طولانی بودن دوران برنامه و سپردن مدیریت برنامه به دست افراد لایق و درستکار (بانک ملی، شماره ۹۸، ضمیمه، صص ۹۸-۱۰۳). تلاش در کمسیون برنامه مجلس با بهره‌گیری از گزارش مشاورانو کمک سازمان موقت برنامه برای تهیه برنامه نهایی ادامه یافت. برنامه مقدماتی رئوس، سرفصل‌ها و کلیات برنامه را مشخص می‌کرد؛ ولی برای قابل اجرا شدن برنامه، نیاز به یک برنامه تفصیلی گسترده بود تا طرح‌ها و پروژه‌های هر بخش برنامه را براساس معیارهای فنی- اقتصادی انتخاب و محل تامین و هزینه‌کردن اعتبارات برنامه را مشخص کند. تهیه برنامه تفصیلی نیاز به متخصصین کارآزموده و آمار و اطلاعات کافی داشت که هیچ‌کدام در ایران آن‌زمان موجود نبود و دولت ایران (محمد ساعد) بار دیگر مجبور به استخدام مشاور خارجی شد. برای تهیه برنامه تفصیلی بار دیگر از شرکت مهندسین مشاور ماوراء بحار تقاضای همکاری شد. قرارداد دوم در ۱۲ بهمن ۱۳۲۷ جهت تهیه برنامه تفصیلی بین طرفین منعقد شد. به موجب این قرارداد گروه مشاور متعهد شد برای تهیه برنامه تفصیلی در حدود لایحه مصوب در کمیسیون مجلس شورای ملی به‌سازمان موقت برنامه

کمک کند. بر اساس قرارداد، شرکت مشاور متعهد شد ظرف مدت سه‌ماه از تاریخ عقد قرارداد درباره دستگاه‌های صنعتی، کشاورزی، امور اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی، بهداشتی، امور شهری و آبیاری، بررسی‌های کامل به‌عمل آورد و یکماه پس از تکمیل مطالعات محلی، نظر و پیشنهادهای خود را طی گزارشی مخصوص به سازمان موقت برنامه تسلیم کند (همان). اما در عمل به دلیل وجود موانع، گزارش ابتدایی مشاوران ماوراء بحار پس از ۴ ماه و گزارش نهایی آنها خیلی دیر و در مهرماه ۱۳۲۸ پس از تصویب برنامه، در اختیار سازمان موقت برنامه قرار گرفت و در تهیه لایحه نهایی برنامه مورد استفاده واقع نشد (مشرف نفیسی، ۱۳۲۶) این شرکت یک گروه مهندسی مشاور توانمند و باتجربه بود که از ۱۱ شرکت مهندسی در سال ۱۹۴۷م بنا به درخواست دولت آمریکا برای مطالعه کامل صنایع ژاپن جهت بازسازی پس از خرابی‌های ناشی از جنگ دوم ایجاد شد. ماموریت این شرکت در ایران ایجاد یک اتاق فکر اقتصادی است. اتاق فکری که امروز با نام سازمان برنامه شناخته می شود. گزارش نهایی شرکت ماوراء بحار در مهر ۱۳۲۸ به دولت ارائه شد که به دلیل تصویب قانون اجازه اجرای برنامه عمرانی اول، عملاً مورد استفاده قرار نگرفت. اجرای برنامه اول(۱۳۲۸-۱۳۳۴ش) با ملی شدن صنعت نفت(۱۳۲۹ش) و حوادث ۲۸ مرداد(۱۳۳۲ ش) و سایر وقایع سیاسی و اجتماعی مهم مصادف بود.آمریکایی‌ها ابتدا یک اعتبار ۱۰میلیون دلاری را برای کمک به ایران از تصویب کنگره گذراندند و سپس هیاتی از مهندسان آمریکایی در ۲۶ مهر ۱۳۲۷ به تهران آمدند تا درباره برنامه عمرانی هفت‌ساله کشور مطالعه و بررسی کنند. حضور کارشناسان موسسه ماوراء بحار که در واقع برای احیای حیات صنعتی و کشاورزی به ایران آمده بودند، سبب شد تا دولت آمریکا مبلغ ۲۵میلیون دلار دیگر به دولت ایران کمک کند. از این پس، توجه به برنامه‌های اقتصادی و صنعتی شروع شد. همچنین اصلاحاتی نیز در این زمینه‌ها آغاز گردید؛ زیرا این اصلاحات نه‌تنها مورد نیاز اساسی کشور بود، بلکه می‌توانست به مثابه یک وزنه مهم در برابر تبلیغات ضدشاه به کار رود.

### ٦-۲. مطالعات مشاوران دانشگاه هاروارد (گروه اول و دوم)

گروه اول مشاوران هاروارد (اوایل دهه ۱۳۳۰ش) حدود ۱۹۵۰-۱۹۵۲م وارد ایران شد.هدف اصلی‌شان کمک به تدوین و اجرای برنامه عمرانی اول ایران بود.تمرکز بر آموزش مدیران دولتی، بهبود سیستم بودجه‌ریزی، و برنامه‌ریزی اقتصادی کلان بود.اعضا شامل اقتصاددانان و

برنامه‌ریزان معروف دانشگاه هاروارد بودند که به‌صورت مشاور به دولت ایران خدمت می‌کردند. گروه دوم مشاوران هاروارد نیز در نیمه دهه۱۳۳۰ش (۱۳۳۵ش) تا اوایل دهه۱۳۴۰ش در ایران حضور داشتند.وظیفه آنها ادامه مشاوره در زمینه برنامه‌ریزی توسعه، اصلاح ساختارهای اداری، و آموزش نیروی انسانی بود.بیشتر تمرکز این دوره بر روی بهبود نهادهای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی و اقتصادی بود.ترکیب گروه اول مشاوران ، اعضا از مدرسه مدیریت دولتی دانشگاه هاروارد[۱] و رهبری گروه به عهده دکتر لئونارد جی. داگلاس[۲] و بعدها دکتر ویلیام کلارک[۳] بود. بیشتر حوزه فعالیت این گروه آموزش مدیران دولتی ایرانی در سازمان برنامه، طراحی نظام بودجه‌بندی و حسابداری دولتی وارائه مشاوره در خصوص توسعه اقتصادی، زیرساخت، آمار، و ادارات مرکزی بود. پس از موفقیت نسبی گروه اول و اصلاح ساختار اداری، گروه دوم با تمرکز جدیدتر و بلندمدت‌تر وارد ایران شد. این مرحله در دوره برنامه عمرانی دوم و سوم ایران بود. ترکیب گروه ادامه حضور مدرسه مدیریت هاروارد، ولی با اعضای تازه‌تر با تمرکز بر آموزش بلندمدت و توسعه نهادهای آموزشی و مدیریتی بود. آموزش ایرانیان برای مدیریت پروژه‌های عمرانی، توسعه منابع انسانی و ساختار اداری، راه‌اندازی دوره‌های آموزشی پیشرفته برای مدیران میانی دولت، انتقال مدل‌های مدیریتی آمریکایی به ساختار اداری ایران از دستاوردهای این گروه بود.

## ۷. بررسی اقدامات اصل٤ در ایران

اصل چهارم ترومن از طریق امضای موافقت‌نامه‌ای میان دولت ایران و ایالات متحده آمریکا در سال ۱۳۲۹ش (۱۹۵۰ م) به ایران آمد این برنامه بخشی از سیاست خارجی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم بود که در سال ۱۹۴۹م توسط هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، اعلام شد. هدف آن کمک به کشورهای در حال توسعه برای رشد اقتصادی و جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود. این موافقت‌نامه به‌طور رسمی در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، با امضای علی امینی، وزیر دارایی وقت ایران، و نماینده دولت آمریکا، اجرایی شد. به‌دنبال آن، کارشناسان

---

[۱]- Harvard Graduate School of Public Administration

[۲] -Leonard J. D. White

[۳]- William E. Clark

آمریکایی وارد ایران شدند تا در حوزه‌هایی مانند کشاورزی، بهداشت، آموزش، برنامه‌ریزی اقتصادی، و عمران روستایی کمک‌های فنی ارائه دهند.در ایران، این اصل عمدتاً در قالب کمک‌های فنی و آموزشی، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند کشاورزی، بهداشت، آموزش و برنامه‌ریزی توسعه اجرا شد.

قبل از ورود اصل ترومن به ایران، تنها موسسه‌فعال آمریکایی در ایران، موسسه غیرانتفاعی و غیر دولتی بنیاد خاور نزدیک[۱] بود. این بنیاد خیریه بعنوان پاسخی مستقیم به بحران انسانی ناشی ازنسل‌کشی ارامنه در جنگ جهانی اول شکل گرفت و در سال‌های بعد، هدف اصلی این مؤسسهٔ آمریکایی، کمک به کشورهای خاورمیانه و خاورنزدیک اعلام شده که در جنگ اول جهانی آسیب دیده بودند. زمینهٔ ورود بنیاد خاور نزدیک به ایران، به سال ۱۳۲۲ برمی‌گردد که‌دولت وقت ایران با هدف ایجاد برنامهٔ آموزشی از آنها دعوت به عمل آورد. درحالی‌که بنیاد خاور نزدیک اصل خود را «پرورش ارادهٔ خیر و خودیاری روستائیان» معرفی می‌کرد، ترومن رئیس‌جمهور آمریکا، بنیاد خاور نزدیک را «پتانسیلی برای تقویت استراتژی گستردهٔ مهار» (کمونیسم شوروی) تعریف می‌نمود و با ارائهٔ حمایت‌های مالی، یک رابطه متقابل با آن ایجاد نمود(نام‌برادر شاد و همکاران، ۱۴۰۲). سازمان‌برنامه‌ایران نقش هماهنگ‌کننده اجرای پروژه‌های مربوط به اصل چهارم را بر عهده داشت، و آژانس همکاری‌های بین‌المللی آمریکا[۲] در تهران مستقر شد تا برنامه‌ها را پیگیری کند. بنابراین، ورود اصل چهارم به ایران از طریق یک توافق رسمی بین‌المللی و با حمایت مالی و فنی دولت آمریکا و همکاری با نهادهای اجرایی ایران صورت گرفت.دفتر اصل چهارم آمریکا در تهران در اوایل دهه ۱۳۳۰ (دهه ۱۹۵۰ میلادی) در خیابان فردوسی و سپس در نزدیکی سفارت آمریکا در تهران تحت سرپرستی ویلیام ای وارن[۳] مستقر بود. وارن، ایران را به ۱۵۰ بخش[۴] تقسیم کرد. دکتر محمد مقدم بعنوان طرف ایرانی

---

[۱] -Near East Relie

[۲] - Point Four Program Office

[۳] -William E Warne

[۴] -Zone

سرپرست اصل چهار، که رئیس اجرایی این اصل بود انتخاب گردید. وارن در سال‌های اول در ایران حضور داشت و بعد ریاست به براون رسید. این دفتر با همکاری سازمان برنامه ایران فعالیت می‌کرد و برنامه‌ها را به‌صورت مشترک طراحی و اجرا می‌نمود. دفتر مذکور وظیفه هماهنگی کارشناسان آمریکایی اعزام‌شده به ایران، تهیه تجهیزات، توزیع منابع، و همچنین نظارت بر نحوه اجرای پروژه‌های فنی را داشت.کمک‌های اصل چهارم ترومن بیشتر فنی و آموزشی بودند تا مالی، و تمرکز آن بر توانمندسازی نیروی انسانی، توسعه زیرساخت‌ها، و اصلاح ساختارهای موجود بود. این کمک‌ها بخشی از سیاست کلی آمریکا برای مقابله با نفوذ شوروی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، به شمار می‌رفت. این کمک‌ها به ایران در چند حوزه‌ی کلیدی و به ترتیب زمانی و موضوعی قابل دسته‌بندی هستند. در ادامه، مهم‌ترین آن‌ها به‌ترتیب آورده شده‌اند:

۱. بهداشت و سلامت عمومی (۱۳۲۹ به بعد) : مبارزه با بیماری‌های واگیردار مانند مالاریا، حصبه، و سل؛ احداث و تجهیز درمانگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها؛ آموزش پرسنل پزشکی و بهداشتی ایرانی و همکاری با سازمان بهداشت جهانی.

۲. کشاورزی و اصلاحات ارضی: آموزش کشاورزان در زمینه روش‌های نوین کشاورزی؛ واردات بذر، کود شیمیایی و ابزارهای نوین کشاورزی؛ ایجاد مراکز ترویج کشاورزی و آموزش فنی و اجرای پروژه‌های آبیاری در برخی مناطق.

۳. آموزش و تربیت نیروی انسانی: اعزام کارشناسان آمریکایی برای آموزش معلمان، مهندسان و متخصصان؛ ایجاد و تجهیز مدارس فنی و حرفه‌ای؛ توسعه آموزش‌های عملی و کاربردی در روستاها.

۴. عمران و توسعه روستایی: اجرای پروژه‌های آب آشامیدنی، برق‌رسانی، و بهداشت در روستاها؛ آموزش بهورزان و تکنسین‌های روستایی و برنامه‌هایی برای بهبود زندگی روستاییان و جلوگیری از مهاجرت به شهرها.

۵. برنامه‌ریزی اقتصادی و کمک فنی به دولت: همکاری در اجرای برنامه عمرانی اول ایران، آموزش مدیران دولتی و کارمندان در زمینه برنامه‌ریزی، آمار، و مدیریت پروژه و ارائه مشاوره در سیاست‌گذاری اقتصادی و توسعه نهادهای اجرایی.

از منظر مالی، بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۳ (۱۹۵۰–۱۹۵۴)، آمریکا در قالب اصل چهارم، حدود

۲۳ میلیون دلار کمک فنی و مالی به ایران ارائه داد. این مبلغ بیشتر صرف پرداخت حقوق کارشناسان خارجی، تجهیزات آموزشی و فنی، و هزینه‌های اجرای پروژه‌های عمرانی شد. در مقایسه با کمک‌های کلی، آمریکا از سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۷ بیش از ۳ میلیارد دلار کمک (نظامی، اقتصادی، و فنی) به ایران اعطا کرد که سهم اصل چهارم ترومن از آن، بخش کوچکی (در حدود ۱ تا۲ درصد) بود. کمک‌های اقتصادی و نظامی بزرگ‌تر بعد از اتفاقات ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شدت گرفت، در حالی که اصل چهارم محدود به بازه‌ای پیش از آن و کمی پس از آن بود. اصل چهارم بیشتر یک برنامه‌ی انتقال دانش و کمک فنی بود تا یک پروژه تزریق سرمایه مستقیم. بنابراین حجم مالی آن نسبت به تاثیرات نرم‌افزاری‌اش (مثل نفوذ سیاسی، آموزش نیروی انسانی و تغییر ساختار نهادی) محدودتر بود.

**جدول ۱. مقاطع زمانی، حوزه، نوع و مبلغ کمک‌های مالی اصل٤ در ایران**

| دوره زمانی | حوزه | نوع | مبلغ تقریبی (میلیون دلار) | کارشناسان |
|---|---|---|---|---|
| ۱۳۳۰-۱۳۲۹ش (۱۹۵۰-۱۹۵۱) | بهداشت عمومی | مبارزه با مالاریا، سل، تاسیس درمانگاه، آموزش پزشکی | ۳ | دکتر چارلز هوارث، هلن جفریس باختیار، تیم بهداشت عمومی، مربیان بهداشتی |
| ۱۳۳۱-۱۳۳۰ (۱۹۵۱-۱۹۵۲) | کشاورزی | آموزش کشاورزی، توزیع بذر و کود، ایجاد مراکز ترویجی | ۴ | ویلیام نیو بولد ، لوتر ونسور، گروه‌های دانشگاهی از کرنل و میشیگان ، جان موتگومری |
| ۱۳۳۲-۱۳۳۱ (۱۹۵۲-۱۹۵۳) | آموزش و پرورش | تجهیز مدارس فنی، آموزش معلمان، پرسنل فنی | ۵ | تکنسین‌ها و مربیان فنی، متخصان آموزش معلمان، مشاوران آموزشی، دانشگاه بریگم یانگ، |
| ۱۳۳۳-۱۳۳۲ (۱۹۵۳-۱۹۵۴) | توسعه روستایی | بهسازی روستاها، برق رسانی، آب آشامیدنی، بهداشت. | ۶ | فرانکلین هریس، جان موتگومری، جورج استوارت، دانشگاه ایالاتی یوتا ، دکتر محمد بهمن بیگی |
| ۱۳۳۴-۱۳۳۳ (۱۹۵۴-۱۹۵۵) | برنامه‌ریزی اقتصادی | کمک به سازمان برنامه، آموزش مدیران، مشاوره اقتصادی | ۵ | دکتر فرانک م. شومن، ویلیام وارن، مشاوران اقتصادی، کارشناسان آمار و بودجه، دکتر علی امینی |

منبع: گردآوری، تجمیع و تخلیص توسط محقق

برنامه اصل چهارم ترومن در ایران عملاً تا سال ۱۳۳۶ش ادامه داشت، اما فعالیت‌های آن به‌تدریج در ساختارهای دیگر ادغام یا جایگزین شد. بعد از اتفاقات ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش (۱۹۵۳م) و پس از بازگشت محمدرضا شاه به قدرت، تمرکز آمریکا از کمک‌های فنی (مثل اصل چهارم) به کمک‌های نظامی و اقتصادی مستقیم تغییر یافت. این موضوع باعث کم‌رنگ شدن نقش اصل چهارم شد. در سال۱۳۳۴، دفتر اصل چهارم آمریکا در تهران بسته شد یا نقش آن بسیار کاهش یافت و در قالب همکاری‌های توسعه‌ای دیگر ادامه یافت. تا سال ۱۳۳۴، بسیاری از پروژه‌های اصل چهارم به سازمان برنامه ایران و نهادهای تازه‌تأسیس دولتی سپرده شدند. آقای گریگوری

در پایان فعالیت این اصل، اموال اصل چهارم را به دولت ایران انتقال داد. همچنین آمریکا کمک‌های خود را از طریق نهادهای تازه‌تری مانند آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا[۱] (USAID) ادامه داد این سازمان تا سال ۱۳۴۶ش در ایران فعال بود. کمک‌های فنی که کم هزینه‌ترین نوع برنامه‌کمک خارجی به شمار می‌آمدند و به ظاهر عامل انتقال دانش‌و مهارت فنی بودند، پایه اصلی برنامه‌های مشهور کمک خارجی‌آمریکا در سال‌های پس از جنگ در کشورهای غیرکمونیست گردید.

## ۸. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل اسناد و گزارش‌های مربوط به اصل چهارم ترومن و برنامه‌های عمرانی اول و دوم، الگوهای تأثیرگذاری پیچیده‌ای را آشکار می‌سازد که می‌توان آن‌ها را در دو سطح مجزا اما مرتبط سخت‌افزاری (زیرساختی) و نرم‌افزاری (نهادی-فکری) طبقه‌بندی و واکاوی کرد: ۱. سطح سخت‌افزاری( دستاوردهای محدود و وابستگی فنی): در سطح سخت‌افزاری، کمک‌های اصل چهارم به اجرای پروژه‌های مشخصی در حوزه‌های بهداشت، کشاورزی و عمران منطقه‌ای منجر شد. برجسته‌ترین نمونه‌ها در اسناد شامل برنامه مبارزه با مالاریا از طریق سم‌پاشی گسترده با DDT (یک حشره‌کش مصنوعی بسیار قوی در آن زمان و یکی از مشهورترین و در عین حال جنجالی‌ترین مواد شیمیایی) بود که به کاهش چشمگیر آمار ابتلا در مناطق شمالی و جنوبی ایران انجامید. در حوزه کشاورزی، معرفی بذرهای اصلاح‌شده گندم در مزارع نمونه (مانند دشت ورامین)، حفر چاه‌های عمیق و ترویج روش‌های نوین دفع آفات از جمله فعالیت‌های ثبت‌شده در گزارش‌های هیئت عملیات فنی آمریکا در ایران است. در حوزه عمران نیز بخش کوچکی از بودجه صرف ساخت راه‌های روستایی و پروژه‌های کوچک آب‌رسانی شد.با وجود این موفقیت‌های نقطه‌ای، تحلیل انتقادی نشان می‌دهد که این پروژه‌ها از دو ضعف اساسی رنج می‌بردند: اولاً، مقیاس آن‌ها محدود و فاقد پیوستگی برای ایجاد یک تحول ملی بود. ثانیاً، این طرح‌ها وابستگی فنی ایجاد کردند؛ تجهیزات، کارشناسان و حتی روش‌های اجرایی کاملاً

[۱] -United States Agency for International Development

وارداتی بودند و پس از پایان پروژه، استمرار آن‌ها با چالش مواجه می‌شد. همچنین انتقاداتی در مورد برخی از اقدامات سطحی بخصوص در حوزه دامداری و اصلاح نژادی و سطح اقدامات در روستاهاوجود دارد. ۲. سطح نرم‌افزاری ( ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی): تأثیرات عمیق‌تر و پایدارتر اصل چهارم در سطح نرم‌افزاری رخ داد؛ جایی که هدف، تغییر «روش فکر کردن» و «نحوه مدیریت» در بدنه بوروکراسی ایران بود. مستندات نشان می‌دهد ده‌ها کارشناس و مدیر جوان ایرانی از سوی سازمان برنامه برای گذراندن دوره‌های کوتاه‌مدت مدیریت و اقتصاد توسعه به دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه‌های ایالات متحده اعزام شدند. برنامه اصل چهار رئیس جمهور هری ترومن، فرصت‌های جدیدی را برای گسترش دسترسی جهانی دانشگاه‌های آمریکایی در دهه ۱۹۵۰ فراهم کرد. اصل چهار به کشورهایی که توسط کمونیسم بین‌المللی تهدید می‌شدند، کمک فنی ارائه می‌داد؛ هدف، افزایش استانداردهای زندگی و نشان دادن برتری استراتژی‌های توسعه آمریکا نسبت به اتحاد جماهیر شوروی بود. بیش از هشتاد دانشگاه از قراردادهای توسعه اصل چهار در سی و پنج کشور حمایت کردند. بطوریکه سه دانشگاه تحقیقاتی بزرگ یوتا ( دانشگاه بریگام یانگ، دانشگاه ایالتی یوتا و دانشگاه یوتا )همگی در طرح‌های توسعه روستایی برنامه «اصل چهار» در ایران، کشوری که در آن زمان به عنوان متحد کلیدی ایالات متحده در جنگ سرد ظهور می‌کرد، مشارکت داشتند. کارشناسان اعزامی ایران، پس از بازگشت از دوره‌های آموزشی و تخصصی، هسته اصلی تکنوکرات‌های برنامه‌های بعدی را تشکیل دادند. علاوه بر این، استقرار مشاوران شرکت‌هایی نظیر مشاوران ماوراء بحار در سازمان برنامه، باعث ترویج نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر پروژه و روش‌های ارزیابی فنی–اقتصادی غربی شد. این بعد نرم‌افزاری، یک طبقه نخبگان تکنوکرات ایجاد کرد.

این دو سطح از یافته‌ها، تضاد ذاتی میان نظریه‌های نوسازی و وابستگی را به خوبی روشن می‌سازد. از منظر نوسازی، اقدامات اصل چهارم مصداق بارز انتقال سرمایه و دانش برای عبور از موانع توسعه بود. اما از منظر وابستگی، همین اقدامات ابزاری برای ادغام ایران در نظام سرمایه‌داری جهانی به عنوان یک بازیگر پیرامونی و تثبیت ساختار وابستگی بود.در جمع‌بندی نهایی، مقایسه این دو سطح نشان می‌دهد که اثرات نرم‌افزاری اصل چهارم به مراتب پایدارتر و تأثیرگذارتر از دستاوردهای سخت‌افزاری آن بوده‌اند. یک درمانگاه یا یک پروژه کشاورزی ممکن بود پس از چند سال متوقف شود، اما یک مدیر آموزش‌دیده با تفکر توسعه و یک

ساختار اداری منسجم، برای دهه‌ها در سیستم تصمیم‌گیری کشور باقی ماند. بنابراین، میراث اصلی اصل چهارم، نه در سیمان و آهن (سخت افزار) ، بلکه در ذهنیت و ساختار مدیریتی (نرم افزار) بود که از خود به جای گذاشت.

## ۹- بحث و نتیجه گیری

سازمان اصل‌چهار در بحبوحه کارزار ملی شدن صنعت نفت، و دو سال بعد از تصویب قانون برنامه اول‌عمرانی طی توافقنامه‌ای در ایران تشکیل شد. بصورتیکه چند ماه بعد از امضا توافقنامه در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ش صنعت نفت در ایران ملی اعلام شد و باعث پیچیدگی‌های خاصی گردید. فعالیت این اصل در ۴ بخش اصلی ترویج کشاورزی، بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، و نوسازی نهادهای اجتماعی بود. برنامه‌های توسعه عمرانی در ایران، به‌ویژه برنامه‌های اول (۱۳۲۸–۱۳۳۴) و دوم (۱۳۳۵–۱۳۴۱)، در بستر تحولات سیاسی و اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم و در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیک دوران جنگ سرد شکل گرفتند. اصل چهارم ترومن (۱۹۴۹) به‌عنوان بخشی از سیاست خارجی آمریکا برای مقابله با نفوذ کمونیسم، از طریق کمک‌های فنی و اقتصادی به کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، اجرا شد. اگرچه کمک‌های اصل چهارم از نظر حجم مالی محدود بود (تنها حدود ۲۳ میلیون دلار در بازه ۱۳۲۹–۱۳۳۴)، اما از طریق انتقال دانش فنی، آموزش نیروی انسانی و تقویت نهادهای برنامه‌ریزی، نقش تسهیل‌گری مهمی در اجرای برنامه اول و دوم عمرانی ایفا نمود. به‌ویژه، همکاری مشاوران آمریکایی در حوزه‌های کشاورزی، بهداشت و آموزش، برخی از پروژه‌های برنامه اول را عملیاتی ساخت.

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تحلیل جامع اصل چهارم در ایران، نه در پذیرش مطلق نظریه نوسازی و نه در طرد کامل آن به نفع نظریه وابستگی، بلکه در درک رابطه دیالکتیکی میان این دو پارادایم نهفته است. شواهد تاریخی و اسنادی مؤید آن است که اصل چهارم دقیقاً در نقطه تلاقی این دو منطق عمل می‌کرد. از یک سو، این برنامه با بهره‌گیری از گفتمان جذاب و مسلط نوسازی، مشروعیت فنی و انسانی لازم برای ورود به حساس‌ترین لایه‌های حاکمیتی ایران، به‌ویژه سازمان برنامه، را کسب نمود. اصل چهارم با ارائه تخصص، آموزش و راه‌حل‌های ملموس برای

معضلاتی چون بهداشت و کشاورزی، توانست با نخبگان تکنوکرات ایرانی که خود عمیقاً به ایدئولوژی توسعه باور داشتند، یک ائتلاف کارآمد و مؤثر ایجاد کند. این وجه از برنامه، جنبه‌های اعلامی و فنی آن را نمایندگی می‌کرد. از سوی دیگر، تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد که همین ابزارها و پروژه‌های به ظاهر توسعه‌بخش، در خدمت اهداف کلان ژئوپلیتیکی قرار گرفتند که پارادایم وابستگی به بهترین شکل آن را تبیین می‌کند.

با این حال، تأثیر این کمک‌ها را باید در چارچوب دو عامل کلیدی تحلیل کرد:

**۱. وابستگی به کمک‌های خارجی:** برنامه اول عمرانی اساساً با اتکا به وام بانک جهانی (۲۵۰ میلیون دلار) طراحی شد و سهم اصل چهارم در تأمین مالی آن ناچیز بود.

**۲.اهداف ژئوپلیتیک:** کمک‌های اصل چهارم بیش از آنکه بر توسعه پایدار ایران متمرکز باشد، ابزاری برای مهار نفوذ شوروی و تثبیت جایگاه آمریکا در منطقه بود.

برنامه اول عمرانی (۱۳۲۸–۱۳۳۴) با هدف بهبود زیرساخت‌های کشاورزی، بهداشت و آموزش طراحی شد، که با اهداف اصل چهارم ترومن (توسعه روستایی، مبارزه با بیماری‌ها و آموزش نیروی انسانی) همخوانی داشت.کمک‌های فنی اصل چهارم در حوزه‌هایی مانند بهداشت (مبارزه با مالاریا و سل) و کشاورزی (توزیع بذر و کود) مستقیماً در اجرای برنامه اول تأثیرگذار بود.حضور مشاوران آمریکایی (مانند گروه‌های دانشگاه هاروارد) در تدوین برنامه‌های عمرانی، نشان‌دهنده نقش غیرمستقیم اصل چهارم در بهبود ساختار برنامه‌ریزی ایران بود.

کمک‌های مالی اصل چهارم (حدود ۲۳ میلیون دلار در ۱۹۵۰–۱۹۵۴) در مقایسه با نیازهای برنامه اول (۲۵۰ میلیون دلار درخواستی از بانک جهانی) ناچیز بود.تمرکز اصل چهارم بر پروژه‌های کوتاه‌مدت و فنی، باعث شد تأثیر آن بر برنامه‌های کلان توسعه‌ای ایران محدود بماند.برخی پروژه‌های اصل چهارم (مانند آموزش کشاورزان) به دلیل عدم تطابق با شرایط محلی، نتایج ملموسی نداشتند.

کمک‌های آمریکا به ایران در قالب اصل چهارم، بیش از آنکه صرفاً اقتصادی باشد، ابزاری جلوگیری از گسترش کمونیسم بود. پس از وقایع ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کمک‌های آمریکا از حالت فنی (اصل چهارم) به کمک‌های نظامی و اقتصادی مستقیم تغییر کرد، که نشان‌دهنده اولویت‌های جدید سیاست خارجی آمریکا در ایران بود.اصل چهارم ترومن اگرچه به‌صورت مستقیم منابع مالی قابل توجهی به برنامه‌های اول و دوم عمرانی ایران تزریق نکرد، اما از طریق انتقال دانش

فنی، آموزش نیروی انسانی و بهبود زیرساخت‌های بهداشتی و کشاورزی، بسترهای لازم برای اجرای این برنامه‌ها را فراهم کرد. با این حال، ماهیت سیاسی این کمک‌ها و محدودیت‌های مالی آن، باعث شد تأثیر آن بر توسعه بلندمدت ایران نسبی باشد. برنامه دوم عمرانی (۱۳۳۵–۱۳۴۱) که پس از افول اصل چهارم طراحی شد، بیشتر متکی بر درآمدهای نفتی و کمک‌های مستقیم آمریکا بود و نشان داد که ایران به‌تدریج از مدل توسعه مبتنی بر کمک‌های فنی به سمت توسعه مبتنی بر درآمدهای ملی حرکت کرده است. در مجموع، تأثیر اصل چهارم ترومن بر برنامه‌های توسعه ایران را می‌توان در قالب یک تأثیر نرم‌افزاری (انتقال دانش، ایجاد نهادهای برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی) تفسیر کرد، نه یک تغییر سخت‌افزاری (تزریق سرمایه یا تحول ساختاری).

**منابع**


- ابتهاج، ابوالحسن(۱۳۷۱). **خاطرات ابوالحسن ابتهاج**. چاپ اول، نشر علمی، تهران.
- بانک ملی(۱۳۲۷). **مجله بانک ملی، نشریه ادواری**، انتشارات بانک ملی، شماره۹۶.
- حیدری، سلیمان و بینشی فر، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی نقش اصل ۴ ترومن در آموزش و پرورش عشایریِ فارس. **تاریخ اسلام و ایران**، ۲۷(۳۵)، ۳۵-۵۵.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ آذر، عادل(۱۳۸۳). **روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع**، تهران، انتشارات صفار، اشراقی.
- رفیعی راد، علی احمد و محمدی، احمد. (۱۳۹۶). مکتب نوسازی متقدم و ریشه های تاریخی بحران منابع آب های زیرزمینی در ایران: بررسی تأثیر و عملکرد اصل چهار ترومن.**فصلنامه علوم اجتماعی**، ۲۴(۷۷)، ۱۹۵-۲۴۳.
- سازمان برنامه و بودجه(۱۳۴۳). **گزارش اجرای برنامه هفت ساله دوم**، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- سالمی قمصری، مرتضی، یزدانی، سهراب، فرهادی، مرتضی و مومنی، فرشاد. (۱۳۹۹). اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران. **برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**.۱۹۷-۱۶۱ ، (۴۳)۱۱.
- قانون برنامه عمرانی اول کشور(۱۳۲۷).
- قانون برنامه عمرانی دوم کشور (۱۳۳۴)
- کشتی آراء, کیمیا , جعفری, علی اکبر و نورائی, مرتضی . (۱۴۰۲). خوانشی نو از سیر تاریخی روند مبارزه با مالاریا در قالب برنامه‌های توسعه (۱۳۲۷ـ۱۳۵۶ش). **نشریه پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**. ۱۷(۳۲), ۳۲۴-۳۵۲.
- گزارش مقدماتی برنامه هفت ساله عمرانی اول(۱۳۲۶).
- گزارش نهایی شرکت مشاور موریسن (۱۳۲۶).
- گزارش نهایی شرکت مشاورن ماوراء بحار (۱۳۲۸).
- مشرف نفیسی، حسن(۱۳۴۱). **سالنامه دنیا**، شماره ۱۸، چاپ کیهان، تهران.
- مک لئود، تاس اچ(۱۳۷۹). **برنامه ریزی در ایران**، ترجمه علی اعظم، تهران، نشر نی.
- مهام، محمود.(۱۳۹۷). اصل چهار و تغییر اجتماعی در ایران (معرفی و نقد کتاب «بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن»). **پژوهش های روستائی**، ۹(۱)، ۱۴۸-۱۵۸.
- نام برادرشاد، فرهاد، سادات، محمود، سراج، محسن و بصیرت منش، حمید.(۱۴۰۲). برنامه‌های عمرانی بنیاد خاور نزدیک در ایران دوره محمدرضا پهلوی. **تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی**،

۵(۱۰)، ۱۶۸-۲۰۸.

- نیلی، مسعود؛ کریمی، محسن(۱۳۹۶). **برنامه‌ریزی در ایران ۱۳۱٦-۱۳٥٦ ؛ تحلیلی تاریخی با تمرکز بر تحولات، نقش و جایگاه سازمان برنامه‌وبودجه**. چاپ دوم، نشر نی، تهران.
- همراز، ویدا. (۱۳۸۱). **بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن: هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- Cronin, S. (Ed.). (۲۰۱۲). *Making of Modern Iran: State and Society under Riza Shah and Mohammad Riza Shah*. Routledge.
- Goode, J. F. (۲۰۱۴). *American Power and the Reconstruction of Iran: The Point Four Program, ۱۹۵۰-۱۹۶۲*. I.B. Tauris.
- Lentz, C. C. (۲۰۱۱). Development as a Weapon: The Point Four Program and "Community Development" in Rural Iran, ۱۹۵۰-۱۹۶۲. *Comparative Studies in Society and History, ۵۳*(۳), ۶۴۴–۶۷۴.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٣٦٨-٣٤٧
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# ارائه مدل مطلوب برای استقلال باطنی حسابرس

**ساناز عسگری اردکلو**[١]
**رسول برادران حسن‌زاده** [٢]
**حیدر محمدزاده سالطه**[٣]
**اکبر کنعانی**[٤]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۵/۱۸ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۶/۲۰)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
حسابرسی بدون استقلال معنی و ارزشی ندارد و در واقع استقلال جوهره و روح حسابرسی است و به طور مستقیم، برکیفیت فرایند حسابرسی و اظهارنظر وی تأثیر می گذارد، مفهوم استقلال در استانداردهای حسابرسی، مهمترین شرط حسابرسی است که نداشتن آن حسابرسان را از اظهارنظر نسبت به صورت های مالی منع میکند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل مطلوب برای استقلال باطنی حسابرس انجام شده است. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده و به لحاظ ماهیت تحقیق کمی محسوب می‌گردد. جامعه آماری مشتمل بر مدیران حسابرسی که

١- دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.
٢- دانشیار گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.(نویسنده مسئول)drh٣١٣@gmail.com
٣- دانشیار گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.
۴- استادیار، گروه حسابداری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

حداقل پنج شرکت بورسی را در یک سال حسابرسی کرده باشند، هستند، نمونه آماری تحقیق با استفاده از رابطه تعیین حجم نمونه بر اساس نظر «هیر»(۲۰۱۴)، انتخاب و پرسشنامه محقق ساخته بر اساس مصاحبه های نیمه ساختاریافته با کمک خبرگان تدوین شد و سپس برای ارزیابی کمّی روایی محتوا و جهت اطمینان از این که مهمترین و صحیح ترین محتوا (ضرورت سوال) انتخاب شده است، (نسبت روایی محتوا) و برای اطمینان از اینکه سوالات ابزار به بهترین نحو جهت اندازه گیری محتوا طراحی شده، از (شاخص روایی محتوا) استفاده شده است پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های تحلیل عاملی تأییدی و مدل معادلات ساختاری به کمک نرم افزار Lisrel و Spss استفاده شد و همه فرضیات تحقیق مورد تایید قرار گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** استقلال، استقلال باطنی، حسابرس.
طبقه بندی: M۴۱, M۴۲,C۵۱: JEL

**مقدمه**

امروزه سرمایه گذاران از معیارهای مختلف اندازه گیری ریسک استفاده های می کنند. بطوریکه این معیارها بسته به رفتار سرمایه گذاران در بازار سرمایه و میزان دانش و تسلط وی بر مسائل مالی انتخاب می شوند.

گزارشگری مالی بعنوان عمده‌ترین وسیله انتقال اطلاعات مالی به سرمایه‌گذاران، نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ایفا می‌کند. اگر کیفیت اطلاعات گزارش شده پایین باشد، ممکن است دریافت‌کنندگان این اطلاعات، تصمیمات نادرستی (مانند تصمیمات در مورد سرمایه‌گذاری یا تأمین مالی) را اتخاذ کنند که موجب تخصیص نابهینه منابع اقتصادی گردد. به طور ایده‌آل، سیستم گزارشگری مالی باید اجازه دهد که شرکت با عملکرد بهتر از شرکت با عملکرد ضعیف‌تر، قابل تشخیص باشد و در این مورد قواعد حسابداری بوسیله ایجاد اطمینان از کفایت اطلاعات گزارش‌های مالی در مورد عملکرد اقتصادی صحیح سازمان اهمیت می‌یابند. اما به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی موجود بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی، وجود یک

سازوکار کنترلی که بطور نسبی تضمین‌کننده شفافیت اطلاعات گزارش شده در صورت‌های مالی باشد، ضرورت می‌یابد. این سازوکار در قالب حسابرسی مالی و توسط حسابرسان مستقل ارائه می‌شود (فرحنا و ویانا، ۲۰۰۷). به دنبال رسواییهای مالی شرکتی و بحرانهای مالی طی دو دهه اخیر، انگشت اتهام تا حدودی به سمت حسابرسان و کیفیت حسابرسی نشانه رفته است. در ایران نیز پس از کشف تقلب بانکی در سال ۱۳۹۰، برخی کارشناسان، ادعای شکست حسابرسی را مطرح کردند. در پاسخ به این رویدادها، از یک طرف، قانون‌گذاران تغییراتی را در دستور کار قرار دارند. برای مثال، قانون ساربنز آکسلی در سال ۲۰۰۲ در آمریکا وضع شد تا به بینظمیهای گزارشگری مالی سر و سامان دهد و تحولاتی نیز در زمینه حاکمیت شرکتی انگلستان رخ داد. از طرف دیگر، سیاستگذاران بار دیگر بر روی اهمیت حسابرسی مؤثر و کارآمد به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی بازارهای سرمایه تمرکز نمودند و تلاش‌هایی را برای شناسایی محرک‌های کلیدی کیفیت حسابرسی انجام دادند (حساس یگانه و غلام‌زاده،۱۳۹۱). پیامد دیگر این رسواییها، نگرانی‌هایی در خصوص عدم کارایی این موارد بود که می‌توانست منجر به تکرار آن شود. نتیجه آن، تغییرات بنیادین و گسترده در حوزه نظارت بر شرکتها و بازار سرمایه و به خصوص تفکر تقویت ساختار نظام حاکمیت شرکتی و قوانین و مقررات بوده است. محققان با بررسی علتها و شرایط وقوع این رسواییها، به این نتیجه رسیدند که؛ در موارد نبود نظارت بر مدیریت، حاکمیت ناقص سهامداران بر چگونگی اداره کارها و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی، زمینه مساعدی برای سوء استفاده آنان فراهم کرده و برای جلوگیری از بروز چنین وضعیتی، سهامداران باید از طریق نظارت دقیق بر هیئت مدیره و حسابرسی منظم شرکت که در مجموع تحت عنوان نظام حاکمیت شرکتی شناخته می‌شود، اشراف دقیقی بر شرکت داشته باشند. حرفه حسابرسی، مانند سایر حرفه‌ها، برای حفظ جایگاه خود نیازمند کسب اعتماد عمومی است. آنچه جامعه از حرفه حسابرسی انتظار دارد ارائه گزارش حسابرسی باکیفیت مطلوب است. این ارزش افزوده‌ای است که تنها حرفه حسابرسی قادر به افزودن آن به اطلاعات مالی شرکت‌ها است(حساس یگانه و مقصودی، ۱۳۸۹). نظر به اینکه گزارش حسابرسی، خروجی عملیات حسابرسی محسوب می‌شود؛ لذا معیاری برای ارزیابی کیفیت حسابرسی محسوب می‌شود؛ در نتیجه شناسایی عوامل اثرگذار بر محتوای گزارش حسابرسی حائز اهمیت بوده و این پژوهش با تمرکز بر شناسایی مولفه های مدل مطلوب بر استقلال باطنی حسابرس،

سعی در بهبود و افزایش اثربخشی فعالیت حسابرسان و در نتیجه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی دارد.

مطالعات مختلفی در این زمینه در خارج و داخل کشور انجام شده که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

- دوان و ژوان(۲۰۲۳)، در کشور ویتنام پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر استقلال حسابرس بخش عمومی» به انجام رسانده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد؛ سه عامل اصلی اعلامیه های سیاسی, تصدی حسابرس و حسابرسی شوندگان بر استقلال حسابرس بخش عمومی تاثیر گذار می باشد.

- ساری و فاهررا(۲۰۲۳)، در کشور اندونزی پژوهشی با عنوان «استقلال و تجربه حسابرس در توانایی حسابرس برای کشف تقلب» به انجام رسانده اند. نتایج تحقیق نشان میدهد؛ استقلال و تجربه حسابرس در توانایی حسابرس برای کشف تقلب تاثیر گذار بوده و استقلال حسابرس در توانایی حسابرس برای کشف تقلب دارای ضریب مسیر ۰.۷۳۵و تجربه حسابرس در توانایی حسابرس برای کشف تقلب دارای ضریب مسیر ۰.۶۶۳ است.

- یونیک حسیبوان و پانگاریبوان(۲۰۲۳)، در کشور اندونزی پژوهشی با عنوان « تاثیر استقلال , صداقت در کشف تقلب شرگت حسابداری عمومی جاکارتا» به انجام رسانده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد؛ استقلال حسابرس تاثیری در کشف تقلب موسسات حسابداری عمومی جاکارتا نداشته در حالی که صداقت حسابرس تاثیر مطلوبی در کشف تقلب موسسات حسابداری عمومی جاکارتا داشته است.

- اردالله و چاندرا(۲۰۲۲)، در کشور اندونزی پژوهشی با عنوان «استقلال حسابرس, اخلاق حسابرس ,تجربه حسابرس و مراقبت حرفه ای مناسب در مورد کیفیت حسابرسی» به انجام رسانده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد؛ استقلال و اخلاق حسابرس بر کیفیت حسابرسی تاثیر نداشته اما تجربه حسابرس و مراقبت حرفه ای مناسب بر کیفیت حسابرسی تاثیر مثبتی داشته است.

- عبدلی و همکاران(۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان «آسیب شناسی استقلال حسابرس و راهکارهای رفع آن » به انجام رسانده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد؛ اهمیت کارفرما ،حق الزحمه حسابرسی، ارائه خدمات غیر حسابرسی ، وابستگی مالی حسابرس به صاحب کار، رقابت حرفه ای در میان

موسسات حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، ارتباطات و پیوند های اجتماعی، روابط استخدامی کارکنان با صاحبکاران حسابرس از عوامل کاهنده استقلال حسابرس هستند و انتخاب حسابرس از طریق سیستم های هوشمند دیجیتالی چرخش صحیح موسسات حسابرسی شهرت و اعتبار و اندازه حسابرسی تعهد حرفه ای حسابرس و رتبه حسابرس به عنوان راهکارهایی برای افزایش استقلال حسابرس شناسایی شدند.

- گلستانی فر هاشمی و همکاران(۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان « بررسی عوامل موثر بر استقلال حسابرس از منظر امام علی علیه السلام با تاکید بر نهج البلاغه» به انجام رسانده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد؛ درنهج البلاغه آموزه های فردمحورانه ای وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. از بین این آموزه ها، صداقت و صراحت بیشترین تأثیر و زهدورزی و قناعت کمترین تأثیر را بر استقلال حسابرس دارددر نهج البلاغه آموزه های عمومی و جامعه محوری وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. از بین آنها آموزهٔ عدم وجود روابط غیرمتعارف بیشترین تأثیر و آموزه وجود نهادهای نظارتی کمترین تأثیر را براستقلال حسابرس دارد. از میان دو دسته آموزه های فرد محور و جامعه محور در نهج البلاغه مورد اول که امروز در سطح دنیا کمتر از آن با عنوان عامل موثر بر استقلال حسابرس یاد می شود بیشترین تاثیر را بر استقلال حسابرس دارد از مجموع آموزه های نهج البلاغه ((عدم وجود روابط غیر متعارف ))بیشترین تاثیر و ((وجود نهاد های نظارتی))کمترین تاثیر را بر استقلال حسابرس دارد.

- اکرمی مقدم و همکاران(۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان « تاثیر ویژگیهای فردی حسابرس (استقلال، مهارت، دانش، اخلاقیات) بر توسعه و ترکیب منطقی تحقیقات حسابرسی» به انجام رسانده اند. نتایج تحقیق نشان می دهد؛ لزوم استقلال داشتن حسابرسی مستمر بر توسعه و ترکیب منطقی تحقیقات حسابرسی مستمر تأثیر مثبت، مستقیم و معناداری دارد. همچنین، ویژگیهای فردی حسابرس مانند مهارت، دانش واخلاقیات برتوسعه و ترکیب منطقی تحقیقات حسابرسی مستمر تاثیر معناداری دارد.

## ۱.اهدف پژوهش:

- شناسایی مولفه‌های استقلال باطنی حسابرسان.
- بررسی ارتباط بین جهت‌گیری اخلاقی و استقلال باطنی حسابرس.

- بررسی ارتباط بین تعهدات حرفه‌ای و استقلال باطنی حسابرس.
- بررسی تأثیر جهت‌گیری اخلاقی بر محتوای گزارش حسابرس.
- بررسی تأثیر تعهدات حرفه‌ای بر محتوای گزارش حسابرس.
- بررسی تأثیر استقلال باطنی بر محتوای گزارش حسابرس.

## ۲. روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش کمی از نوع پیمایشی می باشد، برهمین اساس روش پژوهش در بخش کمی توصیفی – همبستگی می باشد. جامعه آماری این تحقسق شامل مدیران حسابرسی که حداقل ۵ شرکت بورسی را در یک سال حسابرسی کرده باشند، هستند، که پرسشنامه های تحقیق در اختیار آنان قرار گرفته است. ابزار تحقیق پرسشنامه محقق ساخته با احتساب روایی و پایایی آن می باشد. به منظور بررسی روایی در این تحقیق از روایی محتوا استفاده شده است. روایی محتوا به طور معمول در پاسخ به سوالاتی چون:

- آیا ابزار طراحی شده همه جنبه های مهم و اصلی مفهوم مورد اندازه گیری را شامل می شود؟
- آیا سازه های ابزار همان چیزی را که باید بررسی می کند؟
- آیا اجزا و کلیت ابزار قابل پذیرش متخصصان ذیربط می باشد؟

در این تحقیق پس از جمع آوری نظرات متخصصین، تغییرات لازم در ابزار مورد توجه قرار گرفت، سپس برای ارزیابی کمّی روایی محتوا و جهت اطمینان از این که مهمترین و صحیح ترین محتوا (ضرورت سوال) انتخاب شده است، (نسبت روایی محتوا) و برای اطمینان از اینکه سوالات ابزار به بهترین نحو جهت اندازه گیری محتوا طراحی شده، از (شاخص روایی محتوا) استفاده شده است. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده ها در این پژوهش، از روشهای آمارهای توصیفی نظیر میانگین، انحراف معیار، جداول و نمودارهای جهت بررسی وضعیت توصیفی متغیرهای پژوهش استفاده شده است.

- از روش تحلیل عاملی تأییدی جهت تأیید عامل های استخراج شده استفاده گردیده است.

- از مدل معادلات ساختاری جهت آزمون مدل .

## ۳. نتایج و تجزیه وتحلیل یافته ها

۳-۱- چه ارتباطی بین جهت‌گیری اخلاقی و استقلال باطنی حسابرس وجود دارد؟

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق ضریب مسیر در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که جهت‌گیری اخلاقی با استقلال باطنی حسابرس ارتباط معنی‌داری دارد، ($P-Value \leq$ ۰/۰۵ , $\beta$ =۰/۵۹۸, t =۷/۴۹۹). لذا فرضیه پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد و بر اساس ضریب مسیر ($\beta$) می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در جهت‌گیری اخلاقی، استقلال باطنی حسابرس معادل ۰/۵۹۸ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند.

**جدول۱: خلاصه نتایج ارتباط بین جهت‌گیری اخلاقی و استقلال باطنی حسابرس**

| رابطه | ضریب مسیر | آماره t | P-Value | نتیجه |
|---|---|---|---|---|
| جهت‌گیری اخلاقی -> استقلال باطنی | ۵۹۸.۰ | ۴۹۹.۷ | ۰۰۰.۰ | تأیید |

منبع: نتایج تحقیق

۳-۲- چه ارتباطی بین تعهدات حرفه‌ای و استقلال باطنی حسابرس وجود دارد؟

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق ضریب مسیر در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که جهت‌گیری اخلاقی با استقلال باطنی حسابرس ارتباط معنی‌داری دارد، ($P-Value \leq$ ۰/۰۵ , $\beta$ =۰/۲۷۰, t =۳/۰۹۱). لذا فرضیه پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد و بر اساس ضریب مسیر ($\beta$) می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در تعهدات حرفه‌ای، استقلال باطنی حسابرس معادل ۰/۲۷۰ انحراف استاندارد افزایش پیدا می‌کند.

جدول۲: خلاصه نتایج ارتباط بین تعهدات حرفه‌ای و استقلال باطنی حسابرس

| رابطه | ضریب مسیر | آماره t | P-Value | نتیجه |
|---|---|---|---|---|
| تعهدات حرفه‌ای -> استقلال باطنی | ۲۷۰.۰ | ۰۹۱.۳ | ۰۰۲.۰ | تأیید |

منبع: نتایج تحقیق

**۳-۳- تأثیر جهت‌گیری اخلاقی بر محتوای گزارش حسابرس چگونه است؟**

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق ضریب مسیر در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که جهت‌گیری اخلاقی با محتوای گزارش حسابرس ارتباط معنی‌داری دارد، ($P-Value \leq$ ۰/۰۵ , $\beta =$ ۰/۱۷۰, $t =$ ۲/۲۳۳). لذا فرضیه پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد و بر اساس ضریب مسیر ($\beta$) می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در جهت‌گیری اخلاقی، محتوای گزارش حسابرس معادل ۰/۱۷۰ انحراف استاندارد بهبود پیدا می‌کند.

جدول۳: خلاصه نتایج تأثیر جهت‌گیری اخلاقی بر محتوای گزارش حسابرس

| رابطه | ضریب مسیر | آماره t | P-Value | نتیجه |
|---|---|---|---|---|
| جهت‌گیری اخلاقی -> محتوای گزارش | ۱۷۰.۰ | ۲۳۳.۲ | ۰۲۶.۰ | تأیید |

منبع: نتایج تحقیق

**۳-۴- تأثیر تعهدات حرفه‌ای بر محتوای گزارش حسابرس چگونه است؟**

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق ضریب مسیر در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که تعهدات حرفه‌ای با محتوای گزارش حسابرس ارتباط معنی‌داری دارد، ($P-Value \leq$ ۰/۰۵ , $\beta =$ ۰/۴۷۶, $t =$ ۶/۲۳۸). لذا فرضیه پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد و بر اساس ضریب مسیر ($\beta$) می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در تعهدات حرفه‌ای، محتوای گزارش حسابرس معادل ۰/۴۷۶ انحراف استاندارد بهبود پیدا می‌کند.

جدول۴: خلاصه نتایج تأثیر تعهدات حرفه‌ای بر محتوای گزارش حسابرس

| رابطه | ضریب مسیر | آماره t | P-Value | نتیجه |
|---|---|---|---|---|
| تعهدات حرفه‌ای -> محتوای گزارش | ۴۷۶.۰ | ۲۳۸.۶ | ۰۰۰.۰ | تأیید |

منبع: نتایج تحقیق

**۳-۵- تأثیر استقلال باطنی حسابرس بر محتوای گزارش حسابرس چگونه است؟**

**تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق ضریب مسیر در مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که استقلال باطنی حسابرس با محتوای گزارش حسابرس ارتباط معنی‌داری دارد، ($P - ۰/۰۵$ , $Value \leq ۴/۶۶۲$ $t = ۰/۳۰۳$, $\beta$). لذا فرضیه پژوهش با ۹۵ درصد اطمینان تایید می‌شود. با توجه به مثبت بودن ضریب همبستگی رابطه مستقیم بین این دو متغیر وجود دارد و بر اساس ضریب مسیر ($\beta$) می‌توان گفت به ازای یک واحد افزایش در استقلال باطنی حسابرس، محتوای گزارش حسابرس معادل ۰/۳۰۳ انحراف استاندارد بهبود پیدا می‌کند.**

جدول۵: خلاصه نتایج تأثیر استقلال باطنی حسابرس بر محتوای گزارش حسابرس

| فرضیه | ضریب مسیر | آماره t | P-Value | نتیجه |
|---|---|---|---|---|
| استقلال باطنی -> محتوای گزارش | ۳۰۳.۰ | ۶۶۲.۴ | ۰۰۰.۰ | تأیید |

منبع: نتایج تحقیق

جدول۶: آلفای کرونباخ و پایایی مرکب

| متغیر | آلفای کرونباخ | پایایی همگون | پایایی مرکب |
|---|---|---|---|
| استقلال باطنی | ۹۵۴.۰ | ۹۵۶.۰ | ۹۵۸.۰ |
| تعهدات حرفه‌ای | ۸۹۸.۰ | ۹۰۰.۰ | ۹۱۷.۰ |
| جهت‌گیری اخلاقی | ۸۶۲.۰ | ۸۶۳.۰ | ۸۹۴.۰ |
| محتوای گزارش | ۸۹۱.۰ | ۸۹۴.۰ | ۹۱۳.۰ |

منبع: نتایج تحقیق

نتایج بررسی ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب در جدول ۶ نشان داد که مقادیر این شاخص‌ها برای همه متغیرهای پنهان، بیشتر از ۰.۷ است و بنابراین پایایی ابزارهای اندازه‌گیری با استفاده از این دو شاخص هم تأیید شد.

۳-۶-اولویت نهائی شاخص‌های با تکنیک AHP

در این گام اولویت نهائی شاخص‌های ماتریس سوات محاسبه می‌شود. نتایج مقایسه زیرمعیارهای تحقیق و اوزان مربوط به آنها ماتریس W۲ را تشکیل می‌دهد. برای تعیین اولویت نهائی شاخص‌های ماتریس سوات با تکنیک AHP ابتدا وزن شاخص‌ها براساس هر معیار (W۲) در وزن معیارهای اصلی (W۱) ضرب شود. با دردست داشتن وزن هریک از معیارهای اصلی (W۱) و زیرمعیارها (W۲) وزن هریک از شاخص‌ها محاسبه می‌شود.

**جدول۷: تعیین اولویت نهائی شاخص‌های ماتریس سوات با تکنیک AHP**

| معیارها | وزن | زیرمعیارها | وزن زیرمعیار | وزن نهایی |
|---|---|---|---|---|
| عوامل درون سازمانی | ۰.۳۴۳ | اندازه سازمان | ۰.۰۶۲ | ۰.۰۲۱۳ |
| | | فرهنگ سازمانی | ۰.۰۹۲ | ۰.۰۳۱۶ |
| | | مدیریت سازمان | ۰.۰۷۵ | ۰.۰۱۹۶ |
| | | رفتار سازمانی | ۰.۱۳۰ | ۰.۰۴۴۶ |
| | | حقوق و مزایا | ۰.۰۸۸ | ۰.۰۳۰۲ |
| | | جایگاه حسابرس | ۰.۰۹۰ | ۰.۰۳۰۹ |
| | | آموزش | ۰.۰۸۴ | ۰.۰۲۸۸ |
| | | عوامل مربوط به شغل | ۰.۰۹۳ | ۰.۰۳۱۹ |
| | | اعتبار سازمانی | ۰.۱۲۳ | ۰.۰۴۲۲ |
| | | نظارت و کنترل درون سازمانی | ۰.۰۸۳ | ۰.۰۲۸۵ |
| | | چرخش حسابرس | ۰.۰۹۶ | ۰.۰۳۲۹ |
| عوامل برون سازمانی | ۰.۳۳۶ | رعایت تضاد منافع | ۰.۰۴۲ | ۰.۰۱۴۱ |
| | | رقابت موسسات حسابرسی | ۰.۰۶۲ | ۰.۰۲۰۸ |
| | | بازدارندگی جامعه | ۰.۰۸۵ | ۰.۰۲۸۶ |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| | | شرایط اقتصادی | ۰.۰۷۱ | ۰.۰۲۳۹ |
| | | روابط فراکاری | ۰.۰۸۹ | ۰.۰۲۹۹ |
| | | عوامل قانونی | ۰.۱۶۱ | ۰.۰۵۴۱ |
| | | عوامل مربوط حرفه حسابرسی | ۰.۰۸۵ | ۰.۰۲۸۶ |
| | | گزارشگری | ۰.۱۱۵ | ۰.۰۳۸۶ |
| | | نظارت و کنترل | ۰.۱۵۷ | ۰.۰۵۲۸ |
| | | عوامل مربوط به شرکت صاحبکار | ۰.۱۳۳ | ۰.۰۴۴۷ |
| عوامل فردی | ۰.۳۲۱ | بی طرفی | ۰.۱۸۲ | ۰.۰۵۷۸ |
| | | اخلاق حرفه ای | ۰.۱۰۸ | ۰.۰۳۴۷ |
| | | ویژگیهای شخصیتی و رفتاری و شناختی، | ۰.۱۳۸ | ۰.۰۴۴۳ |
| | | عوامل دموگرافیک | ۰.۱۹۵ | ۰.۰۶۲۶ |
| | | درک حسابرس از گذشته و آینده | ۰.۲۰۶ | ۰.۰۶۶۱ |
| | | نگرش شغلی | ۰.۱۷۲ | ۰.۰۵۵۲ |

منبع: نتایج تحقیق

## ٤. جمع بندی و نتیجه گیری

یکی از مهم ترین دستاوردهای پژوهش حاضر، لزوم توجه به عوامل درون سازمانی (عوامل مرتبط با موسسه حسابرسی) است.

یکی از ابعاد شناسایی شده درون سازمانی بعد اندازه موسسه حسابرسی است. این یافته با نتیجه یافته محمدرضایی و یعقوب‌نژاد (۱۳۹۶) همخوانی دارد. در ارتباط با این بعد باید گفت: بعد از مطرح شدن نظریه اندازه موسسه حسابرسی توسط دی آنجلو (۱۹۸۱) بعنوان متغیر جایگزین کیفیت حسابرسی، پژوهش‌هایی در ارتباط با اثر مؤسسات حسابرسی بزرگ بین المللی (هشت، شش، پنج و چهار) بر حسابرسی انجام شد. در ایران نیز علیرغم اینکه مؤسسات حسابرسی بزرگ بین المللی فعالیت نمی‌کنند، از نظریه اندازه موسسه حسابرسی برای پژوهش در مورد تفاوت کیفیت حسابرسی سازمان بعنوان حسابرس بزرگ و مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی بعنوان حسابرس کوچک استفاده شده است. مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که نتایج بدست آمده متناقض هستند. چنین نتایج متناقضی بیانگر آن است که پژوهش‌های انجام شده در این حوزه در داخل کشور از ضعف‌های نظری و روش شناختی رنج می‌برند. با نظریه

فشار حق الزحمه حسابرسی بیان می‌کند که مؤسسات حسابرسی خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی به دلیل حق الزحمه پایین تحت فشار حق الزحمه، زمان کافی جهت کشف تحریفات با اهمیت در صورت‌های مالی صاحبکار را صرف نمی‌کنند. این نظریه پیش بینی می‌کند که کیفیت حسابرسی سازمان که با مشکل حق الزحمه پائین حسابرسی مواجه نیست بیشتر از مؤسسات خصوصی عضو جامعه حسابداران رسمی باشد. اما، نظریه حسابرسی شونده و حسابرسی کننده دولتی مدعی است که تردید اساسی نسبت به استقلال حسابرس وجود دارد زمانیکه حسابرسی شونده و حسابرسی کننده هر دو دولتی باشند. این نظریه استقلال سازمان حسابرسی را زیر سؤال می‌برد.

اعتبار سازمانی هم یکی از متغیرهای مهم در این حوزه بود که با اندازه سازمان قرابت معنایی دارد. موسسات حسابرسی بزرگ سعی دارند که شهرت خود را حفظ کنند و مسلما حاضر نمیشوند کاری انجام دهند که به استقلال و اعتبار آنها لطمه وارد شود. در واقع، ممکن است حسابرسان در سطحی بالاتر از میانگین از شایستگی حرفهای و درستکاری خود استفاده کنند تا در نتیجه ی آن در بلندمدت، شهرت و دستمزد حسابرسی بالاتر از میانگین را برای خود به ارمغان آورند. حجم وسیعی از تحقیقات نظری و تجربی نشان میدهد که به دلیل موضوع شهرت موسسات حسابرسی و هزینه دعاوی علیه آنها، حسابرسان انگیزه های مبتنی بر بازار و ذاتی برای عمل مستقلانه دارند.برای مثال، کراسول و همکاران (۲۰۰۲) با استفاده از داده های شرکتهای استرالیایی دریافتند که هیچ رابطه ای میان وابستگی حق الزحمه حسابرسی و اظهار نظر مشروط حسابرسی وجود ندارد. رینولدز و فرنسیس (۲۰۰۰) اظهارنظر نسبت به صاحبکاران بزرگتر محافظه کارتر می باشند.

یکی دیگر از ابعاد شناسایی شده در این ارتباط فرهنگ و رفتار سازمانی است. این یافته با نتایج تحقیق اخیر مرادی و جودکی (۱۴۰۲) ایکرو و مت (۲۰۱۹) دیمترادز (۲۰۱۸) و میر جلیلی (۱۳۹۸) همسو می باشد. فرهنگ هر سازمان یکی از عوامل عمده ی اثرگذار بر عملکرد آن است از نظر بارون و گرینبرگ، تاثیر فرهنگ سازمانی بر اعضای سازمان به حدی است که می توان با بررسی زوایای آن نسبت به چگونگی رفتار، احساسات، دیدگا ها و نگرش اعضای سازمان پی برد و واکنش احتمالی آنان را در قبال تحولات مورد نظر ارزیابی، پیش بینی و هدایت کرد. با

اهرم فرهنگ سازمانی، به سادگی می توان انجام تغییرات را تسهیل کرد و جهت گیر یهای جدید را در سازمان پایدار کرد. از آنجا که در هر سازمانی، فرهنگ منحصر به فرد آن سازمان وجود دارد که به افراد شیوه فهم و معنی بخشیدن به رویدادها را نشان میدهد، از فرهنگ سازمانی میتوان به عنوان یک اهرم قدرتمند برای هدایت و تقویت رفتار سازمانی استفاده نمود. بنابراین فرهنگ سازمانی می تواند نقش بسزایی در تعیین چارچوب های رفتار حرفه ای موسسه حسابرسی داشته باشد.

یکی دیگر از متغیرهای شناسایی شده در بعد درون سازمانی مدیریت و سبک مدیریت موسسه حسابرسی است. این یافته با نتایج تحقیق سلطانی نژاد و همکاران (۱۴۰۲) همخوانی دارد. مدیرانی که از تجربه و دانستههای حسابرسان خود استفاده میکنند و در فرآیند حسابرسی و تصمیم گیری در مورد روشهای حسابرسی با حسابرسان پایین دست مشورت میکنند، احساس مثبت و انگیزه بیشتری در آنها شکوفا میشود واستقلال آنها تقویت میشودو رفتارهای ناکارآمد و تنشها از بین میرود. هنگامی که مدیران با حسابرسان خود مشورت میکند و از آنها نظرخواهی میکند، حس مفید بودن در وجود آنها تقویت میشود و نیز حسابرسان تلاش میکنند تا حسابرسی با کیفیت بیشتری انجام شود. این گونه رفتار مدیران باعث بهبود استقلال حسابرسان میشود. احمد و همکاران، (۲۰۱۱) و محمود (۲۰۱۵) به یافته های مشابهی دست یافتند. در تحقیقات قبلی نیز ارتباط مثبتی بین حق الزحمه پرداختی و استقلال حسابرس مشاهده شده است که نشان میدهد که میزان حق الزحمه میتواند تاثیر زیادی بر استقلال و مستقلیت عملی حسابرس داشته باشد. علاوه بر این، تعیین حق الزحمه پرداختی به طور صحیح و منطقی می تواند به کیفیت حسابرسی کمک کرده و عملکرد حسابرس را بهبود بخشد (رونقی، ۱۴۰۳). نتایج این مطالعه نشان میدهد که تعیین حق الزحمه پرداختی حسابرس به طور مناسب و شفاف می تواند بهبودی در استقلال حسابرس، کیفیت حسابرسی و اعتماد عمومی به گزارش های حسابرسی ایجاد کند. ارتباط مثبتی بین حق الزحمه پرداختی و استقلال حسابرس مشاهده شده است که نشان میدهد که میزان حق الزحمه میتواندتاثیر زیادی بر استقلال و مستقلیت عملی حسابرس داشته باشد. علاوه بر این، تعیین حق الزحمه پرداخت یبه طور صحیح و منطقی میتواند به استقلال حسابرسی کمک کرده و عملکرد حسابرس را بهبود بخشد. درتصمیم گیری های مرتبط با تعیین حق الزحمه پرداختی حسابرس، لازم است به این نکات توجه شود که

چگونگی تعیین حق الزحمه میتواند تاثیر زیادی بر استقلال حسابرسی داشته باشد و این مسئله میتواند اعتماد عمومی به گزارش های حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهد.

جایگاه سازمانی حسابرس یکی دیگر از متغیرهای شناسایی شده در بعد درون سازمانی است. این یافته‌ها با نتایج تحقیق اسلام و همکاران (۲۰۱۳) همسو گزارش شد. رابطه بین حسابرس و تهیه‌کننده اطلاعات محور اصلی بحث استقلال است. به طور کلی، به منظور تاکید بر یک رابطه مستقل دوطرفه، موضع اتخاذ شده این است که انتخاب حسابرس و فراهم کردن زمینه و امکانات حسابرسی برای وی باید از مسوولیت‌های مجمع عمومی صاحبان سهام باشد. انتخاب حسابرس توسط کمیته حسابرسی (یا کمیته‌ای مشابه) زمینه مساعدی برای مذاکرات مستقیم بین حسابرس و کمیته حسابرسی را فراهم می‌سازد و باعث بهبود ارتباط موثر در مورد گزارش حسابرسی، خط مشی‌های مالی، ساختار سازمانی، روش‌های کنترلی و سایر موارد و مشکلات مشابه می‌شود. استفاده از کمیته حسابرسی به عنوان پل ارتباطی بین حسابرسان و تهیه کنندگان اطلاعات نشانگر سیر تکاملی به منظور برقراری جایگاه سازمانی مناسب برای حسابرسان مستقل و در نتیجه تقویت پایه‌های استقلال آنهاست. استقلال سازمانی باعث رهایی حسابرس از نفوذ تهیه‌کننده اطلاعات می‌شود. جایگاه سازمانی مستقل، فراهم‌کننده اطمینانی منطقی است که حسابرس تحت تاثیر حرکات مشکوک واحد مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد و می‌تواند پذیرش نقش حسابرسی را به عنوان مکانیزمی نظارتی توسط استفاده‌کنندگان و جامعه بهبود بخشد.

یکی دیگر از ابعاد شناسایی شده در این ارتباط آموزش حسابرس است. این یافته با نتایج تحقیق آقایی و همکاران (۱۳۹۰) همسو گزارش شد. بقا و غنای خدمات حسابرسی مستلزم عکس العمل مناسب و به موقع حرفه در برابر انتظارات جامعه است. حرفه حسابرسی با پذیرش مسئولیت بیشتر و گسترش نقش خود و یا تقویت آموزش درباره نقش و محدودیت های حسابرسی می تواند به نیازهای جامعه پاسخ داده و فاصله انتظارات را کاهش دهد. رشد بی وقفه نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان و گرایش آن ها به استفاده از صورت های مالی جهت اتخاذ تصمیمات اقتصادی، برنامه ریزی و نظارت در مورد وضعیت مالی و عملکرد واحد اقتصادی، ضرورت کاهش فاصله انتظارات را ایجاب می کند.

نظارت و کنترل یکی دیگر از ابعاد بدست آمده در ارتباط با عوامل درون سازمانی استقلال

حسابرس بود. این یافته با نتایج تحقیق حسینی نسب (۱۳۹۹) همخوانی دارد. اگر در گذشته استقلال حسابرسی عمدتا بر استقلال شخصی حسابرس (استقلال کارکردی) متمرکز بوده، اما در دهه‌های اخیر استقلال سازمانی مؤسسه حسابرسی (مؤسسات حسابرسی) نیز به میزان استقلال شخصی حسابرسان، مهم تلقی شده است .به تدریج مسائل پیرامونی امر حسابرسی، توجهات را معطوف به محیط و فضایی کرد که حسابرس در آن چارچوب فعالیت می‌کند. بنابراین دیگر توجه صرف به ابعاد شخصی استقلال حسابرسی (استقلال حسابرس) نمی‌توانست پاسخ مناسبی به وضعیت و شرایط مزبور باشد؛ زیرا استقلال حسابرس نسبت تنگانگی با استقلال سازمان یا مؤسسه‌ای دارد که حسابرس در آن به فعالیت مشغول است و در واقع بدون استقلال سازمانی، تأمین استقلال شخصی حسابرس تقریبا غیرممکن است. مثلا استقلال حسابرس در مؤسسات حسابرسی ایرانی که قدرالسهم شرکا بسیار ناچیز و عمال کارمند تلقی می‌شوند یا مؤسساتی که دارای شرکای غیرحضوری هستند یا شرکای حضوری دستوری عمل می‌کنند، امری غیرممکن است؛ زیرا رابطه تعریف‌شده فوق برخلاف آیین رفتار حرفه‌ای، مقررات حاکم بر حسابرسی است و تناقضی آشکار با استقلال شکلی و محتوایی دارد. امروزه شخص حسابرس یا سازمان متبوع وی «مؤسسه حسابرسی» تنها عوامل مهم و مؤثر در کیفیت و نتیجه گزارشات حسابرسی تلقی نمی‌شوند، بلکه لازم دانسته شده است فعالیت حسابرسان در چارچوبی فراتر از محیط مؤسسه حسابرسی و در قالب «نظام حسابرسی کشور» ملاحظه شود. تجربه حرفه جهانی حسابرسی نشان داده که چگونگی اداره و مدیریت مؤسسات حسابرسی و همچنین چگونگی نظام نظارت بر حرفه تأثیر بسزایی در رسیدگی حسابرسان به پرونده‌های حسابرسی دارد. بدین ترتیب، توجهات معطوف به عوامل و عناصر نهادی مؤثری شد که می‌تواند کار حسابرسان را تحت تأثیر قرار دهد. با این پیش‌گفته، امروزه دیگر استقلال حسابرس محدود به شخص حسابرسان نمی‌شود، بلکه شامل ساختار مؤسسه حسابرسی، کارکرد نظارت «نهاد ناظر بر حرفه حسابرسی» نیز شده است . تجارب مؤسسات بزرگ بین‌المللی و همچنین تجربه محدود حسابرسی بخش غیردولتی ایران نیز بر ضرورت وجود نهاد نظارتی مستقل و بی‌طرف فارغ از چگونگی جایگاه این نهاد نظارتی در درون حرفه یا بیرون از آن دارد. از این جهت حرفه شبه‌قضاوتی حسابرسی مشابهت‌های بی‌شماری با نظام قضائی دارد.

چرخش حسابرس هم یکی دیگر از متغیرهای مهم شناسایی شده بود که در تحقیقات قبلی نیز

مورد تاکید قرار گرفته شده بود. حساس یگانه (۱۳۸۴) معتقد است از دلایل خدشه دار شدن استقلال حسابرسان وجود رابطه طولانی مدت بین آنها و صاحبکاران است که نگرانی های ماتزو شرف بیش از ۴۰ سال قبل، در زمینه افزایش تدریجی سطح روابط رفاقتی در ارثر ارتباطات طولانی مدت بین حسابرسان و صاحبکار، نیز نشان از اهمیت موضوع از سالیان دور دارد. از نقطه نظر قانونگذاران، تغییر دوره ای موسسه حسابرسی، احتمالاً بیشتر باعث میشود حسابرسان مستقل، تسلیم فشارهای مدیریت نشده و بنابراین بتوانند سعی و پشتکار و تعهد به استقلال و اصول اخلاقی را در انجام کارشان حفظ کنند .

استانداردگذاران، بحث میکنند که رابطه ی طولانی مدت، بین حسابرس و صاحبکارش استقلال را تهدید میکند. آنها اعلام میدارند که روابط شخصی بین گروهها توسعه مییابد، که ممکن است باعث کم شدن هوشیاری حسابرس شود و حتی منجر به نگرشی اجباری در جهت مدیران رده بالای شرکت شود. جدا از خطری که متوجه استقلال میشود، کار حسابرسی در طول زمان روتین می شود و در این صورت، حسابرس تلاش کمتری را به تعیین نقاط ضعف کنترل داخلی و منابع ریسک اختصاص میدهد. بنابراین باور بر این است که موسسات حسابرسی در طول زمان صورتهای مالی را با عینکهای خوش بینی و نه چشم بدبینی بررسی میکنند. طرفداران چرخش موسسه حسابرسی بحث می‌کنند کنند که چرخش اجباری، استقلال حسابرس و عینیت را افزایش داده و دیدگاه جدیدی در خصوص ریسکهای تجاری و گزارشگری صاحبکار ارائه میدهد. دوپوچ وهمکاران (۲۰۰۱) در یک مجموعه آزمایشی با پشتیبانی از این بحثها مشاهده میکنند که چرخش اجباری تمایل حسابرس به انتشار گزارشات مغرضانه به نفع مدیریت را کاهش میدهد. به هر حال، قوانین میتوانند فقط محیطی را برای استقلال حسابرس ایجاد کنند ولی آن را تضمین نمیکنند.

یکی دیگر از متغیرهای مهم شناسایی شده در این حوزه و در بعد برون سازمانی، تضاد منافع است. نتایج این پژوهش با مبانی نظری پژوهش سازگاری دارد بهطوریکه مشابه با نتایج بخشی از پژوهش عبدالطیف و همکاران (۲۰۱۵)، تیتوس و همکاران (۲۰۱۴)، آدام و علی (۲۰۱۴) همخوانی دارد. تضاد منافع بین دو گروه تهیه کننده و استفاده کننده اطلاعات، مهمترین توجیه برای نیاز به حسابرسی است. در صورت نبود تضاد منافع (چه واقعی و چه متصور) بین این دو

گروه، نیاز به خدمات حسابرسی به طور محسوس کاهش می یافت. وجود تضاد منافع ، انجام خدمات حسابرسی توسط فردی مستقل از هر دو گروه را اجباری می سازد. نتیجتا یکی از مهمترین ویژگی های حسابرس استقلال اوست. اهمیت استقلال برای حسابرس تا حدی است که تمامی ویژگی های دیگرش را تحت الشعاع قرار می دهد.

رقابت موسسات حسابرسی یکی دیگر از متغیرهای مهم شناسایی شده در بعد برون سازمانی است که استقلال حسابرس را تحت تاثیر قرار خواهد داد. این یافته با نتایج نیوتن و همکاران (۲۰۱۳) همسو گزارش شد. این نتیجه منطبق با نظریه "رقابت از دیدگاه هزینه تغییر دادن مشتری " است. چرا که بر اساس این نظریه چون ماهیت فعالیت موسسات حسابرسی به نحوی است که مستلزم نوعی تعامل با صاحبکار است و قطع رابطه با یک صاحبکار و انعقاد قرارداد با صاحبکار جدید است و هزینه های بسیاری را به حسابرس تحمیل می‌کند و از سوی دیگر افزایش رقابت در بازار حسابرسی، احتمال از دست دادن صاحبکار را افزایش می دهد. حسابرس به منظور تامین رضایت و حفظ مشتری ممکن است استقلال خود را زیرپا گذاشته و اشتباهات و تقلبهای موجود در صورتهای مالی صاحبکار را نادیده انگارد.

روابط فراکاری و رابطه مداری یکی دیگر از متغیرهای برون سازمانی موثر بر استقلال باطنی حسابرس است. نتایج این یافته با نتایج تحقیق بختیاری و همکاران (۱۳۹۸) همسو است. روابط فراکاری یعنی استفاده از رابطه شخصی، فامیلی و سیاسی در دستیابی به منافع شخصی در یک فعالیت اقتصادی. مطالعات نشان می دهد رابطه مداری درهمه اقتصادها از جمله اقتصادهای نوظهور وجود دارد . برخی از تحقیقات نیز رابطه مداری را نوعی رانت خواری می شناسند وآن را غیر اخلاقی میدانند. به بیان دیگر رابطه مداری یک روش برای تامین یا تقسیم منافع برای بقاء در واحد های تجاری است و به تبانی اجتماعی بر اساس قدرت اشاره دارد و نتیجه سیستم های معاصر سیاسی و اقتصادی است (یوئن و چان ، ۲۰۱۴). تحقیقات در حوزه فرهنگ و ارزش های اجتماعی نشان می دهد قضاوت و رفتار حسابرسان در تهیه و ارائه گزارش حسابرسی، تحت تأثیر فرهنگ و ارزش های اجتماعی است. از این رو مولفه های فرهنگی جامعه نظیر رابطه مداری می تواند با قضاوت در حسابرسی ارتباط مستقیم داشته مطالعات نشان داده است حسابرسانی که با صاحبکاران خود روابط اجتماعی دارند، استقلال خود را حفظ نکرده و گزارش های حسابرسی مقبول بیشتری در مقایسه با دیگر حسابرسان صادر می نمایند

و این موضوع می‌تواند موجب کاهش کیفیت حسابرسی شود (لینوکس،[۱] ۲۰۰۵). از طرف دیگر نتایج برخی دیگراز پژوهش ها بیانگر آن است که ارتباطات و وابستگی های اجتماعی میان حسابرس و مدیران واحدهای تجاری می تواند باعث ارتقای کیفیت کار حسابرسی شود (ناو ویای،[۲] ۲۰۱۲).

در ادامه به مرور برخی از مهمترین عوامل فردی شناسایی شده اشاره خواهد شد. بی طرفی یکی از مهمترین متغیرهای فردی بود که استقلال حسابرس را تخت تاثیر قرار می دهد. بی طرفی عبارت است از نگرش ذهنی غیر جانب دارانه ای که به حسابرسان داخلی اجازه می دهد کارها به نحوه ی انجام دهند که ضمن اعتقاد به نتیجه کارشان،هیچ مصالحه و سازشی در مورد کیفیت صورت نگیرد. این یافته در تحقیق افتخاری (۱۳۹۷) نیز به آن اشاره شده است. حسابرس مستقل باید بی طرف باشد و اجازه ندهد که تعصب یا جانبداری بر بی‌طرفی وی لطمه وارد سازد. حسابرس مستقل باید همواره بی‌طرفی خود را حفظ کند و از موردی که ممکن است، صرف‌نظر از آثار واقعی آن، با صداقت و بی‌طرفی وی ناسازگار به نظر رسد هم واقعا و هم ظاهرا به دور باشد.» ضرورت استقلال حسابرسان از واحدهای تجاری مورد رسیدگی، امروزه به‌وسیله جوامع حرفه‌ای و قانونی بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است.

اخلاق حرفه‌ای یکی دیگر از ویژگیهای فردی حسابرس است که بر استقلال باطنی حسابرس تأثیر دارد. این یافته با نتایج تحقیق صالحی (۱۳۹۵) همسو گزارش شد. به علاوه اخلاق حرفه‌ای حسابرس باعث افزایش استقلال او می‌شود. پس حسابرس باید در سطح بالایی از نظر علمی و عملی باشد. و پیگیر تحولات حرفه حسابرسی باشد، حسابرس نباید هیچ وظیفه حرفه ای را قبول کند مگر اینکه قادر به انجام آنها در سطح مناسبی از کارایی باشد، حسابرس باید وظایف حرفه ای خود را با پشتکار، در راستای اخلاق حرفه ای، قوانین و استانداردهای حاکم انجام دهد. حسابرس نباید هر گونه عمل یا رفتار شخصی در وظایف خود که ممکن است موجب انحراف از صداقت و استقلال او شود یا نام و اعتماد حرفه ای او را به خطر اندازد و یا به

---

۱ Lennox

۲ Kwon & Yi

دیگران آسیب رساند، انجام دهد .حسابرس باید از هر گونه پرداخت یا کمیسیون برای یک حسابرسی جدید خودداری کند. هرگز متوسل به فریب و گمراه کردن در رابطه با صلاحیت و تجربه خود و یا خدمات حرفه ای ارائه شده، نشود.

بررسی ها نشان می دهد که تیپ های شخصیتی حسابرسان با استقلال ارتباط معنی داری دارند و این نتیجه با یافته های پژوهش های انجام شده توسط لینه و گاندری (۲۰۰۱) مطابقت دارد. آنها در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که نوع شخصیت حسابرسان بطورمستقیم تمایل و علاقه ی آن ها را برای مواجه شدن با شیوه های کاهش کیفیت فعالیتهای حسابرسی تحت تاثیر قرار داده است. نتایج این تحقیق با یافته های مطالعات برادران و همکاران (۱۳۹۲) مطابقت دارد. چرا که پایبندی به آیین رفتار حرفه ای منجر به افزایش کیفیت خدمات اعتبار بخشی می شود و آنها نیز به این نتیجه دست یافتند که بین انواع تیپ های شخصیتی حسابرسان و استقلال حسابرس و کیفیت ارایه خدمات اعتبار بخشی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق چادگانی و همکاران (۲۰۱۱) با یافته های این تحقیق مطابقت دارد. آنها نیز به ارتباط بین تیپ های شخصیتی و نحوه رعایت آیین رفتار حرفه ای درخصوص نحوه گزارش خطاهای کشف شده در فرایند حسابرسی، ارتباط معنی داری را مخابره نموده‌اند.

در پایان باید گفت: استقلال باطنی از حسابرس می‌خواهد تا بی‌طرف باشد و در اِعمال قضاوت‌های حرفه‌ای خود در تمام صورت‌های مالی فرقی قائل نشود. در حالیکه استقلال ظاهری به درک کاربران (استفاده‌کنندگان) صورت‌های مالی از استقلال حسابرس مربوط است. برای مثال، اگر حسابرس نفع مالی مستقیم یا غیرمستقیم نداشته باشد، باید این اطمینان را دهد که هیچ چیزی بر استقلال رأی وی اثرگذار نبوده است. کیفیت حسابرسی و ارزش قضاوت حرفه‌ای به استقلال حسابرس بستگی دارد. به‌نحویکه اگر استقلال حسابرس مورد تردید باشد، کیفیت حسابرسی از نظر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی حسابرسی شده نیز پایین ارزیابی خواهد شد. استقلال می‌تواند از توانایی حسابرس در شکل گیری نظراتش حمایت کند. بنابراین، حسابرس در انجام فرآیند حسابرسی باید بی‌طرف باشد. فرانسیس (۲۰۱۱) بیان داشته که حسابرسان زمانی واجد شرایط می‌باشند که بتوانند با شایستگی و مستقل کار کنند. تحقیق انجام شده توسط سوکریسنو اگوس (۲۰۱۴)، لینگ لین (۲۰۱۴) و جمال و ساندر (۲۰۱۱) نشان داد که استقلال بر کیفیت حسابرسی تأثیر دارد. هائیریدیستا و فجرانی (۲۰۱۹) نیز بیان نمودند شکست

حسابرسی زمانی روی می‌دهد که حسابرس مستقل عمل نکند یا اگر حسابرس مستقل، گزارش حسابرسی شفاف صادر نکند چون نتوانسته است اسناد حسابرسی کافی منطبق با استانداردهای حسابرسی جمع آوری کند. شکست حسابرسی دارای پیامدهای اقتصادی برای حسابرسان، مشتریان و اشخاص ثالث می‌باشد. حسابرسی موفق زمانی روی می‌دهد که حسابرسان همسو با استانداردهای حسابرسی، عمل کنند و آراء حسابرسی صادر کنند که همسو با شرایط صورت وضعیت مالی مشتری و ریسک حسابرسی باشد.

**منابع و ماخذ**

آگاه فریبا، نادی محمدعلی، کریمی فریبا(۱۴۰۰)، شناسایی مولفه های موثر در مشارکت والدین در مدرسه: رویکردی کیفی با روش تحلیل مضمون، رساله دکترای مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان(خوراسگان).

اکرمی مقدم عفت؛ شیبانی تذرجی عباس؛ شفیعی حسین(۱۴۰۱). تاثیر ویژگیهای فردی حسابرس (استقلال، مهارت، دانش، اخلاقیات) بر توسعه و ترکیب منطقی تحقیقات حسابرسی.ماهنامه علمی (مقاله علمی –پژوهشی)جامعه شناسی سیاسی ایران،۵ (۱۱)،۶۵۰۸-.۶۴۹۵

امین عشایری،آسو(۱۴۰۱). تبیین نقش دانش مالی اعضا و استقلال مدیر عامل بر کیفیت اطلاعات حسابداری در بانکها و موسسات مالی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱(۳۸)، ۲۴۸-۲۲۵.

عبدلی ، مجتبی ؛عارف منش، زهره ؛بشیری منش ،نازنین (۱۴۰۲).آسیب شناسی استقلال حسابرس و راهکار های رفع آن ، مجله دانش حسابرسی، ۲۳(۹۱)،۲۵۷-۲۳۱.

فرزانه مینا، اقدامی اسماعیل، براری نوکاشتی صغری(۱۴۰۲). ارائه مدل مدیریت دارایی_بدهی (ALM) در تبیین شاخص‌های کیفیت سود با استفاده از روش فازیف نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی،۱۲(۴۳)،۴۷۰-۴۴۳.

گلستانی فر ، علی اصغر ؛ هاشمی ، سید صمد؛ بهادری ، آتنا؛ لشکر بلوکی ، مریم (۱۴۰۱). بررسی عوامل موثر بر استقلال حسابرس از منظر امام علی علیه السلام با تاکید بر نهج البلاغه ،فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه،۱۰ (۳۸)، ۸۸-۵۸.

ولیزاده، یوکابد و کوشکی جهرمی، علیرضا و سعدی، محمدرضا(۱۴۰۲)، ارائه الگوی پیشران های عملکرد ویترینی در سازمان های دولتی، رساله دکترای مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.

Ardillah, K . & Chandra, R . (۲۰۲۲) . AUDITOR INDEPENDENCE, AUDITOR ETHICS, AUDITOR EXPERIENCE, AND DUE PROFESSIONAL CARE ON AUDIT QUALITY, Accounting Profession Journal, ۴(۱), ۴۹-۶۰.

Campa. D . & Donnelly. R.(۲۰۱۶). Non-audit services provided to audit clients, independence of mind and independence in appearance: Latest evidence from large UK listed companies, Accounting and Business Research. ۴۶(۴), ۱-۲۸.

Claire Amake. CH. & Okafor, CH. (۲۰۱۲). Auditors Independence, Auditors' Tenure and Audit Firm Size In Nigeria, Research Journal of

Finance and Accounting , ۳(۱۰), ۱۳۷-۱۴۲.

, H. (۲۰۲۳). FACTORS INFLUENCING THE , V .& NGUYEN Doan INDEPENDENCE OF PUBLIC-SECTOR AUDITOR: A LITERATURE REVIEW, International Journal of Auditing and Accounting Studies, ۵(۲), ۱۶۵-۱۸۱.

Eunike Hasibuan, R. & Pangaribuan, H . (۲۰۲۳) . The Influence Of Independence, Integrity On Fraud Detection In Jakarta Public Accounting Firm, Management Studies and Entrepreneurship Journal, ۴(۶), ۸۵۹۹-۸۶۱۵ .

Juhaida Johari, R . Mohd Sanusi, Z . Abdul Rahman, R . & Omar, N. (۲۰۱۳). Auditors' Independence, Experience and Ethical Judgments: The Case of Malaysia, Journal of Business and Policy Research, ۸(۱), ۱۰۰-۱۱۹.

Yuniastuti Rahmina, L. & Agoes, S. (۲۰۱۴). Influence of auditor independence, audit tenure, and audit fee on audit quality of members of capital market accountant forum in Indonesia, International Conference on Accounting Studies, ۱۶۴(۲۰۱۴), ۳۲۴-۳۳۱.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٣٨٨-٣٦٩
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# توسعه کسب و کارهای خانگی در بازارچه های مرزی منطقه مکران

**خان محمد آسکانی**[١]
**مصطفی ازکیا**[٢]
**میثم موسایی**[٣]
**ولی اله رستمعلی زاده**[٤]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۸/۸ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۹/۲۰)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
هدف از مطالعه حاضر شناخت درک جامعه بومی از نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه کسب و کارهای خانگی منطقه مکران بود. روش تحقیق، گراندد تئوری (نظریه داده بنیاد) و جامعه مورد مطالعه، شامل جامعه متخصصان، متولیان و برنامه‌ریزان بازارچه‌های مرزی و صاحبان کسب و کار خانگی در بازارچه های مرزی بوده است. در این پژوهش از روش نمونه گیری هدفمند و

١- دانشجوی دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه،گروه جامعه شناسی، واحد علوم تحقیقات،دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
٢- استاد دانشکده علوم اجتماعی،دانشگاه تهران،تهران،ایران (نویسنده مسئول) mazkia@ut.ac.ir
٣ - استاد دانشکده علوم اجتماعی گروه برنامه ریزی اجتماعی،دانشگاه تهران،تهران،ایران
٤- دانشیار گروه مهاجرت و شهرنشینی، موسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران

شاخص اشباع نظری نسبت به نمونه گیری از جامعه پژوهش اقدام شد. در پژوهش حاضر با ۱۲ نفر از متخصصان، متولیان و برنامه‌ریزان بازارچه‌های مرزی و ۸ نفر از صاحبان کسب و کار خانگی در بازارچه های مرزی مصاحبه انجام شد. اطلاعات در این پژوهش به واسطه مصاحبه های نیمه ساختاریافته جمع آوری شده اند. داده های جمع آوری شده، کدبندی، مفهوم سازی و مقوله بندی شدند. سپس کدگذاری محوری و گزینشی انجام گرفت و بر مبنای مفاهیم و مقوله هسته ای نمونه های بعدی برای مصاحبه انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که با انجام مراحل سه گانه کدگذاری باز، محوری و کدگذاری گزینشی، در یک مقوله مرکزی، ۶ مقوله اصلی، ۱۰۴ مقوله فرعی و ۳۳۸ مفهوم استخراج شد. یافته های تحقیق براساس مدل پارادیمی پژوهش در پنج محور (شرایط علی، شرایط مداخله گر و شرایط زمینه ای، راهبردها و پیامدها) قرار گرفت. پس از استخراج مقولات اصلی در مرحله کدگذاری محوری ارتباط این مقولات و خرده مقولات آن در چارچوب مدل پارادایمی طراحی و بازنگری شد. مقولات اصلی در پژوهش حاضر عبارتند از: «خدمات و تسهیلات»، «احداث تفرجگاه سازگار با محیط زیست»، «توسعه گردشگری»، «توسعه شبکه حمل و نقل»، «مشارکت محلی»، «اثربخشی دولت». در نهایت نتایج تحلیل نشان داد که همه مقولات اصلی در راستای فرآیند مشترکی قرار دارند که حول محور «توانمندسازی خانوارها از طریق توسعه کسب‌وکارهای خانگی در بازارچه های مرزی» قابل تفسیر است.

**کلمات کلیدی:** توسعه کسب و کارهای خانگی، بازارچه های مرزی، منطقه مکران

### ۱- مقدمه

مرزها همواره به‌عنوان فضاهای راهبردی و جغرافیای ژئوپلیتیک تعامل، منازعه و دادوستد شناخته شده‌اند. در گذشته، به دلیل فقدان زیرساخت‌های ارتباطی و فاصله از مراکز تجاری، مبادلات در مناطق مرزی عمدتاً به‌صورت پایاپای میان ساکنان دو سوی مرز انجام می‌گرفت؛ امری که علاوه بر تأمین معیشت مردم، پیوندهای فرهنگی و اجتماعی را تقویت می‌کرد. اما در دهه‌های اخیر، تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان داده است که سازماندهی مبادلات مرزی در قالب قوانین

رسمی می‌تواند موجب گسترش تجارت قانونی، ایجاد اشتغال، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، کاهش قاچاق و ارتقای امنیت پایدار گردد (کیو آی[۱] و همکاران، ۲۰۲۰).

در ایران نیز، بازارچه‌های مرزی با هدف محرومیت‌زدایی، تثبیت جمعیت در نواحی مرزی، توسعه صادرات غیرنفتی، جلوگیری از مهاجرت و ارتقای امنیت ایجاد شده‌اند و مبانی قانونی آن در قوانین صادرات و واردات مصوب ۱۳۷۲ و آیین‌نامه‌های مربوطه ذکر شده است (مهدی‌زاد، ۱۳۸۹). امروزه ۵۰ بازارچه مرزی در کشور فعال است که برخی با رویکرد توسعه‌محور و برخی بر اساس ضرورت‌های امنیت ملی تاسیس شده‌اند (رضایی، ۱۳۸۹). با این وجود، بخشی از بازارچه‌ها فاقد کارکرد مطلوب بوده و همچنان اقتصاد غیررسمی و قاچاق نقش پررنگی در معیشت مرزنشینان ایفا می‌کند.

از منظر توسعه‌ای، مرزها غالباً با نوعی پارادوکس مواجه‌اند: از یک‌سو به‌عنوان فرصت اقتصادی و جغرافیایی دیده می‌شوند، و از سوی دیگر به دلیل تهدیدهای امنیتی، ریسک سرمایه‌گذاری، ضعف زیرساخت، پراکندگی جمعیت و توسعه‌نیافتگی تاریخی، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (گلدمن[۲] و همکاران، ۲۰۲۱؛ دهیر[۳] و همکاران، ۲۰۲۰). سیاست‌گذاری مرزی در ایران نیز همواره میان رویکرد امنیت‌محور و توسعه‌محور نوسان داشته است؛ درحالی‌که باور بر این است که توسعه پایدار و بهبود شرایط اقتصادی مرزنشینان خود عامل تقویت امنیت ملی است (سازمان مدیریت، ۱۳۷۸).

در این میان، کسب‌وکارهای خانگی به‌عنوان یکی از بخش‌های پویا و مردم‌پایه اقتصاد، قابلیت قابل‌توجهی برای ایجاد اشتغال، ارتقای درآمد، حفظ جمعیت مرزی، توانمندسازی زنان، احیای صنایع‌دستی و تقویت گردشگری فرهنگی دارند (کیو آی و همکاران، ۲۰۲۰). نظریه‌های جدید توسعه همچون توسعه مشارکتی، رویکرد دارایی‌محور و توسعه محلی بر توانمندسازی مردم، ظرفیت‌سازی اجتماعی، نقش سرمایه اجتماعی و مشارکت‌جویی محلی تأکید دارند (عنبری، ۱۳۹۰؛ تولستوی[۴] و همکاران، ۲۰۲۳؛ چن[۱] و همکاران، ۲۰۲۳). بر این اساس، تقویت

---

۱- Qi

۲- Goldman

۳- Dhir

۴- Tolstoy

بازارچه‌های مرزی می‌تواند زمینه‌ساز بهره‌برداری از ظرفیت‌های انسانی و فرهنگی مناطق مرزی و تبدیل آنها به کانون‌های تولید و تجارت خرد باشد.

منطقه مکران ـ به‌عنوان یکی از راهبردی‌ترین نواحی جنوب‌شرق کشور و هم‌مرز با پاکستان ـ واجد پتانسیل تبدیل‌شدن به قطب تجاری و ژئواکونومیک ایران است. با وجود ایجاد بازارچه‌های مرزی ریمدان و پیشین، این منطقه هنوز از اقتصاد رسمی بهره کافی نبرده و آسیب‌هایی مانند قاچاق سوخت و کالا، فقر مزمن و کمبود زیرساخت را تجربه می‌کند. همچنین به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص و دوری از مراکز قدرت و تمرکز جمعیتی، همواره در سیاست‌های ملی مورد غفلت قرار گرفته‌اند (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹). از این رو، تقویت عملکرد بازارچه‌های مرزی می‌تواند در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، ایجاد اشتغال پایدار، افزایش درآمد و ارتقای امنیت اجتماعی و سیاسی منطقه اثرگذار باشد. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش آن است که بازارچه‌های مرزی چگونه می‌توانند توسعه کسب‌وکارهای خانگی را در منطقه مکران تسهیل کنند و جامعه محلی چه درکی از این نقش دارد؟.

مطالعات متعددی در رابطه با کسب‌وکارهای خانگی، توسعه مناطق مرزی و بازارچه‌های مرزی انجام گرفته است که به چند مورد اشاره می کنیم:

نصیری هنده خاله و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی با هدف بررسی تطبیقی تأثیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بازارچه میلک بر کیفیت زندگی شهروندان زابل انجام داده اند. نتایج نشان داد عملکرد بازارچه میلک به میزان یکسانی شاخص‌های مورد بررسی را تحت تاثیر قرار نداده است. نتایج رگرسیون در زمینه رتبه‌بندی تأثیر بازارچه میلک حاکی از آن است که متغیر اقتصادی با ۴۵٪ و متغیر اجتماعی با ۳۷٪ و متغیر کالبدی با ۲۲٪ به ترتیب بیشترین و کمترین مقدار تأثیرپذیری را تبیین می‌نمایند. بازارچه ملیک در ایفای تأثیرگذاری بر بهبود سطح کیفی زندگی در ابعاد اقتصادی موفق عمل کرده است.

اکبری (۱۴۰۲) پژوهشی با هدف ارائه مدلی برای توسعه کسب و کارهای کوچک خانگی در

---

[1]- Chen

استان ایلام نشان داد که قابلیت‌های بازاریابی، هوشمندی رقابتی، خط مشی دولت، توانمندسازی کارآفرینانه، ارتباطات استراتژیک و مقبولیت اجتماعی به عنوان عوامل تاثیرگذار بر توسعه کسب و کارهای کوچک خانگی شناسایی شده اند.

محمدی (۱۴۰۱) پژوهشی با هدف تحلیل عوامل موثر بر عملکرد نامطلوب بازارچه‌های مرزی در عدم توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاهای پیرامون مرز باشماق با تحلیل عاملی نشان دادند نارسایی‌های مدیریتی؛ ضعف و کمبود در خدمات، امکانات و زیرساخت‌های بازارچه؛ ضعف در مشارکت و همکاری مردم محلی؛ کیفیت نازل توسعه روستایی منطقه و مکان‌گزینی نادرست بازارچه‌ها بر عملکرد نامطلوب بازارچه‌های مرزی در عدم توسعه اقتصادی- اجتماعی موثر هستند. همچنین آزمون تحلیل مسیر نشان داد نارسایی‌های مدیریتی بیشترین تاثیر را بر عملکرد نامطلوب بازارچه‌های مرزی دارند.

صادقی و همکاران (۱۴۰۱) با هدف بررسی اثرات بازارچه مرزی ساری سو در توسعه اقتصادی استان آذربایجان غربی به این نتیجه رسیدند که ارتباط مستقیم و معناداری میان ایجاد و تاسیس بازارچه مرزی و اثرات اقتصادی ایجاد شده وجود دارد. به عبارتی ایجاد اشتغال، افزایش تولید و افزایش درآمد و رفاه مرزنشینان از جمله اثرات مثبت بازارچه مرزی است.

آل احمد و مظفری (۱۳۹۹) با هدف طراحی الگوی توسعه اقتصادی سواحل مکران با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و امنیتی دریافتند که ساختارهای اصلی و کلیدی الگوی توسعه سواحل مکران، ساختارهای اقتصادی، نهادی، فرهنگی- اجتماعی، استراتژیک و ژئوپولتیک است که هر کدام از این ساختارها شامل مولفه‌هایی می باشند که در میان تمام مولفه‌ها استفاده از رهنمودهای مقام معظم رهبری، توسعه زیرساختهای حمل و نقل؛ استفاده از منابع و سرمایه-های بومی و محلی منطقه، همراه نمودن نهادهای غیر رسمی منطقه با اهداف توسعه اقتصادی و فعلیت‌بخشی به ظرفیت های شیلات و آبزی‌پروری در منطقه مکران از درجه اهمیت بیشتر برخوردار می‌باشند.

اعتمادی و همکاران (۱۳۹۸) با هدف بررسی توسعه منطقه ساحلی مکران در پرتو منطقه آزاد تجاری- صنعتی چابهار نشان دادند که با احداث این منطقه آزاد، ظرفیت‌هایی برای توسعه ایجاد شده؛ اما چون این منطقه از ابتدا فاقد برنامه‌ریزی بلندمدت و پیوست‌های اجتماعی بوده، پدیده‌های نامطلوبی ازجمله جدایی‌گزینی اجتماعی و توسعه نامتوازن را به همراه داشته است.

ویسی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با هدف تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی پیران و دره‌وران بر تأمین معیشت پایدار روستاییان بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان با روشی توصیفی تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و میدانی مبتنی بر مصاحبه مشاهده و توزیع پرسشنامه در میان روستاییان پرداخته‌اند. نتایج آنها حاکی از آن است که تأسیس بازارچه‌ها معیشت پایداری را برای روستاییان رقم زده است همچنین تأسیس بازارچه مرزی با کاهش آسیب‌پذیری روستاییان در برابر بحران‌ها و شوک‌ها و تنوع معیشتی زمینه‌ساز افزایش پایداری معیشت روستاییان شده است.

ماوتن و آلماکتوم[۱] (۲۰۲۳) با هدف بررسی چالش‌ها و فرصت‌های صاحبان کسب‌وکارهای کوچک فعال در شبکه‌های اجتماعی از منظر مشتریان و دیگری از دیدگاه صاحبان کسب‌وکار نشان داد که کسب‌وکارهای کوچک نقش مهمی در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و نوآوری دارند و بهره‌گیری اثربخش از رسانه‌های اجتماعی برای توسعه آن‌ها ضروری است.

تلستوی و همکاران (۲۰۲۳) با هدف بررسی نقش ایجاد بازار در عملکرد بین‌المللی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط فعال در تجارت الکترونیک فرامرزی با بهره‌گیری از نظریه اثربخشی و تحلیل داده‌های ۹۹ شرکت سوئدی نشان می‌دهد که شرکت‌ها می‌توانند با توسعه شیوه‌های نوین تعامل با مشتریان در فضای دیجیتال، تقاضای بازارهای خارجی را شکل دهند و بدین ترتیب عملکرد بین‌المللی خود را ارتقا بخشند. یافته‌ها همچنین بیان می‌کند که اثر مثبت ایجاد بازار زمانی تقویت می‌شود که شرکت‌ها از حضور فعال در بازارهای بین‌المللی، تحلیل بازاریابی خارجی و شبکه‌سازی جهانی برخوردار باشند.

تیاس و هوتاما (۲۰۲۱) با هدف بررسی استراتژی و نوآوری کسب‌وکارهای خانگی برای توسعه محلی نشان دادند که کسب‌وکارهای خانگی می‌توانند از طریق پذیرش فناوری‌های نوین رشد قابل توجهی داشته باشند و نقش مؤثری در توسعه محلی ایفا کنند و دولت نیز با وضع قوانین، مقررات و برنامه‌های حمایتی، نقش کلیدی در تقویت ظرفیت پذیرش فناوری توسط

---

[۱]- Moathen & Almaktoom

کسب‌وکارهای خانگی دارد.

شهریار[۱] (۲۰۲۱) با مطالعه مسائل مرزی هند و بنگلادش نشان داد تبدیل خط مرزی دو کشور به خط آتش و انسداد شدید آن، موجب از بین رفتن یک فرصت مهم توسعه اقتصاد برای مرزنشینان دو کشور گردیده و فرصت تبادلات تجاری مرزی از بین رفته است که درنتیجه آن فقر گسترش یافته و مهاجرت مرزنشینان و تضادهای اجتماعی افزایش می‌یابد.

تی هاو[۲] (۲۰۱۵) در پژوهشی پیرامون آثار اقتصادی فاصله از مرز نشان داد که عواملی مانند ارزش و حجم تجارت دوجانبه، تجارت حاشیه‌ای، رقابت در بازار و میان شرکت‌ها، یکپارچه‌سازی منطقه و تحلیل سود و هزینه‌ها، تجارت، نوآوری و فناوری، و همچنین ادغام و همگرایی اقتصاد کلان، به طور مستقیم بر تأثیر اقتصادی فاصله از مرز مؤثر هستند.

## ۲- روش تحقیق

تحقیق کیفی با معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف ویژگی‌ها سروکار دارد و بر این فرض استوار است که کنش متقابل اجتماعی کلیتی در هم‌تنیده از روابط را شکل می‌دهد که از طریق استقرا قابل درک است (باین، ۲۰۰۵ به نقل از محمدی، ۱۳۸۷). در میان روش‌های کیفی، روش تئوری بنیانی به دلیل ویژگی‌هایی مانند قابلیت نظری، تعامل مداوم و فعال محقق با موضوع تحقیق و قابلیت اصلاح، اهمیت زیادی برای تدوین چارچوب‌های نظری و شناخت مسائل اجتماعی دارد (ازکیا و ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰).

با توجه به موضوع پژوهش حاضر و سوال‌های اساسی تحقیق که به دنبال «درک جامعه بومی از نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه کسب و کارهای خانگی منطقه مکران» و شناسایی عوامل تاثیرگذار، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای توسعه کسب و کارهای خانگی در منطقه مکران با تأکید بر نقش بازارچه‌های مرزی است، از روش تئوری بنیانی استفاده شد. این روش بر ساختن نظریه از اطلاعات به صورت استقرایی تأکید دارد. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته با دو گروه شامل جامعه متخصصان، متولیان و برنامه‌ریزان

---

۱- Shahriar

۲- T.Huw

بازارچه‌های مرزی و صاحبان کسب و کارهای خانگی در بازارچه‌های مرزی استفاده شد. انتخاب شرکت‌کنندگان تحقیق با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف آغاز و با نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. بدین منظور، ابتدا از هر گروه ۳ نفر انتخاب شدند که همگی در زمینه کسب و کار خانگی دارای اطلاعات بودند. تجزیه و تحلیل اطلاعات و کشف مفاهیم و مقولات از طریق سه نوع کدگذاری انجام شد: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی. در کدگذاری باز، محقق به طور مرتب و مکرر، سوال‌های موسوم به «سوال اساسی» را در مقابل متن قرار می‌داد: چه چیز؟ چه کسی؟ چگونه؟ کی؟ چه مدت؟ کجا؟ چقدر؟ با چه شدتی؟ چرا؟ به چه منظور؟ با چه وسیله‌ای؟ مفاهیم و مقولات از طریق مقایسه مداوم، پاسخ به این سوال‌ها و مرور یادداشت‌های میدانی استخراج شدند. در کدگذاری محوری، انواع روابط بین مفاهیم و مقولات جستجو و به شکل مدل پارادایمی ترسیم شد. در کدگذاری انتخابی، تحلیل از سطح توصیفی فراتر رفته و خط داستانی تشریح می‌شود؛ در این مرحله، یک مفهوم به پدیده اصلی داستان نسبت داده می‌شود. مرحله تفسیر داده‌ها، مشابه افزودن داده‌های اضافی، در نقطه اشباع نظری پایان می‌یابد (فلیک، ۱۳۸۷).

## ۳- یافته ها

با انجام مراحل سه گانه کدگذاری باز، محوری و کدگذاری گزینشی، در مجموع ۶ مقوله اصلی، ۱۰۴ مقوله فرعی و ۳۳۸ مفهوم استخراج شد. پس از استخراج مقولات اصلی در مرحله کدگذاری محوری ارتباط این مقولات و خرده مقولات آن در چارچوب مدل پارادایمی طراحی و بازنگری شد. مقولات اصلی در پژوهش حاضر عبارتند از: «خدمات و تسهیلات»، «احداث تفرجگاه سازگار با محیط زیست»، «توسعه گردشگری»، «توسعه شبکه حمل و نقل»، «مشارکت محلی»، «اثربخشی دولت». در نهایت نتایج تحلیل نشان داد که همه مقولات اصلی در راستای فرآیند مشترکی قرار دارند که حول محور «توانمندسازی خانوارها از طریق توسعه کسب‌وکارهای خانگی در بازارچه های مرزی» قابل تفسیر است. این پدیده مرکزی بیشترین پیوند را با سایر مقولات داشته و به‌عنوان محور یکپارچه‌سازی یافته‌ها انتخاب شد.

**شرایط علی:** عواملی که موجب پیدایش پدیده «توانمندسازی پایدار خانوارهای مرزنشین از

طریق توسعه کسب‌وکارهای خانگی در بازارچه های مرزی» می شوند، «فشارهای اقتصادی و نیاز به درآمد»، «ظرفیت های طبیعی و جغرافیایی» و «فرهنگ و هویت بومی» هستند. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها تأکید کرده‌اند که فشارهای اقتصادی و نبود فرصت‌های شغلی پایدار، خانواده‌ها و به‌ویژه جوانان را به سمت کسب‌وکارهای خانگی سوق داده است. درآمدهای موقت و فصلی به دلیل عدم ثبات، پاسخگوی نیازهای زندگی نیستند و ریسک بالایی برای آینده خانواده‌ها ایجاد می‌کنند. در این شرایط، راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی مستقل و قابل مدیریت، امکان ایجاد درآمد پایدار و کاهش نگرانی‌های مالی را فراهم می‌کند و در واقع، کسب‌وکارهای خانگی به یک راهکار موثر برای امنیت اقتصادی و کنترل آینده خانواده‌ها تبدیل می‌شوند. همچنین معتقدند ظرفیت‌های طبیعی و جغرافیایی مناطق مرزی نقش مکملی در توانمندسازی خانوارها دارند. موقعیت مرزی امکان دسترسی به بازارهای محلی و حتی صادرات خرد محصولات سنتی و صنایع‌دستی را فراهم می‌کند و تنوع اقلیمی و منابع طبیعی منطقه فرصت‌هایی در حوزه دامداری، گیاهان دارویی، گردشگری روستایی و تولیدات بومی ایجاد می‌کند. بهره‌برداری هوشمندانه از این ظرفیت‌ها، زمینه رشد کسب‌وکارهای خانگی و ایجاد درآمد پایدار را فراهم می‌سازد. علاوه بر این، فرهنگ و هویت بومی، به ویژه مهارت‌های سنتی و صنایع‌دستی منتقل‌شده نسل به نسل، پایه‌ای برای توسعه کسب‌وکارهای خانگی است. روحیه همکاری و همیاری در جوامع مرزی امکان اشتراک تجربه‌ها و تولیدات جمعی را فراهم می‌کند و حمایت اجتماعی موجود، پشتیبانی مهمی برای توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌شود. در مجموع ترکیب این سه عامل، امکان ایجاد کسب‌وکارهای خانگی در بازارچه‌های مرزی را فراهم می‌کند که نه تنها درآمد پایدار برای خانوارها ایجاد می‌کند، بلکه حفظ هویت محلی، توسعه اقتصادی منطقه و توانمندسازی اجتماعی خانواده‌ها را نیز به همراه دارد. به عبارت دیگر، توسعه کسب‌وکارهای خانگی در بازارچه‌های مرزی، راهکاری جامع برای توانمندسازی پایدار خانوارهای مرزنشین است.

**شرایط مداخله‌گر:** شرایط مداخله‌گر در توانمندسازی خانوارهای مرزنشین از طریق توسعه کسب‌وکارهای خانگی، شامل مجموعه‌ای از عوامل نهادی، اطلاعاتی و ساختاری است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تسهیل یا محدود کردن توسعه پایدار این کسب‌وکارها ایفا کند. حمایت‌ها و سیاست‌های دولتی و محلی از جمله مهم‌ترین این عوامل هستند؛ بسیاری از

خانوارهای مرزنشین توان مالی کافی برای راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی ندارند و وام‌های خرد می‌توانند نقطه شروع مناسبی باشند، مشروط بر اینکه دسترسی به آن‌ها ساده و بومی‌سازی شده باشد. علاوه بر تأمین مالی، ارائه آموزش‌های کاربردی در زمینه مدیریت هزینه، بازاریابی و بسته‌بندی و مشاوره‌های مستمر، کیفیت محصولات و اعتماد به نفس تولیدکنندگان را افزایش می‌دهد و زنان که نقش ستون اقتصاد خانوار را دارند با بهره‌مندی از چنین حمایت‌هایی می‌توانند مشارکت فعال‌تری در اقتصاد محلی داشته باشند. دسترسی به بازار و اطلاعات، محور دوم شرایط مداخله‌گر است؛ بسیاری از تولیدکنندگان محلی به دلیل فقدان شبکه توزیع و اطلاعات کافی از نیاز بازار، ناچار به فروش محصولات خود با قیمت پایین به واسطه‌ها هستند. ایجاد شبکه‌های بازاریابی مرزی، آموزش بازاریابی دیجیتال، حضور در نمایشگاه‌ها و ایجاد برند محلی، به همراه بهره‌گیری از ظرفیت تجارت خرد با کشورهای همسایه، می‌تواند تحول قابل توجهی در توسعه پایدار کسب‌وکارهای خانگی ایجاد کند. محور سوم، محدودیت‌های ساختاری و امنیتی است؛ محدودیت‌های امنیتی طبیعی، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ارتباطات، از جمله نبود جاده مناسب، اینترنت پایدار و مراکز توزیع، فرآیندهای تجاری را کند کرده و باعث می‌شود بسیاری از طرح‌ها نیمه‌کاره یا غیرمقرون به صرفه باقی بمانند. بنابراین، توانمندسازی خانوارهای مرزنشین نیازمند هماهنگی میان حمایت‌های دولتی و محلی، دسترسی به بازار و اطلاعات و ارتقای زیرساخت‌هاست، به‌طوری که توجه همزمان به این سه محور می‌تواند کسب‌وکارهای خانگی را به درآمد پایدار، امنیت اقتصادی و توسعه محلی پایدار منجر کند.

**شرایط زمینه‌ای:** شرایط زمینه‌ای در توانمندسازی خانوارهای مرزنشین از طریق توسعه کسب‌وکارهای خانگی، به بافت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی منطقه اشاره دارد که می‌تواند مسیر رشد این کسب‌وکارها و پایداری اقتصادی خانوارها را تسهیل یا محدود کند. یکی از مهم‌ترین ابعاد این شرایط، ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه است؛ مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها بیان کردند که اعتماد و تعامل نزدیک میان افراد جامعه، زمینه‌ای مناسب برای همیاری در فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌کند. از قدیم رسم بوده که مردم کارها را با همکاری هم انجام دهند و این روحیه در کارهای اقتصادی امروز نیز ادامه دارد، به‌ویژه در کسب‌وکارهای خانگی که همسایگان در بسته‌بندی، فروش و حمایت از محصولات مشارکت می‌کنند. همچنین تولید

خانگی به‌ویژه برای زنان ارزشمند شمرده می‌شود و خانواده‌ها آن‌ها را در فعالیت‌های اقتصادی محلی حمایت می‌کنند، اگرچه برخی باورهای سنتی ممکن است حضور گسترده‌تر زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه را محدود کند. زیرساخت‌های محلی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در توانمندسازی خانوارها دارند. اینترنت ضعیف و محدودیت در خدمات محلی باعث دشواری در تبلیغ و فروش محصولات و پیگیری امور اداری مانند دریافت مجوز و وام می‌شود. نبود بازارچه‌ها و فضای فروش ثابت، امکان دسترسی مستمر به مشتریان را کاهش می‌دهد و مانع تثبیت درآمد زنان روستایی می‌شود. ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی مناسب، از جمله اینترنت پایدار، مراکز خدمات و بازارچه‌های دائمی، می‌تواند توانمندی خانوارها را برای توسعه کسب‌وکارهای خانگی به شکل چشمگیری افزایش دهد.

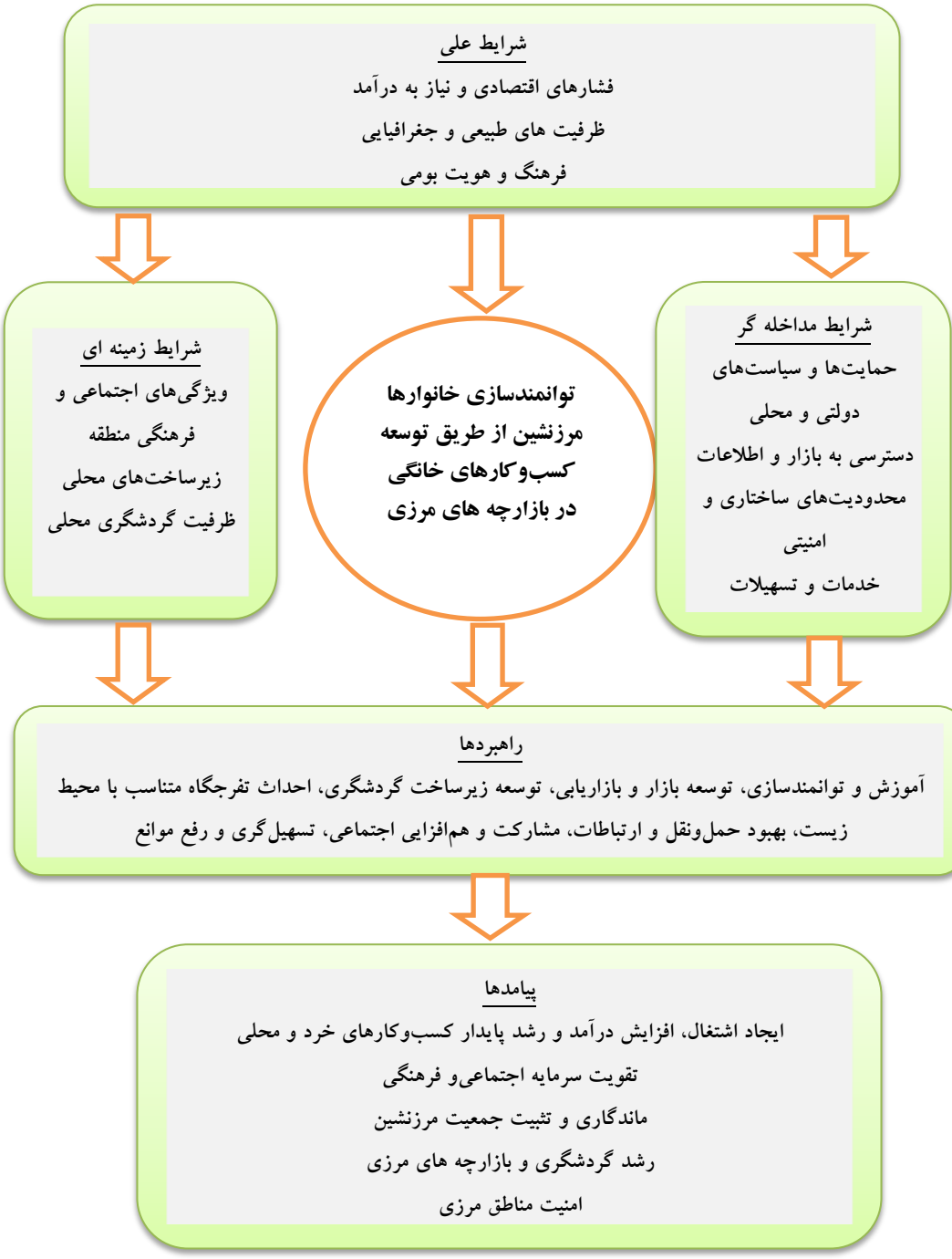
ظرفیت گردشگری محلی نیز از دیگر عوامل مؤثر است؛ آداب و رسوم، غذاهای محلی، لباس‌های بومی و طبیعت زیبای منطقه جذابیت ویژه‌ای برای گردشگران دارد. بسیاری از خانوارها فضای خالی در خانه‌های خود دارند که می‌توانند به اقامتگاه‌های بوم‌گردی تبدیل شوند و همزمان صنایع‌دستی و محصولات محلی خود را به گردشگران عرضه کنند. حمایت در زمینه امکانات و زیرساخت‌های گردشگری، می‌تواند منبع درآمد جدیدی برای خانوارها ایجاد کند و کیفیت زندگی آن‌ها را به‌طور قابل توجهی بهبود بخشد. در مجموع، شرایط زمینه‌ای اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و گردشگری، چارچوبی فراهم می‌کنند که رشد و پایداری کسب‌وکارهای خانگی در مناطق مرزی را تسهیل می‌کند و زمینه توانمندسازی پایدار خانوارها را ایجاد می‌کند.

**راهبردها:** راهبردها مجموعه اقداماتی هستند که با هدف توانمندسازی پایدار خانوارهای مرزنشین طراحی می‌شوند و در پاسخ به شرایط علّی، در بستر شرایط زمینه‌ای و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر اتخاذ می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این راهبردها آموزش و توانمندسازی است؛ برگزاری دوره‌های مهارتی به ویژه برای زنان و جوانان، تقویت مهارت‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی کسب‌وکار، و آموزش هدف‌گذاری و توسعه کسب‌وکار، موجب می‌شود افراد نه تنها تولیدکننده، بلکه کارآفرین شوند و کسب‌وکارهای خانگی پایدار شکل گیرد .توسعه بازار و بازاریابی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و شامل ایجاد بازارهای محلی دائمی، برگزاری نمایشگاه‌های مستمر، ارتقای بسته‌بندی و برندسازی محلی و اتصال محصولات مرزی به بازارهای شهری و صادرات خرد می‌شود. در زمینه توسعه زیرساخت گردشگری، تجهیز و توسعه

اقامتگاه‌های بوم‌گردی، معرفی جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی و طراحی تورهای گردشگری می‌تواند زمینه درآمد مکمل برای خانوارها را فراهم کند. همچنین بهبود حمل‌ونقل و ارتباطات، شامل توسعه اینترنت پایدار و شبکه‌های ارتباطی، بهبود راه‌های دسترسی به شهرها و مراکز فروش، و توسعه شبکه‌های توزیع و حمل محلی، نقش مهمی در تسهیل عرضه و فروش محصولات دارد .مشارکت و هم‌افزایی اجتماعی از طریق ایجاد گروه‌ها و تعاونی‌های محلی، شبکه‌سازی میان تولیدکنندگان و فروشندگان و تبادل تجربه و اطلاعات، موجب افزایش هماهنگی، اشتراک منابع و قدرت رقابت کسب‌وکارها می‌شود. در نهایت، تسهیل‌گری و رفع موانع با کاهش پیچیدگی‌های اداری، تسهیل دسترسی به منابع مالی و وام‌های خرد و ارائه حمایت مشاوره‌ای مستمر در زمینه مدیریت، بازاریابی و مالی، انگیزه خانوارها برای شروع و توسعه کسب‌وکارهای خانگی را افزایش می‌دهد و زمینه دستیابی به توانمندسازی پایدار را فراهم می‌آورد.

**پیامدها:** تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی پایدار خانوارهای مرزنشین از طریق توسعه کسب‌وکارهای خانگی در بازارچه های مناطق مرزی، علاوه بر ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی، پیامدهای گسترده اجتماعی، فرهنگی و امنیتی نیز به همراه دارد. از جمله پیامدهای اقتصادی می‌توان به ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و رشد پایدار کسب‌وکارهای خرد و محلی اشاره کرد. مشارکت‌کنندگان معتقدند که برگزاری دوره‌های مهارتی و آموزشی برای زنان و جوانان، علاوه بر افزایش توانایی مدیریت کسب‌وکارهای خانگی، موجب افزایش اعتمادبه‌نفس و درآمد پایدار خانوارها می‌شود و زمینه تثبیت جمعیت در مناطق مرزی را فراهم می‌آورد. آموزش‌های مرتبط با بازاریابی، حسابداری و فروش اینترنتی موجب دیده شدن بهتر محصولات و افزایش فروش آن‌ها شده و در نتیجه، سرمایه اجتماعی در سطح جامعه تقویت می‌شود. توسعه بازارهای محلی دائمی و نمایشگاه‌ها، همراه با آموزش‌های برندسازی و فروش آنلاین، باعث افزایش درآمد خانوار، تثبیت جمعیت و رونق بازارچه‌های مرزی می‌شود. اتصال محصولات به بازارهای شهری و ملی نیز درآمد پایدار خانوارها را تضمین کرده و انگیزه ادامه فعالیت در منطقه را افزایش می‌دهد، که به تقویت توانمندسازی پایدار و افزایش امنیت و ثبات

منطقه منجر می‌شود. همچنین تجهیز و توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی و امکانات گردشگری، با جذب گردشگر و افزایش فروش صنایع‌دستی، درآمد خانوار و رونق کسب‌وکارهای محلی را افزایش داده و به تثبیت جمعیت کمک می‌کند. بهبود راه‌ها و زیرساخت‌های اینترنت و شبکه‌های ارتباطی امکان ارسال محصولات به بازارهای دورتر را فراهم کرده و پایداری کسب‌وکارها را افزایش می‌دهد. شبکه‌های توزیع منظم، همکاری میان افراد و تسهیل فرآیندهای اداری نیز باعث رشد کسب‌وکارهای خانگی، افزایش درآمد خانوار، تثبیت جمعیت و تقویت امنیت اقتصادی منطقه می‌شوند. دسترسی آسان به منابع مالی و دریافت مشاوره تخصصی، نهایتاً موجب توسعه کسب‌وکارها و ایجاد توانمندسازی پایدار در خانوارهای مرزنشین می‌گردد.




شکل (۱)- مدل پارادایمی نهایی

**مقایسه با ادبیات موجود**

در ادبیات پژوهش توانمندسازی مفهومی وسیع و دامنه داری است که در سطوح متعدد خرد و کلان و در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و .. مطرح می شود. اما آنچه در اینجا مطرح است ابعاد خاصی از توانمندسازی پایدار است که در خصوص توسعه کسب و کار خانگی برای خانوارهای مرزنشین با تاکید بر نقش بازارچه های مرزی است. توانمندسازی پایدار به معنای افزایش ظرفیت‌ها، منابع و عاملیت خانوارها است تا آن‌ها بتوانند به طور مستمر و مستقل معیشت و رفاه خود را ارتقا دهند و در برابر تهدیدهای اقتصادی و اجتماعی مقاومت نشان دهند. از منظر رویکرد توسعه جامعه محلی، توانمندسازی با اتکا بر ظرفیت‌های درونی جامعه، مشارکت محلی، شبکه‌سازی اجتماعی و استفاده از منابع بومی تحقق می‌یابد. کسب‌وکارهای خانگی علاوه بر تولید اقتصادی، موجب افزایش سرمایه اجتماعی، مهارت‌های جمعی، خوداتکایی و جلوگیری از مهاجرت می‌شوند .رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی تأکید می‌کند که اتصال مؤثر به مراکز شهری، بازارها و خدمات، زیرساخت و حمل‌ونقل، پیش‌شرط رشد اقتصادی و توانمندسازی است. رویکردهای مردم‌شناختی اقتصادی توانمندسازی را در چارچوب فرهنگ، سنت‌ها و اقتصاد معیشتی می‌بیند و کسب‌وکارهای خانگی را به عنوان تجلی ارزش‌های فرهنگی و سرمایه اجتماعی فعال می‌داند .نهادگرایی اقتصادی نقش دولت و نهادها را در فراهم کردن وام، آموزش، بازارچه‌ها و مجوزهای ساده برای حمایت از کسب‌وکارهای خانگی و توانمندسازی خانوارها برجسته می‌کند .مدیریت فرصت‌محور مرزها را به عنوان فرصت اقتصادی در نظر می‌گیرد و بهره‌برداری از تجارت مرزی، گردشگری و منابع طبیعی را محور توانمندسازی می‌داند .توانمندسازی کارآفرینانه فقرا بر افزایش اعتمادبه‌نفس، مهارت، استقلال اقتصادی و عاملیت فردی تأکید دارد و کسب‌وکارهای خانگی را ابزار خودکارآمدی و خروج از چرخه فقر می‌داند. در میان نظریه‌های توسعه، نظریه قطب رشد نشان می‌دهد که تمرکز فعالیت اقتصادی در قطب‌ها ابتدا فرصت رشد ایجاد می‌کند و سپس اثرات آن به سایر خانوارها منتقل می‌شود .نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر اهمیت بازارچه‌ها و مراکز تجاری را در دسترسی خانوارها به مشتریان و منابع اقتصادی روشن می‌سازد .رویکرد قابلیت‌ها از آمارتیا سن توسعه را بر اساس توانایی واقعی خانوارها در انتخاب و اجرای فعالیت‌های اقتصادی معنادار تعریف می‌کند و کسب‌وکارهای خانگی می‌توانند آزادی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را افزایش دهند .

نظریه وام خرد محمد یونس امکان دسترسی فقرا به منابع مالی و ایجاد کسب‌وکارهای پایدار را فراهم می‌کند. از دیدگاه نظریه‌های جامعه‌شناسی، زیمل بر عقلانیت اقتصادی و منطق بازار تأکید دارد و نشان می‌دهد که دسترسی به منابع و بازارچه‌های مرزی توان اقتصادی خانوارها را تقویت می‌کند .بوردیو اهمیت سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بهره‌برداری از آن‌ها برای کسب جایگاه اقتصادی را برجسته می‌کند .کاستلز با تأکید بر جامعه شبکه‌ای، نقش شبکه‌ها و جریان آزاد اطلاعات، دانش و فرصت‌ها را در توانمندسازی خانوارها توضیح می‌دهد و آلن تورن عاملیت انسانی و کنشگری فعال خانوارها را در استفاده از فرصت‌ها و منابع محلی مد نظر قرار می‌دهد.

در مجموع، هیچ رویکرد یا نظریه‌ای به تنهایی نمی‌تواند تمام ابعاد توانمندسازی پایدار خانوارهای مرزنشین از طریق کسب‌وکارهای خانگی را توضیح دهد؛ تلفیق رویکردها و نظریه‌ها امکان طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای اثربخش‌تر و پایدارتر در مناطق مرزی را فراهم می‌آورد.

## ٤- نتیجه گیری

توانمندسازی پایدار خانوارها از طریق توسعه کسب‌وکارهای خانگی در بازارچه‌های مرزی پدیده‌ای چندبُعدی است که در تقاطع ساختارهای اقتصادی، شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ محلی، نقش دولت و کنشگری فردی شکل می‌گیرد. برای سیاست‌گذاری مؤثر در این زمینه، لازم است توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، شبکه‌های حمل‌ونقل و خدمات، تقویت مشارکت محلی، ارتقای مهارت‌ها و فرهنگ کارآفرینی، ایجاد سازوکارهای حمایتی دولت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محیطی و گردشگری، و همچنین بهره‌برداری از شبکه‌های اجتماعی و جریان اطلاعات به صورت هم‌زمان و هماهنگ دنبال شود. تنها در این صورت است که کسب‌وکارهای خانگی می‌توانند به ابزاری پایدار برای توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانوارها تبدیل شوند و نقش مؤثر خود را در توسعه منطقه‌ای و رفاه اجتماعی ایفا کنند.

با این حال، اجرای پژوهش در منطقه مکران محدودیت‌هایی داشت. دسترسی به برخی متولیان و برنامه‌ریزان بازارچه‌ها دشوار بود و بخشی از آن‌ها به دلیل مشغله کاری و حساسیت اطلاعاتی با

احتیاط مشارکت کردند. دسترسی به زنان صاحب کسب‌وکار خانگی نیز به دلیل شرایط فرهنگی و امنیتی محدود بود و برخی به علت نگرانی از بیان مسائل اقتصادی و روابط تجاری خودسانسوری می‌کردند. پراکندگی جغرافیایی روستاها و بازارچه‌ها، فاصله زیاد از مراکز شهری و محدودیت‌های حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها، برنامه‌ریزی و حضور پژوهشگر در میدان تحقیق را با چالش مواجه کرد. علاوه بر این، با توجه به رویکرد کیفی و نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، نمونه‌گیری نظری مستلزم تداوم مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری بود که زمان‌بر و نیازمند اعتمادسازی بود. تغییرات اقتصادی و سیاست‌های مرزی نیز گاهی باعث محدودسازی اطلاعات از سوی مشارکت‌کنندگان می‌شد.

با توجه به محدودیت‌ها و یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود نهادهای دولتی و غیردولتی با تمرکز بر ارائه خدمات مالی مانند وام‌های کم‌بهره و تسهیلات اعتباری، بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل و برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی، زمینه رشد و توسعه پایدار کسب‌وکارهای خانگی را فراهم کنند. ایجاد مراکز مشاوره‌ای و شبکه‌های حمایت محلی می‌تواند اثر محدودیت‌ها را کاهش دهد و ظرفیت تولید و پایداری اقتصادی خانوارها را افزایش دهد. احداث تفرجگاه‌های سازگار با محیط زیست و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گردشگری با رعایت اصول محیط‌زیستی، علاوه بر ایجاد اشتغال و افزایش درآمد، پیوندهای اجتماعی و تعاملات فرهنگی جامعه محلی را تقویت می‌کند و زمینه توسعه پایدار گردشگری و کسب‌وکارهای مرتبط را فراهم می‌آورد. همچنین سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تأمین وسایل نقلیه، مراکز لجستیکی و آموزش نیروی انسانی متخصص، باعث افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه و زمان تحویل کالا، ارتقای کیفیت خدمات و ایجاد دسترسی پایدار به بازارهای محلی و فرامرزی می‌شود و نقش مهمی در توانمندسازی اقتصادی خانوارها دارد. تقویت اعتماد اجتماعی و انسجام جامعه از طریق برگزاری جشنواره‌ها، رویدادهای محلی، آموزش اقتصادی و ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان فعالان کسب‌وکار و نهادها، مشارکت محلی را افزایش می‌دهد و همبستگی اجتماعی، توسعه بازار و توانمندی جمعی را ارتقا می‌بخشد. دولت با ارائه تسهیلات مالی، توسعه زیرساخت‌ها، ظرفیت‌سازی آموزشی و مشاوره‌ای، نقش کلیدی در توانمندسازی خانوارهای مرزنشین دارد. ایجاد شبکه‌های حمایتی و انجمن‌های محلی، تسهیل دسترسی به بازارهای فرامرزی، حمایت از نوآوری و فناوری و پایش مستمر اجرای طرح‌ها،

می‌تواند پایداری اقتصادی، ارتقای توانمندی‌های انسانی، تثبیت جمعیت، افزایش امنیت اجتماعی و بهبود رفاه خانوارها را تضمین کند. در نهایت، طراحی برنامه‌های توسعه با نگاه جامع، شامل تقویت بازار، آموزش، زیرساخت و سرمایه اجتماعی، می‌تواند پیامدهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی بهینه برای خانوارهای مرزنشین فراهم کرده و زمینه‌ساز توانمندسازی پایدار کسب‌وکارهای خانگی شود.

**منابع**

ازکیا، مصطفی و ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰)، **روش های کاربردی تحقیق؛ کاربرد نظریه بنیانی**، جلد دوم، تهران: شرکت انتشارات کیهان، چاپ اول

اکبری، محمدرضا، (۱۴۰۲)، **شناسایی عوامل موثر بر توسعه کسب و کارهای کوچک خانگی**، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت صنعتی، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی باختر ایلام

آل احمد، مهرداد و مظفری، زانا (۱۳۹۹)، «الگوی توسعه اقتصادی سواحل مکران با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی و امنیتی»، **فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار**، ۵ (۱۶).

حافظ‌نیا، محمدرضا، علمدار، اسماعیل و رضایی سکه روانی، داود (۱۳۹۹)، «نقش توسعه سواحل مکران و ایران و راهبرد دریاگرایی بر توسعه محور شرق کشور»، **فصلنامه آمایش سیاسی فضا**، ۲ (۲).

رضایی، محمد (۱۳۸۹)، **تأثیر بازارچه‌های مرزی بر رشد فیزیکی و اقتصادی_ و اجتماعی شهری مجاور؛ مورد بازارچه مرزی باشماق مریوان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.

صادقی، سیدکمال و سیف لو، رقیه و افشانی، محمود. (۱۴۰۱). «بررسی اثرات بازارچه مرزی ساری سو در توسعه اقتصادی استان آذربایجان غربی»، **چهارمین کنفرانس بین المللی ایده های نوین در مدیریت، حسابداری، اقتصاد و بانکداری**

عنبری، موسی (۱۳۹۰)، **جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ**، تهران: **نشر سمت**.

محمدی، بیوک. (۱۳۸۷)، **درآمدی بر روش تحقیق کیفی**. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهدی زاد، صباح (۱۳۸۹)، **تحلیل بازتاب‌های سیاسی فضایی بازارچه‌های مرزی (نمونهٔ موردی: بازارچه مرزی باشماق مریوان)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

نصیری هنده خاله، اسماعیل، سالاری نیا، مرضیه، زهی، امید جمشید و رجبی کلوانی، امیر هوشنگ (۱۴۰۳)، «بررسی تطبیقی تأثیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بازارچه میلک بر کیفیت زندگی شهروندان زابل»، **مهندسی جغرافیایی سرزمین**، ۸ (۲).

محمدی، سعدی (۱۴۰۱)، «تحلیل عوامل مؤثر بر عملکرد نامطلوب بازارچه‌های مرزی در عدم توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای پیرامون مرز باشماق مطالعه موردی: روستاهای مرزی شهرستان مریوان»،**مجله آمایش جغرافیایی فضا**، ۱۲ (۱).

اعتمادی، کیانا، صرافی، مظفر، ندایی، طوسی (۱۳۹۸)، «توسعه منطقه ساحلی مکران در پرتو منطقه آزاد تجاری-صنعتی چابهار»، **فصلنامه برنامه ریزی توسعه شهری و منطقه ای**، ۴ (۸)

ویسی، فرزاد، قربانی، محمد صدیق و داستوار، عدنان (۱۳۹۶)، «تحلیل اثر بازارچه‌های مرزی بر معیشت

پایدار پس‌کرانه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش خاومیرآباد شهرستان مریوان)»، **پژوهش های روستائی**، ۸ (۳).

Chen, W. H., Lin, Y. C., Bag, A., & Chen, C. L., (۲۰۲۳), "Influence Factors of Small and Medium-Sized Enterprises and Micro-Enterprises in the Cross-Border E-Commerce Platforms", **Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research**, ۱۸(۱).

Dhir, S., Rajan, R., Ongsakul, V., Owusu, R. A., & Ahmed, Z. U. (۲۰۲۱), "Critical success factors determining performance of cross-border acquisition: Evidence from the African telecom market", **Thunderbird International Business Review**, ۶۳(۱).

Goldman, S. P., van Herk, H., Verhagen, T., & Weltevreden, J. W., (۲۰۲۱), "Strategic orientations and digital marketing tactics in cross-border e-commerce: Comparing developed and emerging markets", **International small business journal**, ۳۹(۴).

Moathen, D., & Almaktoom, A., (۲۰۲۳), "Startup Home-Based Social Media Businesses", **International Journal of Professional Business Review**, ۸(۴).

Qi, X., Chan, J. H., Hu, J., & Li, Y., (۲۰۲۰), "Motivations for selecting cross-border e-commerce as a foreign market entry mode", **Industrial Marketing Management**, ۸۹.

Shahriar, S., (۲۰۲۱), "Bangladesh-India border issues: A critical review", **Geoforum**, ۱۲۴ (۵).

Tolstoy, D., Melén Hånell, S., & Özbek, N., (۲۰۲۳), "Effectual market creation in the cross-border e-commerce of small-and medium-sized enterprises", **International Small Business Journal**, ۴۱(۱).

T.Huw, E., (۲۰۱۵), "Loughborough University, and Jan Van Hove, KU Leuven", **Distance and Border Effects in Economics**, ۱۶(۹).

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٤١٣-٣٨٩
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# ارائه الگوی تدوین خط‌مشی پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت

**فائزه رضائی**[١]
**روح اله سمیعی**[٢]
**راضیه نادرخانی**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۷/۲۷ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۲۳)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده
هدف از پژوهش حاضر، ارائه الگوی تدوین خط‌مشی پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت بود. روش پژوهش، کیفی و مبتنی بر روش تحلیل مضمون است. جامعه آماری این پژوهش شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه و خبرگان حوزه سلامت بود که نمونه‌گیری با استفاده از روش غیراحتمالی به شیوه هدفمند صورت گرفت. جمع‌آوری اطلاعات تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت و تعداد ۱۵ مصاحبه فردی نیمه ساختاریافته انجام گرفت. فرایند کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و گزینشی انجام گرفت و در نهایت به طراحی الگوی مضامین پرداخته شده است. در مجموع ۲۲۵ کد اولیه ایجاد شد؛ سپس به دلیل کثرت کدها

[١]- گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.
[٢]-گروه مدیریت، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.roohalla.samiee@iau.ac.ir
[٣]-گروه آمار، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران.

تمامی کدهای مشابه بر پایهٔ قرابت مفهومی و معنایی در گروه خاص خود قرار گرفتند و به ۲۶ مقوله فرعی تقلیل یافتند و نهایتاً بر اساس کدهای باز ثانویه، هفت مقولهٔ اصلی شامل اقتصادی، آموزشی، اجتماعی، فناوری، سیاسی، رفتاری و زیست بومی می‌باشند. در مرحله بعد به منظور برقراری رابطه بین مفاهیم تولید شده در مرحله کدگذاری کدها و مولفه ها وارد محیط نرم افزار مکس کیودا شد و شبکه مضامین ترسیم گردید و الگوی نهایی ارائه شد.در نهایت برای پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها با اجرای بسته‌ای جامع از سیاست‌های مالی و حمایتی، محیطی جذاب و پایدار برای فعالیت سرمایه‌های انسانی ارزشمند فراهم کنند.

**کلید واژه‌ها:** خط مشی، مهاجرت،نخبگان،سلامت.

### ۱-مقدمه

امروزه مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای جهانی است که در همه کشورها از جمله ایران مشاهده می‌شود(راغب و کرمی،۱۴۰۳). مهاجرت نخبگان یک مسئله چند بعدی است که می‌توان از ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی به آن توجه کرد(بزرگ‌زاد و همکاران،۱۳۹۹) و در روند توسعه ملی کشورهای در حال توسعه، اثرات منفی دارد(زندی و همکاران،۱۳۹۸). از آنجا که یکی از نظام‌های مهم روند توسعه ملی کشور، نظام سلامت است، مهاجرت نخبگان حوزه سلامت یکی از معضل‌های جدی کشور است، تا جایی که بنابر اعلام بانک مرکزی، مهاجرت نخبگان حدود ۱۵۰ میلیارد دلار ضرر سالانه برای دولت به همراه داشته است. از این‌رو پیشگیری از مهاجرت نخبگان باید یکی از برنامه‌های اساسی مسئولین کشور باشد(ملک‌پور افشار و همکاران،۱۴۰۱)، زیرا این نخبگان با دانش و تخصص خود می‌توانند به ارتقاء کیفیت خدمات و پژوهش‌های علمی در حوزه سلامت و بالتبع آن بهبود روند توسعه ملی کشورها کمک کنند(کریگر[۱]، ۲۰۲۳). در مورد پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت در داخل کشور پژوهش‌هایی اندکی صورت گرفته است که می‌توان به تحقیقات نوری‌حکمت و

---

[۱]- Krieger

همکاران (۱۳۸۸)،اسماعیل‌زاده و ذاکر صالحی(۱۳۹۳)، ملک‌پور افشار و همکاران(۱۴۰۱)، حق‌دوست و همکاران(۱۴۰۱)، شریفی و همکاران(۱۴۰۲)، مؤمنی و همکاران (۱۴۰۲) و جان‌نثار و همکاران(۱۴۰۲) اشاره داشت. هر کدام از این پژوهش‌ها به علل و عوامل مؤثر در مهاجرت و راهکارهای مواجهه با آن پرداختند و برداشت‌های مختلفی از پیشگیری از مهاجرت نخبگان داشتند ولی هیچ کدام خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت را مطرح نکردند، به‌عبارتی چالشی که وجود دارد در مورد عدم پرداختن به الگوی خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت می‌باشد و اینکه چگونه می‌توان از طریق این الگو از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت پیشگیری کرد که این امر بیانگر یک شکاف پژوهشی عمده در این حوزه را نشان می‌دهد. از طرف دیگر، امروزه بخش سلامت جایگاه ویژه‌ای را در جوامع دارا می‌باشد؛ چرا که ارتباط و تعامل بخش سلامت با عوامل مختلفی چون بخش خصوصی و دیگر سازمان‌ها و مهمتر از همه، عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجب شده است که بخش سلامت در معرض خواسته‌ها و انتظارات متفاوت و گوناگونی قرار گیرد و با تحولات گسترده‌ای در زمینه دانش و فناوری و مشکلاتی در مدیریت این دارایی‌ها مواجه می‌باشد. بنابراین، باتوجه به جایگاه ویژه و حساس نظام سلامت، داشتن الگوی خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت می‌تواند در رفع نگرانی‌های مدیران نظام سلامت کمک‌کننده باشد. بنابراین سوال این پژوهش این است که الگوی تدوین خط‌مشی پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت چگونه است؟

## ۲-ادبیات نظری پژوهش

نخبه به فردی اطلاق می‌شود که فعالیت‌های وی بر پایه هوش، خلاقیت، انگیزه و توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی و خبرگی و تخصص، موجب سرعت بخشیدن به رفع نیازهای جامعه و پیشرفت و اعتلای کشور شود(وحیددستجردی و همکاران،۱۴۰۰). مهاجرت نخبگان به عنوان فرآیند خروج افراد بسیار ماهر و تحصیل کرده از ایران برای زندگی و کار در کشورهای دیگر تعریف می‌شود (صفایی و همکاران، ۲۰۲۳). اصطلاح خط‌مشی‌گذاری مهاجرت شامل تمام اقداماتی است که به وسیله آنها یک ایالت یا کشور هجوم افراد را تنظیم می‌کند، به‌ویژه کسانی که می‌خواهند به‌طور موقت یا دائم در قلمرو مربوطه اقامت داشته باشند. بالعکس، خط‌مشی‌گذاری

پیشگیری از مهاجرت نخبگان مجموعه سیاست‌ها و اقداماتی است که توسط کشور مبدأ برای پیشگیری و جلوگیری از مهاجرت نخبگان خود انجام می‌گیرد (فیدلر و دهنوی[۱]، ۲۰۲۴). رویکردهای مختلفی به مهاجرت نخبگان وجود دارد. در اینجا به سه مورد از آنها اشاره می‌کنیم. نخستین رویکرد یا دریافت از مهاجرت نخبگان، رویکرد فرار مغزها است که طبق آن متخصصان و نخبگان به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یاشخصی از کشور مبدأ (عموماً کشورهای در حال توسعه و یا توسعه نیافته) به کشورهای توسعه یافته مهاجرت می‌کنند و دیگر به کشور مبدأ بازنمی‌گردند. با فرار این سرمایه‌های انسانی گرانبها که با صرف هزینه به دست آمده‌اند، کشور مبدأ دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود. دومین رویکرد به مهاجرت نخبگان تحت عنوان شکار مغزها معروف است. مهاجرت نیروی متخصص در این رویکرد مارکسیستی امری داوطلبانه نیست، بلکه واکنشی است به مشکلات کشور مبدأ که ناشی از تهدیدها و فشارهای سیاسی و اقتصادی قدرتهای برتر است. به عبارت دیگر، در این رویکرد کشورهای مرکز و قدرتمند نخبگان کشورهای پیرامونی را ترغیب به مهاجرت کرده و از این طریق چرخه استثمار کشورهای پیرامونی را حفظ می‌کنند. اما رویکرد سوم خلاف دو رویکرد پیشین، نگاهی منفی به این قضیه ندارد. در این رویکرد، مهاجرت نخبگان معنای سرمایه‌گذاری بالقوه را دارد زیرا نخبگان پس از کسب مهارتها و آموزش‌های جدید از کشور مقصد به موطن خود بازمی‌گردند و به آن نفع می‌رسانند(راغب و کرمی،۱۴۰۳). در تحقیق حاضر دو رویکرد ابتدایی مدنظر قراردارد. در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه مهاجرت نخبگان حوزه سلامت پرداخته شده است:

---

[۱]- Fiedler & Dehnavi

**جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش**

| ردیف | نام نویسنده و تاریخ | عنوان | روش | ابزار | نتیجه |
|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | راغب و همکاران (۱۴۰۳) | فراترکیب علل مهاجرت نخبگان ایرانی و راهکارهای ممانعت از آن | کیفی فراترکیب | مرور سیستماتیک مقالات | علل مهاجرت نخبگان و راهکارهای مربوطه را در شش دسته‌ی علل اقتصادی، عوامل اجتماعی و فرهنگی، دلایل سیاسی، مشکلات نظام و ساختار آموزشی، علل کالبدی شهری و جذابیت‌های کشورهای مقصد استخراج گردید. |
| ۲ | شریفی و همکاران (۱۴۰۲) | تبیین مدل مطلوب سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه استعدادهای برتر و نخبگان | کیفی فراترکیب | مرور سیستماتیک مقالات | الگوی غالب و حاکم بر فضای سیاست گذاری نخبگان در کشور الگوی نهادی بوده و بر نهادهای حکومتی معینی مانند رهبری، مجلس، ریاست جمهوری، دادگاه ها، و ... متمرکز است. بر اساس یافته های حاصل از تحقیق، الگوی عقلانی برای سیاستگذاری مطلوب نخبگان و استعدادهای برتر پیشنهاد شده است |
| ۳ | مومنی و همکاران (۱۴۰۲) | مدیریت و حمایت از نخبگان حوزه سلامت: فرصت‌ها،چالش‌ها و راهکارها | کیفی | مصاحبه | میزان مهاجرت نخبگان با شاخص تولید ناخالص داخلی (***GDP***) ارتباط معکوس دارند؛ و به ازای هر ۱ درصد افزایش مهاجرت نخبگان، ***GDP*** به مقدار ۷/۵ درصد کاهش می‌یابد |
| ۴ | جان‌نثار و سیدی (۱۴۰۲) | نگاهی چند بُعدی به مسئله مهاجرت نخبگان و متخصصان حوزه سلامت در ایران | آمیخته | مصاحبه پرسشنامه | همزمان با تحولات فرهنگی و اجتماعی بیست سال اخیر، سیاست‌های ناکارآمد اتخاذ شده مرتبط با گسترش غیرآینده‌نگرانه ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بدون توجه به ارتقاء کیفیت آموزش و پژوهش، موجب شده تا بخش مهمی از منابع انسانی و مالی کشور مورد بهره برداری قرار نگیرند |
| ۵ | حق دوست و همکاران (۱۴۰۱) | بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت نیروی انسانی در حوزه | کمی | پرسشنامه | عوامل اقتصادی، مدیریتی و رفاه اجتماعی به‌عنوان مهمترین عوامل تاثیرگذار بر مهاجرت دانشجویان و شاغلان حوزه سلامت شناسایی شدند |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | سلامت | | | |
| ۶ | ملک پور افشار و همکاران (۱۴۰۱) | ریشه ها و راهکارهای مسئله مهاجرت نخبگان در ایران | کیفی | مصاحبه | سه طبقه اصلی شامل علل مهاجرت نخبگان با ۲ زیرمقوله عوامل دافعه کشورهای مبدا و عوامل جاذبه کشورهای مقصد, پیامدهای مهاجرت نخبگان با ۲ زیرمقوله تهدیدها و فرصت های مهاجرت نخبگان, راهکارهای مهاجرت نخبگان با ۶ زیر مقوله شناخت دقیق مسیله, اصلاح نظام پرورش و حمایت از نخبگان, استقرار و تقویت نظام نوآوری, اصلاح نظام اداری و شایسته سالاری, ارتقای جایگاه و حفظ کرامت نیروی انسانی, عهد سیاست گذاران کلان منجر شد |
| ۷ | شریفی و همکاران (۱۴۰۰) | آسیب شناسی سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه جذب و نگهداری نخبگان و استعدادهای برتر | کیفی | مرور سیستماتیک | بر اساس مرور مطالعات انتخابی صورت گرفته، می‌توان نقش بنیاد ملی نخبگان را در سه حوزهٔ اصلی که محوریت فرایند جذب و نگهداری را تشکیل می‌دهند، به شناسایی، حمایت و توانمند سازی و جذب و نگهداری تقسیم کرد |
| ۸ | اسماعیل زاده و ذاکر صالحی (۱۳۹۳) | بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران | کیفی | مرور سیستماتیک | پژوهش‌های انجام شده در این مورد، در ابعاد روش‌شناختی و نظری نیاز به ساماندهی دارد و کمتر پیمایش جدی در این زمینه صورت گرفته است |
| ۹ | نوری حکمت و همکاران (۱۳۸۸) | بررسی عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم | کمی | پرسشنامه | عوامل اقتصادی و بعد از آن به ترتیب به عوامل اداری و آموزشی, عوامل حرفه ای, جهانی شدن, عوامل اجتماعی, و عوامل فرهنگی تعلق گرفت. |

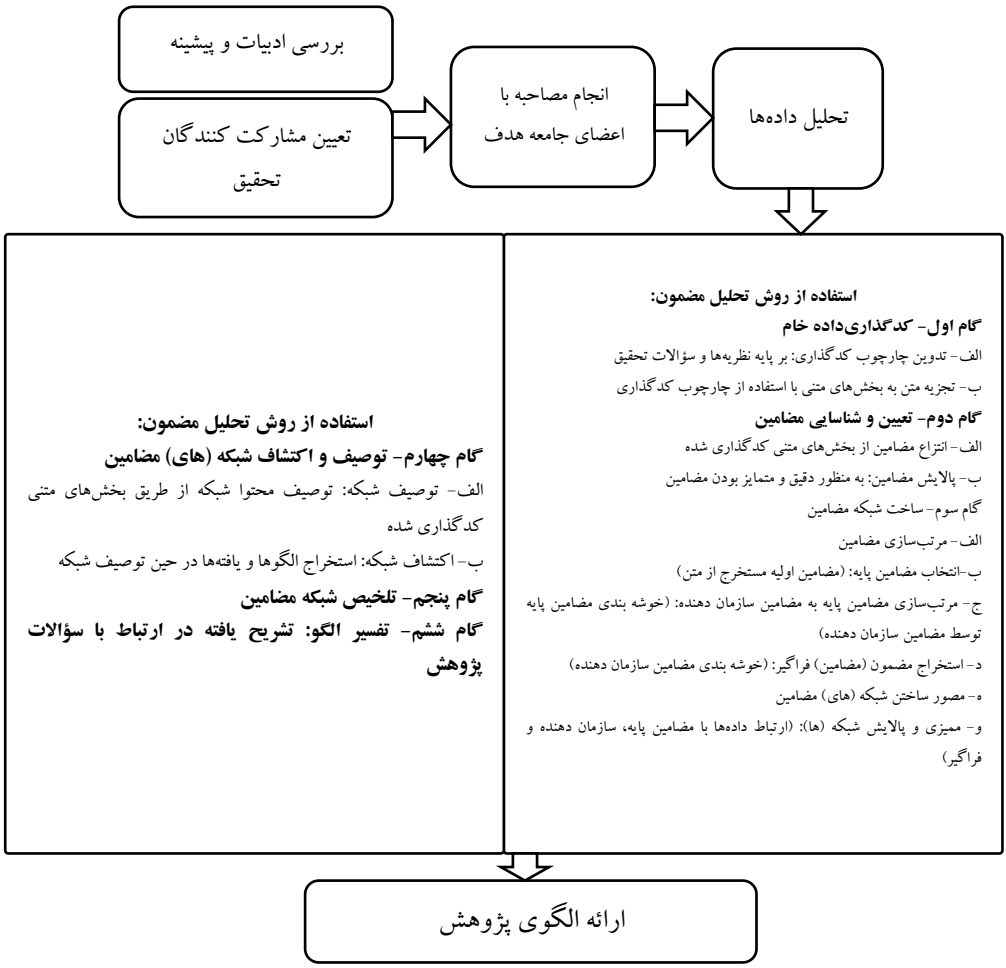
| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| | | پزشکی ایران | | | |
| ۱۰ | فیدلر و دهنوی (۲۰۲۴) | بررسی ضعف سیاستگذاری در ایران برای کاهش میزان خروج نخبگان از کشور | کیفی | مصاحبه | عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جهانی شدن کار، عوامل سازمانی و اداری، عدم احترام و کرامت نخبگان، عدم سلسله مراتب و نخبه گرایی و... وجود جاذبه عوامل مختلفی به عنوان مهمترین عوامل در کشورهای پذیرنده مهاجر شناسایی شدند |
| ۱۱ | آکمن و همکاران (۲۰۲۱) | عوامل موثر بر مهاجرت بین المللی دانشجویان: بررسی و ارزیابی موردی ترکیه | کمی | پرسشنامه | عوامل جاذبه در قصد دانشجویان دانشگاه به مهاجرت، در جنسیت متفاوت است و تعداد عوامل جاذبه در دانشجویان مرد از نظر آماری بالاتر از تعداد عوامل جاذبه در زنان دانشجو بوده است. تعداد عوامل جاذبه در قصد دانشجویان برای مهاجرت به طور معناداری با تصمیم به کار کردن در خارج، تصمیم به زندگی در خارج و تصمیم به اقامت در خارج رابطه داشت |
| ۱۲ | اسپاکووسکی و همکاران( ۲۰۱۶) | مهاجرت نیروی کار پرستاران لهستانی | کیفی | مصاحبه پرسشنامه | ۲۹/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان به دلایل حرفه‌ای قصد مهاجرت به خارج کشور را داشتند و ۱۲/۴ درصد قبلا به عنوان پرستار در خارج از کشور کار کرده بودند. افزون بر این ۷۲/۸ درصد معتقد بودند که این کار نامطلوب است که حرفه پرستاری به دلیل ناکافی بودن درآمد در مورد دامنه وظایف خود انجام می‌دهد. در میان مهاجران کوتاه مدت (غیر دائمی)، اکثریت قصد داشتند دوباره به همان کشوری که قبلاً در آن کار کرده بودند مهاجرت کنند |

با توجه به اینکه نتایج این تحقیق می تواند به برنامه ریزان و مسئولین در طراحی و اجرای برنامه هایی جهت پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت با استفاده از عوامل شناسایی شده در این تحقیق کمک نماید و از سویی با توجه پیشینه تحقیق، تاکنون پژوهشی در این زمینه با رویکرد تحلیل مضمون انجام نشده است، بنابراین این تحقیق نو و جدید می‌باشد.

## ۳-روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی، به لحاظ فلسفه و پارادایم پژوهش، عمل‌گرایانه، به لحاظ

زمانی، مقطعی، از منظر استراتژی پژوهش، مبتنی بر روش تحلیل مضمون، از نظر نوع داده‌ها، کیفی و از نظر روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با نرم افزار مکس کیودا می‌باشد. با اتکاء به‌روش تحلیل مضمون تلاش شده است از طریق مصاحبه با متخصصان امر، مباحث مربوط به تدوین خط‌مشی پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت مشخص و دسته‌بندی شود. این رویکرد به محقق اجازه می‌دهد تا از طریق مصاحبه با متخصصان، ابتدا براساس مرحله اول کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، سؤالات را از مصاحبه‌شوندگان بپرسد و سپس براساس کدگذاری محوری، مفاهیم زیاد ایجاد شده را مختصر و در مسیر پژوهش هدایت کند و در نهایت براساس کدگذاری انتخابی، الگوی پژوهش ارائه می‌شود. در واقع بسط و منسجم ساختن تئوری‌های مربوط به مهاجرت نخبگان در قالب الگو نه برمبنای نظر شخصی پژوهشگران، بلکه در واقع براساس داده‌های گردآوری شده از محیط واقعی و در شرایط واقعی مدون شده است. تیم مشارکت کننده برای مصاحبه شامل اعضای هیأت علمی دانشگاه و خبرگان حوزه سلامت می‌باشد. تعداد این افراد بر اساس رسیدن به اشباع نظری مشخص گردیده است. مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه‌ساختاریافته می‌باشد، بطوری که از مصاحبه با خبره ۱۳ام به بعد دیگر مفهوم جدیدی به داده‌ها اضافه نگردید و اصطلاحاً فرآیند مصاحبه‌ها اشباع گردیده است اما جهت حصول اطمینان مصاحبه تا خبره ۱۵ام ادامه یافته است. روش نمونه‌گیری غیراحتمالی به شیوه هدفمند انتخاب گردید. در ادامه در شکل ۱ فرایند انجام این تحقیق نشان داده شده است:




**شکل شماره ۱- فرایند انجام این تحقیق**

## ٤-یافته‌های پژوهش

در جدول ۲ نمونه ای از مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها آورده شده است:

**جدول شماره ۲- نمونه ای از مفاهیم استخراجی از مصاحبه‌ها**

| ردیف | متن مصاحبه (شواهد گفتاری) | کد |
|---|---|---|
| ۱ | سیاست‌های اقتصادی یکی از ارکان اصلی نگهداشت نخبگان در حوزه سلامت محسوب می‌شود. نسبت ۱:۳ بین حداقل و حداکثر حقوق در نظام سلامت به عنوان یک استاندارد عادلانه می‌تواند از ایجاد شکاف طبقاتی در بین کارکنان این حوزه جلوگیری کند. همراه با این سیاست، شفافیت در پرداخت‌های عملکردی از طریق ایجاد سامانه‌های عمومی گزارش‌دهی، اعتماد کارکنان را افزایش خواهد داد. تعدیل سالانه حقوق بر اساس نرخ تورم و سبد معیشت باید به صورت خودکار و بر اساس فرمول‌های مشخص انجام پذیرد تا قدرت خرید این قشر مهم جامعه حفظ شود. همچنین پرداخت پاداش ویژه به مشاغل سخت و زیان‌آور سلامت مانند متخصصان بیماری‌های عفونی یا کارکنان بخش‌های ویژه، باید به صورت هدفمند صورت گیرد. استقرار نظام رتبه‌بندی مشاغل بر اساس تخصص و تجربه می‌تواند انگیزه‌ای برای ارتقای مستمر مهارت‌ها ایجاد کند. | نسبت ۱:۳ بین حداقل و حداکثر حقوق در نظام سلامت<br>شفافیت در پرداخت‌های عملکردی<br>تعدیل سالانه حقوق بر اساس نرخ تورم و سبد معیشت<br>پرداخت پاداش ویژه به مشاغل سخت و زیان‌آور سلامت<br>استقرار نظام رتبه‌بندی مشاغل بر اساس تخصص و تجربه |

بر اساس مصاحبه با خبرگان تعداد ۲۲۵ کد اولیه از مصاحبه‌ها استخراج شده است. این مفاهیم در مرحله دوم جهت انسجام بیشتر و تحلیل و تفسیر منسجم‌تر در قالب مفاهیم انتزاعی‌تر کدگذاری شدند. نتایج این کدگذاری و نحوه تحلیل و ترکیب مفاهیم اولیه در قالب مضامین پایه در جدول ۳ نشان داده است.

**جدول شماره ۳- کدگذاری ثانویه مفاهیم و مضمون پایه**

| مضمون پایه | مفاهیم مشترک |
|---|---|
| عدالت مالی | تناسب بین حداقل و حداکثر حقوق در نظام سلامت<br>شفافیت در پرداخت‌های عملکردی<br>تعدیل سالانه حقوق براساس نرخ تورم و سبد معیشت<br>پرداخت پاداش ویژه به مشاغل سخت و زیان‌آور سلامت<br>نظام رتبه‌بندی مشاغل بر اساس تخصص و تجربه |
| اقتصاد آموزشی پژوهشی | درآمدزایی از خدمات آزمایشگاهی پیشرفته<br>فروش حق امتیاز دستاوردهای پژوهشی<br>جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای مراکز تحقیقاتی<br>درآمد حاصل از مشاوره‌های تخصصی بین‌المللی<br>فروش داده‌های تحقیقاتی غیرحساس |

| | |
|---|---|
| تقویت اعتبار اجتماعی | اعطای نشان‌های دولتی در سه سطح (طلایی، نقره‌ای، برنزی)<br>معرفی ماهانه نخبگان در رسانه ملی<br>اختصاص تالار افتخارات در دانشگاه‌ها<br>نام‌گذاری معابر و اماکن عمومی به نام دانشمندان<br>اعطای مزایای اجتماعی ویژه (اولویت در اماکن عمومی) |
| سیاست‌های نگهداشت منابع انسانی | برنامه‌های جانشین‌پروری برای مشاغل حساس<br>طرح‌های تشویقی ماندگاری بلندمدت<br>سیستم پایش مستمر رضایت شغلی<br>برنامه‌های انتقال تجربه پیش از بازنشستگی<br>مشوق‌های ویژه برای خدمت در مناطق محروم<br>اجرای نظام پرداخت مبتنی بر شایستگی با تفاوت حداکثر ۱ به ۳<br>ارائه بسته‌های رفاهی ویژه (مسکن، خودرو، بیمه تکمیلی)<br>اعطای مرخصی پژوهشی با حقوق کامل تا ۱ سال<br>ایجاد مراکز مشاوره شغلی و روانشناسی ویژه نخبگان<br>توسعه امکانات تفریحی-فرهنگی در محیط‌های کاری<br>اجرای برنامه‌های جانشین‌پروری برای مشاغل حساس |
| سیاست‌گذاری مالی | تخصیص عوارض سلامت به پژوهش<br>حمایت از نواوری و کارآفرینی<br>معافیت مالیاتی ۵ ساله برای شرکت‌های دانش‌بنیان سلامت<br>ایجاد صندوق وقف پژوهش‌های سلامت<br>پاداش‌های عملکردی (مزایای مالی بر اساس شاخص‌های کارایی)<br>تأمین مالی مشترک دولت-صنعت برای پروژه‌های کلان<br>معافیت‌های مالیاتی برای نخبگان و پژوهشگران<br>پرداخت یارانه به انتشار مقالات **Q۱** |
| تعامل و شبکه‌سازی | تشکیل انجمن‌های تخصصی در هر رشته پزشکی<br>برگزاری نشست‌های فصلی با مسئولان ارشد<br>ایجاد پلتفرم دیجیتال ارتباط نخبگان<br>برنامه‌های تبادل تجربه بین نسل‌ها<br>شبکه‌سازی با نخبگان علمی |
| تعادل کار-زندگی | سیاست دورکاری در ایام هفته<br>مراکز تفریحی ویژه پژوهشگران |

| | |
|---|---|
| | تسهیلات مراقبت از فرزندان<br>برنامه‌های ورزشی سازمان‌یافته<br>مرخصی‌های ساعتی برای امور شخصی |
| محیط‌های پژوهشی | ساخت شهرک‌های تحقیقاتی سلامت با استانداردهای بین‌المللی<br>ایجاد مراکز تحقیقاتی تخصصی در هر منطقه آب‌وهوایی (کوهستانی، کویری، ساحلی)<br>طراحی آزمایشگاه‌های سیار برای مناطق محروم<br>ایجاد مراکز تحقیقات در استان‌های مرزی |
| بسترسازی رویدادهای علمی | برگزاری کنگره‌های بین‌المللی سالانه در حوزه‌های اولویت‌دار<br>ایجاد نمایشگاه دائمی دستاوردهای فناورانه سلامت<br>مسابقات سالانه نوآوری با جوایز ارزنده<br>کانون‌های تخصصی حل مشکلات سلامت<br>رویدادهای دوره‌ای استارتاپی حوزه سلامت |
| نظام جبران خدمات | پاداش برای اختراعات ثبت شده بین‌المللی<br>طرح‌های مشارکت در درآمد بیمارستان‌های آموزشی<br>حقوق و دستمزد رقابتی<br>بیمه تکمیلی طلایی برای خانواده نخبگان<br>اعطای سهام به پژوهشگران در شرکت‌های تجاری‌شده<br>مرخصی پژوهشی با حقوق کامل تا ۱ سال |
| پایداری اکولوژیک | استاندارد ساختمان‌های سبز برای تمام مراکز تحقیقاتی جدید<br>سیستم مدیریت پسماندهای تحقیقاتی در آزمایشگاه‌ها<br>پروژه‌های تحقیقاتی مشترک با سازمان محیط‌زیست درباره تغییرات اقلیمی و سلامت<br>توسعه فضاهای سبز پژوهشی |
| حکمرانی نظام سلامت | سامانه یکپارچه مدیریت دانش سلامت<br>داشبوردهای هوشمند پایش شاخص‌های تحقیقاتی<br>نظام رتبه‌بندی هوشمند مراکز تحقیقاتی<br>پلتفرم اشتراک تجهیزات پژوهشی بین دانشگاهی<br>سیستم پیش‌بینی نیازهای تحقیقاتی آینده |

| | |
|---|---|
| کیفیت نظام آموزش | به‌روزرسانی سرفصل‌ها با مشارکت صنعت<br>تناسب اساتید به دانشجو در رشته‌های استراتژیک<br>الزام به گذراندن دوره‌های مهارت‌افزایی سالانه<br>تجهیز آزمایشگاه‌های آموزشی به وسایل روز<br>ارزیابی مستمر اساتید توسط دانشجویان و همتایان |
| سیاست‌های ضدتحریم | بانک اطلاعاتی جایگزین‌های دارویی تحریمی<br>توسعه همکاری‌های علمی با کشورهای غیرغربی<br>ایجاد ذخایر استراتژیک مواد اولیه پژوهش<br>توسعه تولید داخلی تجهیزات پیشرفته<br>طراحی پروتکل‌های تحقیقاتی مستقل |
| سیاست‌گذاری آموزشی | ایجاد رشته‌های میان‌رشته‌ای مانند هوش مصنوعی در پزشکی<br>توسعه برنامه‌های آموزش مجازی معتبر<br>الزام به گذراندن دوره‌های اخلاق حرفه‌ای<br>اختصاص ظرفیت پذیرش به دانشجویان بین‌المللی<br>ایجاد مراکز مهارت‌آموزی بالینی در هر استان<br>اعطای بورسیه‌های تحصیلی |
| ارتباطات بین‌المللی | عضویت در کنسرسیوم‌های علمی جهانی<br>اعزام سالانه پژوهشگران به مراکز برتر جهان<br>جذب اساتید بین‌المللی در سال<br>تأسیس دفاتر نمایندگی علمی در کشورهای پیشرفته<br>میزبانی مجلات بین‌المللی سلامت |
| ارتقاء جایگاه آموزش در جامعه | ایجاد شبکه آموزش سلامت مردمی با محوریت نخبگان<br>برگزاری جشنواره‌های مردمی علم و سلامت با حضور نخبگان<br>ایجاد موزه‌های علوم سلامت در مراکز استان‌ها<br>توسعه برنامه‌های سواد سلامت<br>راه‌اندازی کمپین‌های عمومی آموزش سلامت با مشارکت نخبگان<br>افزایش ساعات برنامه‌های آموزشی سلامت در رسانه ملی |
| حقوق مالکیت معنوی | ایجاد دادگاه‌های تخصصی مالکیت فکری<br>نسبت تجاری‌سازی اختراعات<br>درس اخلاق و مالکیت معنوی<br>کارگاه‌های سالانه حقوق مالکیت فکری |

| | |
|---|---|
| | الزام به رعایت حق مؤلف |
| تجاری‌سازی دانش | درصد بودجه تحقیقاتی اختصاص‌یافته به پروژه‌های کاربردی<br>تعداد تفاهم‌نامه‌های صنعت-دانشگاه در حوزه سلامت<br>تعداد دوره‌های آموزش کارآفرینی سلامت برای پژوهشگران<br>تعداد پروژه‌های مشترک بین‌المللی تجاری‌شده |
| همکاری‌های علمی داخلی/خارجی | ایجاد سامانه هوشمند رصد همکاری‌های علمی<br>ایجاد صندوق حمایت از همکاری‌های علمی<br>برنامه‌های فرصت مطالعاتی دوگانه<br>تشکیل شورای راهبردی دیپلماسی علمی سلامت<br>پروژه‌های مشترک بین مراکز تحقیقاتی |
| تقویت هویت ملی و فرهنگی | نام‌گذاری اماکن عمومی به نام دانشمندان برجسته حوزه سلامت<br>اعطای نشان‌های ملی به پژوهشگران برتر<br>تولید مستندهای علمی درباره دستاوردهای پزشکی ایرانیان<br>ایجاد موزه‌های تخصصی تاریخ پزشکی در دانشگاه‌های علوم پزشکی<br>برگزاری جشنواره‌های سالانه فرهنگ و تمدن پزشکی ایران |
| زیرساخت‌های دیجیتال | توسعه سامانه یکپارچه مدیریت پژوهش‌های سلامت با قابلیت رصد آنلاین<br>راه‌اندازی پلتفرم اشتراک تجهیزات پژوهشی بین دانشگاهی<br>ایجاد کتابخانه دیجیتال تخصصی منابع سلامت با دسترسی آزاد<br>استقرار سیستم‌های آموزش مجازی پیشرفته<br>طراحی داشبوردهای هوشمند پایش شاخص‌های تحقیقاتی<br>توسعه شبکه ملی ابررایانه‌های سلامت برای پردازش داده‌های کلان |
| امنیت فناوری | ایجاد مرکز پدافند سایبری داده‌های سلامت<br>تدوین پروتکل‌های امنیتی ملی برای تحقیقات حساس<br>راه‌اندازی سیستم طبقه‌بندی داده‌های تحقیقاتی<br>توسعه فناوری‌های رمزنگاری داخلی برای پایگاه‌های پژوهشی<br>برگزاری دوره‌های سالانه امنیت سایبری برای پژوهشگران<br>ایجاد ذخیره‌گاه امن داده‌های تحقیقاتی در داخل کشور |
| دیپلماسی علمی | تأسیس دفاتر نمایندگی علمی در ۵ کشور پیشرفته<br>عضویت فعال در کنسرسیوم‌های جهانی تحقیقات سلامت<br>میزبانی کنفرانس‌های بین‌المللی سالانه در حوزه‌های استراتژیک |

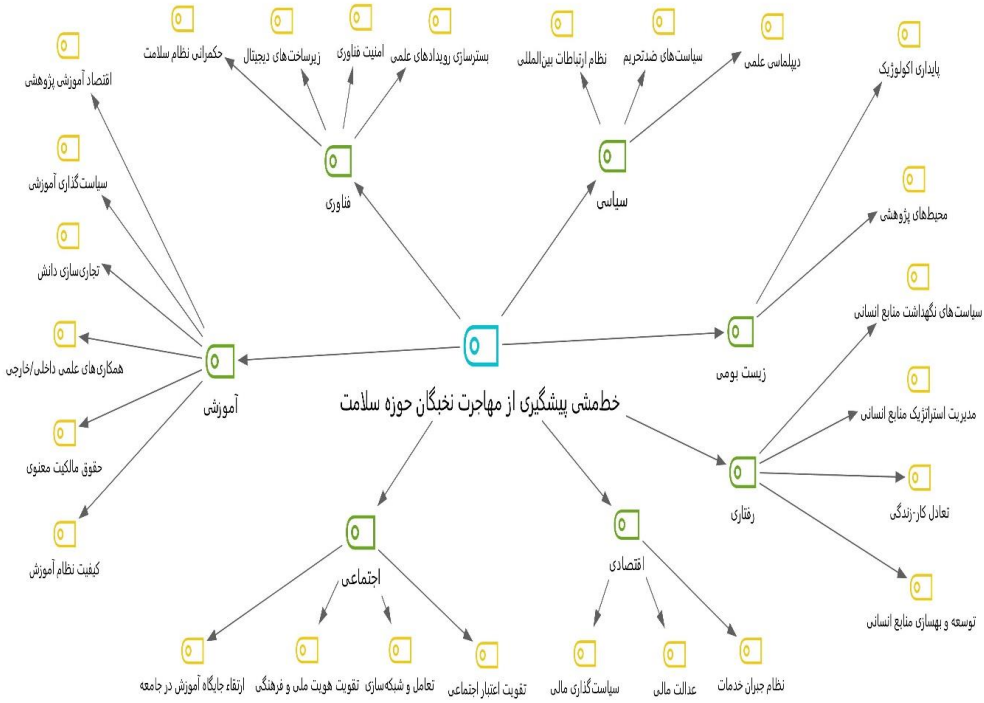
| | |
|---|---|
| | ایجاد برنامه‌های فرصت مطالعاتی دوگانه (کار همزمان در ایران و خارج)<br>جذب استادان و پژوهشگران بین‌المللی با قراردادهای ویژه<br>توسعه همکاری‌های جنوب-جنوب با کشورهای در حال توسعه |
| توسعه و بهسازی منابع انسانی | طراحی مسیرهای شغلی اختصاصی برای هر تخصص<br>برگزاری دوره‌های مهارت‌افزایی سالانه با استانداردهای جهانی<br>ایجاد مراکز ارزیابی مهارت‌های تخصصی<br>اجرای برنامه‌های کوچینگ و منتورینگ توسط اساتید برجسته<br>توسعه برنامه‌های آموزش رهبری علمی<br>اعطای فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر با حمایت مالی |
| مدیریت استراتژیک منابع انسانی | تدوین نقشه راه توسعه شغلی فردی برای هر نخبه<br>ایجاد سامانه پایش مستعدیابی و استعدادهای برتر<br>اجرای ارزیابی ۳۶۰ درجه عملکرد پژوهشگران<br>توسعه سیستم پیش‌بینی نیازهای آینده نیروی انسانی<br>تشکیل شورای راهبردی منابع انسانی سلامت<br>پیاده‌سازی سیستم مدیریت دانش سازمانی برای حفظ تجربیات |

در جدول ۳ تعداد ۲۶ مضمون پایه از ۱۴۴ مفهوم مشترک دسته‌بندی شده است. در ادامه جدول ۴ مضامین پایه در مضامین اصلی دسته بندی شدند.

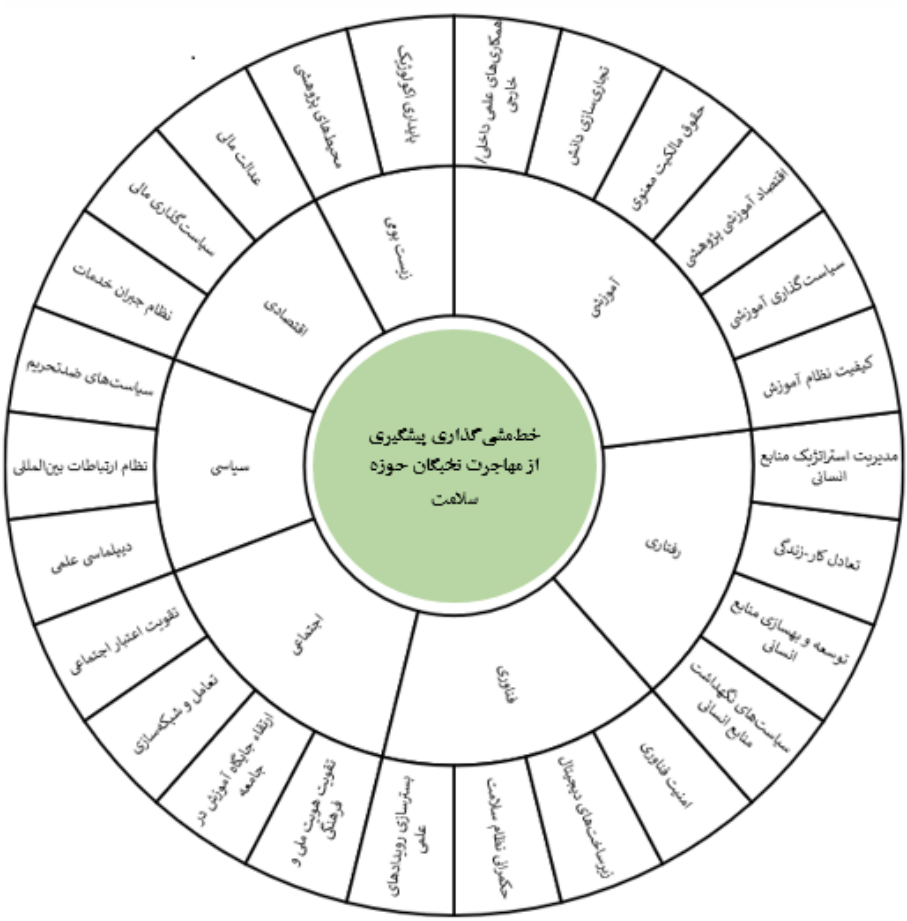
**جدول شماره ٤- دسته بندی مضمون پایه در مضامین اصلی**

| مضمون اصلی | مضمون پایه |
|---|---|
| اقتصادی | عدالت مالی |
| | سیاست‌گذاری مالی |
| | نظام جبران خدمات |
| آموزشی | کیفیت نظام آموزش |
| | سیاست‌گذاری آموزشی |
| | اقتصاد آموزشی پژوهشی |
| | حقوق مالکیت معنوی |
| | تجاری‌سازی دانش |
| | همکاری‌های علمی داخلی/خارجی |
| اجتماعی | تقویت اعتبار اجتماعی |
| | تعامل و شبکه‌سازی |
| | ارتقاء جایگاه آموزش در جامعه |
| | تقویت هویت ملی و فرهنگی |
| فناوری | بسترسازی رویدادهای علمی |
| | حکمرانی نظام سلامت |
| | زیرساخت‌های دیجیتال |
| | امنیت فناوری |
| سیاسی | سیاست‌های ضدتحریم |
| | نظام ارتباطات بین‌المللی |
| | دیپلماسی علمی |
| رفتاری | سیاست‌های نگهداشت منابع انسانی |
| | توسعه و بهسازی منابع انسانی |
| | تعادل کار-زندگی |
| | مدیریت استراتژیک منابع انسانی |
| زیست بومی | پایداری اکولوژیک |
| | محیط‌های پژوهشی |

در جدول ۴، تعداد ۲۶ مضمون پایه در هفت مضمون اصلی طبقه‌بندی شدند. بطوریکه مضامین عدالت مالی، سیاست‌گذاری مالی و نظام جبران خدمات در مضمون اصلی «اقتصادی»، مضامین کیفیت نظام آموزش، سیاست‌گذاری آموزشی، اقتصاد آموزشی پژوهشی، حقوق مالکیت معنوی، تجاری‌سازی دانش، همکاری‌های علمی داخلی/خارجی در مضمون اصلی «آموزشی»، مضامین تقویت اعتبار اجتماعی، تعامل و شبکه‌سازی، ارتقاء جایگاه آموزش در جامعه، تقویت هویت ملی و فرهنگی در مضمون اصلی «اجتماعی»، مضامین بسترسازی رویدادهای علمی، حکمرانی نظام سلامت، زیرساخت‌های دیجیتال، امنیت فناوری در مضمون اصلی «فناوری»، مضامین سیاست‌های ضدتحریم، نظام ارتباطات بین‌المللی، دیپلماسی علمی در مضمون اصلی «سیاسی»، مضامین سیاست‌های نگهداشت منابع انسانی، توسعه و بهسازی منابع انسانی، تعادل کار-زندگی، مدیریت استراتژیک منابع انسانی در مضمون اصلی «رفتاری» و مضامین پایداری اکولوژیک و محیط‌های پژوهشی در مضمون اصلی «زیست بومی» قرار گرفتند. در ادامه شبکه مضامین الگوی خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت در شکل ۲ و در نهایت الگوی خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت در شکل ۳ نشان داده شده است:




**شکل شماره ۲- شبکه مضامین الگوی خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت**




**شکل شماره۳- الگوی خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت**

## ۵-بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به ارائه الگوی تدوین خط‌مشی‌گذاری پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت پرداخته شد. نتایج پژوهش بر اساس روش تحلیل مضمون نشان داد تعداد ۲۶ مضمون پایه در هفت مضمون اصلی (اقتصادی، آموزشی، اجتماعی،فناوری، سیاسی و زیست بومی) طبقه‌بندی شدند که بُعد اقتصادی بر سه محور اساسی عدالت مالی، سیاست‌گذاری مالی و نظام جبران خدمات استوار است. پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهند که عوامل اقتصادی

نقش محوری در مهاجرت نخبگان حوزه سلامت دارند. مطالعاتی مانند حق‌دوست و همکاران (۱۴۰۱) و فیدلر و دهنوی (۲۰۲۴) بر تأثیر بی‌ثباتی مالی، حقوق ناکافی و عدم شفافیت در نظام پرداخت تأکید دارند. در مقابل، راغب و همکاران (۱۴۰۳) نشان دادند که سیاست‌هایی مانند عدالت مالی و پاداش‌های عملکردی می‌توانند انگیزه ماندگاری را افزایش دهند. بُعد آموزشی بر شش مؤلفه کلیدی استوار است که به صورت نظام‌مند در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند. پژوهش‌های داخلی و خارجی بر لزوم ارتقای کیفیت آموزش و همکاری‌های علمی تأکید دارند. جان‌نثار و سیدی (۱۴۰۲) به کاهش کیفیت آموزش پزشکی به دلیل گسترش بی‌رویه دانشگاه‌ها اشاره می‌کنند، در حالی که شریفی و همکاران (۱۴۰۲) راهکارهایی مانند به‌روزرسانی سرفصل‌ها و توسعه رشته‌های میان‌رشته‌ای را پیشنهاد می‌دهند. بُعد اجتماعی بر چهار رکن اساسی استوار است که در تعامل پویا با یکدیگر، بستری مناسب برای ماندگاری سرمایه‌های انسانی فراهم می‌کنند. مطالعات داخلی مانند ملک‌پور و همکاران (۱۴۰۱) و نوری حکمت و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که کاهش اعتبار اجتماعی نخبگان و ضعف هویت ملی از عوامل دافعه هستند. در مقابل، پژوهش شریفی و همکاران (۱۴۰۰) بر لزوم تقدیر عمومی و شبکه‌سازی تخصصی تأکید دارد. اسپینوزا-کولیک و همکاران (۲۰۲۳) نیز نشان دادند که تبعیض علیه مهاجران در کشورهای مقصد می‌تواند انگیزه بازگشت را افزایش دهد. بُعد فناوری بر چهار محور کلیدی متمرکز است که در تعامل با یکدیگر اکوسیستمی پویا برای نوآوری و ماندگاری نیروهای متخصص ایجاد می‌کنند. مومنی و همکاران (۱۴۰۲) و فیدلر و دهنوی (۲۰۲۴) بر ضعف زیرساخت‌های دیجیتال و امنیت داده‌ها در ایران تأکید دارند، در حالی که کریگر (۲۰۲۳) نشان داد کشورهای صنعتی از فناوری‌های سلامت دیجیتال برای جذب نخبگان استفاده می‌کنند. بُعد سیاسی بر سه محور اساسی استوار است که به صورت هماهنگ و تکامل‌یافته عمل می‌کنند. فیدلر و دهنوی (۲۰۲۴) به ضعف دیپلماسی علمی و تحریم‌ها به عنوان موانع اصلی اشاره می‌کنند. بُعد زیست‌بومی بر دو محور اساسی پایداری اکولوژیک و طراحی محیط‌های پژوهشی متمرکز است که در تعامل با یکدیگر، فضایی جذاب و مسئولیت‌پذیر برای فعالیت‌های علمی ایجاد می‌کنند. پژوهش مومنی و همکاران (۱۴۰۲) ارتباط معکوس بین مهاجرت نخبگان و توسعه پایدار را نشان می‌دهد، در حالی که کریگر (۲۰۲۳) بر نقش محیط‌های پژوهشی سبز در جذب

نیروهای متخصص تأکید دارد.

-برای پیشگیری از مهاجرت نخبگان حوزه سلامت، سازمان‌ها می‌توانند با اجرای بسته‌ای جامع از سیاست‌های مالی و حمایتی، محیطی جذاب و پایدار برای فعالیت این سرمایه‌های انسانی ارزشمند فراهم کنند. ابتدا باید نظام پرداخت مبتنی بر شایستگی طراحی شود که در آن حقوق و مزایا متناسب با استانداردهای بین‌المللی تعیین گردد و پاداش‌های عملکردی قابل توجه (حداقل معادل ۶ ماه حقوق) برای دستاوردهای برجسته پژوهشی در نظر گرفته شود. در گام دوم، استقرار سیستم مالی شفاف از طریق راه‌اندازی سامانه الکترونیکی رصد پرداخت‌ها و تشکیل کمیته نظارتی مستقل ضروری است تا اعتماد نخبگان به نظام جبران خدمات افزایش یابد.

-برای بهبود کیفیت آموزش پزشکی، ضروری است سرفصل‌های درسی هر ۲ سال یکبار با مشارکت متخصصان و نیازسنجی از صنعت به‌روزرسانی شوند. تجهیز آزمایشگاه‌های آموزشی به فناوری‌های روز مانند شبیه‌سازهای پیشرفته و ایجاد مراکز مهارت‌آموزی بالینی در هر استان می‌تواند شکاف بین آموزش تئوری و عملی را کاهش دهد. همچنین، اجرای نظام ارزشیابی مستمر اساتید توسط دانشجویان و همتایان با شاخص‌های عینی و برگزاری دوره‌های تربیت مدرس برای اساتید جوان از دیگر اقدامات مؤثر است.

-در زمینه تقویت اعتبار اجتماعی، ایجاد نظام ملی تقدیر از پژوهشگران برتر با اعطای نشان‌های دولتی در سه سطح همراه با مزایای ملموس، معرفی منظم دستاوردهای علمی در رسانه‌های ملی و نام‌گذاری اماکن عمومی به نام دانشمندان حوزه سلامت می‌تواند حس ارزشمندی و تعلق خاطر ایجاد کند. برای توسعه شبکه‌های حرفه‌ای، تشکیل انجمن‌های تخصصی با حداقل چهار نشست سالانه، ایجاد پلتفرم دیجیتال امن برای تبادل دانش، و برگزاری گردهمایی‌های فصلی با مسئولان ارشد ضروری است.

-برای توسعه اکوسیستم نوآوری در حوزه سلامت، برگزاری منظم هکاتون‌های تخصصی با محوریت چالش‌های کلان نظام سلامت ضروری است. ایجاد نمایشگاه دائمی دستاوردهای فناورانه در مراکز استان‌ها و راه‌اندازی مسابقات سالانه نوآوری با جوایز ارزنده می‌تواند انگیزه پژوهشگران را افزایش دهد. توسعه مراکز شتاب‌دهی تخصصی سلامت و حمایت از استارتاپ‌های دانش‌بنیان از طریق صندوق‌های خطرپذیر تخصصی پیشنهاد می‌شود. همچنین، ایجاد شبکه ملی مخترعان سلامت و راه‌اندازی سیستم تبادل ایده‌های فناورانه می‌تواند به رشد

نوآوری‌ها کمک کند.

-در حوزه مقابله با تحریم‌ها، ایجاد بانک اطلاعاتی جامع جایگزین‌های دارویی و تجهیزات پزشکی تحریمی، توسعه تولیدات داخلی داروهای استراتژیک و تشکیل کارگروه ویژه فناوری‌های بحران از اولویت‌های اصلی است. همزمان، تقویت دیپلماسی علمی از طریق انتصاب نمایندگان علمی در سفارتخانه‌های کلیدی، ایجاد شبکه ارتباطی با نخبگان ایرانی خارج از کشور و جذب استادان بین‌المللی با قراردادهای ویژه می‌تواند دسترسی به فناوری‌های روز را بهبود بخشد.

-برای حفظ نیروهای متخصص در نظام سلامت، طراحی نظام پرداخت مبتنی بر شایستگی با تفاوت حداکثر ۱ به ۳ بین حداقل و حداکثر حقوق ضروری است. ارائه بسته‌های رفاهی جامع شامل مسکن سازمانی، بیمه تکمیلی طلایی و تسهیلات خودرو می‌تواند جذابیت ماندگاری را افزایش دهد. ایجاد مراکز مشاوره شغلی و روانشناسی تخصصی برای نخبگان و طراحی برنامه‌های جانشین‌پروری برای مشاغل حساس از دیگر اقدامات مؤثر است. همچنین، اعطای مرخصی پژوهشی با حقوق کامل تا یک سال و اولویت‌دهی به ارتقای شغلی نیروهای متعهد پیشنهاد می‌شود.

-برای تقویت بُعد زیست‌بومی در حفظ نخبگان حوزه سلامت، پیشنهاد می‌شود شهرک‌های تحقیقاتی تخصصی با معماری سازگار با اقلیم هر منطقه احداث شوند. این شهرک‌ها باید مجهز به سیستم‌های مدیریت هوشمند انرژی، شبکه‌های بازیافت آب و فضای سبز پژوهشی با کشت گیاهان دارویی باشند. ایجاد آزمایشگاه‌های سیار خورشیدی برای مناطق محروم و مراکز تحقیقات بیماری‌های مشترک انسان و دام در استان‌های مرزی نیز از اولویت‌های مهم است.

**-منابع**

-اسماعیل زاده، علی اصغر و ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۹۳). بررسی مهاجرت نخبگان علمی در ایران. **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۱۳(۲۶): ۱۰۹-۱۳۰.

- بزرگ زاد، سعیده، کاظمی پور، شهلا و محسنی، رضا علی.(۱۳۹۹). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی موثر بر میزان گرایش نخبگان به مهاجرت خارج از کشور، **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**،۴۸(۱):۲۹۸-۳۲۰.

-جان‌نثار، معصومه و سیدی،سیدمهدی .(۱۴۰۲). نگاهی چند بُعدی به مسئله مهاجرت نخبگان و متخصصان حوزه سلامت در ایران. **نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت**، ۷ (۲) :۲۲۶-۲۳۴.

-حق دوست، علی اکبر و فصیحی‌هرندی، مجید .(۱۴۰۱). راهبردهای پیشنهادی برای حفظ و نگهداشت نیروی انسانی ماهر در حوزه سلامت. **نشریه فرهنگ و ارتقاء سلامت**، ۶ (۲) :۲۱۹-۲۲۳.

-راغب، علی و کرمی، مهناز. (۱۴۰۳). فراترکیب علل مهاجرت نخبگان ایرانی و راهکارهای ممانعت از آن. **نامه انجمن جمعیت شناسی ایران**، ۱۹(۳۸): ۳۳۳-۳۶۶.

- زندی، رضا، وکیلالرعایا، یونس و فرهادی نژاد، محسن.(۱۳۹۸). طراحی مدل نگهداشت ژن نخبگی با تأکید بر دانش آموختگان آموزش عالی و وزارت بهداشت، **جامعه شناسی کاربردی**،۳۰(۴):۹۷-۱۱۲.

-شریفی، رمضان، ذوالقدر، مالک و جعفری، سید فرشید .(۱۴۰۲) تبیین مدل مطلوب سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه استعدادهای برتر و نخبگان، مطالعات جامعه شناسی.

-شریفی، رمضان،ذوالقدر، مالک و جعفری، فرشید.(۱۴۰۰). آسیب شناسی سیاست گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه جذب و نگهداری نخبگان و استعدادهای برتر. **پژوهش های روابط بین الملل**، ۱۱(۱): ۳۴۵-۳۶۹.

- ملک پور افشار، رضا و همکاران.(۱۴۰۱). ریشه ها و راهکارهای مسئله مهاجرت نخبگان در ایران، **فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی**،۶(۱):۸۱-۸۷.

-مومنی، جواد و همکاران.(۱۴۰۲). مدیریت و حمایت از نخبگان حوزه سلامت: فرصت‌ها،چالش‌ها و راهکارها. **مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران**، ۳۳ (۲) :۴۱۱-۴۲۸.

- وحیددستجردی، مرضیه و همکاران.(۱۴۰۰). چالشها و محورهای راهبردی اولویت دار نخبگان سلامت، **فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی**،۵(۱):۱۲-۱۷.

-نوری حکمت، سمیه و همکاران.(۱۳۸۸). عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران . **گام های توسعه در آموزش پزشکی**، ۶(۲): ۱۸۱-۱۸۴.

-Akman V. (۲۰۲۱) Factors in flouncing international student migration: A survey and evaluators of Turkeys case. Interdisciplinary. **Journal of**

**Contemporary Research in Business**, ۱۱(۵): ۳۹۰-۴۱۵.

- Bozorgzad, S, Kazemipour, Sh., & Mohseni, R.(۲۰۲۰). Investigating socio-economic factors affecting the tendency of elites to emigrate abroad. **Strategic Studies On Youth and Sports**,۱۹(۴۸):۲۹۷-۳۲۱.

- Esmaelzadeh,A., & Zaker Salehi,Gh.(۲۰۱۴). A Study on Iranian Elite Migration. **Strategic Studies On Youth and Sports**,۱۳(۲۶),۱۰۹-۱۳۰.

-Fiedler, R., & Dehnavi, E. A. (۲۰۲۴) Weaknesses of policy making in Iran to reduce the rate of departure of elites from the country. **THE American Journal of Humanities and Social Sciences Research (THE AJHSSR)**, ۷(۳): ۱-۶.

- Haghdoost A A, & Fasihi Harandi M.(۲۰۲۲). Proposed Strategies for Retaining and Maintaining Skilled Human Resources in the Field of Health. **Iran J Cult Health Promot** , ۶ (۲) :۲۱۹-۲۲۳

- Jannesar M, & Seyedi S M.(۲۰۲۳). A Multi-dimensional Look at Migration of Health Talents and Professionals in Iran. **Iran J Cult Health Promot** , ۷ (۲) :۲۲۶-۲۳۴

-Krieger, T. (۲۰۲۳) Elites and health infrastructure improvements in industrializing regimes. **J Econ Growth**.

- Malekpour Afshar R, Haghdoost A A, Dehnavieh R, Sheikhzadeh R, Mousavi S M, Rezaei P, et al .(۲۰۲۲) Causes and Solutions of the Brain Drain in Iran. **Iran J Cult Health Promot** , ۶ (۱) :۸۱-۸۷.

- Momeni J, Alvandi Fard M M, Qayenipour P, Ezzatabadipour M, Hosseini E, Beiraghdar F et al .(۲۰۲۳). Management And Support of Health Elites: Opportunities, Challenges and Solutions**. J Mazandaran Univ Med Sci** , ۳۳ (۲) :۴۱۱-۴۲۸.

- Nouri Hekmat, S, Maleki, M, Attar Brothers Moghaddam. H ., & Dehnavieh, R.(۲۰۰۹). Factors affecting elite migration from the perspective of students at Iran University of Medical Sciences. **Strides in Development of Medical Education**,۶(۲):۱۸۱-۱۸۴.

- Ragheb, A., & Karami, M.(۲۰۲۵). Iranian Brain Drain: Causes and Solutions Through a Meta-Synthesis Approach.**Journal of Population**

**Association of Iran**,۱۹(۳۸):۳۳۳-۳۶۶.

-Safaie, N., Chakmehchi Khiavi, F., & Shahsavar, M. S. (۲۰۲۳). Examining the Emigration of Elites from Iran: A System Dynamics Approach. **Journal of Systems Thinking in Practice**, ۲(۴), ۱۷-۳۲.

- Sharifi, R, Zul Qadr, M., & Jafari Payband, F.(۲۰۲۱). Investigating the policies of the Islamic Republic of Iran in the field of attracting and maintaining elites and top talents.**Internatonal Relations Research Quarterly**,۱۱(۱):۳۴۵-۳۶۹.

- Sharifi, R, Zul Qadr, M., & Jafari Payband, F.(۲۰۲۴). Explanation of the ideal policy model of the Islamic Republic of Iran in the field of top talents and elites. **quarterly Journal of Sociology StudIES**,۱۶(۶۱):۱۲۹-۱۵۰.

-Szpakowski R, Zając PW, Dykowska G, Sienkiewicz Z, Augustynowicz A & Czerw A. (۲۰۱۶) Labour migration of Polish nurses: a questionnaire survey conducted with the Computer Assisted Web Interview technique. **Szpakowski et al. Human Resources for Health**, ۱۴(۱): ۷۹-۸۸.

- Vahid Dastjerdi, M, Soltankhah, N, Pasalar, P, Hosseini, M, Sheikh Al-Islamzadeh, M.(۲۰۲۵). Challenges and Strategic Priorities of Health Elites. **Iran J Cult Health Promot**,۵(۱):۱۲-۱۷.

- Zandi, R, Vakilalroaia, Younos., & Farhadi Nejad, M.(۲۰۱۹). Designing a Model for Maintaining Elite Gene with an Emphasis on Graduates of Higher Education and Ministry of Health.**Journal of Applied Sociology**,۳۰(۷۶):۹۷-۱۱۲.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٤٤٣-٤١٤
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# نقش احزاب در توسعه سیاسی (مطالعه تطبیقی ج.ا.ایران و فرانسه) [1]

**مصطفی کواکبیان** [2]
**عظیم متین** [3]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۷/۱۵ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۲۳)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

**چکیده**
توسعه سیاسی یکی از مفاهیم بنیادین در فهم روند بلوغ، نوسازی و تثبیت نظام‌های سیاسی و همچنین ارتقای حکمرانی مؤثر و پاسخ‌گو به مطالبات شهروندان است. این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظری نوسازی و توسعه، به مقایسه و تحلیل تطبیقی نقش احزاب سیاسی در دو کشور ایران و فرانسه می‌پردازد تا نشان دهد چگونه ایدئولوژی‌های سیاسی، ساختارهای حکومتی، مسیرهای تاریخی و بسترهای فرهنگی بر کارکرد احزاب در فرآیند توسعه سیاسی تأثیر می‌گذارند .در نظام دموکراتیک و سکولار فرانسه، احزاب سیاسی به‌عنوان عناصر

---

۱- *این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «جایگاه توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (از ایده تا عمل)» است.

[2]- دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
[3]- دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی- گرایش مسائل ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
azim_matin@atu.ac.ir

محوری در سیاست رقابتی، نمایندگی شهروندان و تدوین خط‌مشی‌های عمومی ایفای نقش می‌کنند. این احزاب ضمن تقویت کثرت‌گرایی، تنوع ایدئولوژیک و مشارکت مدنی، توانسته‌اند خود را با دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از جهانی‌شدن، فناوری‌های نو و چالش‌های زیست‌محیطی سازگار سازند و از این رهگذر، انعطاف‌پذیری دموکراتیک را حفظ کنند .در مقابل، در ایران معاصر، احزاب سیاسی در چارچوب ایدئولوژیک و حقوقی مبتنی بر اصول جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند؛ چارچوبی که از یک‌سو مشروعیت سیاسی را از مبانی دینی اخذ می‌کند و ازسوی‌دیگر، محدودیت‌هایی بر فعالیت حزبی اعمال می‌نماید. احزاب در ایران اغلب نقش واسطه‌ای میان دولت و جامعه دارند، اما به‌واسطه جناح‌بندی‌های سیاسی، ضعف نهادینه‌سازی و سلطه گفتمان‌های فقهی و ایدئولوژیک، نتوانسته‌اند به‌طور کامل در جهت توسعه سیاسی پایدار گام بردارند .این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که احزاب سیاسی، باوجود تفاوت‌های ساختاری و ایدئولوژیک، در هر دو کشور نقشی تعیین‌کننده در تعمیق توسعه سیاسی و تنظیم رابطه دولت و جامعه دارند، اما مسیر تحقق این نقش، بسته به نوع نظام سیاسی و مبانی مشروعیت، متفاوت است.

**کلیدواژه‌ها:** توسعه سیاسی، احزاب، دموکراتیک، جمهوری اسلامی ایران، فرانسه.

**مقدمه**

با مقبولیت یافتن اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در اندیشه سیاسی عصر جدید، موضوع توسعه سیاسی در کانون توجه قرار گرفت. توسعه سیاسی یک مفهوم اصلی در علوم سیاسی است که منعکس‌کننده تکامل، نوسازی و تثبیت سیستم‌های سیاسی برای تضمین حکومت مؤثر، نظم عمومی و پاسخگویی به نیازهای شهروندان است. ابعاد مختلفی از جمله بلوغ نهادی، مشارکت سیاسی، حاکمیت قانون و مسئولیت‌پذیری را در برمی‌گیرد که همگی برای یک دولت با عملکرد خوب حیاتی هستند (واینر و هانتینگتون، ۲۸:۱۳۷۹). توسعه سیاسی عموماً متضمن حرکت به سمت پیچیدگی نهادی، دموکراسی‌سازی و ایجاد سازوکارهای حکومتی است که آزادی‌های مدنی، ثبات اقتصادی و عدالت اجتماعی را اجرا می‌کند (آلموند و پاول، ۱۳۸۰: ۱۳۹). در چارچوب توسعه سیاسی، احزاب به‌عنوان واسطه‌هایی که شهروندان را با دولت

مرتبط می‌کنند، نقش محوری دارند و کانال‌هایی را برای مشارکت سیاسی، سازماندهی و نمایندگی ارائه می‌دهند. احزاب برای تحکیم دموکراسی از طریق فعال‌کردن رقابت، تجمیع منافع متنوع و ساختاردهی فرآیند حکومت ضروری هستند (الماسی،۱۴۰۱: ۵۰۱). نقش احزاب فراتر از کارکردهای سنتی انتخاباتی به شکل‌دهی سیاست‌هایی که نیازهای جامعه را منعکس کند، گسترش می‌یابد. با مشاهده این نقش از دریچه سیاست‌گذاری عمومی، این پژوهش به دنبال این است که چگونگی مشارکت احزاب در دستور کار، تدوین سیاست و اجرای سیستم ترکیبی منحصربه‌فرد ایران را روشن کند. درک این رابطه بینش‌های ارزشمندی را برای ذی‌نفعان فراهم می‌کند که هدفشان تقویت حکمرانی، تقویت توسعه سیاسی، و همسویی با سیاست‌های دولتی با خواسته‌های در حال تحول مردم است؛ بنابراین احزاب به‌عنوان بازیگران مهم در تثبیت سیستم‌های سیاسی و تقویت انسجام اجتماعی عمل کرده و تنوع منافع اجتماعی را نمایندگی می‌کنند و میانجی بین مردم و قدرت دولتی هستند (چلبی و همکاران،۱۳۹۷: ۳۵). احزاب همچنین به نهادینه‌کردن اصول دموکراتیک، مانند: پاسخگویی، شفافیت و فراگیری از طریق رقابت انتخاباتی سازمان‌یافته و نمایندگی منافع مختلف در داخل دولت فعالیت اجرایی دارند (سردارنیا،۱۳۹۳: ۴۳). در نظام‌هایی که دارای محیط سیاسی کثرت‌گرا هستند، نقش احزاب فراتر از چرخه‌های انتخاباتی گسترش می‌یابد، زیرا آنها به سیاست‌گذاری، شیوه‌های حکومت‌داری و تکامل هنجارهای سیاسی می‌پردازند. علاوه بر این، استقلال و تنوع ایدئولوژیکی که احزاب از آن برخوردارند، مستقیماً بر عمق و مسیر توسعه سیاسی تأثیر می‌گذارد، همان‌طور که در سیستم‌های سیاسی مختلف در سراسر جهان‌دیده می‌شود (اکبری،۱۴۰۲: ۱۴).

**بیان مسئله**

احزاب در جوامعی که سطح آزادی و تنوع ایدئولوژیکی متفاوت است، کارکردهای منحصربه‌فردی دارند. در سیستم‌های باز، آن‌ها از پایه‌های دموکراتیک دولت حمایت می‌کنند، درحالی‌که در سیستم‌های کنترل‌شده یا محدود، عملکرد آنها ممکن است به سمت تحکیم کنترل دولت یا ترویج برنامه‌های موردتأیید دولت متمایل شود (شکوهی و همکاران،۱۴۰۱: ۱۷۲). درک نقش احزاب در هر دو نوع سیستم - دموکراتیک و نیمه دموکراتیک - برای بررسی چگونگی توسعه سیاسی تحت شرایط مختلف آزادی و نفوذ دولت ضروری است. در

تحلیل تطبیقی نقش احزاب در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، مسائل منحصربه‌فردی مانند؛ ایدئولوژی‌های سیاسی متمایز، ساختارهای دولتی و مسیرهای تاریخی مشهود است. جمهوری فرانسه به‌عنوان یک جمهوری سکولار و دموکراتیک با یک نظام چندحزبی کثرت‌گرا که با اصول دموکراتیک و حکومت سکولار همسو است عمل می‌کند. در مقابل، جمهوری اسلامی ایران تحت یک مدل ترکیبی منحصربه‌فرد است که عناصر تئوکراسی را با حکومت جمهوری ترکیب کرده است، جایی که اصول‌دینی به طور قابل‌توجهی بر اقتدار و مشروعیت سیاسی تأثیر می‌گذارد (بیات، ۲۰۰۷). این تضاد آشکار در نظام‌های سیاسی فرصتی را برای بررسی چگونگی تأثیر مدل‌های مختلف حکومت بر نقش احزاب در توسعه سیاسی ارائه می‌دهد.

جمهوری فرانسه: یک دموکراسی باثبات با یک سیستم حزبی تثبیت شده است که از طریق مسیر تاریخی سلطنت، انقلاب، جمهوری‌خواهی و توسعه نهادهای دموکراتیک مدرن تکامل‌یافته است (**Graham,**۱۹۶۴:۲۵). جمهوری پنجم که از سال ۱۹۵۸ چارچوبی قوی برای عملکرد باثبات احزاب، ساختار سیاسی و تعادل قوای مجریه و مقننه فراهم کرد. سیستم حزبی جمهوری فرانسه به طور سنتی دارای احزاب جریان اصلی و حاشیه‌ای است که طیف وسیعی از ایدئولوژیک را از محافظه‌کاران، سوسیالیست‌ها، لیبرال‌ها تا جناح‌های سبز و ناسیونالیست را نمایندگی می‌کنند. تأثیر این احزاب بر سیاست و حاکمیت مستقیم و مشهود است (**Hanley,** ۲۰۰۲:۱۴).

## اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش

تحلیل نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه چشم‌اندازی منحصربه‌فرد از نحوه عملکرد احزاب تحت محدودیت‌های مختلف دولتی و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک ارائه می‌دهد. در جمهوری فرانسه، احزاب در پیشبرد رقابت سیاسی، شکل‌دهی به سیاست‌ها و تقویت مشارکت شهروندان، همه در یک چارچوب نسبتاً نامحدود و دموکراتیک نقش اساسی دارند (**Knapp & Wright,** ۲۰۰۶). اما ساختار نهادی در ایران یک محیط لایه‌ای سیاست‌گذاری ایجاد و احزاب باید در این ساختار حرکت کنند و در چارچوب محدودیت‌های تعیین شده از سوی: مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، وزارت کشور و شوراهای عالی سیاست‌گذاری بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند. این فعل‌وانفعال نهادی مسیرهایی را شکل می‌دهد که

از طریق آن احزاب به توسعه حکومت و سیاست کمک می‌کنند (هواسی،۱۳۹۸: ۱۱۵۶). این دیدگاه تطبیقی، انطباق احزاب را در زمینه‌هایی برجسته می‌کند که کارکردهای آنها ممکن است به سمت تحکیم دموکراسی کثرت‌گرا مانند فرانسه، یا حفظ انطباق ایدئولوژیک مانند ایران هدایت شود.

**اهداف**

۱. تحلیل الگوی حزبی، درک تحول و رشد احزاب در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه

۲. احزاب نه‌تنها بازیگران انتخاباتی بلکه بازیگران محوری در فرآیند سیاست‌گذاری هستند. با بررسی نقش آنها از طریق نظریه‌ها و روش‌های سیاست عمومی، ذی‌نفعان در دولت ایران درک مناسب‌تری از پتانسیل احزاب برای پیشبرد توسعه سیاسی با حفظ ثبات ایدئولوژیک و نهادی جمهوری اسلامی به دست می‌آورند.

**سؤالات:**

۱. احزاب چه نقشی در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه دارند؟

۲. تفاوت‌های ایدئولوژیک و ساختاری در احزاب چگونه بر نتایج توسعه تأثیر می‌گذارد؟

**فرضیه‌های پژوهش:** فرضیه اصلی: این تحقیق فرض می‌کند که احزاب در چارچوب‌های دولتی خاص عمل می‌کنند که ذاتاً نقش و نفوذ آنها را شکل می‌دهد. به‌عنوان‌مثال، احزاب در سیستم‌های دموکراتیک مانند جمهوری فرانسه با خودمختاری قابل‌توجه و تمرکز بر نمایندگی کثرت‌گرایانه عمل می‌کنند، درحالی‌که احزاب در سیستم‌های دارای محدودیت ایدئولوژیکی مانند جمهوری اسلامی ایران فعالیت دارند که محدوده عمل آنها را تنظیم می‌کند؛ بنابراین، ماهیت نظام سیاسی به طور مستقیم بر میزان نمایندگی و آزادی که احزاب می‌توانند در دفاع از سیاست‌ها یا نمایندگی از منافع اجتماعی اعمال کنند، تأثیر می‌گذارد.

فرضیه رقیب: احزاب، خارج و مستقل از جهت‌گیری ایدئولوژیکی و چارچوب‌های خاص دولت در تقویت توسعه سیاسی تأثیر می‌گذارند.

## روش پژوهش مقایسه‌ای (تطبیقی)

این تحقیق از رویکرد مقایسه‌ای - تطبیقی استفاده می‌کند، یک روش‌شناسی بنیادی در علوم سیاسی که در تحلیل نقش احزاب در شکل‌دادن به توسعه سیاسی در سراسر سیستم‌های سیاسی متمایز نقش دارد. تحقیقات تطبیقی به‌ویژه برای علوم سیاسی مناسب است، زیرا امکان بررسی سیستماتیک پدیده‌های سیاسی را در موارد مختلف فراهم کرده و بینش‌هایی را در مورد چگونگی تأثیر تغییرات در سیستم‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و ساختارها بر راهبُردها، فرآیندها و نتایج کلیدی ارائه می‌دهد. با مقایسه و تطبیق، محققان می‌توانند ویژگی‌های منحصربه‌فرد را برجسته کنند، روابط علی را شناسایی و تعمیم‌پذیری مفاهیم نظری را در زمینه‌های مختلف سیاسی آزمایش کنند (زرندی،۱۴۰۲: ۳). یک رویکرد تطبیقی امکان بررسی نقش احزاب در هر دو سیستم دموکراتیک و ایدئولوژیکی را فراهم می‌کند و محققان را قادر می‌سازد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها را در نحوه عملکرد احزاب، بسیج عمومی، نفوذ بر حکومت و کمک به توسعه سیاسی کشف شود (احمدی،۱۳۹۹: ۵۶۹) و امکان کاوش در چگونگی مشارکت احزاب در دو سیستم سیاسی کاملاً متفاوت را در حکومت، ثبات و توسعه سیاسی فراهم می‌کند (حاتمی،۱۳۹۶: ۱۰۷)؛ بنابراین، انتخاب جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه امکان تحلیل مقایسه‌ای کارکردهای حزب در دو موقعیت سیاسی مجزا را فراهم کرده و نشان می‌دهد که چگونه عوامل ساختاری و ایدئولوژیک بر پویایی حزب و روند گسترده‌تر توسعه سیاسی تأثیر می‌گذارد.

## روش تحلیل

توصیفی - تحلیلی است که باتوجه‌به ماهیت و نوع مطالعه که بررسی تطبیقی است در چهار مرحله‌ی توصیف، تفسیر، هم‌جواری و مقایسه انجام شده است. روش تحقیق توصیفی، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های علوم اجتماعی کلان‌نگر است که به دنبال پاسخ‌دادن به پرسش‌های بزرگ می‌پردازد و در سطح میانی و کلان واحدهای مشاهده و سطح تحلیل خود را مورد بحث قرار می‌دهد (میرزایی،۱۴۰۲: ۷۵). در واقع در علوم اجتماعی این تحقیقی در پی بررسی تفاوت و تشابه در بین کل‌ها و ترتیبات اجتماعی است. تحلیل روش تطبیقی علاوه بر توصیف و تبیین مشابهت‌ها و تفاوت‌ها شرایط و پیامدها واحدهای اجتماعی کلان و بزرگ‌مقیاس همچون ملت‌ها، جوامع و کشورها را موردمطالعه قرار داده است (قنبری،۱۴۰۲: ۱۶۹). این روش عناصر توصیف و تحلیل را با هم ترکیب کرده و آن را به‌ویژه برای بررسی

پدیده‌های سیاسی پیچیده؛ مانند نقش احزاب در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه مؤثر می‌کند. این رویکرد به محققان اجازه می‌دهد تا به طور سیستماتیک ویژگی‌ها و کارکردهای احزاب در هر دو کشور (جنبه توصیفی) را مستند کنند و درعین‌حال این ویژگی‌ها را تفسیر و تحلیل کنند تا پیامدهای گسترده‌تر آن‌ها برای توسعه سیاسی (جنبه تحلیلی) را درک کنند (رشیدفر،۱۴۰۳: ۷۹). در جمهوری اسلامی ایران، تحلیل توصیفی شامل مستندسازی نقش احزاب یا جناح‌های سیاسی در چارچوب جمهوری اسلامی، با تمرکز بر چگونگی شکل‌دهی نظارت ایدئولوژیک و مذهبی به کارکردها و تأثیرات آنها می‌شود. برای جمهوری فرانسه، این توصیف به جزئیات سیستم چندحزبی، ساختار سازمانی احزاب و نقش آنها در ارائه دیدگاه‌های ایدئولوژیک متنوع در چارچوب دموکراتیک سکولار پرداخته خواهد شد.

## جمع‌آوری داده‌های پژوهش

| نویسندگان و سال انتشار | عنوان پژوهش | یافته‌ها و نتایج |
|---|---|---|
| اسماعیل ارتگلی و همکاران (۱۴۰۲) | نقش احزاب در توسعه‌سیاسی جمهوری اسلامی ایران و تأکید بر شایسته‌سالاری | -احزاب با ایجاد توسعه سیاسی زمینه تحقق شایسته‌سالاری سیاسی را فراهم می‌کند.<br>_یک نظام سیاسی درحال‌توسعه برای جذب و حل تعارضات، می‌بایست ظرفیت‌ها و گنجایش‌های لازمه را توسط سازمان‌ها و سیستم‌های نهادمند در درون خویش به وجود آورد. |
| صادق زیباکلام و مرتضی مقتدایی (۱۳۹۳) | احزاب و نقش آن در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی انتخابات | -شاخصه اصلی توسعه سیاسی به مشارکت سیاسی می‌باشد.<br>_احزاب به معنای حقیقی کلمه در کشور شکل نگرفته‌اند.<br>_مشارکت نیازمند ابزارهای کارآمد و سازمان‌های نهادمند است. |
| حسین رحیمی (۱۳۷۸) | نقش احزاب در توسعه سیاسی و امنیت ملی | -ایجاد احزاب قانونی و قدرتمند در جامعه<br>_کنترل و تحدید قدرت<br>_ همبستگی و فعالیت جمعی ضریب امنیت ملی را افزایش می‌دهد. |

داده‌ها از طریق شبکه‌ی اینترنت و مطالعه‌ی کتب و مقالات مرتبط جمع‌آوری شده‌اند. ازآنجاکه داده‌های به‌دست‌آمده از نوع کیفی است؛ بنابراین با روش کیفی نیز تحلیل و جمع‌بندی‌شده است. در مورد ابزار جمع‌آوری و روش تحلیل داده‌ها قابل‌ذکر است که به معنای خاص پژوهش‌های میدانی، ابزاری در پژوهش استفاده نشده است؛ ولی دراین‌ارتباط از فرم‌های فیش‌برداری به‌منظور گردآوری نتایج مطالعات مرتبط و تحلیل داده‌های حاصل از ابزار پژوهش،

به تفکیک و طبقه‌بندی مرتبط با سؤال و انعکاس آنها در هر یک از جدول‌ها پرداخته شده است.

## پیشینه پژوهش

تحقیقاتی که به بررسی نقش احزاب در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه می‌پردازند به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

الف: مطالعات متمرکز بر نقش و تأثیر احزاب نسبت به شاخص‌های توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و کشور جمهوری فرانسه به طور جداگانه:

**جدول ۱.** مطالعات متمرکز بر ایران

این آثار نشان می‌دهد که چگونه جناح‌ها که عمدتاً در اردوگاه‌های اصلاح‌طلب و محافظه‌کار گروه‌بندی می‌شوند محدودیت‌های نهادی را برای تأثیرگذاری بر سیاست‌ها یا حمایت از تغییر در محدوده‌های ایدئولوژیکی تعیین‌شده توسط جمهوری اسلامی دنبال می‌کنند.

**جدول ۲.** مطالعات متمرکز بر فرانسه

| نویسندگان و سال انتشار | عنوان پژوهش | یافته‌ها و نتایج |
|---|---|---|
| مجید برزگری (۱۳۹۰) | نظری بر قوانین و نقش احزاب در انتخابات جمهوری فرانسه | -مدل‌های رفتار انتخاباتی مردم کشور جمهوری فرانسه به همراه احزاب آن کشور شامل گرایش‌های راست، مرکزگرا و چپ - عرفی و میزان کامیابی و ناکامی هر یک از احزاب تحلیل شده است. |
| **Maurice Duverger(۲۰۱۳)** | **Public Opinion and Political Parties in France** | -بررسی وجود دو جریان چپ و راست که به ترتیب جنبش و نظم خوانده می‌شوند.<br>_تأسیس جریان یا نیروی سوم از سال ۱۹۴۷ برای شکسته‌شدن این دو جریان سیاسی |
| **Simon Bornschier & Romain Lachat (۲۰۰۹)** | **The Evolution of the French Political Space and Party System** | - پژوهش پتانسیل‌های ساختاری جدید مرتبط با فرآیندهای جهانی‌شدن و یکپارچگی اروپایی و ساختار اپوزیسیون در نظام حزبی جمهوری فرانسه را بررسی می‌کند. |

محتوای این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که؛ چگونه احزاب که طیفی از جنبش‌های محافظه‌کار تا سوسیالیست و سبز را در بر می‌گیرند، فرآیندهای دموکراتیک را با ارائه انتخاب‌های متنوع به شهروندان تسهیل کرده و به‌عنوان واسطه بین دولت و رأی‌دهندگان عمل می‌کنند.

ب: مطالعات تطبیقی که نقش و تأثیر احزاب نسبت به شاخص‌های توسعه سیاسی هر دو کشور را در یک چارچوب واحد تحلیل کرده‌اند:

**جدول ۳.** مطالعات تطبیقی ایران و فرانسه

| نویسندگان و سال انتشار | عنوان پژوهش | یافته‌ها و نتایج |
|---|---|---|
| محمد مظهری و همکاران (۱۳۹۷) | محدودیت‌های آزادی احزاب: هم‌سنجی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه | -هم‌سنجی محدودیت‌های عارض بر آزادی احزاب در ایران و فرانسه<br>_محدودیت سازی در قانون اساسی جمهوری فرانسه در رویکردی اقلی مکتفی به دو مؤلفه حاکمیت ملی و دمکراسی در قالبی استثنایی است. |
| مجید بزرگمهری و همکاران (۱۳۸۸) | بررسی تطبیقی مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات ریاست‌جمهوری جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه | -اهمیت نقش احزاب در دموکراسی<br>_تأثیر احزاب در آگاهی فردی و اجتماعی<br>_مطالبه حقوق شهروندی، قانونی و سیاسی |

پس از بررسی آثار این دسته استفاده از تحلیل تطبیقی، نقش احزاب در توسعه سیاسی و تأثیر احزاب نسبت به شاخص‌های توسعه سیاسی هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، فراتر از تجزیه‌وتحلیل مجزا است و بنابراین در پژوهش حاضر چگونگی تعامل احزاب با نهادهای دولتی، بسیج عمومی و تأثیرگذاری بر حکومت، ایدئولوژی‌های سیاسی متمایز، ساختارهای دولتی و مسیرهای تاریخی در هر دو کشور جهت رسیدن به راهکار و پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران موردتوجه است.

## چارچوب نظری پژوهش

به‌طورکلی در مورد پیدایش و گسترش احزاب سه دیدگاه کلی وجود دارد:

**دیدگاه انتخاباتی**؛ بر این باور است که احزاب در درجه اول به‌عنوان ابزاری برای رقابت و پیروزی در انتخابات ظاهر و بر ابعاد استراتژیک سازمان سیاسی تأکید دارد و احزاب را ابزاری برای بسیج رأی‌دهندگان، هماهنگ‌کردن اقدامات بین نخبگان و اطمینان از جذابیت یک برنامه منسجم برای رأی‌دهندگان گسترده می‌داند. (دوورژه،۱۳۵۷: ۱۲)

**تئوری تضاد طبقاتی**؛ این دیدگاه ریشه در تفکرات مارکسیستی و نئومارکسیستی دارد، معتقد است که احزاب بیانگر شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی هستند، به‌ویژه بین طبقات مختلف اجتماعی. بر اساس این تئوری، احزاب به‌عنوان یک بسط طبیعی مبارزه طبقاتی ظاهر می‌شوند که هر حزب منافع طبقه یا ائتلاف طبقات خاصی را نمایندگی می‌کند. این دیدگاه، چشم‌انداز سیاسی را اساساً توسط نابرابری‌های اقتصادی شکل می‌دهد (نژاد ایران،۱۴۰۱: ۲۰۴).

**نظریه نوسازی و توسعه؛** بر اساس این نظریه که به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش مورداستفاده قرار گرفته است؛ احزاب محصول فرآیندهای گسترده‌تر تحول اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که با مدرن‌شدن جوامع – که مشخصه آن شهرنشینی، افزایش سطح تحصیلات، تنوع اقتصادی و افزایش تحرک اجتماعی است – نیاز به اشکال جدیدی از سازماندهی سیاسی پدیدار می‌شود. احزاب، از این نظر، نهادهایی هستند که ادغام گروه‌های اجتماعی تازه بسیج شده را در نظام سیاسی تسهیل می‌کنند (دارابی،۱۳۸۱: ۲۷). این نظریه استدلال می‌کند که پیدایش احزاب ارتباط تنگاتنگی با گذار از جوامع سنتی به جوامع مدرن دارد. ازآنجایی‌که ساختارهای سنتی، مانند شبکه‌های خویشاوندی و حمایتی، ارتباط خود را در بافتی که به‌سرعت در حال مدرن‌شدن است، از دست می‌دهند، احزاب راهی برای مشارکت افراد و گروه‌ها در روند سیاسی فراهم می‌کنند؛ بنابراین احزاب برای هدایت مطالبات سیاسی، مدیریت تضادهای اجتماعی و ارتقای ثبات سیاسی در مواجهه با تغییرات سریع اجتماعی حیاتی هستند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۵). این دیدگاه موردتوجه اغلب نظریه‌پردازان توسعه سیاسی از قبیل پای، پاول، آلموند و هانتینگتون بوده است که در این پژوهش نظریه نوسازی و توسعه و نظریات این اندیشمندان به‌عنوان چارچوب نظری مورداستفاده قرار گرفته است. مقوله توسعه و نوسازی سیاسی از موضوعاتی

است که از دوران پس از جنگ جهانی دوم تا به امروز ذهن استادان و محققان علوم سیاسی را به خود مشغول کرده است. احزاب در واقع از ابتکارهای نظام‌های سیاسی مدرن و مهم‌ترین شاخصه توسعه سیاسی و مهم‌ترین سازمان سیاسی در دموکراسی‌های معاصر به شمار می‌آیند (نقیب‌زاده و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۱۷۷). اغلب اندیشمندان علم سیاست، تحزب را مایه توسعه و ثبات سیاسی، افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی و عامل تحقق و تحرک دموکراسی دانسته‌اند. (دوورژه،۱۳۵۴:۱۵۳).

## تاریخچه و چگونگی شکل‌گیری احزاب در ایران و فرانسه

الف) ایران: حزب به معنای امروزی کلمه، پدیده‌ای مختص دوران معاصر است و قبل از آن، چنین نهادی معنا نداشت. ریشه آن در انقلاب فرانسه و مربوط به غرب است (محمدی‌نژاد،۱۳۵۵: ۱۶). مسئله توسعه سیاسی، از صدر مشروطه تا پس از انقلاب اسلامی، از بغرنج‌ترین مسائل سیاسی‌اجتماعی در ایران بوده است. واقعیت این است که در دوران معاصر، استبداد در ایران سیطره تفکر سلبی بر بررسی‌های مباحث توسعه و امکان توجه به پتانسیل‌ها و درعین‌حال تحولات انجام‌شده را با نوعی امتناع روبرو گردانیده است (ارتگلی،۱۴۰۲: ۲۷۸). ایران معاصر دوره‌هایی از جناح‌گرایی، سرکوب و انقلاب مشروطه و کودتا را تجربه کرد که ماهیت سازمان‌های سیاسی را شکل داد. در دوران قاجار و اوایل پهلوی، شاهد ظهور گروه‌ها و احزاب سازمان‌یافته بود، به‌ویژه با انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ که اولین مجلس ایران تأسیس شد و محدودیت‌های مشروطه برای سلطنت وضع شد (مدنی،۱۳۶۱: ۳۱). اما فعالیت احزاب در دوران رضاشاه محدود و این روند در زمان محمدرضا شاه ادامه یافت (تربتی سنجابی،۱۳۷۵: ۵۳). اوایل سیاست مدرن در ایران شاهد ظهور گروه‌هایی مانند حزب توده، یک جناح مارکسیست بانفوذ قابل‌توجه و جبهه ملی بود که باشخصیت محمد مصدق و جنبش ملی‌شدن نفت گره‌خورده بود. بااین‌حال، در دوران سلطنت پهلوی، به‌ویژه در دوران حکومت محمدرضا شاه، احزاب عمدتاً تحت‌فشار سرکوب دولتی قرار داشتند (شانه چی،۱۳۷۵: ۵۵). تمایلات اقتدارگرایانه شاه با تأسیس تک‌حزبی رستاخیز در سال ۱۳۵۳ به اوج خود رسید که اساساً بیان سیاسی را در انحصار خود درآورد و گروه‌های مخالف را به حاشیه راند. این فضای سیاسی یکپارچه با افزایش نارضایتی منجر به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ شد که سلطنت را از بین برد آن را با یک رژیم تئوکراتیک جدید جایگزین کرد. درحالی‌که جنبش انقلابی ائتلاف گسترده‌ای از نیروهای

سیاسی، از گروه‌های چپ گرفته تا روحانیون مذهبی را گرد هم آورد، دوران پس از انقلاب شاهد تحولی شگرف در ماهیت و نقش احزاب هستیم (شیرودی،۱۳۸۲).

## گذار پس از انقلاب: استقرار جمهوری اسلامی

نقش احزاب در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران موضوعی است که متضمن تعامل پیچیده بین ایدئولوژی، ساختارهای حکومتی و واقعیت‌های سیاسی - اجتماعی است. درک این نقش مستلزم بررسی ماهیت و کارکرد احزاب، زمینه تاریخی سیاست حزبی در جمهوری اسلامی ایران و چگونگی شکل‌دهی ویژگی‌های منحصربه‌فرد و پویایی‌ها است. درحالی‌که جمهوری اسلامی احزاب را به رسمیت می‌شناسد، عملیات، اثربخشی و خودمختاری آنها عمیقاً تحت‌تأثیر چارچوب کلی مذهبی - سیاسی است که توسعه سیاسی را در مقایسه با نظام‌های دموکراتیک سکولار به روش‌های منحصربه‌فردی هدایت می‌کند (زیباکلام و مقتدایی،۱۳۹۳: ۲۰). ساختار قدرت بعد از انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی ایران با تغییر و تحولات بسیاری همراه شد و برخلاف دوره قبل، به دلیل نگرانی نیروهای انقلابی از دستیابی ضدانقلاب‌ها به قدرت و منحرف‌شدن مسیر انقلاب، همواره با چالش‌هایی همراه گردید، به‌طوری که در این دوره پاره‌پاره شدن و تکثر قدرت را شاهد بودیم و نیروهایی مختلف با جهت‌گیری‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درون قدرت جابه‌جا می‌شدند (معنوی،۱۳۸۶). انقلاب اسلامی به استقرار نظم سیاسی جدید مبتنی بر اصل ولایت‌فقیه منجر شد، الگوی حکومتی که اختیارات نهایی را به رهبر اعطا می‌کند. آیت‌الله خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب، ساختار جمهوری اسلامی را به‌گونه‌ای تنظیم کرد که عناصر جمهوری‌خواهی را با چارچوب اسلامی ترکیب کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی که در سال ۱۳۵۸ تصویب و در سال ۱۳۶۸ اصلاح شد، نقش احزاب را تصدیق می‌کند، درعین‌حال آنها را موظف به پایبندی به اصول اسلامی و پرهیز از تضعیف پایه‌های حکومت اسلامی می‌کند (اصل ۲۶ و ۲۷)[1].

---

۱-در زمان تدوین قانون اساسی قانونگذار دو اصل ۲۶ و ۲۷ را به اجتماعات اختصاص داده است؛ در اصل ۲۶ می‌گوید: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان

احزاب در اوایل دوره انقلاب با چالش‌هایی در مسیریابی در این محیط جدید مواجه بودند. گروه‌هایی که زمانی در انقلاب همکاری کرده بودند، مانند مجاهدین خلق (منافقین) با الهام از مارکسیست‌ها و جبهه ملی سکولار، به‌زودی خود را در تقابل با رژیم جدید دیدند که ایدئولوژی‌های سکولار یا چپ آنها را ناسازگار با اسلام می‌دانست. دولت در نتیجه، دولت احزابی را که به‌عنوان تهدید تلقی می‌شدند، سرکوب یا منحل کرد و قدرت را در چارچوبی مذهبی تحکیم شد. اما باگذشت زمان، نظام اجازه ظهور جناح‌هایی را در چارچوب ساختار ایدئولوژیک جمهوری اسلامی داد و دو جریان اصلی را به وجود آورد: محافظه‌کاران (اصول‌گرایان) و اصلاح‌طلبان. (سلامت و همکاران،۱۴۰۱: ۹۹)

**ب) فرانسه:** شکل‌گیری و تکامل احزاب در فرانسه با تاریخ سیاسی پرتلاطم این کشور که با انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م آغاز شد، پیوند نزدیک دارد که طی آن باشگاه‌های سیاسی به‌ویژه ژاکوبن‌ها و ژیروندین‌ها ظهور کردند و به‌عنوان اجداد احزاب مدرن در فرانسه در نظر گرفت (ایوبی،۱۳۹۰: ۷-۱۱). قرن نوزدهم دوران حساسی برای احزاب فرانسه بود. پس از انقلاب، فرانسه چندین رژیم سیاسی را تجربه کرد - از جمهوری اول تا حکومت ناپلئونی، احیای مجدد سلطنت بوربن‌ها و سلطنت جولای - که هر کدام اتحادها و سازمان‌های سیاسی جدیدی را تقویت کردند (دولت‌آبادی و غلامی،۱۳۹۸: ۱). کودتای ناپلئون سوم در سال ۱۸۵۱ و تأسیس امپراتوری دوم توسط او، فعالیت سیاسی را محدود و توسعه احزاب را برای نزدیک به دو دهه مهار کرد. جمهوری سوم در سال ۱۸۷۰م گام مهمی برای تشکیل حزب بود. در این دوره، احزاب، به‌ویژه حول شکاف‌های جمهوری‌خواهی و سلطنت طلبی، سکولاریسم در مقابل محافظه‌کاری کاتولیک تثبیت شدند. حزب سوسیالیست، رادیکال‌ها و گروه‌های دیگر در این دوره ظهور کردند و یک نظام حزبی نسبتاً باثبات ایجاد شد**(Soltau.۱۹۲۲:۴۳_ ۴۴)** . در اوایل قرن بیستم، این احزاب ساختارهای رسمی، استراتژی‌های انتخاباتی و پلتفرم‌های ملی را که ما با احزاب مدرن مرتبط هستند را در اختیار گرفتند. جنگ جهانی اول و بحران‌های اقتصادی متعاقب آن شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرد و که باعث پیدایش حزب کمونیست فرانسه و تقویت

---

از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.در اصل ۲۷ هم عنوان شده تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

بیشتر ایدئولوژی‌های سوسیالیستی در فرانسه شد (**Soltau.۱۹۲۲: ۵۴**).

دوره پس از جنگ جهانی دوم و استقرار جمهوری چهارم (۱۹۴۶–۱۹۵۸م) عصری از سیاست‌های ائتلافی را معرفی کرد که در آن احزاب چندپاره اغلب نیاز به تشکیل اتحاد برای حکومت داشتند. احزاب مسلط در این دوره، جنبش جمهوری‌خواه مردمی مسیحی – دمکراتیک، سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها بودند. بااین‌حال، بی‌ثباتی سیاسی جمهوری چهارم را گرفتار کرد و به ظهور شارل دوگل که از قدرت‌های ریاست‌جمهوری قوی‌تر حمایت می‌کرد، شد. این امر با ایجاد جمهوری پنجم به اوج خود رسید که اساساً چشم‌انداز سیاسی فرانسه را تغییر داد (**Duverger ,۱۹۵۲: ۱۰۶۹**). جمهوری پنجم سیستم حزبی باثبات‌تری را پرورش داد، در درجه اول به دلیل ساختار نیمه‌ریاستی آن که به رهبری قوی اجرایی و تشویق احزاب کمتر اما منسجم‌تر کمک می‌کرد. حزب خود دوگل که به جنبش گولیستی و بعداً به جمهوری‌های مدرن تبدیل شد، نمونه‌ای از این روند بود. در این دوره، حزب سوسیالیست با افول حزب کمونیست به‌عنوان یک نیروی مسلط ظاهر شد (ایوبی،۱۳۹۱: ۶۸). در دهه‌های اخیر، احزاب جدیدی مانند حزب میانه‌رو که توسط امانوئل ماکرون تأسیس شد و راست افراطی که قبلاً جبهه ملی بود، منعکس‌کننده جریان‌های سیاسی در حال تغییر و شکاف‌های ایدئولوژیک جدید هستند (**Evans,۲۰۱۹: ۳۰**). تاریخ احزاب فرانسه، تاریخ دگرگونی و تحولات است که توسط تضادهای ایدئولوژیک، تغییرات اجتماعی و اصلاحات نهادی شکل‌گرفته است. از باشگاه‌های انقلابی گرفته تا سازمان‌های سیاسی ساختاریافته، احزاب فرانسوی پیوسته خود را با خواسته‌های یک محیط سیاسی پویا وفق داده‌اند که هم تداوم و هم تغییر را در بافت سیاسی کشور تجسم می‌دهد (ایوبی،۱۳۹۱: ۷۳).

## نقش و جایگاه احزاب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه

**الف) ایران:** قانون اساسی مهم‌ترین سند قانونی یک کشور است. در ایران و در پسِ انقلاب ۱۳۵۷ و سقوط نظام سلطنتی، در پی استقرار نظامی نوین و مردمی، نظام جمهوری اسلامی برپا گشت و این پدیدار، مستلزم سندی راهبردی و ضابطه‌آور یعنی «قانون اساسی» بود. در تقریر قانون اساسی، افراد، احزاب و گروه‌های مختلف را بر آن داشت تا در تصویب سندی بنیادین

کمر همّت بگمارند. (گرجی،۱۳۹۱: ۵۱). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون ارائه تعریف یا مفهوم خاصی از «حزب» در اصل بیست و ششم در فصل حقوق ملت احزاب را در کنار جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزاد دانسته، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند (طحان نظیف و داریوند،۱۴۰۲: ۱۴۴). همچنین به‌موجب همین اصل هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت؛ بنابراین قانون اساسی ما تعریفی از «احزاب» ارائه ننموده است و صرفاً به آزادی و چارچوب کلی فعالیت «احزاب» پرداخته است (میری رستمی،۱۴۰۲: ۷۷). حزب در قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی در مورخه ۱۳۶۰/۰۶/۰۷ در ۲ فصل،۱۹ ماده و ۹ تبصره تصویب و موردتأیید شورای نگهبان قرار گرفت (زیباکلام و مقتدایی،۱۳۹۳: ۱۳). احزاب جمهوری اسلامی ایران از نظر ساختار و عملکرد به طور قابل‌توجهی با همتایان خود در دموکراسی‌های غربی تفاوت دارند. به‌جای رقابت آزادانه نهادهای مستقل، احزاب در جمهوری اسلامی ایران در محدوده چارچوب مذهبی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی موجودیت و فعالیت دارند که به‌شدت توسط دولت تنظیم می‌شود. احزاب تا زمانی مجاز به فعالیت هستند که به اصول‌دینی و قانون اساسی کشور احترام بگذارند، به این معنی که نمی‌توانند مستقیماً مبانی رژیم اسلامی یا مرجعیت ولی‌فقیه را به چالش بکشند. این ساختار یک محیط سیاسی ایجاد کرده که در آن احزاب به‌عنوان جناح‌های ایدئولوژیک و نه به‌عنوان نهادهای کاملاً خودمختار عمل می‌کنند.

**ب) فرانسه:** در قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه۱۹۵۸م، احزاب به طور خاص در اصل ۴ موردتوجه قرار گرفته‌اند. این اصل اساسی به تشریح نقش، آزادی و تعهدات احزاب در چارچوب دموکراتیک جمهوری می‌پردازد. در اینجا جنبه‌های اصلی پوشش داده شده است:

۱. نقش احزاب در دموکراتیک: اصل ۴ مقرر می‌دارد که احزاب «در بیان رأی مشارکت دارند». این اصل به نقش محوری احزاب در شکل‌دادن به انتخاب سیاسی و تسهیل مشارکت در انتخابات اذعان دارد. احزاب با سازماندهی افکار عمومی و ارائه پلتفرم‌های ساختاریافته به هدایت منافع و ترجیحات شهروندان در فرآیند سیاسی کمک می‌کنند.

۲. آزادی تشکیل و فعالیت: اصل ۴ همچنین آزادی تشکیل و فعالیت آزادانه احزاب را تضمین می‌کند. براین‌اساس احزاب می‌توانند بدون مداخله بی‌مورد، با حفظ کثرت‌گرایی سیاسی و

تشویق رقابت آزاد، سازمان‌دهی، برنامه‌های خود را ارتقا دهند و در انتخابات شرکت کنند.
۳. تعهد به اصول دموکراتیک و حاکمیت ملی: این اصل تصریح می‌کند که احزاب باید «به اصول حاکمیت ملی و دموکراسی احترام بگذارند». این بند در تعیین محدودیت‌های رفتار حزبی بسیار مهم است و آنها را ملزم می‌کند تا در محدوده هنجارهای دموکراتیک عمل کرده و از وحدت و حاکمیت جمهوری دفاع کنند. این اصل احزاب را از پیگیری برنامه‌هایی که دموکراسی را تضعیف یا تمامیت دولت را تهدید می‌کنند، منع می‌کند.
درحالی‌که اصل ۴ مرجع اصلی قانون اساسی برای احزاب است، نقش احزاب نیز به طور ضمنی توسط اصل‌های دیگر که عملکرد نهادهای دموکراتیک و سیستم نیمه‌ریاستی را تعریف می‌کنند، شکل می‌گیرد:

-اصل ۳ تصریح می‌کند که "حاکمیت ملی متعلق به مردم است که آن را از طریق نمایندگان خود و از طریق همه‌پرسی اعمال می‌کنند." اگرچه این مقاله به‌صراحت از احزاب نام نمی‌برد، اما دموکراسی نمایندگی را به‌عنوان یک اصل اصلی ایجاد می‌کند و به طور ضمنی نقش احزاب را به‌عنوان ابزار نمایندگی تقویت می‌کند (**Jan,۲۰۱۷: ۵_۱۶**) .

-اصل‌های ۵ و ۶ نقش رئیس‌جمهور و روند انتخابات را تعریف می‌کند، جایی که احزاب با حمایت از نامزدها و ساختار رقابت انتخاباتی، نقش مهم اما غیرمستقیم ایفا می‌کنند (**Constitution of ۴ October ۱۹۵۸**).

-اصل‌های ۲۴ و ۲۵ ترکیب و انتخاب مجلس ملی و سنا را توصیف می‌کند که هر دو برای سازماندهی نامزدها، ساختار بحث‌های قانونگذاری و بسیج حمایت عمومی به احزاب متکی هستند (**Constitution of ۴ October ۱۹۵۸**).

به طور خلاصه، اصل ۴ به‌صراحت احزاب را موردخطاب قرار می‌دهد و آزادی‌ها، نقش‌ها و مسئولیت‌های آنها را در جمهوری فرانسه بیان می‌کند. سایر اصل‌های قانون اساسی به طور غیرمستقیم بر عملیات احزاب با تعریف نقش نهادهای منتخب و سازوکارهای انتخاباتی تأثیر می‌گذارد و چارچوبی را ایجاد می‌کند که در آن احزاب برای نمایندگی مردم فرانسه فعالیت داشته باشند.

## جناح‌ها و احزاب کلیدی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه

**الف) ایران:** قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌نظام حزبی وقعی ننهاده است. نمایندگان به‌صورت منفرد و با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند. در قوانین گوناگون آن نیز حزب به حاشیه رفته و موردتوجه نیست. در فقدان حزب در جمهوری اسلامی نهاد دیگری به نام جناح شکل‌گرفته است. جناح مفهومی وسیع‌تر و فراتر از حزب را نشان می‌دهد (بافقی و همکاران،۱۳۹۷: ۲۸_۲۹). همچنین جناح ماهیتی متفاوت از حزب دارد. جناح برخلاف حزب اصول متصلبی را دارا نیست و افراد و احزاب مختلف را در بر می‌گیرد (شارعی،۱۴۰۰: ۱۴۱). در هنگام ریاست‌جمهوری بنی‌صدر احزاب در جمهوری اسلامی ایران به اردوگاه اسلام‌گرایان و ملی‌گرایان تقسیم شد. پس از عزل او احزاب جدیدی درون بلوک اسلام‌گرا با عنوان "جناح راست و چپ" شکل گرفت. از اوایل سال ۱۳۶۰ این تفاوت در مجلس نمایان شد و به طور عمده در زمینه اقتصادی به کار گرفته شد. مخالفت‌ها علیه کنترل دولت بر بخش‌های بزرگ اقتصاد و تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی در ارتباط با خصوصی‌سازی به وجود آمد. همچنین بر سر این موضوع که مدل‌های تجاری مختلف نظیر بنگاه‌های تعاونی و بخش خصوصی باید مذهبی باشند یا غیرمذهبی، بحث‌وجدل وجود داشت. این دو جناح طیف سیاسی بر سر انحصاری کردن تجارت خارجی در دست دولت و مذهبی کردن آن با هم درگیر بودند و در مورد مسئله مهم ملی کردن صنایع توافق نداشتند (رضایی رحیمی،۱۴۰۱: ۴). دو جناح سیاسی اصلی محافظه‌کاران و اصلاح‌طلبان برداشت‌های متفاوتی از حکومت‌داری و مبانی اسلامی دارند و رقابت آنها باعث ایجاد گفتمان سیاسی در کشور شده است گرچه هر دو جناح مذکور دارای شاخه‌ها و گروه‌های متعددی هستند، ولی جناح ولایی در کلیت خود معتقد به تبعیت از اسلام در زندگی اجتماعی و سیاسی می‌باشد و در آن محور اصلی امور، خداوند است (جزینی زاده،۱۳۹۷: ۲۴۲). مفروض اصلی این جناحِ سیاسی این است که دین اسلام برای تنظیم تمام امورِ مربوط به زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی انسان آمده است و لذا سیاست نمی‌تواند از اسلام جدا باشد؛ بلکه سیاست، بخش کوچکی از امور زندگی انسان است که دین اسلام، اصول حاکم بر آن را نیز برای مسلمانان مشخص کرده است (بای و مطلبی، ۱۳۹۸: ۳۸۵). اصلاح‌طلبان، گرچه به شاخه‌ها و ایدئولوژی‌های گوناگونی تقسیم می‌شود، از نظر این جناح دین، یک امر شخصی و ناظر بر تنظیم رابطه‌ی انسان با خداست و نقشی در امورِ اجتماعی و سیاسی ندارد. (اشرفی،۱۳۹۷: ۱۴).

**ب)فرانسه:** چشم‌انداز سیاسی فرانسه با تعامل پیچیده ایدئولوژی‌ها و احزاب، با تاریخ منحصربه‌فردی که منعکس‌کننده تحولات سیاسی آشفته این کشور است، مشخص شده است. در جمهوری پنجم که در سال ۱۹۵۸م تأسیس شد، فرانسه شاهد ظهور و تکامل چندین جناح و احزاب اصلی بود که هر کدام ریشه‌های ایدئولوژیک و پایه‌های اجتماعی خود را داشتند. جناح‌های کلیدی به‌طورکلی در پنج طیف ایدئولوژیک اصلی قرار می‌گیرند:

راست میانه[۱]، چپ میانه[۲]، چپ افراطی[۳] و راست افراطی[۴] و مرکزگرا[۵]. درک این جناح‌ها بینشی را در مورد چگونگی بیان باورهای سیاسی جامعه فرانسه و چگونگی شکل‌دهی این احزاب به حکومت و سیاست ارائه می‌دهد.

راست میانه: که منشأ آن را به جنبش گلیست شارل دوگل ردیابی می‌کند. به طور سنتی، راست میانه با ارزش‌های محافظه‌کارانه، تعهد به لیبرالیسم اقتصادی و تمرکز بر یک دولت متمرکز و قوی مشخص می‌شود. این حزب از سیاست‌های بازار آزاد، دخالت محدود دولت در اقتصاد و هویت ملی قوی حمایت می‌کند (**Schain,۲۰۱۳:۵۷_۸۴**).

۱- چپ میانه: حزب سوسیالیست نماینده چپ میانه است و از نظر تاریخی تأثیرگذار بوده است، به‌ویژه با انتخاب رئیس‌جمهور فرانسوا میتران در سال ۱۹۸۱ که دو دوره در این سمت بود. حزب از سنت قوی سوسیالیسم در فرانسه پدید آمد و در طول تاریخ از عدالت اجتماعی، توزیع مجدد ثروت و حقوق کارگران حمایت و درعین‌حال از حکومت دموکراتیک و آزادی‌های مدنی حمایت می‌کرد (**Sahuc,۲۰۱۱**).

۲- مرکزگرا: که توسط امانوئل ماکرون در سال ۲۰۱۶ تأسیس شد، با قرار دادن خود به‌عنوان یک جنبش مرکزگرا، طرفدار اروپا و اصلاحات، سیاست سنتی فرانسه را مختل کرد. حزب بر ترکیبی از سیاست‌های اجتماعی مترقی با اصلاحات اقتصادی بازارپسند، باهدف مدرن‌سازی اقتصاد فرانسه و درعین‌حال حفظ انسجام اجتماعی

---

۱_ Les Républicains (LR)

۲_ Parti socialiste(PS)

۳ _ La France Insoumise (LFI)

٤ _Rassemblement National (RN)

٥ _ La République En Marche! (LREM)

تأکید دارد. انتخاب ماکرون به‌عنوان رئیس‌جمهور در سال ۲۰۱۷ تغییری را از سیاست سنتی چپ – راست نشان داد و حامیانی را که از احزاب مستقر سرخورده بودند به خود جلب کرد **(Rispin,۲۰۲۱:۹۱_۱۳۰)** .

۳- راست افراطی: که قبلاً به‌عنوان جبهه ملی شناخته می‌شد، نماینده جناح راست افراطی است که توسط ژان ماری لوپن تأسیس شد و اکنون توسط دخترش مارین لوپن رهبری می‌شود، به‌خاطر مواضع ملی‌گرایانه، ضد مهاجرت و اروپایی‌شان شناخته شده است. حزب برای رأی‌دهندگانی که احساس می‌کنند از جریان اصلی سیاست سرخورده شده‌اند و به مسائلی مانند مهاجرت، هویت ملی و فرسایش ارزش‌های سنتی فرانسوی توجه دارند، دعوت می‌کند. درحالی‌که حزب راست افراطی زمانی به حاشیه رانده شده بود، در دهه‌های اخیر از حمایت قابل‌توجهی برخوردار شده است و به یک نیروی مهم در سیاست فرانسه، به‌ویژه در مناطق روستایی و صنعتی سابق تبدیل شده است (**Rispin,۲۰۲۱:۱۶**).

۴- چپ افراطی: به رهبری ژان لوک ملانشون، نماینده چپ افراطی است و از سنت تاریخی سوسیالیسم رادیکال و کمونیسم فرانسه نشأت می‌گیرد و از سیاست‌های ضدسرمایه‌داری، پایداری زیست‌محیطی، توزیع مجدد ثروت و گسترش خدمات عمومی حمایت می‌کند. لفاظی‌های پوپولیستی ملانشون و انتقاد از سیاست‌های اتحادیه اروپا با بخش‌هایی از رأی‌دهندگان که از نابرابری اقتصادی و جهانی‌سازی ناامید شده‌اند طنین‌انداز می‌شود و پایگاهی قوی در میان رأی‌دهندگان جوان و مترقیان شهری ایجاد کرده است و خود را به‌عنوان آلترناتیو چپ‌گرا برای حزب سوسیالیست قرار می‌دهد. **(Sperber,۲۰۱۰:۳۶۰)**

به طور خلاصه؛ سیاست فرانسه توسط طیفی از احزاب شکل می‌گیرد که منعکس‌کننده شکاف‌های ایدئولوژیک و مسائل اجتماعی در حال تحول هستند. جنبش‌های راست میانه، چپ میانه، چپ افراطی، راست افراطی، و میانه‌رو هر کدام برای بخش‌های متمایزی از جامعه فرانسه جذابیت دارند و طیف وسیعی از دیدگاه‌ها را در مورد اقتصاد، مهاجرت، هویت ملی و نقش فرانسه در اروپا نشان می‌دهند. این جناح‌ها دستخوش تغییرات و دگرگونی‌هایی شده‌اند و با چالش‌های جدید سازگار شده‌اند و درعین‌حال به شکل‌دهی چشم‌انداز سیاسی جمهوری فرانسه

ادامه می‌دهند.

نقش احزاب در توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه (موانع و راهکارها)

**الف) ایران:** توسعه سیاسی به معنای فراهم‌ساختن زمینه مشارکت سیاسی گروه‌های مختلف در اداره کشور از مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع توسعه‌یافته به شمار می‌آید؛ موضوعی که به یکی از دغدغه‌های دولتمردان ایرانی نیز طی سال‌های اخیر تبدیل گشته است. اهمیت این موضوع برای جامعه ایران به چند دلیل است:

ورود ایران به دهه چهارم انقلاب و مشروعیت و مشارکت مبتنی بر اکثریت با درصد بالا

افزایش آگاهی سیاسی شهروندان بر اثر گسترش ارتباطات بر اثر انقلاب ارتباطات

گسترش طبقه متوسط جدید در ایران از نظر کمی و کیفی و افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی

وقوع پدیده جهانی‌شدن و افزایش احساسات گریزازمرکز در میان گروه‌های قومی و زبانی.

یکی از ابزارهای لازم برای تحقق توسعه سیاسی و فراهم‌ساختن زمینه مشارکت گروه‌های مختلف در سرنوشت خود احزاب و نهادهای مدنی هستند. وجود احزاب و نقش آن‌ها در توسعه سیاسی همواره یکی از بحث‌های مطرح در جامعه بوده است (کهریزه و محمدزاده،۱۳۹۷: ۱). انتخابات ابزار دموکراسی در دنیاست و با محوریت آن جامعه به سمت پیشرفت حرکت می‌کند. احزاب ابزاری برای توسعه سیاسی و دموکراسی هستند و نماینده‌ای که بر این مبنا انتخاب می‌شود مطالبات مردم را از دولت پیگیری می‌کند (اکبری و همکاران،۱۴۰۲: ۱۴). احزاب در جمهوری اسلامی ایران علی‌رغم محدودیت‌های خود، نقش مهمی در بسیج حمایت، شکل‌دهی گفتمان عمومی و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری در چارچوب محدودیت‌های جمهوری اسلامی دارند. احزاب از طریق انتخابات مجلس شورای اسلامی، دفتر ریاست‌جمهوری و شوراهای شهر، شهروندان را حول دیدگاه‌های مختلف برای آینده کشور در گروه‌های اجتماعی متنوعی مانند طبقه متوسط شهری، محافظه‌کاران مذهبی و افراد جوان اصلاح‌طلب را بسیج می‌کنند. این تعامل کثرت‌گرا یک عرصه سیاسی پویا و درعین‌حال تنظیم‌شده ایجاد کرده است که در آن جناح‌ها برای نفوذ بدون ایجاد اختلال اساسی در پایه‌های رژیم رقابت می‌کنند (اسماعیلی و همکاران،۱۴۰۲: ۳۹). احزاب مخصوصاً احزاب اصلاح‌طلب اغلب خواسته‌های بخش‌های

جوان‌تر و مترقی‌تر جامعه را هدایت و به‌عنوان مجرای نارضایتی‌ها و مطالبات عمومی عمل می‌کنند. این برنامه‌های اصلاح‌طلبی در مقاطعی موجب تغییرات تدریجی شده است، به‌ویژه در دوره ریاست‌جمهوری محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) و حسن روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰)، زمانی که سیاست‌های اجتماعی بازتر و روابط دیپلماتیک با غرب شاهد بهبود موقت بود. بااین‌حال، محافظه‌کاران (اصولگرایان) اغلب در برابر این تغییرات مقاومت کرده و بر نیاز به حفظ خلوص ایدئولوژیک و کنترل دولت تأکید دارند که منجر به واکنش‌های سیاسی و در مواقعی معکوس شدن دستاوردهای اصلاح‌طلبان در دولت ابراهیم رئیسی (۱۴۰۰_۱۴۰۳) شد.

**ب)فرانسه:** از انقلاب فرانسه به بعد احزاب در توسعه سیاسی در فرانسه و ایجاد دموکراسی، تغییروتحول نهادها و سیاست عمومی نقش محوری داشتند. از جمهوری سوم به بعد، احزاب نشان‌دهنده تنوع ایدئولوژیک و مشارکت عمومی ساختاریافته بوده و هم به‌عنوان عوامل تغییر و هم به‌عنوان تثبیت‌کننده در سیستم سیاسی فرانسه عمل کرده‌اند. از جمهوری پنجم به بعد، احزاب هرچند در سیستمی که برای محدودکردن قدرت آنها نسبت به قوه مجریه طراحی شده است همچنان نقش حیاتی را ایفا می‌کنند و علی‌رغم محدودیت‌ها، احزاب برای توسعه دموکراسی فرانسه، عبور از چالش‌های مربوط به پراکندگی سیاسی، سرخوردگی عمومی و ظهور مسائل جدید اجتماعی، حیاتی بوده‌اند. درحالی‌که احزاب فرانسوی با چالش‌هایی از جمله پراکندگی، تردید عمومی و مطالبات جدید اجتماعی روبرو هستند، به سازگاری خود ادامه می‌دهند و به شکل‌دهی چشم‌انداز سیاسی کشور کمک می‌کنند (Jan, ۲۰۱۷:۵_۱۶). جهت‌گیری سیاسی آنها تجسم ارزش‌های دموکراتیکی است که زیربنای جمهوری فرانسه را تشکیل می‌دهد، حتی زمانی که این ارزش‌ها برای برآوردن نیازهای در حال تغییر جامعه‌ای که نمایندگی می‌شود، تکامل می‌یابند.

## چالش‌ها و محدودیت‌های احزاب در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه

**الف) ایران:** با اذعان به این نکته اساسی که احزاب در ایران از یک پیشینه بیش از صدسال برخوردارند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری احزاب و گروه‌های سیاسی نو از پشتوانه‌های قانونی مانند قانون اساسی و سایر قوانین برخوردار بوده، باید به بررسی چالش‌ها و محدودیت‌های احزاب در جمهوری اسلامی پرداخت. یکی از مهم‌ترین مسائل جمهوری اسلامی در حال حاضر مسئله نهادسازی است که در رأس آن‌ها ایجاد نهادهای واسط میان مردم و

حاکمیت مانند نهادهای حزبی است (آریانپور و همکاران،۱۴۰۲: ۱۲۱). ساختار سیاسی جمهوری اسلامی برای نقش احزاب محدودیت‌های ذاتی و چالش‌هایی را مطرح می‌کند که هم بر اثربخشی و هم بر اعتبار آنها تأثیر می‌گذارد (منصور، ۱۳۸۶: ۴۰) .

الف) تشکیل احزاب از بالابه‌پایین (فرمایشی بودن احزاب):

ب) احزابی که متکی به یک شخصیت بوده و بر محور فردیت شکل‌گرفته‌اند.

ج) احزابی که با سفارش نظام حاکم توسط کارگزاران برجسته رژیم به وجود آمده‌اند.

د) احزابی که بنا بر شرایط ویژه سیاسی پدیدار شده و به عبارتی احزاب واکنشی‌اند. (ناظری، ۱۳۸۱: ۲۱۴- ۲۱۳) عدم روند بررسی دقیق، فقدان رسانه‌های مستقل و محدودیت‌های جامعه مدنی، همگی مانع از توانایی احزاب برای فعالیت به‌عنوان بازیگران سیاسی مستقل می‌شوند. تداخل نقش‌های نهادهای فقهی - دینی؛ مانند شورای نگهبان و مجلس خبرگان، همچنین به این معناست که احزاب باید سیستم پیچیده‌ای از کنترل‌ها و توازن‌ها را دنبال کنند که به مرجعیت دینی امتیاز می‌دهد (زیباکلام و مقتدایی،۱۳۹۳: ۲۳).

این محیط محدود به سرخوردگی عمومی، به‌ویژه در میان حامیان اصلاح‌طلب که از محدودیت‌های تغییر سیاسی ناامید شده‌اند، منجر شده است. این امر در برخی مواقع منجر به مشارکت کم رأی‌دهندگان و اعتراضات اجتماعی پراکنده شده است که نشان‌دهنده درخواست برای اصلاحات سیاسی عمیق‌تر فراتر از محدوده احزاب موجود است.

**ب) فرانسه:** احزاب نقش مهمی در توسعه و ثبات جمهوری فرانسه، شکل‌دادن به نهادها، سیاست‌ها و فرآیندهای دموکراتیک آن ایفا کرده‌اند. بااین‌حال، آنها همچنین با موانع مهمی مانند:

چندپارگی سیاسی: تجزیه و چندپارگی سیاسی بوده به‌ویژه در طول جمهوری چهارم (۱۹۴۶- ۱۹۵۸) و سیستم پارلمانی باعث ظهور احزاب کوچک متعددی شد که اغلب برای تشکیل ائتلاف‌های باثبات تلاش می‌کردند. این تغییر مداوم اتحادها منجر به فروپاشی مکرر دولت، تضعیف تداوم سیاسی و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای دموکراتیک شد. قانون اساسی جمهوری پنجم که توسط شارل دوگل در سال ۱۹۵۸م ارائه شد (ایوبی، ۱۳۸۸: ۹۲)، راه‌حلی را با ایجاد نظام نیمه‌ریاستی با قوه مجریه قوی ارائه کرد. این تغییر، تحکیم احزاب و ائتلاف‌ها را برای

حمایت از رئیس‌جمهور تشویق کرد، در نتیجه پراکندگی کاهش و ثبات سیاسی بیشتر تضمین شد (**Clift,۲۰۰۸: ۳۸۹**).

تغییر در اعتماد عمومی: کاهش اعتماد عمومی ناشی از چالش‌های اقتصادی، انزوای تصور شده سیاستمداران از دغدغه‌های روزمره و تأثیر جهانی‌شدن است. بسیاری از شهروندان از احزاب سنتی سرخورده شده‌اند و آنها را بیش از حد بر قدرت یا منافع شخصی می‌دانند تا خدمات عمومی. این بی‌اعتمادی به‌ویژه بر حزب چپ میانه سوسیالیست و راست میانه تأثیر گذاشته است که هر دو با کاهش حمایت مواجه شده‌اند (**Cole, et al ,۲۰۱۸:۴۵**).

قطب‌بندی ایدئولوژیکی: این چالش ایجاد اجماع را پیچیده و اختلافات را در مورد موضوعاتی مانند مهاجرت، اصلاحات اقتصادی و روابط فرانسه با اتحادیه اروپا عمیق می‌کند. احزابی مانند حزب راست افراطی و چپ افراطی با سرمایه‌گذاری بر سرخوردگی رأی‌دهندگان از جریان اصلی سیاست موردتوجه قرار گرفته‌اند (**Cole, et al ,۲۰۱۸:۶۵**). در پاسخ، نهادهای فرانسوی سیستم انتخاباتی دو دوری را در انتخابات ریاست‌جمهوری و قانونگذاری ترویج کرده‌اند که نامزدها را تشویق می‌کند تا حمایت گسترده‌تری را کسب کنند و مواضع معتدل‌تری در دور نهایی اتخاذ کنند. این سیستم در مهار نفوذ مواضع افراطی و ایجاد اجماع مؤثر بوده است (ایوبی،۱۳۹۱: ۲۲۱).

چالش‌های سازگاری با تغییرات اجتماعی: این چالش به‌ویژه در پاسخ به نسل‌های جوانی که موضوعاتی مانند پایداری زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی و حقوق دیجیتال را در اولویت قرار می‌دهند مواجه هستند. احزاب سنتی اغلب برای رسیدگی به این نگرانی‌های در حال تحول تلاش کرده‌اند و فرصتی را برای جنبش‌های سیاسی جدید ایجاد کرده‌اند تا رأی‌دهندگان جوان‌تر را جذب کنند. ظهور حزب سبز و برنامه‌های مترقی در احزاب، یکی از پاسخ‌ها است که نشان‌دهنده تلاشی برای گنجاندن مسائل نوظهور در جریان اصلی سیاست است (**Hall,۲۰۰۶:۳_۴**).

این عوامل در طول زمان راه‌حل‌های مختلفی را برای تقویت نقش احزاب در تقویت حکومت‌داری مؤثر و مشارکت دموکراتیک ضروری کرده است. احزاب فرانسه از طریق اصلاحات قانون اساسی، تشکیل احزاب جدید و انطباق برنامه‌ها به تکامل خود ادامه می‌دهند و تلاش می‌کنند تا ثبات و پاسخگویی را در یک چشم‌انداز سیاسی به‌سرعت در حال تغییر ایجاد کنند.

## نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی احزاب در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فرانسه، هم جهانی بودن و هم منحصربه‌فرد بودن احزاب را به‌عنوان عوامل توسعه سیاسی به شکلی نشان داد که وجود احزاب در جامعه یک نیاز ضروری و اساسی تلقی می‌گردد به‌طوری که هم دولت و هم جامعه نیاز به حزب دارند. در فرانسه دموکراتیک و سکولار، احزاب به‌عنوان ستون‌های اصلی رقابت سیاسی، نمایندگی شهروندان و تدوین سیاست عمل می‌کنند که منعکس‌کننده مدلی از توسعه سیاسی است که ریشه آن در آرمان‌های لیبرال دموکراتیک است. نقش آنها در تقویت کثرت‌گرایی، ایجاد تنوع ایدئولوژیک و ساختار یک عرصه باز سیاسی که در آن افکار عمومی مسیر حکمرانی را شکل می‌دهد، بسیار مهم است. احزاب در جمهوری اسلامی ایران در فضایی محدود اما حیاتی فعالیت و به‌عنوان ابزار مشارکت عمومی و سیاست‌گذاری عمل می‌کنند. این مقاله با ادغام نظریه‌های سیاست عمومی و روش‌های تحقیق تطبیقی در تجزیه‌وتحلیل، نقش چندوجهی احزاب را در شکل‌گیری حکومت‌داری و توسعه سیاسی برجسته می‌کند. این مقایسه نشان می‌دهد که چگونه احزاب با محیط‌های سیاسی مربوطه خودسازگار می‌شوند که بازتاب محدودیت‌ها و فرصت‌های ایدئولوژیکی و ساختاری متمایز است. (فرضیه پژوهش تصدیق می‌شود.) برای ذی‌نفعان در دولت ایران، درک و استفاده از پتانسیل سیاست‌گذاری احزاب می‌تواند کارایی حکمرانی را افزایش دهد، به خواسته‌های جامعه رسیدگی کند و مشروعیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی را تقویت کند.

این تحلیل گسترده، نقش احزاب را مستقیماً به فرآیندهای خط‌مشی عمومی مرتبط کرده و ضمن حفظ دقت دانشگاهی، بینش‌های عملی را برای ذی‌نفعان حاکمیتی ارائه می‌کند.

### توصیه‌ها: استراتژی‌های سیاست عمومی برای تقویت توسعه سیاسی

۱. ایجاد تعادل بین ثبات و اصلاحات: تعامل بین جناح‌های محافظه‌کار و اصلاح‌طلب امکان اجرای کنترل شده اصلاحات را فراهم می‌کند. با حمایت از این پویایی، می‌توان به نوآوری سیاستی بدون به خطر انداختن مبانی ایدئولوژیک نظام سیاسی دست‌یافت.

۲. تقویت سازوکارهای نهادی: رسمیت بخشیدن به نقش احزاب در سیاست‌گذاری – از جمله از طریق قوانین واضح‌تر برای نمایندگی احزاب در نهادهای تصمیم‌گیری –

می‌تواند انسجام و پاسخگویی حاکمیت را بهبود بخشد.

۳. نهادینه‌سازی سیاست: باید چارچوب‌های قانونی را ایجاد کرد و احزاب را برای مشارکت در تدوین سیاست و درعین‌حال همسویی با اصول جمهوری اسلامی تضمین شود. این می‌تواند شامل سازوکارهایی برای ورودی حزب در برنامه‌ریزی بودجه یا تدوین قانون باشد.

۴. ظرفیت‌سازی: سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حزبی، مانند برنامه‌های آموزشی برای اعضای حزب در مورد تحلیل سیاست‌ها و مدیریت عمومی، می‌تواند اثربخشی آنها را در حکومت‌داری افزایش دهد.

۵. گفتگوهای سیاست فراگیر: ایجاد بسترهایی برای گفتگو میان جناح‌های سیاسی، جامعه مدنی و نهادهای دولتی می‌تواند اجماع‌سازی را تسهیل و مشارکت عمومی را در سیاست‌گذاری افزایش دهد.

۶. اهرم اصلاحات افزایشی: باید از پروژه‌های آزمایشی در مقیاس کوچک که توسط احزاب برای آزمایش و اصلاح سیاست‌ها، مانند طرح‌های اقتصادی محلی یا برنامه‌های اجتماعی هدفمند، قبل از اجرای آن‌ها در سراسر کشور، آغاز شده‌اند، حمایت شود.

**منابع:**

احمدی، سمیه و حاتمی، عباس. (۱۳۹۹). «تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی بی‌ثباتی‌های سیاسی در ادوار شش‌گانه حیات جمهوری اسلامی.» *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۳(۲)، ۵۶۵-۵۹۴.

ارتگلی فراهانی، اسماعیل، عطریان، فرامرز، و روستایی حسین‌آبادی، یاسر. (۱۴۰۲). «نقش احزاب در توسعه سیاسی ایران.» *جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی*، ۴(۲)، ۲۷۷-۲۹۶.

اکبری، محمدتقی، هاشمی، سید محمد و عباسی، بیژن. (۱۴۰۲). «کاستی‌های تقنینی فعالیت احزاب در نظام انتخابات ایران». *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۵(۱۶)، ۱۳-۳۸.

ایوبی، حجت‌الله و رسولی، مجید. (۱۳۹۱). «پیامدهای سیاسی نظام انتخاباتی فرانسه»، *مطالعات جهان*، دوره ۲، شماره ۲ (پیاپی ۴).

ایوبی، حجت‌الله. (۱۳۸۸). «حزب سیاسی در فرانسه: مهمان ناخوانده ولی بسیار گرامی»: *اطلاعات سیاسی اقتصادی* ۱۳۸۸ شماره ۲۶۱_۲۶۲، ۸۱-۱۰۳.

ایوبی، حجت‌الله. (۱۳۹۰). *احزاب در فرانسه*، تهران: سمت.

آریانپور، محمد و اباذری، مرتضی و بهرامی قصرچمی، خلیل. (۱۴۰۲). «بررسی چالش‌ها و راهکارهای مشارکت سیاسی آگاهانه در نظام انتخاباتی ج. ا. ایران»، *فصلنامه سیاست‌پژوهی ایرانی*، دوره: ۱۰، شماره:۱.

آلموند، جی، و پاول، او. بی. جی. (۱۳۸۰). «مشارکت و حضور سیاسی شهروندان.» مترجم: علیرضا طیب، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۱۵(۱۶۳-۱۶۴).

بای، اکرم و همکاران. (۱۳۹۸). «چالش گفتمان‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا در ایران.» *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. ۸، ۳۷۵ _ ۳۹۳.

جزینی زاده، اکرم، شیخ‌زاده جوشانی، صدیقه و کمالی، یحیی. (۱۳۹۷). «جناح‌گرایی و تأثیر آن بر سیاست خارجی ج. ا. ایران.» *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸(۲۸)، ۲۲۹-۲۴۸.

جلال‌الدین مدنی (۱۳۶۱). *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

چلبی، فایقه، ایزدی، رجب، و هریسی نژاد، کمال (۱۳۹۷). «کارکرد احزاب در تنظیم روابط قوای حاکم» *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۷(۲۷)، ۳۵-۶۵.

حاتمی، عباس. (۱۳۹۶). «تحلیل تطبیقی جهانی‌شدن اقتصادی و سیاسی در دولت خاتمی و احمدی‌نژاد.» *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۳(۱)، ۹۷-۱۳۰.

دولت‌آبادی، هادی و غلامی، محمدتقی. (۱۳۹۱). «جناح راست در فرانسه: از دوگل تا سارکوزی»،

*مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۵، ش ۱۹ و ۱۸، ۳۷-۷۴.
دولت‌آبادی، هادی و غلامی، محمدتقی. (۱۳۹۸). «مفهوم‌شناسی نام‌های احزاب از خلال سیر تقابل جناح‌های راست و چپ در فرانسه»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۱۲، شماره ۴۵، ۱-۲۸.
دوورژه، موریس. (۱۳۵۷). *احزاب*، ترجمه: رضا علومی، تهران: مؤسسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی.
رشیدفر علی، حیدری حسن و بنی نعیمه عیسی . (۱۴۰۳). «بررسی تطبیقی ابعاد و مؤلفه‌های سیاسی اقدامات تأمینی در حقوق ایران و فرانسه.» *پژوهشنامه ایرانی روابط بین‌الملل*، دوره:۲، شماره:۱ (پیاپی ۳). ۷۰-۸۸.
رضایی رحیمی، بهبود (۱۴۰۱). «بررسی احزاب در جمهوری اسلامی ایران». *چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، علوم‌انسانی و رفتاری در ایران و جهان اسلام*، تهران.
زرندی، سعید. (۱۴۰۲). «مروری بر روش تحقیق تطبیقی»، *مدیریت دولتی تطبیقی*، ۱(۴)، ۱-۲۱.
زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳). «احزاب و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، دوره ۱۰، شماره ۲۹، بهمن ۱۳۹۳، ۷-۲۸.
سردارنیا، خلیل اله. (۱۳۹۳). «تحلیل جامعه‌شناختی نهادینه‌نشدن و ناکامی تحزب در ایران.» *پژوهش‌های تاریخی*، ۶(۴)، ۴۳-۵۶.
سلامت، فرشید، ودیعه، ساسان و صومعه حضرتی، زهرا . (۱۴۰۱). «علل ناکارآمدی احزاب - اجتماعی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، دوره ۱۹، شماره ۳ .۹۳-۱۱۵.
شارعی، محمدمحسن. (۱۴۰۰). «رفتارشناسی جناح‌های سیاسی جریان اسلام‌گرایان انقلابی در ج. ا. ایران». *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۴(۱)، ۱۴۱-۱۵۵.
شکوهی، عهدیه، غلامی شکارسرایی، محمدرضا، و نوری، هادی. (۱۴۰۱). «تجربه جهانی احزاب فراگیر و ایدئولوژیک در ایران» *سیاست جهانی*، ۱۱(۴)، ۱۷۱-۱۹۶.
شوقعلی بافقی، محمدمهدی، شیخ‌زاده جوشانی، صدیقه و کمالی، یحیی. (۱۳۹۷). «مطالعات جناحی در نظام جمهوری اسلامی ایران» *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴۳)، ۲۷-۵۲.
شیرودی. مرتضی (۱۳۸۲). «دوره‌های تحزب در تاریخ معاصر ایران»، *رواق اندیشه*، شماره ۲۵، ۴۷_۶۹.
طحان نظیف، هادی و داریوند، محمدصادق. (۱۴۰۲). «واکاوی جایگاه حزب و آزادی تحزّب در نظام اسلامی با تأکید بر اندیشه شهید بهشتی.» *فصلنامه علمی - پژوهشی حکومت اسلامی*، ۲۸(۴)، ۱۴۳-۱۷۲.
قاسمی کهریزه، سنا و محمدزاده اصل، محمد. (۱۳۹۷). «نقش احزاب در توسعه سیاسی در فرایند پارلمانی شدن رژیم سیاسی ج. ا. ایران»، *دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در حقوق*، کازرون.
قنبری، میلاد و همکاران. (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی آینده‌پژوهی بعد سیاسی حکمرانی خوب در نظام امت - امامت و نظام لیبرال دموکراسی»، *آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی* پاییز - شماره ۱۴ _ ۱۶۱ تا ۱۹۵ .

گرجی، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). «نقش افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی در تدوین قانون اساسی.» *تحقیقات حقوقی*، ۱۷(۶۶)، ۵۱-۸۰.

الماسی ورمله، فرزاد، حقیقی، علی‌محمد، و زارعی، غفار. (۱۴۰۱). «تحلیلی بر نقش احزاب در توسعه سیاسی (مقایسه تطبیقی ایران و ترکیه).» *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۵(۱)، ۵۰۰-۵۱۸.

مایرون واینر، ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۹). *درک توسعه سیاسی*، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محسن مدیر شانه چی. (۱۳۷۵). *احزاب ایران*، تهران: رسا.

محمدی‌نژاد، حسن (۱۳۵۵). *احزاب*، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

محمود تربتی سنجابی. (۱۳۷۵). *قربانیان باور و احزاب ایران*، تهران: انتشارات آسیا.

منصور، جهانگیر (۱۳۸۶)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دوران.

موریس دووژه (۱۳۵۷). *احزاب*، مترجم: رضا علومی، تهران: ناشر امیرکبیر.

میرزایی، جمشید . (۱۴۰۲). «بررسی وضعیت پژوهش‌های تطبیقی در حوزه مطالعات اجتماعی در ایران»، *پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی*، زمستان ۱۴۰۲ - شماره ۱۸ (۷۳ تا ۹۸).

میری رستمی، سید جواد (۱۴۰۲)، *شرح جامع قانون اساسی ج.ا.ایران* ، تهران، انتشارات مجد.

نژادایران محمد. (۱۴۰۱). «تأثیر نظریه تضاد طبقاتی مارکس بر خوانش رادیکال و انقلابی شریعتی از مذهب»، *جستارهای فلسفه دین*، دوره:۱۱، شماره:۲۳. ۱۹۵-۲۲۱.

نقیب‌زاده احمد و سلیمانی غلامعلی. (۱۳۸۸). «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در ایران»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره: ۵ شماره: ۱۷: ۱۷۳-۱۹۶.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). *حزب سیاسی و عملکرد آن در جامعه امروز*، تهران، نشر میزان دادگستر.

هواسی، علی‌اشرف. (۱۳۹۸). «تأثیر احزاب بر مشارکت سیاسی در ج.ا.ایران (از ۱۳۸۴-۱۳۵۷).» *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۲(۴)، ۱۱۵۶-۱۱۷۴.

Clift, B. (۲۰۰۸). The Fifth Republic at fifty: the changing face of French politics and political economy. Modern & Contemporary France, ۱٦(٤), ۳۸۳-۳۹۸.

Cole, A., Fox, S., Pasquier, R., & Stafford, I. (۲۰۱۸). Political trust in France's multi-level government. Journal of Trust Research, ۸(۱), ٤٥-٦٧.

Duverger, M. (۱۹۵۲). Public opinion and political parties in France. American political science review, ٤٦(٤), ۱۰٦۹-۱۰۷۸.

Evans, J. (۲۰۱۹). Political parties in modern and contemporary France. In The Routledge Handbook of French Politics and Culture (pp. ۲۳-۳۵). Routledge.

Graham, B. D. (۱۹٦٤). Theories of the French party system under the Third Republic. Political Studies, ۱۲(۱), ۲۱-۳۲.

Hall, P.A. (۲۰۰٦) 'Introduction: the Politics of Social Change in France,' in D. Culpepper, Palgrave Macmillan.

Hanley, D. L. (۲۰۰۲). Party, Society and Government: republican democracy in France (Vol. ۵). Berghahn Books.

Jan, P. (۲۰۱۷) . Political parties in France's Fifth Republic. Pouvoirs, No ۱٦۳(٤), ۵-۱٦. https://droit.cairn.info/journal-pouvoirs-۲۰۱۷-٤-page-۵?lang=en.

Rispin, W. (۲۰۲۱). The French center-right and the challenges of a party system in transition. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

Sahuc, S. (۲۰۱۱). Left Parties in France. From Revolution to Coalition– Radical Left Parties in Europe, Berlin: Rosa-Luxemburg Foundation, ۱۱٤-۱۲۸.

Schain, M. A. (۲۰۱۳). Toward a centrist democracy? The fate of the French right. In Searching for the New France (pp. ۵۷-۸٤). Routledge.

Soltau, R. H. (۱۹۲۲). French Parties and Politics (No. ۲٦). London: H. Milford, Oxford University Press.

Sperber, N. (۲۰۱۰). Three million Trotskyists? Explaining extreme left voting in France in the ۲۰۰۲ presidential election. European Journal of Political Research, ٤۹(۳), ۳۵۹-۳۹۲.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٤٦٠-٤٤٤
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت مصرف آب با استفاده از روش دلفی در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان

**هادی یاسر**[١]
**مظفر الدین شهبازی**[٢]
**میثم موسایی**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۵/۱۵ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۷/۱۴)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

بحران آب به یکی از چالش‌های اساسی ایران تبدیل شده است و حوضه آبریز مرکزی استان زنجان نیز از این قاعده مستثنی نیست. مدیریت نادرست مصرف آب، به‌ویژه در بخش کشاورزی، موجب تشدید این بحران گردیده است. درک عوامل اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و قانونی مؤثر بر این مدیریت، گامی ضروری برای یافتن راه‌حل‌های پایدار است.

هدف: هدف این پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی مؤثر بر مدیریت مصرف آب

[١]- انشجوی دکتری جامعه شناسی گرایش اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

[٢]- استادیار گروه جامعه شناسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی و هنر، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول) (m.shahbazi@iauz.ac.ir)

[٣]-استاد گروه جامعه شناسی، عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

در حوضه آبریز مرکزی زنجان از دیدگاه خبرگان و ارائه الگوی جامعه‌شناختی مبتنی بر یافته‌های کیفی بود.

روش بررسی: این پژوهش به روش کیفی و با تکنیک دلفی کلاسیک در سه مرحله انجام شد. جامعه آماری پژوهش را ۳۰ نفر از مدیران، کارشناسان ارشد سازمان جهاد کشاورزی، اداره آب منطقه‌ای و کشاورزان خبره استان زنجان تشکیل دادند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌های باز و نیمه‌باز بود که در سه مرحله تکمیل و نتایج آن‌ها با استفاده از تکنیک‌های تحلیل محتوای کیفی و درصد فراوانی، تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های حاصل از سه مرحله اجرای دلفی، عوامل مؤثر در ۱۰ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند: ۱. قوانین مصوب ناقص و متناقض (با فراوانی تأیید ۹۳٪)، ۲. ضعف در حکمرانی و هماهنگی نهادی (۸۷٪)، ۳. کمبود انگیزه اجتماعی و اقتصادی در بهره‌برداران (۸۳٪)، ۴. پایین بودن سرمایه فرهنگی و آگاهی (۸۰٪)، ۵. وجود قواعد و عادات نادرست محلی (۷۷٪)، ۶. ضعف فنی و زیرساختی (۷۳٪)، ۷. عدم تخصص و تعهد کافی در نیروی انسانی (۷۰٪)، ۸ نبود رهبری محلی مؤثر (۶۷٪)، ۹. عدم مشارکت اجتماعی (۶۳٪)، و ۱۰. ضعف در برخورد با متخلفان (۶۰٪). این مقوله‌ها نشان‌دهنده ابعاد مختلفی هستند که مدیریت مصرف آب در منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان می‌دهد که حل بحران آب در منطقه تنها از طریق اقدامات فنی میسر نبوده و نیازمند توجه همزمان به عوامل اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و قانونی است. بازنگری اساسی در قوانین، تقویت حکمرانی یکپارچه آب، سرمایه‌گذاری بر آموزش و ارتقای سرمایه فرهنگی، و بهره‌گیری از رهبران محلی می‌تواند به بهبود مدیریت مصرف آب در حوضه آبریز مرکزی زنجان بینجامد.

**واژه‌های کلیدی**: مدیریت مصرف آب، روش دلفی، عوامل اجتماعی، حوضه آبریز مرکزی، زنجان.

## ۱- مقدمه

آب به عنوان یکی از اساسی‌ترین منابع طبیعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه پایدار جوامع انسانی دارد (کردوانی، ۱۳۹۱). در دهه‌های اخیر، افزایش جمعیت، گسترش کشاورزی و صنعت، و تغییر الگوهای مصرف، فشار بی‌سابقه‌ای بر منابع آب وارد کرده است (کاسگرو و لوکس، ۲۰۱۵). ایران نیز به دلیل قرارگیری در منطقه‌ای خشک و نیمه‌خشک، با چالش‌های جدی در زمینه مدیریت منابع آب روبرو است (فاضلی، ۱۳۹۵). در این میان، حوضه آبریز مرکزی استان زنجان به عنوان یکی از مناطق مهم کشاورزی، با بحران شدید آب مواجه بوده و سطح آب‌های زیرزمینی آن به طور مداوم در حال کاهش است (شهبازی و همکاران، ۱۴۰۲)

مدیریت مصرف آب به عنوان راهکاری اساسی برای مقابله با این بحران مطرح شده است (رینگلر و همکاران، ۲۰۱۹). با این حال، تجربه نشان داده است که رویکردهای صرفاً فنی و مهندسی در مدیریت آب، به تنهایی قادر به حل این مشکل نیستند (زندحسامی و فرهادی، ۱۳۹۷). بلکه، ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نهادی نیز تأثیر بسزایی در موفقیت یا شکست برنامه‌های مدیریت مصرف آب دارند.

نظریه ساختاربندی آنتونی گیدنز (۱۹۸۴) به عنوان چارچوب نظری اصلی این پژوهش انتخاب شده است. گیدنز بیان می‌کند که هر بررسی تحقیقی در علوم اجتماعی باید کنش (عاملیت) را با ساختار مرتبط سازد. به نظر وی، عوامل انسانی، اندیشه‌ها، فعالیت‌ها و نیز زمینه‌های مادی و اجتماعی‌شان را پیوسته بازنگری می‌کنند.

از دیدگاه گیدنز، وجود قواعد و منابع است که ساختار را امکان‌پذیر می‌سازد. خود ساختارها در زمان و مکان وجود ندارند، بلکه پدیده‌های اجتماعی‌اند که قابلیت ساختارمند شدن دارند. گیدنز به جای تأکید بر جوامع بشری، بر تحول نهادها در راستای زمان و مکان تأکید دارد.

در این پژوهش، مقوله‌های "قواعد شکل گرفته" و "قوانین مصوب" به عنوان عناصر ساختاری و مقوله‌های "انگیزه اجتماعی" و "مشارکت اجتماعی" به عنوان عناصر عاملیت در نظر گرفته شده‌اند.

پیر بوردیو (۱۹۸۶) از جامعه‌شناسانی است که مصرف و عادات را متأثر از ساختار فرهنگی

می‌داند. وی بر روابط میان ساختار ذهنی و روابط عینی تأکید دارد و معتقد به رابطه متقابل آن‌هاست. بوردیو از چهار نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادی صحبت می‌کند.
در این پژوهش، متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی و سرمایه اجتماعی از نظریه بوردیو استخراج و در تحلیل عوامل مؤثر بر مدیریت مصرف آب مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
مطالعات متعددی نشان داده‌اند که عواملی همچون سرمایه اجتماعی (مورفی و دالن، ۲۰۰۳)، سرمایه فرهنگی (بوردیو، ۱۹۸۶)، مشارکت اجتماعی (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰)، قوانین و مقررات (مدنی، ۲۰۱۵)، و نهادهای محلی (گیدنز، ۱۹۸۴) در مدیریت مصرف آب نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.
زندحسامی و فرهادی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان "بازاندیشی در نظام آینده‌اندیشی (مطالعه موردی: آب)" با استفاده از روش تحلیل ثانویه و بررسی نظرات اندیشمندان حوزه آب به این نتیجه رسیدند که سازمان‌های متولی آب در ایران دچار "کری کنشی" شده‌اند. این مطالعه نشان داد که علی‌رغم هشدارهای مکرر کارشناسان، رویکرد منفعل به جای فعال در مدیریت آب حاکم است.
لهسایی زاده و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر الگوی مصرف آب در میان شهروندان شیراز" با روش پیمایشی دریافتند که متغیرهای درآمد خانوار، مشخصات فیزیکی مسکن، وسایل آبیاری، اشتغال پاسخگو، بعد خانوار و آگاهی پاسخگو رابطه معناداری با الگوی مصرف آب دارند. این مطالعه بر نقش عوامل فرهنگی-اجتماعی تأکید داشت.
شهبازی و همکاران (۱۴۰۲)در تحقیق "تبیین الگوی جامعه‌شناختی مدیریت مصرف آب در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان" به روش تلفیقی (کیفی-کمی) نشان دادند که متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی ۶۰٪ از تغییرات مدیریت مصرف آب را تبیین می‌کنند.
مدنی (۲۰۱۵) در مقاله **"Iran's looming water crisis"** سه علت اصلی بحران آب در ایران را، سوء مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه کشور، کشاورزی ناکارآمد و رشد سریع و توزیع نامناسب جمعیت معرفی کرده و بر بازنگری اساسی در سیاست‌های آبی تأکید داشت.
مورفی و دالن(۲۰۰۳) در مطالعه "مدیریت بحران و سرمایه اجتماعی" نقش سرمایه اجتماعی را

در مدیریت بحران آب در کانادا بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد جوامعی با سرمایه اجتماعی بالاتر، توانایی بیشتری برای مقابله با بحران‌های آبی دارند.

رینگلر و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیق "**Viewing agricultural water management through a systems analysis lens**" بر اهمیت رویکرد سیستمیک در مدیریت آب کشاورزی تأکید کردند. این مطالعه نشان داد که راه‌حل‌های فنی به تنهایی کافی نیستند و باید ابعاد اجتماعی-اقتصادی را در نظر گرفت.

کاسگرو و لوکس(۲۰۱۵) در مقاله "**Water management: Current and future challenges and research directions**" چالش‌های حال و آینده مدیریت آب را بررسی کرده و بر ضرورت ادغام دانش بومی با فناوری‌های نوین تأکید کردند.

با وجود مطالعات متعدد، بایستی به این موضوع اشاره کرد که مطالعات اندکی به صورت همزمان ابعاد فنی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی را پوشش داده و پژوهش‌های مبتنی بر روش دلفی با مشارکت همه ذینفعان کمتر مشاهده می شود، همچنین مطالعات سیستمیک که روابط متقابل عوامل را تحلیل کنند مشاهده نگردید.

پژوهش حاضر از جهت، به کارگیری روش دلفی سه مرحله‌ای با مشارکت همه ذینفعان، تلفیق چارچوب نظری گیدنز و بوردیو در تحلیل مسئله آب، ارائه تحلیل سیستمیک از روابط متقابل عوامل مؤثر و شناسایی اولویت‌های مداخله بر اساس شدت تأثیرگذاری درصدد است تا عوامل کلیدی مؤثر بر مدیریت مصرف آب در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان را شناسایی و اولویت‌بندی نماید.

## ۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده و با استفاده از تکنیک دلفی کلاسیک در سه مرحله انجام شده است.روش دلفی یک تکنیک ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش خبرگان از طریق یک سری پرسشنامه همراه با کنترل بازخورد است (ازکیا و همکاران، ۱۳۹۷)

جامعه آماری این پژوهش را مدیران،کارشناسان و متخصصان حوزه آب در استان زنجان تشکیل دادند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با استفاده از روش گلوله برفی انجام شد. معیارهای ورود

به مطالعه شامل: ۱) داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه کار در حوزه آب یا کشاورزی، ۲) داشتن تحصیلات دانشگاهی مرتبط، و ۳) تمایل به مشارکت در پژوهش بود. در نهایت، ۳۰ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند که شامل: ۱۲ نفر از سازمان جهاد کشاورزی، ۱۰ نفر از اداره آب منطقه‌ای، ۴ نفر از دانشگاه‌ها، و ۴ نفر از کشاورزان خبره بودند.

ویژگی نمونه‌ها:

- جنسیت: ۷۳٪ مرد، ۲۷٪ زن
- میانگین سنی: ۴۵ سال
- میانگین سابقه کار: ۱۵ سال
- تحصیلات: ۴۰٪ دکتری، ۵۰٪ کارشناسی ارشد، ۱۰٪ کارشناسی

**جدول شماره (۱): توزیع فراوانی ویژگی های نمونه ها**

| ویژگی | گروه | تعداد | درصد |
|---|---|---|---|
| جنسیت | مرد | ۲۲ | ۷۳ |
| | زن | ۸ | ۲۷ |
| گروه سنی | ۳۰-۴۰ سال | ۷ | ۲۳ |
| | ۴۱-۵۰ سال | ۱۵ | ۵۰ |
| | ۵۱-۶۰ سال | ۸ | ۲۷ |
| میزان تحصیلات | کارشناسی | ۱۳ | ۴۳ |
| | کارشناسی ارشد | ۱۲۵ | ۴۰ |
| | دکتری | ۵ | ۱۷ |
| سابقه کار | کمتر از ۱۵ سال | ۸ | ۲۷ |

| | | | |
|---|---|---|---|
| | ۱۵-۲۵ سال | ۱۴ | ۴۷ |
| | بیش از ۲۵ سال | ۸ | ۲۷ |
| سازمان وابسته | جهاد کشاورزی | ۱۲ | ۴۰ |
| | آب منطقه ای | ۱۰ | ۳۴ |
| | دانشگاه | ۴ | ۱۳ |
| | کشاورز خبره | ۴ | ۱۳ |

بر اساس داده‌های جدول شماره ۱، اکثریت شرکت‌کنندگان در پژوهش را مردان (۷۳.۳٪) تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده حضور پررنگ مردان در پست‌های مدیریتی و کارشناسی حوزه آب است. بیشترین گروه سنی شرکت‌کنندگان در بازه ۴۱-۵۰ سال (۵۰٪) قرار دارد که بیانگر تجربه و بلوغ فکری نمونه پژوهش است. از نظر تحصیلات، ۵۶.۷٪ شرکت‌کنندگان دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند که نشان از تخصص و دانش فنی جامعه خبرگان دارد.

**جدول شماره(۲): ویژگی‌های شرکت‌کنندگان در پژوهش**

| رده سازمانی | تعداد | درصد | میانگین سابقه کار(سال) |
|---|---|---|---|
| مدیران ارشد | ۸ | ۲۷ | ۱۸ |
| اساتید دانشگاه | ۷ | ۲۳ | ۱۶ |
| کارشناسان ارشد | ۱۰ | ۳۳ | ۱۲ |
| کشاورزان پیشرو | ۵ | ۱۷ | ۲۰ |

جدول ۲ نشان می دهد که بیشترین نمونه های انتخاب شده از میان کارشناسان ارشد و مدیران ارشد بوده است

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش،پرسش‌نامه‌های دلفی بود که در سه مرحله طراحی و اجرا

شد:

مرحله اول: پرسش‌نامه باز با یک سؤال کلی: "به نظر شما چه عواملی باعث ایجاد خلل یا بهبود مدیریت مصرف آب در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان شده است؟"

مرحله دوم: پرسش‌نامه نیمه‌باز بر اساس نتایج مرحله اول

مرحله سوم: پرسش‌نامه بسته برای رسیدن به اجماع نهایی

مراحل اجرای پژوهش به شرح ذیل بود:

در مرحله اول جهت شناسایی و استخراج اولیه عوامل در این مرحله، بین ۳۰ نفر از خبرگان پرسش نامه باز توزیع شد و پاسخ‌های مرحله اول با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل و کدگذاری شدند.

در مرحله دوم پرسش‌نامه نیمه‌باز حاوی مقوله‌های استخراج شده به شرکت‌کنندگان ارسال و از آنان خواسته شد تا میزان موافقت خود با هر مقوله را اعلام کنند.

در مرحله سوم: پرسش‌نامه نهایی حاوی نتایج کمی مرحله دوم برای رسیدن به اجماع نهایی ارسال شد و داده‌های با استفاده از تحلیل محتوا و نمودارها تحلیل شد.

## ۳- یافته‌های پژوهش

در مرحله اول،۱۲۸ عامل اولیه شناسایی شد که پس از تجزیه و تحلیل محتوای کیفی، در ۱۰ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند. جدول ۳ فراوانی و درصد توافق نهایی برای هر مقوله را نشان می‌دهد.

نتایج مراحل دلفی و مقوله‌بندی عوامل:

**جدول شماره (۳): مقوله‌های اصلی مؤثر بر مدیریت مصرف آب و درصد توافق خبرگان**

| رتبه | مقوله | درصد توافق |
|---|---|---|
| ۱ | قوانین مصوب ناقص و متناقض | ۹۳ |
| ۲ | ضعف حکمرانی و هماهنگی نهادی | ۸۷ |
| ۳ | کمبود انگیزه اجتماعی و اقتصادی | ۸۳ |
| ۴ | پایین بودن سرمایه فرهنگی و آگاهی | ۸۰ |
| ۵ | وجود عادات و قواعد نادرست محلی | ۷۷ |
| ۶ | ضعف فنی و زیرساختی | ۷۳ |
| ۷ | عدم تعهد و تخصص نیروی انسانی | ۷۰ |
| ۸ | نبود رهبری محلی موثر | ۶۷ |
| ۹ | عدم مشارکت اجتماعی | ۶۳ |
| ۱۰ | ضعف در برخورد با متخلفان | ۶۰ |

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که قوانین مصوب ناقص و متناقض با ۹۳٪ توافق به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر مدیریت مصرف آب شناسایی شده است. این یافته با نتایج پژوهش زندحسامی و فرهادی (۱۳۹۷) همسو است که به ناکارآمدی قوانین موجود در حوزه آب اشاره داشتند. ضعف حکمرانی و هماهنگی نهادی با ۸۷٪ توافق در رتبه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده عدم انسجام و هماهنگی بین سازمان‌های ذیربط است.

همانطور که عنوان گردید دو مقوله قوانین مصوب ناقص و متناقض و همچنین ضعف حکمرانی و هماهنگی نهادی دو مقوله مهم در مدیریت بحران مصرف آب هستند که در دو جدول ۴ و ۵

به طور تفصیلی به این دو مقوله پرداخته شده است:

**جدول شماره (٤): زیرمقوله‌های قوانین مصوب ناقص**

| ردیف | زیر مقوله | درصد توافق | مهم ترین چالش ها |
|---|---|---|---|
| ۱ | نقص در قانون توزیع عادلانه آب | ۹۵ | عدم پیش بینی مجازات کیفری برای تخلفات |
| ۲ | تناقض بین قوانین مختلف | ۹۱ | تضاد بین قانون توزیع عادلانه آب و قانون تعیین تکلیف چاه های غیرمجاز |
| ۳ | عدم توجه به ویژگی های بومی | ۸۹ | یکسان سازی قوانین بدون در نظر گرفتن شرایط خاص حوضه ها |
| ۴ | طولانی بودن فرایند رسیدگی | ۸۷ | امکان سو استفاده متخلفان در فرصت رسیدگی قضایی |

بر اساس جدول ۴، نقص در قانون توزیع عادلانه آب با ۹۵٪ توافق به عنوان مهم‌ترین چالش قوانین موجود شناسایی شده است. این مسئله به ویژه در ماده ۴۵ این قانون مشهود است که فاقد مکانیزم‌های نظارتی تاثیرگذار است. تناقض بین قوانین مختلف با ۹۱٪ توافق در رتبه دوم قرار دارد که نشان‌دهنده عدم انسجام در نظام قانون‌گذاری حوزه آب است.

**جدول شماره(۵): زیرمقوله‌های ضعف حکمرانی نهادی**

| ردیف | زیرمقوله | درصد توافق | نمونه هایی از مشکلات |
|---|---|---|---|
| ۱ | عدم هماهنگی بین سازمانی | ۹۲ | اجرای پروژه های موازی و متضاد |
| ۲ | نبود حکرانی یکپارچه | ۸۸ | تصمیم گیری های بخشی و ناهماهنگ |
| ۳ | دیدگاه های متفاوت سازمانی | ۸۵ | تضاد بین اهداف توسعه ای و حفاظتی |
| ۴ | بوروکراسی اداری پیچیده | ۸۲ | کندی در اجرای پروژه ها و دلسردی بهره برداران |

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که عدم هماهنگی بین سازمانی با ۹۲ درصد توافق مهم‌ترین چالش حکمرانی نهادی است. این مسئله منجر به اجرای پروژه‌های موازی و متضاد شده است. نبود حکمرانی یکپارچه با ۸۸٪ توافق در رتبه دوم قرار دارد که بیانگر ضرورت ایجاد سازوکار هماهنگی بین‌سازمانی است.

گرو های مختلف خبرگان دیدگاه های متفاوتی با یکدیگر داشتند که در جدول ذیل مشاهده میگردد:

**جدول شماره(٦): مقایسه میانگین امتیازات گروه‌های مختلف**

| عامل | جهاد کشاورزی | آب منطقه ای | دانشگاه | کشاورزان |
|---|---|---|---|---|
| قوانین مصوب ناقص | ۴/۵ | ۴/۸ | ۴/۷ | ۴/۶ |
| ضعف حکمرانی نهادی | ۲/۴ | ۴/۴ | ۴/۵ | ۴/۱ |
| کمبود انگیزه | ۴/۳ | ۳/۹ | ۴ | ۴/۵ |
| پایین بودن سرمایه فرهنگی | ۳/۸ | ۴ | ۴/۲ | ۳/۹ |
| عادات نادرست محلی | ۳/۶ | ۳/۹ | ۴/۱ | ۳/۵ |

بر اساس جدول ۶، تفاوت‌های معناداری بین دیدگاه گروه‌های مختلف وجود دارد. به عنوان مثال، نمایندگان آب منطقه‌ای بیشترین حساسیت را نسبت به مسئله قوانین مصوب ناقص دارند (میانگین ۴/۸)، در حالی که کشاورزان بیشترین توجه را به مسئله کمبود انگیزه معطوف کرده‌اند (میانگین ۴/۵). این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تفاوت در دغدغه‌ها و اولویت‌های ذینفعان مختلف است.

**جدول شماره(۷): ماتریس همبستگی بین عوامل اصلی**

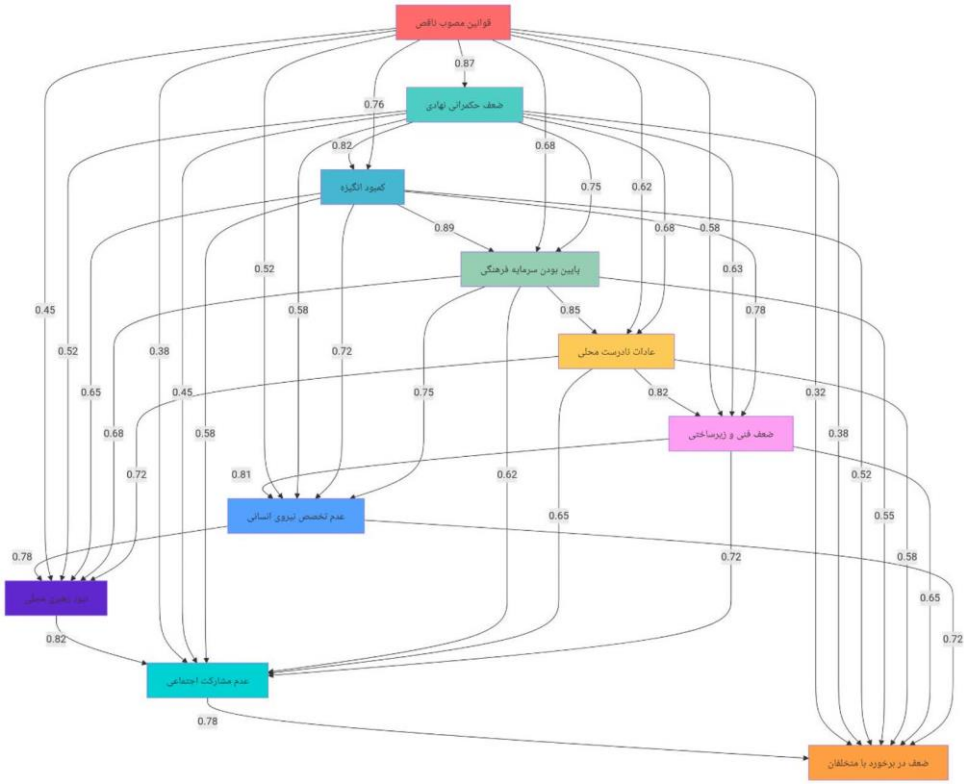
| عوامل | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| قوانین | ۱ | | | | | | | | | |
| حکمرانی | ۰/۸۷ | ۱ | | | | | | | | |
| انگیزه | ۰/۷۶ | ۰/۸۲ | ۱ | | | | | | | |
| فرهنگ | ۰/۶۸ | ۰/۷۵ | ۰/۸۹ | ۱ | | | | | | |
| عادات | ۰/۶۲ | ۰/۶۸ | ۰/۸۲ | ۰/۸۵ | ۱ | | | | | |
| فنی | ۰/۵۸ | ۰/۶۳ | ۰/۷۵ | ۰/۷۸ | ۰/۸۲ | ۱ | | | | |
| تخصص | ۰/۵۲ | ۰/۵۸ | ۰/۶۸ | ۰/۷۲ | ۰/۷۵ | ۰/۸۱ | ۱ | | | |
| رهبری | ۰/۴۵ | ۰/۵۲ | ۰/۶۲ | ۰/۶۵ | ۰/۶۸ | ۰/۷۲ | ۰/۷۸ | ۱ | | |
| مشارکت | ۰/۳۸ | ۰/۴۵ | ۰/۵۵ | ۰/۵۸ | ۰/۶۲ | ۰/۶۵ | ۰/۷۲ | ۰/۸۲ | ۱ | |
| برخورد | ۰/۳۲ | ۰/۳۸ | ۰/۴۸ | ۰/۵۲ | ۰/۵۵ | ۰/۵۸ | ۰/۶۵ | ۰/۷۲ | ۰/۷۸ | ۱ |

جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که بین قوانین مصوب ناقص و ضعف حکمرانی نهادی بیشترین میزان همبستگی (۰.۸۷) وجود دارد. این نشان می‌دهد که این دو عامل به شدت به هم وابسته

بوده و تقویت‌کننده یکدیگر هستند. همچنین، کمبود انگیزه با پایین بودن سرمایه فرهنگی همبستگی بالایی (۰.۸۹) نشان می‌دهد که تأییدکننده نظریه بوردیو در مورد ارتباط بین سرمایه فرهنگی و انگیزه‌های فردی است

این یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که مدیریت مصرف آب در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان تحت تأثیر عوامل چندبعدی و به هم پیوسته‌ای قرار دارد که نیازمند رویکردی سیستماتیک و همه‌جانبه برای حل بحران آب در منطقه است.

**نمودار شماره(۱): نمودار ماتریس همبستگی بین عوامل**




نمودار ۱ نشان می‌دهد که حل بحران آب در منطقه مورد مطالعه نیازمند رویکردی همه‌جانبه و سیستماتیک است. تمرکز صرف بر راه‌حل‌های فنی بدون توجه به ابعاد اجتماعی، فرهنگی و

نهادی نمی‌تواند منجر به مدیریت پایدار منابع آب شود. این یافته با نتایج پژوهش رینگلر و همکاران (۲۰۱۹) همسو است که بر اهمیت رویکرد سیستمیک در مدیریت آب تأکید داشتند.
همچنین مداخله در قوانین مصوب می‌تواند بیشترین اثرگذاری سیستمی را داشته باشد، بهبود سرمایه فرهنگی می‌تواند به شکستن چرخه معیوب کمک کند و تقویت رهبری محلی می‌تواند به عنوان اهرم عمل کند.
نمودار به وضوح نشان می‌دهد که مسئله مدیریت مصرف آب یک سیستم پیچیده با ارتباطات متقابل است. برای دستیابی به مدیریت پایدار آب، نیاز به رویکرد سیستمی داریم که:

۱. اصلاح قوانین را در اولویت قرار دهد
۲. تقویت حکمرانی نهادی را دنبال کند
۳. ارتقای سرمایه فرهنگی را مد نظر قرار دهد
۴. توانمندسازی محلی را تقویت کند

این تحلیل با یافته‌های گیدنز (۱۹۸۴) در مورد تأثیر متقابل ساختار و عاملیت، و همچنین نظریه بوردیو (۱۹۸۶) در مورد نقش سرمایه‌های مختلف کاملاً همسو است.

## ٤- بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مدیریت مصرف آب در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان تحت تأثیر عوامل چندبعدی و پیچیده‌ای قرار دارد که تنها با رویکردی جامع و سیستماتیک قابل حل خواهد بود. نتایج حاصل از سه مرحله اجرای تکنیک دلفی نشان داد که ده عامل کلیدی به ترتیب اولویت شامل: قوانین مصوب ناقص (۹۳٪)، ضعف حکمرانی نهادی (۸۷٪)، کمبود انگیزه (۸۳٪)، پایین بودن سرمایه فرهنگی (۸۰٪)، عادات نادرست محلی (۷۷٪)، ضعف فنی (۷۳٪)، عدم تخصص نیروی انسانی (۷۰٪)، نبود رهبری محلی (۶۷٪)، عدم مشارکت اجتماعی (۶۳٪) و ضعف در برخورد با متخلفان (۶۰٪) بیشترین تأثیر را در مدیریت مصرف آب دارند.
مقوله قوانین مصوب ناقص به عنوان مهمترین عامل شناسایی شد که با یافته‌های مدنی (۲۰۱۵) و زندحسامی و فرهادی (۱۳۹۷) همسو است. این محققان نیز به ناکارآمدی قوانین موجود در حوزه آب و عدم توجه به ویژگی‌های بومی هر منطقه اشاره کرده‌اند. ضعف حکمرانی نهادی به عنوان دومین عامل مهم، نشان‌دهنده عدم هماهنگی بین سازمان‌های ذی‌ربط است که نتیجه آن اجرای

پروژه‌های موازی و متضاد بوده است.

کمبود انگیزه در بین بهره‌برداران به عنوان سومین عامل مهم، بیانگر این واقعیت است که برنامه‌های فعلی نتوانسته‌اند انگیزه اقتصادی و اجتماعی کافی برای مشارکت فعال کشاورزان در مدیریت مصرف آب ایجاد کنند. این یافته با نتایج پژوهش رینگلر و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد که بر اهمیت ایجاد انگیزه‌های اقتصادی برای کشاورزان در مدیریت پایدار آب تأکید کرده‌اند.

پایین بودن سرمایه فرهنگی و وجود عادات نادرست محلی به ترتیب به عنوان چهارمین و پنجمین عامل مهم شناسایی شدند که نشان‌دهنده نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش و فرهنگ‌سازی است. این یافته با پژوهش لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) همسو است که بر نقش عوامل فرهنگی در الگوی مصرف آب تأکید داشتند.

## ۵- پیشنهادها

بر اساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. بازنگری و اصلاح قوانین:

- تدوین قوانین متناسب با ویژگی‌های خاص هر حوضه آبریز
- حذف قوانین متناقض و ناکارآمد- پیش‌بینی مکانیزم‌های نظارتی مؤثر برای اجرای قوانین

۲. تقویت حکمرانی نهادی:

- ایجاد سازوکار هماهنگی بین سازمانی مؤثر
- تشکیل کارگروه‌های تخصصی با مشارکت تمام ذینفعان
- استقرار سیستم یکپارچه اطلاعاتی برای مدیریت منابع آب

۳. ایجاد انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی:

- طراحی نظام پرداخت برای خدمات زیست‌محیطی
- ارائه تسهیلات و مشوق‌های مالی برای کشاورزان پایدار
- توسعه نظام بیمه‌ای متناسب با ریسک‌های کم‌آبی

۴. ارتقای سرمایه فرهنگی:

- اجرای برنامه‌های آموزشی مستمر برای بهره‌برداران
- استفاده از ظرفیت رسانه‌های محلی برای فرهنگ‌سازی

۵. توانمندسازی جامعه محلی:

- شناسایی و تقویت رهبران محلی
- توسعه تشکل‌های مردمی و تعاونی‌های آب‌بران
- اجرای برنامه‌های مشارکتی با محوریت جامعه محلی

۶. توسعه زیرساخت‌های فنی:

- نوسازی سیستم‌های آبیاری
- استقرار سیستم‌های پایش هوشمند
- توسعه روش‌های نوین آبیاری

## منابع


۱. ازکیا، م.، احمدرش، ر.، و پرتازیان، ک. (۱۳۹۷). **روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل**. جلد دوم. تهران: انتشارات کیهان.

۲.کردوانی، پ. (۱۳۹۱). **منابع و مسائل آب در ایران**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. فاضلی، م. (۱۳۹۵). **رانت آب، بیانگر ایران**. ماهنامه مهرنامه، ۴۴(۹۴): ۱۲۷-۱۳۶.

۴. لهسایی زاده، ع.، جهانداری، ج.، و منصوریان، م. (۱۳۹۰). **عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر الگوی مصرف آب در میان شهروندان شیراز**. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۹(۸۹): ۱۵۹-۱۸۲.

۵. زندحسامی، ح.، و فرهادی، ک. (۱۳۹۷). **بازاندیشی در نظام آینده‌اندیشی (مطالعه موردی: آب)**. فصلنامه علوم اجتماعی، ۷۷(۹۶): ۳۱۴-۳۶۰.

۶. شهبازی، م.، یاسر، ح.، و موسایی، م. (۱۴۰۲). **تبیین الگوی جامعه‌شناختی مدیریت مصرف آب در حوضه آبریز مرکزی استان زنجان. علوم و تکنولوژی محیط زیست**، ۲۵(۴): ۲۵-۴۱.

۷.Bourdieu, P. (۱۹۸٦). **The forms of capital. In J. Richardson** (Ed.), Handbook of theory and research for the sociology of education (pp. -۲٤۱ ۲۵۸). New York: Greenwood.

۸.Cosgrove, W. J., & Loucks, D. P. (۲۰۱۵). **Water management: Current and future challenges and research directions**. Water Resources Research, ۵۱(٦), ۸۳۹-۸۲۳.

۹.Giddens, A. (۱۹۸٤). **The constitution of society: Outline of the theory of structuration**. Berkeley: University of California Press.

۱۰.Madani, K. (۲۰۱۵). **Iran's looming water crisis. The Middle East in London**, ۱۱(۵), ۹-۸.

۱۱.Murphy, B., & Dalen, H. (۲۰۰۳). **Crisis management and social capital**. Journal of Social Welfare, ۱۱(۸۲), .۲٦۳-۲٤۳

۱۲.Ringler, C., Zhu, T., & Rosegrant, M. W. (۲۰۱۹). **Viewing agricultural water management through a systems analysis lens**. Water Resources Research, ۵۵(۲), ۷۹۱-۷۷۸.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٤٨٩-٤٦١
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# تحلیل بهزیستی سازمانی مبتنی بر رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری در سازمان بهزیستی و ارائه مدل

**فاطمه بخشایشی**[١]
**زرین دانشورهریس**[٢]
**جهانگیر یاری حاج عطالو**[٣]

(تاریخ دریافت١١ /١۴٠۴/٧ ـ تاریخ تصویب ١۴٠۴/٩/٢٠)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

**چکیده**
هدف مقاله حاضر تحلیل بهزیستی سازمانی مبتنی بر رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری در سازمان بهزیستی و ارائه مدل بود. جامعه آماری شامل کارکنان سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور در سال ١۴٠٢ بود که ٣٢٧ نفر به عنوان نمونه آماری براساس فرمول کوکران به صورت تصادفی خوشه‌ای انتخاب گردید. روش تحقیق به صورت کمّی از نوع همبستگی بود. نحوه

[١] – گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
[٢] – گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران(نویسنده مسئول).
zarrindaneshvarheris@iau.ac.ir
[٣] – گروه علوم تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

گردآوری اطلاعات به صورت پیمایشی بود. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه بهزیستی سازمانی شولتز(۲۰۰۸)، رهبری نیک‌خواهانه کاراکاس و سارگلو(۲۰۱۲) و تاب‌آوری سازمانی مک مانوس(۲۰۰۸) بود. جهت سنجش روایی ابزار از اعتبار محتوایی و جهت سنجش پایایی نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مورد تایید واقع شدند. جهت آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی و چندگانه و جهت ارائه مدل از تحلیل مسیر و مدل-یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار SPSS۲۵و AMOS۲۴ بهره گرفته شد. یافته‌ها نشان داد: رهبری نیک‌خواه بر بهزیستی سازمانی کارکنان تأثیر معنی‌داری دارد. تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی کارکنان تأثیر معنی‌داری دارد. رهبری نیک‌خواه بر تاب‌آوری سازمانی کارکنان تاثیر معنی‌داری دارد. رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری بر بهزیستی سازمانی کارکنان سازمان بهزیستی تاثیر معنی‌داری داشته و به میزان ۴۲٪ قابلیت تبیین‌کنندگی دارد. مدل ارائه شده نیز قابلیت برازش دارد.

**واژگان کلیدی:** بهزیستی سازمانی، رهبری نیک‌خواه، تاب‌آوری سازمانی، سازمان بهزیستی، کارکنان.

**مقدمه:**

بسیاری از دانشمندان معتقدند سازمان‌ها شکل‌دهنده جوامع معاصر هستند و عملکرد آنها به توانایی سازگاری با محیط پویا بستگی دارد(شیرگیر اجیرلو، ۱۳۹۷: ۴). در این شرایط، بهزیستی سازمانیکه شامل ابعاد فیزیکی، روانی و اجتماعی کارکنان است،به‌عنوان عاملی کلیدی در بهره‌وری و موفقیت سازمان مطرح می‌شود. سازمان‌های سالم، کارکنانی متعهد، راضی و همکار دارند که به افزایش کارایی و سازگاری سازمان کمک می‌کنند .(مرادی، خانجانی و عسگری، ۱۴۰۰: ۴۶۰). یکی از عوامل مؤثر در بهزیستی سازمانی، سبک رهبری است. رهبری نیک‌خواه با توجه به رفاه فردی پیروان، رفتار مهربانانه و حمایت‌گرانه، زمینه رضایت، تعهد و بهره‌وری را فراهم می‌کند. این سبک رهبری، مفاهیمی مانند اخلاق، معنویت، روانشناسی مثبت و مسئولیت اجتماعی را در چارچوبی منسجم ادغام می‌کند. همزمان، تاب‌آوری سازمانی یعنی توانایی سازمان در مقابله با بحران‌ها و تغییرات ناگهانی نیز نقشی حیاتی در حفظ بهزیستی و بقای سازمان

دارد. سازمان‌های تاب‌آور با مدیریت مؤثر بحران، ارتباطات قوی و انعطاف‌پذیری، نه‌تنها از نابودی در امان می‌مانند، بلکه فرصت‌های جدید را نیز بهره‌برداری می‌کنند.

سازمان بهزیستی کشور، به‌عنوان نهادی کلیدی در حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر، نیازمند رهبری نیک‌خواه و تاب‌آوری سازمانی است تا بتواند خدمات مؤثری ارائه دهد. لذا، این پژوهش با هدف تحلیل تأثیر رهبری نیک‌خواه بر بهزیستی سازمانی با نقش میانجی تاب‌آوری در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور انجام شده است. یافته‌های آن می‌تواند راهگشای برنامه‌ریزان و مدیران در بهبود بهزیستی سازمانی و ارتقای کیفیت خدمات باشد.

## مبانی نظری:

### بهزیستی سازمانی:

واژه بهزیستی به‌معنای یکپارچه‌ای است که ویژگی‌های روحی، روانی، ادراکی، شخصیتی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و شامل طیف گسترده‌ای از سازه‌هاست که گاهی برخی پیش‌نیاز دیگری هستند. در بهزیستی سازمانی، تأمین نیازهای فردی، سازمانی و اجتماعی منجر به شکوفایی توانایی‌ها و ارزشمندسازی زندگی حرفه‌ای می‌شود (فقیهی‌پور و حسینی آرانی، ۱۳۹۶). این مفهوم به توانایی سازمان در ترویج سلامت جسمی، روانی و اجتماعی کارکنان در تمام سطوح و فراهم‌کردن محیطی که امکان بروز استعدادها را فراهم کند، اشاره دارد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰).

امروزه روانشناسی مثبت در سازمان‌ها جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ رویکردی که بر کارکرد بهینهٔ انسان متمرکز بوده و بهزیستی را یکی از اساسی‌ترین مفاهیم خود می‌داند (رایان و دسی، ۲۰۰۱). این رویکرد در محیط کار به‌صورت رفتار سازمانی مثبت ظهور می‌کند (آوی، هیوز[۱]، نورمن[۲] و لوتانز[۳]، ۲۰۰۸) و پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آن با رفتار مدنی سازمانی، عملکرد شغلی، رضایت شغلی و بهزیستی کارکنان ارتباط دارد (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷–۲۰۱۰).

---

[۱] -James B. Avey

[۲] -Steven M. Norman

[۳] -Kyle W. Luthans

همچنین، ریف[۱] **(۱۹۸۹)** با تلفیق نظریه‌های مازلو، راجرز، یونگ و آلپورت، مدل چندبُعدی بهزیستی روانشناختی را ارائه کرد که به حوزهٔ سازمانی تعمیم یافت (علیزاده صدر دانش‌پور، ۱۳۹۹). این مدل شامل شش مؤلفه است **:**پذیرش خود، هدف‌مندی در زندگی، رشد شخصی، تسلط بر محیط، استقلال خودمختارانه و روابط مثبت با دیگران**.**

ریف(۱۹۸۹) الگوی بهزیستی روانشناختی را تعمیم داده و الگوی بهزیستی حرفه‌ای را مطرح نموده است. سازه بهزیستی حرفه‌ای دارای یک ساختار چند بعدی و متشکل از شش بعد می‌باشد.

۱. روابط سازمانی مثبت: عبارت است از توانایی فرد برای برقراری ارتباط در محیط کار(شولتز[۲]، ۲۰۱۹: ۶۹) که می‌تواند شامل برقراری رابطه با همکاران، شرکای تجاری، سرپرست و مدیران باشد(علیزاده صدر دانش‌پور، ۱۳۹۹).

۲. خودپذیری حرفه‌ای: عبارت است از داشتن احساس مثبت نسبت به خود و گذشته خود.

۳. استقلال در شغل: توانایی تعیین اینکه چگونه، چه وقت و کجا وظایف انجام خواهند شد(کلارک[۳]، ۲۰۰۱: ۸۵).

۴. هدفمندی در شغل: عبارت است از بامعنا بودن شغل. این بدان معنی است که گاهی شغل باعث می‌شود فرد احساس خوبی داشته باشد(کان[۴]، ۱۹۹۰: ۵۲). احساس بامعنا بودن باعث می‌شود که فرد شغل خود را برانگیزاننده و خشنود کننده بداند(براون و لی[۵]، ۱۹۹۶: ۵۴).

۵. تسلط بر محیط: عبارت است از توانایی کارکنان برای اداره و کنترل جوانب محیط کاری خود. این مهارت می‌تواند باعث کاهش عدم اطمینان محیط گردد.

۶. پیشرفت در شغل: عبارت است از احساس دارا بودن فرصت‌های رشد و پیشرفت

---

۱ -Carol Ryff

۲ - Shultz

۳ - Clark

۴ - Kahn

۵ - Brown & Leigh

سازمانی(شولتز، ۲۰۱۹:۵۷) و پیشرفت فردی(پترسون و همکاران[۱]، ۱۹۹۵: ۹۵).

شولتز(۲۰۰۸) با توجه به پژوهش‌های ریف(۱۹۸۹) در رابطه با بهزیستی روانشناختی، مدل چند بعدی برای بهزیستی شغلی و سازمانی ارائه نمود. طبق مدل شولتز(۲۰۰۸) بهزیستی شغلی شامل شش بعد ۱- خودمختاری در شغل ۲- تسلط بر محیط ۳- فرصت‌های پیشرفت در شغل ۴- روابط سازمانی مثبت ۵- هدفمندی در شغل و ۶- خودپذیری حرفه‌ای می‌باشد.

بیگو و کورتس[۲](۲۰۱۳) اشاره کردند بهزیستی در محل کار از طریق تعامل بین ویژگی‌های فرد و سازمانی به وجود می‌آید. ویژگیهای فردی مؤثر بر بهزیستی محل کار شامل مثبت بودن، ارتباطات، مدیریت مشکلات و درگیری‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌های اجتماعی و احساسی می باشند. بهزیستی در محل کار صرفاً به ویژگی‌های فردی بستگی ندارد. بلکه به شرایط خارجی، شرایط کار و محیط سازمان و اقدامات مدیریت و رهبر و دیگر بازیگران استراتژیک سازمان، نیز بستگی دارد.

## رهبری نیک‌خواه:

رهبری خیرخواه سبکی است که در آن رهبر دغدغه‌ی همه‌جانبه‌ای نسبت به زیردستان دارد. این توجه در محیط کار از طریق رفتارهایی مانند فراهم‌کردن فرصت برای اصلاح اشتباهات، پرهیز از شرمنده‌کردن فرد در جمع، ارائهٔ مربی‌گری و حمایت از پیشرفت شغلی نمایان می‌شود؛ و در فضای غیرکاری، با رفتارهایی همچون برخورد با زیردستان به‌مانند اعضای خانواده، حمایت در بحران‌های شخصی و برقراری روابطی فراتر از حوزهٔ حرفه‌ای همراه است (جلیل‌نژاد انویق، ۱۳۹۹). مفهوم «خیر مشترک» نیز به اشتراک‌گذاری منافع یا فواید مثبت میان اعضای جامعه اشاره دارد (کاراکاس و همکاران، ۲۰۱۳).

مدل رهبری خیرخواه بر سه پیش‌فرض بنیادین استوار است:

۱. تمام پارادایم‌های آن در جهت خلق «خیر مشترک» در سازمان هستند و برای ایجاد و تثبیت تغییرات مثبت به‌کار می‌روند.

---

۱ - Petterson et al

۲ - Biggo & cortese

۲. این پارادایم‌ها هرچند با هم تعامل دارند، اما ذاتاً متمایز و غیرقابل جایگزینی‌اند.
۳. در کنار هم، چهار پارادایم، چارچوبی جامع و معنادار برای خلق خیر مشترک فراهم می‌کنند و هنگام ادغام، سنگ‌بنایی برای مدل مفهومی رهبری سطح بالا می‌شوند (کاراکاس و همکاران[۱]، ۲۰۱۳).

بر این اساس، کاراکاس و ساریگولو [۲](۲۰۱۲) رهبری خیرخواه را در چهار بعد طراحی کردند.

## ۱. الگوی اخلاقیات (حساسیت اخلاقی):

الگوی اخلاقیات بر اخلاق کسب‌وکار، ارزش‌های رهبری و ادبیات تصمیم‌گیری اخلاقی پایه-گذاری شده است(بر ارزش‌ها و اخلاق رهبران متمرکز است). الگوی اخلاقی یک دیدگاه اخلاقی در تحقیقات رهبر است که بر ارزش‌های اخلاقی و اصولی رهبران تجاری تأکید دارد(کاراکاس[۳]،۲۰۰۹). ظهور الگوی اخلاقیات از طریق فراخواندن ارزش و اخلاق در سازمان‌ها قابل مشاهده است(کانونگو و مندونکا[۴]،۱۹۹۶). تمرکز این بُعد بر اصول اخلاقی و ارزش‌ها و باورهای رهبر است. حساسیت اخلاقی به بازتاب‌های اخلاقی عمل رهبر و توجه رهبر بر اینکه چه رفتاری درست و چه رفتاری غلط است، اشاره دارد. حساسیت اخلاقی بر ارزش‌های اخلاقی و رفتارهایی از قبیل: امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری، راستی و درستی و پاسخگویی متمرکز است. مهم‌ترین بازتاب‌های رفتاری حساسیت اخلاقی عبارتند از: پاسخگو بودن و انصاف داشتن، توجه به کارکنان و حمایت از آنان، رعایت حقوق مصرف کننده و کارفرما، تصمیم‌گیری براساس خطوط راهنمای اخلاقی، عمل براساس امانت‌داری و صداقت، آگاه بودن از ارزش‌های خود، پیروی از قوانین و مقررات و گسترش ارزش‌های اخلاقی در کار(کاراکاس و همکاران، ۲۰۱۳).

---

[۱]- Karakas et al

[۲] -Fahri Karakas و Emine Sarigollu

[۳] -Fahri Karakas

[۴] - Kanungo & Mendonca

## ۲. الگوی معنویت (عمق معنوی):

الگوی معنویت بر روی معنویت در کار و ادبیات رهبری معنوی پایه‌گذاری شده است(بر جنبه-های درونی و اقدامات معنوی رهبران تمرکز دارد). الگوی معنویت بیانگر یک دیدگاه جدید در تحقیقات و اعمال رهبری است که بر فهم چشم‌اندازهای درونی رهبری و معنویت و همچنین توجه به نیازهای معنوی کارکنان و جستجو برای با معنایی در کار دارد. ظهور الگوی معنویت از طریق ظهور و رشد سریع معنویت در ادبیات کار و معنویت در ادبیات رهبری قابل مشاهده است. اصول اساسی که از الگوی معنویت زمینه‌سازی و حمایت می‌کند، مذهب، فلسفه، روانشناسی کمال و پدیدارشناسی هستند. الگوی معنویت بر روی قدرت درونی، انعکاس، خودآگاهی و با معنایی که رهبر از خود در محل کارش ترسیم می‌کند تمرکز دارد. این الگوی جدید همچنین می‌تواند به صورت جنبش معنویت بیان شود(کاراکاس،۲۰۰۹). پاسخ به نیازهای کارکنان و مدیران برای بامعنایی به یک عمل اساسی موفقیت برای شرکت‌ها تبدیل شده، به صورتی که تلاش افراد برای تکمیل و بامعنایی در شغلشان تشدید یافته است(کاراکاس، ۲۰۰۹).

## ۳. الگوی مثبت‌گرایی (تعامل مثبت):

الگوی مثبت‌گرایی بر اساس قدرت و فضیلت مثبت سازمانی پایه‌گذاری شده است(بر اینکه چه رهبرانی در سازمان و جهان تغییر مثبت ایجاد می‌کنند تمرکز دارد). الگوی مثبت‌گرایی تمرکز دارد بر اینکه چگونه رهبران تغییرات مثبت در سازمان‌ها را ایجاد و رهبری می‌کنند. تحقیقات در این جریان تمرکز می‌کند بر اینکه چگونه رهبران میتوانند در سیستم‌های انسانی تغییرات مثبت و تحول ایجاد کنند. این جریان این موضوع رهبری را از چشم‌اندازِ تغییر استراتژیک، امید، شجاعت، نشاط و تحول سازمانی در نظر میگیرد. قوانین اساسی در زمینه این الگو عبارتند از: زمینه‌هایی از پرس وجو مبتنی بر قدردانی، روانشناسی مثبت گرایی، فضائل مثبت سازمانی و رفتار مثبت سازمانی. این زمینه‌ها در علوم سازمانی «رویکرد مبتنی بر قدرت» نامیده می‌شوند. رویکرد مبتنی بر قدرت میتواند به صورت چهار اصل مرتبط اما مجزای: روانشناسی مثبت‌گرایی(اصول و جنبشی که موجب الهام بخشی در دیگران می‌شود)، رفتار مثبت سازمانی، فضائل

سازمانی(جنبشی مثبت در علوم سازمانی و پرس وجو مبتنی بر قدردانی (یک روش و روند توسعه سازمانی که افراد را در یک سیستم سازمانی جدید و ایجاد تغییر مثبت از طریق پرسیدن سوالات مثبت درگیر می‌کند) مطرح شود(جعفرصالحی، ۱۳۹۱).

### ٤. الگوی جامعه‌گرایی (پاسخگویی به جامعه):

الگوی جامعه‌گرایی بر اساس مسئولیت اجتماعی سازمانی و ادبیات شهروندی سازمانی پایه-گذاری شده است(که بر همکاری رهبران با جامعه و خدمات اجتماعی تمرکز دارد). ماهیت الگوی اجتماعی این است که رهبران تعهدات اجتماعی دارند که فراتر از وظایف اقتصادی، تولید و توزیع کالا و ایجاد سود برای سهامداران خود است. تمرکز اصلی در الگوی اجتماعی منافع ذینفعها و انتظارات اجتماعی است. بنابراین مسائلی از قبیل کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، خدمات اجتماعی و زمینه‌ی اجتماعی تجارت در اعمال رهبری قابل مشاهده و حیاتی است. الگوی اجتماعی بر نقش اجتماعی تجارت به عنوان یک ابزار مهم برای پیشرفت اجتماعی در جامعه تاکید می‌کند. این امر بر نقش رهبران شرکتها در بررسی مشکلات خاص اجتماعی که به آموزش، اشتغال، محیط زیست، درمان، حقوق مدنی، فرهنگ، هنر و پایداری مربوط هستند تمرکز دارد(کاراکاس، ۲۰۰۹).

### تاب‌آوری سازمانی:

اصطلاح تاب‌آوری را نخستین بار هولینگ[1](۱۹۷۳) به عنوان مفهومی اکولوژیکی مطرح کرد و معتقد است تاب‌آوری یک اکوسیستم معیاری از توانایی جذب تغییرات و اختلالات بدون تغییر در ساختار و عملکردش است(هولینگ، ۱۹۷۳). تاب‌آوری در برابر بحران‌ها یکی از مفاهیم بسیار مهم نظری و کاربردی در مدیریت بحران در سال‌های اخیر بوده است. مفهوم تاب آوری سازمانی، اولین بار، برای توصیف نیاز سازمان ها به پاسخ به یک محیط کسب وکار به سرعت در حال تغییر استفاده شد(گل وردی، ۱۳۹۶: ۳۰۱).

سازمان‌ها به طور روزافزون با انواع مختلف اختلالات مواجه می‌شوند که می‌توانند به صورت

---

[1] - Jump to last

جداگانه یا همزمان رخ دهند(صاحب‌جمع‌نیا، ترابی و منصوری، ۲۰۱۵). مقابله با این اختلالات، نیازمند تاب‌آوری سازمانی است. تاب‌آوری، به عنوان یک مفهوم علمی، در چند دهه گذشته، به عنوان یک نقطه ورود مشترک و مفید برای آغاز بررسی‌های میان رشته‌ای با هدف دستیابی به پایداری در سیستم‌های بیوفیزیکی و اجتماعی به هم پیوسته، از لحاظ محبوبیت و کاربرد، رشد چشم‌گیری داشته است(چافین و اسکون[۱]، ۲۰۱۷). لذا تعمیم یک تعریف، غیرممکن است، زیرا تاب‌آوری، مؤلفه سیستم نیست، بلکه باید به عنوان یک ویژگی ظهوریابنده[۲] شناخته شود (دی‌گالیزیا، سایمون، وبر، لانگ، دووال و سردت[۳]، ۲۰۱۶).

نخستین تعریف از تاب‌آوری سازمانی در واقع؛ توانایی سازمان در پاسخ به شرایط اضطراری و انجام کارکردهای حیاتی سازمان در آن شرایط است(خسروی، ۱۴۰۱). تاب‌آوری یک پدیده چند بعدی، اجتماعی و تکنیکی است. تاب‌آوری فقط پایداری در برابر آسیب‌ها یا موقعیت‌های تهدیدزا نیست، بلکه مشارکت فعال و سازنده در محیط پیرامون خود است(کانر و دیویدسون[۴]، ۲۰۰۳).

طبقه‌بندی‌های سازمان تاب‌آور بحران که از سوی ایسنر[۵] در سال ۲۰۰۹ ارائه گردید شامل ساختار سلسله مراتبی از سازمان‌ها است که عبارتند از:

- تاب‌آوری فردی
- تاب‌آوری سازمانی درونی
- تاب‌آوری سازمانی هم عرض
- تاب‌آوری همکاری‌های بین بخشی
- تاب‌آوری پیوستگی دولت محلی(حمزه‌ئی طهرانی و همکاران، ۱۳۹۵).

با توجه به مطالعات انجام شده تعریف مناسب از تاب‌آوری سازمانی به ساختار جامعی از عوامل سنجش تاب‌آوری سازمانی بستگی دارد که با جمع‌بندی موارد مطروحه می‌توان تاب-

---

۱ - Chaffin & Scown
۲ - emergent
۳ - De Galizia, Simon, Weber, Iung, Duval & Serdet
۴ - Conner & Davidson
۵ - Disaster

آوری سازمانی را به شرح ذیل تعریف نمود:(کاظمی و عندلیب، ۱۳۹۴) «تاب‌آوری سازمانی، میزان آمادگی، ظرفیت تطابقی اجزای سازمان، مدیریت بهینه جهت بازیابی و پوشش سریع اثرات حادثه است و بازگشت به حد مطلوب کارکرد سازمان»(گیبسون و تارانت[۱]، ۲۰۱۰).

از نظر ریچر و سادرگن[۲](۲۰۰۸) منابع چهارگانه ۱- ساختاری ۲- شناختی ۳- ارتباطی ۴- عاطفی؛ ظرفیت تاب‌آوری را در سازمان ایجاد می کنند.

از نظر مک مانوس[۳] (۲۰۰۸)، تاب آوری سازمانی تابعی است از ۱- آگاهی جامع از موقعیت سازمانی ۲- آسیب پذیری های سازمانی ۳- ظرفیت های انطباق پذیری سازمان، در محیطی پویا و بهم پیچیده است(مک مانوس، ۲۰۰۸).

## ۱- آگاهی از موقعیت سازمانی[۴]:

توانایی سازمان در آگاه بودن مداوم در رابطه با خود و محیط به عنوان آگاهی از موقعیت مطرح است. به زعم اندسلی[۵]، آگاهی افراد از موقعیت یا فراتر از آن در میان سیستم اشاره به آگاهی از موقعیت دارد که عبارتست از: ادراک از عناصر درونی شامل حجم زمانی و مکانی، ادراک از مفاهیم آنها و تجسم موقعیت ها در آینده.

## ۲- آسیب پذیری‌های سازمانی

واژه آسیب پذیری، واژه‌ای است که مفاهیم متعددی از آن مطرح شده است و در واقع به اهداف پژوهشگران و موقعیتی که به کار میرود بستگی دارد. بنابرین در پژوهش حاضر معانی در نظر گرفته می شود که مربوط به آسیب پذیری سازمانی است. تعدادی از مطالعات آسیب پذیری سازمانی، تأثیرات قوی بر بقا، بویژه برای کسب و کارهای کوچک را مد نظر قرار داده‌اند. درجه‌ای از آسیب پذیری سازمانی موقعیت‌های فیزیکی سازمان و درجه سازماندهی سوانح نشان

---

۱ - Gibson & Tarrant
۲ - Richtner & Sodergren
۳ - McManus
۴ - Situational awareness
۵ - Endsley

می‌دهد که تأثیراتی بر نرخ بقای سازمان دارد(آلش و همکاران[۱]،۲۰۰۱).

### ۳- انطباق پذیری سازمان[۲]:

انطباق پذیری عبارت است از توانایی یادگیری سازمان جهت انطباق پذیری به منظور از عهده یادگیری و تغییر همزمان و هماهنگ شدن با محیط برآمدن است (مورای[۳]، ۲۰۰۲).

ظرفیت انطباق پذیری یکی از شاخصهای آسیب پذیری است و عبارت است از میزانی که سیستم میتواند شرایط خود را برای حرکت به سمت موقعیت کمتر آسیب دیده تغییر دهد(لورس و لوبل[۴]، ۲۰۰۳).

## پیشینه پژوهش

در خصوص تاثیر رهبری نیکخواه بر بهزیستی سازمانی و همچنین تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی، پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. در جدیدترین این پژوهش‌ها؛ یافته‌های تحقیق السمیدایی و همکاران[۵] (۲۰۲۳)، لوو[۶] (۲۰۱۹) و وایوت و بنرایس- نوآیلس[۷](۲۰۱۸) به تاثیر معنی‌دار رهبری نیک‌خواه بر بهزیستی کارکنان دست یافتند. جانیوار و بادی- سانتوسو[۸](۲۰۲۲) و همچنین ایگبومور و اولی‌سه‌مه‌نوگور[۹](۲۰۲۳) در پژوهش‌های جداگانه‌ای به تأثیر رهبری نیک‌خواه بر عملکرد کارکنان دست یافتند. در همین زمینه پژوهش حاجی حسنی دره شوی(۱۴۰۲) و جلیل‌نژاد انویق و قلاوندی(۱۴۰۱) در پژوهش‌های مختلفی دریافتند، رهبری خیرخواه بر رفتار شهروندی سازمانی با نقش میانجی پاسخگویی سازمانی تاثیر معنی‌داری دارد. همچنین کیسمونو و پرانابلا[۱۰](۲۰۲۱) و سروش‌نیا(۱۳۹۷) به تاثیر رهبری نیک-

---

۱ - Alesch et al
۲ - Adaptive capacity
۳ - Murray
٤ - Luers & Lobell
٥ - Alsomaidaee et al
٦ - Luu
۷ - Viot & Benraiss- Noailles
۸ - Januar & Budi Santoso
۹ - Igbomor & Olisemenogor
۱۰ - Kismono & Pranabella

خواه از طریق توانمندسازی روانشناختی بر بهزیستی سازمانی، پژوهش جعفرصالحی(۱۳۹۱) به تاثیر رهبری نیک‌خواه از طریق تبادل رهبر- عضو در بهزیستی سازمانی، علی و یمین[۱](۲۰۲۴) به تاثیر رهبری نیک‌خواه بر خلاقیت کارکنان با میانجی‌گری پذیرش تغییر دست یافتند.

در پژوهش‌های متفاوتی چوب‌ریزان(۱۴۰۳)، رینک، سیلوا، آدایر، اویسانیا، هامفریز و سکستون[۲](۲۰۲۱)، پرادهان، پانیگراهی و جینا[۳] (۲۰۲۱)، رینک و همکاران(۲۰۲۱)، شارون‌سپ- کلی، شلدون، آنتونی و پروونزانی[۴](۲۰۲۱)، تونکین، مالینن، ناسوال و کانتز[۵](۲۰۱۸) و موروگسان و مگاوانان[۶](۲۰۱۸) و سپهوند(۱۳۹۷) نشان دادند که با افزایش تاب‌آوری، سطح بهزیستی سازمانی نیز به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. همچنین نتایج حاصل از پژوهش موسوی جاسمی و ایدی(۱۴۰۳) نشان داد که بین تاب آوری برنامه‌ریزی شده سازمانی و سبک رهبری ادراک شده در کارکنان رابطه مثبت وجود دارد. همانگونه که مرور پیشینه‌ها نشان می-دهد بین دو به دوی این متغیرها و همچنین هر یک از این متغیرها با متغیرهای دیگر رابطه معنی-داری وجود دارد. اما پژوهشی که به بررسی تاثیر رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری در بهزیستی سازمانی انجام شده باشد؛ یافت نشد و خلاء پژوهش در این خصوص به وضوح مشاهده شد. در نتیجه در مقاله حاضر جهت رفع شکاف و خلاء موجود، به نقش میانجی تاب‌آوری در تاثیرگذاری رهبری نیکخواه بر بهزیستی سازمانی کارکنان بهزیستی شمال‌غرب کشور پرداخته شده است و فرضیه‌های تحقیق به شرح زیر تدوین شدند:

## فرضیه‌های پژوهش:

۱- رهبری نیک‌خواه بر بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور تأثیر

---

۱ - Ali & Yamin

۲ - Rink, Silva, Adair, Oyesanya, Humphreys & Sexton

۳ - Pradhan et al

۴ - Charoensap-Kelly, Sheldon, Antony & Provenzani

۵ - Tonkin, Malinen, Naswall & Kuntz

۶ - Murugesan & Megavannan

دارد.

۲- تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور تأثیر دارد.

۳- رهبری نیک‌خواه بر تاب‌آوری در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور تأثیر دارد.

۴- رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور تأثیر دارد.

## روش‌شناسی پژوهش:

روش تحقیق از حیث هدف، کاربردی؛ از نظر ماهیت روش، همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری (**SEM**)[۱] در بین کارکنان سازمان بهزیستی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه کارکنان سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور به تعداد ۱۹۷۵ نفر در سال ۱۴۰۲ بود که جهت تعیین نمونه مورد مطالعه با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر ۳۲۲ نفر تعیین شد که به صورت تصادفی نسبتی چهار سازمان بهزیستی در چهار شهر تبریز- ارومیه- زنجان و اردبیل به عنوان نمونه انتخاب و در تحقیق شرکت کردند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها؛ تعداد ۸ پرسشنامه مخدوش کنار گذاشته شدند و تحقیق با ۳۱۴ نفر ادامه یافت. جهت سنجش متغیرها از ابزار پرسشنامه استاندارد به شرح زیراستفاده شد و روایی و پایایی آن نیز مورد تایید واقع شد:

**الف) پرسشنامه بهزیستی سازمانی شولتز(۲۰۰۸):** در شش شاخص خودمختاری در شغل(گویه‌های۱-۹)؛ تسلط بر محیط(گویه‌های۱۰-۱۸)؛ فرصت‌های پیشرفت در شغل(گویه‌های ۱۹-۲۷)؛ روابط سازمانی مثبت(گویه‌های ۲۸-۳۶)؛ هدف‌مندی در شغل(گویه‌های ۳۷-۴۵) و خودپذیری حرفه‌ای خود(گویه‌های ۴۶-۵۴) در مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت با نمره‌گذاری ۱= کاملاً مخالفم، ۲= مخالفم، ۳= بی‌نظر، ۴= موافقم و ۵= کاملاً موافقم استفاده شد. جمع نمره گویه‌های ۵۴گانه نمره بهزیستی سازمانی را نشان می‌دهد. دامنه نمره بین ۵۴ تا ۲۷۰ می‌باشد. هر چه نمره بالاتر باشد، نشان دهنده بهزیستی سازمانی بالاتری می‌باشد. شولتز(۲۰۰۸) با انجام تحلیل عاملی تاییدی روایی کل این مقیاس و هر ۶ شاخص آن را در حد بسیار مطلوب و پایایی

---

[۱] - Structural Equation Modeling

شاخص‌های آن را در دامنه‌ای از ۰/۷۱ تا ۰/۸۲ گزارش نمود. در پژوهش حاضر نیز پرسشنامه از طریق اعتبار محتوایی و نظر اساتید راهنما و مشاور تایید شد. جهت سنجش پایایی نیز از آلفای کرون‌باخ استفاده شد که برای پرسشنامه کلی و شاخص‌های ششگانه مورد تایید واقع شد(۰/۷< آلفا).

**ب) پرسشنامه رهبری نیک‌خواه (خیرخواهانه) کارکاس و سارگلو(۲۰۱۲):** در چهار شاخص عمق معنوی(۱۰ گویه)؛ تعامل مثبت(۱۰ گویه)؛ حساسیت اخلاقی(۱۰ گویه)؛ پاسخگویی به جامعه(۱۰ گویه) در مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت با نمره‌گذاری ۱= کاملاً مخالفم، ۲= مخالفم، ۳= بی‌نظر، ۴= موافقم و ۵= کاملاً موافقم استفاده شد. جمع نمره گویه‌های ۴۰ گانه نمره رهبری نیک‌خواه را نشان می‌دهد. دامنه نمره بین ۴۰ تا ۲۰۰ می‌باشد. هر چه نمره بالاتر باشد، نشان دهنده رهبری نیک‌خواه در سطح بالاتر می‌باشد. روایی صوری و محتوای این پرسشنامه در مطالعه سپهوند و حسوند(۱۳۹۷) مورد تایید قرار گرفت. مقادیر آلفای کرون‌باخ پرسشنامه رهبری نیک‌خواه در پژوهش سپهوند و حسوند(۱۳۹۷) بصورت عمق معنوی(۸۴۱٪)، تعامل مثبت(۷۳۷٪)، حساسیت اخلاقی(۸۲۲٪)، پاسخگویی به جامعه(۷۸۸٪) گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز پرسشنامه از طریق اعتبار محتوایی و نظر اساتید راهنما و مشاور تایید شد. جهت سنجش پایایی نیز از آلفای کرون‌باخ استفاده شد که برای پرسشنامه کلی و شاخص‌های سه گانه مورد تایید واقع شد(۰/۷< آلفا).

**ج) پرسشنامه تاب‌آوری سازمانی مک‌مانوس:** در سه شاخص موقعیت‌شناسی(گویه‌های ۱-۲۰)؛ آسیب‌پذیری‌های کلیدی(گویه‌های ۲۱-۴۴)؛ ظرفیت تطابق‌پذیری(گویه‌های ۴۵-۶۷) در مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت با نمره‌گذاری ۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= تاحدی، ۴= زیاد، ۵= خیلی‌زیاد استفاده شد. جمع نمره گویه‌های ۶۷ گانه نمره تاب‌آوری سازمانی را نشان می‌دهد. دامنه نمره بین ۶۷ تا ۳۳۵ می‌باشد. هر چه نمره بالاتر باشد، نشان دهنده تاب‌آوری بالاتری می‌باشد. عسگری جهت تعیین روایی ظاهری و محتوایی (**CVR**) پرسشنامه، نخست آن را به تأیید ۵ الی ۴۰ نفر از اساتید خبره رساند (حدود ضریب روایی پرسشنامه اینگونه است که برای ۵ نفر بالاتر از ۰/۹ و برای ۴۰ نفر بالاتر از ۰/۳معتبر است)؛ سپس برای بدست آوردن پایایی پرسشنامه، آن را مقدمتاً روی ۳۰ نفر یا بیشتر اجرا کرده و از آلفای کرونباخ استفاده شد و بالاتر از ۰/۷

بدست آمد(به نقل از شیرگیر اجیرلو،۱۳۹۷: ۵۶). در پژوهش حاضر نیز پرسشنامه از طریق اعتبار محتوایی و نظر اساتید راهنما و مشاور تایید شد. جهت سنجش پایایی نیز از آلفای کرون‌باخ استفاده شد که برای پرسشنامه کلی و شاخص‌های سه گانه مورد تایید واقع شد(۰/۷< آلفا). جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار **spss** نسخه ۲۵ از آمار استنباطی جهت آزمون فرضیه‌ها و در ادامه از نرم افزار **AMOS** نسخه ۲۴جهت مدل‌یابی معادلات ساختاری (**SEM**) از طریق تحلیل مسیر برای فرضیه چهارم استفاده شد.

## یافته‌های پژوهش:

### فرضیه اول: رهبری نیک‌خواه بر بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال-غرب کشور تأثیر دارد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون مطابق جدول ۱ نشان می‌دهد بین شاخص عمق معنوی با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و متوسط معنی‌داری وجود دارد و عمق معنوی به میزان ۲۹ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۵۴ ؛ **R**۲= ۰/۲۹) می‌باشد. بین شاخص تعامل مثبت با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و متوسط معنی‌داری وجود دارد و تعامل مثبت به میزان ۳۴ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۵۹ ؛ **R**۲= ۰/۳۴) می‌باشد. بین شاخص حساسیت اخلاقی با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و متوسط معنی-داری وجود دارد و حساسیت اخلاقی به میزان ۳۳ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می-نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۵۸ ؛ **R**۲= ۰/۳۳) می‌باشد. بین شاخص پاسخگویی به جامعه با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و قوی معنی‌داری وجود دارد و پاسخگویی به جامعه به میزان ۳۸ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۶۲ ؛ **R**۲= ۰/۳۸) می‌باشد. در مجموع بین رهبری نیک‌خواه با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و قوی معنی‌داری وجود دارد و رهبری نیکخواه به میزان ۴۲ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۶۵ ؛ **R**۲= ۰/۴۲) می‌باشد.

**جدول ۱: همبستگی بین رهبری نیک‌خواه و شاخص‌های آن با بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور**

| متغیر | بهزیستی سازمانی | | | |
|---|---|---|---|---|
| | N | r | P | R۲ |
| عمق معنوی | ۳۱۴ | ۰/۵۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۹ |
| تعامل مثبت | ۳۱۴ | ۰/۵۹ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۴ |
| حساسیت اخلاقی | ۳۱۴ | ۰/۵۸ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۳ |
| پاسخگویی به جامعه | ۳۱۴ | ۰/۶۲ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۸ |
| رهبری نیکخواه | ۳۱۴ | ۰/۶۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲ |

منبع: نتایج تحیق

## فرضیه دوم: تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال-غرب کشور تأثیر دارد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون مطابق جدول ۲ نشان می‌دهد بین شاخص موقعیت‌شناسی با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و متوسط معنی‌داری وجود دارد و موقعیت‌شناسی به میزان ۳۰ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۵۵ ؛ **R۲**= ۰/۳۰) می‌باشد. بین شاخص آسیب‌پذیری‌های کلیدی با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و متوسط معنی‌داری وجود دارد و آسیب‌پذیری‌های کلیدی به میزان ۳۱ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می-نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۵۶ ؛ **R۲**= ۰/۳۱) می‌باشد. بین شاخص ظرفیت تطابق‌پذیری با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و متوسط معنی‌داری وجود دارد و ظرفیت تطابق‌پذیری به میزان ۳۰ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۵۵ ؛ **R۲**= ۰/۳۰) می‌باشد. در مجموع بین تاب‌آوری سازمانی با بهزیستی سازمانی رابطه مستقیم و متوسط معنی‌داری وجود دارد و تاب‌آوری سازمانی به میزان ۳۴ درصد بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** ۰/۵۹ = ؛ **R۲**= ۰/۳۴) می‌باشد.

**جدول ۲ همبستگی بین تاب‌آوری و شاخص‌های آن با بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور**

| متغیر | بهزیستی سازمانی | | | |
|---|---|---|---|---|
| | N | r | P | R۲ |
| موقعیت‌شناسی | ۳۱۴ | ۰/۵۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۰ |
| آسیب‌پذیری‌های کلیدی | ۳۱۴ | ۰/۵۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۱ |
| ظرفیت تطابق‌پذیری | ۳۱۴ | ۰/۵۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۰ |
| تاب‌آوری | ۳۱۴ | ۰/۵۹ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۴ |

منبع: نتایج تحیق

## فرضیه سوم: رهبری نیک‌خواه بر تاب‌آوری در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور تأثیر دارد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون مطابق جدول ۱ نشان می‌دهد بین شاخص عمق معنوی با تاب‌آوری سازمانی رابطه مستقیم و قوی معنی‌داری وجود دارد و عمق معنوی به میزان ۵۷ درصد تاب‌آوری سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۷۶ ؛ **R**۲= ۰/۵۷) می‌باشد. بین شاخص تعامل مثبت با تاب‌آوری سازمانی رابطه مستقیم و خیلی‌قوی معنی‌داری وجود دارد و تعامل مثبت به میزان ۶۸ درصد تاب‌آوری سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۸۳ ؛ **R**۲= ۰/۶۸) می‌باشد. بین شاخص حساسیت اخلاقی با تاب‌آوری سازمانی رابطه مستقیم و قوی معنی‌داری وجود دارد و حساسیت اخلاقی به میزان ۵۶ درصد تاب‌آوری سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۷۵ ؛ **R**۲= ۰/۵۶) می‌باشد. بین شاخص پاسخگویی به جامعه با تاب-آوری سازمانی رابطه مستقیم و خیلی‌قوی معنی‌داری وجود دارد و پاسخگویی به جامعه به میزان ۶۵ درصد تاب‌آوری سازمانی را پیش‌بینی می‌نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۸۱ ؛ **R**۲= ۰/۶۵) می‌باشد. در مجموع بین رهبری نیک‌خواه با تاب‌آوری سازمانی رابطه مستقیم و خیلی‌قوی معنی‌داری وجود دارد و رهبری نیکخواه به میزان ۷۵ درصد تاب‌آوری سازمانی را پیش‌بینی می-نماید(**P**<۰/۰۵؛ **r** = ۰/۸۷ ؛ **R**۲= ۰/۷۵) می‌باشد.

**جدول ۲ همبستگی بین رهبری نیک‌خواه و شاخص‌های آن با تاب‌آوری سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور**

| متغیر | تاب‌آوری | | | |
|---|---|---|---|---|
| | N | r | P | R۲ |
| عمق معنوی | ۳۱۴ | ۰/۷۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۷ |
| تعامل مثبت | ۳۱۴ | ۰/۸۳ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۸ |
| حساسیت اخلاقی | ۳۱۴ | ۰/۷۵ | ۰/۰۰۰ | ۰/۵۶ |
| پاسخگویی به جامعه | ۳۱۴ | ۰/۸۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۵ |
| رهبری نیکخواه | ۳۱۴ | ۰/۸۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۵ |

منبع: نتایج تحیق

**فرضیه چهارم: رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور تأثیر دارد.**

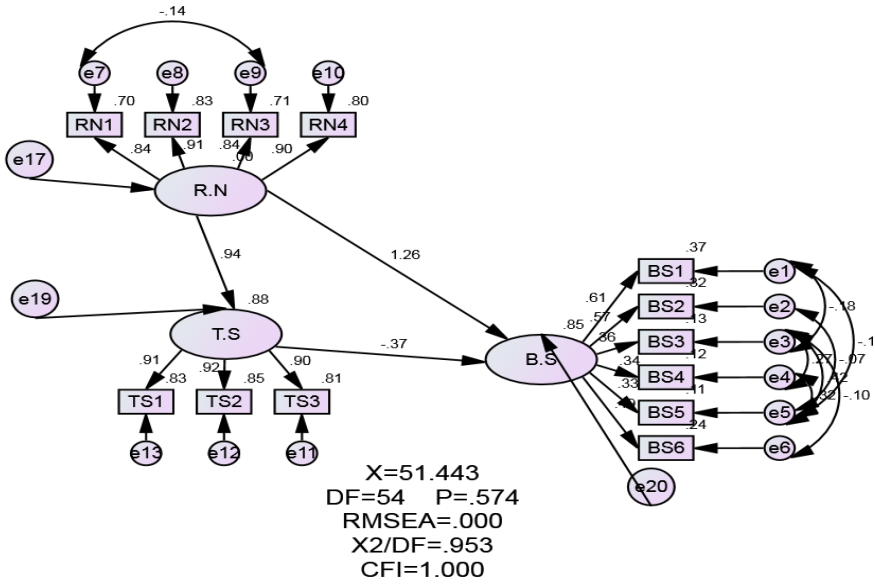
جهت تبیین بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور از روی رهبری نیک‌خواه با میانجی‌گری تاب‌آوری سازمانی ابتدا از رگرسیون چندگانه استفاده شد که طبق اطلاعات جدول ۴ ملاحظه می‌شود که در مجموع ضریب همبستگی چندگانه آنها، برابر ۰/۶۵ = $R$ و ضریب تعیین برابر ۰/۴۲ = $R^2$ و ضریب تعیین خالص برابر ۰/۴۲= $\overline{R}^2$ بدست آمده است و در مجموع رهبری نیک‌خواه با میانجی‌گری تاب‌آوری سازمانی به میزان ۴۲ درصد بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور را تبیین می‌کنند و ۵۸ درصد از واریانس آن توسط متغیرهایی خارج از موضوع این پژوهش قابل تبیین می‌باشد.

**جدول ٤ ضریب همبستگی چندگانه برای پیش‌بینی بهزیستی سازمانی در سازمان بهزیستی شمال-غرب کشور**

| شکل | ضریب همبستگی چندگانه | ضریب تبیین | ضریب تبیین خالص |
|---|---|---|---|
| ۱ | ۰/۶۵ | ۰/۴۲ | ۰/۴۲ |

منبع: نتایج تحقیق

جهت طراحی و برازش مدل در خصوص تاثیر رهبری نیک‌خواه با میانجی‌گری تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی در پژوهش حاضر از نرم افزار **AMOS** استفاده شد. با توجه به وجود رابطه بین متغیرهای تحقیق در فرضیه‌های قبلی؛ امکان بررسی فرضیه ها با استفاده از روش معادلات ساختاری میسّر است.




**شکل ۱: مدل ضریب رگرسیونی استاندارد مدل پژوهش(خروجی نرم افزار)**

**B.S**: متغیر مکنون بهزیستی سازمانی

**BS۱**: خودمختاری در شغل، **BS۲**: تسلط بر محیط، **BS۳**: فرصتهای پیشرفت در شغل،**BS۴** : روابط سازمانی مثبت، **BS۵**: هدفمندی در شغل، **BS۶**: خودپذیری حرفه‌ای.

خطاهای اندازه گیری از **e۱** تا **e۶**؛

**R.N**: متغیر مکنون رهبری نیکخواه

**RN**۱ : عمق معنوی؛ **RN**۲: تعامل مثبت، **RN**۳: حساسیت اخلاقی،**RN**۴ : پاسخگویی به جامعه.

خطاهای اندازه گیری از **e**۷ تا **e**۱۰.

**T.S**: متغیر مکنون تاب‌آوری سازمانی

**TS**۱: موقعیت شناسی، **TS**۲: آسیب پذیری های کلیدی، **TS**۳: ظرفیت تعلق پذیری.

خطاهای اندازه گیری از **e**۱۱ تا **e**۱۳.

خطای ساختاری متغیر رهبری نیکخواه = **e**۱۷

خطای ساختاری متغیر تاب آوری سازمانی = **e**۱۹

خطای ساختاری متغیر بهزیستی سازمانی = **e**۲۰ می باشند که با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری، محقق در پی ارائه مدل بین این متغیرها بوده است.

با توجه به شکل ۱ ضریب رگرسیونی استاندارد شده تاثیر رهبری نیکخواه بر تاب‌آوری سازمانی و بهزیستی سازمانی به ترتیب برابر ۰/۹۴ و ۱/۲۶ و همچنین تاثیر تاب‌آوری سازمانی بر بهزیستی سازمانی برابر ۰/۳۷- هست.

**جدول ۵: شاخص های برازش مدل پژوهش**

| شاخص | مجذور کای | CMIN/DF | CFI | NFI | RMSEA | IFI |
|---|---|---|---|---|---|---|
| مدل مفهومی | ۵۱/۴۴۳ | ۰/۹۵۳ | ۱ | ۰/۹۸۱ | ۰/۰۰۰ | ۱ |

منبع: نتایج تحقیق

طبق اطلاعات جدول ۶ مقادیر **CFI** و **IFI** شاخص‌هایی هستند که برازش مدل پیشنهاد شده به مدل مستقل (که فرض می کند بین داده ها رابطه‌ای وجود ندارد) را می سنجد و به ترتیب در مدل ۱ و ۱ هستند. با توجه به این که مقادیر ۰/۹ و بالاتر قابل قبول می باشند، این اندازه ها نیز نمایانگر برازش قابل قبول مدل هستند. **RMSEA** متوسط باقی مانده های بین همبستگی/ کوواریانس مشاهده شده نمونه و مدل مورد انتظار برآورد شده از جامعه است که بنا بر توصیه

لوهلین[1](۲۰۰۴) مقدار کمتر از ۰/۰۸ به معنای برازش خوب می باشد.

همچنان که شکل ۱ و نتایج جدول ۶ نشان می دهد، اثر ضریب مسیر استاندارد مستقیم رهبری نیکخواه بر بهزیستی سازمانی معنی‌دار است(۱/۲۶ =β). همچنین اثر استاندارد مسیر غیرمستقیم رهبری نیکخواه بر بهزیستی سازمانی با نقش میانجیگری تاب آوری سازمانی معنی‌دار است(۰/۳۴۵- =β). بنابراین یافته های به دست آمده نشان داد که متغیر رهبری نیکخواه به صورت مستقیم و غیرمستقیم با در نظر گرفتن نقش میانجی تاب آوری سازمانی، توانست متغیر بهزیستی سازمانی را پیش‌بینی نمایند. به طور کلی نتایج حاصله از برآورد مدل در تحلیل مسیر، حاکی از آن است که رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری با ضریب بتای ۰/۹۱۵ در بهزیستی سازمانی کارکنان سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور تاثیر دارد. با توجه به اینکه مقدار بتای کل بدست آمده بیش از مقدار بتای مسیر مستقیم است؛ در نتیجه با اضافه شده متغیر تاب-آوری سازمانی؛ مقدار تاثیر افزایش می‌یابد و تاب‌آوری سازمانی در سطح قابل قبولی تاثیر رهبری نیک‌خواه بر بهزیستی سازمانی سازمان بهزیستی شمالغرب کشور را افزایش داد. در نتیجه در مجموع رهبری نیک‌خواه با میانجی تاب‌آوری سازمانی؛ بهزیستی سازمانی را تبیین می کند.

**جدول ٦: نتایج مربوط به اثر کامل، مستقیم و غیرمستقیم بین متغیرها**

| متغیر برونزاد | میانجی | متغیر درونزاد | اثر مستقیم | اثر غیرمستقیم | اثر کامل |
|---|---|---|---|---|---|
| رهبری نیکخواه | تاب آوری سازمانی | بهزیستی سازمانی | ۱/۲۶ | ۰/۳۴۵- | ۰/۹۱۵ |

منبع: نتایج تحقیق

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها:

مقاله حاضر با هدف تحلیل بهزیستی سازمانی مبتنی بر رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب-آوری در سازمان بهزیستی و ارائه مدل در سال ۱۴۰۲ انجام پذیرفت. یافته‌ها نشان داد رهبری نیک‌خواه و تاب‌آوری سازمانی در بهزیستی سازمانی تاثیر دارند. همچنین رهبری نیک‌خواه نیز در تاب‌آوری سازمانی تاثیر دارد. رهبری نیک‌خواه با نقش میانجی تاب‌آوری نیز در بهزیستی

[1]- Loehlin

سازمانی تاثیر دارد.

بهزیستی‌سازمانی یکی از مهمترین ویژگی‌های یک سازمان موفق می‌باشد. بنابراین جهت بهبود عملکرد یک سازمان لازم است بهزیستی آن سازمان مورد توجه و تحلیل قرار گیرد. عمده‌ترین نقشی که در بهزیستی سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد، نقش مدیران و روابطی که با کارکنان برقرار می‌کنند، می‌باشد. بنابراین برای دستیابی به بهزیستی بالاتر در یک سازمان،لازم است مدیران، با تسلط بر محیط شغلی و هدفمندی در شغل، با برقراری روابط سازمانی مثبت با کارکنان به پیشرفت در شغل خود بیندیشند. بنابراین مدیران باکاربست ویژگی‌های حرفه‌ای نظیر تصمیم‌گیری‌های مهم در شغل منطبق با برنامه‌ریزی‌های بلند مدت از طریق هدف‌مندی در شغل، علاقه به جنبه‌های خوب حرفه‌ی شغلی با تسلط بر محیط از طریق مدیریت زمان و مسئولیت-پذیری بالا در انجام وظیفه شغلی، ایجاد تغییر از طریق کسب تجربیات جدید به واسطه‌ی موقعیت‌های جدید کاری و تلاش برای ایجاد روابط سازمانی مثبت و ایجاد روابط صمیمانه با کارکنان می‌توانند به بهزیستی سازمان کمک کنند. یکی از مهمترین عواملی که به صورت مستقیم می‌تواند بهزیستی سازمانی را افزایش دهد، نوع رهبری مدیران می‌باشد. رهبری نیک‌خواه که یکی از انواع سبک رهبری مدیران شمرده می‌شود، مشتمل بر توجه مدیر به عمق معنوی نظیر ایجاد حس دل‌سوزی و مفیدبودن در کارکنان، ایجاد حس رضایت‌مند بودن در کارکنان، کمک به افزایش معنویت در کارها و ... بوده و می‌تواند منجر به بهزیستی سازمانی گردد. همچنین تعامل مثبت مدیر نظیر عمل کردن به وعده‌ها و تعهدات، پذیرفتن اشتباهات، ایجاد تناسب بین رفتارها و اررزش‌ها نیز بهزیستی سازمان را بهبود می‌بخشد. حساسیت اخلاقی مدیر در کنار پاسخگویی به جامعه به گونه‌ای که خود را مسئول نسبت به کارکنان سازمان بداند، وقت و انرژی بیش از اندازه برای سازمان تخصیص دهد و برای امور خیرخواهانه وقت صرف کند، نیز از نشانه‌های بهزیستی سازمان در اثر رفتار خیرخواهانه مدیران می‌باشد. علاوه بر بهره‌گیری مدیران از رهبری نیک‌خواه در سازمان؛ تاب‌آور نمودن سازمان نیز می‌تواند بهزیستی سازمانی را بهبود بخشد. مدیران کارا با حساسیت و توجه نسبت به تاثیر بحران در سازمان از طریق آگاهی و توانایی در مواجهه با اتفاقات غیرمنتظره می‌توانند موجبات بهزیستی در سازمان را فراهم کنند. اما همانگونه که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، رهبری نیک‌خواه با اعمال سبک رهبری مناسب خویش و

تاکید بر اخلاقیات و معنویت در کار در سطح مناسبی موجب بهزیستی سازمان بهزیستی شمال-غرب شد. این امر اینگونه قابل توجیه است که در کشور ایران که دین اسلام و توجه به اخلاقیات و معنویات بسیار مورد توجه و کاربرد مدیران سازمان‌ها قرار می‌گیرد، در نتیجه رهبری نیک‌خواه توانست در بهبود بهزیستی سازمان موثر واقع شود و زمانی که تاب‌آوری سازمانی در کنار رهبری نیک‌خواه قرار گرفت، این متغیر در سطح اندکی در تاثیر رهبری نیک‌خواه بر بهزیستی سازمان بهزیستی نقش داشت.

با توجه به اینکه سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور برای کمک به افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر با هدفِ پیشرفت اجتماعی کشور فعالیت می‌کنند، با بهره‌گیری از افراد متخصص و مجرّب به عنوان ارزشمندترین سرمایه خود به بالا بردن سطح رفاه اجتماعی می‌پردازند. بنابراین توجه مدیران به رهبری نیک‌خواه و تاب‌آوری سازمانی جهت دستیابی به بهزیستی سازمانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گرچه بر خلاف سازمان‌های بهزیستی کشورهای توسعه یافته که خدمات اجتماعی‌شان در جهت کمک به بهبود گذران اوقات فراغت گروه های سنّی مختلف در جامعه، کمک به خلق و تقویت شادی و نشاط اجتماعی، سلامت اجتماعی، کیفیت زندگی و... است؛ در کشور ما هنوز با این نوع خدمات فاصله بسیاری وجود دارد و کمک به بهبود وضعیت افراد آسیب‌پذیر نظیر معلولان، زنان، کودکان و سالمندان در اولویت بالاتری می‌باشد. اما با توجه به منابع، امکانات و قابلیت های موجود می‌توان به تقویت بهزیستی سازمان از طریق رهبری نیک‌خواه و تاب‌آوری سازمانی به یاری افراد آسیب‌پذیر نیز شتافت. بنابراین پیشنهاد می‌شود سازمان بهزیستی شمال‌غرب کشور با انتصاب مدیران مجرب و مسئولیت‌پذیر موجبات بهزیستی سازمان را فراهم آورند. توجه مدیران به ایجاد تغییرات مثبت و ارائه ایده‌های جدید نیز جهت دستیابی به بهزیستی سازمان توصیه میشود. در صورت بروز اشکال در سازمان، پذیرفتن اشتباه توسط مدیران و یافتن راه جایگزین موجبات بهزیستی سازمان را فراهم خواهد آورد. صرف وقت برای امور خیرخواهانه در سازمان توسط مدیران برای کمک به کارکنان و ارباب رجوع نیز به بهزیستی سازمان کمک خواهد کرد. همچنین برنامه‌ریزی برای مدیریت خطر و بحران توسط مدیران و مسئولین رده بالایی سازمان مورد توجه قرار گیرد. ارزیابی مدیران از خود و کارکنان موجب شناسایی مشکلات و یافتن راهی جهت رفع این کاستی‌ها خواهد بود.

**فهرست منابع**

اخوانی، محمد علی و موسوی نیک، مریم. (۱۴۰۳). اثربخشی مداخله مبتنی بر بهزیستی روانشناختی ریف بر تعلق سازمانی و تاب آوری کارکنان شهرداری منطقه ۵ تهران. **مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی،** ۷(۷۵): ۱۶-۱.

امینی، فتانه و مصدق‌زاده، علی محمد. (۱۳۹۴). مدل برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان بهزیستی. **فصلنامه اطلاع رسانی،** ۹(۳۶): ۱۲-۵.

ایمنا. (۱۴۰۰). **چالش‌های بهزیستی در ارائه خدمات به مددجویان چیست؟** بر گرفته از خبرگزاری ایمنا، قابل دسترسی در سایت **https://www.imna.ir/news/۴۹۸۵۳۷**

جعفرصالحی، سارا. (۱۳۹۱). **بررسی رابطه رهبری نیک‌خواه با تسهیل کار-خانواده، بهزیستی سازمانی و بهزیستی معنوی از طریق میانجی‌گری تبادل رهبر- عضو.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

جلیل‌نژاد انویق، یوسف و قلاوندی، حسن. (۱۴۰۱). بررسی تاثیر رهبری خیرخواه بر رفتار شهروندی سازمانی با تاکید بر نقش میانجی پاسخگویی سازمانی. **فصلنامه رهبری آموزشی کاربردی،** ۳(۱): ۱۴-۱.

جلیل‌نژاد انویق، یوسف. (۱۳۹۹). **بررسی تاثیر رهبری خیرخواه بر رفتار شهروندی سازمانی با تأکید بر نقش میانجی پاسخگویی سازمانی در میان دبیران دوره اول و دوم متوسطه در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ (مطالعه موردی دبیران اداره آموزش و پرورش نازلو).** پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

چوب‌ریزان، فاطمه. (۱۴۰۳). **پیش‌بینی فرسودگی شغلی معلمان بر اساس تاب‌آوری و بهزیستی روانشناختی.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور همدان.

حاجی حسنی دره شوی، ابوطالب. (۱۴۰۲). **بررسی تاثیر رهبری خیرخواه بر رفتار شهروندی سازمانی با تاکید بر نقش میانجی پاسخگویی سازمانی از دیدگاه کارکنان ادارات آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی.

حمزه ئی طهرانی، مهشید.، سجادی جاغرق، سید عبدالله و فیروز دیندار، فرکوش. (۱۳۹۵). شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر تاب‌آوری سازمانی در مواجهه با بحران در بیمارستان های رشت. **دومین کنفرانس بین المللی پارادایمهای نوین مدیریت - نوآوری و کارآفرینی،** تهران، ایران.

خسروی، الهام. (۱۴۰۱). بررسی نقش متغیرهای سرمایه اجتماعی در ارتقای تاب‌آوری سازمانی (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان). ***جغرافیا و روابط انسانی***، ۵(۱):، صص: ۳۴۶-۳۵۹.

سپهوند، تورج. (۱۳۹۷). رابطه تاب‌آوری و حمایت سازمانی ادراک شده با بهزیستی روان شناختی کارکنان متادون. **همایش ملی آسیب های اجتماعی و روانشناختی**، فیروزآباد، ۱۰-۱.

سپهوند، رضا و حسنوند، جواد. (۱۳۹۷). تبیین مفهوم رهبری خیرخواه و نقش آن در توانمندسازی روانشناختی کارکنان. ***فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی***، ۷(۴ پیاپی ۲۸)، ۸۳-۵۳.

سروش‌نیا، سمیه. (۱۳۹۷). **تدوین و آزمون الگویی از پیامدهای رهبری نیک‌خواه در کارکنان شرکت نفت کارون.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی گرایش صنعتی و سازمانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

شیرگیر اجیرلو، مجید. (۱۳۹۷). **رابطه تاب‌آوری سازمانی با سلامت سازمانی با نقش مداخله‌گر تعهد سازمانی در میان کارکنان دیوان محاسبات کشور.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی.

صالحی، سیده آلاء. (۱۳۹۴). **تأثیر سیاستهای منابع انسانی بر تاب آوری سازمانی.** پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی دانشکده پردیس تحصیلات تکمیلی خود گردان.

علیزاده صدر دانش پور، عفت. (۱۳۹۹). **رابطه سبک رهبری تحولی و تعالی سازمانی در مدارس ابتدایی استان گیلان با تأکید بر نقش بهزیستی سازمانی.** پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر انزلی.

فقیهی پور، جواد و حسینی آرانی، سارا. (۱۳۹۶). **رویکردی تحلیلی بر بهزیستی کارکنان.** انجمن مدیریت ایران: دارالفنون.

کاظمی، داود و عندلیب، علیرضا. (۱۳۹۴). تدوین مدل مفهومی جهت سنجش تاب‌آوری سازمانی شهر. **کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی**، ترکیه، استانبول.

کیانی، فروزان. (۱۳۹۶). **بررسی تأثیر رهبری معنوی بر سلامت سازمانی در سازمان بهزیستی استان گلستان.** پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

گل وردی، مهدی. (۱۳۹۶). تاب آوری ملی: مروری بر ادبیات تحقیق. **فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی**، ۷(۲۵): ۲۹۳.-۳۱۰

محمدی شهرودی، حامد. (۱۳۹۷). **ارائه الگوی تاب آوری سازمانی: رویکرد داده بنیاد.** پایان نامه دکترای تخصصی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی گروه مدیریت.

مرادی، مهرناز.، خانجانی، مهدی و عسگری، محمد. (۱۴۰۰). رابطه توانمندی‌های منش، تناسب شغلی و مشغولیت شغلی با بهزیستی سازمانی در سازمان تامین اجتماعی. **فصلنامه علمی-پژوهش روانشناسی کاربردی**، دوره ۱۵،شماره ۳ (۵۹)، ۴۷۶-۴۴۹.

موسوی جاسمی، سیدمرتضی و ایدی، محمد. (۱۴۰۳). بررسی رابطه تاب آوری سازمانی و فراموشی سازمانی با نقش میانجی سبک رهبری ادراک شده در کارکنان. **فصلنامه آینده پژوهی و سیاستگذاری**، ۱۰(۲): ۳۰-۱.

**Alesch, D.J., Holly, J.N., Mittler, E. & Nagy, R. (۲۰۰۱).** ***Organizations at Risk: What Happens When Small Businesses and Not-for-Profits Encounter Natural Disasters*****. Public Entity Risk Institute.**

**Ali, M. & Yamin, Y. (۲۰۲٤). Examining the role of paternalistic leadership and employee voice towards employee creativity with moderating role of openness to experience. International Journal of Business Excellence, *۳۲*(۲),** ۱۲۵-۱۴۷. **https://doi.org/۱۰.۱۵۰۴/IJBEX.۲۰۲۴.۱۳۶۸۷۹**

**Alsomaidaee, M. M., Joumaa, B. A., & Khalid, K. W. (۲۰۲۳). Toxic Workplace, Mental Health and Employee Well-being, the Moderator Role of Paternalistic Leadership, an Empirical Study. Journal of Applied Business and Technology, *۴*(۲),** ۱۱۴-۱۲۹. **https://doi.org/۱۰.۳۵۱۴۵/jabt.v۴i۲.۱۲۶**

**Avey, J. B., Hughes, L. W., Norman, S. M. & Luthans, K. (۲۰۰۸). Using positivity, transformational leadership and empowerment to combat employee negativity. Leadership and Organization Development Journal, *۲۹*,** ۱۱۰-۱۲۶.

**Avey, J. B., Luthans, F. & Youssef, C. M. (۲۰۱۰). The additive value of psychological capital in predicting workplace attitudes and behavior. Journal of Management, *۳۶*,** ۴۳۰-۴۵۲.

**Biggio, G. & Cortese, C.G. (۲۰۱۳). Well-being in the workplace through interaction between individual characteristics and organizational context. International Journal of Qualitative Studies on Health and Well-being, *۸*(۱),** ۱-۱۳.

**Bowie, D., & Buttle, F. (۲۰۰٤).** ***Hospitality Marketing: An Introduction*****. Elsevier Butterworth-Heinemann.**

**Brown, S.P., & Leigh, T.W. (۱۹۹٦). A New Look at Psychological Climate and Its Relationship to Job Involvement, Effort and Performance. Journal of Applied Psychology, *۸۱*,** ۳۵۸-۳۶۸.

**Clark, B. (۲۰۰۱). The Entrepreneurial University: New Foundations for Collegiality, Autonomy and Achievement. Higher Education Management, *۱۳*, ۹-۲۴.**

**Chaffin, B., & Scown, M. (۲۰۱۷). Social-ecological resilience and geomorphic systems. Geomorphology. https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.geomorph.۲۰۱۷.۰۹.۰۳۸**

**Charoensap-Kelly, P., Sheldon, P., Antony, M.G. & Provenzani, L. (۲۰۲۱). Resilience, well-being, and organizational outcomes of Croatian, Thai, and US workers during COVID-۱۹. Journal of Management & Organization, *۲۷*, ۱۰۸۳-۱۱۱۱.**

**Coli, E., & Rissotto, A. (۲۰۱۵). Organizational well-being in a public research agency: The point of view of administrative staff and researcher. Journal of Social Sciences, *۱۱*(۴), ۳۸۱-۳۹۴.**

**Conner, M., & Davidson, J. R. T. (۲۰۰۳). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). Depression and Anxiety, *۱۸*, ۷۶-۸۲.**

**De Galizia, A., Simon, C., Weber, P., Iung, B., Duval, C., & Serdet, E. (۲۰۱٦). Markers and patterns of organizational resilience for risk analysis. IFAC-PapersOnLine, *۴۹*(۱۹), ۴۳۲-۴۳۷.**

**Igbomor, E. & Olisemenogor, H. C. (۲۰۲۳). An Investigation of the Impact of Paternalistic Leadership on Workers' Performance. International Journal of Research Publication and Reviews, *۴*(۱۱), ۱۸۱۲-۱۸۱۷.**

**Gibson, C. A., & Tarrant, M. (۲۰۱۰). A conceptual models' approach to organisational resilience. Australian Journal of Emergency Management, *۲۵*(۲), ۶-۱۲.**

**Holling, C.S. (۱۹۷۳). Resilience and stability of ecological systems. Annual Review of Ecology and Systematics, *۴*(۱), ۱–۲۳.**

**Kanungo, R. N. & Mendonca, M. (۱۹۹٦). *Ethical Dimensions of Leadership*. Sage Publications.**

**Karakas, F. (۲۰۰۹). *Benevolent Leadership* (pp. ۱-۴۹). [**به نظر می‌رسد این یک گزارش یا مقاله کاری است؛ در صورت نیاز، ناشر یا ژورنال دقیق وارد شود.**]**

**Karakas, F., & Sarigollu, E. (۲۰۱۲). Benevolent leadership: Conceptualization and construct development. Journal of Business Ethics, *۱۰۸*(۷), ۵۳۷-۵۵۳.**

**Karakas, F., Sarigollu, E. & Manisaligil, A. (۲۰۱۳). The use of benevolent leadership development to advance principles of responsible management education. Journal of Management Development, *۳۲*(۸), ۸۰۱-۸۲۲.**

**Kahn, W. A. (۱۹۹۰). Psychological conditions of personal engagement and disengagement at work. Academy of Management Journal, *۳۳*(۴),** ۶۹۲–۷۲۴. **https://doi.org/**۱۰.۲۳۰۷/۲۵۶۲۸۷

**Kismono, G. & Pranabella, D.S. (۲۰۲۱). The moderating role of psychological empowerment on the relationship between benevolent leadership and well-being in the context of employees with disabilities. Journal of Leadership in Organizations, *۳*(۲),** ۱۴۹-۱۷۱.

**Koveshnikov, A., Ehrnrooth, M., & Wechtler, H. (۲۰۲۲). Authoritarian and benevolent leadership: The role of follower homophily, power distance orientation and employability. Personnel Review, *۵۲*(۱),** ۲۱۸-۲۳۵.

**Loehlin, J. C. (۲۰۰٤).** ***Latent Variable Models*** **(۴th ed.). Lawrence Erlbaum Associates.**

**Luers, A.L. & Lobell, D.B. (۲۰۰۳). A method for quantifying vulnerability, applied to the agricultural system of the Yaqui Valley, Mexico. Global Environmental Change, *۱۳*,** ۲۵۵-۲۶۷.

**Luthans, F. (۲۰۰۲). The need for and meaning of positive organizational behavior. Journal of Organizational Behavior, *۲۳*(۶),** ۶۹۵-۷۰۶.

**Luthans, F., Avey, J. B., Avolio, B. J., & Peterson, S. (۲۰۱۰). Impact of a micro training intervention on psychological capital development and performance. Human Resource Development Quarterly, *۲۱*,** ۴۲-۶۷.

**Luu, T. (۲۰۱۹). Relationship between benevolent leadership and well-being among employees with disabilities. Journal of Business Research, *۹۹*,** ۲۸۲-۲۹۴.

**McManus, S. T. (۲۰۰۸).** ***Organizational resilience in New Zealand*** **[Doctoral dissertation, University of Canterbury].**

**Murray, P. (۲۰۰۲). Cycles of organizational learning: A conceptual approach. Management Decision, *۴۰*(۳),** ۲۳۹-۲۴۷.

**Murugesan, T.K. & Megavannan, R. (۲۰۱۸). The Effect of Resilience, EI & Well-Being on Employee Performance – An Exploratory Study of BPO & ITES. Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities, *۸*(۵),** ۱۰۶-۱۲۴.

**Peterson, M.F., Smith, P.B., Akande, A., Ayestaran, S., Bochner, S. et al. (۱۹۹۵). Role conflict, ambiguity and overload: A ۲۱-nation study. Academy of Management Journal, *۳۸*(۲),** ۴۲۹-۴۵۲.

**Pradhan, R.K., Panigrahy, N.P. & Jena, L.K. (۲۰۲۱). Self-Efficacy and Workplace Well-Being: Understanding the Role of Resilience in Manufacturing Organizations. Business Perspectives and Research, *۹*(۱), ۶۲-۷۶.**

**Richtner, A., & Sodergren, B. (۲۰۰۸). Innovation projects need resilience. International Journal of Technology Intelligence and Planning, *۴*(۳), ۲۵۷-۲۷۵.**

**Rink, L.C., Silva, S.G., Adair, K.C., Oyesanya, T.O., Humphreys, J.C. & Sexton, J.B. (۲۰۲۱). The association between well-being behaviors and resilience in health care workers. Western Journal of Nursing Research, *۴۴*(۸), ۱-۱۲. https://doi.org/۱۰.۱۱۷۷/۰۱۹۳۹۴۵۹۲۱۱۰۱۷۵۱۵**

**Rob, N. (۲۰۱۳). *Promoting organizational well-being: A systems psychodynamic model* (Executive MA Thesis).**

**Ryan, R. M., & Deci, E. L. (۲۰۰۱). On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being. Annual Review of Psychology, *۵۲*, ۱۴۱-۱۶۶.**

**Ryff, C. (۱۹۸۹). Beyond Ponce de Leon and life satisfaction: New directions in the quest of successful aging. International Journal of Behavioral Development, *۳۵*, ۱۲-۵۵.**

**Sahebjamnia, N., Torabi, S. A., & Mansouri, S. A. (۲۰۱۵). Integrated business continuity and disaster recovery planning: Towards organizational resilience. European Journal of Operational Research, *۲۴۲*(۱), ۲۶۱-۲۷۳.**

**Shaw, K. H., & Liao, H. Y. (۲۰۲۱). Does Benevolent Leadership Promote Follower Unethical Pro-Organizational Behavior? A Social Identity Perspective. Journal of Leadership & Organizational Studies, *۲۸*(۱), ۳۱-۴۴.**

**Shultz, M. (۲۰۱۹). *Occupational well-being: The development of a theory and a measure* [Doctoral dissertation, Kansas State University].**

**Shultz, M.L. (۲۰۰۸). *Occupational well-being: The development of theory and a measure* [Kansas State University].**

**Tonkin, K., Malinen, S., Näswall, K., & Kuntz, J. (۲۰۱۸). Building employee resilience through wellbeing in organizations. Human Resource Development Quarterly, *۲۹*(۱), ۱۰۷-۱۲۴. https://doi.org/۱۰.۱۰۰۲/hrdq.۲۱۳۰۶**

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٥٢٠-٤٩٠
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# اعتباریابی مدل مدرسه امن برای مدارس ابتدایی

**منیره مقدم**[١]
**جعفر قهرمانی**[٢]
**محمد حسنی**[٣]

(تاریخ دریافت۱۴۰۳/۱۲/۲۷ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۵/۷)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

## چکیده

آموزش و پرورش تأمین کننده نیروهای متخصص هر جامعه است و دارای کارکردهای مختلفی می باشد.اثربخشی و کارایی آموزش و پرورش در هر کشور از اولویت‌های آن کشور است. اگر مدارس امن باشند، جو مثبت و فرهنگ حمایتی برای کارکنان و دانش‌آموزان فراهم خواهد شد. این امر موجب می‌شود مدیران و کادر اجرایی وظایف خود را با اطمینان بیشتری انجام دهند، معلمان مدیریت موثرتری بر کلاس داشته باشند و دانش‌آموزان نیز با آرامش وامنیت در فرایند یادگیری مشارکت کنند. هدف از پژوهش حاضر، اعتباریابی مدل مدرسه امن برای مدارس ابتدایی است. جامعه آماری بخش کمی شامل کلیه معلمان ابتدایی استان آذربایجان غربی بود که

[١]- دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی ، وا حد مرند ، دانشگاه آزاد اسلامی ، مرند ، ایران.
[٢]- استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران(نویسنده مسئول).
Jafarmn٢١@yahoo.com
[٣]- استاد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران .

با استفاده از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و براساس جدول چسی-مورگان به تعداد (**n** = ۳۹۰) انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. روایی و پایایی ابزار با استفاده از نظر متخصصان و آلفای کرونباخ تایید گردید. در نهایت ۶ مولفه: امنیت فیزیکی،امنیت عاطفی-روانشناختی،امنیت اجتماعی، امنیت محیطی ، امنیت آموزشی و عدم خشونت معلم شناسایی شدند. دربخش کمی داده‌ها با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری مورد تحلیل قرار گرفتند و نتایج، اعتبار و برازش مناسب مدل مدرسه امن را برای مدارس ابتدایی تایید کردند.

**واژه‌های کلیدی**: مدرسه امن، مدارس ابتدایی، انتیت فیزیکی ،امنیت آموزشی و عدم خشونت معلم.

**مقدمه**

از نظر جامعه شناسان و نخبگان هر جامعه‌ای آموزش و پرورش از مهمترین و مؤثرترین نهادهای هر کشور است و ابزار مهم برای دستیابی به اهداف و مقاصد اجتماعی، آموزش و پرورش می باشد که باعث رشد و توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی وسیاسی می‌شود. تحقیقات و تجربیات گذشته نشان می‌دهد که الزاماً توسعه پایدار به کیفیت نیروی انسانی بستگی دارد و پیش شرط موفقیت، ثبات و استمرار هر نوع توسعه و تغییر، سرمایه‌گذاری در بعد انسانی به منزله رکن و اساس اصلی و محوری آن می‌باشد. در فضاهای آموزشی دوره ابتدایی حس امنیت هم برای دانش‌آموزان و هم والدین دارای اهمیت ویژه‌ای است. تحقیقات نشان داده‌اند که وجود جو آموزشی با رویکرد ایمنی فیزیکی و روانی موجب افزایش کارایی و اثربخشی آموزشی و رشد علمی، جسمی و فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌شود(نصیری،۱۳۹۴).

بدون آموزش و پرورش، ارتباط بین افراد جامعه دچار مشکل می‌شود لذا دانش آموزان از طریق تعامل با افراد جامعه برای پذیرش نقش‌های اجتماعی آماده می‌شوند و این امر نیز از کارکردهای مهم این نهاد می‌باشد. افراد در جامعه آداب، رسوم اجتماعی و رفتارهای مطلوب جامعه را یاد گرفته و آنها را در درون خود نهادینه می‌کنند تا رفتاری مورد پذیرش افراد جامعه و خانواده داشته باشند جامعه پذیری تنها روش قبول حس مسئولیت پذیری و همکاری برای کار گروهی و زندگی در متن جامعه است(دهقان و همکاران،۱۴۰۰).

اگرچه مفهوم مدارس امن، مفهوم جدیدی نیست اما در دهه‌های اخیر به‌طور جدی مورد توجه محققان، متخصصان و دست اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است(دی آنجلیس و ولک[۱]، ۲۰۱۹؛ دی آنجلیس و ولک، ۲۰۲۰؛ مک ایچین و همکاران[۲]، ۲۰۲۰) و این توجه، نتیجه افزایش جرم و جنایت و خشونت در مدارس است(شوالباخ و دی آنجلیس، ۲۰۲۲).محیط امن برای آموزش و یادگیری، خواسته اکثر والدین، دانش‌آموزان و معلمان است. یک محیط آموزشی و یادگیری امن برای معلمان، دانش‌آموزان و مدیران مدرسه جزء مهمی از عملیات مدرسه است. محیط ناامن تدریس و یادگیری تأثیرات منفی بر روحیه معلمان، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و اداره مدرسه دارد. یکی از اهداف بیشتر مدارس ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری است، محیطی که هم برای معلمان و هم برای دانش‌آموزان امن باشد (مجونی-موال[۳]، ۲۰۰۹: ۶)

امروزه موضوع مدارس امن از اولویت‌های جدی مدارس و آموزش و پرورش دنیاست که بخش عمده‌ای از تحقیقات دانشگاهی را به خود اختصاص می‌دهد. براساس نظریه مازلو امنیت در اولویت دوم تأمین سلسله مراتب نیازها قرار دارد و باید قبل از نیازهای روابط اجتماعی، احترام و خود شکوفایی تأمین شود. تحقیقات مختلف در کشورهای گوناگون نشان‌می‌دهد که والدین، امن بودن مدارس را مهم‌ترین عامل برای انتخاب مدرسه می‌دانند (بدریک و برک[۴]،۲۰۱۸؛ کت و راینسمیت[۵]، ۲۰۱۷؛ کلی و اسکافیدی[۶]، ۲۰۱۳). همچنین خانواده‌ها اهمیت زیادی بر ایمنی مدرسه قائل هستند زیرا ایمنی یک نیاز اساسی است که باید قبل از نتایج دیگر مانند پیشرفت تحصیلی و تربیت شهروندی برآورده شود. .محیط ناامن می‌تواند نتایج منفی زیادی به‌همراه داشته باشد و برسلامت روان، شادی، رضایت، رفاه و درآمد تأثیر منفی بگذارد (آلدریج، مک چزنی

---

۱ DeAngelis & Wolf
۲ McEachin et al
۳ Mjoni-Mwale
۴ Bedrick & Burke
۵ Catt & Rhinesmith
۶ Kelly and Scafidi

وآفاری[۱]، ۲۰۱۹؛ آلدریج و مک‌چسنی، ۲۰۱۸؛دی آنجلیسودیلز[۲]،۲۰۱۸؛ ریوز و همکاران[۳]، ۲۰۱۸).

آموزش ابتدایی یکی از دوره‌های مهم آموزشی است که بر شایستگی‌ها و رشد دانش‌آموزان اثر مستقیم دارد. خلاقیت از جمله عواملی که در این دوره می‌تواند شایستگی‌ها و رشد دانش‌آموزان اثر مطلوبی داشته باشد. دوره ابتدایی را به‌لحاظ رشد، تربیت و تکوین شخصیت دانش آموزان دوره بسیار مهمی می‌دانند، همچنین به این دوره، دوره اطاعت، تأدیب، خلاقیت و به روز استعدادهای عمومی هم گفته‌اند. مدارس باید محیط آموزشی امنی باشند که در آن یادگیری اثربخش به وجود آید.همچنین محیط ناامن می‌تواند بر بسیاری از پیامدهای مهم دیگر زندگی مانند سلامت روان، شادی، رضایت و رفاه تأثیر منفی بگذارد. همچنین آموزش اثربخش زمانی به وجود می‌آید که روابط سازنده دانش‌آموز و معلم وجود داشته باشد، و مدارس امن باشند.

در این راستا این تحقیق دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیرمی‌باشد:

- مدل مناسب مدرسه امن در دوره ابتدایی و میزان اعتبار آن کدام است؟
- مولفه مدرسه‌های امن در دوره ابتدایی کدامند؟
- هر یک از مولفه‌های مدرسه امن دوره ابتدایی از چه اولویتی برخودارند؟

تحقیقات مختلفی در رابطه با موضوع تحقیق انجام یافته که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم:

کشوری، سلیمان‌پور و اسماعیلی شاد (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان " طراحی چارچوب نظری مدارس امن در آموزش و پرورش ایران: یک پژوهش کیفی " انجام دادند.هدف تحقیق مذکور، بررسی و شناسایی مولفه‌های مدارس امن بود که به‌عنوان راهنما برای مدیران مدارس و تصمیم گیرندگان حوزه آموزش و پرورش قابل استفاده باشد؛ بود. این تحقیق به شیوه کیفی و با استفاده از تحلیل محتوا انجام شد. گردآوری داده‌ها و استخراج مضامین مرتبط با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان کلیدی در این حوزه صورت گرفت. انتخاب مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و معیار اشباع نظری بود که بر اساس آن تعداد ۱۵ نفر از معلمان و متخصصان حوزه در آموزش و پرورش انتخاب شدند. داده‌ها به‌روش تحلیل مضمون

---

۱ Aldridge, McChesney & Afari

۲ DeAngelis & Dills

۳ Reaves et al

بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که مدلی برای مدارس امن با دو دسته مولفه اصلی تحت عنوان ۱- مولفه‌های روانشناختی- اجتماعی با مضامین سازمان‌دهنده: امنیت روانی، امنیت فیزیکی، امنیت رفتاری، امنیت اجتماعی؛ با ۱۷ مضامین پایه و ۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۲- مولفه‌های آموزشی- درسی با مضامین سازمان‌دهنده: امنیت فیزیکی، امنیت رفاهی و امنیت آموزشی با ۳ مضمون سازمان‌دهنده و ۸ مضمون پایه شناسایی و ماتریس مضامین مرتبط ترسیم گردید.

-تباوار(۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان " بررسی رابطه مدیریت ناب و مدرسه امن با نتایج یادگیری در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوره دوم منطقه دشتیاری" انجام داد. هدف تحقیق مذکور بررسی تعیین رابطه مدیریت ناب و مدرسه امن با نتایج یادگیری در دانش آموزان دوره دوره دوم منطقه دشتیاری بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان متوسطه دوره دوم منطقه دشتیاری بود. تعداد این معلمان ۸۰ نفر بود بنابراین از روش سرشماری برای جمع آوری اطلاعات استفاده شده بود.نتایج این تحقیق نشان داد که بین مدیریت ناب و مدرسه امن با نتایج یادگیری در دانش‌آموزان دوره متوسطه دوره دوم منطقه دشتیاری رابطه معناداری وجود دارد همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که مدرسه امن با نتایج یادگیری در دانش‌آموزان رابطه معناداری وجود دارد

-بویی و نگوین( ۲۰۲۴) تحقیقی با عنوان " جو مدرسه، نگرش نسبت به خشونت مدرسه، و رفتارهای خشونت‌آمیز در میان دانش‌آموزان دبیرستانی در ویتنام " انجام دادند نتایج این تحقیق نشان داد بین جو مدرسه، نگرش نسبت به خشونت مدرسه و رفتارهای خشونت‌آمیز دانش‌آموزان رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

-فوسوم، اسکوکائوسکاس، هندگارد، هانسن و کیرستاد (۲۰۲۳) تحقیقی با عنوان " اهمیت قلدری سنتی، قلدری سایبری و مشکلات سلامت روان برای دانش‌آموزان راهنمایی که در محیط مدرسه احساس ناامنی می‌کنند" انجام دادند نتایج این تحقیق نشان داد عدم احساس امنیت در مدرسه به‌طور قابل توجهی با آزار و اذیت، مشکلات سلامت روانی رابطه دارد.

-مدینه[۱](۲۰۲۲) تحقیقی با عنوان "یک محیط کلاسی امن که باعث ترویج سواد در زبان

---

[۱] Medina

انگلیسی به‌عنوان زبان دوم دانش‌آموزان تازه وارد انجام داد. با اساس تحقیق حاضر، اکثر تازه واردان با شناخت نکردن زبانی که آنها را احاطه کرده است و همچنین از نظر تحصیلی عقب هستند. بنابراین، فرآیند انطباق برای آنها و همچنین برای معلمانی که اغلب آمادگی کافی برای رویارویی با یک کلاس کامل همراه با دانش آموزی را که شناخت نمی‌کند چه چیزی تدریس می‌شود، یک چالش است.به این دلیل، هدف این پروژه پایان نامه‌ای معلمان زبان دوم انگلیسی است تا با ایده‌هایی برای ایجاد محیطی امن در کلاس خود به افراد تازه وارد در هر سن و شرایطی کمک کنند تا به دستاوردهای خود در زبان و اهداف شناخت تحصیلی خود برسند.

-رسپوس[۱](۲۰۲۲) تحقیقی با عنوان " چگونه مدیران مدارس در پاسخ به یک بیماری همه‌گیر، محیط‌های آموزشی ایمن ایجاد می‌کنند: مطالعه موردی چندگانه جامع مدارس ابتدایی خصوصی" انجام داد.سه عامل از تحلیل موضوعی پدید آمد: سطح آمادگی فردی، اقدامات پیشگیری و حمایت، و چالش‌های ایمنی.

## ۲. روش تحقیق

به‌طور کلی این پژوهش از نظر ماهیت و روش، توصیفی و از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان دوره ابتدایی بودند که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳در آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی مشغول به تدریس بودند. تعداد جامعه آماری شامل ۷۱۳۵ نفر می‌باشند.

اگر جامعه مورد مطالعه اندازه‌ای بزرگ باشد دسترسی به همه افراد جامعه مشکل می‌شود و نمی توان ویژگی‌های مورد تحقیق را در این نوع جامعه اندازه گرفت. جامعه تحقیق حاضر نیز بزرگ بوده و از نظر جغرافیایی در گسترده وسیعی قرار گرفته است بنابراین در تحقیق از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله استفاده می‌شود. چون در جامعه آماری تحقیق حاضر جنسیت طبقه شده است لذا روش نمونه گیری تحقیق حاضر از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه‌ای است. در نمونه گیری از نوع خوشه‌ای افراد جامعه را در دسته‌های خوشه بندی می‌کنند سپس از میان خوشه‌ها نمونه گیری به عمل می‌آورند.

---

[۲] Respus

در تحقیق حاضر روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای- طبقه‌ای است به این صورت که از کل خوشه‌ها تشکیل دهنده جامعه معلمان آذربایجان غربی شهرهای آن به سه خوشه مرکزی، شمالی و جنوبی تقسیم شده است. مبنای خوشه بندی تقسیمات جغرافیایی کشور است که از هر خوشه شهرهایی انتخاب و از هر شهر مدارسی و در نهایت از هر مدرسه معلمان آن انتخاب و پرسشنامه در بین آنان توزیع شده است که شهر ارومیه و نقده و از مرکز، شهرهای ماکو و پلدشت و چالدران از شمال و شهرهای سردشت پیرانشهرو میاندوآب از جنوب استان شهرهای منتخب می‌باشد. با توجه به تعداد معلمان ابتدایی استان آذربایجان غربی(۷۱۳۵ نفر) انتخاب حجم نمونه بر اساس جدول تعیین حجم نمونه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد، تعداد ۳۹۰ معلم(۳۰۰ زن، ۹۰مرد) دوره ابتدایی از استان آذربایجان غربی به‌روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب می‌شوند.

نمونه مورد مطالعه بر اساس جدول مورگان ۳۹۰ نفر تعیین شد که پرسشنامه بین ۳۹۰ نفر به‌صورت نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای- طبقه‌ای توزیع شد. از این تعداد ۳۶۰ پرسشنامه بازگشت داده شد. از این تعداد ۲۸۴ پرسشنامه انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

در مرحله کمی مهمترین روش‌های گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضربه صورت زیر است:

از منابع کتابخانه‌ای برای جمع آوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری تحقیق، نظیر مقالات، پایان نامه و پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش و مطالعه متون تخصصی از طریق کتب، نشریات و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی استفاده شده‌است.

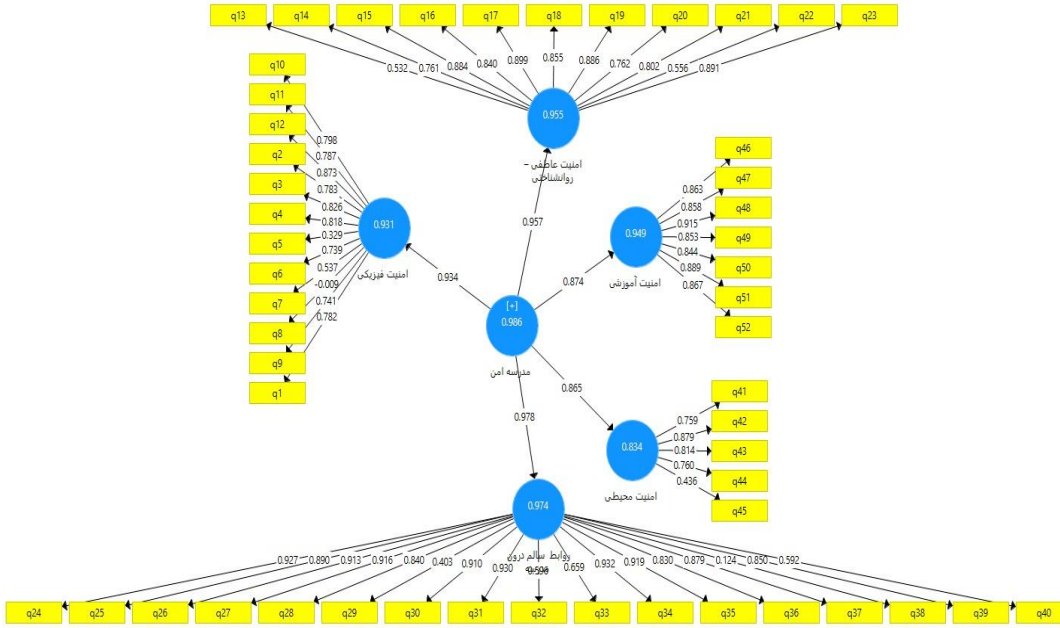
وسیله جمع آوری اطلاعات در این قسمت پرسش نامه‌های محقق ساخته است که مبتنی بر نتایج حاصل از بخش کیفی است. برای جمع آوری اطلاعات لازم در مورد ارزیابی مدل کیفی تحقیق، پرسشنامه ای محقق ساخته تدوین شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های کمی تحقیق حاضر، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار)و استنباطی استفاده شد. برای بررسی اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌گویان از آمار توصیفی استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش آماری آزمون **(ks)** کولمرو گروف اسمیرنف برای نرمال بودن داده‌های پژوهش استفاده شد.برای آزمون مدل فرضی از مدل معادلات ساختاری استفاده شده‌است همچنین برای انجام این تحلیل‌ها از نرم - افزارهای آماری۲۷ **Spss۲**و برای اجرای مدل یابی معادلات ساختاری از

۳ **Smart-PLS**استفاده شد.

## ۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

### -مدل اندازه گیری مدرسه امن

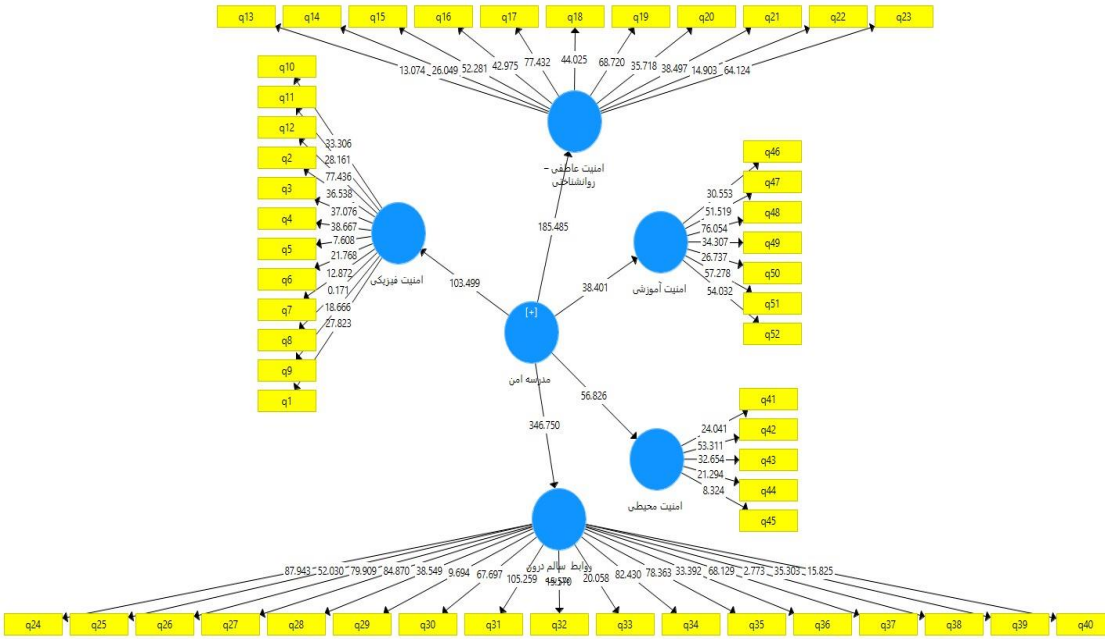
مدل مدرسه امن توسط ۶۴ گویه اندازه گیری می‌شود. آزمون تحلیل عاملی بر روی مدرسه امن انجام شد.




**شکل ۱. مدل اندازه گیری مدرسه امن در حالت تخمین ضرایب استاندارد(خروجی نرم افزار)**

مطابق با شکل همه بارهای عاملی بین سؤالات با عوامل و ابعاد مدرسه امن، بالاتر از ۰/۶ هستند که نشان از مناسب بودن معیار است.

**شکل ۲. مدل اندازه گیری مدرسه امن در حالت معناداری ضرایب استاندارد(خروجی نرم افزار)**




برآوردهای پارامتر استاندارد شده در شکل بالا نشان‌می‌دهد که همه شاخص‌های از لحاظ آماریمعنادار هستند و بارهای عاملی آن درسطح بالایی قرار دارند (بیشتر از ۰/۶). بررسی نتایج شاخص‌های برازش حاکی از تایید مدل و اثربخش بودن سؤالات می‌باشد.

در سطح معنی‌داری ۹۰ درصد و ۹۹ در صد این مقدار به‌ترتیب با آماره**t** برابر است با ۱/۶۴، ۱/۹۶، ۲/۵۸ در مدل فوق، آماره **t** در تمامی مسیرها بالاتر از ۲/۵۸ می‌باشد و این امر معناداری بودن تمام ضرایب را درمورد مسیرهای مدل در سطح ۹۹ درصد نشان‌می‌دهد.

## -آزمون آلفای کرونباخ

در این آزمون، همبستگی درونی شاخص‌هایی یک متغیر خارج از مدل سنجیده می‌شود که مقدار آن باید بیشتر از ۰/۷ باشد.

**جدول ۱- محاسبه آلفای کرونباخ**

| مولفه‌های مدرسه امن | آماره آزمون |
|---|---|
| امنیت فیزیکی | ۰/۹۲۸ |
| امنیت عاطفی – روانشناختی | ۰/۹۴۰ |
| امنیت اجتماعیدرون مدرسه | ۰/۹۷۹ |
| امنیت محیطی | ۰/۸۳۷ |
| امنیت آموزشی | ۰/۹۴۶ |
| عدم خشونت معلم | ۰/۹۲۷ |
| مدرسه امن | ۰/۹۸۴ |

تمامی مولفه‌های مدرسه امن دارای آلفای کرونباخ بالای ۰/۷ می‌باشند که برازش مناسب مدل اندازه گیری را نشان‌می‌دهد.

## پایایی و روایی همگرا

جدول ۲ - بارهای عاملی، مقدار تی شاخص‌ها

| | گویه‌های پرسشنامه | بارهای عاملی | آلفای کرونباخ | پایایی ترکیبی | AVE |
|---|---|---|---|---|---|
| امنیت فیزیکی | Q۱ | ۰/۷۸۲ | ۰/۹۲۸ | ۰/۹۴۰ | ۰/۶۳۶ |
| | Q۲ | ۰/۷۸۳ | | | |
| | Q۳ | ۰/۸۲۶ | | | |
| | Q۴ | ۰/۸۱۸ | | | |
| | Q۵ | ۰/۳۲۹ | | | |
| | Q۶ | ۰/۷۳۹ | | | |
| | Q۷ | ۰/۵۳۷ | | | |
| | Q۸ | -۰/۰۰۹ | | | |
| | Q۹ | ۰/۷۴۱ | | | |
| | Q۱۰ | ۰/۷۹۸ | | | |
| | Q۱۱ | ۰/۷۸۷ | | | |
| | Q۱۲ | ۰/۸۷۳ | | | |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| امنیت عاطفی– روانشناختی | Q۱۳ | ۰/۵۳۲ | ۰/۹۴۰ | ۰/۹۴۹ | ۰/۶۳۶ |
| | Q۱۴ | ۰/۷۶۱ | | | |
| | Q۱۵ | ۰/۸۸۴ | | | |
| | Q۱۶ | ۰/۸۴۰ | | | |
| | Q۱۷ | ۰/۸۹۹ | | | |
| | Q۱۸ | ۰/۸۵۵ | | | |
| | Q۱۹ | ۰/۸۸۶ | | | |
| | Q۲۰ | ۰/۶۷۲ | | | |
| | Q۲۱ | ۰/۸۰۲ | | | |
| | Q۲۲ | ۰/۵۵۶ | | | |
| | Q۲۳ | ۰/۸۹۱ | | | |
| امنیت اجتماعی درون مدرسه | Q۲۴ | ۰/۹۲۷ | ۰/۹۷۹ | ۰/۹۸۱ | ۰/۸۱۵ |
| | Q۲۵ | ۰/۸۹۰ | | | |
| | Q۲۶ | ۰/۹۱۳ | | | |
| | Q۲۷ | ۰/۹۱۶ | | | |
| | Q۲۸ | ۰/۸۴۰ | | | |
| | Q۲۹ | ۰/۴۰۳ | | | |
| | Q۳۰ | ۰/۹۱۰ | | | |
| | Q۳۱ | ۰/۹۳۰ | | | |
| | Q۳۲ | ۰/۵۹۵ | | | |
| | Q۳۳ | ۰/۶۵۹ | | | |
| | Q۳۴ | ۰/۹۳۲ | | | |
| | Q۳۵ | ۰/۹۱۹ | | | |
| | Q۳۶ | ۰/۸۳۰ | | | |
| | Q۳۷ | ۰/۷۸۹ | | | |
| | Q۳۸ | ۰/۱۲۴ | | | |
| | Q۳۹ | ۰/۸۵۰ | | | |
| | Q۴۰ | /۵۹۳ | ۰/۸۳۷ | ۰/۸۸۵ | ۰/۶۰۹ |
| | Q۴۱ | ۰/۷۵۹ | | | |

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| امنیت محیطی | Q۴۲ | ۰/۸۷۹ | | | |
| | Q۴۳ | ۰/۸۱۴ | | | |
| | Q۴۴ | ۰/۷۶۰ | | | |
| امنیت آموزشی | Q۴۵ | ۰/۴۳۶ | ۰/۹۴۶ | ۰/۹۵۶ | ۰/۷۵۷ |
| | Q۴۶ | ۰/۸۶۳ | | | |
| | Q۴۷ | ۰/۸۵۸ | | | |
| | Q۴۸ | ۰/۹۱۵ | | | |
| | Q۴۹ | ۰/۸۵۴ | | | |
| | Q۵۰ | ۰/۸۴۴ | | | |
| | Q۵۱ | ۰/۸۸۹ | | | |
| | Q۵۲ | ۰/۸۶۷ | | | |
| عدم خشونت معلم | Q۵۳ | ۰/۷۲۳ | ۰/۹۲۷ | ۰/۹۳۱ | ۰/۴ |
| | Q۵۴ | /۵۶۵ | | | |
| | Q۵۵ | ۰/۶۲۴ | | | |
| | Q۵۶ | ۰/۶۱۷ | | | |
| | Q۵۷ | ۰/۶۷۸ | | | |
| | Q۵۸ | ۰/۴۸۹ | | | |
| | Q۵۹ | ۰/۳۳۵ | | | |
| | Q۶۰ | ۰/۲۸۶ | | | |
| | Q۶۱ | ۰/۱۰۴ | | | |
| | Q۶۲ | -۰/۰۰۹ | | | |
| | Q۶۳ | ۰/۴۱۰ | | | |
| | Q۶۴ | ۰/۳۷۸ | | | |

مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۷ می‌باشد. در جدول فوق ضرایب بارهای عاملی مربوط به عامل‌های تحقیق از۰/۷ بیشتر می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای کرونباخ ۰/۷، برای پایایی ترکیبی ۰/۷ و برای **AVE** ، ۰/۵ است و تمامی معیارها در قسمت سنجش یارهای عاملی مقدار مناسبی دارند، می‌توان مناسب بودن وضعیت پایایی و روایی همگرای تحقیق را تایید کرد.

## روایی واگرا :

جدول ۳ - روایی واگر فورنل-لاکر

| مدرسه امن | امنیت اجتماعی | امنیت محیطی | امنیت فیزیکی | امنیت عاطفی– روانشناختی | امنیت آموزشی | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | | | ۰/۸۷۰ | امنیت آموزشی |
| | | | | ۰/۷۹۷ | ۰/۷۹۲ | امنیت عاطفی – روانشناختی |
| | | | ۰/۷۹۷ | ۰/۸۸۱ | ۰/۷۲۷ | امنیت فیزیکی |
| | | ۰/۷۸۰ | ۰/۸۰۷ | ۰/۸۳۷ | ۰/۷۱۱ | امنیت محیطی |
| | ۰/۹۰۳ | ۰/۷۹۶ | ۰/۹۰۴ | ۰/۸۸۴ | ۰/۷۳۸ | امنیت اجتماعی |
| ۰/۸۰۲ | ۰/۹۷۶ | ۰/۸۴۸ | ۰/۹۳۹ | ۰/۹۵۱ | ۰/۸۷۴ | مدرسه امن |

بررسی روایی واگرا مولفه‌های اصلی پژوهش به‌روش فورنل و لارکر نشان داد مقدار جذر **AVE** هر عامل از مقدار هم‌بستگی دو عامل بیشتر است. بنابراین روایی واگرای تحقیق را به روش فورنل و لارکر تایید می‌شود.

**جدول ٤- بررسی رابطه‌های درون مدل ساختاری تحقیق**

| | ضرایب استاندارد | مقدار آماره تی | سطح اطمینان |
|---|---|---|---|
| مدرسه امن ← امنیت فیزیکی | ۰/۹۳۴ | ۱۰۳/۴۹۹ | ۰/۰۰۰ |
| مدرسه امن ← امنیت امنیت عاطفی–روانشناختی | ۰/۹۵۷ | ۱۸۵/۴۸۵ | ۰/۰۰۰ |
| مدرسه امن ← امنیت اجتماعی | ۰/۹۷۸ | ۳۴۶/۷۵۰ | ۰/۰۰۰ |
| مدرسه امن ← امنیت محیطی | ۰/۸۶۵ | ۵۶/۶۸۲ | ۰/۰۰۰ |
| مدرسه امن ← امنیت آموزشی | ۰/۸۷۴ | ۳۸/۴۰۱ | ۰/۰۰۰ |

منبع: نتایج تحقیق

جدول ۵: آزمون تعیین ضرایب

جدول شماره - (۵)

| مولفه‌های مدل مدرسه امن | $R^2$ | $Q^2$ | $F^2$ |
|---|---|---|---|
| امنیت فیزیکی | ۰/۸۸۲ | ۰/۴۴۴ | ۷/۰۲ |
| امنیت عاطفی – روانشناختی | ۰/۹۰۵ | ۰/۵۵۳ | ۱۰/۵۵ |
| امنیت اجتماعی | ۰/۹۵۳ | ۰/۵۶۵ | ۱۹/۸۰ |
| امنیت محیطی | ۰/۷۲۰ | ۰/۴۳۲ | ۳/۳۱ |
| امنیت آموزشی | ۰/۷۶۵ | ۰/۴۶۸ | ۳/۴۰ |

معیارهای $R^2$، $Q^2$ و $F^2$: آزمون $R^2$ بیان می‌کند که متغیر مستقل تا چه اندازه‌ای متغیر وابسته را پیش بینی می‌کند. $R^2$ با مقادیر ۰/۱۹ ضعیف، ۰/۳۳ متوسط و ۰/۶۷ قوی می‌باشد مطابق با شکل تخمین ضرایب استاندارد، تقریباً تمامیمقادیر $R^2$ مربوط به متغیرهای درونزای مدل بالاتر از ۰/۶۷ است که حکایت از تایید مدل دارد. همچنین مقادیر معیار $Q^2$ نیز به‌ترتیب ۰/۴۴۴، ۰/۵۵۳، ۰/۵۶۵ ، ۰/۴۳۲، ۰/۴۶۸ بود که نشان دهنده آن است که معیارهای $R^2$، $Q^2$ برای متغیرهای وابسته قوی است هم چنین مقادیر معیار $F^2$ برایامنیت فیزیکی، امنیت عاطفی–روانشناختی، امنیت اجتماعی، امنیت محیطی، امنیت آموزشیبه‌ترتیب ۷/۰۲ ، ۱۰/۵۵، ۱۹/۸۰، ۳/۳۱، ۳/۴۰ به دست آمد که نشانگر آن است که این معیار برای متغیرهای وابسته قوی است.

ج) آزمون مدل کلی: این آزمون مدل‌های بیرونی و درونی پژوهش را با هم اندازه گیری می‌کند که نتیجه آن شاخص **GOF** است. برازش مناسب مدل زمانی محقق می‌شود که ضرایب مسیر معنادار بوده، واریانس تبیین شده قابل قبول باشد و همسانی درونی بالای ۰/۰۵ برای هریک از سازه‌ها برقرار باشد. مقادیر قابل قبول بارهای عاملی نیز نشان دهنده تایید مدل می‌باشند. علاوه بر این شاخص **GOF** نیز شاخصی برای بررسی برازش مدل جهت پیش بینی متغیرهای درونزا می باشد. سه مقدار ۰/۰۱ ، ۰/۲۵، ۰/۳۶ به‌ترتیب به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای **GOF** معرفی‌شده‌اند.

$$GOF = \sqrt{\overline{Communalities} * \overline{R^2}}$$

در این فرمول نماد **communalities** نشانگر میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و $\overline{R^2}$ نشانه میانگین مقادیر $R^2$سازه‌های درون‌زای مدل است. وتزلس و همکاران[1] در سال ۲۰۰۹ سه مقدار ۰/۰۱ و ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای **GOF** معرفی کرده‌اند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲).

**جدول٦- مقادیر اشتراکی هر سازه (متغیر) در مدل معادلات ساختاری**

| مولفه‌های مدل مدرسه امن | R۲ | Communality (AVE) | |
|---|---|---|---|
| امنیت فیزیکی | ۰/۸۸۲ | ۰/۶۳۶ | |
| امنیت عاطفی- روانشناختی | ۰/۹۰۵ | ۰/۶۳۶ | |
| امنیت اجتماعی | ۰/۹۵۳ | ۰/۸۱۵ | |
| امنیت محیطی | ۰/۷۲۰ | ۰/۶۰۹ | |
| امنیت آموزشی | ۰/۷۶۵ | ۰/۷۵۷ | |
| مدل | $\overline{R^2}$ | $\overline{Communalities}$ | GOF |
| مولفه‌های مدل | ۰/۷۱ | ۰/۶۸ | ۰/۶۹ |

جدول ۶ مقادیر میانگین ضرایب تعیین برای مولفه‌های مدرسه امن، میانگین مقادیر اشتراکی و مقدار آماره نیکویی برازش (**GOF**) محاسبه شده برای مدل مفهومی تحقیق حاضر برای برازش مدل مذکور را نشان‌می‌دهد. در این مدل مقدار میانگین ضریب تعیین مدل ( $\overline{R^2}$ ) مربوط به مولفه‌های تحقیق،۰/۷۱ است که نشان‌می‌دهد ۷۱ درصد از تغییرات مدرسه امن در مدل توسط مولفه‌های مدل تبیین و تفسیر می‌شود. همچنین مقدار **GOF** در مدل برابر با ۰/۶۹می‌باشد که نشان از برازش نسبتاً قوی مدل است. لذا، براساس آزمون مدل می‌توان بیان کرد که مدل

[1].Wetzels, et.al

پیشنهادی برازش شده در پژوهش حاضر، مطلوبیت بسیار بالا دارد.

**-تعیین اولویت ابعاد مدل مدرسه امن دوره ابتدایی با استفاده از آزمون فریدمن**

جهت تعیین اولویت ابعاد مدل مدرسه امن دوره ابتدایی از آزمون فریدمن[۱] استفاده شد. در این آزمون، برای هر کدام از مولفه‌ها به تفکیک، تعیین اولویت اعمال شده و درنهایت اولویت‌ها برای هر کدام محاسبه می‌شود. در مرحله اول اولویت مولفه‌های ۶گانه محاسبه گردید که در جدول زیر آمده است:

**جدول ۷- نتیجه آزمون فریدمن برای اولویت بندی مولفه‌های مدل مدرسه امن**

| | |
|---|---|
| تعداد | ۲۹۳ |
| خی دو | ۴۷۷/۵۵۹ |
| درجه آزادی | ۵ |
| سطح معنی‌داری | ۰/۰۰۰ |
| مولفه‌های مدل | میانگین رتبه |
| امنیت فیزیکی | ۳/۴۵ |
| امنیتعاطفی-روانشناختی | ۳/۲۴ |
| امنیت اجتماعی | ۴/۳۰ |
| امنیت محیطی | ۳/۴۱ |
| آموزشی | ۴/۸۴ |
| عدم خشونت معلم | ۱/۷۶ |

جدول فوق نشان‌می‌دهد که مولفه(امنیت آموزشی) با رتبه میانگین(۴/۸۴) در رتبه اول و مولفه(عدم خشونت معلم) با رتبه میانگین(۱/۷۶) در آخرین رتبه قرار گرفته‌اند. ترتیب اولویت مولفه‌های مدل به‌صورت زیر می‌باشد:

---

۱ Friedman

**جدول۸- ترتیب اولویت بندی مولفه‌های مدل**

| ردیف | مولفه‌های مدل | مقدار | اولویت |
|---|---|---|---|
| ۱ | آموزشی | ۴/۸۴ | اول |
| ۲ | امنیت اجتماعی | ۴/۳۰ | دوم |
| ۳ | امنیت فیزیکی | ۳/۴۵ | سوم |
| ۴ | امنیت محیطی | ۳/۴۱ | چهارم |
| ۵ | امنیت عاطفی-روانشناختی | ۳/۲۴ | پنجم |
| ۶ | عدم خشونت معلم | ۱/۷۶ | ششم |

**- اولویت بندی شاخص‌ها:**

بعد از تعیین اولویت بندی مولفه‌های مدل، شاخص‌های هر مولفه نیز اندازه گیری و ارزیابی شد که به شرح ذیل ارائه‌شده‌اند:

**- تعیین اولویت بندی شاخص‌های امنیت فیزیکی:**

**جدول۹- ترتیب اولویت شاخص‌های امنیت فیزیکی**

| مولفه | شاخص‌ها | رتبه میانگین | اولویت |
|---|---|---|---|
| امنیت فیزیکی | امنیت جسمانی دانش‌آموزان و معلمان | ۷/۹۵ | دوم |
| | تناسب دانش‌آموزان با استانداردهای آموزشی | ۴/۸۱ | یازدهم |
| | دوربین‌های مداربسته | ۷/۸۷ | سوم |
| | ایمن بودن پله‌های مدرسه | ۶/۵۸ | هفتم |
| | امنیت سرویس‌های بهداشتی مدرسه | ۵/۹۹ | هشتم |
| | حضور پلیس | ۵/۴۸ | نهم |
| | عدم وجود ساخت و سازهای اطراف مدرسه | ۴/۳۸ | دوازدهم |
| | نوسازی و تعمیرات ساختمان‌ها | ۸/۳۰ | اول |
| | قدیمی نبودن ساختمان مدرسه | ۷/۴۸ | چهارم |
| | فاصله پله‌ها –نصب نرده | ۷/۳۴ | پنجم |
| | وسایل گرمایش و سرمایش | ۶/۷۱ | ششم |
| | بچه‌ها محل بازی داشته‌باشند | ۵/۱۰ | دهم |

در این مولفه، " نوسازی و تعمیرات ساختمان‌ها " با رتبه میانگین(۸/۳۰) در اولویت اول، " امنیت

جسمانی دانش‌آموزان و معلمان، " دوربین‌های مداربسته "در اولویت سوم " و " عدم وجود ساخت و سازهای اطراف مدرسه " با رتبه میانگین (۴/۳۸) در اولویت آخر قرار گرفت.

### - تعیین اولویت بندی شاخص‌های امنیت عاطفی-روانشناختی:

**جدول۱۰- ترتیب اولویت شاخص‌های امنیت عاطفی-روانشناختی**

| | شاخص‌ها | رتبه میانگین | اولویت |
|---|---|---|---|
| امنیت عاطفی- روانشناختی | حضور با خیال راحت دانش‌آموزان و معلمان | ۵/۰۷ | نهم |
| | توجه به نیازهای روانشناختی دانش‌آموزان | ۷/۵۴ | اول |
| | ایجاد فضای‌های امن و شاد، علاقه‌مندی به تدریس از سوی معلمان | ۵/۶۰ | هفتم |
| | علاقه‌مندی به یادگیری از سوی دانش‌آموزان | ۵/۸۹ | ششم |
| | بهداشت روانی بالای معلمان | ۶/۸۶ | چهارم |
| | عدم وجود استرس در دانش‌آموزان | ۶/۹۶ | سوم |
| | عدم وجود اجبار | ۵/۰۴ | دهم |
| | دور از تنش | ۴/۳۲ | یازدهم |
| | علاقه‌مندی دانش‌آموزان برای حضور در مدرسه | ۵/۴۸ | هشتم |
| | حضور بدون ترس دانش‌آموزان | ۶/۹۷ | دوم |

در این مولفه، " توجه به نیازهای روانشناختی دانش‌آموزان " رتبه میانگین(۷/۵۴) در اولویت اول، " حضور بدون ترس دانش‌آموزان " در اولویت دوم، " عدم وجود استرس در دانش‌آموزان " در اولویتسوم " و " دور از تنش " با عدد (۴/۳۲) در اولویت چهارم قرار گرفت.

**- تعیین اولویت بندی شاخص‌های امنیت اجتماعی:**

**جدول۱۱- ترتیب اولویت شاخص‌های امنیت اجتماعی**

| مولفه | شاخص‌های مولفه | رتبه میانگین | اولویت |
|---|---|---|---|
| امنیت اجتماعی | روابط دوستانه مدیر با معلمان | ۸/۶۴ | پنجم |
| | ایجاد جو مثبت مدرسه | ۸/۸۳ | چهارم |
| | تربیت خانوادگی | ۸/۲۷ | دهم |
| | مسائل اخلاقی دانش‌آموزان | ۹/۲۶ | سوم |
| | شرایط مالی و تحصیلاتی اولیاء | ۶/۸۱ | شانزدهم |
| | نحوه برخوردشان با همکلاسی‌شان | ۸/۰۶ | سیزدهم |
| | ارتباط معلمان با مدیر | ۸/۲۲ | یازدهم |
| | ویژگی‌های اخلاقی مدیر | ۸/۱۵ | دوازدهم |
| | مدیریت باید به‌جای دیکتاتوری، تعاملی باشد | ۱۰/۴۹ | اول |
| | رفتار معلمان با شاگردان | ۸/۵۴ | هشتم |
| | رفتار اولیاء با کادر مدرسه | ۸/۶۱ | ششم |
| | توجه به کرامت انسانی معلم و شاگرد | ۸/۳۶ | نهم |
| | فرهنگ حامی پاسخگومدرسه | ۹/۵۳ | دوم |
| | احترام متقابل | ۷/۸۰ | پانزدهم |
| | دیدگاه آموزشی مدیر نه سیاسی | ۸/۵۷ | هفتم |
| | از نظر فرهنگی بچه‌ها در یک طبقه و هم‌نوا باشند | ۷/۸۵ | چهاردهم |
| | مدیر مدرسه مشکل‌گشا باشد | ۸/۶۴ | پنجم |
| | مشکلات اجتماعی اولیاء مانند طلاق- زندان- اعتیاد | ۸/۸۳ | چهارم |

در این مولفه، " مدیریت باید به‌جای دیکتاتوری، تعاملی باشد " با رتبه میانگین(۱۰/۴۹) در اولویت اول، " فرهنگ حامی پاسخگومدرسه " در اولویت دوم، " مسائل اخلاقی دانش‌آموزان " در اولویت سوم " و " شرایط مالی و تحصیلاتی اولیاء" با رتبه میانگین(۶/۸۱) در اولویت آخر قرار گرفت.

**- تعیین اولویت بندی شاخص‌های امنیت محیطی:**

**جدول۱۲- ترتیب اولویت شاخص‌های امنیت محیطی**

| | شاخص‌ها | رتبه میانگین | اولویت |
|---|---|---|---|
| امنیت محیطی | موقعیت مکانی مدرسه | ۲/۲۴ | پنجم |
| | بافت اجتماعی شهری و منطقه‌ای مدرسه | ۳/۲۱ | سوم |
| | امنیت سرویس‌های حمل و نقل دانش‌آموزان | ۲/۹۲ | چهارم |
| | وجود سرعت‌گیر در خیابان اطراف مدرسه | ۳/۴۰ | اول |
| | تردد اتومبیل‌ها، کسبه محل و همسایه‌ها | ۳/۲۳ | دوم |

در این مولفه، " وجود سرعت‌گیر در خیابان اطراف مدرسه " با رتبه میانگین(۳/۴۰) در اولویت یکم، " تردد اتومبیل‌ها، کسبه محل و همسایه‌ها " در اولویت دوم، " بافت اجتماعی شهری و منطقه‌ای مدرسه" در اولویت سوم و " موقعیت مکانی مدرسه " با رتبه میانگین(۲/۲۴)در اولویت چهارم قرار گرفت.

**- تعیین اولویت بندی شاخص‌های امنیت آموزشی:**

**جدول۱۳- ترتیب تعیین اولویتشاخص‌های امنیت آموزشی**

| | شاخص‌های مولفه | رتبه میانگین | اولویت |
|---|---|---|---|
| امنیت آموزشی | با تجربه و دلسوز بودن معلمان | ۲/۵۸ | هشتم |
| | آشنا بودن معلمان با حوزه‌های فعالیت‌شان | ۵/۳۸ | دوم |
| | تدریس و یادگیری بدون اتلاف وقت | ۵/۵۴ | اول |
| | اختصاص زمان بیشتر به آموزش | ۴/۷۸ | سوم |
| | اختصاص زمان کلاس به تدریس | ۴/۷۷ | چهارم |
| | ماهر و با سواد بودن معلمان | ۴/۷۰ | پنجم |
| | تدریس به‌روش‌های شاد و جذاب | ۴/۵۹ | ششم |
| | تدریس بدون دغدغه معلمان | ۳/۶۷ | هفتم |

در این مولفه، " تدریس و یادگیری بدون اتلاف وقت" با رتبه میانگین(۵/۵۴) در اولویت یکم،

" آشنا بودن معلمان با حوزه‌های فعالیت‌شان " در اولویت دوم، " اختصاص زمان بیشتر به آموزش" در اولویت سوم " و " با تجربه و دلسوز بودن معلمان " با رتبه میانگین(۲/۵۸) در اولویت آخر قرار گرفت.

**- تعیین اولویت بندی شاخص‌های عدم خشونت معلم:**

**جدول۱٤: ترتیب تعیین اولویت شاخص‌های عدم خشونت معلم**

| | شاخص‌های عدم خشونت معلم | رتبه میانگین | اولویت |
|---|---|---|---|
| عدم خشونت معلم | تهدید به دادن نمره کم در کلاس | ۸/۳۸ | سوم |
| | مسخره کردن تکالیف و برگه‌های امتحانی | ۶/۸۵ | پنجم |
| | دادن تکالیف اضافی به‌عنوان تنبیه | ۵/۶۹ | هفتم |
| | تهمت بی‌دلیل | ۵/۵۴ | نهم |
| | اجازه صحبت ندان به دانش‌آموز، پاسخ ندادن به سؤالات دانش‌آموز | ۴/۶۱ | دوازدهم |
| | محدودیت آزادی مانند عدم اجازه بیرون رفتن از کلاس در طول زنگ‌تفریح | ۵/۶۷ | هشتم |
| | سیلی زدن به‌صورت | ۴/۷۱ | یازدهم |
| | تمسخر ظاهر شخصی (لباس، عینک و غیره) | ۴/۷۸ | دهم |
| | عدم کتک کاری دانش‌آموزان از سوی معلمان | ۵/۷۵ | ششم |
| | عدم مسخره کردن دانش‌آموزان از سوی معلمان | ۷/۹ | چهارم |
| | عدم طرد دانش‌آموزان از سوی معلمان | ۸/۹۷ | دوم |
| | عدم دعوا کردن دانش‌آموزان با یکدیگر | ۹/۱۵ | اول |

در این مولفه، " تهدید به دادن نمره کم در کلاس " با رتبه میانگین(۶/۱۹) در اولویت یکم، مسخره کردن تکالیفی و برگه‌های امتحانی " در اولویت دوم، دادن تکالیف اضافی به‌عنوان تنبیه " در اولویت سوم و " اجازه صحبت ندان به دانش‌آموز، پاسخ ندادن به سؤالات دانش‌آموز " با رتبه میانگین(۶۰/ ۳) در اولویت آخر قرار گرفت.

## ٤. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل تحقیق نشان‌می‌دهد، مولفه‌ها و شاخص‌های مربوط کاملاً درست و مرتبط می‌باشند. مقدار آلفای کرونباخ که بسیار بالاتر از ۰/۷ بودند، نیز نشان دهنده پایایی مناسب داده‌ها بود. مشخص کردند ابزارهای اندازه گیری از اعتبار مناسب برخودار می‌باشند.

مولفه امنیت فیزیکی: بر اساس این مولفه برای افزایش امنیت مدرسه باید امنیت فیزیکی مدرسه تأمین شود. این یافته همسو با یافته‌های (وانگ و دوگول ، ۲۰۱۶؛ چیزم ، ۲۰۲۱؛ سامشن ، ۲۰۲۲؛ کلی ، ۲۰۱۷؛ شل ، ۲۰۲۲؛ جعفری و کبریا ، ۱۳۸۵ ) همسو می‌باشد. وانگ و دگول(۲۰۱۶) مدرسه امن چنین تعریف می‌کنند " «به میزانی از امنیت فیزیکی، عاطفی موجود در مدرسه و همچنین وجود روش‌های انضباطی اثربخشی، منسجم و منصفانه" اطلاق می‌شود بر اساس این تعریف امنیت فیزیکی به‌عنوان سنگ زیر بنای امنیت مدرسه محسوب‌می‌شود از نظر ایمنی فیزیکی، محققان بر مقررات معماری، شرایط فیزیکی ساختمان مدرسه، نگهداری و نظافت و ظرفیت ساختمان مدرسه برای مقاومت در برابر حوادث فاجعه تأکید دارند(اندرسون، ۲۰۲۲).ایمنی مدرسه یک سازه چندوجهی است که نیازبه بسیاری از قطعات متحرک داردتابه خوبی با هم همکارکنند. تعدادمتغیرهایی که بایددرایمنی مدرسه درنظرگرفته شوند به همان اندازه حیرت‌آوراست که تعداد بالقوه تهدیدهایی که دانش‌آموزان باآن روبه‌روهستند. ساختمان های مدارس می‌توانندکاملاًایمن باشنددرحالیکه دانش‌آموزان درجامعه به‌دلیل عوامل زیست محیطی خارج ازکنترل مدرسه درخطرهستند. در امنیت فیزیکی مدرسه بایدازنظرطرح‌بندی مکان مدرسه، نقاط ورودی محدود، دسترسی محدود به دانش‌آموزان وتمرین‌های ایمنی مدرسه موردتوجه قرارگیرد.

محققان معتقدند که ایمنی فیزیکی اساسی است زیرا، اگر از نظر فیزیکی احساس ناامنی کنیم، در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و عاطفی که کمتر مرتبط می‌شوند، دشوارتر است.اغلب گفته‌می‌شود که ایجاد محیط مدرسه‌ای که از دانش آموزان در برابر خطر محافظت می‌کند و در عین حال نگرش آگاهانه نسبت به ایمنی شخصی و جمعی را ترویج می‌کند، در درجه اول مسئولیت مدیران مدارس و کادر آموزشی است.علاوه بر این،فراتر از یک وظیفه عمومی مراقبت، همکاری همه اعضای جامعه آموزشی برای ایجاد محیط‌های امن مدرسه لازم است. به‌طور خاص، در بعد فیزیکی، مدارس باید مراقب محوطه مدرسه، ساختمان و تأسیسات مدرسه، میز و

صندلی‌ها و مصالح مدرسه و شرایط روشنایی، تهویه و گرمایش باشند(دیاز-ویکاریو و گایرین سالان، ۲۰۱۷).

مولفه امنیت عاطفی – روان‌شناختی:براساس این مولفه برای افزایش امنیت مدرسه باید امنیت عاطفی–روان‌شناختی مدرسه تأمین شود. این یافته همسو بایافته‌های (شین و مندر،۲۰۲۰؛ وانگ ودوگول،۲۰۱۶؛شل،۲۰۲۲)همسومی‌باشد.

ایمن عاطفی وجود روابط و تعاملات مشاوره‌ای وحمایت یبین دانش‌آموزان، معلمان و سایرکارکنان مدرسه است. این طرح‌ها ازاجرای ایمنی فیزیکی یارویکردها پیشگیرانه فیزیکی فاصله می‌گیرند و برای افزایش ایمنی مدارس، برنامه‌های یادگیری اجتماعی-عاطفی را اجرا می کنند (نیکرسون وهمکاران، ۲۰۱۹).

درمولفه عاطفی، مدارس باید مراقب محیط مدرسه وکلاس درس باشند و ازسلامت عاطفی دانش‌آموزان مراقبت کنند (دیاز-ویکاریووگایرینسالان،۲۰۱۷).

ایمنی عاطفی جزءتعیین کننده یک محیط یادگیری مثبت در نظر گرفته می‌شود وبا بهزیستی روانشناختی و پیامدهای تحصیلی واجتماعی مثبت مرتبط است. درمدارس،امنیت عاطفی ازطریق روابط حمایتی ایجاد می‌شود، با معلمان دانش آموزان موردارزش قرارمی‌گیرندو با آنها با احترام رفتارمی‌شود .

تحقیقات نشان‌می‌دهد که محیط‌های ناامن عاطفی منجربه استرس، حضورکمتردرمدرسه ومشارکت کمتر در یادگیری می‌شوند، درحالیکه محیط‌های امن ازنظرعاطفی باایجادهویت مثبت، تجربیات یادگیری بهترواحساس ارزشمندی بیشترمرتبط هستند. رویکردسیستم محور، مؤثرترین راه برای ایجادیک محیط امن ازنظرعاطفی است (شانومندر، ۲۰۲۰) .

مدرسه ایمن از نظر عاطفی توسط سیستم‌ها و ساختارهایی تعریف می‌شودکه شرایطی را برای رفتارموردانتظارفراهم می‌کند، از ارزش خود دانش‌آموزان حمایت می‌کند و فرصت‌هایی رابرای روابط و یادگیری فراهم می‌کند .یک مدرسه ازنظرعاطفی ایمن محیطی رافراهم می‌کند که درآن دانش‌آموزان از قلدری، تمسخر یا شرمساری درامان هستند، بنابراین می‌توانندریسک کنند،احساس ارزشمندی کنند و از بودن خود راحت باشند. امنیت دانش‌آموزان رادرزمان حال فراهم می‌کند، امااز‌طریق فراهم کردن فرصت‌های امن برای کشف توانایی تحصیلی،ارتباط

بادیگران وایجاد هویت خود، روی آینده این دانش آموزان سرمایه‌گذاری می‌کند (شانومندر، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر هونگ و اسپلیج (۲۰۱۲) با استفاده از نظریه سیستم‌های بوم‌شناختی برونفن برنر، تجزیه و تحلیل سیستم‌های بوم‌شناختی عوامل خطر مرتبط با قلدری و قربانی شدن در مدرسه را ارائه کردند.این نظریه محیط اجتماعییک فرد را به‌عنوان پنج سیستم به‌هم مرتبط تعریف می کند:میکروسیستم الگویی از فعالیت‌ها، نقش‌ها و روابط بین فردی است که فرد در یک محیط خاص تجربه می‌کند که در آن به‌طور مستقیم درگیر هستند. کلاس درس، خانه و زمین بازی سه نمونه از محیط‌هایی هستند که دانش آموزان به‌طور منظم با دیگران در ارتباط هستند.مزوسیستم روابط بین دو یا چند محیط را که فرد به‌طور فعال در آن شرکت می‌کند، توصیف می کند.اختلاف‌نظر بین معلم و والدین آنها در مورد نحوه برخورد با قلدری نمونه‌ای در این سطح خواهد بود.اگزوسیستم محیطی است که در آن فرد مستقیماً درگیر نیست، اما بر آنچه در محیط هایی که فرد را درگیر می‌کند تأثیر می‌گذارد یا تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرد. کلان سیستم به تأثیر آداب و اعتقادات فرهنگی و خرده فرهنگی اشاره دارد. نگرش‌های اجتماعی به قلدری و ویژگی‌های مشترک بازنمایی آن در رسانه‌ها از عوامل این سطح خواهد بود.براساس نظریه هونگ واسپلیج (۲۰۱۲) ، و با توجه به محیط میکرو سیستم وقتی که دانش‌آموزان در این محیط نیازهای عاطفی و روابط و نیازهای اجتماعی آنها و معلمان تأمین شود روابط گرم و صمیمی در محیط مدرسه به وجود می‌آید که از قلدر و خشونت و سایر رفتارهای ناامن کننده مدرسه جلوگیری می‌کند لذا با افزایش بعد عاطفی- روان‌شناختی مدرسه، امنیت مدرسه نیز افزایش می یابد.

امنیت اجتماعی: بر اساس این مولفه برای افزایش امنیت مدرسه باید روابط سالم در درون مدرسه وجود داشته‌باشد. این یافته همسو با یافته‌های (کلینگ، ۲۰۰۶) همسو می‌باشد. نظریه‌هایی که بر نقص‌های اجتماعی-شناختی تمرکز می‌کنند، برایتیین رفتار پرخاشگرانه و قلدری در مدارس مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف این نظریه‌ها،تبیین این مورد است که چگونه عوامل درون فرد ممکن است بر رشد رفتارهای قلدری و پرخاشگری از طریق تأثیرگذاری بر تعاملات فرد با دیگران در میکروسیستم آنها تأثیر بگذارد. تاثیرگذارترین این نظریه‌ها مدل پردازش اطلاعات اجتماعیاست که توسط کریک و دوج (۱۹۹۴) ارائه شده‌است.

براساس این نظریه، پردازش ماهرانه در هر یک از شش مرحله موجود در مدل با شایستگی اجتماعی مرتبط است، در حالی که پردازش مغرضانه می‌تواند منجر به پرخاشگری و مشکلات اجتماعی شود (کریک و دوج، ۱۹۹۴) . در مرحله ۱، کودکان پرخاشگر در مقایسه با کودکان غیر پرخاشگر، نشانه‌های اجتماعییخطر را رمزگذاری می‌کنند و ترجیحاً به نشانه‌های خصمانه توجه می‌کنند.در مرحله ۲ سوگیری نسبت به ایجاد اسناد خصمانه بیشتر از نیات و در مرحله ۳ برای انتخاب اهداف ابزاری (دستیابی به نتایج مطلوب برای خود) به‌جای اهداف رابطه‌ای (حفظ روابط مثبت با دیگران) وجود دارد.کودکان پرخاشگر در مرحله ۴ پاسخ‌های اجتماعی کمتری ایجاد می‌کنند و در مرحله ۵ آنها پاسخ‌های پرخاشگرانه را به‌نحو مطلوب تری ارزیابی می‌کنند و انتظار دارند که نتایج مثبتی حاصل شود. آنها همچنین در توانایی خود برای انجام موفقیت‌آمیز رفتار پرخاشگرانه در مرحله ۶ اعتماد به نفس بیشتری دارند.با توجه به این نظریه وقتی دانش آموزان در هر یک از شش مرحله بتوانند شایستگی اجتماعی از یادگیری اجتماعی کسب کنند رفتارهای قلدرانه و پرخاشگری از خود بروز نمی‌دهند و با یکدیگر روابط گرم و دوستانه ایجاد می‌کنند که از رفتارهای قلدرانه و پرخاشگری جلو گیری می‌کند

نظریه بین فردی در اصل چارچوبی مفهومی برای توصیف و پیش‌بینی تعاملات دوتایی بین افراد ارائه شد.بر اساس نظریه بین فردی (لیری[۱] ، ۱۹۵۷)،تعاملات را می‌توان بر اساس دو بعد توصیف کرد: کنترل و وابستگی. کنترل نشان دهنده درجه نفوذی است که یک فرد در تعامل بر فرد دیگری اعمال می‌کند، با تسلط در یک طرف و تسلیم در طرف دیگر همراه است. وابستگی میزان بی‌واسطگی عاطفی، گرمی و حمایت را در تعامل توصیف می‌کند و از دوستی تا خصومت متغیر است. این ابعاد به‌صورت متعامد در نظر گرفته می‌شوند(ووبلز، دن بروک، تارتوییک، و لوی، ۲۰۱۲ : ۴). محققان معتقدندیک مفهوم اصلی در نظریه بین فردی، اصل مکملیت است.مکمل بودن را می‌توان برای پیش بینی واکنش افراد به رفتارهایطرف مقابل در ارتباطات استفاده‌کرد. برای بعد وابستگی، رفتارهای مکمل شامل واکنش‌هایی می‌شود که مشابه هستند – رفتار دوستانه با رفتار دوستانه، خشم با خشم پاسخ داده‌می‌شود. در بعد کنترل برعکس آن انتظار

---

[۱] Leary

می‌رود – تسلط ممکن است با تسلیم و یا بالعکس مواجه شود(ووبلز، دن بروک، تارتوییک، و لوی، ۲۰۱۲ : ۴)

روابط معلم و دانش‌آموز را می‌توان بر حسب تفاسیر کلی که دانش‌آموزان و معلمان به تعاملات خود با یکدیگر می‌دهند درک کرد.نظریه سیستم‌های پویا (تلن و اسمیت، ۱۹۹۴) می‌تواند به تجزیه و تحلیل رابطه بین این سطوح با اتصال دو مقیاس زمانی مجزا کمک کند: مقیاس خرد اجتماعییا مقیاس لحظه به لحظه (یعنی تعامل معلم و دانش‌آموز) و مقیاس کلان. مقیاس اجتماعی پیامد، رابطه معلم و دانش‌آموز است. هدف این نظریه درک الگوهای در حال تغییر تعاملات لحظه به لحظه در رابطه با تغییرات در الگوهای نتیجه است. نظریه زیست بوم شناختی برونفنبرنر و موریس (۱۹۹۸) بیان می‌کند که مقیاس خرد اجتماعی موتور اولیه توسعه و نتایج است (به‌عنوان مثال، روابط معلم و دانش‌آموز). بدین ترتیب،این تعاملات فردی ممکن است به‌عنوان واحدهای سازنده الگوهای تعامل در یک سیستم اجتماعی در نظر گرفته شود. بازخورد خودتثبیت‌کننده، مانند پیش‌گویی خودشکوفایی، مکانیسمی است که فرآیندهای لحظه به لحظه، پیامدهای سطح کلان را تعیین می‌کنند. به نوبه خود، عوامل سطح کلان می‌توانند به تعاملات لحظه به لحظه پاسخ دهند و آنها را محدود کنند، بنابراین هم به‌عنوان نتایج (فرایندهای قبلی) و هم به‌عنوان محدودیت (برای فرآیندهای بعدی) عمل می‌کنند. از نظر تئوری سیستم‌های پویا، چالش برای تحقیقات آینده این است کهباید بگیریم کدام نوع از تعاملات لحظه به لحظه منجر به روابط سودآور معلم و دانش‌آموز می‌شود(ووبلز، دن بروک، تارتوییک، و لوی، ۲۰۱۲ : ۵).

در ارتباط با دیدگاه روان‌شناختی رشد و نظریه سیستم‌های پویا، مدل سیستم‌های رشدی روابط معلم و دانش‌آموز تلاش می‌کند تا رفتار تعاملی قابل مشاهده معلم را توصیف کند. این دیدگاه رفتارهای تعاملی را یکی از مولفه‌های کلیدی روابط عاطفی معلمان و دانش‌آموزان می‌داند. از چهار مؤلفه رابطه تشکیل شده‌است: ویژگی‌های افراد (سابقه رشد و عوامل بیولوژیکی)، مدل های بازنمایی معلم و دانش‌آموز (ادراکات و احساسات)، فرآیندهای تبادل اطلاعات(رفتارهای تعاملی) و تأثیرات بیرونی. این عوامل به شیوه‌های متقابل و پویا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. (ووبلز، دن بروک، تارتوییک، و لوی، ۲۰۱۲ : ۵).

مولفه امنیت محیطی: بر اساس این مولفه برای افزایش امنیت مدرسه باید امنیت محیطی مدرسه تأمین شود. این یافته همسو با یافته‌های (وانگ و دوگول ، ۲۰۱۶؛ چیزم ، ۲۰۲۱؛ سامشن ، ۲۰۲۲؛

کلی ، ۲۰۱۷؛ شل ، ۲۰۲۲؛ جعفری و کبریا ، ۱۳۸۵ ) همسو می‌باشد.

مولفه آموزشی: بر اساس این مولفه برای افزایش امنیت مدرسه باید امنیت محیطی مدرسه تأمین شود. این یافته همسو با یافته‌های (وانگ و دوگول ، ۲۰۱۶؛ چیزم ، ۲۰۲۱؛ سامشن ، ۲۰۲۲؛ کلی ، ۲۰۱۷؛ شل ، ۲۰۲۲؛ جعفری و کبریا ، ۱۳۸۵ ) همسو می‌باشد. تحقیقات مدرسه را به‌عنوان یک محیط رشد پیچیدهدر نظر می‌گیرند که در آن محیط‌های تحصیلی و اجتماعی به‌طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این تأثیرات چرخه‌ای متقابل باعث پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می شود که می‌تواند مثبت یا ناکارآمد باشد. تحقیقات به دو نظریه در این محیط‌ها می‌پردازند که هر دو محیط‌های علمی و اجتماعی مدرسه را در بر می‌گیرند. اول، نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی، ۱۹۶۹) بر کیفیت رابطه و ایمنی در مدرسه به‌عنوان ویژگی‌های مهم در پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه و فرار از مدرسه تأکید می‌کند. نظریه کنترل اجتماعی معتقد است که بزهکاری زمانی رخ می‌دهد که دلبستگی فرد به دیگران، مشارکت در فعالیت‌های مختلف و تعهد به نظام ارزش اخلاقی جامعه تضعیف شود. درمحیط مدرسه،زمانی که دانش‌آموزان به‌طور منظم در معرض فرآیندهای نزدیکی قرار می‌گیرند، که مشخصه آن این است که دانش‌آموزان جو مدرسه را حمایت‌کننده، امن، تأییدکننده و تشویق‌کننده می‌دانند، احتمال بیشتری دارد که احساس تعلق و وابستگی به افراد مرتبط با مدرسه کنند و در فعالیت‌های تحصیلی شرکت کنند. بر اساس اینnظریه، پیوندهای اجتماعی دانش‌آموزان را از رفتار نامطلوب محافظت می‌کند، زیرا آنها نمی خواهند به خطر بیفتند که روابط مربوط به مدرسه را از دست بدهند یا از تلاش‌هایی که در رشد شخصی و یادگیری برای برآوردن نیازهای اولیه کوتاه مدت مانند هیجانیا موقعیت انجام داده‌اند بکاهند(چاکون والدز، گادت، ورنر فیلیون و ورونو، ۲۰۲۴)

تحقیقات نشان می‌دهند درک دانش‌آموزان از جو مدرسه حمایتی و فرار از مدرسه در طول زمان در هم تنیده می‌شوند، بنابراین به‌طور متقابل یکدیگر را پیش‌بینی می‌کنند.همچنینتحقیقات نشان می‌دهند نه‌تنها دلبستگی‌ها به افراد مرتبط با هنجارهای مرتبط با مدرسه می‌تواند حضور دانش‌آموزان را در مدرسه کنترل کند(هیرشی، ۱۹۶۹)، بنابراین از فرار از مدرسه جلوگیری می‌کند، بلکه فرار از مدرسه می‌تواند بر نحوه درک دانش‌آموزان از جو مدرسه تأثیر بگذارد. این از لحاظ نظری مهم است زیرا نشان‌می‌دهد که محققان نباید تنها بر تأثیر منفی فرار از مدرسه بر

دانش‌آموزان تمرکز کنند. پیشرفت تحصیلی و تکمیل مدرسه، بلکه یک میانجی بالقوه حیاتی،یعنی جو مدرسه، بین فرار از تحصیل و نتایج آموزشی است.

تحقیق چاکون والدز، گادت، ورنر فیلیون و ورونو، (۲۰۲۴) نشان‌می‌دهد که درک دانش آموزان از جو حمایتی مدرسه در طول زمان متفاوت است، مداخلات، مانند مداخلات و حمایت های رفتاری مثبت در سطح مدرسه، برای تقویت جو مثبت مدرسه، ترویج حضور در مدرسه و جلوگیری از فرار از مدرسه ممکن است برای تعداد زیادی از دانش‌آموزان مفید باشد، اما به‌ویژه برای دانش‌آموزان پرخطر. مداخلات و حمایت‌های رفتاری مثبت، که شامل تعیین انتظارات رفتاری واضح، پاداش دادن به دانش‌آموزان برای رفتارهای مثبت،تأکید بر مهارت‌ها و رفتارهای اجتماعی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل منظم داده‌های انضباطی، و اجرای شیوه‌هایعلمی و رفتاری مبتنی بر شواهد، باعث کاهشفرار از مدرسه در مدارس متوسطه، شود. مداخلات رفتاری مثبت و مؤلفه‌های پشتیبان در یک مدل پاسخ به مداخله برای ارتقای حضور در مدرسه و جلوگیری از غیبت ممکن است برای شامل افزایش مشارکت دانش‌آموزان در سیاست‌های حضور در مدرسه، بررسی الگوها در داده‌های حضور و غیاب و پاسخ‌های فوری به موارد غیبت تطبیق داده شود.افزایش تعامل دانش‌آموزان با مدرسه راهی برای مقابله با مشکلات حضور در مدرسه است. یکی از اجزای اصلی، مربی است که به‌شدت با یک دانش‌آموز در حال مبارزه و خانواده‌اش کار می‌کند.مربی روابط بین دانش‌آموز، کارکنان مدرسه و اعضای خانواده ایجاد می‌کند، به‌طور منظم غیبت دانش‌آموز را در طول زمان بررسی می‌کند و دانش‌آموز را دوباره با مدرسه‌اش مرتبط می‌کند.(چاکون والدز، گادت، ورنر فیلیون و ورونو، ۲۰۲۴)

مولفه عدم خشونت معلمان:مجموعه تحقیقاتی موجودنشان‌می‌دهد که تجربه خشونت توسط مراقبان با مشکلات سلامت روانی و جسمیدانش آموزان و همچنین نقص در عملکرد شناختی و روانی اجتماعی مرتبط است.شواهد در مورد تأثیر نامطلوب خشونت در محیط مدرسه بر رفاه و عملکرد دانش آموزان در حال افزایش است. تحقیقات نشان می‌دهند که تنبیه بدنی توسط معلمان با سطوح بالاتری از مشکلات درونی‌سازی از جمله علائم افسردگی و اضطرابو همچنین مشکلات بیرونی‌سازی از جمله رفتار پرخاشگرانه، ضد اجتماعی و بیش‌فعالی در بیندانش آموزانهمراه است. همچنین مشخص شده‌است که تنبیه بدنی مکرر باعث پیش‌بینی ادراک پایین‌تر از خودکارآمدی و عزت نفس پایین در بیندانش آموزان می‌شود. تجربه آزار عاطفی

توسط معلماندر دوران ابتدایی با سطوح بالای مشکلات رفتاری در بزرگسالی مرتبط بود. علاوه بر این، مطالعات طولی به‌طور مداوم نشان داده‌اند که تجربه خشونت توسط همسالان، سطوح بالاتری از مشکلات درونی‌سازی و بیرونی‌سازیدانش‌آموزان را پیش‌بینی می‌کند. در مجموع، شواهد ثابت شده‌ای وجود دارد که ارتباط بین قرار گرفتن بیشتردانش‌آموزان در معرض خشونت توسط معلمان و همسالان و سطوح بالاتر مشکلات سلامت روانیدانش آموزان وجود دارد (ماسث، شارپف، دامکه و هکر[۱] ، ۲۰۲۳).

[۱] Masath, , Scharpf, Dumke,& Hecker

## ۵. منابع و مأخذ

-دهقان، **منصوره .باویه سلطان‌زاده**، سحر و نعمتی، حمیده .(۱۴۰۰ ) .تدوین الگوی افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان ابتدایی بر اساس نظریه داده‌بنیاد، راهبردهای نوین تربیت معلمان، ۷(۲):۱۳۸-۱۶۲.،

-سلیمانی، **محمدرضا و علی محمدی**، رقیه . (۱۳۹۲ ) .وضعیت مدارس شهرستان مرند بر اساس مولفه‌های مدارس امن، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۳۷(۲) :۵۹-۶۹.،

-کشوری، **منصور .سلیمانپور عمران**، محبوبه .اسماعیلی شاد، بهرنگ .(۱۴۰۱ ) .طراحی چارچوب نظری مدارس امن در آموزش و پرورش ایران :یک پژوهش کیفی، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۳( ۲) :۱۶-۳۰.،

-نصیری، **محمد هادی .(۱۳۹۴ ) .الگوی مدرسه امن در شهر**، پایان کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، دانشکده معماری و شهرسازی.،

داوری، **علی و رضازاده**، آرش .(۱۳۹۲).مدل سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار **Smart PLS**، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.،

-Aldridge, J. M., McChesney, K., & Afari, E. (۲۰۱۹). Associations between school climate and student life satisfaction: Resilience and bullying as mediating factors. Learning Environments Research, ۲۳ (۱), ۱۲۹–۱۵۰

-Anthony, C. L. (۲۰۲۱). A Quantitative Descriptive Study of Teachers' Perceptions of School Safety (Doctoral dissertation, Northcentral University).

-Bettencourt, A. F., Clary, L. K., Ialongo, N., & Musci, R. J. (۲۰۲۳). Long-term consequences of bullying involvement in first grade. Journal of school psychology, ۹۷, ٦۳-۷٦.

–Blandford-Elliott, M. (۲۰۲۱). 'Predictable, Consistent, and Safe': School-Wide Positive Behaviour Support in Welsh Primary Schools. Bangor University (United Kingdom).

-Chism, L. S. (۲۰۲۱). Safe Learning Environment in a School Setting: A Study of Administrators Preparedness for Students with Emotional Behavior Disorders (Doctoral dissertation, Tennessee State University).

-Creswell, J. W., & Creswell, J. D. (۲۰۲۱). Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches (٦th ed.). Sage publications.

-DeAngelis, C. A., & Wolf, P. J. (۲۰۲۰). Private school choice and character. More evidence from Milwaukee. Journal of Private Enterprise,

۳۵(۳), ۱۳–٤۸.

-Díaz-Vicario, A., & Gairín Sallán, J. (۲۰۱۷). A comprehensive approach to managing school safety: case studies in Catalonia, Spain. Educational Research, ۵۹(۱), ۸۹-۱۰٦.

-Fisher, B. W., & Cuellar, M. J. (۲۰۲۱). Missed Connections: Examining the Link between Exposure to School Security and Students' Sense of Connectedness to School. Journal of school violence, ۲۰(٤), ۵۸۱-۵۹٦.

-Fisher, B. W., Higgins, E. M., & Homer, E. M. (۲۰۲۱). School crime and punishment and the implementation of security cameras: Findings from a national longitudinal study. Justice Quarterly, ۳۸(۱), ۲۲-٤٦.

-Fung, H. W., Cong, C. W., Tan, C. S., Yuan, G. F., Liu, C., He, K. L.,... & Lee, V. W. P. (۲۰۲۳). Is teacher violence a form of betrayal trauma? Relationship with mental health problems among young adults. Child Abuse & Neglect, ۱٤۵, ۱۰٦٤۳٦.

-Karadaş, H., Coşkun, B., & Katıtaş, S. (۲۰۲۳). Safety Problems at Schools According to School Administrators' Opinions. Psycho-Educational Research Reviews, ۱۲(۱), ۱۳٤-۱۵۰

-Kibriya, S., & Jones, G. (۲۰۲۱). The impact of a safe learning environment in schools on students' learning outcomes: evidence from Tanzania. Quality Assurance in Education, ۲۹(۱), ۱۵-۲۸.

Wetzels, M., Odekerken-Schröder, G., & Van Oppen, C. (۲۰۰۹). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models: Guidelines and empirical illustration. MIS quarterly, ۱۷۷-۱۹۵.

فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و یکم/ شماره ٤ (پیاپی٨٤)/ زمستان ١٤٠٤/ ٥٨٠-٥٥١
Quarterly Journal of Development Strategy, ٢٠٢٦, Vol. ٢١, No.٤ (٨٤)

# تاثیر مدیریت دانش و سرمایه فکری بر نوآوری و مزیت رقابتی با نقش یادگیری سازمانی و استراتژی تمایز: استفاده از دیدگاه هماهنگ سازی منابع

## (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور بندرعباس)

**امیرعباس نصیری**[۱]
**عماد کمالی**[۲]

(تاریخ دریافت۱۴۰۴/۶/۲۳ - تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۰/۲۳)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

**چکیده**

این تحقیق با هدف بررسی تاثیر مدیریت دانش و سرمایه فکری بر مزیت رقابتی به همراه تاثیر متغیرهای نوآوری، یادگیری و استراتژی تمایز در سازمان انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل کارکنان دانشگاه پیام نور بندرعباس به تعداد ۲۵۰ نفر بود که بر اساس جدول کوکران، ۱۵۲ نفر به عنوان نمونه پژوهشی برآورد شد. پرسشنامه تحقیق به صورت تصادفی ساده به تعداد نمونه برآورد شده از جامعه آماری جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. روایی مسئله به کمک ابزار ماتریس فرونل لارکرز و پایایی پرسشنامه از طریق آزمون آلفای کرونباخ

۱ ـ استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت دانشگاه پیام نور، تهران، ایران ( نویسنده مسول) a_nasiri@pnu.ac.ir
۲ ـ دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت دانش

بررسی و تایید شد. نرمال بودن توزیع داده‌ها نیز از محاسبه ضرایب کشیدگی و چولگی به اثبات رسید و فرضیه های پژوهشی به کمک تحلیل ضریب مسیر و آماره **t** بررسی شد. یافته ها حاکی از تاثیر مثبت و معنادار سرمایه فکری بر مزیت رقابتی و نوآوری، مدیریت دانش بر مزیت رقابتی، نوآوری، یادگیری سازمان و استراتژی تمایز و نیز تاثیر مثبت و معنادار استراتژی تمایز بر مزیت رقابتی و همچنین یادگیری سازمانی بر نوآوری و مزیت رقابتی و نهایتا تاثیر مثبت و معنادار نوآوری بر استراتژی تمایز بود.

**کلیدواژه‌ها**: نوآوری، مدیریت دانش، سرمایه فکری، مزیت رقابتی، استراتژی تمایز، یادگیری

## ۱ـ مقدمه و بیان مسئله

منابع سازمانی، به‌ویژه دارایی‌های ناملموس، نقشی کلیدی در ارتقای جایگاه رقابتی شرکت‌ها ایفا می‌کنند. این دسته از منابع به‌عنوان عنصری حیاتی در تدوین استراتژی‌های تجاری محسوب می‌شوند. سرمایه فکری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های نامشهود سازمانی، تأثیر مستقیمی بر عملکرد کسب‌وکار و ایجاد مزیت رقابتی پایدار دارد. سازمان‌هایی که توانایی خلق نوآوری‌های ماندگار – اعم از ابداع محصولات جدید یا توسعه فرآیندهای نوین – را دارند، قادر به حفظ برتری رقابتی خود در بلندمدت خواهند بود. مزیت رقابتی مجموعه دارایی‌ها، ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی است که به سازمان کمک می‌کند تا فراتر از رقبا در بازار عمل کند(پورتر[۱]، ۲۰۱۸). بااین‌حال، سنجش دقیق سرمایه فکری به دلیل ماهیت ناملموس آن همواره با چالش‌هایی همراه است. اما ارزش افزوده سرمایه فکری کاملا به رسمیت شناخته شده است. سرمایه فکری به عنوان دارایی ارشمند سازمان موقعیت رقابتی سازمان را در صنعت تعیین می‌کند. ایجاد سرمایه فکری و نحوه مدیریت و به اشتراک‌گذاری دانش مرتبط با آن و در نهایت رسیدن به موفقیت سازمانی چالش بزرگ پیش روی سازمان‌ها است(آسیایی و بونتیس ، ۲۰۲۱)[۲]. در عین حال، در اقتصاد مبتنی بر دانش، مسئله مدیریت دانش به عنوان یک منبع حیاتی برای دستیابی به مزیت

---

۱- Porter

۲- Asiaei & Bontis.

رقابتی در نظر گرفته می‌شود. دانش به عنوان یک دارایی استراتژیک مهم برای بقاء در بازار تلقی می‌شود. با سرعت گرفتن تحولات فناوری، تغییرات سریعی در شرایط بازار جهانی، فناوری و فرآیند تولید محصول و نیازهای مشتری رخ داده است. درک و پیش بینی این تغییرات سریع و پیچیده برای شرکت‌ها سخت است. این تغییرات یک چالش مدیریتی برای سازمان به شمار می‌رود و نیازمند انجام اقداماتی در این فضای ناپایدار، نامشخص، پیچیده و مبهم است. مدیریت دانش منبع مهمی برای بقا در یک محیط پیچیده در نظر گرفته می‌شود اشتراک دانش صریح و ضمنی عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشد و در نهایت به ایجاد مزیت رقابتی در سازمان منجر می‌شود (پایال ، ۲۰۱۹)[۱] . مزیت رقابتی[۲] شامل مجموعه عوامل یا توانمندی‌هایی است که همواره شرکت را به نشان دادن عملکردی بهتر از رقبا قادر می‌سازد(فریدا[۳]، ۲۰۲۲).در اقتصاد دانش بنیان چرخه عمر محصولات و خدمات بر اساس دانش شکل می‌گیرد امروزه در سازمان‌ها، دانش یک سرمایه ناملموس اما بسیار مهم به شمار می‌رود و مدیریت دانش و حفظ و ارتقاء سرمایه فکری در سازمان‌ها امری بسیار حیاتی است(علیقلی، ۱۳۹۹)، یکی از بخش‌های مهم در مدیریت دانش و ارتقاء سرمایه فکری در یک سازمان، یادگیری سازمانی است، یادگیری سازمانی به فرایند پیوسته کسب، به‌اشتراک‌گذاری و پیاده‌سازی و دانش و تجربیات عملی در یک سازمان یا شرکت اشاره تعریف می‌شود. یادگیری سازمانی به آن‌ها کمک می‌کند تا از اشتباهات گذشته درس بیاموزند، عملکرد خود را ارتقاء دهند و با تغییرات پیرامونی سازگار شوند. و بتوانند به موقع نسبت به آن واکنش مناسب نشان دهند. یادگیری سازمانی شامل مراحل مختلفی از جمله کسب، ذخیره، توزیع و تجزیه و تحلیل دانش است. هدف نهایی یادگیری سازمانی آن بهبود کارایی، نوآوری و رقابت‌پذیری در سازمان است. مدیریت دانش و ارتقاء سرمایه فکری از طریق به اشتراک گذاری و نهادینه کردن اصول دانش در سازمان و کشف و ارتقاء مستمر دارایی‌های ناملموس سازمان‌ها زمینه رشد خلاقیت فردی و سازمانی را فراهم می‌کنند این خلاقیت به نوآوری در سازمان منجر می‌شود (رخشانی، ۱۳۹۴). نوآوری در سازمان نیز به نوبه

---

۳- Payal

۴ - Competitive Adavantage

۵- Farida

خود منجر به خلق و تولید خدمات و محصولات جدید، ارتقاء و بهبود فرآیندهای سازمانی و تولیدی، ارتقاء محصولات و افزایش کیفیت و افزایش بهره‌وری، کاهش هدر رفت منابع و در نهایت بهبود عملکرد سازمان می‌شود که خود برای سازمان یک مزیت رقابتی ایجاد می‌کند(حمزوی، ۱۴۰۳). این مزیت رقابتی سبب برندسازی و متمایز نمودن شرکت و یا سازمان نسبت به سایر رقبا می‌شود، در علم مدیریت این تمایز تحت عنوان استراتژی تمایز شناخته می‌شود، استراتژی تمایز به معنای این است که یک کسب و کار، محصول یا خدماتی را ارائه کند که مشتریان، آن را در سطح صنعت، منحصر به فرد و کاملاً متمایز بدانند. این تمایز ممکن است در طراحی، تصویر ذهنی برند، فناوری، امکانات و قابلیت‌ها، خدمات مشتریان، شبکه فروش یا شبکه توزیع و یا سایر مولفه‌های مرتبط با محصول باشد(یوسفی، ۱۴۰۱). همه سازمان‌ها در حوزه ارتباطی و مدیریت دانش خود با محدودیت در منابع و امکانات مواجه هستند، از این رو تنها سازمان‌هایی می‌توانند به خوبی اهداف سازمانی خود را محقق کنند که منابع محدود خود را به درستی مدیریت کنند. این مسئله تحت عنوان هماهنگ‌سازی منابع شناخته می‌شود (سنگوزی، ۲۰۲۲). هماهنگ‌سازی منابع می‌تواند به درک بیشتر نحوه برخورد سازمان‌ها با فناوری‌های نوظهور با توسعه و مدیریت پایگاه منابع استراتژیک خود کمک کند(ژو و پرو[۱] ۲۰۲۳). در تئوری مبتنی بر منابع ، منابع سازمانی، به ویژه منابع و قابلیتهای ناملموس، در دستیابی به عملکرد پایدار و مزیت رقابتی سازمان، نقش حیاتی ایفا میکند( بارنی، ۱۹۹۱). مدیریت دانش و ارتقاء سرمایه فکری از طریق به اشتراک¬گذاری و نهادینه کردن اصول دانش در سازمان و کشف و ارتقاء مستمر دارایی‌های ناملموس سازمان‌ها زمینه رشد خلاقیت فردی و سازمانی را فراهم می‌کنند. با توجه به مباحث مطرح شده، شناخت و واکاوی مقوله مدیریت دانش و ارتقاء دارایی‌های فکری سازمان و نحوه اثرگذاری آن بر سایر مولفه‌های سازمان مانند نوآوری و مزیت رقابتی حائز اهمیت زیادی است این تحقیق به دنبال یافتن این ارتباط با در نظر گرفتن یادگیری سازمانی، استراتژی تمایز و هماهنگی منابع در سازمان است. برای مطالعه موردی دانشگاه پیام نور بندرعباس در نظر گرفته شد بنابراین مسئله اصلی تحقیق تحت عنوان زیر مطرح می‌شود: بررسی

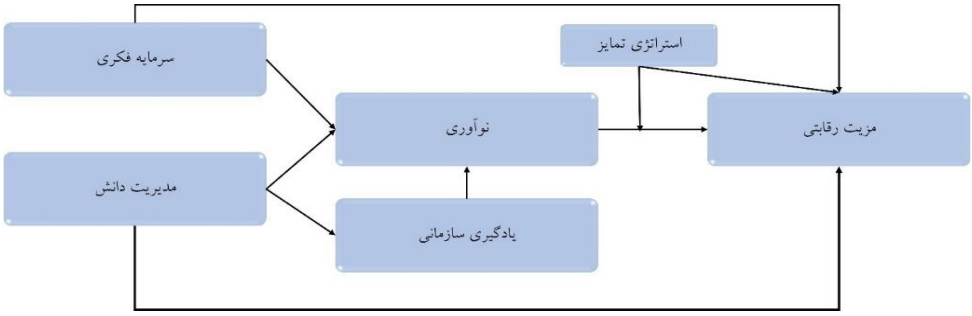
---

۱ - Xu & Pero

تاثیر مدیریت دانش و سرمایه فکری بر نوآوری و مزیت رقابتی با نقش یادگیری سازمانی و استراتژی تمایز: استفاده از دیدگاه هماهنگ سازی منابع در دانشگاه پیام نور بندرعباس.

## ۱ـ۱ـ مدل و چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب نظری تحقیق شامل متغیرهای مختلف تعریف شده برای مسئله و روابط بین آن‌ها است با توجه به فرضیات مطرح شده در تحقیق متغیرهای مسئله به صورت زیر تعیین می‌شود:




**شکل(۱) ـ مدل مفهومی پژوهش**

**جدول (۱) ـ متغیرهای پژوهشی مورد استفاده و رابطه میان آنها**

| ردیف | متغیرهای مستقل | متغیرهای میانجی | متغیرهای تعدیل گر | متغیر وابسته |
|---|---|---|---|---|
| ۱ | مدیریت دانش | نوآوری | استراتژی تمایز | مزیت رقابتی |
| ۲ | سرمایه فکری | یادگیری سازمان | | |
| ۳ | استراتژی تمایز | | | |

جدول ۱ نگاهی گسترده به همه متغیرهای بررسی شده تحقیق حاضر به صورت یکجا دارد. بررسی این جدول می تواند ذهنیت مطالعه کننده نسبت به چارچوب تحقیق را ساماندهی نموده و ابهامات موجود در تحلیل ها و مباحثات بالقوه را از میان ببرد.

## ۲ـ پیشینهٔ پژوهش

در حالی که کار پژوهشی حاضر، تاثیر سرمایه فکری بر مزیت رقابتی را به صورت مستقیم مورد ارزیابی قرار داده است اما بختیاری (۱۴۰۲) این رابطه را از طریق متغیر میانجی نوآوری سنجیده است. در واقع ابتدا اثر سرمایه فکری بر نوآوری و سپس اثر نوآوری بر مزیت رقابتی را مورد

بررسی قرار داده است. او همچنین تاثیر سرمایه فکری و مدیریت دانش بر مزیت رقابتی با توجه به نقش میانجی نوآوری را بررسی نمود. بر اساس یافته‌های این تحقیق تاثیر مثبت و معنا دار سرمایه فکری بر نوآوری، تاثیر نوآوری بر مزیت رقابتی، تاثیر مثبت و معنا دار مدیریت دانش بر مزیت رقابتی و در نهایت نقش میانجی بین مدیریت دانش و مزیت رقابتی نشان داده شد. قلیپور و بهروزی (۱۴۰۰)، نیز نقش دانش در سازمان را برجسته‌تر کرده و بر این اساس تاثیر استراتژیهای مدیریت دانش را در یادگیری و نو آوری سازمانی مورد ارزیابی قرار دادند. بر اساس نتایج تحقیق آنها دانش راهبردی‌ترین دارایی سازمان است و همراستا سازی مدیریت دانش استراتژی‌های کسب و کار سازمان امری ضروری است نقش استراتژی‌های مدیریت دانش بر یادگیری سازمانی، نو آوری سازمانی و تسهیم دانش در سازمان را بررسی نمودند. بر اساس نتایج این تحقیق دانش راهبردی‌ترین دارایی سازمان است و همراستا سازی مدیریت دانش استراتژی‌های کسب و کار سازمان امری ضروری است و فرآیند پایش وضعیت دانش سازمان فرآیند مستمر و پویا است. و سازمان‌هایی که از فرهنگ یادگیری بالایی برخوردار هستند می‌توانند نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کنند و عملکرد خود را بهبود ببخشند. نعمتی (۱۳۹۸) نیز با اولویت دادن به دانش و مدیریت آن در سازمان، این متغیر را در ادغام با توسعه منابع انسانی به عنوان تعیین کننده های ارتقا عملکردی سازمان و به دنبال آن بهبود و تقویت مزیت رقابتی آن نشان داد. بر اساس نتایج این تحقیق توسعه منابع انسانی به عنوان عنصر کلیدی در سیستم مدیریت دانش به شمار می‌رود و ادغام مدیریت منابع انسانی با مدیریت دانش به ارتقاء عملکرد سازمان منجر می‌شود و بهره‌وری و اثربخشی آن را بهبود می‌بخشد و در نهایت به کسب مزیت رقابتی در سازمان منجر می‌شود. در مقابل اما رودساز و نقوی (۱۳۹۷)، مدیریت دانش را به عنوان میانجی در رابطه با اثر نوآوری باز بر مزیت رقابتی بررسی نمودند. در واقع آنها متغیر نوآوری را مقدم بر سایر متغیرها در فرایند چرخه مزیت رقابتی سازمان در نظر گرفتند. نتایج این تحقیق نشان داد نوآوری باز بر تبدیل مدیریت دانش به دارایی سازمان نقش مهمی دارد. قوی پنجه و روزبهانی(۱۳۹۴) نیز به مانند قلیپور و بهروزی (۱۴۰۰) و نعمتی(۱۳۹۸) اولویت دهی به نقش و تاثیر مدیریت دانش در ایجاد مزیت رقابتی پایدار در سازمان‌ها را بررسی نمودند. بر اساس نتایج این تحقیق استفاده از فنون داده‌کاوی، یادگیری سازمانی، خلق دانش، سبک‌های

رهبری توانمندساز و بسترسازی تکنولوژیک از عوامل مهم اثیر گذار بر مدیریت دانش در سازمان هستند.

در پژوهشهای خارجی اما، باکوئرو و همکاران[۱] (۲۰۲۴) در تقابل با اکثر یافته های داخلی نقش میانجی مدیریت دانش را در رابطه بین یادگیری سازمانی و نوآوری سازمانی نشان دادند. با توجه به ایکه آنها تاثیر یادگیری سازمانی و مدیریت دانش را با در نظر گرفتن نوآوری بر قابلیت‌های شرکت بر اساس دیدگاه هماهنگ‌سازی منابع بررسی نمودند کارشان همراستایی با بخشی از کار تحقیق حاضر یعنی اهمیت دهی به یادگیری سازمانی در مسیر رقابتی سازمان دارد. همچنین، رحمان و برسیانی[۲] (۲۰۲۲)، نیز به مانند باکوئرو و همکاران[۳] (۲۰۲۴) با استفاده از چارچوب نظریه هماهنگ‌سازی منابع ارتباط میان سرمایه فکری، مدیریت دانش و مزیت رقابتی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که هم سرمایه فکری و هم مدیریت دانش تأثیر معناداری بر نوآوری و مزیت رقابتی دارند. آنها همچون اکثر تحقیقات مرتبط نشان دادند که نوآوری به عنوان متغیر میانجی، رابطه بین سرمایه فکری و مدیریت دانش با مزیت رقابتی را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، تأثیر مستقیم و مثبت نوآوری بر مزیت رقابتی نیز تأیید شد. آنها در عین حال بر خلاف رویه ادبیات ، متغیر استراتژی‌های تجاری را نیز وارد چرخه بررسی خود کرده و نشان دادند که این متغیر به شکل قابل توجهی منجر به ایجاد مزیت رقابتی می‌شود و نقش تعدیل‌گری در رابطه بین نوآوری و مزیت رقابتی ایفا می‌کنند. این یافته‌ها بر اهمیت توجه همزمان به عوامل سازمانی و راهبردی در ایجاد مزیت رقابتی پایدار تأکید دارند. اما جوردائو و همکاران[۴] (۲۰۲۰) در تقابل با بیشتر کارهای مرتبط، پژوهش کیفی را در دستور کار قرار داد و با این روش تاثیر سرمایه فکری بر نوآوری را بررسی نمود. نکته دیگر قابل ذکر این کار در نظر گرفتن نقش میانجی برای قابلیت یادگیری سازمانی بود که در اکثر تحقیقات مشابه به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته بود. همچنین آنها در رویه ای متفاوت، پرسش از نخبگان را برای

---

[۱] -Baquero

۲-Rahman & Beresiani

۳-Baquero

۱-Jordão

روش کاری‌شان برگزیدند. نتایج تحقیق نشان داد شبکه دانش نقش مهمی در نوآوری در سازمان و بهبود عملکرد شرکت‌ها دارد. سرمایه‌های فکری سازمان در کنار استقرار شبکه دانش عنوان راهی برای ارتقای بهبود عملکرد سازمانی است این بهبود در نتایج مالی، رشد بازاریابی، کارایی، نوآوری و رقابت خودش را نشان می‌دهد. فریریا و همکاران[۱] (۲۰۲۰) تاثیر نوآوری بر مزیت رقابتی با در نظر گرفتن نقش یادگیری سازمانی را بررسی نمودند. نتایج این تحقیق نشان داد نوآوری سازمانی بر ایجاد مزیت رقابتی در سازمان تاثیر مثبت و معنادار دارد همچنین یادگیری سازمانی سبب بهبود نوآوری در سازمان می‌شود و بر مزیت رقابتی تاثیر مثبت و معنادار دارد. در مقابل اکثرکارهای پژوهشی مشابه که در سازمانهای با اندازه بزرگ انجام گرفت، عباس و ژانگ[۲] (۲۰۲۰) در تحقیق خود در خصوص نوآوری پایدار، شرکتهای کوچک و متوسط را مورد بررسی قرار دادند. نکته جالب این کار استفاده از مدیریت دانش و یادگیری سازمانی در رابطه با همدیگر بود. در حالی که در بیشتر کاهای مشابه، این دو متغیر به عنوان متغیر مستقل برای سنجش دیگر متغیرها مانند مزیت رقابتی و نوآوری به کار برده شده اند. بر اساس نتایج این تحقیق رابطه مثبت و معنادار بین مدیریت دانش و یادگیری سازمانی به اثبات رسید، همچنین تاثیر مثبت و معنا دار مدیریت دانش و یادگیری سازمانی بر نوآوری در سازمان به اثبات رسید، همچنین ثابت شد یادگیری سازمانی بین مدیریت دانش و نوآوری نقش میانجی را دارد. حنیفه و همکاران[۳] (۲۰۲۰) به مانند باکوئرو و همکاران[۴] (۲۰۲۴) به نقش واسطه‌ای مدیریت دانش اهمیت دادند. آنها این واسطه گری را در رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد سازمانی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق نشان دهنده ارتباط مثبت و معنادار بین سرمایه انسانی و سرمایه رابطه‌ای خارجی با تسهیم دانش و در نهایت عملکرد نوآوری بود. همچنین نتایج حاکی از تأثیر قابل توجه اشتراک دانش بر ارتقای عملکرد نوآوری شرکت‌ها داشت. این پژوهش بر اهمیت توجه

---

۲-Ferreira

۳-Abbas & Zhang

۴-Hanifeh

۵-Baquero

به ابعاد مختلف سرمایه فکری و نقش کلیدی اشتراک دانش در بهبود عملکرد نوآورانه سازمان‌ها تأکید دارد.آمایا و همکاران[۱] (۲۰۲۲)، نیز به مانند اکثر کارهای مشابه نقش منابع داخلی و سرمایه فکری در ایجاد مزیت رقابتی در سازمان‌های دانش‌بنیاد در بازارهای نوظهور را بررسی نمودند. نتایج این تحقیق نشان داد که در چارچوب **VRIO** (ارزش، نادر بودن، تقلیدپذیری و سازمان)، کارخانه و تجهیزات و دانش فنی آن، منابعی هستند که به دلیل ویژگی‌هایشان سبب ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان می‌شوند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که دیدگاه مبتنی بر هماهنگی منابع تقریب خوبی برای ایجاد مزیت رقابتی فراهم می‌کند.

در جدول ۲ مبنای طراحی پرسشنامه پژوهشی یعنی سوالات و فرضیه های تحقیقی در کنار یکدیگر آورده شده است.

---

۶-Amaya

**جدول(۲) ـ سوالات و فرضیه های پژوهشی**

| سوالات پژوهشی | فرضیه های پژوهشی |
|---|---|
| **سوال اصلی** | **فرضیه اصلی** |
| آیا مدیریت دانش و سرمایه فکری (از دیدگاه هماهنگ‌سازی منابع) بر نوآوری و مزیت رقابتی با در نظر گرفتن نقش یادگیری سازمان و استراتژی تمایز اثر دارد؟ | مدیریت دانش و سرمایه فکری (از دیدگاه هماهنگ‌سازی منابع) بر نوآوری و مزیت رقابتی با در نظر گرفتن نقش یادگیری سازمان و استراتژی تمایز تاثیر مثبت و معنادار دارد. |
| **سوالات فرعی** | **فرضیه‌های فرعی** |
| ۱-آیا سرمایه فکری برمزیت رقابتی تاثیر دارد؟ | ۱-سرمایه فکری تاثیر معناداری برمزیت رقابتی دارد |
| ۲- آیا سرمایه فکری تاثیری بر نوآوری دارد ؟ | ۲-سرمایه فکری تاثیر معناداری بر نوآوری دارد |
| ۳- آیا مدیریت دانش تاثیری بر مزیت رقابتی دارد ؟ | ۳-مدیریت دانش تاثیر معناداری بر مزیت رقابتی دارد |
| ۴- آیا مدیریت دانش تاثیری بر نوآوری دارد ؟ | ۴-مدیریت دانش تاثیر معناداری بر نوآوری دارد |
| ۵- آیا استراتژی تمایز تاثیری بر مزیت رقابتی دارد ؟ | ۵ -استراتژی تمایز تاثیر معناداری بر مزیت رقابتی دارد |
| ۶- آیا مدیریت دانش تاثیری بر یادگیری سازمانی دارد ؟ | ۶ -مدیریت دانش تاثیر معناداری بر یادگیری سازمانی دارد |
| ۷- آیا یادگیری سازمانی تاثیری بر نوآوری دارد ؟ | ۷ -یادگیری سازمانی تاثیر معناداری بر نوآوری دارد |
| ۸. آیا نوآوری تاثیری براستراتژی تمایز دارد؟ | ۸- نوآوری تاثیر معناداری براستراتژی تمایز دارد |
| ۹. آیا یادگیری سازمانی تاثیر معناداری بر مزیت رقابتی دارد؟ | ۹- یادگیری سازمانی تاثیر معناداری بر مزیت رقابتی دارد |

## ۳ ـ روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی به شمار می‌رود و از نظر روش جزء تحقیقات پیمایشی و میدانی است، برای تجزیه و تحلیل آماری از محاسبات پایایی، روایی، نرمال بودن توزیع داده‌ها، ضریب تاثیر سوالات و ضرایب مسیر بین متغیرهای مسئله مد نظر استفاده شد. برای بررسی پایایی از آزمون آلفای کرونباخ، برای بررسی روایی تحقیق از ماتریس فورنل و لارکر در نرم افزار **SMART-PLS** ، برای بررسی توزیع نرمال داده‌ها از محاسبه کشیدگی و چولکی[۱] و جهت سنجش میزان تاثیر گویه‌ها و جهت سنجش فرضیات مسئله از آزمون ضریب تاثیر، ضریب مسیر و آماره تی استفاده شد.

### ۳ـ۱ـ جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری تحقیق کارکنان دانشگاه پیام نور بندرعباس درنظر گرفته شد که تعداد ۲۵۰ نفر را شامل می‌شوند. برای تعیین حجم نمونه نیز از جدول کرسی مورگان[۲] استفاده شد که نمونه آماری برابر با ۱۵۲ نفر به دست آمد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد و بین کارکنان دانشگاه پیام نور بندرعباس پرسشنامه توزیع شد و داده‌ها جهت تجزیه و تحلیل در نرم افزارهای آماری آماده گردید. در مجموع تعداد ۱۷۰ پرسشنامه توزیع گردید با توجه به عدم عودت پرسشنامه‌ها و مخدوش بدون برخی از آن‌ها و همچنین عدم دقت در پر کردن برخی از پرسشنامه‌ها در نهایت تعداد ۱۵۲ مورد جهت تحلیل آماری انتخاب شد.

### ۳ـ۲ـ ابزار پژوهش

پرسشنامه مورد استفاده به صورت پرسشنامه استاندارد بود که از کار رحمان و برسیانی (۲۰۲۱) استخراج شد.

این پرسشنامه دارای ۴۳ گویه است که متغیرهای یادگیری سازمانی (۴ گویه)، سرمایه فکری (۹ گویه)، استراتژی تمایز (۴ گویه)، مزیت رقابتی (۴ گویه)، نوآوری (۵ گویه) و مدیریت دانش

---

۱-Courtesies & Skewness

۲-Morgan Krejcie

(۱۷ گویه) را شامل می‌شود در کار رحمان و برسیانی هرکدام از این متغیرها از منابع مختلفی استخراج شده است که شرح منابع و مراجع مورد استفاده در کار رحمان و برسیانی به تفکیک متغیرهای پرسشنامه در جدول ۳ اورده شده است:

**جدول(۳) ـ متغیرهای پرسشنامه و منابع مورد استفاده**

| عنوان متغیر | مرجع مورد استفاده |
|---|---|
| یادگیری سازمانی | کیانتو و همکاران۱ (۲۰۱۰) |
| سرمایه فکری | کیانتو و همکاران (۲۰۱۰) ، بونتیس۲ (۱۹۹۸) ، سابرامانیام۳ (۲۰۰۵) |
| استراتژی تمایز | نارور۴ (۱۹۹۰) |
| مزیت رقابتی | وو و چن۵ (۲۰۱۲) |
| نوآوری | هارلی و هالت۶ (۱۹۹۸) |
| مدیریت دانش | گلد و همکاران۷ (۲۰۰۱) |

## ٤ ـ یافته‌های پژوهش

در این تحقیق با نمونه آماری ۱۵۲ نفر از کارکنان دانشگاه پیام نور بندرعباس فرضیات مسئله

---

۱-Kianto
۲-Bontis
۳-Subramaniam
٤-Narver
٥-Wu and Chen
٦-Hurley and Hult
۷-Gold

بررسی شد .۵۳ درصد شرکت کنندگان مرد و ۴۷ درصد زن بودند، ۲۱ درصد دارای تحصیلات کاردانی ۵۸ درصد کارشناسی ۱۴ درصد کارشناسی ارشد و ۷ درصد دارای تحصیلات دکتری بودند، ۱۵ درصد پرسش شوندگان دارای سن زیر ۳۰ سال ۳۶ درصد بین ۳۰ الی ۴۰ سال ۳۵ درصد بین ۴۰ الی ۵۰ سال و ۱۴ درصد بیش از ۵۰ سال سن داشتند.

## ٤ـ۱ـ پایایی ابزار اندازه‌گیری

دراین تحقیق، از روش آلفای کرونباخ جهت اندازه‌گیری پایائی استفاده شده است به‌منظور سنجش سطح پایایی پرسشنامه، ازپایایی همسانی درونی، روش آلفای کرونباخ برای سوالات پرسشنامه به‌عنوان پایایی اولیه و مقدماتی استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ یک ضریب محاسباتی پر کاربرد برای بررسی پایایی پرسشنامه ها و مقیاس ها است، که بر اساس آن می توان سازگاری درونی پرسشنامه یا مقیاس تحقیق را سنجید اندازه ضریب آلفا می تواند از منفی بی‌نهایت تا ۱+ باشد. در واقع هرچه رقم حاصله به +۱ نزدیکتر باشد پایایی تحقیق بالاتر خواهد بود. چنانچه در جدول ۴ مشاهده می شود ضریب آلفای کرونباخ ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرهای مسئله بیشتر از ۰.۷ می‌باشد که پایایی بالای مسئله تحقیق را تایید می‌نماید.

**جدول(٤) ـ ضرایب آلفای کرونباخ**

| عنوان متغیر نهان مسئله | تعداد گویه | ضریب آلفای کرونباخ |
|---|---|---|
| یادگیری سازمان | ۴ | ۰.۹۰۹ |
| سرمایه فکری | ۹ | ۰.۹۷۶ |
| استراتژی تمایز | ۴ | ۰.۹۸۶ |
| مزیت رقابتی | ۴ | ۰.۹۶۷ |
| نوآوری | ۵ | ۰.۹۵۵ |
| مدیریت دانش | ۱۷ | ۰.۹۸۸ |

## ٤ـ۲ـ روایی ابزار اندازه‌گیری

پس از پایایی، روایی مسئله نیز باید بررسی شود در این تحقیق برای بررسی روایی تشخیصی یا واگرا از ماتریس فورنر لارکز و نرم افزار **Smart PLS** استفاده شد. روایی تشخیصی یا روایواگرا به توانایی یک مدل برای تمایز بین سازه‌های مختلف اشاره دارد. اطمینان از روایی تشخیصی تضمین می‌کند که سازه‌های مدل به درستی از هم تمایز یافته‌اند و به طور واضح مفهوم

خاص خود را اندازه‌گیری می‌کنند. در مدل سازی معادلات ساختاری، روایی تشخیصی به معنای متمایز بودن سازه‌ها از یکدیگر است. به عبارت دیگر، هر سازه باید به طور منحصر به فرد و متفاوت از سایر سازه‌ها اندازه گیری شود. در صورتی که دو یا چند سازه با هم همبستگی بسیار بالایی داشته باشند، ممکن است به جای سازه‌های جداگانه، یک مفهوم واحد را اندازه گیری کنند، که این مسئله باعث کاهش اعتبار مدل می‌شود. برای اطمینان از روایی تشخیصی، هر شاخص باید همبستگی بالاتری با سازه خود داشته باشد و همبستگی آن با سایر سازه‌ها کم باشد. در این ماتریس اگر مقادیر آرایه‌های قطر اصلی از مقادیر متناظر مربوط به سایر پارامترها بیشتر باشد روایی مسئله مورد تایید می‌باشد در جدول ۵ مقادیر مربوط به این آزمون آورده شده است. همان‌گونه که در جدول ۵ نیز نشان داده شده مقادیر مربوط به درایه‌های قطر اصلی ماتریس فورنل و لاکرز از مقادیر متناظر همان متغیر نهان با متغیرهای نهان دیگر بیشتر است که این مسئله استقلال متغیرهای مسئله و عدم وابستگی آن‌ها به یکدیگر را نشان می‌دهد.

**جدول(۵) ـ ماتریس فورنل لارکرز برای متغیرهای مسئله**

| | یادگیری سازمان | سرمایه فکری | استراتژی تمایز | مزیت رقابتی | نوآوری | مدیریت دانش |
|---|---|---|---|---|---|---|
| یادگیری سازمان | **۰.۹۶** | | | | | |
| سرمایه فکری | ۰.۵۶ | **۰.۹۲۵** | | | | |
| استراتژی تمایز | ۰.۶۸ | ۰.۸۲ | **۰.۹۱** | | | |
| مزیت رقابتی | ۰.۵۹ | ۰.۶۳ | ۰.۶۴ | **۰.۹۷** | | |
| نوآوری | ۰.۷۹ | ۰.۵۷۱ | ۰.۸۱ | ۰.۶۴ | **۰.۹۵۱** | |
| مدیریت دانش | ۰.۸۱ | ۰.۶۳۲ | ۰.۷۳ | ۰.۶۲۱ | ۰.۵۶۱ | **۰.۸۹** |

### ٤ـ۳ـ بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها

برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون‌های مختلفی می‌توان استفاده نمود، یکی از آزمون‌هایی که برای سنجش نرمال بودن داده‌های طیف لیکرت کاربرد زیادی دارد روش تحلیل کشیدگی و چولگی می‌باشد. چولگی و کشیدگی داده‌ها دو آزمون آماری برای ارزیابی میزان پراکندگی فراوانی داده‌ها بوده و برای بررسی نرمال بودن توزیع استفاده می‌شوند. کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر ۳ می‌باشد. کشیدگی مثبت یعنی قله توزیع مورد نظر از توزیع نرمال بالاتر و کشیدگی منفی نشانه پایین تر بودن قله از توزیع نرمال است. برای مثال در توزیع **t** که پراکندگی داده‌ها بیشتر از توزیع نرمال است، ارتفاع منحنی کوتاه تر از منحنی نرمال است**.** چولگی در آمار نشان دهنده میزان عدم تقارن توزیع احتمالی است. اگر داده‌ها نسبت به میانگین متقارن باشند، چولگی برابر صفر خواهد بود**.**چولگی یک توزیع کاملاً متقارن برابر صفر است، یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر، چولگی مثبت دارد **,** یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچکتر، چولگی منفی دارد**.** در خروجی آزمون چولگی و کشیدگی داده‌ها با **SPSS**میزان خطای استاندارد نیز قابل مشاهده است. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها باید «نسبت چولگی» و «نسبت کشیدگی» را حساب کنید. این نسبت از تقسیم چولگی و کشیدگی بر خطای استاندارد آن قابل محاسبه است. اگر عدد حاصل در بازه [۲ و ۲-] قرار گیرد، می‌توان توزیع داده‌ها را نرمال در نظر گرفت**.** برای یک توزیع کاملاً متقارن چولگی صفر و برای یک توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر بالاتر چولگی مثبت و برای توزیع نامتقارن با کشیدگی به سمت مقادیر کوچکتر مقدار چولگی منفی است**.**

جدول ۶ نتایج مربوط به این آزمون آورده شده است. همانطور که در جدول ۶ نشان داده شده مقادیر مربوط به **Z** چولگی و کشیدگی برای تمامی گویه‌های مسئله در بازه [۲ ، ۲-] قرار دارد این موضوع توزیع نرمال داده‌ها را به اثبات می‌رساند بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای تحلیل مسئله استفاده نمود.

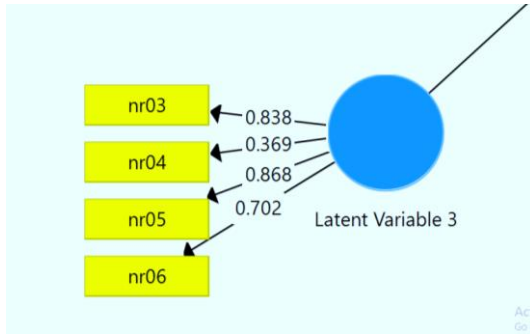
**جدول(٦) ـ نتایج آزمون کشیدگی و چولگی**

| عنوان سوال | چولگی | انحراف استاندارد چولگی | کشیدگی | انحراف استاندارد کشیدگی |
|---|---|---|---|---|
| A۱ | ۲۰۴/۱- | ۶۸۷/۰ | ۱۴۱/۰ | ۳۳۴/۱ |
| A۲ | ۶۱۰/۰- | ۶۸۷/۰ | ۱۵۷/۰- | ۳۳۴/۱ |
| A۳ | ۷۹۲/۱- | ۶۸۷/۰ | ۳۹۳/۳ | ۳۳۴/۱ |
| A۴ | ۷۰۹/۱- | ۶۸۷/۰ | ۷۱۱/۳ | ۳۳۴/۱ |
| B۱ | ۳۲۳/۱- | ۶۸۷/۰ | ۸۱۶/۲ | ۳۳۴/۱ |
| B۲ | ۷۱۸/۱- | ۶۸۷/۰ | ۴۱۸/۳ | ۳۳۴/۱ |
| B۳ | ۳۳۸/۱- | ۶۸۷/۰ | ۸۶۴/۱ | ۳۳۴/۱ |
| B۴ | ۱۵۶/۱- | ۶۸۷/۰ | ۲۰۱/۰ | ۳۳۴/۱ |
| B۵ | ۶۹۱/۱- | ۶۸۷/۰ | ۸۶۴/۱ | ۳۳۴/۱ |
| B۶ | ۳۹۹/۱- | ۶۸۷/۰ | ۲۰۸/۱ | ۳۳۴/۱ |
| B۷ | ۰۸۵/۱- | ۶۸۷/۰ | ۹۱۴/۰ | ۳۳۴/۱ |
| B۸ | ۲۴۱/۱- | ۶۸۷/۰ | ۹۴۶/۰ | ۳۳۴/۱ |
| B۹ | ۰۸۵/۱- | ۶۸۷/۰ | ۲۶۵/۰ | ۳۳۴/۱ |
| C۱ | ۰۹۴/۱- | ۶۸۷/۰ | ۰۴۳/۰ | ۳۳۴/۱ |
| C۲ | ۸۶۶/۰- | ۶۸۷/۰ | ۵۶۷/۰- | ۳۳۴/۱ |
| C۳ | ۸۴۸/۰- | ۶۸۷/۰ | ۴۰۱/۰- | ۳۳۴/۱ |
| C۴ | ۰۸۵/۱- | ۶۸۷/۰ | ۲۶۵/۰ | ۳۳۴/۱ |
| D۱ | ۸۰۱/۰- | ۶۸۷/۰ | ۳۷۸/۰- | ۳۳۴/۱ |
| D۲ | ۳۹۱/۱- | ۶۸۷/۰ | ۸۴۲/۰ | ۳۳۴/۱ |
| D۳ | ۶۳۲/۰- | ۶۸۷/۰ | ۸۹۵/۰- | ۳۳۴/۱ |
| D۴ | ۸۸۹/۰- | ۶۸۷/۰ | ۱۶۰/۰- | ۳۳۴/۱ |
| E۱ | ۳۵۸/۱- | ۶۸۷/۰ | ۶۸۸/۰ | ۳۳۴/۱ |
| E۲ | ۱۵۶/۱- | ۶۸۷/۰ | ۲۰۱/۰ | ۳۳۴/۱ |
| E۳ | ۸۵۹/۰- | ۶۸۷/۰ | ۹۱۲/۰- | ۳۳۴/۱ |
| E۴ | ۲۴۱/۱- | ۶۸۷/۰ | ۹۴۶/۰ | ۳۳۴/۱ |
| E۵ | ۲۴۱/۱- | ۶۸۷/۰ | ۹۴۶/۰ | ۳۳۴/۱ |
| F۱ | ۰۹۱/۰- | ۶۸۷/۰ | ۴۹۸/۱ | ۳۳۴/۱ |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| F۲ | ۷۱۸/۱- | ۶۸۷/۰ | ۴۱۸/۳ | ۳۳۴/۱ |
| F۳ | ۷۳۸/۰- | ۶۸۷/۰ | ۸۷۸/۰- | ۳۳۴/۱ |
| F۴ | ۴۳۱/۰- | ۶۸۷/۰ | ۴۶۱/۱- | ۳۳۴/۱ |
| F۴ | ۰۷۶/۲- | ۶۸۷/۰ | ۰۵۹/۴ | ۳۳۴/۱ |
| F۵ | ۸۶۳/۰- | ۶۸۷/۰ | ۵۲۲/۰- | ۳۳۴/۱ |
| F۶ | ۱۵۶/۱- | ۶۸۷/۰ | ۲۰۱/۰ | ۳۳۴/۱ |
| F۷ | ۰۸۵/۱- | ۶۸۷/۰ | ۲۶۵/۰ | ۳۳۴/۱ |
| F۸ | ۶۱۰/۰- | ۶۸۷/۰ | ۱۵۷/۰- | ۳۳۴/۱ |
| F۹ | ۸۷۱/۰- | ۶۸۷/۰ | ۵۱۳/۰- | ۳۳۴/۱ |
| F۱۰ | ۶۴۳/۰- | ۶۸۷/۰ | ۴۴۹/۱- | ۳۳۴/۱ |
| F۱۱ | ۵۶۶/۰- | ۶۸۷/۰ | ۰۰۱/۱- | ۳۳۴/۱ |
| F۱۲ | ۶۴۳/۰- | ۶۸۷/۰ | ۴۴۹/۱- | ۳۳۴/۱ |
| F۱۳ | ۰۹۴/۱- | ۶۸۷/۰ | ۰۴۳/۰ | ۳۳۴/۱ |
| F۱۴ | ۹۱۳/۱- | ۶۸۷/۰ | ۶۰۷/۳ | ۳۳۴/۱ |
| F۱۵ | ۴۳۱/۰- | ۶۸۷/۰ | ۴۶۱/۱- | ۳۳۴/۱ |
| F۱۶ | ۲۵۳/۱- | ۶۸۷/۰ | ۰۳۷/۰- | ۳۳۴/۱ |
| F۱۷ | ۲۰۴/۱- | ۶۸۷/۰ | ۱۴۱/۰ | ۳۳۴/۱ |

## ٤ـ٤ـ ضریب تاثیر

در این تحقیق این آزمون‌ها به کمک نرم‌افزار **Smart-PLS** انجام شد. به‌طور کلی تحلیل عاملی جهت پی بردن به متغیرهای زیر بنایی یک پدیده یا اطمینان از گویه‌های سنجش عوامل (سوالات پرسشنامه) استفاده می‌شود. داده‌های اولیه برای فاکتور آنالیز، ماتریس همبستگی بین متغیرها است. در این روش، متغیرهای وابسته وجود ندارد و هدف بررسی روابط متغیرهای پنهان نیست. بلکه هدف بررسی و تعیین رابطه متغیر پنهان و آشکار است. به بیان واضح‌تر محاسبه بارهای عاملی میزان تأثیر هر سوال بر متغیر پنهان تحقیق را نشان می‌دهد. در شکل نمونه‌ای از بارهای عاملی محاسبه شده در نرم‌افزار **Smart Pls** نشان داده شده است(حبیبی، ۱۴۰۱).




**شکل(۲) ـ بارهای عاملی گویه‌ها در نرم‌افزار smart Pls**

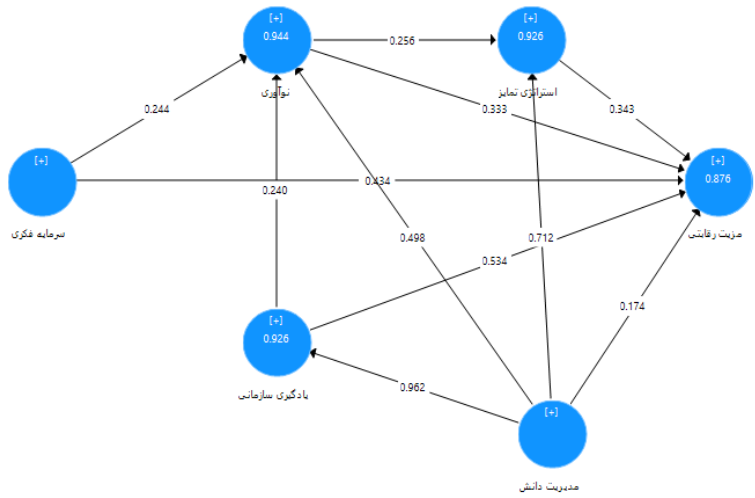
## ٤ـ٥ ـ تحلیل مسیر

تحلیل مسیر[۱] روشی آماری مبتنی بر تحلیل رگرسیون چند متغیری است که برای سنجش روابط متغیرها در یک مدل علّی استفاده می‌شود. در این روش از ضریب بتای استاندارد رگرسیون جهت تعیین جهت و شدت روابط میان متغیرها استفاده می‌شود. مقدار آماره تی نیز معناداری روابط را نشان می‌دهد. هدف تحلیل مسیر به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. تحلیل مسیر جهت و شدت روابط متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. مقادیری که جهت و میزان تأثیر میان متغیرها را نشان می‌دهند ضریب مسیر نامیده می‌شوند و با به صورت قراردادی با حرف بتای لاتین $\beta$ نمایش داده می‌شوند. در ارتباط با ضریب مسیر و آماره تی ، اگر ضریب مسیر مثبت و آماره تی از ۱.۹۶ بزرگتر باشد رابطه مثبت و معنا دار است و اگر ضریب مسیر منفی و آماره تی از ۱.۹۶- کوچکتر باشد رابطه منفی و معنادار است. در جدول ۷ این ارقام به صورت مجزا نشان داده شده است.

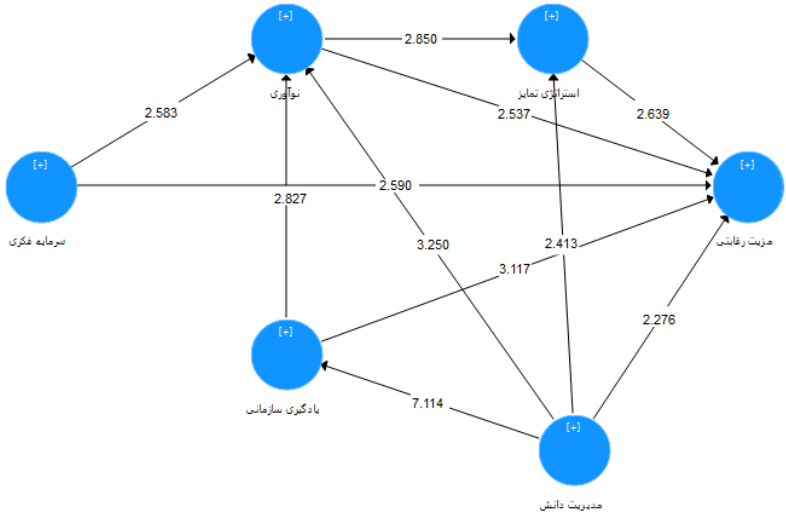
۱-Path analysis

**جدول(۷) ـ ضریب مسیر و آماره t مربوط به فرضیات تحقیق**

| مسیر | ضریب مسیر | آماره t |
|---|---|---|
| سرمایه فکری – مزیت رقابتی | ۰.۴۳۴ | ۲.۵۹ |
| سرمایه فکری - نوآوری | ۰.۲۴۴ | ۲.۵۸۳ |
| مدیریت دانش – مزیت رقابتی | ۰.۱۷۴ | ۲.۲۷۶ |
| مدیریت دانش - نوآوری | ۰.۴۹۸ | ۳.۲۵ |
| استراتژی تمایز – مزیت رقابتی | ۰.۳۴۳ | ۲.۶۳۹ |
| مدیریت دانش – یادگیری سازمانی | ۰.۹۶۲ | ۷.۱۱۴ |
| یادگیری سازمانی - نوآوری | ۰.۲۴۰ | ۲.۸۲۷ |
| نوآوری – استراتژی تمایز | ۰.۲۵۶ | ۲.۸۵ |
| یادگیری سازمانی – مزیت رقابتی | ۰.۵۳۴ | ۳.۱۱۷ |
| مدیریت دانش – استراتژی تمایز | ۰.۷۱۷ | ۲.۴۱۳ |
| نوآوری – مزیت رقابتی | ۰.۳۳۳ | ۲.۵۳۷ |




**شکل (۳) ـ ضریب مسیر بین متغیرهای مسئله**




**شکل (٤) ـ آماره t مربوط به سوالات**

## ۵ـ نتیجه گیری و تحلیل

در فرضیه اول تاثیر سرمایه فکری بر مزیت رقابتی بررسی شد. بر اساس تحلیل صورت گرفته ضریب مسیر بین این دو متغیر برابر ۰.۴۳۴ به دست آمد این موضوع نشان می‌دهد به ازای بهبود شاحص سرمایه فکری سازمان به اندازه انحراف معیار ۱ واحد مزیت رقابتی سازمان به اندازه ۰.۴۳۴ واحد بهبود می‌یابد. بختیاری (۱۴۰۲) و رحمان و برسیانی[۱] (۲۰۲۲) ، این رابطه را از طریق متغیر میانجی نوآوری سنجیده اند. در واقع ابتدا اثر سرمایه فکری بر نوآوری و سپس اثر نوآوری بر مزیت رقابتی را مورد بررسی قرار داده است. اما، آمایا و همکاران[۲] (۲۰۲۲) اثر مستقیم این رابطه را نشان داد. بهرحال رویکرد های مستقیم و غیرمستقیم سنجش اثرات متغیرها بر یکدیگر ضمن تکمیل ادبیات روش تحقیق، چالشهای جدیدی را در خصوص اعتبارسنجی قطعی اثرات رفتاری سازمانها در محیط رقابتی مطرح می کنند. سرمایه فکری (دانش تجارب، فناوری‌ها و ...) در هر سازمان با شناسایی نیازهای جدید زمینه را برای ایجاد نوآوری در سازمان فراهم می‌کند. سرمایه فکری از یک طرف با بررسی و پایش دقیق شرایط بیرونی و درونی در یک سازمان نیازهای مربوط به ایجاد نوآوری در محصولات و خدمات را شناسایی می‌کند و از دیگر سو با مدیریت دانش، تجربیات و فناوری‌ها امکان ایجاد محصولات و خدمات جدید و نوآورانه در سازمان را فراهم می‌کند و به این ترتیب بر نوآوری در سازمان تاثیر می‌گذارد.

در فرضیه دوم تاثیر سرمایه فکری بر نوآوری در سازمان بررسی شد. بر اساس بررسی صورت گرفته ضریب مسیر بین این دو متغیر برابر با ۰.۲۴۴ به دست آمد این موضوع نشان می‌دهد به ازای بهبود شاخص سرمایه فکری سازمان به اندازه انحراف معیار ۱ واحد، نوآوری (در سازمان مورد بررسی در این تحقیق) به اندازه ۰.۲۴۴ واحد بهبود می‌یابد. نتایج این بخش از تحقیق با نتایج بختیاری، باکوئرو، جوردائو، رحمان و برسیانی و حنیفه و همکاران همراستا می‌باشد. مدیریت دانش شامل مجموعه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مختلفی است که وظایف اشتراک، درونی‌سازی، برونی سازی، توسعه، تبدیل و کاربردی سازی دانش در سازمان را بر عهده دارد، مدیریت دانش با دریافت به موقع داده‌ها و اطلاعات و پردازش آن‌ها از یک سو شناخت صحیح

---

۱-Rahman & Beresiani

۲-Amaya

و به موقع تحولات درونی و بیرونی سازمان را فراهم می‌سازد و از دیگر سو زمینه را برای رشد علمی و فنی کارکنان و توسعه فناوری‌ها و توانمندی‌های سازمان را فراهم می‌کند مجموعه این عوامل به ایجاد مزیت رقابتی در سازمان منجر می‌شود.

در فرضیه سوم تاثیر مدیریت دانش بر مزیت رقابتی در سازمان بررسی شد. ضریب مسیر برای رابطه این متغیر برابر ۰.۱۷۴ به دست آمد که نشان می‌دهد به ازای بهبود وضعیت مدیریت دانش سازمان به اندازه انحراف استاندارد ۱ واحد مزیت رقابتی در سازمان به ازای ۰.۱۷۴ واحد بهبود می‌یابد. نتایج این بخش از تحقیق با نتایج بختیاری، قلی پور و بهروزی، رودساز و نقوی، قوی پنجه و روزبهانی، جوردائو و همکاران، رحمان و برسیانی و آمایا و همکاران همراستا است. البته در تبیین پایین بودن رقم ضریب تاثیر مدیریت دانش بر مزیت رقابتی (۰.۱۷۴)بایستی توجه نمود که برخی اوقات میزان اثرگذاری عملی متغیرها بر همدیگر از طریق متغیرهای واسطه نمود می یابد. در این رابطه نیز با تفسیر اثرگذاری مدیریت دانش بر مزیت رقابتی از طریق متغیر اصلی این پژوهش یعنی یادگیری سازمانی، می توان تفسیر بهتری ارائه نمود. چنانچه در شکل۳ مشاهده می شود تاثیر مدیریت دانش بر یادگیری سازمانی برابر با ۰.۹۶۲ و نیز میزان اثر یادگیری سازمانی بر مزیت رقابتی برابر با ۰.۵۳۴ است. این نوع اثرسنجی که در واقع همان تاثیر غیرمستقیم است از حاصل ضرب دو مقدار عددی یاد شده برابر با ۰.۵۱ به دست می آید که عدد نسبتا بالایی می باشد. به هر روی، تسهیم، درونی‌سازی، ترکیب و توسعه دانش و مهارت‌ها نقش مهمی در خلق و توسعه ایده‌های جدید در سازمان دارد مدیریت دانش، با ایجاد تعامل و تبادل دانش و تجربیات بین کارکنان زمینه را برای خلق ایده و همفکری در بین کارکنان فراهم می‌کند و از طرفی با ترکیب و توسعه دانش به تولید ایده، محصول و خدمات جدید در سازمان منجر می‌شود.

در فرضیه چهارم تاثیر مدیریت دانش بر نوآوری در سازمان بررسی شد. ضریب مسیر مربوط به این متغیر برابر ۰.۴۹۸ به دست آمد که نشان می‌دهد به ازای بهبود شاخص مدیریت دانش در سازمان به ازای انحراف معیار ۱ واحد وضعیت نوآوری در سازمان به اندازه ۰.۴۹۸ واحد بهبود می‌یابد نتایج این بخش از تحقیق با نتایج نعمتی، قوی پنجه و روزبهانی، باکوئرو و همکاران، جوردائو و همکاران، عباس و ژانگ، رحمان و برسیانی و حنیفه و همکاران همراستا می‌باشد. استراتژی تمایز به این معنا است که سازمان خدمات یا محصولاتی ارائه نماید که در بازار منحصر

به فرد باشد و سایر رقبا امکان ارائه محصول یا خدمات مشابه را نداشته باشند این تمایز می‌تواند ناشی از طراحی، تصویر ذهنی برند، تکنولوژی، امکانات و قابلیت‌ها، خدمات مشتریان، شبکه فروش یا شبکه توزیع و یا سایر ابعاد شرکت یا سازمان باشد بدیهی است متمایز بودن شرکت و سازمان نسبت به سایر رقبا به ایجاد مزیت رقابتی برای ان سازمان منجر می‌شود.

در فرضیه پنجم تاثیر استراتژی تمایز بر ایجاد مزیت رقابتی بررسی شد. ضریب مسیر بین این دو متغیر برابر ۰.۳۴۳ به دست امد که نشان می‌دهد به ازای بهبود وضاخص استراتژی تمایز سازمان به اندازه انحراف معیار ۱ واحد وضعیت مزیت رقابتی آن به اندازه ۰.۳۴۳ واحد بهبود می‌یابد نتایج این بخش از تحقیق با نتایج رحمان و همکاران، باکوئرو و همکاران و بنی و همکاران همراستا است. مدیریت دانش به عنوان یک عامل توانمندساز برای یادگیری سازمانی به شمار می‌رود؛ مدیریت دانش قابلیت‌های گسترده‌ای را برای کسب، ذخیره، توزیع و به‌کارگیری دانش در اختیار سازمان‌ها قرار می‌دهد. این فعالیت‌ها به دلیل افزایش پاسخگویی سازمانی ، فعالیت‌هایی بنیادی محسوب می‌شوند و این مسئله از جهت سازگاری مداوم با محیط‌های آشفته و رقابتی برای سازمان ضروری است. فناوری اطلاعات هم در سطح فردی و هم در سطح سازمانی بر یادگیری تأثیر داشته، ایجاد دانش را تسهیل می‌کند و درنهایت سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا قابلیت‌ها را بهبود بخشند و عملکردها را برای مقابله با تغییرات پیش‌رو ارتقا دهند.

در فرضیه ششم تاثیر مدیریت دانش بر یادگیری سازمانی بررسی شد ضریب مسیر برای این فرضیه برابر با ۰.۹۶۲ به دست امده که تاثیر بسیار بالای مدیریت دانش بر یادگیری سازمان را نشان می‌دهد به ازای بهبود شاخص مدیریت دانش به اندازه انحراف استاندارد ۱ واحد وضعیت یادگیری سازمان به اندازه ۰.۹۶۲ واحد بهبود می‌یابد نتایج این بخش از تحقیق با نتایج تحقیق قلی پور و بهروزی، قوی پنجه و روزبهانی، باکوئرو و همکاران، فریرا و همکاران و عباس و ژانگ همراستا است. یکی از عوامل تاثیرگذار بر سطح نوآوری در سازمان‌ها، میزان اطلاعات و دانش موجود در سازمان است، زیرا محیط غنی از اطلاعات عامل تسهیل کننده خلاقیت و نوآوری است. می‌توان گفت سازمان‌هایی خلاق و نوآور خواهند بود که شرایط کسب، توزیع و تفسیر اطلاعات و دانش را فراهم کرده، حافظ و تقویت‌کننده این شرایط باشند. در حقیقت، نوآوری با مفهوم یادگیری گره خورده است. یادگیری سازمانی عاملی بنیادی برای خلاقیت و نوآوری به شمار می‌رود.

در فرضیه هفتم تاثیر یادگیری سازمانی بر نوآوری در سازمان بررسی شد. ضریب مسیر بیم این دو متغیر برابر ۰.۲۴۲ واحد به دست آمد که نشان می‌دهد به ازای بهبود شاخص یادگیری سازمانی به اندازه انحراف معیار یک واحد نوآوری سازمانی به اندازه ۰.۲۴۲ واحد بهبود می‌یابد نتایج این بخش از تحقیق با نتایج تحقیق قلی پور و بهروزی، رودساز و نقوی، باکوئرو و همکاران، جوردائو و همکاران، فریرا و همکاران، عباس و ژانگ و رحمان و همکاران همراستا است. نوآوری یک نیاز اساسی شرکت‌ها در فضای رقابتی به شمار می‌رود و به عنوان شناسایی ایده‌های خلاقانه و صحیح جهت ایجاد و خلق محصولات و خدمات جدید شناخته می‌شود فرآیند نوآوری سبب متمایز شدن شرکت نسبت به سایر رقبا می‌شود و به ایجاد مزیت رقابتی و استقرار استراتژی تمایز در سازمان کمک می کند.

در فرضیه هشتم تاثیر نوآوری بر استراتژی تمایز بررسی شد. ضریب مسیر برای متغیرهای این فرضیه برابر با ۰.۲۵۶ واحد به دست آمد که نشان می‌دهد به ازای بهبود شاخص نوآوری در سازمان به اندازه انحراف معیار ۱ واحد استراتژی تمایز آن به اندازه ۰.۲۵۶ واحد بهبود می‌یابد نتایج این بخش از تحقیق با نتایج تحقیق رحمان و همکاران و باکوئرو و همکاران همراستا می‌باشد. یادگیری سازمانی با جستجو، کشف و ایجاد دانش جدید زمینه را برای نوآوری در محصول و خدمات فراهم می‌کند و سازمان را در کشف و شناخت نیازهای بازار و مشتریان و پاسخ صحیح به این نیازها کمک می کند مجموعه این عوامل به ایجاد مزیت رقابتی برای سازمان منجر می‌شود.

در فرضیه نهم تاثیر یادگیری سازمانی بر مزیت رقابتی در سازمان بررسی شد. ضریب مسیر بین این دو متغیر برابر با ۰.۵۳۴ به دست آمد که نشان می‌دهد به ازای بهبود شاخص یادگیری سازمان به اندازه انحراف معیار ۱ واحد مزیت رقابتی در سازمان به ازای ۰.۵۳۴ واحد بهبود می‌یابد نتایج این بخش از تحقیق با نتایج قلی پور و بهروزی، قوی پنجه و روزبهانی، باکوئرو و همکاران، فریرا و همکاران و رحمان و برسیانی همراستا است. با افزایش نقش دانش و نوآوری و اهمیت منابع دانشی، سازمان‌ها به طور مداوم به دنبال راهکارهایی کارآمد برای بهبود عملکرد خود و دستیابی به مزیت رقابتی پایدار هستند. ، مدیریت دانش به عنوان یکی از کلیدی‌ترین و مؤثرترین ابزارها، نقش مهمی در موفقیت سازمان‌ها در محیط رقابتی کسب و کار ایفا می‌کند. مدیریت

دانش، علاوه بر افزایش بهره‌وری، اشتراک‌گذاری اطلاعات و تجربیات را تسهیل کرده و نوآوری و خلاقیت را تقویت می‌کند.

در فرضیه دهم تاثیر مدیریت دانش بر استراتژی تمایز بررسی شد. بر اساس و ضریب مسیر بین این دو متغیر برابر با ۰.۷۱۷ واحد به دست آمد که نشان می‌دهد به ازای بهبود شاخص مدیریت دانش در سازمان به ازای انحراف استاندارد ۱ واحد شاخص استراتژی تمایز سازمان به میزان ۰.۷۱۷ واحد بهبود می‌یابد نتایج این بخش از تحقیق با نتایج رحمان و همکاران و باکوئرو و همکاران همراستا می‌باشد.

## ٦ ـ نوآوری پژوهش

در مقایسه با سایر پژوهشهایی که با متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق انجام گرفته است، پژوهش حاضر با توجه به اینکه در یک محیط آموزشی انجام یافته است یک جهت گیری علمی‌تر را در محور تحقیقاتی خود تعریف کرد و آن سنجش متغیر یادگیری سازمانی در مسیر نیل به مزیت رقابتی بود. در واقع بیشتر پژوهشهای مربوط به متغیرهای تحقیق حاضر یا از متغیر مدیریت دانش در مدل خود استفاده کرده اند یا اینکه ارتباطی را میان یادگیری سازمانی با نیل به مزیت رقابتی مورد سنجش قرار نداده اند. تحقیقاتی مانند بختیاری، مسعود(۱۴۰۲)، علیقلی و دیگران. (۱۳۹۹)، قلیپور و دیگران(۱۴۰۰)، قوی پنجه و دیگران. (۱۳۹۴) و نعمتی و دیگران. (۲۰۱۹) از این زمره هستند. شاید بتوان گفت مهمترین کار تحقیقی مرتبط با متغیرهای تحقیق حاضر، که اکثر متغیرهای آن را در بر دارد، کار رحمان و دیگران (۲۰۲۲) است. در اینجا به یافته های کار یادشده اشاره می شود تا مبنای دقیق تری برای اشاره به راهبرد نوآورانه پژوهش حاضر حاصل آید. شفیق رحمان، استفانو برسچیانی و خرم اشفاق در کار تحقیقی خود در صنعت تولید در پاکستان نشان دادند که سرمایه فکری و مدیریت دانش به طور قابل توجهی نوآوری و مزیت رقابتی را تعیین میکنند. علاوه بر این، نوآوری به طور قابل توجهی بین سرمایه فکری، مدیریت دانش و مزیت رقابتی میانجی‌گری می‌کند. همچنین، نوآوری به طور قابل توجهی مزیت رقابتی را تعیین می‌کند. استراتژیهای کسب و کار به طور قابل توجهی منجر به مزیت رقابتی شده و همزمان بین نوآوری و مزیت رقابتی واسطه‌گری می‌کنند. در واقع بایستی اذعان نمود که یادگیری سازمانی به عنوان عنصری مکنون در دایره ماموریتی و پویای یک دانشگاه نقطه برتری

و مزیت رقابتی آن در محیط متلاطم و رقابتی امروزین دنیا به شمار می رود. سازمان‌ها به ویژه دانشگاهها می‌توانند به عنوان یک سازمان یادگیرنده با توانایی انطباق سریع با تغییرات محیطی، در بازار رقابتی حضور مؤثرتری داشته باشند. مجموعه این عوامل به ایجاد تمایز بین سازمان با سایر رقبا منجر می‌شود و به استقرار استراتژی تمایز در سازمان کمک می‌کند.

## ۷ ـ محدودیت‌های پژوهشی

در کنار محدودیت زمانی انجام تحقیق که در واقع به صورت مقطعی و در یک بازه زمانی خاص انجام شده است، محدودیت جامعه آماری را می‌توان مهمترین محدودیت تحقیق حاضر در نظر گرفت. این تحقیق با جامعه آماری دانشگاه پیام نور بندرعباس انجام شده است. به دلیل محدودیت های مربوط به تردد، امکان توسعه جامعه آماری فراهم نبود. این نوع محدودیت، به طور ذاتی شامل محدودیت تک نهادی نیز است که شاید برخی اذهان را به سمت تعمیم های ضعیف مطالعات موردی سوق دهد. اما در واقع بایستی در نظر داشته باشیم که با وجود اینکه این محدودیت نیز به مانند سایر محدودیتهای بالقوه هر پژوهشی بخشی اجتناب ناپذیر از پیمایش هست، اما به هر روی پژوهش حاضر شامل نتایج و دستاوردهای جدیدی است که اقدام برای تکمیل آنها از طریق مطالعات تکمیلی می تواند گامی مهم در مسیر غنی سازی علمی ادبیات درنظر گرفته شود. در واقع این نوع تلاش در مسیر ورود به حوزه های نوین دستاوردی و نهایتا کاهش اثرات چنین محدودیتی در کمترین حالت نتیجه ای، ایجاد زمینه ورود به ابعاد جدیدتر و اشاعه جذابیتهای پژوهشی نوین خواهد بود. همچنین ممکن است برخی از افراد هنگام پر کردن پرسشنامه دقت کافی را در نظر نداشته باشند و بعضا پاسخ غیر واقعی داده باشند، برخی از پرسشنامه‌ها با تاخیر پر شد که می‌تواند بر دقت پاسخگویی به سوالات تاثیر گذاشته باشد. حداکثر تلاش برای کاهش این محدودیت نیز از طریق نظارت، پیگیری و شفافیت بخشی به فرایند پژوهش و تضمین ناشناس بودن پاسخ دهنده، همچنین یادآوری اهمیت صداقت به آنها انجام گرفت.

## ۸ ـ پیشنهادات عملی پژوهش‌های آینده

پیشنهاد می‌شود همین پژوهش با متغیرها و جامعه آماری یکسان در بازه‌های زمانی دیگری نیز در راستای تضمین و ارتقای پایایی تحقیق انجام شود. همچنین با توجه به اینکه تحقیق در محدوده شهر بندرعباس و با جامعه آماری دانشگاه پیام نور انجام شد پیشنهاد می‌شود جهت کاهش اثرات محدودیت تک نهادی، در محدوده جغرافیایی و سازمان‌های هدف توسعه داده شود. همچنین افزایش اندازه نمونه نیز می تواند قدرت تعمیم دهی نتایج را ارتقا دهد. بازبینی پرسشنامه تحقیق و معادلات ساختاری به کمک اساتید و صاحب‌نظران و در نظرگرفتن سایر مولفه‌ها و متغیرها در تحقیق می‌تواند به غنای آن کمک کند. به عنوان گامی خلاقانه در مسیر بهبود ادبیات، تحلیل کیفی متغیرهای تحقیق و نظر سنجی از صاحب‌نظران در کنار تحقیقات کمی صورت گرفته نیز پیشنهاد می گردد. نهایتا در مورد اثر مدیریت دانش بر مزیت رقابتی که ضریب مسیر مقدار نسبتا پایینی را نشان می دهد، پیشنهاد می گردد که سایر عوامل درونی یا بیرونی موثر در تعدیل آن رابطه مانند فناوری، ظرفیت و قابلیت توسعه، سیاستها و... به عنوان متغیر میانجی یا تعدیل گر مورد مطالعه قرار گیرد.

**منابع فارسی**


- بختیاری، مسعود(۱۴۰۲)، تأثیر سرمایه فکری و مدیریت دانش بر مزیت رقابتی با توجه به نقش میانجی نوآوری، **علوم و فنون مدیریت اطلاعات**، دوره ۹، شماره ۴، ۴۱۸-۳۸۵. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۹۱/stim.۲۰۲۳.۹۸۸۷.۲۰۰۴
- حمزوی، حسین (۱۴۰۳) بررسی نوآوری در سازمان، **دانشگاه علامه طباطبایی**، تهران، پایگاه داده سیویلیکا، https://civilica.com/note/۳۶۸۸/
- رخشانی جاوید (۱۳۹۴). مروری بر مفهوم مدیریت دانش در سازمان، **کنفرانس بین المللی مدیریت و اقتصاد در قرن ۲۱**، دانشگاه آزاد واحد اردبیل. https://civilica.com/doc/۵۰۸۶۹۹/
- رودساز، حبیب، سید نقوی، میرعلی، عبدلی مسینان. (۲۰۲۰). تاثیر نوآوری باز بر مزیت رقابتی با نقش میانجیگری مدیریت دانش. **مطالعات مدیریت صنعتی**، ۱۸(۵۹)، ۱۱۷-۱۵۰. https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۴/jims.۲۰۱۸.۲۶۳۲۳.۱۹۰۳
- علیقلی، منصوره، بازایی، قاسمعلی، و عسگری ماسوله، سعید. (۱۳۹۹). نقش مدیریت دانش و سرمایه‌های فکری در کسب مزیت رقابتی. **مدیریت کسب و کار**، ۲(۹)، ۲۵-۴۸. SID. https://sid.ir/paper/۲۳۷۸۱۰/fa
- قلیپور، وحید و بهروزی، ابوالفضل و غفوری، مسعود.(۱۴۰۰). نقش استراتژی‌های مدیریت دانش بر یادگیری سازمانی، **نوآوری سازمانی و تسهیم دانش در سازمان**،https://civilica.com/doc/۱۴۲۰۰۲۲
- قوی پنجه، مهدی، و سلیمانی روزبهانی، فاطمه. (۱۳۹۴). نقش و تاثیر مدیریت دانش در ایجاد مزیت رقابتی پایدار در سازمان‌ها. **کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت و مهندسی صنایع**. SID. https://civilica.com/doc/۴۳۵۱۵۸/
- نعمتی مریم، خدابخشی محمد، حیدری علی. (۲۰۱۹). ارتباط مدیریت دانش و مدیریت منابع انسانی و تاثیر آن بر مزیت رقابتی سازمان‌ها. https://sid.ir/paper/۸۹۹۳۳۲/fa
- یوسفی، ایمانی، لطفعلی‌زاده‌مهرآبادی، نیلوفر، موسوی، دکترزهراسادات. (۱۴۰۱). بررسی استراتژی‌های رشد در کسب وکار از نگاه پورتر و عوامل ایجاد مزیت در رقابت با سایر

شرکت. **کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته ای در مدیریت و مهندسی**، ۳(۳)، ۸۹۲-۹۱۰. **https://civilica.com/doc/**۱۱۷۸۷۸۳/

- Abbas, J., Zhang, Q., Hussain, I., Akram, S., Afaq, A., & Shad, M. A. (۲۰۲۰). Sustainable innovation in small medium enterprises: the impact of knowledge management on organizational innovation through a mediation analysis by using SEM approach. Sustainability, ۱۲(٦), ۲٤۰۷.

https://doi.org/۱۰.۳۳۹۰/su۱۲۰٦۲٤۰۷

- Amaya, N., Bernal-Torres, C. A., Nicolás-Rojas, Y. W., & Pando-Ezcurra, T. T. (۲۰۲٤). Role of internal resources on the competitive advantage building in a knowledge-intensive organisation in an emerging market. VINE Journal of Information and Knowledge Management Systems, ٥٤(٥), ۱۱٥۳-۱۱٦۹

https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/vjikms-۰۱-۲۰۲۲-۰۰۲۹

- Anderson ,James(۲۰۲۳), Innovation in business: Importance, benefits, & examples, IMD Institude , https://www.imd.org/blog/innovation/importance-of-innovation-in-business/
- Asiaei, K., Rezaee, Z., Bontis, N., Barani, O. and Sapiei, N.S., ۲۰۲۱. Knowledge assets, capabilities and performance measurement systems: a resource orchestration theory approach. Journal of Knowledge Management, ۲٥(۸), pp.۱۹٤۷-۱۹۷٦. https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/jkm-۰۹-۲۰۲۰-۰۷۲۱
- Baquero, A. (۲۰۲٤). Unveiling the path to green innovation: the interplay of green learning orientation, knowledge management capability and manufacturing firm's capability to orchestrate resources. Journal of Business & Industrial Marketing, ۳۹(۱۰), ۲۲۰٥-۲۲۲۱. https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/jbim-۰۸-۲۰۲۳-۰٤۸٦
- Barney, J.B. (۱۹۹۱), "Firm resources and sustained competitive advantage", Journal of Management, Vol.۱۷No.۱, pp.۹۹-۱۲۰. https://doi.org/۱۰.۱۱۷۷/۰۱٤۹۲۰٦۳۹۱۰۱۷۰۰۱۰۸
- Farida, I., & Setiawan, D. (۲۰۲۲). Business strategies and competitive advantage: the role of performance and innovation. Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity, ۸(۳), ۱٦۳.

https://doi.org/۱۰.۳۳۹۰/joitmc۸۰۳۰۱٦۳

- Ferreira, J., Cardim, S., & Coelho, A. (۲۰۲۱). Dynamic capabilities and mediating effects of innovation on the competitive advantage

and firm's performance: The moderating role of organizational learning capability. Journal of the Knowledge Economy,۱۲, ٦۲۰-٦٤٤. https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/s۱۳۱۳۲-۰۲۰-۰۰٦٥٥z

- Hanifah, H., Abd Halim, N., Vafaei-Zadeh, A., & Nawaser, K. (۲۰۲۲). Effect of intellectual capital and entrepreneurial orientation on innovation performance of manufacturing SMEs: mediating role of knowledge sharing. Journal of Intellectual Capital, ۲۳(٦), ۱۱۷٥-۱۱۹۸.

https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/jic-۰٦-۲۰۲۰-۰۱۸٦

- Jordão, R. V. D., Novas, J., & Gupta, V. (۲۰۲۰). The role of knowledge-based networks in the intellectual capital and organizational performance of small and medium-sized enterprises. Kybernetes, ٤۹(۱), ۱۱٦-۱٤۰. https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/k-۰٤-۲۰۱۹-۰۳۰۱
- Payal, R., Ahmed, S. and Debnath, R.M. (۲۰۱۹), "Impact of knowledge management on organizational performance", VINE Journal of Information and Knowledge Management Systems, Vol. ٤۹ No. ٤, pp. ٥۱۰-٥۳۰. https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/vjikms-۰۷-۲۰۱۸-۰۰٦۳
- Porter, M. E.(۱۹۸٥). The Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance. NY: Free Press. https://doi.org/۱۰.۱٥۹۰/s۰۰۳٤-۷٥۹۰۱۹۸٥۰۰۰۲۰۰۰۰۹
- Rehman, S. U., Bresciani, S., Ashfaq, K., & Alam, G. M. (۲۰۲۲). Intellectual capital, knowledge management and competitive advantage: a resource orchestration perspective. Journal of Knowledge Management, ۲٦(۷), ۱۷۰٥-۱۷۳۱. https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/jkm-۰٦-۲۰۲۱-۰٤٥۳
- Ssengonzi, C., Kogeda, O. P., & Olwal, T. O. (۲۰۲۲). A survey of deep reinforcement learning application in ٥G and beyond network slicing and virtualization. Array, ۱٤, ۱۰۰۱٤۲.

https://doi.org/۱۰.۱۰۱٦/j.array.۲۰۲۲.۱۰۰۱٤۲

- Xu, J., & Pero, M. E. P. (۲۰۲۳). A resource orchestration perspective of organizational big data analytics adoption: evidence from supply chain planning. International Journal of Physical Distribution & Logistics Management, ٥۳(۱۱), ۷۱-۹۷. https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/ijpdlm-۰٤-۲۰۲۲-۰۱۱۸

# Abstracts

**Quarterly Journal of Development Strategy, ۲۰۲٦, Vol. ۲۱, No٤ (٨٤), ٥٥١-٥٨٤**

# The Relationship between Economic Development and Mahdavi Justice

**Hasan Sobhani**[۱]
**Ali Zoghi**[۲]

## Abstract

In this article, the two categories of economic development and justice have been evaluated separately and the relationship between the two has been discussed in the context of Mahdavi society. The premise of this research is that in the developed society under the rule of Hazrat Mahdi, while we are faced with the abundance of production factors and the efficiency of economic institutions, the development presence of the government is manifested and through the mass production of goods and services that are under the protection of security caused by justice. It is possible to eliminate poverty, increase prosperity and economic development, and we can witness a fair distribution of wealth and income in the society. Therefore, neither from the epistemic aspect nor from the executive aspect, there is no separation between the realization of economic development and justice. The research question that seeks to find the balance between the two issues of development and justice in Mahdavi society is looking for the quality and quantity of this interaction. This search is in the style of documentary research or descriptive analytical method. The results show that the two issues of development and justice can be summed up, are in line and support each other. In fact, it can be said that the development of the same path-finding is aimed at justice in order to implement the rules of religion in the monotheistic society.

**Keywords:** Development, economic development, justice, Mahdavi society

---

[۱]- Professor, Faculty of Economics, University of Tehran (Responsible Author).
sobhanihs@ut.ac.ir
[۲]- PhD Student in Economics, University of Tehran.

# Analysis of Coopetition Strategies in Healthcare Supply Chain: A Mixed Approach of Thematic Analysis and Ordinal Priority

Esmaeil Mazroui Nasrabadi[۱]
Zahra Sadeqi-Arani[۲]

## Abstract

Coopetition strategy, or collaborative competition, can significantly mitigate challenges within the healthcare supply chain, such as shortages of expertise, equipment, raw materials, and necessary services. Despite its potential, the application of this strategy in the healthcare sector remains limited. Therefore, the present study was conducted to analyze coopetition strategies in the healthcare supply chain. This research employed a mixed-methods approach and was carried out in two phases. In the first phase, adopting a qualitative approach, coopetition strategies in the healthcare supply chain were identified through semi-structured interviews and thematic analysis. In the second phase, to identify the key strategies, the ordinal priority approach was utilized. The analysis of the data from the first phase of the research identified ۵۵ coopetition strategies. These strategies were categorized into ۱۱ overarching themes, namely: "Institutionalizing Ethics," "Knowledge Enhancement Strategies," "Regulatory Strategies," "Top-Down/Governmental Strategies", "Financial Strategies", "Culture Building", "Organizational Strategies", "Manager Characteristics", "Human Resource Strategies", "Legislative Strategies", and "Management Strategies". The results of ranking these strategies in the second phase of the research indicated that "Legislative Strategies", "Manager Characteristics", and "Organizational Strategies" held the first to third priorities, respectively. To implement these strategies

[۱]- Associate Professor, Department of Business Management, University of Kashan, Kashan, Iran. drmazroui@kashanu.ac.ir (Corresponding Author)
[۲] -Associate Professor, Department of Business Management, University of Kashan, Kashan, Iran.

effectively, it is necessary for upstream regulatory bodies to identify and remove the legal barriers to coopetition. Furthermore, appointing managers based on the competencies required for coopetition and providing necessary training in areas such as problem-solving and decision-making, data security, negotiation skills, and conflict resolution is essential.

**Keywords:** Coopetition Strategies, Healthcare Supply Chain, Thematic Analysis, Ordinal priority approach (OPA).

# The validity of legally determined opinions with an attitude to Article ٤٧٧ of the Criminal Procedure Code

Jafar Goldar[١]
Alireza Rajabzadeh Estahbanati [٢]
Alireza Mazloum Rahni [٣]

## Abstract

In today's era, the principle of the validity of sealed matter has been accepted in contemporary legal systems. Resumption of proceedings is one of the ways of protesting final decisions, which is foreseen in the civil procedure law and some other laws. Resumption of proceedings is one of the extraordinary ways of complaining about decisions and a way to refer to the branch that issued the definitive decision, and it is for the purpose of reversing the decision and compensating for errors and mistakes that are caused by the actions of the judge or any of the parties. Accepting the request for resumption Proceedings from final judgments, although it weakens the rule of validity of the closed case, but on the other hand, it compensates for the effects of judgments that are caused by mistakes. The legislator aims to protect the rights of people who are harmed due to mistakes or mistakes in legal and criminal cases, Following the approval of the new criminal procedure law in ٢٠١٢, in article ٤٧٧,

a new legal establishment was created and another way was provided besides the resumption of general proceedings, and that resumption of special or special proceedings is through the head of the judiciary, which is clearly stated. All final decisions of the judicial authorities (both legal and criminal) if found by the head of the judiciary to be against Sharia, are considered to be a resumption of the proceedings. Is the Supreme Court obliged to follow it? that the examination of various opinions confirms that the special branches of the Supreme Court are not obliged to follow them and can, contrary to the

[١]- Ph.D. Student in Private Law, Islamic Azad University, Qeshm Branch, Qeshm, Iran.

[٢]- Assistant Professor, Department of Law, Raja University, Qazvin, Iran (Corresponding Author) : Alirezarajabzadeh@gmail.com

[٣]- Department of Law, Shahr-e Qods Branch, Islamic Azad University, Shahre Qods, Iran

recognition and instructions of the head of the judiciary that the final decision issued is contrary to Sharia, not recognize and confirm it as contrary to Sharia. What we are facing is what is meant by the phrase "contrary to Sharia Bin"? By searching the old and new laws, the legislator has simply defined it as contrary to the principles of jurisprudence. According to the results, it can be said that in the case of the resumption of special proceedings by the head of the judiciary, the Supreme Court is not obliged to follow it, and the most important basis for accepting the resumption of proceedings through the judiciary is to prevent the implementation of decisions against Sharia. And of course, this matter is objected and criticized because it will cause instability and instability of court rulings and distort judicial security.

**Keywords:** definitive verdict, reinstatement of proceedings, reinstatement of special proceedings, conflict between Sharia, head of the judiciary.

# Analysis of the effect of knowledge-based economy on regional inequality in Iran

Mohammad Ghaffary Fard [١]

benazir mohammadi [٢]

## Abstract

The reduction of regional inequalities is considered one of the important topics in the literature of regional development. Analyzing the impact of knowledge-based economy components on regional inequality in Iran's provinces is a topic that has attracted much attention in recent years. The knowledge-based economy is a new approach in the economy, based on innovation, education, information and technology and the development of economic incentives to produce and provide services in the context of knowledge. This research examines how these components affect regional inequality in Iran's provinces using panel data and fully modified least squares methods by EViews ١٢ software. The results of this research show that innovation, education, technology and information have an effect on reducing regional inequality. Also, the combined index of the knowledge-based economy along with the growth of the GDP reduces the regional inequality, although the increase in the inflation rate exacerbates the inequality, so the policy makers and economic planners in designing and implementing effective policies to reduce the regional inequality in the provinces of Iran should develop the skills of human resources, promote Teaching skills at postgraduate levels, developing parks and growth and technology centers, creating technological infrastructure and supporting start-up businesses, connecting the academic community with industry, and putting monetary and financial discipline on their agenda.

**Key words:** knowledge-based economy, gross domestic product, regional inequality, inflation, province, completely modified least squares.

---

[١]- Associate Professor, Economic Sciences, faculty of economics and management, Ahlul-Bayt International University, Tehran, Iran Email:mghaffaryfard@abu.ac.ir

[٢]-MA of economics, faculty of economics and management, Ahlul-Bayt International University, Tehran, Iran

# Investigating the Role of Rural Tourism in Creating Economic Opportunities: A Study of Villages in the Masuleh Region

Parviz Rafiei Shad[۱]
Valiollah Rostamalizadeh[۲]
Khadijeh Zolghadr[۳]

## Abstract

This study was conducted to analyze the role of rural tourism in creating economic and social opportunities in the region of Masuleh. Tourism has significant impacts on the economic, cultural, and social development of local communities. Masuleh has, in recent decades, become a popular destination for domestic and international tourists, providing new employment opportunities and economic activities for local residents. In this study, qualitative data were collected through individual and group interviews with ۱۵ local stakeholders, officials, and entrepreneurs in the tourism sector and analyzed using thematic analysis. The results indicated that tourism in Masuleh functions beyond a temporary source of income, contributing to the improvement of residents, livelihoods, reduction of out- migration, diversification of economic activities, and enhancement of social capital. In particular, the empowerment of women and youth, active participation in tourism-related businesses, and the strengthening of trust and collective cooperation are among the prominent outcomes of tourism development in the region. The findings also show that tourism has been able to create an organic employment pattern based on local capacities, shifting the traditional livelihood structure- previously centered on agriculture and limited services- toward a service-oriented and sustainable economy. The theoretical analysis of

[۱] - Ph.D student in Sociology, specializing in Social and Rural Development, Department of Sociology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science and Research Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran.
[۲] - Associate Professor, Department of Migration and Urbanization, National Institute for Population Research, Tehran, Iran. (Corresponding Author); v.rostamalizadeh@nipr.ac.ir
[۳] - Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature, Humanities and Social Sciences, Science & Research Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran.

the study, grounded in frameworks of modernization, sustainable development, dependency theory, social capital, empowerment, endogenous development, and local participation, demonstrates that the success of tourism depends on local management, conservation of cultural and natural resources, and participatory planning.This study emphasizes that tourism development should be guided by respect for environmental carrying capacity, preservation of cultural identity, and strengthening of local institutional structures in order to prevent negative consequences such as cultural homogenization, inequality, and social problems. Ultimately, the research highlights the necessity of formulating smart strategies, participatory policymaking, and continuous sustainability assessment in the management of tourism in Masuleh.

**Keywords:** Rural tourism, job creation, sustainable development, Masouleh, empowerment, local participation.

# Innovative Stock Portfolio Optimization: An Integrated Approach Using PSO Algorithm and Worst-Case CVaR with Dynamic Copula for Enhanced Performance

Vahid saee[۱]
Yaghoub Pourkarim[۲]
Seyedali Paytakhti oskoii[۳],
Rasoul Baradaran Hassanzadeh[٤]
Mehdi Zeynali[٥]

**Abstract**

Portfolio optimization is a key concept in investment management that creates an optimal mix of return and risk in asset allocation. Modern Portfolio Theory (MPT), which accounts for correlations between assets and uses mean-variance analysis, is a key step in portfolio construction. However, the realities of the financial markets—which tend to reveal complexities and the need to manage heavy-tail risks and ephemeral dependencies—has prompted the need to develop much richer techniques, such as Conditional Value-at-Risk (CVaR) optimization frameworks and multi-objective processes. In this research, we introduce a new multi-objective model for optimal portfolio selection that utilizes, among other things, dynamic copula approaches to accurately quantify the linear and nonlinear nonparametric dependencies between assets, with the PSO algorithm to optimize the portfolio. This new model incorporates more sophisticated risk management metrics, such as Worst-Case Conditional Value-at-Risk (WCVaR) and expected return, and proposes a methodology for optimizing portfolios in dynamic investment environments. The findings indicate that the proposed model demonstrates significant superiority over classical approaches such as the Markowitz mean-variance model and equally

[۱]- Department of Accounting, Ta.c, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

[۲]- Department of Accounting, Ta.c., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

pour Karim @ iaut.ac.ir

[۳] -Department of Economics, Ta.c., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

[۴]- Department of Accounting, Ta.c., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

[۵] -Department of Accounting, Ta.c., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

weighted portfolios across performance metrics including the risk-adjusted Sharpe ratio and stability during market turbulence. By enabling dynamic asset allocation management and maintaining equilibrium between competing objectives (such as return maximization and risk minimization), this model presents an efficient solution for institutional and professional investors.

**Keywords:** Portfolio Optimization, Mean-Variance Model, Dynamic Copula, Optimization, Metaheuristic Algorithm.

# Thesis title: Developing a local model of crisis journalism in the media to deal with the water crisis

Narges Hosseini[۱]

Bagher Sarukhani[۲]

Omid Ali Masoudi[۳]

## Abstract

The water crisis in Iran is caused by the overexploitation of renewable resources and the significant reduction of surface and groundwater resources, which, despite its widespread consequences, lacks a comprehensive understanding in society. The media, as an influential institution, plays a key role in raising awareness, managing, and preventing the water crisis, and attention to crisis journalism in this area is essential. The aim of this research is to develop a local model of crisis journalism for the media to effectively confront the water crisis in Iran. The integrated research method includes a qualitative part using the Delphi method (۵ rounds, ۱۵ experts including journalists, communication professors, and water experts) to extract indicators and present a conceptual research model, and a quantitative part using the structural equation modeling (SEM) method and the use of the PLS-SEM technique based on data from ٦۰ media experts. The findings show the indigenous model of crisis journalism in five dimensions: sustainable water resources management, prevention and preparedness, culture building and public pressure, media challenges and barriers, and awareness and education. The PLS-SEM results confirm the positive impact of these dimensions on water crisis management with a

[۱]- M.A Student, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Culture and Communication, Soure University, Tehran, Iran.

[۲]- Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Culture and Communication, Soure University, Tehran, Iran (Responsible Author) : saroukhani@soore.ac.ir

[۳]- Professor, Department of Social Communication Sciences, Faculty of Culture and Communication, Soure University, Tehran, Iran.

coefficient of determination of ٠.٦٢٢ $R^2$= and significant relationships (P<٠.٠٥). The dimensions of "sustainable water resources management" and "prevention and preparedness" have the highest positive impact and play a reinforcing role in media alignment. In contrast, the dimension of "media intervention challenges" has a negative relationship with overall performance, which acts as a deterrent in the transmission of management messages and media decision-making. This indigenous model can help improve information dissemination, increase public sensitivity, remove media barriers, and effective policymaking, and elevate the media from informants to governance actors.

**Keywords:** Crisis Journalism, Media, Water Crisis, Crisis Management, Native Model, Crisis Communications.

# The effect of government institutions factors on Islamic banking system operation in IRAN

Nehzat Hosseini Sadr [۱]
Mohammad Reza Nahidi Amir Khiz [۲]
Roya Aleemran [۳]

**Abstract**
Any reforms in the performance of political and institutional indicators, such as improving the efficiency of laws and regulations, establishing the rule of law, providing the necessary security for efficient economic activities, guaranteeing property rights, creating economic and political stability and stability, facilitating regulations in the field of production and trade. The development of economic institutions and economic infrastructures, the creation of a healthy, transparent and competitive environment in the economy and the like, can be considered as effective measures in the field of providing a suitable platform for investment in the Islamic banking system. In this article, the effect of indicators of government institutional factors (right to protest and accountability, political stability without violence, government effectiveness, quality of regulations, rule of law and corruption control) on the performance of the Islamic banking system in Iran during the period of ٤:١٣٧٨ to ٤:١٤٠٠ (based on seasonal data) has been discussed using Markov switching econometric technique. The results of the estimates indicate that among the indicators of institutional factors, in both regimes, the variables of the right to protest and accountability and political stability without violence have a positive effect on Islamic banking contracts. On the other hand, in both regimes, variables of government effectiveness, rule of law and corruption control have a negative effect on Islamic banking contracts. Finally, the quality of regulations in the first regime has a positive effect, but in the second regime, it has a negative effect on Islamic banking contracts.

**Keywords:** Government, institutional factors, Islamic banking, Markov switching.

---

[۱]- Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

[۲]- Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
(Corresponding Author) : nahidi@iau.ac.ir

[۳]- Department of Economics, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

# Phenomenological Study of the Lived Experience of Gender Stereotypes in the Family by Women and Girls in Bandar Lengeh Using Colaizzi's Model

Sadegh Zahmatzad Khori [١]
Alireza Khoddamy[٢]
Keramatollah Rasekh[٣]

## Abstract

The objective of the present research is a phenomenological study of the lived experience of gender stereotypes in the family by women and girls in Bandar Lengeh using Colaizzi's model. For this purpose, the descriptive phenomenological method was used. In the current study, there were no restrictions regarding the location of data collection, and participants were selected from individuals who had lived experience of gender stereotypes. These individuals were women and girls aged ١٥ to ٢٤ from Bandar Lengeh city, who met the entry criteria for the research and were willing to participate in this study. The researcher continued data collection until data saturation was reached. Ultimately, ١٢ individuals participated in this study. Accordingly, based on the first three stages of Colaizzi's method, the concepts inferred from interviews with participants were placed into different codes. In the next stage, an attempt was made to categorize the extracted codes into specific thematic groups. For this purpose, sub-sets were first created, the merging of which formed sub-categories, and from the combination of several sub-categories, the main concepts of the research were ultimately formed. Finally, all inferred concepts were placed into the two core concepts of "Gender Attitude" and "Unequal Position." The results of the research showed: Individuals' belief in gender differences in various abilities and the social division of labor has translated into gender inequality,

١- PhD student , Department of Social Sciences, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran.
٢- Assistant Professor, Department of Social Sciences, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran. (Corresponding author): alirezakhoddamy@yahoo.com.
٣- Assistant Professor, Department of Social Sciences, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran.

and it has always been facilitated by gender stereotypes, enabling gender classification and gender labeling. In Iran's transitional society, with disruptions in the traditional structures and foundations governing society, changes and transformations have occurred in the attitudes and social roles of women and girls. The family and roles within it have undergone significant transformations. The acceptance of gender stereotypes by individuals and the formation of a gender attitude within them can lead them, by adopting a specific attitude and position, to have different feelings, perceptions, and evaluations of social and cultural phenomena and, consequently, to exhibit different and distinct behaviors towards them.

**Keywords:** Gender Stereotype, Lived Experience, Phenomenology, Colaizzi's Model, Women and Girls.

# Presenting a model for developing green employee behavior with a structural-interpretive approach(Case study: General Department of Cooperatives, Labor and Social Welfare of Golestan Province)

Somayeh Abrodi[١]
Roohalla Samiee[٢]
Raziyeh Naderkhani[٣]

## Abstract

The aim of this research was to present a model for developing green employee behavior with a structural-interpretive approach. The present study is applied in terms of purpose and qualitative in terms of method. In the first step, the factors affecting the development of green employee behavior were identified through interviews with ١٠ academic and executive experts. Then, in the second step, the interpretive structural modeling method was used with Excel software to present the model. The results showed that the model for developing green employee behavior includes ١٥ components in the form of ٢ dimensions (education and participation) and has ٩ levels, of which waste management is at the first level, optimal resource consumption is at the second level, green daily habits are at the third level, green encouragement and support is at the fourth level, green collective participation and planning is at the fifth level, green responsibility is at the sixth level, green religious teachings, green culture, green attitude of managers, environmental awareness, green policy-making and environmental synergy are at the seventh level, green human resource management is at the eighth level, and knowledge management is at the ninth level. The results of the Mi'kmaq analysis also showed that green religious teachings, green culture, planning, green attitude of managers, environmental awareness, green policy-making, environmental synergy were in the linked cluster, knowledge management and green human resource management were in the independent cluster, and optimal resource

[١]- Department of Management, AK.C., Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran

[٢]-Department of Management, AK.C., Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran. Roohalla.samiee@iau.ac.ir

[٣]-Department of Statistics, AK.C., Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran

consumption, waste management, green responsibility, green collective participation, green encouragement and support, and green daily habits were in the dependent cluster.

**Keywords:** Green behavior, Cooperative, structural-interpretive.

# Development strategies for managing the challenges of employees with neurodiversity in the Education Organization of Guilan Province with a focus on individuals with attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD)

Kobra Shiikhei[١]
Saeid BagherSalimi[٢]
Morad Rezaei Dizgah [٣]

## Abstract

This study analyzed the challenges and management issues of employees with neurodiversity characteristics, especially attention deficit/hyperactivity disorder (ADHD), in the Education Organization of Guilan Province. The main goal of the study is to identify behavioral problems of employees with ADHD in the workplace and provide effective management solutions to reduce the negative effects of these challenges. The research is qualitative in terms of approach and method. The required data was collected through library and field methods. The data collection tool was interviews. The participants in this study included professors, consultants, managers, bosses, and employees, ٢٨ of whom were selected purposefully. The data were analyzed using meta-synthesis and conventional content analysis. The results showed that various organizational, occupational, individual, and external factors have an impact on the behavioral challenges of employees with ADHD. These factors include an inappropriate work environment, inadequate management styles, and a lack of organizational support. In this regard, the research emphasizes the need to create supportive and flexible work environments, change attitudes and employment policies. The findings indicate that the use of management practices based on understanding the specific needs of this group of employees can help reduce problems and improve their performance. This research ultimately develops models for the optimal management of

١ - Department of Public Administration, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran.
٢ - Department of Public Administration, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran.(Corresponding Author) s.b.salimi@iau.ac.ir
٣ - Department of Public Administration, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran.

employees with neurodiversity in the workplace, especially in the education organization in Guilan province.

**Keywords:** Neurodiversity, Attention Deficit/Hyperactivity Disorder, Human Resource Management, Behavioral Challenges, Organizational Policies.

# The Impact of Truman’s Point Four Program on Iran’s First and Second Development Plans

Nabi Omidi[۱]
Ayoub Menati[۲]

**Abstract**
In the context of Cold War rivalries and Iran's efforts to modernize through centralized planning, this research provides a qualitative analysis of the mutual impacts between Truman's Point Four Program and Iran's First and Second Development Plans. The primary objective is to investigate the depth and nature of these impacts by moving beyond descriptive accounts to focus on institutional and intellectual mechanisms. Employing a historical-documentary method with a hermeneutic approach to interpret archival documents and Plan Organization reports, the study concludes that the Point Four interventions can be categorized into two distinct levels: a 'hardware' level, comprising tangible yet limited projects, and a 'software' level, which, through sending managers abroad and deploying Western consultants, led to the institutionalization of Western managerial and technocratic models within the country's planning structure. Although the financial volume of Point Four aid was limited, it played a significant facilitating role in the implementation of the First and Second Development Plans through the transfer of technical knowledge, human resource training, and the strengthening of planning institutions. In particular, the collaboration of American advisors in the fields of agriculture, health, and education made some of the First Plan's projects operational. The final analysis indicates that the more enduring and decisive legacy of the Point Four program was not its infrastructural projects, but rather its success in shaping a managerial mindset and bureaucratic structure that profoundly influenced Iran's development path in the subsequent decades.

**Keywords:** Truman’s Point Four, Iran’s Development Plans, Modernization Theory, Dependency Theory.

۱- Associate Professor of Management, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payame Noor University(PNU), Tehran, Iran. nabiomidi@pnu.ac.ir
۲- Ayoub Menati: Assistant Professor of Regional Studies, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University, Ilam, Iran

# Providing the ideal model for the internal independence of the auditor

Sanaz Asgari ordaklu[۱]
Rasul Baradaran hassanzadeh[۲]
Heydar Mohammadzadeh salateh[۳]
Akbar Kanani[٤]

## Abstract

Auditing without independence has no meaning and value, and in fact, independence is the essence and spirit of auditing and directly affects the quality of the audit process and his opinion. The concept of independence in auditing standards is the most important audit condition, the lack of which prevents auditors from commenting on Financial statements prohibit. Therefore, the current research was conducted with the aim of designing the optimal model for the internal independence of the auditor. The research method is practical in terms of its purpose and it is considered quantitative in terms of the nature of the research. The statistical population consists of audit managers who have audited at least five listed companies in one year. The statistical sample of the research is based on the relationship of determining the sample size based on the opinion of "Hare" (۲۰۱٤), selection and questionnaire made by the researcher based on interviews. semi-structured questions were compiled with the help of experts, and then to quantitatively evaluate the validity of the content and to ensure that the most important and correct content (necessity of the question) was selected, (the ratio of content validity) and to ensure that the questions of the tool are aimed in the best way To measure the designed content, (content validity index) has been

[۱] -PhD Student, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.
[۲] -Associate Professor, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding Author) drh۳۱۳@gmail.com
[۳]- Associate Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.
[۴]- Assistant Professor, Department of Accounting, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

used. The reliability of the questionnaire was also obtained using Cronbach's alpha. To analyze the data, the methods of confirmatory factor analysis and structural equation model were used with the help of Lisrel and Spss software, and all research hypotheses were confirmed.

**Keywords:** independence, internal independence, auditor.

# Development of Home-Based Businesses in the Border Markets of the Mokran Region

Khan mohammad askani [۱]
Mostafa Azkia [۲]
Meysam Moussaei [۳]
Valiollah Rostamalizadeh [٤]

## Abstract

The aim of the present study was to understand the local community's understanding of the role of border markets in the development of home businesses in the Mokran region. The research method was grounded theory (grounded theory) and the study population included the community of experts, administrators and planners of border markets and home business owners in border markets. In this study, purposive sampling and theoretical saturation index were used to sample the research population. In the present study, interviews were conducted with ۱۲ experts, administrators and planners of border markets and ۸ home business owners in border markets. The information in this study was collected through semi-structured interviews. The collected data was coded, conceptualized and categorized. Then, axial and selective coding was performed and based on the concepts and core categories, subsequent samples were selected for interviews. The results of the study showed that by performing the three stages of open, axial and selective coding, ٦ main categories, ۱۰٤ subcategories and ۳۳۸ concepts were extracted in a central category. The research findings were placed in five axes (causal conditions, intervening conditions and background conditions, strategies and consequences) based on the paradigmatic model of the research. After extracting the main categories in the

[۱]- PhD student in Economic Sociology and Development, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
[۲] - Professor, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran (Responsible author ) mazkia@ut.ac.ir
[۳] - Professor, Faculty of Social Sciences, Department of Social Planning, University of Tehran, Tehran, Iran
[٤] - Associate Professor, Department of Migration and Urbanization, National Institute for Population Research, Tehran, Iran

axial coding stage, the relationship between these categories and their subcategories was designed and revised within the framework of the paradigmatic model. The main categories in the present study are: "services and facilities", "construction of an environmentally friendly resort", "tourism development", "transportation network development", "local participation", "government effectiveness". Finally, the results of the analysis showed that all the main categories are in line with a common process that can be interpreted around the axis of "empowering households through the development of home businesses in border markets".

**Keywords:** Home business development, border markets, Makran region **.**

# Developing a Policy Model for Preventing Elite Migration in the Health Sector

Faezeh Rezaei[۱]
Roohalla Samiee[۲]
Raziyeh Naderkhani[۳]

**Abstract**
The aim of the present study was to present a model for developing a policy to prevent the migration of health professionals. The research method is qualitative and based on the content analysis method. The statistical population of this study included university faculty members and health experts, whose sampling was carried out using a non-probability method in a purposeful manner. Information collection continued until theoretical saturation of the data and ۱۵ semi-structured individual interviews were conducted. The coding process was carried out in three stages: open, axial, and selective, and finally the design of the theme pattern was addressed. A total of ۲۲۵ initial codes were created; Then, due to the large number of codes, all similar codes were placed in their own group based on conceptual and semantic affinity and were reduced to ۲٦ subcategories. Finally, based on secondary key codes, seven main categories were identified, including economic, educational, social, technological, political, behavioral, and ecological. In the next stage, in order to establish a relationship between the concepts produced in the coding stage, the codes and components were entered into the MaxQuda software environment, and a network of themes was drawn and the final model was presented. Finally, to prevent the migration of health elites, it is suggested that organizations provide an attractive and sustainable environment for the activity of valuable human capital by implementing a comprehensive package of financial and support policies.
**Keywords:** Policy, Immigration, Elites, Health.

---

[۱]- Department of Management, AK.C., Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran.
[۲]- Department of Management, AK.C., Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran.
[۳]-.Department of Statistics, AK.C., Islamic Azad University, Aliabad Katoul, Iran

# The Role of Parties in Political Development (A Comparative Study of Iran and France)[۱]

Moustafaa Kavakebyan[۲]
Azim Matin[۳]

## Abstract

Political development is one of the fundamental concepts for understanding the processes of maturation, modernization, and consolidation of political systems, as well as for promoting effective and responsive governance to citizens' demands. Adopting a descriptive–analytical approach within the theoretical framework of modernization and development, this study conducts a comparative analysis of the role of political parties in Iran and France to demonstrate how political ideologies, governmental structures, historical trajectories, and cultural contexts influence the functioning of parties in the process of political development.In France's democratic and secular political system, political parties play a central role in competitive politics, citizen representation, and public policy formulation. These parties reinforce pluralism, ideological diversity, and civic participation, while successfully adapting to social transformations driven by globalization, new technologies, and environmental challenges—thereby maintaining democratic flexibility and resilience.In contrast, in contemporary Iran, political parties operate within an ideological and legal framework grounded in the principles of the Islamic Republic, a system that derives its political legitimacy from religious foundations while imposing certain constraints on party activities. Iranian parties often act as intermediaries between the state and society; however, due to political factionalism, weak institutionalization, and the dominance of jurisprudential and ideological discourses, they have been unable

---

۱-This article is extracted from a PhD dissertation entitled "The Status of Political Development in the Constitution of the Islamic Republic of Iran (From Idea to Practice)."

۲ -Associate Professor of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
۳ -PhD Candidate in Political Science (Iranian Issues), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Corresponding Author: azim_matin@atu.ac.ir

to fully contribute to sustainable political development.This comparative analysis reveals that despite structural and ideological differences, political parties in both countries play a decisive role in deepening political development and mediating state–society relations. Yet, the trajectory and effectiveness of this role vary depending on each system's type of political order and its sources of legitimacy.

**Keywords:** Political development, parties, democratic, Islamic Republic of Iran, France.

# Investigating Factors Affecting Water Consumption Management Using the Delphi Method in the Central Catchment Area of Zanjan Province

Hadi Yasser[۱]
Mozafaraddin Shahbazi[۲]
Meisham Moussai[۳]

## Abstract

Introduction: The water crisis has become one of Iran's fundamental challenges, and the central catchment area of Zanjan province is no exception. Improper water consumption management, particularly in the agricultural sector, has exacerbated this crisis. Understanding the social, cultural, managerial, and legal factors affecting this management is an essential step towards finding sustainable solutions.

Objective: This study aimed to identify and prioritize the key factors affecting water consumption management in the central catchment area of Zanjan from the experts' perspective and to present a sociological model based on the qualitative findings.

Methods: This qualitative research was conducted using the classical Delphi technique in three rounds. The statistical population consisted of ۳۰ managers, senior experts from the Agricultural Jihad Organization, the Regional Water Company, and expert farmers in Zanjan province, who were selected purposively. Data collection tools were open and semi-open questionnaires, completed in three stages, and the results were analyzed using qualitative content analysis techniques and frequency percentage.

Results: Based on the findings from the three Delphi rounds,

[۱]- PhD student of sociology, economic and development orientation, Faculty of Humanities and Social Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

[۲] - Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty Member, Faculty of Humanities and Arts, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (corresponding author)(m.shahbazi@iauz.ac.ir)

[۳] - Professor of Sociology Department, Faculty Member of Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

effective factors were categorized into ۱۰main categories: ۱. Incomplete and contradictory approved laws ( %۹۳confirmation frequency), ۲. Weakness in governance and institutional coordination (%۸۷), ۳. Lack of social and economic motivation among beneficiaries (%۸۳), ٤. Low cultural capital and awareness (%۸۰), ٥. Existence of incorrect local rules and habits (%۷۷), ٦. Technical and infrastructural weaknesses (%۷۳), .۷ Insufficient expertise and commitment in human resources (%۷۰), ۸. Lack of effective local leadership (%٦۷), ۹. Lack of social participation (%٦۳), and ۱۰. Weakness in dealing with violators (%٦۰). These categories represent various dimensions affecting water consumption management in the region.

Conclusion: The results indicate that resolving the water crisis in the region is not feasible through technical measures alone and requires simultaneous attention to social, cultural, managerial, and legal factors. A fundamental revision of laws, strengthening integrated water governance, investing in education and enhancing cultural capital, and utilizing local leaders can lead to improved water consumption management in the central catchment area of Zanjan.

**Keywords:** Water Consumption Management, Delphi Method, Social Factors, Central Catchment Area, Zanjan.

# The Analysis of Organizational Well-being based on Benevolent Leadership with Mediating Role of Resilience in the Well-Being Organization and Providing a Model

Fatemeh Bakhshayeshi[١]
Zarrin Daneshvar Heris[٢]
Jahangir Yari Hajatalo[٣]

## Abstract

The present article was done with the aim to analyze an organizational well-being based on benevolent leadership with mediating role of resilience in the well-being organization and proving a model. The statistical population consisted of all employees of north- west well-being organization during ٢٠٢٣; among them ٣٢٧ employees were selected in cluster random way Through Cochran formula as the sample case of study. The method was quantitative correlation and the data was gathered in survey method. The research instruments were questionnaires of Shultz (٢٠٠٨) for organizational well-being, Karakas and Sarigollu (٢٠١٢) for benevolent leadership and McManus (٢٠٠٨) questionnaire of organizational resilience. The validity of test was estimated through content validity and the reliability was evaluated and approved through Cronbach Alpha Coefficient. In order to test research hypothesis, the Pearson Correlation Coefficient, Linear and Multiple Regression tests, path analysis and structural equitation modeling through SPSS ٢٥ and AMOS ٢٤ soft wares were applied. The obtained results revealed that benevolent leadership has a meaningful effect on organizational organizational well-being of employees. Organizational resilience has a meaningful relation with employees' organizational well-being, as well. Also, benevolent leadership has a meaningful effect on employees' organizational resilience. In fact, benevolent leadership has a meaningful effect on employees' organizational well-being, with mediating role of organizational

[١] - Department of Educational Sciences, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.
[٢] - Department of Educational sciences, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding author). E-mail: zarrindaneshvarheris@iau.ac.ir
[٣] - Department of Educational sciences, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran

resilience, and also can explain ٤٢٪ of it. The provided model has the ability of fitting, too.

**Keywords:** Organizational Well-being, Benevolent leadership, Organizational Resilience, Organizational Health, Employees.

# Validation of the safe school model for primary schools

Monireh Moghaddam[۱]
Jafar Ghahremani [۲]
Mohammad Hassani[۳]

## Abstract

Education plays a vital role in providing qualified human resources for society and performs various educational and social functions. The effectiveness and efficiency of educational systems are among the major priorities of every country. Safe schools provide a positive atmosphere and a supportive culture for students and staff, enabling administrators, teachers, and students to perform their roles effectively and participate in the learning process with confidence and security.

The present study aimed to validate the Safe School Model for primary schools. The statistical population of the quantitative phase consisted of all primary school teachers in West Azerbaijan Province. Using a multistage cluster sampling method and the Krejcie–Morgan table, ۳۹۰ teachers were selected as the study sample. Data were collected through a researcher-made questionnaire. The validity and reliability of the instrument were confirmed through expert judgment and Cronbach's alpha coefficient.

The findings identified six dimensions of a safe school, including physical security, emotional–psychological security, social security, environmental security, educational security, and teacher non-violence. The proposed model was examined using Structural Equation Modeling (SEM), and the results confirmed the validity and fitness of the Safe School Model for Primary Schools.

**Keywords:** Safe School, Primary Schools, Physical Se curity, Educational Security, Teacher Non-Violence.

[۱]- PhD Student in Educational Management, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.

[۲]- Assistant Professor, Department of Educational Management, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran (Corresponding Author) Jafarmn۲۱@yahoo.com

[۳]- Professor, Department of Education, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran.

# The Effect of Knowledge Management and Intellectual Capital on Innovation and Competitive Advantage with the Role of Organizational Learning and Differentiation Strategy: Using the Resource Coordination Perspective

**A Case Study of Payam Noor University of Bandar Abbas**

Amir Abbas Nasir [۱]
Emad Kamal[۲]

**Abstract**

This study aimed to investigate the effect of knowledge management and intellectual capital on competitive advantage along with the effect of innovation, learning, and differentiation strategy variables in the organization. The statistical population of the study included ۲۵۰ employees of Payam Noor University of Bandar Abbas, of which ۱۵۲ were estimated as the research sample based on the Cochran table. The research questionnaire was collected by simple random sampling from the estimated number of samples from the statistical population and was statistically analyzed. The validity of the problem was examined and confirmed using the Freonel Larkers matrix tool and the reliability of the questionnaire was examined and confirmed using the Cronbach's alpha test. The normality of the data distribution was also proven by calculating the coefficients of elongation and skewness, and the research hypotheses were examined using the path coefficient analysis and t-statistics. The findings indicated a positive and significant effect of intellectual capital on competitive advantage and innovation, knowledge management on competitive advantage, innovation, organizational learning and differentiation strategy, as well as a positive and significant effect of differentiation strategy on competitive advantage, as well as organizational learning on innovation and competitive advantage, and finally a positive and significant effect of innovation on differentiation strategy.

**Keywords:** Innovation, Knowledge Management, Intellectual Capital, Competitive Advantage, Differentiation Strategy, Learning.

[۱]- *Assistant Professor, department of Management, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran* a_nasiri@pnu.ac.ir
[۲]- *Master's degree in Knowledge management.*